

پیران و کلمات

تفسیر منظوم آیات ولایت در قرآن مبین

میرزا محمد باقر خراسانی

مطبع: دارالکتب و نشریات اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیوان ولایت: تفسیر موضوعی و منظوم آیات ولایت در قرآن مبین

نویسنده:

محمد روزبهانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی شیعه شناسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۱	دیوان ولایت: تفسیر موضوعی و منظوم آیات ولایت در قرآن مبین
۳۱	مشخصات کتاب
۳۱	اشاره
۳۵	فهرست مطالب
۳۷	مقدمه استاد انصاری بویراحمدی
۴۱	تقدیم
۴۳	درآمد
۴۵	صورت آیات در حال نزول
۴۶	نام مبارک علی در قرآن
۴۸	تفسیر و تأویل قرآن کریم
۴۸	دوم زیارت از آیات قرآنی
۵۱	تفسیر قرآن
۵۱	اشاره
۵۲	۱-سوره مبارکه ی فاتحه الكتاب
۵۶	۲-سوره مبارکه ی بقره
۹۰	۳-سوره مبارکه ی آل عمران
۱۴۲	۴-سوره مبارکه ی نساء
۱۵۴	۵-سوره مبارکه ی مائده
۱۷۴	۶-سوره مبارکه ی انعام
۱۸۶	۷-سوره مبارکه ی اعراف
۱۹۴	۸-سوره مبارکه ی انفال
۲۰۶	۹-سوره مبارکه ی توبه
۲۱۶	۱۰-سوره مبارکه ی یونس

۲۲۲	سوره مبارکه ی هود
۲۲۶	سوره مبارکه ی یوسف
۲۳۲	سوره مبارکه ی رعد
۲۳۸	سوره مبارکه ی ابراهیم
۲۴۲	سوره مبارکه ی حجر
۳۰۲	سوره مبارکه ی نحل
۳۰۶	سوره مبارکه ی اُشراء
۳۲۰	سوره مبارکه ی کُھف
۳۳۰	سوره مبارکه ی مریم
۳۴۲	سوره مبارکه ی طاهّا
۳۴۶	سوره مبارکه ی انبیاء
۳۵۲	سوره مبارکه ی حج
۳۶۲	سوره مبارکه ی مؤمتون
۳۶۶	سوره مبارکه ی نور
۳۷۶	سوره مبارکه ی فُرقان
۳۸۰	سوره مبارکه ی شعراء
۳۸۸	سوره مبارکه ی نمل
۳۹۲	سوره مبارکه ی قصص
۳۹۶	سوره مبارکه ی عنکبوت
۴۰۴	سوره مبارکه ی روم
۴۴۲	سوره مبارکه ی لقمان
۴۴۸	سوره مبارکه ی سجده
۴۵۲	سوره مبارکه ی احزاب
۴۹۴	سوره مبارکه ی سبا
۵۰۰	سوره مبارکه ی فاطر
۵۱۸	سوره مبارکه ی یاسین

۵۲۴	سوره مبارکه ی صافات
۵۲۸	سوره مبارکه ی ص
۵۳۰	سوره مبارکه ی زُمر
۵۴۲	سوره مبارکه ی مؤمن
۵۴۸	سوره مبارکه ی فُصِّلَتْ
۵۴۸	سوره مبارکه ی شُوری
۵۵۲	سوره مبارکه ی زُخْرُفُ
۵۶۶	سوره مبارکه ی دُخان
۵۷۰	سوره مبارکه ی جاثیه
۵۷۲	سوره مبارکه ی أَخْفَاف
۵۷۳	سوره مبارکه ی محمّد
۵۷۷	سوره مبارکه ی فتح
۵۸۱	سوره مبارکه ی حُجْرَات
۵۸۵	سوره مبارکه ی ق
۵۹۱	سوره مبارکه ی النَّارِیَات
۵۹۵	سوره مبارکه ی طور
۵۹۷	سوره مبارکه ی نجم
۶۰۳	سوره مبارکه ی قمر
۶۰۷	سوره مبارکه ی الرَّحْمَن
۶۱۱	سوره مبارکه ی واقعه
۶۲۷	سوره مبارکه ی حدید
۶۳۷	سوره مبارکه ی مُجَادِلَه
۶۴۱	سوره مبارکه ی حَشْر
۶۵۳	سوره مبارکه ی مُمْتَحَنَه
۶۵۵	سوره مبارکه ی صف
۶۶۱	سوره مبارکه ی جمعه

- ٦٦٥ ٦٣-سوره مبارکه ی مُنَافِقُونَ
- ٦٦٦ ٦٤-سوره مبارکه ی تَغَابِنِ
- ٦٦٨ ٦٥-سوره مبارکه ی طَلَقِ
- ٦٧٢ ٦٦-سوره مبارکه ی تَحْرِيمِ
- ٦٧٤ ٦٧-سوره مبارکه ی مُلْكِ
- ٦٧٦ ٦٨-سوره مبارکه ی قَلَمِ
- ٦٨٤ ٦٩-سوره مبارکه ی حَاقَّةِ
- ٦٨٦ ٧٠-سوره مبارکه ی مَعَارِجِ
- ٦٨٨ ٧١-سوره مبارکه ی نوحِ
- ٦٩٤ ٧٢-سوره مبارکه ی جِنِّ
- ٦٩٨ ٧٣-سوره مبارکه ی مُرْمَلِ
- ٦٩٨ ٧٤-سوره مبارکه ی مَدَّيْنِ
- ٧٠٢ ٧٥-سوره مبارکه ی قِيَامَتِ
- ٧٠٤ ٧٦-سوره مبارکه ی اِنْسَانِ
- ٧١٠ ٧٧-سوره مبارکه ی مُرْسَلَاتِ
- ٧١٢ ٧٨-سوره مبارکه ی نَبَاِ
- ٧٢٦ ٧٩-سوره مبارکه ی نَارِ عَاتِ
- ٧٣٢ ٨٠-سوره مبارکه ی عَبَسَ
- ٧٣٤ ٨١-سوره مبارکه ی تَكْوِيْرِ
- ٧٤٢ ٨٢-سوره مبارکه ی اِنْفِطَارِ
- ٧٤٤ ٨٣-سوره مبارکه ی مُطَفِّفِيْنَ
- ٧٥٢ ٨٤-سوره مبارکه ی اِنشِقَاقِ
- ٧٥٦ ٨٥-سوره مبارکه ی بُرُوجِ
- ٧٦٢ ٨٦-سوره مبارکه ی طَارِقِ
- ٧٦٦ ٨٧-سوره مبارکه ی اُغْلٰى
- ٧٧٠ ٨٨-سوره مبارکه ی غَاشِيَةِ

۷۸۸	۸۹-سوره مبارکه ی فجر
۸۰۲	۹۰-سوره مبارکه ی بَلَد
۸۱۰	۹۱-سوره مبارکه ی شمس
۸۱۶	۹۲-سوره مبارکه ی لیل
۸۲۲	۹۳-سوره مبارکه ی ضحی
۸۲۶	۹۴-سوره مبارکه ی اِنشِرَاح
۸۳۰	۹۵-سوره مبارکه ی تین
۸۳۴	۹۶-سوره مبارکه ی عَلَق
۸۴۲	۹۷-سوره مبارکه ی قَدَر
۸۵۴	۹۸-سوره مبارکه ی بَيِّنَه
۸۶۲	۹۹-سوره مبارکه ی زُلْزَلَه
۸۶۶	۱۰۰-سوره مبارکه ی عَادِيَات
۸۸۰	۱۰۱-سوره مبارکه ی قَارِعَه
۸۸۴	۱۰۲-سوره مبارکه ی تَكْوِيْن
۸۸۸	۱۰۳-سوره مبارکه ی عَصْر
۸۹۲	۱۰۴-سوره مبارکه ی هُمَزَه
۸۹۴	۱۰۵-سوره مبارکه ی فیل
۸۹۶	۱۰۶-سوره مبارکه ی قُرَيْش
۸۹۸	۱۰۷-سوره مبارکه ی مَاعُون
۹۰۲	۱۰۸-سوره مبارکه ی کُوثر
۹۱۸	۱۰۹-سوره مبارکه ی کَافِرُون
۹۲۰	۱۱۰-سوره مبارکه ی نَصْر
۹۲۶	۱۱۱-سوره مبارکه ی مَسَد
۹۲۸	۱۱۲-سوره مبارکه ی اِخْلَاص
۹۴۸	۱۱۳-سوره مبارکه ی فَلَاق
۹۵۴	۱۱۴-سوره مبارکه ی نَاس

۹۷۱	اسناد دیوان ولایت
۹۷۱	اشاره
۹۷۱	تذکر در مورد اسناد
۹۷۱	اشاره
۹۷۲	۱-سوره مبارکه ی فاتحه‌الکتاب
۹۷۲	آیات ۶-۵-۴-۳-۲-۱ - ص ۲۲
۹۷۳	آیه ۷- ص ۲۳
۹۷۵	۲-سوره مبارکه ی بقره
۹۷۵	آیات ۱-۲- ص ۲۴
۹۷۵	آیه ۳- ص ۲۴
۹۷۶	آیه ۱۴- ص ۲۵
۹۷۶	آیات ۳۰-۳۱-۳۳-۳۴- ص ۲۵ و ۲۶
۹۷۶	آیه ۳۷- ص ۲۶
۹۷۷	آیه ۴۰- ص ۲۶
۹۷۷	آیه ۴۳- ص ۲۷
۹۷۷	آیه ۵۸- ص ۲۷
۹۷۹	آیه ۵۹- ص ۲۷
۹۷۹	آیه ۸۱- ص ۲۸
۹۷۹	آیه ۸۳- ص ۲۸
۹۷۹	آیه ۱۰۴- ص ۲۹
۹۷۹	آیات ۱۲۵-۱۲۶- ص ۲۹
۹۸۰	آیه ۱۳۶- ص ۳۰
۹۸۰	آیه ۱۳۸- ص ۳۰
۹۸۰	آیات ۱۴۲-۱۴۳- ص ۳۰
۹۸۰	آیه ۱۴۹- ص ۳۰
۹۸۰	آیه ۱۵۴- ص ۳۱

۹۸۲	آیه ۱۵۵ - ص ۳۱
۹۸۲	آیه ۱۵۶ - ص ۳۲
۹۸۲	آیه ۱۵۹ - ص ۳۲
۹۸۲	آیه ۱۷۳ - ص ۳۲
۹۸۳	آیه ۱۸۶ - ص ۳۳
۹۸۳	آیه ۱۸۹ - ص ۳۳
۹۸۳	آیه ۲۰۷ - ص ۳۴
۹۸۴	آیه ۲۰۸ - ص ۳۵
۹۸۶	آیه ۲۵۳ - ص ۳۵
۹۸۶	آیه ۲۵۵ - ص ۳۶
۹۸۸	آیه ۲۵۶ - ص ۴۰
۹۹۰	آیه ۲۵۷ - ص ۴۰
۹۹۰	آیه ۲۶۹ - ص ۴۰
۹۹۰	آیه ۲۷۴ - ص ۴۱
۹۹۴	۳-سوره مبارکه ی آل عمران
۹۹۴	آیه ۷ - ص ۴۲
۹۹۴	آیه ۱۹ - ص ۴۳
۹۹۴	آیه ۳۱ - ص ۴۴
۹۹۵	آیه ۳۲ - ص ۴۴
۹۹۵	آیه ۳۳ - ۳۴ - ص ۵۱
۹۹۷	آیه ۴۲ - ص ۵۱
۹۹۷	آیه ۴۳ - ص ۵۱
۹۹۷	آیه ۶۱ - ص ۵۲
۱۰۰۱	آیه ۶۸ - ص ۵۳
۱۰۰۳	آیه ۷۷ - ص ۵۳
۱۰۰۳	آیه ۸۱ - ص ۵۳

۱۰۰۳	آیه ۸۳ - ص ۵۴
۱۰۰۵	آیه ۸۵ - ص ۵۵
۱۰۰۵	آیه ۱۰۳ - ص ۵۸
۱۰۰۷	آیه ۱۱۰ - ص ۵۹
۱۰۰۷	آیه ۱۲۲ - ص ۶۲
۱۰۰۹	آیه ۱۲۸ - ص ۶۳
۱۰۰۹	آیه ۱۴۴ - ص ۶۳
۱۰۱۱	آیه ۱۵۷ - ص ۶۴
۱۰۱۱	آیه ۱۶۲ - ص ۶۴
۱۰۱۱	آیه ۱۷۱ - ص ۶۵
۱۰۱۲	آیه ۱۷۲ - ص ۶۵
۱۰۱۲	آیه ۱۸۵ - ص ۶۶
۱۰۱۲	آیه ۱۹۵ - ص ۶۶
۱۰۱۲	آیه ۱۹۸ - ۲۰۰ - ص ۶۶
۱۰۱۳	۴-سوره مبارکه ی نساء
۱۰۱۳	آیه ۱ - ۳۶ - ص ۶۷
۱۰۱۴	آیه ۴۱ - ص ۶۸
۱۰۱۴	آیه ۴۷ - ص ۶۸
۱۰۱۴	آیه ۵۴ - ص ۶۸
۱۰۱۶	آیه ۵۸ - ص ۶۸
۱۰۱۸	آیه ۵۹ - ص ۶۹
۱۰۲۰	آیه ۶۹ - ص ۷۱
۱۰۲۲	آیه ۱۵۹ - ص ۷۲
۱۰۲۲	آیه ۱۶۵ - ص ۷۲
۱۰۲۴	آیه ۱۶۶ - ص ۷۲
۱۰۲۴	آیه ۱۶۸ - ص ۷۲

آیه ۱۷۰ - ص ۷۳ ۱۰۲۴

آیه ۱۷۴ - ص ۷۳ ۱۰۲۴

آیه ۱۷۵ - ص ۷۳ ۱۰۲۵

۵-سوره مبارکه ی مائده ۱۰۲۵

آیه ۱ - ۳ - ص ۷۴ ۱۰۲۵

آیه ۵ - ۱۳ - ۱۴ - ص ۷۶ ۱۰۲۸

آیه ۱۶ - ۳۵ - ص ۷۷ ۱۰۲۸

آیه ۵۴ - ص ۷۷ ۱۰۳۰

آیه ۵۵ - ص ۷۸ ۱۰۳۰

آیه ۵۶ - ص ۷۹ ۱۰۳۴

آیه ۶۷ - ص ۷۹ ۱۰۳۴

آیه ۷۰ - ۸۷ - ۸۸ - ۹۰ - ۱۱۴ - ص ۸۱ ۱۰۳۶

۶-سوره مبارکه ی انعام ۱۰۳۸

آیه ۱ - ۲ - ۱۹ - ص ۸۳ ۱۰۳۸

آیه ۴۴ - ص ۸۳ ۱۰۳۸

آیه ۵۴ - ۵۹ - ص ۸۳-۸۴ ۱۰۳۸

آیه ۱۲۲ - ص ۸۶ ۱۰۳۹

آیه ۱۴۹ - ص ۸۶ ۱۰۳۹

آیه ۱۵۳ - ص ۸۶ ۱۰۳۹

آیه ۱۵۸ - ص ۸۷ ۱۰۴۱

آیه ۱۵۹ - ص ۸۸ ۱۰۴۱

آیه ۱۶۰ - ص ۸۸ ۱۰۴۱

آیه ۱۶۴ - ص ۸۹ ۱۰۴۲

۷-سوره مبارکه ی اعراف ۱۰۴۲

آیه ۴۳ - ص ۹۰ ۱۰۴۲

آیه ۴۴ - ص ۹۰ ۱۰۴۲

- آیه ۴۶ - ص ۹۰ ۱۰۴۳
- آیه ۱۰۲ - ص ۹۲ ۱۰۴۵
- آیه ۱۰۸ - ص ۹۲ ۱۰۴۵
- آیه ۱۸۱ - ص ۹۳ ۱۰۴۷
- ۸-سوره مبارکه ی انفال ۱۰۴۹
- آیه ۱ - ص ۹۳ ۱۰۴۹
- آیه ۹ - ص ۹۴ ۱۰۵۱
- آیه ۱۷ - ۲۴ - ص ۹۵ ۱۰۵۱
- آیه ۲۵ - ص ۹۶ ۱۰۵۱
- آیه ۳۰ - ص ۹۷ ۱۰۵۳
- آیه ۴۰ - ص ۹۸ ۱۰۵۳
- آیه ۴۱ - ص ۹۸ ۱۰۵۵
- آیه ۶۲ - ص ۹۸ ۱۰۵۷
- آیه ۶۴ - ص ۹۸ ۱۰۵۷
- آیه ۷۵ - ص ۹۹ ۱۰۵۹
- ۹-سوره مبارکه ی توبه ۱۰۶۰
- آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۹۹ و ۱۰۰ ۱۰۶۰
- آیه ۱۹ - ص ۱۰۰ ۱۰۶۲
- آیه ۲۰ - ص ۱۰۰ ۱۰۶۴
- آیه ۲۱ - ۲۲ - ص ۱۰۰ و ۱۰۱ ۱۰۶۴
- آیه ۲۳ - ص ۱۰۱ ۱۰۶۴
- آیه ۳۲ - ص ۱۰۱ ۱۰۶۴
- آیه ۳۳ - ص ۱۰۱ ۱۰۶۵
- آیه ۳۶ - ۷۰ - ص ۱۰۱ ۱۰۶۵
- آیه ۷۱ - ۷۲ - ۱۰۰ - ۱۰۵ - ص ۱۰۲ ۱۰۶۷
- آیه ۱۰۵ - ۱۱۹ - ص ۱۰۳ - ۱۰۲ ۱۰۶۷

آیه ۱۱۹ - ص ۱۰۳	۱۰۶۹
۱۰-سوره مبارکه ی یونس	۱۰۷۱
آیه ۱۵ - ص ۱۰۵	۱۰۷۱
آیه ۲۵ - ص ۱۰۵	۱۰۷۱
آیه ۳۵ - ص ۱۰۵	۱۰۷۲
آیه ۵۸ - ص ۱۰۵	۱۰۷۲
آیه ۶۲ - ص ۱۰۵	۱۰۷۴
آیه ۶۳ - ص ۱۰۶	۱۰۷۶
آیه ۶۴ - ص ۱۰۶	۱۰۷۶
آیه ۹۴ - ص ۱۰۶	۱۰۷۸
۱۱-سوره مبارکه ی هود	۱۰۷۸
آیه ۱ - ۳ - ص ۱۰۷	۱۰۷۸
آیه ۵ - ۶ - ص ۱۰۷	۱۰۸۰
آیه ۸ - ص ۱۰۸	۱۰۸۰
آیه ۱۷ - ص ۱۰۸	۱۰۸۰
آیه ۸۶ - ص ۱۰۸	۱۰۸۳
۱۲-سوره مبارکه ی یوسف	۱۰۸۳
آیه ۱ - ص ۱۰۹ و آیات فراوانی از سوره مبارکه ی یوسف به شعر در آمده است:	۱۰۸۳
۱۳-سوره مبارکه ی رعد	۱۰۸۴
آیه ۴ - ص ۱۱۲	۱۰۸۴
آیه ۷ - ص ۱۱۲	۱۰۸۶
آیه ۱۹ - ص ۱۱۳	۱۰۸۸
آیه ۲۰ - ص ۱۱۳	۱۰۹۰
آیه ۲۸ - ص ۱۱۳	۱۰۹۰
آیه ۲۹ - ص ۱۱۳	۱۰۹۲
آیه ۴۳ - ص ۱۱۵	۱۰۹۴

۱۰۹۶	۱۴-سوره مبارکه ی ابراهیم
۱۰۹۶	آیه ۱ - ۵ - ص ۱۱۵
۱۰۹۷	آیه ۲۴ - ص ۱۱۶
۱۰۹۷	آیه ۲۵ - ۲۷ - ص ۱۱۶
۱۰۹۹	آیه ۲۸ - ۳۲ - ص ۱۱۶
۱۰۹۹	آیه ۳۶ - ص ۱۱۷
۱۱۰۱	آیه ۳۷ - ص ۱۱۷
۱۱۰۱	۱۵-سوره مبارکه ی حجر
۱۱۰۱	اشاره
۱۱۰۲	آیه ۴۱ - ص ۱۱۸ تا ۱۲۱ و...
۱۱۰۲	آیه ۴۷ - ص ۱۴۵
۱۱۰۲	آیه ۷۵ - ص ۱۴۶
۱۱۰۴	۱۶-سوره مبارکه ی نحل
۱۱۰۴	آیه ۱ - ۲ - ص ۱۴۷
۱۱۰۶	آیه ۱۶ - ص ۱۴۷
۱۱۰۸	آیه ۴۳ - ص ۱۴۷
۱۱۰۸	آیه ۷۶ - ص ۱۴۸
۱۱۱۰	آیه ۸۳ - ص ۱۴۸
۱۱۱۲	آیه ۸۹ - ص ۱۴۸
۱۱۱۲	آیه ۹۰ - ص ۱۴۸
۱۱۱۴	آیه ۱۰۶ - ص ۱۴۹
۱۱۱۴	۱۷-سوره مبارکه ی اسراء
۱۱۱۴	آیه ۱ - ص ۱۴۹
۱۱۱۷	آیه ۴ - ص ۱۵۱
۱۱۱۷	آیه ۹ - ص ۱۵۱
۱۱۱۷	آیه ۲۶ - ص ۱۵۲

- آیه ۳۳- ص ۱۵۲ ۱۱۲۱
- آیه ۷۰- ۷۱- ص ۱۵۳ ۱۱۲۱
- آیه ۷۸- ۷۹- ص ۱۵۴ ۱۱۲۳
- آیه ۸۱- ص ۱۵۶ ۱۱۲۵
- آیه ۸۲- ص ۱۵۶ ۱۱۲۵
- ۱۸-سوره مبارکه ی کهف ۱۱۲۵
- آیه ۹- ص ۱۵۷ ۱۱۲۵
- آیه ۲۹- ص ۱۵۷ ۱۱۲۷
- آیه ۴۴- ص ۱۵۷ ۱۱۲۷
- آیه ۱۱۰- ص ۱۶۱ ۱۱۲۹
- ۱۹-سوره مبارکه ی مریم ۱۱۲۹
- آیه ۱- ص ۱۶۱ ۱۱۲۹
- آیه ۲- ۷- ص ۱۶۳ ۱۱۳۱
- آیه ۱۲- ۱۵- ۳۰- ۳۳- ص ۱۶۴ ۱۱۳۱
- آیه ۴۹- ۵۰- ص ۱۶۵ ۱۱۳۱
- آیه ۷۳- ص ۱۶۵ ۱۱۳۳
- آیه ۸۷- ص ۱۶۵ ۱۱۳۳
- آیه ۹۶- ص ۱۶۵ ۱۱۳۳
- آیه ۹۷- ص ۱۶۶ ۱۱۳۶
- ۲۰-سوره مبارکه ی طها ۱۱۳۷
- آیه ۱- ۲- ۴- ۸- ۱۲- ص ۱۶۷ ۱۱۳۷
- آیه ۱۴- ۵۴- ص ۱۶۸ ۱۱۳۷
- آیه ۸۲- ص ۱۶۸ ۱۱۳۷
- آیه ۱۲۴- ص ۱۶۸ ۱۱۳۸
- آیه ۱۲۵- ص ۱۶۹ ۱۱۴۰
- ۲۱-سوره مبارکه ی انبیاء ۱۱۴۰

آیه ۱ - ۱۰ - ص ۱۶۹	۱۱۴۰
آیه ۷۳ - ص ۱۶۹	۱۱۴۰
آیه ۱۰۱ - ص ۱۷۱	۱۱۴۱
آیه ۱۰۵ - ص ۱۷۲	۱۱۴۱
سوره مبارکه ی حج - ص ۱۷۲	۱۱۴۳
آیه ۱۹ - ص ۱۷۲	۱۱۴۳
آیات ۲۴ - ۳۴ - ۳۵ - ص ۱۷۴	۱۱۴۵
آیه ۳۸ - ص ۱۷۴	۱۱۴۷
آیه ۳۹ - ص ۱۷۴	۱۱۴۷
آیه ۴۱ - ص ۱۷۵	۱۱۴۷
آیه ۵۲ - ص ۱۷۶	۱۱۴۸
سوره مبارکه ی مؤمنون - ص ۱۷۷ - ۱۷۸	۱۱۴۸
آیه ۱ - ۲ - ۴ - ۱۴ - ۷۳ - ص ۱۷۷ - ۱۷۸	۱۱۴۸
آیه ۷۴ - ص ۱۷۸	۱۱۵۰
سوره مبارکه ی نور - ص ۱۷۹	۱۱۵۰
آیه ۱۰ - ص ۱۷۹	۱۱۵۰
آیه ۳۵ - ص ۱۷۹	۱۱۵۰
آیه ۳۶ - ص ۱۸۲	۱۱۵۱
آیه ۴۰ - ص ۱۸۳	۱۱۵۳
آیه ۵۵ - ص ۱۸۳	۱۱۵۳
سوره مبارکه ی فرقان - ص ۱۸۴	۱۱۵۵
آیه ۲۷ - ص ۱۸۴	۱۱۵۶
آیه ۵۴ - ص ۱۸۴	۱۱۵۷
آیه ۷۴ - ص ۱۸۵	۱۱۵۹
سوره مبارکه ی شعراء - ص ۱۸۶	۱۱۵۹
آیه ۸۴ - ص ۱۸۶	۱۱۵۹

- آیه ۲۱۴ - ص ۱۸۶ ۱۱۶۱
- آیه ۲۲۷ - ص ۱۸۸ ۱۱۶۳
- ۲۷-سوره مبارکه ی نمل ۱۱۶۵
- آیه ۱ - ۲۶ - ۴۰ - ۶۲ - ص ۱۹۱ - ۱۹۰ ۱۱۶۵
- آیه ۸۹ - ص ۱۹۱ ۱۱۶۵
- آیه ۹۰ - ص ۱۹۲ ۱۱۶۶
- ۲۸-سوره مبارکه ی قصص ۱۱۶۸
- آیه ۱ - ۵ - ص ۱۹۳ - ۱۹۲ ۱۱۶۸
- آیه ۵۱ - ص ۱۹۳ ۱۱۶۸
- آیه ۶۱ - ۷۰ - ص ۱۹۳ ۱۱۷۰
- ۲۹-سوره مبارکه ی عنکبوت ۱۱۷۲
- آیات ۱ - ۲ - ۴۱ - ص ۱۹۴ ۱۱۷۲
- آیه ۴۸ - ص ۱۹۵ ۱۱۷۲
- آیه ۴۹ - ص ۱۹۷ ۱۱۷۴
- آیه ۶۹ - ص ۱۹۷ ۱۱۷۶
- ۳۰-سوره مبارکه ی روم ۱۱۷۶
- آیه ۱ - ۲۷ - ۳۰ - ص ۱۹۸ ۱۱۷۶
- آیه ۳۷ - ۳۸ - ص ۱۹۹ ۱۱۷۸
- ۳۱-سوره مبارکه ی لقمان ۱۱۸۰
- آیه ۲۰ - ص ۲۱۷ ۱۱۸۰
- آیه ۲۲ - ص ۲۱۸ ۱۱۸۲
- آیات ۲۶ - ۲۷ - ص ۲۱۹ ۱۱۸۲
- ۳۲-سوره مبارکه ی سجده ۱۱۸۲
- آیه ۱۸ - ص ۲۲۱ ۱۱۸۲
- ۳۳-سوره مبارکه ی احزاب ۱۱۸۶
- آیه ۴ - ص ۲۲۲ ۱۱۸۶

۱۱۸۶	آیه ۶ - ص ۲۲۲
۱۱۸۸	آیه ۱۰ - ۲۱ - ص ۲۲۴
۱۱۸۸	آیه ۲۳ - ص ۲۲۵
۱۱۹۲	آیه ۲۵ - ص ۲۲۶
۱۱۹۵	آیه ۳۳ - ص ۲۲۶
۱۲۰۴	آیه ۴۰ - ص ۲۳۸
۱۲۰۶	آیه ۴۳ - ص ۲۳۹
۱۲۰۶	آیه ۵۶ - ص ۲۳۹
۱۲۰۸	آیه ۵۷ - ص ۲۴۱
۱۲۱۰	آیه ۵۸ - ص ۲۴۲
۱۲۱۱	آیه ۷۲ - ص ۲۴۲
۱۲۱۱	۳۴-سوره مبارکه ی سبا
۱۲۱۲	آیه ۲۳ - ص ۲۴۳
۱۲۱۳	آیه ۴۶ - ص ۲۴۴
۱۲۱۳	۳۵-سوره مبارکه ی فاطر
۱۲۱۳	آیه ۱۰ - ص ۲۴۶
۱۲۱۴	آیه ۲۸ - ص ۲۴۷
۱۲۱۴	آیه ۳۲ - ص ۲۴۷
۱۲۱۶	آیات ۳۴ - ۳۵ - ص ۲۴۸
۱۲۱۸	آیات ۳۶ - ۳۷ - ص ۲۵۴
۱۲۱۸	۳۶-سوره مبارکه ی یس
۱۲۱۸	آیه ۱ - ۲ - ۴ - ص ۲۵۵
۱۲۱۹	آیه ۱۲ - ص ۲۵۵
۱۲۱۹	آیات ۲۰ - ۲۱ - ص ۲۵۷
۱۲۲۱	۳۷-سوره مبارکه ی صافات
۱۲۲۱	آیه ۲۴ - ص ۲۵۸

- آیه ۱۳۰ - ص ۲۵۹ ۱۲۲۵
- سوره مبارکه ی ص ۱۲۲۷
- آیات ۶۷ - ۶۸ - ص ۲۶۰ ۱۲۲۷
- سوره مبارکه ی زمر ۱۲۲۷
- آیه ۹ - ص ۲۶۱ ۱۲۲۷
- آیه ۲۰ - ص ۲۶۲ ۱۲۲۸
- آیه ۲۲ - ص ۲۶۳ ۱۲۲۸
- آیه ۳۳ - ص ۲۶۴ ۱۲۳۰
- آیه ۵۳ - ص ۲۶۴ ۱۲۳۲
- آیه ۵۶ - ص ۲۶۵ ۱۲۳۲
- آیه ۶۰ - ص ۲۶۵ ۱۲۳۴
- آیه ۷۵ - ص ۲۶۶ ۱۲۳۴
- سوره مبارکه ی مؤمن ۱۲۳۶
- آیه ۱ - ۲ - ۳ - ص ۲۶۷ ۱۲۳۶
- آیات ۷ - ۸ - ۹ - ص ۲۶۸ ۱۲۳۶
- آیه ۵۱ - ص ۲۶۹ ۱۲۳۶
- سوره مبارکه ی فُضِّلَتْ ۱۲۳۸
- آیه ۱ - ۳ - ۴ - ۳۰ - ص ۲۷۰ ۱۲۳۸
- سوره مبارکه ی شُورَى ۱۲۳۸
- آیه ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۲۳ - ص ۲۷۱ - ۲۷۰ ۱۲۳۸
- سوره مبارکه ی زُخْرَف ۱۲۴۱
- آیه ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۲۷۳ ۱۲۴۱
- آیه ۱۹ - ص ۲۷۴ ۱۲۴۳
- آیه ۲۸ - ص ۲۷۵ ۱۲۴۳
- آیه ۴۱ - ص ۲۷۵ ۱۲۴۵
- آیه ۴۳ - ص ۲۷۵ ۱۲۴۷

- آیه ۴۴ - ص ۲۷۶ ۱۲۴۷
- آیه ۴۵ - ص ۲۷۶ ۱۲۴۹
- آیات ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ص ۲۷۷ ۱۲۵۱
- ۴۴-سوره مبارکه ی دخان ۱۲۵۳
- آیه ۱ - ۲ - ۱۰ - ۱۱ - ۲۹ - ص ۲۸۰ - ۲۷۹ ۱۲۵۳
- ۴۵-سوره مبارکه ی جائیه ۱۲۵۵
- آیه ۱ - ۲ - ۲۱ - ص ۲۸۱ ۱۲۵۵
- آیه ۲۹ - ص ۲۸۱ ۱۲۵۵
- ۴۶-سوره مبارکه ی احقاف ۱۲۵۶
- آیه ۱ - ۲ - ۳ - ۱۵ - ص ۲۸۲ ۱۲۵۶
- ۴۷-سوره مبارکه ی محمّد ۱۲۵۶
- آیه ۲ - ۷ - ۹ - ۱۰ - ص ۲۸۳ ۱۲۵۶
- آیه ۱۱ - ۱۲ - ص ۲۸۴ ۱۲۵۷
- آیه ۳۰ - ص ۲۸۴ ۱۲۵۷
- ۴۸-سوره مبارکه ی فتح ۱۲۵۹
- آیه ۱ - ۲ - ۳ - ۶ - ۱۸ - ص ۲۸۵ ۱۲۵۹
- آیه ۲۶ - ص ۲۸۶ ۱۲۵۹
- آیه ۲۷ - ص ۲۸۶ ۱۲۶۱
- آیه ۲۹ - ص ۲۸۷ ۱۲۶۲
- ۴۹-سوره مبارکه ی حُجرات ۱۲۶۳
- آیه ۱ - ۲ - ۳ - ص ۲۸۸ ۱۲۶۳
- آیه ۱۰ - ص ۲۸۸ ۱۲۶۵
- آیه ۱۵ - ص ۲۸۹ ۱۲۶۵
- ۵۰-سوره مبارکه ی ق ۱۲۶۷
- آیه ۱ - ۲۱ - ص ۲۸۹ ۱۲۶۷
- آیه ۲۴ - ص ۲۹۰ ۱۲۶۷

- ۱۲۶۸ ۵۱-سوره مبارکه ی الذریات
- ۱۲۶۸ آیه ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵۶ - ص ۲۹۲
- ۱۲۷۰ ۵۲-سوره مبارکه ی طور
- ۱۲۷۰ آیه ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۲۱ - ص ۲۹۴
- ۱۲۷۰ ۵۳-سوره مبارکه ی نجم
- ۱۲۷۰ آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۲۹۵ - ۲۹۶
- ۱۲۷۲ آیه ۷ - ۸ - ۹ - ۳۹ - ۶۲ - ص ۲۹۷
- ۱۲۷۴ ۵۴-سوره مبارکه ی قمر
- ۱۲۷۴ آیه ۱ - ۵ - ۱۱ - ص ۲۹۸
- ۱۲۷۴ آیه ۱۲ - ص ۲۹۹
- ۱۲۷۴ آیه ۱۳ - ص ۲۹۹
- ۱۲۷۵ آیات ۱۷ - ۲۲ - ۳۲ - ۴۰ - ص ۲۹۹
- ۱۲۷۵ آیات ۵۴ - ۵۵ - ص ۲۹۹
- ۱۲۷۵ ۵۵-سوره مبارکه ی الزّحمن
- ۱۲۷۵ آیه ۱۹ - ص ۳۰۱
- ۱۲۷۷ آیه ۲۰ - ص ۳۰۱
- ۱۲۷۸ آیه ۲۲ - ص ۳۰۱
- ۱۲۸۰ آیات ۲۶ - ۲۷ - ص ۳۰۱
- ۱۲۸۲ آیه ۴۶ - ص ۳۰۱
- ۱۲۸۲ ۵۶-سوره مبارکه ی واقعه
- ۱۲۸۲ آیات ۱۰ - ۱۱ - ص ۳۰۳
- ۱۲۸۶ آیات ۱۳ - ۱۴ - ص ۳۰۴
- ۱۲۸۸ آیه ۲۷ - ص ۳۰۶
- ۱۲۸۸ آیات ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ص ۳۰۸
- ۱۲۸۸ آیات ۹۰ - ۹۱ - ص ۳۰۹
- ۱۲۹۰ ۵۷-سوره مبارکه ی حدید

- آیه ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۱۲ - ص ۳۱۱ - ۳۱۰ ۱۲۹۰
- آیه ۱۹ - ص ۳۱۲ ۱۲۹۰
- آیه ۲۸ - ص ۳۱۴ ۱۲۹۱
- ۵۸-سوره مبارکه ی مجادله ۱۲۹۳
- آیه ۱ - ۲ - ۱۲ - ص ۳۱۵ ۱۲۹۳
- آیه ۱۳ - ص ۳۱۶ ۱۲۹۵
- آیه ۲۲ - ص ۳۱۶ ۱۲۹۷
- ۵۹-سوره مبارکه ی حشر ۱۲۹۹
- آیه ۱ - ۲ - ۷ - ص ۳۱۷ ۱۲۹۹
- آیه ۹ - ص ۳۱۸ ۱۲۹۹
- آیه ۲۰ - ص ۳۲۱ ۱۳۰۱
- ۶۰-سوره مبارکه ی ممتحنه ۱۳۰۱
- آیه ۱۲ - ص ۳۲۳ ۱۳۰۱
- ۶۱-سوره مبارکه ی صف ۱۳۰۲
- آیه ۴ - ص ۳۲۴ ۱۳۰۲
- آیه ۶ - ص ۳۲۶ ۱۳۰۲
- آیه ۸ - ص ۳۲۶ ۱۳۰۴
- ۶۲-سوره مبارکه ی جمعه ۱۳۰۴
- آیه ۱ - ۴ - ص ۳۲۷ ۱۳۰۴
- آیه ۹ - ص ۳۲۸ ۱۳۰۵
- ۶۳-سوره مبارکه ی منافقون ۱۳۰۵
- آیه ۱ - ص ۳۲۹ ۱۳۰۵
- ۶۴-سوره مبارکه ی تغابن ۱۳۰۵
- آیه ۱ - ۸ - ص ۳۳۰ ۱۳۰۵
- ۶۵-سوره مبارکه ی طلاق ۱۳۰۷
- آیه ۱ - ۱۰ - ص ۳۳۲ - ۳۳۱ ۱۳۰۷

- ۱۳۰۷-----۶۶-سوره مبارکه ی تحریم
- ۱۳۰۷-----آیه ۱ - ۳ - ۴ - ص ۳۳۳
- ۱۳۱۱-----آیه ۸ - ص ۳۳۴
- ۱۳۱۱-----۶۷-سوره مبارکه ی ملک
- ۱۳۱۱-----آیه ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۳۰ - ص ۳۳۴ - ۳۳۵
- ۱۳۱۲-----۶۸-سوره مبارکه ی قلم
- ۱۳۱۲-----آیه ۱ - ص ۳۳۶
- ۱۳۱۴-----آیه ۴ - ص ۳۳۷
- ۱۳۱۴-----آیات ۵ - ۶ - ص ۳۳۷
- ۱۳۱۶-----آیات ۵۱ - ۵۲ - ص ۳۳۸
- ۱۳۱۶-----۶۹-سوره مبارکه ی حاقه
- ۱۳۱۷-----آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۱۲ - ص ۳۳۹ - ۳۴۰
- ۱۳۲۰-----۷۰-سوره مبارکه ی معارج
- ۱۳۲۰-----آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۳۴۰ و ۳۴۱
- ۱۳۲۲-----۷۱-سوره مبارکه ی نوح
- ۱۳۲۲-----آیات ۱ - ۲۸ - ص ۳۴۱
- ۱۳۲۴-----۷۲-سوره مبارکه ی جن
- ۱۳۲۴-----آیات ۱ - ۱۶ - ص ۳۴۴
- ۱۳۲۶-----آیات ۲۶ - ۲۷ - ص ۳۴۵
- ۱۳۲۶-----۷۳-سوره مبارکه ی مزمل
- ۱۳۲۶-----آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۳۴۶
- ۱۳۲۶-----۷۴-سوره مبارکه ی مدثر
- ۱۳۲۶-----آیه ۳۱ - ص ۳۴۷
- ۱۳۲۶-----آیات ۳۸ - ۳۹ - ص ۳۴۷
- ۱۳۲۷-----آیات ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ص ۳۴۷
- ۱۳۲۷-----آیات ۴۳ - ۴۴ - ص ۳۴۷

- ۱۳۲۷ ۷۵-سوره مبارکه ی قیامت
- ۱۳۲۷ آیات ۳۱ - ۳۲ - ص ۳۴۸
- ۱۳۲۹ ۷۶-سوره مبارکه ی انسان
- ۱۳۲۹ آیات ۱ تا ۲۲ - ص ۳۴۹ و...
- ۱۳۳۳ ۷۷-سوره مبارکه ی مرسلات
- ۱۳۳۳ آیات ۵ - ۶ - ص ۳۵۳
- ۱۳۳۴ ۷۸-سوره مبارکه ی نباء
- ۱۳۳۴ آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۳۵۳ و ۳۵۴ و...
- ۱۳۳۶ آیات ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ص ۳۵۶
- ۱۳۳۶ آیات ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ص ۳۵۷
- ۱۳۳۸ ۷۹-سوره مبارکه ی نازعات
- ۱۳۳۸ آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ص ۳۶۰
- ۱۳۴۰ آیات ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ص ۳۶۱
- ۱۳۴۰ آیات ۴۰ - ۴۱ - ص ۳۶۳
- ۱۳۴۰ ۸۰-سوره مبارکه ی عبس
- ۱۳۴۰ آیه ۱۶ - ص ۳۶۳
- ۱۳۴۱ آیه ۲۳ - ص ۳۶۴
- ۱۳۴۱ ۸۱-سوره مبارکه ی تکویر
- ۱۳۴۱ آیه ۱۵ - ص ۳۶۷
- ۱۳۴۳ ۸۲-سوره مبارکه ی انفطار
- ۱۳۴۳ آیه ۸ - ص ۳۶۸
- ۱۳۴۳ آیات ۱۳ - ۱۴ - ص ۳۶۹
- ۱۳۴۳ ۸۳-سوره مبارکه ی مطففین
- ۱۳۴۳ آیه ۱ - ص ۳۶۹
- ۱۳۴۴ آیه ۷ - ص ۳۷۰
- ۱۳۴۴ آیه ۱۰ - ص ۳۷۱

۱۳۴۴	آیه ۱۷ - ص ۳۷۱
۱۳۴۴	آیه ۲۸ - ص ۳۷۱
۱۳۴۵	آیات ۲۹ - ۳۰ - ص ۳۷۱
۱۳۴۷	آیه ۳۴ - ص ۳۷۲
۱۳۴۷	۸۴-سوره مبارکه ی انشقاق
۱۳۴۷	آیات ۷ - ۸ - ۹ - ص ۳۷۳
۱۳۴۸	آیه ۱۹ - ص ۳۷۴
۱۳۴۸	آیه ۲۰ - ص ۳۷۴
۱۳۴۸	۸۵-سوره مبارکه ی بروج
۱۳۴۸	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۳۷۵
۱۳۴۹	۸۶-سوره مبارکه ی طارق
۱۳۴۹	آیات ۳ - ۴ - ص ۳۷۸
۱۳۴۹	آیات ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ص ۳۸۰
۱۳۵۰	۸۷-سوره مبارکه ی اعلی
۱۳۵۰	آیه ۱۵ - ص ۳۸۰
۱۳۵۰	آیات ۱۶ - ۱۷ - ص ۳۸۱
۱۳۵۰	۸۸-سوره مبارکه ی غاشیه
۱۳۵۰	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ص ۳۸۲
۱۳۵۱	آیات ۲۵ - ۲۶ - ص ۳۸۹
۱۳۵۱	۸۹-سوره مبارکه ی فجر
۱۳۵۱	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۳۹۲ و ۳۹۳
۱۳۵۳	آیات ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ص ۳۹۶ و ۳۹۸
۱۳۵۳	۹۰-سوره مبارکه ی بلد
۱۳۵۳	آیه ۳ - ص ۳۹۸
۱۳۵۵	آیات ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ص ۴۰۱
۱۳۵۷	۹۱-سوره مبارکه ی شمس

- آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۴۰۲ و ۴۰۴ ۱۳۵۷
- آیه ۵ - ص ۴۰۴ ۱۳۵۷
- آیه ۶ - ص ۴۰۴ ۱۳۵۷
- آیه ۸ - ص ۴۰۴ ۱۳۵۹
- آیه ۱۰ - ص ۴۰۴ ۱۳۵۹
- آیه ۱۱ - ص ۴۰۴ ۱۳۵۹
- آیات ۱۲ - ۱۳ - ص ۴۰۵ ۱۳۵۹
- ۹۲-سوره مبارکه ی لیل ۱۳۶۰
- آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۴۰۵ ۱۳۶۰
- آیه ۹ - ص ۴۰۷ ۱۳۶۲
- آیه ۱۲ - ص ۴۰۷ ۱۳۶۲
- آیات ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ص ۴۰۸ ۱۳۶۲
- آیه ۱۷ - ص ۴۰۸ ۱۳۶۴
- آیات ۲۰ - ۲۱ - ص ۴۰۸ ۱۳۶۴
- ۹۳-سوره مبارکه ی ضحی ۱۳۶۴
- آیه ۵ - ص ۴۰۸ ۱۳۶۴
- آیه ۶ - ص ۴۰۹ ۱۳۶۵
- آیه ۱۱ - ص ۴۰۹ ۱۳۶۵
- ۹۴-سوره مبارکه ی شرح ۱۳۶۵
- آیات ۱ - ۲ - ص ۴۰۱ ۱۳۶۵
- آیات ۷ - ۸ - ص ۴۱۱ ۱۳۶۵
- ۹۵-سوره مبارکه ی تین ۱۳۶۶
- آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۴۱۲ ۱۳۶۶
- آیه ۴ - ص ۴۱۳ ۱۳۶۸
- آیات ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ص ۴۱۴ ۱۳۶۸
- ۹۶-سوره مبارکه ی علق ۱۳۶۸

۱۳۶۸	آیه ۵ - ص ۴۱۵
۱۳۶۹	۹۷-سوره مبارکه ی قدر
۱۳۶۹	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ص ۴۱۹ - ۴۱۸ و ۴۲۰
۱۳۷۱	۹۸-سوره مبارکه ی بینه
۱۳۷۱	آیه ۱ - ص ۴۲۴
۱۳۷۲	آیه ۵ - ص ۴۲۵
۱۳۷۲	آیه ۶ - ص ۴۲۵
۱۳۷۲	آیه ۷ - ص ۴۲۵
۱۳۷۸	۹۹-سوره مبارکه ی زلزله
۱۳۷۸	آیه ۳ - ص ۴۲۸
۱۳۷۸	آیه ۴ - ص ۴۲۸
۱۳۷۹	۱۰۰-سوره مبارکه ی عادیات
۱۳۷۹	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ص ۴۳۵
۱۳۷۹	آیات ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ص ۴۳۶
۱۳۸۰	۱۰۱-سوره مبارکه ی قارعه
۱۳۸۰	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۴۳۷
۱۳۸۰	آیه ۶ - ۷ - ص ۴۳۷
۱۳۸۰	آیات ۸ - ۹ - ص ۴۳۸
۱۳۸۱	۱۰۲-سوره مبارکه ی تکوین
۱۳۸۱	آیه ۸ - ص ۴۴۰
۱۳۸۳	۱۰۳-سوره مبارکه ی عصر
۱۳۸۳	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۴۴۲
۱۳۸۵	۱۰۴-سوره مبارکه ی همزه
۱۳۸۵	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۴۴۳
۱۳۸۵	۱۰۵-سوره مبارکه ی فیل
۱۳۸۵	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ص ۴۴۴ و ۴۴۵

۱۳۸۵	-----	۱۰۶-سوره مبارکه ی قریش
۱۳۸۵	-----	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۴۴۵
۱۳۸۶	-----	۱۰۷-سوره مبارکه ی ماعون
۱۳۸۶	-----	آیات ۱ - ۲ - ص ۴۴۶
۱۳۸۶	-----	آیات ۴ - ۵ - ص ۴۴۶
۱۳۸۷	-----	۱۰۸-سوره مبارکه ی کوثر
۱۳۸۷	-----	آیه ۱ - ۲ - ۳ - ص ۴۵۰ و ۴۵۲ و ...
۱۳۸۹	-----	۱۱۰-سوره مبارکه ی نصر
۱۳۸۹	-----	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ص ۴۵۸
۱۳۹۱	-----	۱۱۱-سوره مبارکه ی مَسَد
۱۳۹۱	-----	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۴۶۰
۱۳۹۱	-----	۱۱۲-سوره مبارکه ی اخلاص
۱۳۹۱	-----	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۴۶۲ و ۴۶۹ و ۴۷۰
۱۳۹۲	-----	۱۱۳-سوره مبارکه ی فلق
۱۳۹۲	-----	آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ص ۴۷۲
۱۳۹۶	-----	کتابنامه
۱۴۳۶	-----	فهرست آیات شریفه و اسناد آنها
۱۴۳۶	-----	شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند
۱۴۳۷	-----	شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند
۱۴۳۹	-----	شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند
۱۴۴۱	-----	شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند
۱۴۴۳	-----	شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند
۱۴۴۵	-----	شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند
۱۴۴۶	-----	دیگر آثار به چاپ رسیده از نگارنده
۱۴۴۷	-----	درباره مرکز

دیوان ولایت: تفسیر موضوعی و منظوم آیات ولایت در قرآن مبین

مشخصات کتاب

سرشناسه: روزبهانی، محمد، ۱۳۲۵

عنوان و نام پدیدآور: دیوان ولایت: تفسیر موضوعی و منظوم آیات ولایت در قرآن مبین / سراینده محمد روزبهانی؛ [برای] مجمع جهانی شیعه شناسی.

مشخصات نشر: قم: آشیانه مهر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۷۵۸ص.

فروست: آشیانه مهر؛ ۱۸۰.

شابک: ۲۴۰۰۰۰ ریال (شومیز): ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۶۴-۶۱-۸؛ ۲۸۰۰۰۰ ریال (گالینگور)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۲۹ - ۷۵۱.

یادداشت: نمایه.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: PIR۸۰۷۵ / ۹۶۴۲۵۶ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۱/۶۲۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۷۵۳۵۰

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

مقدمه استاد انصاری بویراحمدی ۷

تقدیم ۱۱

درآمد ۱۳

صورت آیات در حال نزول ۱۵

نام مبارک علی در قرآن ۱۶

تفسیر و تأویل قرآن کریم ۱۸

دوم زیارت از آیات قرآنی ۱۸

تفسیر قرآن ۲۱

کتابنامه ۷۲۹

فهرست آیات شریفه و اسناد آنها ۷۵۳

ص: ۵

بسم الله الرحمن الرحيم

رَوَى الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ (۱)

مُحَمَّدُ الْكِرَاجِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ كَثَرَ الْفَوَائِدَ حَدِيثًا مُسْنَدًا يَرْفَعُهُ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَسْجِدِهِ إِذْ حَيَاءُ أَعْرَابِيٍّ فَسَاءَ لَهُ عَنْ مَسَائِلَ فِي الْحَجِّ وَغَيْرِهِ فَلَمَّا أَحْيَاهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ حَجِيجَ قَوْمِي مِمَّنْ شَهِدَ ذَلِكَ مَعَكَ أَخْبَرْنَا أَنَّكَ قُمْتَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَعْدَ قَوْلِكَ مِنَ الْحَجِّ (۲)

وَوَقَفْتُهُ بِالشَّجَرَاتِ مِنْ حُمْ فَافْتَرَضْتُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَاعَتَهُ وَ مَحَبَّتَهُ وَ أُوجِبْتُ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا وَ لَائِيَّتَهُ وَ قَدْ أَكْثَرُوا عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ فَبَيَّنْ لَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أ ذَلِكَ فَرِيضَةٌ عَلَيْنَا مِنَ الْأَرْضِ لِمَا أَدْنَتْهُ الرَّحْمُ وَ الصَّهْرُ مِنْكَ أَمْ مِنَ اللَّهِ افْتَرَضَهُ عَلَيْنَا وَ أُوجِبَهُ مِنَ السَّمَاءِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَلِ اللَّهُ افْتَرَضَهُ وَ أُوجِبَهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ افْتَرَضَ وَ لَائِيَّتَهُ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعًا...

سلمان فارسی گوید: نزد پیامبر در مسجد ایشان نشسته بودیم که عربی بادیه نشین آمد و از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤالاتی درباره ی حج و غیر آن پرسید. زمانی که پیامبر پاسخ او را داد، گفت: یا رسول الله! حاجیان قوم من که در حجه الوداع در کنار شما حضور داشتند، به ما خبر داده اند که شما پس از بازگشت از حج، در کنار درختان خم، علی بن ابی طالب را بر پا داشته ای و اطاعت و محبت او را بر مسلمانان فرض و لازم شمرده ای و ولایت او را بر همه ی آنها واجب کرده ای و در این باب بسیار بر ما خرده می گیرند. پس برای ما بیان کن یا رسول الله! آیا آن، فریضه ای از زمین است که فامیل و داماد تو بودن او را تا این حد به تو نزدیک کرده است و یا از جانب خدا بوده و

ص: ۷

۱- الصواب «أبو الفتح».

۲- قفل: رجوع من السفر خاصه.

خداوند ولایت او را بر ما فرض و لازم شمرده و آن را از آسمان واجب نموده است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند آن را فرض و لازم شمرده و از آسمان واجب کرده است، و ولایت او را بر همه ی اهل آسمان ها و اهل زمین فرض و لازم شمرده است... (۱).

در عالم هستی یک حقیقت، یک واقعیت و یک خدای علی اعلی وجود دارد، وجود اعلای او حاضر و ناظر است، اول و آخر است، ظاهر و باطن است؛ قرآن عظیم به این واقعه گویاست: {هو الاول والآخر والظاهر والباطن} (۲) و یا می فرماید: {لا اله الا هو} (۳) و {لا اله الا الله} (۴) هیچ اله و تکیه گاه و هیچ محبوب و معبودی جز آن حقیقت هستی و خدای بزرگ نیست، فقط خود اوست که اول و آخر و ظاهر و باطن است. او حقیقت هستی و خدای واحد و احد است، تعدد، تكثر، تشابه و تشکیک ندارد. {قل هو الله احد} (۵) آن حقیقت هستی در مقام باطن ذات اقدس و در مقام ظاهر اسماء الله و حضرت ولایت مطلقه می باشد؛ باطن ولایت مطلقه و تامه حقیقت نبوت و حقیقت امامت است. پس باطن نبوت و امامت ولایت است. شخص صاحب نبوت رسول مکرم اسلام حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و امام جهان هستی حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب مظاهر ولایت مطلقه ی حقه می باشند.

به بیان دیگر: ذات اقدس حضرت حق متعال در مقام باطن و کنه ذات، اسمی ندارد، خودش، خودش است و در مقام تجلی، اسم اعلی و اسماء الحسنی دارد. حال مقام عظمای ولایت و اسم اعلی و اسماء الحسنی در معنا یک نور و یک واقعیت

ص: ۸

۱- تأویل الآیات الظاهره، ص ۸۲۹؛ و رواه یوسف بن حاتم الشامی فی الدر النظیم، ص ۳۲۱ مفصلاً.

۲- سوره حدید، آیه ۳.

۳- سوره دخان، آیه ۸

۴- سوره محمد، آیه ۱۸.

۵- سوره اخلاص، آیه ۱.

می باشند؛ گاهی به آن ولایت عظاما، ولایت مقدسه، ولایت مطلقه و ولایت تامه گوئیم. گاهی به آن اسماء الله، حقیقت نبوی حضرت رسول خاتم و حقیقت علوی حضرت امیرمؤمنان گوئیم، حال می توان گفت: هرچه در عالم است مظاهر حضرت ولایت تامه است و مظاهر ولایت تامه حضرات نبوی و علوی می باشند. بنا بر این ظواهر هستی، همه و همه مظاهر خدای علی اعلی می باشند. قرآن مبین که کلام حق است شناسنامه ولایت تامه و صاحبان آن، حضرات نبوی و علوی می باشد. در این زمینه روایات فراوان است که مجال تحریر بر تفصیل نیست.

همان طور که خدای تبارک و تعالی ناشناخته مانده و مسئله توحید اخص نیز شناخته نشده، اسماء الله و اسم الاسم باز نشده و مقام عظامی اصل ولایت هم ناشناخته است. بار امانتی که کوه های عالم تحمل آن نداشتند، انسان پذیرفت ولی بسیار به آن جفا کرد. بار امانت و ولایت تامه و خاصه در شناسنامه الهی و قرآن کریم فراوان خود نمایی می کند، متأسفانه امت نبوی و علوی به محضر آن نرسیده، آن را زیارت نکرده و در پی آن نیستند حال آن که آیات ولایی در قرآن کریم فراوان است.

بعد از حق والای الهی در رابطه با معرفت به او و اسماء و صفاتش، اصل ولایت نیز حق والایی برای معرفت و قرب به آن به عهده ی ما مسلمانان دارد، بکوشیم با بهره گیری از کتاب آسمانی آیات مربوطه را زیارت کنیم.

محقق و نویسنده این کتاب نفیس با احساس این مقام به قرآن مبین نزدیک شده و برخی از آیات ولایی را بیان داشته است. حدود نهصد و بیست آیه در مورد ولایت و صاحب ولایت تامه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در این تفسیر موضوعی منظوم آمده است. در این اثر نفیس و وزین تفسیر و تأویل آیات مبارکه به صورت شعر خودنمایی می کنند که شعر خود رمزی از رموز ماندگاری است. پس باشد تا ماندگار گردد. آیات شریفه تماماً مستند می باشند، اسنادشان به صورت جداگانه در آخر کتاب

آمده اند. البته روایات مرتبط فراوانند ولی به اقتضای دیوان، به همین اندازه ای که آورده شده، بسنده شده است.

نویسنده کتاب با اعتقاد و علاقه ی بسیار والایی که به مقام عظمای ولایت دارد، قبل از این نیز سه جلد کتاب به نام دیوان حب در اوصاف صاحبان ولایت، رسا و به طور مستند با لحاظ عرفانی نوشته است. ایشان توانسته در این تحقیق دقت فراوان و از محضر قرآن کریم استفاده کرده و این حدود آیه را در باره ی ولایت، نبوت، امام و خلاصه درباره ی اصل ولایت مولای عالم ایجاد حضرت علی علیه السلام ارائه دهد. مفسر و سراینده ارجمند ادعا دارد که قرآن تدوین و قرآن تکوین ظهوری از قرآن ناطق و همچنین اصل ولایت تامه مولی الموحدین حضرت امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. در آن صورت می توان همه ی قرآن کریم را به این روش در وصف اصل ولایت قرآن ناطق تفسیر نمود. باشد تا زمان آن برسد. بنابراین مطالعه، بررسی و تبیین دقیق آیات ولایت و امامت در قرآن وظیفه ای سترگ و با عظمت برای علمای بزرگ و دانشمندان امت اسلامی است.

در این راستا استاد فرهیخته و دانشمند حضرت آیت الله روزبهانی با همتی بلند و سعه ی صدر تمام اقدام به تألیف کتاب ارزشمند و نفیس دیوان ولایت نموده است.

کثر الله امثالهم، جزاه الله عن الاسلام اجرا، ادام الله ظله و دامت افاضاته.

و السلام علیکم و علی جمیع اخواننا المؤمنین بولایه علی بن ابی طالب فی اقطار العالم و رحمه الله و برکاته.

مسئول مجمع جهانی شیعه شناسی

انصاری بویر احمدی

ص: ۱۰

تقدیم به ساحت اقدس تو ای امیر مؤمنان و ای قرآن کریم را ترجمان و ای ولی رحمان و ای وَجْهَ اللَّهِ تابان و ای نور پر ضیاء رضوان و ای اِسْمُ اللَّهِ حَنَّان و ای عَیْنُ اللَّهِ مهربان و ای یَدُ اللَّهِ مَنَّان و ای اُذُنِ شِنَوایِ خدایِ سُبْحَانَ و ای حجت بر حق یزدان و ای شهید قَدْر و نشانه ی رمضان و ای جلوه ی اَتَم کَانَ و ای مظهرِ اعلایِ کَیْنان و ای تجلی خدایِ مُسْتَعَانَ و ای تمام آیت خدایِ جهان و ای امام انس و جان و ای نفسِ قُدسی خاتم پیغمبران و ای جان جانانِ خوبان و ای روح و روانِ اصل انسان و ای بنیان هفت آسمان و ای ولایِ مطلق جاودان و ای هادی و یاور پیامبران و ای مُصداقِ اعلایِ فرقان و ای نور دیدگان عاشقان و ای قبله ی قُدوسیان و ای امید دل های خورد و کَلان و ای فاتح هر میدان و ای شه مُلَمک بقا و شاه مردان و ای پیشوای فرشتگان و ای قطب عالم کون و مکان و ای تنزیل رزاق هر زمان و ای میوه ی دل دوستان و ای مربی کروبیان و ای شیره ی جان شیعیان و ای اصل اسلام هر مسلمان و ای یاور دین و ایمان و ای پدر مهربان یتیمان و ای سرپرست خانواده ی شهیدان و ای فرزند برومند عمران و ای رونمای اول مرگ جهانیان و ای دادگاه قیامت را میزان و ای قسیم نار و چنان و ای میر دنیا و ناسوتیان و ای دلیل محکم ملکوتیان و ای جلال جبروتیان و ای جلودار لاهوتیان و ای روشنی بخش هاهوتیان و ای ناخدای کشتی

نوح و کشتیان و ای همدم و یار خلیل در آتش نمرودیان و ای آبروی جمال یوسف کنعان و ای رهنما و رهبر سلیمان و ای منجی موسی در شب تاریک و بیابان و ای نجات دهنده ی عیسی از دار یهودیان و ای آموزنده ی خضر مؤمن در آن و ای راز باطن و سرّ حکمت لقمان و ای معلم جبرئیل در فوق زمان و ای مانع بس عظیم بر سر راه شیطان و ای پیروزمند بَدْر و بَدْریان و ای فاتح فتح مکه و شکننده ی بتان و ای گشاینده ی درب خیبر با دو انگشت پرتوان و ای برنده ی جنگ خندق و جنگ آوران و ای کشنده ی عَمْرُوئِنِ عَبْدِود و نام آوران و ای پیروزمند جنگ احد و شیطانیان و ای برنده ی جنگ ذاتُ السَّلَاسِل و پهلوانان و ای برق ذوالفقارت نقش فتح صفین و نهروان و ای صراط مستقیم ز بهر مسافران و ای جمال زیبای گل در گلستان و ای مثال اعلای شاهدان و ای منطق گویای سخن وران و ای حکمت والا را برهان و ای شاهد مثال در عرفان و ای مفسر بزرگ قرآن.

ص: ۱۲

درآمد

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام و الصلاه على سيدنا و نبينا افضل الخلائق اجمعين، و وصيه و خليفته على امير المؤمنين، و آله الطيبين الطاهرين المعصومين، ولعنه الله على أعدائهم الى يوم الدين.

اشعاری که از نظر مبارک می گذرد، برداشت و تفسیر مختصری است از قرآن مبین؛ این تفسیر، تفسیر موضوعی می باشد و موضوعش ولایت عظیم و توصیف حضرت امیرالمؤمنین سلام الله تعالی و صلواته علیه می باشد. قبل از بیان این مطلب بهتر است جواب مختصری به سؤالی تکراری در این زمینه داده شود.

پرسش: حضرت علی علیه السلام شخصیت مهم و بزرگی است، با این حال چرا نام او در قرآن نیامده است؟

جواب: افراد متعدد و مختلفی بارها این پرسش را مطرح می سازند و هر کدام جوابی درخور فهم خویش دریافت می دارند. در این جا به هفت مورد از آن جواب ها اشاره می شود:

نخست: لازم نیست نام مبارک حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در قرآن کریم آمده باشد زیرا اگر لازم می بود اسم های برتری از اسم شریف حضرت وجود دارد ولی در قرآن کریم ذکر نشده اند مانند اسم های فراوانی از خدای تبارک و تعالی. خداوند علی اعلی اسم های فراوانی دارد بعضی از آن ها آمده است مانند چند اسم مقدس در

اواخر سوره مبارکه ی حشر در دو آیه و بعضی دیگر دانه دانه آمده اند. اگر لازم بود می بایست تمام نام های مبارک الهی در قرآن می آمدند و حال آن که نیامده اند.

دوم: حق مسلم حضرت علی علیه السلام را از او گرفتند و او را از خلافت بلافصلی برداشتند اگر نام مبارک او به صراحت در قرآن دیده می شد آن را از قرآن برمی داشتند و با برداشتن نام مقدس علی از قرآن، این کتاب آسمانی دستخوش تحریف و تغییر قرار می گرفت و اگر در قرآن تحریفی رخ می داد ولو یک کلمه، قرآن عظیم از اعتبار خارج می گشت و حال آن که خداوند خواسته است کتابش با اعتبار والائی که دارد آن را حفظ کرده و برقرار باقی ماند.

سوم: قرآن عظیم شناسنامه و بیان قانون اساسی عالم آفرینش می باشد، همه چیز در آن ذکر شده است ولی به صورت کلی و اشاره لذا می فرماید:

{وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ} (۱). هیچ تر و خشکی در جهان نیامده مگر آن که در قرآن مبین و روشن موجود است. (۲)

یکی از آن همه چیز که در قرآن کریم ذکر شده است نام و صفات و خصوصیات متعدد امام امیرمؤمنان سلام الله تعالی علیه می باشد؛ با وصف و سربسته آمده اند.

چهارم: اسم مبارک حضرت امیرعلیه السلام با لفظ (علی) در سه جای قرآن آمده است.

الف: در سوره مبارکه ی مریم آیه پنجاه آمده است:

{وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا}. در روایاتی از پیامبر گرامی اسلام و حضرت علی مرتضی و حضرت صادق و حضرت رضا و حضرت عسکری علیه السلام

ص: ۱۴

۱- سوره انعام: آیه ۵۹.

۲- اهل قرآن می توانند آنها را زیارت نمایند نه کسانی که نمی دانند قرآن با قاف است یا غین و فرق قاف و غین چه باشد.

در کتاب هائی مانند: اصول کافی، کمال الدین، شواهد التنزیل، تفسیر برهان، تفسیر صافی، تفسیر قمی، تفسیر کنز الدقائق، تفسیر نور الثقلین و... نقل شده. علیاً در آیه ی شریفه نام شریف حضرت علی علیه السلام می باشد.

ب: در سوره مبارکه ی زخرف، آیه چهارم آمده است:

{وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ}. روایات متعددی وجود دارد و در کتاب هائی مانند تفسیر قمی، تفسیر برهان، تفسیر کنز الدقائق، تفسیر جامع، تفسیر نور الثقلین، تهذیب الاحکام تأویل الآیات الباهره، معانی الاخبار، مفاتیح الجنان در زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام و... آمده است که لعلی نام مبارک علی می باشد.

ج: در سوره مبارکه ی حجر آیه ی شریفه چهل و یکم آمده است:

{قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ}. لفظ (علی) نام مبارک حضرت علی علیه السلام می باشد.

صورت آیات در حال نزول

آیات کتاب الهی بدون اعراب نازل گشته اند بعدها دیگران بر آن ها اعراب چیده اند. در آیه ی مورد نظر، این عَلَيَّ می تواند عَلَيَّ باشد. اگر اعراب را چنین بچینیم نام مبارک علی علیه السلام می شود؛ اگر چنان که در زمان حاضر چیده شده است، (عَلَيَّ) باشد، اما به این صورتی که چنین شده است ترجمه و معنای مناسبی دست نمی دهد. ترجمه ی آن چنین است: این اخلاص راهی است بر من مستقیم. با آن که چیزی بر خدا نیست؛ چیزی و کسی بر خدا علو و برتری ندارد، چیزی و کسی از خداوند طلبی ندارد تا آن که عَلَيَّ معنا بدهد بلکه خدای علی اعلی بر همه چیز و همه کس علو و برتری دارد و بر تمامی حجت و دلیل رسیده و کامل دارد.

{فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ} (۱) خدای بزرگ در گفته ها و کرده های خود بر همه چیز و همه کس حجت و دلیل تمام و اتم دارد. پس عَلِيُّ عَلِيٍّ بوده است، در لحاظ ترکیب ادبی عَلِيُّ می شود و علی نام مقدس علی بن ابی طالب علیه السَّلام می باشد. در این که عَلِيُّ نام شریف حضرت علی علیه السَّلام است روایات فراوانی آمده است، در بعضی از آن ها معصوم قسم یاد می کند و با قسم می گوید کلمه ی (عَلِيٍّ) نام علی می باشد.

نام مبارک علی در قرآن

اثبات نام حضرت علی علیه السَّلام در آیه ی شریفه احتیاج به یک بحث گسترده دارد تا از نظر علم ادب - ادبیات عرب - و احادیث وارده بحث و ثابت شود که این لفظ نام شریف مولی می باشد و با چینش فتحه بر آن معنای دیگری به خود گرفته است. حقیر بی چیز این بحث را با گستردگی جوانب آن در کتاب صحیفه ی ولایت، فراز چهلم عنوان نموده، طالبین می توانند به آن جا رجوع کنند.

پنجم: آیات فراوانی با وصف و خصوصیات گوناگونی مانند: اولی الامر، کتاب مبین، قرآن مبین، نباء العظیم و... و آیاتی مانند: یا ایها الرسول بلغ...الیوم اکملت لکم دینکم و... آیه ی زکات دادن در حال رکوع و... فراوانند. این حقیر بی چیز حدود نهصد و بیست و دو آیه ی آن را در این کتاب به صورت شعر در آورده ام. آیاتی که به شعر در آمده نوعاً در شأن حضرت علی علیه السَّلام نازل گشته اند، بعضی از آن ها در ولایت، بعضی درباره ی ختم ولایت حیدری حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و بعضی دیگر در شأن بقیه ی ائمه ی اطهار علیه السَّلام می باشند و علی علیه السَّلام در رأس همه قرار دارد. در نهایت این تعداد آیات به حضرت علی علیه السَّلام مربوط می باشند. آیاتی که در این جا به صورت شعر

ص: ۱۶

جلوه گری می کنند همگی مستند می باشند، گرچه آیات فراوانی نیز در این زمینه با اسناد وجود دارد ولی برای آنکه کتاب زخیم نگردد و بحث به درازا نکشد و شیوه اختصار نویسی برقرار باشد از آوردن آن ها گذشتیم و به همین اندازه بسنده نمودیم.

ششم: سوره هائی مانند: سوره مبارکه ی انسان، عادیات و عصر در شأن مبارک حضرت امیرمؤمنان عَلِيهِ أَفْضَلِ الصَّلَوَاتِ وَ أَكْمَلِ التَّحِيَّاتِ آمده است. همچنین نوع سوره ها در رابطه با حضرت می باشند؛ ربط و آدرس آن ها در اشعار و در اسناد دیوان ولایت موجودند.

هفتم: تمام قرآن در شأن حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام جمالاً و جلالاً آمده است. با همین سبک می توان کل قرآن را از اول تا آخر پیرامون ولایت و حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام با لحاظ جمال، جلال و کمالش تفسیر و به وزن شعر درآورد زیرا حضرت امیر خود کتاب مبین و قرآن ناطق است. قرآن، قرآن ناطق است یا آن چه بر سر نیزه کردند؟ با پیروزی اسلام ناب نبوی و علوی می رفت تا کفر و اسلام بنی امیه و خوارج شکست خورده برای همیشه از روی زمین برچیده شود ناگهان ابلیس پلید خودش را به میدان رسانید و به وسیله ی شیطان جنی و شیطان انسی عمرعاص، قرآن ها را به سر نیزه زدند و فریاد سر دادند: ما اهل قرآنیم و شما با قرآن و اهل آن می جنگید؛ چون چنین شد ذهن های خشک خوارجی با علی گفتند ما با قرآن و اهل آن نمی جنگیم. علی علیه السلام فرمود: این ها قرآن نیستند، نوشتاری هستند که دشمنان قرآن برای نابودی قرآن به سر نیزه کرده اند، قرآن منم - من قرآن ناطقم بزنید و آن ها را به زمین بریزید، اما مغزهای خشک و پوسیده از تحت فرمان و لشکر علی خارج شدند یعنی از بیعت علی، از ولایت علی، از اسلام علی و خلاصه از زیر سایه ی قرآن مبین و قرآن ناطق خارج شدند و با علی جنگیدند. در نهایت با شمشیر زهرآلود قرآن

ناطق و خدای خاک نشین را شهید نمودند.

پس با این بحث کوتاه و عمیق ثابت گشت که نام مقدس حضرت علی سلام الله علیه در قرآن کریم آمده است و فراوان هم آمده است اما آن ها را چشم هائی که دارای حجاب های جهلی و مادی هستند نخواهند دید. چشم های بدون حجاب و چشم هائی که با نور ولایت نورانیند می توانند آن ها را دیدار کرده و زیارت نمایند.

تفسیر و تأویل قرآن کریم

قرآنی که ما در محضر آن هستیم کلام خداوند تبارک و تعالی می باشد، این کتاب آسمانی به پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشته است و هیچ گونه تحریفی در آن وجود ندارد. این کتاب محترم و مورد قبول هر مسلمان است. حضرت امیر مؤمنان سلام الله تعالی علیه باطن قرآن است. خدای حکیم با تنزیل قرآن، باطن آن و حضرت امیر را ظاهر می سازد؛ در ظاهر قرآن رموزات و اسراری را بکار برده که اهل قرآن آن رمز و رموزات و سرّ و اسرار را زیارت می کنند که در صورت لزوم بعضی از آن ها را بیان می نمایند. بیان این رمز و رموزات و این سرّ و اسرار اگر لحاظ ظاهر هم دارد به آن تفسیر و اگر لحاظ باطن دارد به آن تأویل گویند.

حضرات معصومین علیه السلام که اهل قرآند و با آن مأنوس می باشند هر زمانی که نیاز می بینند و زمان بیان باطنی از بواطن آیه و یا فرازی از آیه رسیده است آن را بیان می دارند، آن را به صورت شأن نزول یا معنا یا تفسیر و یا تأویل ظاهر ساخته و به اهلش می رسانند.

دوم زیارت از آیات قرآنی

حقیر ناچیز قبلاً یک مثنوی بلند به تعداد یک هزار و دویست و شصت بیت از اول قرآن تا به آخر آن بدون استفاده از روایات در بیان آیات ولایتی، فقط با توجه به ظواهر

بعضی از آیات در مورد ولایت و شخص حضرت امیر علیه السلام به شعر درآورده و در کنار دیگر مدح های حضرت در کتاب دیوان حب و جلد اول نهاده ام؛ به این جا که رسیدیم خدای کریم به دل حقیر سر تا پا تقصیر انداخت و بعضی از بندگان خداوند هم خواستار بودند تا آیات بیشتری را در مورد حضرت امیر علیه السلام تفسیر نموده و آن ها را مستند سازم زیرا بدون سند و استناد چنین کار مهمی برای بعضی پذیرفته نمی باشد.

بعضی دارای ذهنیت جامد و خشکی می باشند و بعضی ولایت مطلقه را نپذیرفته اند و بعضاً هم با آن عناد دارند به آسانی نمی پذیرند لذا سعی شد تا این اشعار مستند گردند، در این اسناد سازی، قرآن حکیم از اول تا آخر مورد بررسی قرار گرفت؛ برای بار دوم مثنوی مذکور با این تفسیر مخلوط و درهم گشته و به صورت یک جلد کتاب تفسیر و یا دیوان شعر درآمده است. در مرتبه ی دوم آیات فراوانی مورد استفاده قرار گرفت. با رجوع به تفاسیر متعدد از شیعه و سنی و کتاب های مربوطه از شیعیان و اهل سنت احادیث فراوانی در این زمینه به دست آمد گرچه بعضی از آن ها به سبب طولانی نشدن بحث، مورد استفاده قرار نگرفت ولی فراوانی از آن ها مورد استفاده قرار گرفت. نام سوره ها در بیت اول آمده و عدد آیات مربوطه در بالای بیت نوشته شده و آدرس آن در آخر کتاب آمده است تا دست رسی به آدرس و سند آن برای همگان آسان باشد.

در قسمت اسناد دیوان، سندهای آن در ذیل آیات مربوطه قرار دارند؛ بعد از آوردن اعداد آیات مورد بحث، (ص) مخفف صفحه آمده است؛ بعد از (ص) شماره هائی وجود دارد که این شماره ها، شماره های صفحه های شعر دیوان هستند که مربوط به این شماره آیات می باشند.

با این کار تعداد نهصد و بیست و دو آیه از آیات قرآن کریم در مورد ولایت و

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام مورد استفاده قرار گرفت. اسناد اشعار در طی ۲۷۰ صفحه به ترتیب سوره ها و آیات مربوطه به مانند کتابی مستقل در آخر دیوان با آن همراه شده است. چنانچه کسی در هنگام استفاده از اشعار دیوان ولایت به سند و اسناد آن نیازمند شود می تواند به نشانی سوره و آیه ی مربوط به آدرس آن که ضمیمه شده است رجوع نماید و به آن برسد. از طریق آن اسناد نیز می توان اشعار مربوط به سوره و یا آیه ای را به آسانی به دست آورد. پس نتیجه دو طرفی می باشد. می توان از دیوان به اسناد و از اسناد به دیوان دست یافت.

و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین

ص: ۲۰

ساقیا جامی عطا کن زان می روح پرورم
تا که نوشم جام ز دستت جام تو تاج سرم
جام دستت شاهد شیرین و نوای جان من
جلوه ی جامت برده دین و هم ایمان من
باده نوشان طالبند این جام عشق را جملگی
مست جام عشق گردند و کنند خوب بندگی
نوشم از جام تو ساقی می ناب، آب حیات
مست می کردم بگیرم من ز دست تو برات
مست مست کردم بگویم وصفی از زیبا صنم
واصف دلدار خدا باشد، نگویم که منم
من چه دانم از صفات بی مثالش با لعیان
جز به تنزیل یک نمائی زان همه حسن را بیان
وصف او گفته خدایش در کلام دلنشین
اول و آخر ز قرآن کریم آمد چنین

۱-سوره مبارکه ی فاتحه الكتاب

فاتحه و اولین سوره ز قرآن مبین

آمده در شأن مولایم امیرالمؤمنین

[۱] باء بسم الله علی و نقطه ی باء خود علی است

مظهر الله و رحمان و رحیم بین منجلی است

[۲-۳] حمد حق مختص به حق گو او بود ربّ جهان

ظاهر رحمان بود دنیا رحیم باطن بدان

[۴] مالک روز قیامت مالک دنیای

ما حق بود از بهر تعظیمش بخوانم این ثنا

[۵] می پرستیم ما تو را بس، از تو می خواهیم کمک

تا به راه مستقیم راهی شویم مُلک فداک

[۶] این صراط مستقیم باشد امیر مؤمنان

یک امیر و یک صراط باشد همه مُلک جهان

حضرت صادق بفرمود این صراط مستقیم

این امیر مؤمنان است نام علی دان بین نعیم

در حدیث دیگری فرمود صراط مستقیم

دو صراط باشد به عالم یک به دنیای عظیم

یک به رحمانیت حق یک به اُخری و رحیم

نازل هر دو ولایت مظهرش باشد نعیم

این صراط دنیوی گویم امام بر حق است

طاعتش واجب بدان بلکه بگویم آحق است

ص: ۲۲

آنکه بشناخت او پذیرفتش به وقت رهبری

پیرو او گشت و رستگار، در لقب شد حیدری

در قیامت از صراطی که بود باریک ز مو

از دم شمشیر تیزتر روی دوزخ هست نکو

در گذر باشد از آن پل سرفراز و شادمان

با سلامت مثل برق باشد عبورش کامران

آنکه نشناسد به دنیا رهبرش حقّ شناخت

در قیامت پای او لغزد ببیند مشکلات

چونکه لغزد پای او در آتش افتد سرنگون

در هلاکت سیر کند نقش عذابش در فزون

آدرس این چند حدیث باشد معانی الاخبار

از صدوق صادق آل و لا دان یادگار

این صراط باشد محمّد هم ائمه ی هدی

جانشینان رسول الله و هم اصل ولا

راه راستند هر کدام بهر عبور مردمان

انتهای ره بود ذات مقدس بین عیان

فرد والای ائمه هست امیر مؤمنان

این صراط مستقیم است بهر خلق این جهان

[۷] این صراط مستقیم خود نعمتی است از سوی حق

غیر این ره خشم حق باشد به فردا و سبق

گفت رسول الله: صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ، بجا

شیعیان باشند، علی را نعمت ما هست ولا

ص: ۲۳

نی غضب باشد به آن ها نی شوند گمره یقین

چون که هستند پیرو مولی امیرالمؤمنین

آن که راهی صراط مستقیم نیست گمره است

ضال ضالین است یقیناً در صراط بیچاره است

۲-سوره مبارکه ی بقره

[۱-۲] سوره ی دوم، أَلْفَ لَامٍ مِیْمٍ ذَلِکَ الْکِتَابِ

شک نباشد در هدایت هادی است بر شیخ و شاب

این کتاب باشد امیرمؤمنان، نیست شک در آن

صادق آل علی کرده روایتش بیان

[۳] آنکه ایمانش به غیب است و نمازش شد به پا

مؤمن است بر آن چه نازل آمد از نزد خدا

صادق آل ولا گفتا حدیثی بس بلند

در پی این آیه گویم از برایت ارجمند

آیه باشد: الَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ

هم در استدلال آیه کی توانی گیری عیب

گفت همی باشند اینان کز روی صدق و صفا

مؤمنند بر آن قیام قائم آل عبا

با یقین باشد به عالم رستکار است زین جهان

این علیست با این رموزات آمده از آسمان

ده بشارت مؤمنین را صاحب حسن عمل

جایگاهی در بهشت و نهر جاری از عسل

ص: ۲۴

رزق مؤمن باشد از باغ ولایت پر ثمر

در تشابه آمده نعمت فراوان زان اثر

خلق نمود بهر یدالله آنچه باشد در زمین

آن چه باشد در سماوات حضرتش نقش نگین

[۱۴] روزی عبدالله فرزند اُبی اصل نفاق

گفت علی را چند کلام با صد شقاق و طُمُطُراق

مرحبا بر ابن عم مصطفی داماد او

سید بنی هاشم غیر رسول الله بگو

با صراحت گفت علی او را کلامی در عیان

متقی باش نی منافق، نزد این و نزد آن

شر مخلوقات منافق باشد و هست بدترین

نیست به ماندش بدی از هر کسی روی زمین

در جواب گفتا علی را مَهْلًا ای ابوالحسن

والله ایمان ما مانند ایمانت احسن

بعد از آن گشتند جدا و گفت به دوستانش نفاق

با چه وضع دیدید مرا با او چه کردم در شقاق

چون چنین کرد آن منافق آمد این آیه نزول

باطنش شد آشکار در نزدامت و رسول

[۳۰] گفت ملائک را خدا، روی زمین ایجاد کنم

عالم اسماء و خلف خود خدا را یاد کنم

[۳۱] عالم علم خداوند خود خداوند علیم

علم آسما داد به آدم خود بنحو مستقیم

ص: ۲۵

اسم نیکوی خدا آدم بیاموخت از خدا

اسم نیکوی خدا باشد علی مرتضی

جعفر صادق بگفتا اسم حنای خدا

ما ائمه باشیم و در رأس علی مرتضی

کی قبول افتد ز کس هرگز عمل در روزگار

جز کسانی که شناسند حق ما را پایدار

[۳۳] گفت به آدم جلوه روی امیرالمؤمنین

گو ملائک را علی است اسم خدای عالمین

[۳۴] گفت ملائک را همه سجده نمائید بهر او

باطن او مرتضی باشد بیند روبرو

سجده کردند جملگی بر آدم و بر جان جان

غیر ابلیس رجیم، شناخت ز آدم هیچ نشان

[۳۷] بر گرفت آدم ز حق جمله کلماتی عیان

بهر قریبش در صعود شد تا رسد بر جانِ جان

بعض از جمله کلمات بوده نام مرتضی

نام مولی گشت باعث تارود نزد خدا

[۴۰] ای بشر یادآور از آن نعمت عظمای حق

نعمت عظمای که حاضر، نئی فقط آن ما سبق

اعظم نعمت ولایت باشد از حیّ قدیر

کن وفا بر این ولایت شهد آن است دلپذیر

عهد در آیه ولایت باشد از حق و علی

این کلام فرمود صادق نئی بخلوت، بل جلی

ص: ۲۶

اصل آن باشد ز الله نازلش از مرتضاست

واجب است بر آن وفا و مزد آن نزد خداست

[۴۳] آن که بر پا کرد نماز و در رکوع دادی زکات

آن علی بود و نباشد مثل او در کائنات

دائماً بود در نماز و در رکوع و در سجود

تا خداوند علیم بارها علی را بستود

[۴۵] خاشع ملک خدا باشد علی مرتضی

خود کند ایجاد نماز را از سر صدق و صفا

[۵۸] آیه ی رحمت بود از جانب حیّ قدیم

بر بنی یعقوبیان آمرزش است و هم نعیم

خود علی فرمود این را و به امت داد خبر

درب رحمت باز شده، امت، بگیری زان ثمر

درب رحمت بهرتان آل محمّد آمده

پیرو آنان شوید مژده ز احمد آمده

در صراط اهل بیت راهی شوید در زندگی

تا نباشید در قیامت غرق در شرمندگی

خود علی از اهل بیت است و بود رأس همه

او امام است بر همگان، گویم این بی واهمه

طاعتش واجب شده بر هر کسی در این جهان

پیروی از او کنیم تا که رسیم بر جانِ جان

[۵۹] باقر آل محمد داد خبر بر عاقلان

جبرئیل آورد ز بالا آیه را از نزد کائن

ص: ۲۷

ظالمان تغییر بدادند حق آل احمدی

آن چه را درباره ی آنان بگفته سردی

آن چه پیغمبر بگفت اندر حقوق آل خویش

جمله را تبدیل نمودند دل ز ما گردیده ریش

چون چنین کردند عذاب آید ز آسمان ها شدید

بهر ناهلان امت مردمانی بس پلید

بس جفا کردند به مولی غصب نمودند حق او

در عذاب باشند گرفتار تا رسیم ما روبرو

[۸۱] آنکه انکار ولایت از امیر مؤمنان

کرده است باشد در آتش با همه دوزخیان

[۸۳] آیه ی احسان به باب و مام خود در این جهان

آمده از نزد ربّ العالمین بر انس و جان

ای بشر لا تَعْبُدُونَ غیر از خداوند عَلا

والدینت را نما احسان ز تو شاد است خدا

گفت امیر مؤمنان بشنیده ام از مصطفی

هم من و هم این علی ما دو پدر باشیم بجا

هر دو باشیم بهر امت دو پدر در روزگار

حق ما بر گردن امت به است اندر شمار

از حقوق پدر و مادرشان بیشتر بود

چون که اصل والدینند، احترام برتر بود

گر کنند امت اطاعت از علی و من دو تا

ما دهیم از آتش دوزخ نجاتشان بجا

ص: ۲۸

می کنیم آنان همه ملحق به جمع بندگان

هم به جمع بندگان خوب و آزاده روان

[۱۰۴] آمده در کل قرآن کریم نزدیک بصد

مرتبہ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عدد

اولین آیه از آن ها آیه ی یکصد و چار

ابن عباس گفت حدیثی آن حدیث باشد بهار

گفت نبی الله، نیامد آیه ای از این آیات

الآن که بود علی در رأس آیه در ثبات

مؤمنان جمعند در این آیات و در رأس است علی

هست امیر بر مؤمنان و از رسول باشد وصی

[۱۱۵] گفت خداوند کریم از مشرق و مغرب همه

خاص من باشند بدانید جملگی بی واهمه

هر کجا را بنگرید باشد یقین روی خدا

دیدنی باشد خداوند، گفت حسین مرتضی

این خداوند واسع است هر جا خداست دقت نما

جا و بیجا روی او باشد، ببین هستی لقا

[۱۲۴] ما عطا کردیم به ابراهیم امامت را عیان

هم به ذریه ی پاک او امام آسمان

[۱۲۵] او بنا کرد خانه ی حق بهر مولود عزیز

تا شود ظاهر ز بالا نور حق زیبا تمیز

گِرد آن خانه بگردد حاجی ملک حجاز

حج او مقبول گردد گریابد سرّ راز

ص: ۲۹

جان حجّ باشد امیرالمؤمنین مولای ما

زمزم و رکن یمان و مسجد آمد در نما

[۱۳۶] باقر آل رسول تفسیر نمود این آیه را

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ، تا به آخر دلربا

باشد منظور مرتضا و فاطمه، حسین، حسن

هم ائمه بعد آن ها و نباشد هیچ سخن

باطن سعی صفا و مروه و حجر و حجر

هم عرفات است و مشعر هم منی رمی و دگر

حبّ ولایت باشد و حبّ شدید باشد یقین

عشق اقدس، باطن حبّ جان جانان نازنین

[۱۳۸] صِبْغَةَ اللَّهِ، خوان ز قرآن تا بگیری رنگ حق

از ولایت بهره گیری یا ز نورش یا شفق

صادق ملک هدی گفتا که جمع مؤمنین

وقت میثاق از ولایت رنگ گرفته خود چنین

[۱۴۲] قبله ی اهل کمال باشد امیرمؤمنان

شرق و غرب رو سوی قبله راه راست است جانِ جان

قبله ی اهل کمال باشد صراط مستقیم

این صراط مستقیم باشد امیرالمؤمنین

[۱۴۳] باقر آلِ إله گفتا که ما باشیم همین

امت وسط و شاهد حجت روی زمین

[۱۴۹] جمله گیرید سبقت نیکی، ولایت و قیام

هر کجا باشید، خدا جمع می کند نزد امام

ص: ۳۰

با قسم گفتا امام هشتمین زیبا کلام

چون که آید قائم ما حضرتش حیّ سلام

شیعیان را جمع نماید نزد مهدی جانِ جان

گوش بفرمانند همه تا نطق کند جان جهان

[۱۵۴] آن که در راه خدا کشته شود کئی مرده است

باطن خود را شکفته گُل ز هستی برده است

جعفر صادق بفرمود آن که در راه خدا

کشته گردد نیست مرده آمده اندر جلا

هم رسول و هم علی هم فاطمه، حسن، حسین

هم ملائک نزد او آیند همه نور دو عین

گر به توحید و نبوت هم ولایت لب گشود

جملگی گویند شهادت هست برایش پر ز سود

گر زبان بسته بود حق می کند آگاه رسول

نور ایمان در دلش باشد شود از او قبول

احمد مختار گواهی می دهد ایمان او

بر گواه حضرتش گویند گواهی از نکو

بعد قبض روح، خدا بر او دهد یک صورتی

صورت اصلی و نیکو با بهشتش اُلفتی

هم بیاشامد ز جنت هم خورد از آن ثمر

هم شناسد هر کسی را هست ز بهرش این شکر

[۱۵۵] حضرت صادق بفرمود آن چه در آیه شکفت

از گرسنگی و ترس از نقص اموال را بگفت

ص: ۳۱

آزمون باشند ز بهر خلق بسی قبل از قیام

از علامات قیام قائمند گیر این پیام

بس بود سخت انتظار صبر و تحمل را قبول

باد بشارت صابریں را چون به صبر آیند وصول

[۱۵۶] دوری از آن جان جانان بس مصیبتی است فزون

گو که ما باشیم ز الله، اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

[۱۵۹] نقل شده از صادق آل ولا در روزگار

آیه را معنا نمود و گفت که ما باشیم بکار

با خبر سازیم ز بعد خود همه خلق جهان

بعد ما دارید امامی، آشکار است و نهان

ن که پنهان می کند حجت و هم حرف خدا

می کند لعنش خدا و لعنگران آشنا

همه گوئیم امام اول است شیر خدا

آخرین ما امامان مهدی ملک ولا

آن که این ها را بگوید کئی کند کتمان حق

آن که کتمان کرده است لعنت بر او از ما سَبَق

پس بود این آیه نیز در وصف مولایم علی

صادقم این را بفرمود باوقار و پردلی

چون علی بنمود معرفی خود یازده امام

آخرین آن امامان قائم است مهدی بنام

[۱۷۳] آیه را معنا نمود آن صادق آل عبا

باغی آن باشد که ایستد در مقام مرتضی

ص: ۳۲

بر علیه رهبر بر حق خود کرده قیام

عادی آن باشد که بندد راه حق یعنی امام

راه حق باشد علی مرتضی نور خدا

این خدا گفته به قرآن در میان سوره ها

[۱۸۶] گفت خداوند به رسولش گر کسی از بندگان

از تو جوید وصف من گو تو به آن جویندگان

من نزدیک باشم به آنان جان نزدیک عیان

هر دعایش را اجابت می کنم در این جهان

این اجابت شرط دارد شرط آن یک صلوات

بر رسول الله و آلش جملگی آب حیات

هر دعا با دو صلوات بیمه می گردد عیان

یک به اول یک به آخر خواسته ات اندر میان

تا طفیل دو صلوات در صعود آرد دعا

در مقام استجابت دم بده شکر خدا

جعفر صادق بفرمود گر که همراه دعا

ذکر پر فیض صلوات اول و آخر ادا

در حجاب محبوس نماند هیچ دعائی از کسی

ذکر پر فیض صلوات بهر او هست داد رسی

رأس آل باشد علی و دیگرانش ظاهرند

باطن آل است حضرت دیگرانش باهرند

[۱۸۹] خود علی بنمود تفسیر باطنی از آیه ها

گفت کلامی از وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا

ص: ۳۳

گفت خداوند از برای علم قرار داد حاملان

واجب بنمودی به مردم جملگی طاعتشان

این بیوت آن خانه های علم باشند آن چنان

با امانت حق نهاده اختیار، پیامبران

درب های خانه ها باشند تمام اوصیا

مائیم آن خانه که امر شد واردش گردید شما

مائیم باب الله و آن خانه که وارد می شوید

هر که پیرو شد ز ما داخل شد و باشد حمید

آن که با ما هست مخالف غیر ما بنمود قبول

از پس آن خانه ها وارد شده باشد ضلول

[۲۰۷] ابن عباس کرد روایت آیه ی دویست و هفت

از بقره آمده در شأن حیدر نیست این سخت

تصمیم قتل رسول الله گرفتند مشرکان

در شبی معلوم بیابند خانه ی حضرت عیان

خون حضرت را بریزند خون او گردد هدر

یک نفر با مشرکین مکه گئی باشد قدر

احمد مختار بیاورد خانه اش نفسش علی

در میان رختخواب خود بخوابانید ولی

خود بسوی غار ثور از مکه خارج شد به شب

در شب تاریک و کوه ها در پناه و حفظ ربّ

بين مكه و مدينه اين آيه آمد فرود

بر على لافتى بادا دو صد مدح و درود

ص: ۳۴

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءً، مَرَضَات

بیع کند جانش ز بهر خشنودی حق برات

چون علی در رختخواب مصطفی در خواب شد

جبرئیل بالای سر ایستاد ادب هم ناب شد

میکائیل پائین پا اندر قرار، وه، با ادب

پُر عمیق بین تا چه چیز را آفریده حق ربّ

جبرئیل بودی بفریاد، آفرین و آفرین

قادر حق آفریده این امیرالمؤمنین

حضرت حق با وجودش، به، مباحات می کند

این مباحات بر ملائک در سماوات می کند

[۲۰۸] از امام باقر و صادق رسیده این کلام

آیه ی بعدی بود درباره ی شأن امام

در ولایت آمده آیه و فرمان شناخت

أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً، تا رسید بر عالیات

در ولایت علی و جانشینانش همه

این فراز از آیه آمد هیچ نداریم واهمه

هست خُطوات الشَّيَاطِينِ دوستی فلان، فلان

نی شود نام برد فلان را حق ز این باطل ز آن

[۲۵۳] گفت خدا: تفضیل نمودیم بعضی از پیغمبران

بر بعض دیگر که باشند جملگی از آسمان

گفت رسول الله: خدا افضل از من کئی آفرید

هیچ موجودی بقدرم فضل حق و الا ندید

ص: ۳۵

گفت علی: آیا تو افضل یا که جبریل امین

در جواب گفتا بوند افضل ز همه، مرسلین

برتری دادی خداوند مرسلین را بر تمام

برتری دادی به من از انبیا و از امام

بعد من باشد ز تو این برتری و این کمال

بعد تو باشد ز بهر هر امام ایده آل

این فضیلت از من و تو از امامانی ز ما

این ملائک خادم ما خادم دوستان بجا

[۲۵۵] یک خدا باشد به هستی نیست إله دیگری

این خدا حی است و قیوم بین تو بنده پروری

یک امیرالمؤمنین است در همه عالم بدان

نیست به غیر از یک علی، مثل خدای آسمان

آیه باشد ابتدای آیه الكرسی، خدا

آمده، توحید والا حی قیوم است بجا

او ندارد خواب و غفلت هیچ ندارد سستی

برقرار و پایدار است، هست وجودش راستی

او بود مالک آسمان و زمین هر چه که هست

او نماید سلطنت در ملک خویش به، ناز شست

مالک روز قیامت صاحب عز و شرف

او رساند هر کسی را بر خودش، این دان

هدف او جمال است و جلال و اصل والایش کمال

او کند هر کار، بحق باشد نباشد هیچ سؤال

ص: ۳۶

هست بهشت یک جلوه ئی از اسم زیبای جمال

هست جهنم جلوه ای از اسم والای جلال

ذات اقدس اصل هر اسم خود کمال فوق کمال

هست کمال مطلق و اندر حریمش نیست زوال

چون برد سویش همه خلق با تناسب می برد

خالص و مخلص و اخلص صبح امید می دمد

آن که ناخالص بود افتد به آتش و جلال

تا رود ناخالصی از او، رسد در اعتدال

چون رسد در اعتدال قرب جمال آرد به دست

بعد از آن رو بکمال بالا رود تا هر چه هست

لیک باشد شرط آن حسن شفاعت در میان

شافی، حق است یا که مأذون از خدای مهربان

این فراز از آیه را تفسیر نمودند اهل وحی

صطفی و مرتضی، باقر و صادق خلق حی

مصطفی گفتا به زهرا چون قیامت سر رسد

شافع زن ها تو باشی صبح امیدها دمد

من شفاعت می کنم از مردهای امتم

حق به من اذن داده است از این جهت من راحتم

در بیان دیگری فرمود که در یوم حساب

هم من و هم مرتضی هم اصل بیتم در نصاب

می کنیم از خلق شفاعت نزد ربّ ذوالجلال

می پذیرد این شفاعت حضرت اصل کمال

ص: ۳۷

در کلام دیگری گوید زن صالح و خوب

فاطمه باشد شفیعش، جایش جنت نی که خوب

گفت علی هشت در، بهشت را باشد و یک در ز آن

باشد آن یک در ز صدیقان و از پیغمبران

درب دیگر از شهیدان و هم از شایستگان

پنج در دیگر بود از شیعیان و دوستان

آخرین درب از مسلمانان و از یکتاپرست

هم ز آنان که ندارند با ولایت کینه پست

پنج در جنت بود مخصوص ز بهر شیعیان

تا شوند داخل بهشت را شادمان و جاودان

بر صراط ایستاده ام من خواهم از پروردگار

شیعه و دوست من و یاران من باشند بکار

خواهم تا سالم بدارد جملگی را از خطر

ناگهان آمد ندائی فوق عرش از دادگر

ای ولی من، اجابت می کنم من خواسته ات

می پذیرم این شفاعت از برای شیعه ات

از میان شیعیانم آن که من یاری نمود

جنگ نمود با دشمنانم هر طریقی را بسود

هر نفر هفتاد هزار فرد را شفاعت می کند

از میان خویش و همسایه سرایت می کند

گفت رسول الله من و هم جانشين من على

هم تمام اهل بيتم جمله با طرز جلی

ص: ۳۸

ما شفاعت می کنیم روز قیامت نزد حق
می پذیرد این شفاعت گفته است از ما سَبَق
باقر آل علی گفتا که زهرای بتول
محضر حق گفت که نامم فاطمه باشد قبول
معنی نامم بود قاطع محبانم ز نار
حال محبی از محبانم گنه کرده و عار
وعده کردی تا محبانم ببخشی در جزا
وعده تو حق بود کئی خلف وعده ناروا
در جواب، حق گفت تو را من فاطمه نامیده ام
با تو ذریه و دوستانت ز نار بریده ام
من ندارم خلف وعده تو شفاعتش نما
تا شفاعتت پذیرم هست شفاعتت بجا
تا بدانند انبیا و هم ملائک، اهل حشر
بس بلند است نزد من نام و مقامت به، چه نشر
باقر و صادق بگفتند ما شفاعت می کنیم
از گنه کاران شیعه ما سقایت می کنیم
صادق آل نبی فرمود ایا ای شیعیان
با امید این شفاعت کئی کنید گناه کَانُ
نی رسد هرگز شفاعت بر کسی که این گناه
مرتکب گردد، مگر آن که چشد عذاب چاه

در بیان دیگری فرمود، شفاعت های ما

باشد بهر مرتکبان گناهان دغا

ص: ۳۹

آن که زود توبه کند بهرش نباشد هیچ گناه

نیک و نیکو کار بود هرگز نیفتد او به چاه

[۲۵۶] عروۃ الوثقیای حق باشد ولی مؤمنین

از ظلمات خارج سازد سوی نور یعسوب دین

ابن عباس گفت رسول الله بگفت روزی چنین

هر که خواهد چنگ زند بر ریسمانی در زمین

چنگ زند اصل ولایت باشد ناگستنی

به ولایت برادر و وصی من علی

چون، که دوست او ندارد هیچ هلاکت در جهان

دشمنش گردد هلاک، نیست هیچ نجاتی بهر آن

گفت امام باقرم آن باقر علم خدا

عُروۃ الوثقی بود مودت و دوستی ما

رأس اهل بیت عصمت هست ولایت هست علی

در زمین و آسمان نیست از ولایت اکملی

[۲۵۷] آیه را تفسیر نمود آن صادق آل رسول

نور در آیه محمد آل او باشند قبول

هست ظلمات دشمنان اهل بیت طاهرین

خارج از نور ولایت غرق ظلمت کافرین

باطن نفس رسول الله و کل مؤمنین

مؤمنند بر حق تعالی هم ملائک مرسلین

[۲۶۹] در بیان آیه فرمود جعفر ملک خدا

حکمت باشد طاعت حق معرفت اندر جلا

ص: ۴۰

هم بود عرفان به امام بالاخص اول امام

نام او باشد امیر مؤمنان بس کن کلام

[۲۷۴] آن که اموال خودش در روز و شب و در نهان

آشکارا کرد انفاق هر نیازمند این و آن

آن علی بود جز علی، هیچ کس نکرد این کار را

بی غم و بی ترس کرده اجر او نزد خدا

چون چنین کرد خسرو ملک ولا

آیه نازل گشت به شأنش زنده بادا مرتضی

۳-سوره مبارکه ی آل عمران

آل عمران نام سوره آمد از فوق سما

بر پیمبر نازل است تا باشد ابلاغ از خدا

[۱] آل عمران و أَلِفْ لَامِ مِيمِ كَمَالِ آمِدْ بِهِ بَار

رمز سرُّ الله علی باشد ولی کردگار

[۲] آیه گفت لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

نازل آمد این کتاب، نطق کتابُ الله معلوم

[۳] گو علی باشد کتابُ الله ناطق در جهان

ناسخ تورات و انجیل هم زبور هم این و آن

[۴] آن که کفر ورزد به آیات کتاب و روح آن

انتقام گیرد خدای مقتدر از او بدان

[۶] در رحم صورت گری فرمود عزیز کردگار

تا بگوئی لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بعد، هشت و چار

ص: ۴۱

[۷] این هُو نازل نمود آیات روشن از کتاب

مُحَكَّمات و مُتَشَابِه وصف آن عالی جناب

آن که زَنِيع در قلب خود دارد یقین بر باطل است

فتنه در دین افکند تاویل برد او در غل است

آن که تاویل را بداند او خدا و عالم است

راسخون در علم عالی اسم دیگر قاسم است

قاسم جنات و دوزخ شاه مردان است علی

آن که خود قرآن ناطق وصف او باشد جلی

راسخون گویند همه آیات بوند نازل ز دوست

خود اُولُو الْأَلْبَاب بدانند ظاهر و باطن خُود اوست

راسخ اعلی علی باشد که علم است از علی

صاحب عقل تمام است عالم تاویل جلی

باقر و صادق بفرمودند که ما آل رسول

راسخون باشیم در علم حکمت و عرفان وُصول

ما همه آگاه ز آیات و ز تاویل ها عیان

تاویل و تنزیل آیات ظاهر و باطن آن

در حدیث فرموده است آن راسخون، علم کتاب

آن امیر مؤمنان است صد سلام باد آن جناب

[۱۵] گو رسولا، متقین را بر شما گویم سخن

بهتر از محبوب دنیا بهرتان باشد عدن

باغ فردوس برین و نه‌های پر ز آب

پر ز شیر و پر عسل پر گوهر است هر یک صواب

ص: ۴۲

زیر هر قصر بهشتی نهر آبی است خوش گوار

باغ های پر ز میوه پر گل و دائم بهار

باغ های پر درخت و پر ثمر سبز و قشنگ

روی هر شاخه هزاران بلبل خوش خط و رنگ

در غزل باشند تمامی ذکرشان ذکر صنم

وصف یار خود بخوانند وصف والا دمبدم

در میان قصرها ازواج پاک و خوش سرشت

شاد و شادابند همیشه حور و غلمان بهشت

در رضا باشد خداوند جنت است رضوان او

وَه، چه رضوان وَه، چه نعمت وَه، چه دیدار روبرو

شیره ی جان همه باشد علی مرتضی

ظاهر آمد از ولایت نعمت ملک بقا

[۱۷] صابرين و صادقين و قانتين و منفقين

جلوه ی نور ولایت در سحر مستغفرین

[۱۸] هم خدا و هم ملائک هم أولوا العِلْم از یقین

در شهادت آمدند بر وحدت حق مبین

رأس عالم دان امیرالمؤمنین توحید او

دین اسلام و سلام بگرفت ز الله روبرو

[۱۹] اول آیه چنین فرمود خداوند سلام

این فراز را إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَام

یعنی در امر ولایت تسلیم مولا شدن

تسلیم مولای عالم علی والا شدن

ص: ۴۳

[۳۱] گفت خداوند: ای رسول ما بگو با مردمان

گر خدا را دوست دارید پیروم باید بجان

پیروم باشید که تا دوست شما باشد خدا

تا خدای مهربان بخشد گناهان شما

استناد بنمود به آیه حضرت معصوم پاک

اسم معصوم را به کودک ها نهاد بر روی خاک

دین بود حبّ ولایت نئی بود چیز دگر

دوستی آل محمّد هست در عمرت پر ثمر

گفت پیمبر یک کلام جامعی در حب آل

جای دارد آن کلام را باز نمود در طول سال

لیکن وقت آن نباشد تا بشعر آیند همه

بگذریم تا دیگران آرند به دفتر واقعه

[۳۲] گفت خداوند توانا: ای رسول ما بگو

اهل ایمان را که تا باشند مطیعی بس نگو

تا اطاعت کرده از حق و رسول حق همه

با اطاعت می شود رضوان تمام جامعه

چون چنین فرمود خداوند قویم و هم قدیر

احمد مختار بخواندی خطبه ئی بس دلپذیر

متن خطبه هست سفارش بهر طاعات ولا

بهر تکریم و اطاعت از علی مرتضی

گفت که ای مردم، خدا گفته اطاعتش کنید

هم نبیم را اطاعت کرده و باشید رشید

ص: ۴۴

پس شما باشید مطیع در لحاظ این وصی

هست وصیم نفس پاکم بهترین افراد علی

هست وصی و هست وزیرم هست خلیفه ام عیان

هست ولیّ امر من بعد از وفاتم در جهان

بهترین خلق خدا باشد علی مرتضی

بعد من بهتر از او نیست در همه ارض و سما

پس بدانید تا بگویم یک کلامی پر بها

اصل هر چیز را بگویم هست خدای من رضا

هر کسی باشد مطیع شاه مردان مرتضی

هست مطیع من یقیناً، گویم این حرف با شما

هر کسی باشد مطیع من مطیع باشد خدا

حق عطایش می دهد هر چه بخواهد در جزا

هر کسی او را رها کرده مرا کرده رها

هر که من سازد رها حتماً رها ساخته خدا

هر کسی سازد رها پروردگار عالمین

لعنت حق باد بر او در آسمان و در زمین

حق برابر کرده است طاعت خود را با رسول

هر چه حق و هم رسول حق بگویند هست قبول

هم رسول الله برابر کرده طاعت علی

با همه طاعات خویشتن با تمام پردلی

پس اطاعت از خدا و از رسول و از وصی

گشته است واجب به امر حق تعالی و نبی

ص: ۴۵

بر تمام اهل ایمان واجب است باشند مطیع
جمله باشند در اطاعت از علی، وصف منیع
آمده در آیه ی پنجاه و نه، سوره نساء
مؤمنان باشند مطیع حق و احمد، مرتضی
مرتضی و یازده فرزندش اُولی الامرند همه
غیر آنان نیست اُولی الامر در میان جامعه
هست تناسب بین حق و خاتم پیغمبران
بین این دو با ائمه اولیاء انس و جان
پس اُولی الامر هست امامان در مقام عصمتی
غیر معصوم نیست اُولی الامر تا که باشد حجتی
طاعت حق واجب است و طاعت ختم رُسل
طاعت آل محمّد نور و انوار بتول
قصه ی ابن بشر یک قصه ایست پر ماجرا
اعتراض بنمود روزی بر علی شیر خدا
گفت بنی هاشم، چرا باشید ولیّ مردمان
ما نداریم در ولایت هیچ سهمی را از آن
گفت علی، باشی اوّیس بن بشر تو نادرست
جز دروغ پایه نداری، پایه ئی جز کذب و سُت
حق عطا کرده که تا باشیم ز نسل آن خلیل
آیه ی قرآن بود بر مدعا، خود یک دلیل

گفت اویس بن بشر، ما نیز ز نسل آدمیم

زنگیان و نوییان اولاد حام و نوح جمعیم

ص: ۴۶

هر دو از پیغمبران مرسلند در روزگار
نسل ما را با خلیل الله و خاندانش چکار
مصطفی را با خبر بنمود علی زین ماجرا
گفت رسول الله کنم زجرش به دستور خدا
جبرئیل نازل شد و آورده آیه بر زمین
قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنِينَ
گر که رو گردانید از آنان شوید کافر همه
جایگاه جملگی باشد به محشر هاویه
هیچ ندارد دوست خداوند کافران را جملگی
غرق کفرند جملگی و هیچ ندارند بندگی
مؤمنان در بندگی حق اطاعت می کنند
تابع معصوم پا کند و حمایت می کنند
جمله دوست دارند علی را این علی دوست خداست
مَظْهَرٌ وَرَأْسٌ وَلَايَةُ بَيْنَ عَلِيٍّ مَرْتَضَاةٍ
باد سلام و صد سلام و صد صلوات خدا
بر نبی و بر امام اول مُلْكٌ وَلَا
بر گزیده حق تعالی آدم و نوح و خلیل
آل ابراهیم گزیده آل عمران هم اصیل
بر تمامی عوالم تا که باشند رهنما
خلق هر عالم هدایت می کنند سوی خدا

آل ابراهیم در آیه هست جناب مصطفی

آل عمران است به آیه شاه مردان مرتضی

ص: ۴۷

آل ابراهیم بود اسحاق، سماعیل و دگر

تا به پیغمبر رسد، اولاد پیغمبر ثمر

تا رسد به مرتضی و نسل پاکش جملگی

این گزینش در حقیقت هست بجا زبندگی

آل پیغمبر گرفته ریشه از آل خلیل

آیه ی سی و سه باشد بر چنین حرفی دلیل

آل عمران خود علی باشد و هم اولاد او

ای عزیز خود آیه را بین می درخشد روبرو

گرچه بعضی داده اند این اسم را بر دیگری

داده اند بر باب موسی، نیست ز بهرم باوری

یا به باب مریم پاک داده اند نسبت همی

گر درست نی گفته باشند هیچ ندارند زان غمی

باب مولایم علی باشد یقین عمران پاک

نی که بوده مثل او شخصی به مافوق و به خاک

نام نیکویش بود عمران که عمران است عیان

فرزند عبدالمطلب نیست به مثلش در جهان

کُنیه پاکش ابوطالب عموی مصطفاست

یار و یاور بهر پیغمبر حبیب کبریاست

او موحد بود در عالم او بودی یکتا پرست

او حبیب حق تعالی در بلندی ها و پست

توحید بالای او اندر جهان درس است یقین

از برای حق پرستان و تمام مؤمنین

ص: ۴۸

توحید و یکتاپرستی در کلامش آشکار
مانده در دیوان او تا این زمان ها ماندگار
این موحد در تَوْحُد بود علمدار جهان
همچو بابش امت واحده، فردی جاودان
مُظهر فرزند پاکش این علی شیر خدا
توحید والای هستی یکه تاز پر جلا
باد سلام حق به عمران و به اجدادش همه
باد سلام حق به عمران و به ابنائش همه
باد سلام حق به عمران تا به آدم، مؤمنان
باد سلام حق به عمران تا به صاحب زمان
باد سلام و باد صلوات خدای مهربان
بر علی فرزند عمران بهترین خلق جهان
یک بیان دیگری راجع به آیه در وجود
گفته بعد از آل عمران، آل طاها در نمود
آل عمران، بوده است، آل محمّد، بعد آن
حذف نمود آل محمّد راز آیه آن فلان
از امام صادق و اجداد پاکش تا علی
قل شده یک واقعه در عامه ی مردم جلی
حضرت مولی امیر مؤمنان گفت به حسن
خطبه ئی غرا بفرما در میان انجمن

مجتبی انجام بداد و خطبه ئی غرا بگفت

دُرّ ز دریای ولایت در میان عامه سُفت

ص: ۴۹

با کلامی پر ز حمد و پر ثنا ربّش ستود

داد شهادت بر یگانگی آن حیّ ودود

گفت که ای مردم خدا ما را پذیرفت بهر خویش

در رضا باشد ز ماها بهر دینش هر چه بیش

ود خداوند برگزیده ما ز خلقش در عیان

نازل آورده ب ماها یک کتاب از آسمان

وحی او نازل به ما شد واسطه گشت جبرئیل

مائیم آل الله در عالم این کتاب باشد دلیل

بس بیانات بلند در خطبه فرمودی حسن

هیچ نبودی در کلامش ذره ئی نقص و محن

چون چنین شد آیه ی سی و چهار آمد نزول

ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، می باشد قبول

باشد این ذریه ی پاک، نسل پاک دیگری

این چنین در صدر بالا می نماید رهبری

باقر آل محمّد هر دو آیه خواند بلند

طرز خواندن بود عالی هر که بشنید کرد پسند

بعد از آن فرمود از این آل و از این عترت منم

من ز اهل بیت عصمت باشم و دل روشنم

آخرین از آل و عترت هست عیان از اولین

اولین از آل و عترت هست عیان از آخرین

اول و آخر همه يك نور باشند پر ز نور

نور واحد آمده انوار پاكان در ظهور

ص: ۵۰

باد سلام و باد صلوات خداوند ودود

بر محمّد باد و آتش، باد به آن ها صد درود

باد سلام و باد صلوات خداوند جهان

بر امام عالم هستی امیر مؤمنان

[۳۳-۳۴] کرد سؤال مأمون عباسی ز حضرت رضا

گو که آیا در فضیلت باشد عترت و شما

گو که آیا اهل بیت افضل بوند از مردمان

در جواب فرمود حضرت در کتاب آمد بدان

بعد از آن مأمون بگفتا در کجا آمد بیان

در جواب خواند آیه ی سی و سه و چار را ز آن

حضرت باقر بخواندی هر دو آیه را و گفت

ما ز آنانیم و عترت، دُرّ این دریا بسُفت

[۴۲] گفت رسول الله که باشد فاطمه آن جانِ جان

برتر از هر زن بود در عالم کون و مکان

این زن برتر بود همسر برای مرتضی

کُفو والای علی باشد علی شیر خدا

[۴۳] فاطمه باشد محدثه حدیث گوی زمین

از برای جمعی از فرشتگان و مؤمنین

فاطمه بهر ملائک در حدیث بود بارها

آن ملائک بهر زهرا در حدیث بودند سزا

آن ملائک محضر زهرا شرفیاب و حضور

زهرا را گفتند خداوند برگزیدت اصل نور

ص: ۵۱

داده بر تو برتری از جمع زن های جهان
پس ببر فرمان مولی، بهر خلقت جانِ جان
در قیام باش و رکوع کن در سجود با ساجدین
سجده بر درگاه معبود، معبود ملک یقین
آن ملائک در شبی گفتند حضور فاطمه
افضلی تو از زنان این جهان بی واهمه
افضلی از مادر و مریم و آسیه یقین
از زنان افضل و از اولین و آخرین
مؤمنان گویم حدیثی یک حدیث پر جلا
از امام پنجمین آن باقر علم خدا
بود محدث جد والایم علی مرتضی
در حدیث بودند ملائک با علی شیر خدا
بر ملائک بود امیر و سرور و اول امام
درس توحید داد به هر کس توحیدش دان یک مرام
اصل قائم اصل راکع اصل ساجد دان علی
بعد پیغمبر نباشد مثل او هیچ اکملی
پس همه، زهرا و مریم هم تمام عابدان
در عبادت اقتدا گیرند امیر مؤمنان
[۴۶] عیسیٰ مریم تکلم کرد به گهواره عیان
باطنش بنمود تکلم در رحمِ جانِ جان

[۶۱] نفس پیغمبر علی باشد به فرمان خدا

خود رسول الله چنین گفت این علی است اَنْفُسَنَا

ص: ۵۲

موسی بن جعفر بفرمود تأویل اَبْنائنا

هم حسن و هم حسین باشند دو نور چشم ما

تأویل نِسائنا فاطمه باشد از یقین

تأویل اَنْفُسنا باشد امیرالمؤمنین

[۶۸] گفت علی: باشد سزاوارتر مردم، انبیا

عالم و داناترین به دین و احکام خدا

بعد از آن بنمود تلاوت آیه را زیبا کلام

بعد احمد باشد داناتر ز هر کس آن امام

دوست پیغمبر کسی است که ز او اطاعت می کند

دشمنش آن کس، گناه کرده شقاوت می کند

هست ولیّ الله علیّ و دوست مخصوص خدا

هست خدا ولیّ مؤمن رأس مؤمن مرتضی

[۷۷] سید سجاد بفرمود در قیامت کردگار

سه نفر را در عذابی بس الیم دارد بکار

آن که کرد انکار امام عصمتی را از جفا

آن که دعوی امامت داشت به کذب و هم دغا

آن که مسلم می شمارد غاصبین در جهان

غاصب حق آل الله و امیر مؤمنان

[۸۱] حق تعالی نام نیکوئی نهاده بر علی

نام نیکویش امیرالمؤمنین است بین جلی

نام مخصوص منحصر باشد به نفس مصطفی

هر کسی این نام ندارد جز علی شیر خدا

ص: ۵۳

گر نهد هر کس به خود نام مقدّس علی
او امیر مؤمنان نیست کار اوست خود دَغلی
در جهان آفرینش باشد این نام نکو
از برای شخص مولی بهر شیعه آبرو
هر که دارد اعتقاد و به خدا ایمان پاک
مؤمن است و این علی باشد امیرش روی خاک
یک خدا باشد به عالم دو ندارد این خدا
یک امیر باشد به عالم نیست تعدد انما
هر که این نام را به خود بنهاده است غاصب بود
بی موارد حرف زده در حرف خویش کاذب بود
پس امیرالمؤمنین یک نام اقدس از علیست
علی هر کس نهاده بر خودش دل احولیست
[۸۳] حضرت صادق بفرمود آیه شأن قائم است
قائم از بهر ظهورش دان تو این را عازم است
قائم ما چون قیام بنماید از غیب ولا
هیچ نباشد سرزمینی که نگوید این ندا
جمله گویند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ در هر کجا
هم گویند محمّد رسول الله در ارض و سما
بعد از این گوئیم علی ولیّ الله در هر زمان
در زمان، فوق زمان گویند تمام عاقلان

حضرت قائم بود ختم ولایت، حیدری

ارث حیدر کرار است نماید سروری

ص: ۵۴

[۸۴] آنچه نازل شد به ابراهیم و اسماعیل، عزیز

هم به اسحاق و به یعقوب هم به اسباط است تمیز

هم به موسی و به عیسی هم همه پیغمبران

نازل از عشق و ولایت آمده از آسمان

[۸۵] آنکه غیر از این گزینند دین و ایمانش غلط

این بود اسلام ناب و غیر این دانم سَقَط

حضرت باقر بفرمود ذیل آیه یک حدیث

سال آخر عازم حج بود رسول الله، مُغِیث

جبرئیل آمد ز بالا با سلام و با درود

محضر ختم رسالت با پیامی از ودود

ای محمّد حق سلامت می رساند با پیام

هر چه از احکام دین گفتمی به امت شد تمام

جز دو واجب مانده است بر امت اعلان نما

یک بود احکام حج دیگر خلافت را پیا

سال آخر داد تعلیم احکام و اسرار حج

دید در این راه بس اذیت هم کشید بسیار رنج

بس بدید سختی که تا روشن کند اکمال دین

تا شناساند به امت، اتمام نعمت مبین

گفت رسول الله به امت این علی باشد وصی

هم برادر، وارث علمم بود نفسم علی

جانشینم باشد و تفسیر کند قرآن حق

امتم دعوت نماید سوی حق از ما سَبَق

ص: ۵۵

مانع باشد اتم را از گناه و از دعا
قاتل است از ناکثین و قاسطین و اشقیا
قاتل باشد مارقین و مشرکین و مُلحدین
دشمنان حق تعالی کافرین، منافقین
من دعا گویم در این دم حضرت پروردگار
تا بدارد دوست دوستانان صاحب ذوالفقار
دارد دشمن دشمنانش منکرین لعنت کند
در غضب باشد ز آن کس حق او غفلت کند
آن که انکار می کند حق علی مرتضی
لعن بر او و غضب بر او نما بار، ای خدا
خود به من گفתי خدایا بعد خویش انجام دهم
تا امانت را به دستان ولایت بَنَهم
وقت نصب این مقام بهر تمام بندگان
دیشان اکمال نمایم، اتمام نعمت بجان
بعد نصب این خلافت دین نمودی اکملش
با بیان این امامت اتم آمد مشعلش
مشعل نعمت نمایان نام آن باشد ولا
آن بود تنزیل بالا گو تجلی خدا
با وجود دین اکمل، نعمت فوق تمام
راضی باشی تو ز اسلام هم از این دین سلام

پس خدایا تو گواهی من رسالاتم تمام

بهر تو ابلاغ نمودم خاصه پیغام امام

ص: ۵۶

گر کسی آدرس بخواهد آدرس باشد احتجاج

جلد اول صفحه ی هفتاد و شش باشد حجج

[۹۵] گو محمد صدق گفتار خداوند جلیل

بوده باشید پیرو هم دین و آئین خلیل

[۹۶] اولین خانه نباشد در زمین، ملک حجاز

خانه ی پاک و مبارک قبله ی اهل نیاز

حضرت آدم بنا کرد خانه ی خاص خدا

گرد خانه هر فرشته در طواف است مرحبا

بانی دوم خلیل الله بساخت رکن یمان

حجر اسماعیل مقام خلت از بهر امان

خانه ی حق را بنا کرد بهر زادگاه علی

بر تمام خلق عالم این علی باشد ولی

زادگاه این علی شد قبله ی اهل وصول

بی طواف زادگاهش کنی عمل باشد قبول

بی طواف زادگاهش حج هر کس باطل است

طَوْفِ او برگیرد این خانه یقیناً بر گِل است

خانه ی کعبه مبارک گشت ز مولود علی

این علی مولود کعبه حل کند هر مشکلی

حاجیان بر گرد کعبه دائماً اندر طواف

طَوْفِ بی حبّ علی باشد یقیناً بر خلاف

طَوْفِ با حَبِّ علی شد شیرہ ی حج قبول

بیت نور است زاد گاهش یا که عرش آمد نزول

ص: ۵۷

[۱۰۱] مولود کعبه صراط مستقیم است ای عزیز

بر صراط مستقیم رو تا شود سر پُر قَفِیز

[۱۰۳] اعتصام جوئید به جبل الله علی جبل خداست

تفرقه تیری است ز ابلیس منشاء شر و خطاست

ذکر نمائید نعمت حق، خود ولایت نعمت است

مؤمنین با هم برادر رَأْس ایمان رحمت است

گفت پیمبر می روم من دو امانت عزیز

در میان امت باشند تا زمان رستاخیز

دو امانت با همند نیستند جدا از همدگر

تا کنار حوض کوثر وارد گردند پر ثمر

بنگرید تا باشد رفتار شما با هر دو تا

با چه رفتاری، چگونه، بهر ابلیس یا خدا

اولی باشد کتاب الله و دوم عترت است

اولی قانون خلقت دومی هم فطرت است

اولی باشد کتاب الله و قرآن مبین

دومی قرآن ناطق گو امیرالمؤمنین

چنگ زبید بر دامن هر دو امانت در جهان

تا نجات یابید ز غرقاب گناه، دام شیطان

پس مگیرید پیشی از هر دو شوید گمراه و خوار

پیرو هر دو شوید تا که رسید به کردگار

در حدیث دیگر آمد ریسمان کردگار

آل پیغمبر بوند هم لنگر لیل و نهار

ص: ۵۸

رأس این آل حیدر صفدر بود گیر دامنش

از معارف کیل ها گیر از کنار خرمنش

پس بود حبل الله، قرآن و علی مرتضی

خاندان علوی در رأس آن شیر خدا

[۱۰۴] امر به معروف نهی از منکر سلاح مفلحون

هر دو نازل از ولایت هر دو نطق مؤمنون

[۱۱۰] مؤمنینند خیر امت چون که دارند امر و نهی

یا بود خیرالائمہ دومی حق است و وحی

آن که باشد مؤمن بالله و روز رستخیز

امر و نهی دارد و خیرات پر نموده خود قفیز

در قرائت علی، آیه چنین آمد زمین

كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ، گفت صادق ملک یقین

آیه در شأن ائمه آمده در رأس، علی

این علی بر عالم هستی دمد نور جلی

صادق آل رسول گفت این چه خیر امتی است

آنچنان کشتند علی را هیچ ندیدند حرمتی است

خیر امت کشت علی را هم حسن و هم حسین

این چه خیر امتی است کشتند امام عالمین

خیر امت خونجگر کرد اصل هستی مصطفی

خونجگر کرد اصل کوثر فاطمه نور خدا

این چه خیر امتی است حق های اولاد نبی

غصب نمودند حق زهرا حق حتمی علی

ص: ۵۹

این چه خیر امتی است زهر جفا دادند حسن

جای پیغمبر نشستند همچو صد زاغ و زغن

این چه خیر امتی است بر پا نمودند کربلا

آل پیغمبر بکشتند، ریخته اند خون خدا

این چه خیر امتی است اولاد پاک مصطفی

یک بیک کردند شهید تا عسکری مه لقا

این چه خیر امتی است ختم ولایت شد غریب

غیبت کبرا پذیرفت هیچ نینیم آن حبیب

صاحب امت شده غائب ز جور امتش

خیر امت این نباشد هیچ ندارند حرمتش

این چه خیر امتی است الآن گرفتار یهود

صهیونیسیم از نوکران خود برد بسیار سود

هست سران کشور اسلام مطیع استعمار

بر زیان مسلم و اسلام، ندارند هیچی عار

مسلمین بر جان هم ریزد استکبار دون

شرک و کفر است سربلند، فرهنگ توحید سرنگون

مسلمین، بر پا خیزید و کشید این نوکران

دست کفر کوتاه کنید از کشور خود با توان

حاکم دنیا شما باشید نمائید عدل و داد

خدمت خلق خدا باشید و دل ها گردد شاد

این شمائید تا کنید آماده این ملک خدا

تا شود ظاهر به عالم قائم ملک بقا

ص: ۶۰

منجی عالم بیاید بهر امداد همه

قائم آل محمد نور چشم فاطمه

آخرین وصی پیغمبر امام آخرین

ختم ختم است در ولایت حاکم روی زمین

چون بیاید، اصل کفر و اصل شرک و هم نفاق

بر جهنم می فرستد جمله بیند استحقاق

دوست بدارد مردمان و یاری مستضعفین

می کند یاری نیازمند چون امیرالمؤمنین

از زمین آرد برون گنج و ذخایر را همه

می کند تقسیم تمامی در میان جامعه

عدل و داد را بر زمین جاری کند آن روز عیان

ظلم و جور کس نبیند در همه ملک جهان

گرگ و میش با هم رفیقند و نباشد وحشتی

این جهان بیند عدالت به، چه زیبا صولتی

دست رحمت بر سر خلق می کشد وقت ظهور

در شکوفا عقل ها آیند و دل ها پر سرور

می شوند مردم همه دانا و زیرک ذره بین

با صفا گردد جهان و پر ز نعمت این زمین

مردم دنیا ببینند یک ظهوری از بهشت

هم ببینند آن چه ناب است هم ببینند سرنوشت

آن زمان دنیا کند زیبائیش ظاهر چنان

چون ببینند عاشق دنیا شوند خلق جهان

ص: ۶۱

دانند این دنیا چه باشد خلق نموده است کمال

ظاهر آورده ز معنا هم جمال و هم جلال

عالم دنیا بود یک اسم ز اسم های خدا

در قیام قائم ظاهر گردد با فرو جلا

پس به ظاهر خیر امت آمده آیه زمین

باطن آیه بود خیرالائمه از یقین

یا ز آسمان آمده خیر الائمه بر زمین

خیر امت گشته آیه بعدها با دست کین

گر بیاید خاتم خیرالائمه در ظهور

آورد خط علی را تا همه بینند به نور

آن جا خواهند دید بود خیرالائمه یا بود

خیر امت، از خدا خواهیم در این مطلب مدد

[۱۲۲] آیه آمد در اُحد و جنگ سرسخت علی

لافتی زد لشکر کفر هیچ نبودش مشکلی

جبرئیل بین زمین و آسمان می داد ندا

لافتی الّا علی لا سیف بیامد از خدا

جبرئیل گفتا به احمد ای رسول عالمین

بین مواسات علی بهرت، فداکاری چنین

در جواب فرمود که باشم من یقین از این علی

این علی باشد ز من، دان ظاهر و باطن جلی

جبرئیل گفتا که من باشم ز هر دوی شما

رو به وحدت می رویم تا که رسم ما به خدا

ص: ۶۲

[۱۲۸] آیه در شأن علی گشت نازل نزد مصطفی

تا کند ابلاغ ولایت از علی مرتضی

مانده در حیرت چگونه از علی گوید سخن

با کمالات علی بی حد و حصر در انجمن

این علی اول کسی است بنمود رسالت را قبول

بهترین یار خدا و بهترین یار رسول

بهترین رزمنده ی میدان جنگ با مشرکین

بهترین سرسخت ز افراد، با همه مخالفین

عالم هر علم بود و عارف هر معرفت

هر فضیلت را بود اول نگر از این جهت

گر کند ابلاغ علی را با همه فضل و کمال

باعث طغیان دشمن هم حسادت بد خصال

آیه آمد، نیست از این کار چیزی دست ای رسول

هست به دست حق تعالی می کنی تو هم قبول

تو علی را بعد خود بنما وصی و هم ولی

پشت این کار است خدا هرگز نباشد مشکلی

[۱۳۳] با شتاب آئید به سوی مغفرت باشد بهشت

وسعت ارض و سماوات بهر پرهیزکار نوشت

[۱۳۴] این امام متقین است در دو حال انفاق کند

محسن است او بوی احسان و محبت می وزد

[۱۴۴] ذیل آیه گفت رسول الله که ای مردم شما

آگهیت، باشم رسول الله و ختم انبیا

ص: ۶۳

گر بمیرم یا شوم کشته ایا مردم شما

گر عقب گردید ندارید هیچ ضرری بر خدا

آگه باشید این علی با جمع فرزندان خویش

صبر کنند و شکر گذارند هرچه بیشتر هرچه بیش

[۱۵۰] مؤمنین، دانید خدا مولا و یار جملگی است

نازل مولی علی باشد مقام بندگی است

[۱۵۷] باقر علم خدا کرد آیه را معنا بجا

گفت سبیل الله، علی و آل او هستند روا

آن که در راه ولایت کشته گردد یا در آن

راه بمیرد در ره حق مرده است و داده جان

[۱۶۲] حضرت صادق بفرمود آنکه خشود کرد خدا

معرفت و حبّ ما داشت، باشد بهرش این صفا

ضرت حق جمع آنان را دهد عالی مقام

می برد بالا درجات همه هر صبح و شام

آن که حق مرتضی و عترتش انکار کند

زین جهت خشم و غضب را از خدا آشکار کند

[۱۶۹] آنکه در راه خدا شهد شهود نوشیده است

مرده نیست و زنده باشد شهد عشق چشیده است

او بود دائم به نزد حضرت پروردگار

دائماً روزی بگردد از جمال و حُسن یار

در کنار حوض کوثر نوشد از دست علی

جام آب کوثری و هم حیات ابدی

ص: ۶۴

[۱۷۰] شاد و شادمانند به فضل شاهد روز آلت

ده بشارت جملگی را شاهدان عشق پرست

ترس و حزنی نیست ز بهر شاهدان روزگار

غرق نعمت های حق باشند و فضل کردگار

سید و شاه شهیدان هست علی مرتضی

او بود خون خدا و پدر خون خدا

خون حق جوشد ز سرچشمه ی ذات ازلی

نام آن است در زمین گوئی تو مرتضی علی

[۱۷۱] با قسم گفت صادق صدق علی که شیعیان

رو به جنت می روند در لطف حقند شادمان

بهترین جای بهشت از مرتضی باشد یقین

بعد از او باشد ز جمع شیعیان خوش نشین

[۱۷۲] باقر علم لُدن گفتا که در جنگ اُحد

زخم هائی بس فراوان بود علی را در شهود

گفت رسول الله که هر کس در ره پروردگار

این چنین کوشد بود معذور به نزد کردگار

دست خود بنهاد به هر زخم، زخم او شد التیام

حمد حق بنمود ید الله بعد از آن گفت این کلام

من به هر جنگ پشت نکردم و نبودم در فرار

در رضای حق بکوشیدم نداشتم هیچ قرار

زین جهت در دو فراز از متن قرآن مجید

حق نمود شکر علی و این علی باشد فرید

ص: ۶۵

دو فراز باشد: وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

در دو آیه حق نمود شکر امیرالمؤمنین

حیدر کرار به هر جبهه به هر جنگ و دفاع

فاتح میدان توحید از همه بودی شجاع

[۱۸۵] مصطفی از قول حق گفتا حدیثی بس بلند

بهر اثبات کلامش یاد نمودی و سوگند

گفت هر آن بنده که دارد دوست علی مرتضی

دور نمایم او ز آتش اجر او نزد خدا

آن که بغض و کینه ی او را به دل گیرد بدان

او در آتش جای دارد آتش است بر او زیان

[۱۹۵] چون رسول الله نمود هجرت به یثرب آن زمان

ماند علی تا کارهای مسلمین سازد روان

بعد نمود هجرت به سوی یثرب و راه رسول

در سفر، یاد خدا همراه زهرای بتول

چون رسیدند بر پیمبر بین راه مهاجرین

آیه نازل گشت به شأن آن امیرالمؤمنین

[۱۹۸] آنکه پاک است بهر او نازل شود نزد خدا

نهرها جاری شود از بهر ابرار ولا

[۲۰۰] گفت امیر مؤمنان درباره ی آیه چنین

در مصیبت ها نمائید صبر و پایداری دین

رابطه ایجاد نمائید بین خود را با امام

دان امامت رابط است بین تو و شخص سلام

ص: ۶۶

۴-سوره مبارکه ی نساء

سوره ئی آمد ز بالا نام نساء باشد بجا

تا بدانند خلقت زن را که بوده از کجا

[۱] در نساء آمد به خلقت هم ز نفس واحده

مرد و زن گشته نمایان اصل خلقت آمده

بعد حق، بعد رسول ظاهر امیر مؤمنان

بعد نور پاک عصمت دیگران آیند عیان

آدم از خاک آمده هم آمد از نزد خدا

همسرش آمد از او ظاهر، شده خلقت دو تا

زان دو تا مردان بسیار و زنان ظاهر شدند

پس ز یک جا آمدند و یک دگر سائر شدند

خاک نشینان آمدند تا باشد تمهیدی چنان

تا که روزی گردد ظاهر آن امیر مؤمنان

گر چه باشد خاک پاک ما همه ظاهر ز آب

اصل خاک باشد علی گنیه گرفت ابوتراب

پس تمام روح و جسم هر کسی هست از علی

کیست که اصل خود شناسد، از شناخت چینه گلی

[۳۶] باقر و صادق نمودند آیه را زیبا بیان

آمده در شأن احمد هم امیر مؤمنان

کرده اند تأویل آیه، باطن آن را عیان

والد اول محمد باشد در ملك جهان

ص: ۶۷

والد دوم امیر مؤمنان باشد یقین

در سماوات والد است و والد است در هفت زمین

گفت رسول الله من و نفسم علی باشیم پدر

از برای امتم، ما هر دو باشیم تاج سر

[۴۱] حضرت صادق نمود تفسیر آیه در عیان

آیه را در شأن امت نازل داند از کلان

هر زمانی از ائمه هست یکی حاضر امام

شاهد باشد این امام بر امت جدش تمام

حضرت ختمی، بود شاهد تمام عترتش

تا شود دنیا همه دارالسلام بر امتش

[۴۷] در بیان آیه آمد قائم آل عبا

تکیه بر دیوار کعبه دارد و اندر ندا

مردمان عالم دنیا بیاری خدا

ما قیام بنموده ایم دعوت ما دارید روا

ما ز هر کس به خداوند و رسول نزدیک تریم

هر که باشد پیرو ما، سوی یزدان می بریم

[۵۴] اهل بیتند مردمانی که خداوند علیم

در عطا داده به آنان یک مقامی بس عظیم

آن مقام بس عظیم باشد امامت در جهان

مردمی اندر حسد ورزی به آنان در زیان

[۵۸] گفته شد تفسیر آیه، آن بود تا هر امام

از امانت هر چه دارد می رساند خوش مرام

ص: ۶۸

می رساند بر امام بعد خود با امر ربّ

می کند اجرای احکام خوش مرام و باادب

[۵۹] مؤمنین باشید مطیع حضرت حق و رسول

هم اُولئِ الْأَمْرِ و ولایت هم که گل های بتول

چون سؤال شد از پیمبر از اولی الامر معنیش

آن، که باشد که قرین حق و تست مقرونیش

در جواب گفتا اولی الامر جانشینان مند

جانشینانند ز معصوم شمع هر انجمند

اول ایشان علی بن ابی طالب بود

بعد از او یازده امام خوش منظر و جالب بود

آخری همنام و هم گُنیه ز بهر من بود

نهمین فرزند ز حسین شخص او روشن بود

او ز دوستداران خود در غیبت و پنهان بود

روزی از روزها بیاید آخرین هجران بود

شرق و غرب را فتح نماید حاکم دنیا شود

حق به حقدار می رساند این فراز معنا شود

ای محقق بین اطاعت از خدا و از رسول

هر دو باشند اصل عصمت هر دو قبول

اصل عصمت هست خداوند کریم لایزال

نازل عصمت بود اول ظهور ذوالجلال

این اُولی الامر با دو عصمت در تناسب آمده

نفس دوم عصمت سوم تقارب آمده

ص: ۶۹

قرآن ما با فصاحت با بلاغت هست یقین

آیه ها و کلمات باشند تناسب را قرین

این اولی الامرند ائمه عترت پاک رسول

رأس آنان است علی آمد ز آسمان در نزول

پس اولی الامر نازل حق و رسول باشد یقین

این اولی الامر هست بواقع، جان، امیرالمؤمنین

غیر مولایم علی با یازده فرزندش دگر

در همه عالم نباشد هیچ اولی الامری بشر

آن که هر گردن کش و چاقو بدست و ظالمی

نام اولی الامرش نهاده، این غلط باشد همی

این ندارد عقل، چنین نامی به او بنهاده است

شیطان انسی بود این نیست که گوئی ساده است

عقل کامل کی نهد نام مقدّس را بکس

جز ظهور و ذریه از احمد مختار و بس

پس نزول کرد آیه از نزد حکیم متعال

در شأن و در وصف مولایم علی خوش خصال

گوش جان ده تا بیان دیگری گویم تو را

عقل بشکفته و صاحب عقل تیز جویم تو را

آیه در حق علی و هم حسن و هم حسین

آمده اما پیامبر کرده تفسیر نور عین

در شأن مولی علی تفسیر نموده مصطفی

بارک الله بر پیمبر زنده بادا مرتضی

ص: ۷۰

این چنین تفسیر نمودن باشد از انوار عین
مصطفی و مرتضی، باقر و صادق هم حسین
مدرکش را در کتاب شیعه و سنی نگر
گر کنی تحقیق بیابی آن چه گفتم بیشتر
[۶۹] آنکه باشد او مطیع حق مطیع مصطفی
او بود نفس پیمبر او علی مرتضی
بعد مولایم علی باشند چنین اهل ولا
گو ائمه تا بعینند بعد شاه لافتی
آمده تفسیر آیه، اَلنَّبِيُّنَ مُصْطَفَاست
وَالصّٰدِقِیْنَ مَبَارِكِ اسد الله مرتضاست
معنی صدیقین آن است که علی شیر خدا
اولین کس باشد تصدیق کرد رسول مجتبی
وَالشُّهَدَاءُ، هم علی و فاطمه و مُحْسِنند
هم حسن و هم حسین، نه نور عینم ممکنند
جعفر و حمزه شهیدان همه میدان ها
صفین و نهروان و جمل، شهدای کربلا
صالحینند فاطمه و هر دو اولادش گرام
هست ز اولاد حسین جمع ائمه نه امام
صالحین باشند ائمه، در مقام و منزلت
آیه در شأن امامان نازل گشته خوش جهت

رأس و اصل این امامان است علی سلطان دین

ظاهرش باشد علی، باطن امیرالمؤمنین

ص: ۷۱

[۱۵۹] آنکه از دنیا رود، در حال مرگ و رفتنش

مصطفی و مرتضی بیند به وقت خَزَنَش

مسلم و کافر و یا اهل کتاب باشند چنین

هر که از دنیا رود بیند امیرالمؤمنین

گفت علی، یا حَارَ هَمْدَانُ مَنْ يَمُتُ يَرْنِي

هر که میرد من ببیند، مؤمن باشد یا دنی

[۱۶۲] راسخند در علم باطن علم چراغ عالم است

نور دهد هر مؤمنی را نور اعلی خاتم است

مؤمن بالله بنوشد شهد شیرین را ز آن

نازل آید بر مصلی اجر ز نزد جان جان

[۱۶۵] آیه گوید در میان مردمان جامعه

دو دلیل و حجت آمد بهر انسان واقعه

یک بود حجت ظاهر دیگری هم باطن است

حجت ظاهر رسولان و ائمه راهن است

حجت دیگر بود عقل سلیم اندر بشر

هر دو باشند نعمت حق هر دو بهرت پر ثمر

[۱۶۶] حق گواه است آن چه را نازل نموده در علی

بهر تو نازل شده باشد نزولش منجلی

این گواهی بهر آن است تا بداند این بشر

حق به علمش نازل ساخته، در ثنا باش ای پسر

[۱۶۸] آیه را تفسیر نموده صادق آل علی

آن که کافر گشته و کرده ستم آل نبی

ص: ۷۲

کی پیامرزد خداوند این جمیعت راهمی

هرگز ننوشتند ز دریای مروت هیچ نمی

[۱۷۰] باقر علم کتاب معنا نمود این آیه را

لب گشود و با بیانش استحکام داد پایه را

احمد مختار بیاورد بر شما لوح ولا

از کسانی را که باید دوستشان دارید شما

فرد اعلائی ز آنان حیدر کرار بود

باطن آیات مربوطه پر از اسرار بود

[۱۷۴] مردم دنیا بدانند نازل آمد از سما

اصل برهان نور روشن عصمت آل عبا

برهان محکم محمد نور روشن است علی

باغ توحید است محمد گل گلشن است علی

[۱۷۵] آنکه دارد بر خدا ایمان، یقین و اعتصام

رحمت و فضل الهی آورد بر او پیام

بر صراط مستقیم است سیر او رو بخدا

صاحب ره همره است گو تو علی مرتضی

۵-سوره مبارکه ی مائده

سوره ئی آمد به نام مائده از آسمان

بر زمین تا که حلال و هم حرام گردد بیان

مائده دان سفره ی آقا امیرالمؤمنین

گرد این سفره نشستہ اولین و آخرین

ص: ۷۳

[۱] حق گرفته عهد ز جن و هم ز انسان و ملک

تابع باشند بر ولایت از زمین تا به فلک

اول سوره بگوید اهل ایمان را خدا

بر سر پیمان خود باشید کنید بر عهد وفا

زیر سایه از ولایت راه خود را پیش روید

بر شما آید ز بالا هم سلام و هم نوید

بر شما باشد حلال حیوان بحر و بر همه

تا خورید از گوشت آن ها جملگی بی واهمه

[۳] گوشت میته و دم و هم گوشت خوک و سگ دگر

نوع مردار و دگرها گشت حرام بهر بشر

ای که داری ذره ای عقل و شعور و معرفت

گوش دل بگشا بگویم سِری با ملایمت

این چه باشد جز تقیه از خداوند حکیم

یک فراز از آیه ی سه، این فراز باشد عظیم

کرده پنهان در میان خون و مردار نجس

خورده از درنده و خَفَه شده هم خوک و خرس

آیه ی اکمال دین، اتمام نعمت بر همه

در رضا باشد خدا زین دین به وصف لازمه

ظاهر عشق مقدس دان ولایت ای عزیز

برترین نعمت ولایت، نیست از این معنا گریز

شیره ی اسلام ناب باشد ولایت هم کمال

اکمل آمد این شیرینی در غدیر با جمال

ص: ۷۴

در غدیر خم بخواند یک خطبه ی غرا نبی

در شناخت و در کمالِ مولای عالم علی

گفت بود اسلام ناب بر پنج پایه استوار

پنجمین باشد ولایت چار دیگر پایدار

آخرین واجب که آمد از سماوات عُلا

باشد ابلاغ ولایت از علی مرتضی

ذیحجه و هیجده ی ماه در بیابان غدیر

مصطفی برداشت علی را روی دستش دلپذیر

جملگی دیدند علی را روی دست مصطفی

این بود قرآن ناطق یا علی مرتضی

گفت ابوالقاسم أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ

در جواب گفتند بلی باشی تو حتماً این چنین

گفت که باشم هر کسی را من بحق مولای او

این علی مولای او باشد ببینید روبرو

حاضرین دیدند همه این صحنه را روز غدیر

این بود اتمام حجت از خداوند قدیر

گفت فلانی، ای علی باشد تو را تبریک ها

مولای من گشتی و مولای هر مسلم بجا

بعد ابلاغ ولایت بر همه خلق خدا

هر دو دست بگشود و بنمودی خداوند را ثنا

اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنۡ وَاٰلِهٖ وَاَلْحَادِ مَنۡ عَادَاةَ

وَانۡصُرۡ مَنۡ نَّصَرَهٗ وَاخۡذُلۡ مَنۡ خَذَلَهٗ، حَقۡ اٰكَاةَ

ص: ٧٥

آیه ی اِکمال دین اِتمام نعمت در نزول
در رضای حق بیامد باشد این اسلام قبول
شاعر آن روز بخواندی شعر در وصف غدیر
خواندی در وصف ولایت گشت پیمبر را وزیر
گفته ی پیغمبر، آن است این علی باشد وصی
جانشینم باشد و بر مؤمنان باشد ولی
چون ولایت گشت ابلاغ در میان خاص و عام
اکمل دین گشت اسلام نعمتش تام و تمام
شد خدا راضی بر این اسلام ناب بهر همه
جان این اسلام ولایت آمده بی واهمه
این فراز از آیه پنهان گشته بین خبیثات
تا که محفوظ ماند از شر اجانب و آفات
تقیه بنموده خدا تا آن که قرآن کریم
دستخوش تحریف نگردد منحرف اهل جحیم
[۵] ظاهر آیه بفرمود آن که کافر شد عیان
منکر ایمان گشته در قیامت در زیان
باطن آیه بفرمود کافر اصل ولا
باشد اعمالش تباه و در زیان باشد بجا
چون علی باشد همان ایمان که قرآن گفته است
این دُرّ دریای قرآن است که باقر سُفته است

[۱۳-۱۴] قوم پیشین عهد شکستند دست به تحریف در زیان گشتند گرفتار و گرفتار عقاب

ص: ۷۶

همچو قومی از یهود و هم ز ترسا زین طریق

باعث تحریف شدند و عاقبت اندر حریق

قوم اسرائیل شکستند عهد و پیمانی ز ما

چون شکستند، لعن نمودیم قلب پر جور و جفا

دست به تحریف کلام حق زدند نا آشنا

جز ضرر ناید نصیبی بهرشان زین مدعا

هم گرفتیم از نصاری عهد و پیمانی عیان

تا شوند تابع کتاب الله همیشه شادمان

عهد خود بشکست و تحریف ها نمودند هر گروه

هم ز تورات و ز انجیل، هر دو دشمن روبرو

[۱۶] آنکه راضی است از خدا و طالب رضوان اوست

با سلامت می رود راهش رسد بر قرب دوست

دوست ز تاریکی به سوی نور هدایت می کند

نور تابان است علی او را زیارت می کند

[۳۵] این وسیله بهر قربت نام او باشد امام

تفسیر آیه چنین آمد تقرب را بدان

گفت امیر مؤمنان باشم وسیله من یقین

بهر قرب حق تعالی آن وسیله را بین

[۵۴] باقرین تفسیر نمودند آیه را حق تفسیر

هم بیان احمد است تفسیر نموده دلپذیر

قوم دوستدار خدا و قوم دوستان خدا

هست علی با شیعیانش عاشق یوم لقا

ص: ۷۷

آن که دارد دوست خدا را هم خدایش دارد دوست

قاتلین ناکثین و قاسطین و مارق اوست

[۵۵] مؤمنان دانید ولیّی بهر شما باشد خدا

هم رسول الله ولیّی و هم علیّ مرتضی

گر ولیّی را دوست بدانیم یا به معنا سرپرست

یا که یاور دانیمش یا معنی عالی که هست

صدق معنا می کند باشد به حتم معنای آن

این معانی خود قرینند قریبان را تو بدان

این ولیّی باشد خدا و هم رسول و مرتضی

با صراحت آمده الله رسولش مصطفی

با صفات آمد علیّ آن هم صفات با صفا

آن صفاتش هست ایمان و نماز و پاکی ها

او به هنگام عبادت هم به وقت بندگی

در رکوع داده زکاتش با دو صد زیندگی

روزی در مسجد کسی از مردمان بنمود سؤال

کس جوابش را نداد او دلشکسته پر ملال

کرد بلند دست سوی آسمان و بگفت ای خدا

در میان مسجد پیغمبرت دادم ندا

هیچ کسی ننمود مرا دستگیری و نئی داد پناه

بهر فردای قیامت هستی تو آن جا گواه

بود در این هنگام علی در حال انجام رکوع

با اشاره داد نشان انگشترش بر صاحب جُوع

ص: ۷۸

آن نیازمند برد ز دست مرتضی انگشترش

شادمان گردید دعا بنمود ز بهر رهبرش

پس ولی مؤمنان باشد علی طبق سند

یاور هر مؤمنی است باشد نیازمند را مدد

خود سند باشد همین آیه ز بهر مدعا

آیات دیگر کنند تأیید همه این حرف ما

چند حدیث از این جهت باشند سند در نزد ما

قائلین این احادیث باقرین شیر خدا

پس بدان بعد از ولی بودن ز احمد و خدا

هست ولی مؤمنین آقا علی مرتضی

[۵۶] هر که با حق تعالی و رسول عالمین

اصل ایمان حجت حق آن امیرالمؤمنین

دارد دوستی و محبت از سر صدق و صفا

هست ز حزب الله غالب مظهر لطف خدا

[۶۷] در غدیر خم خدا گفت ای رسول ما بگو

آن چه نازل شد ز بالا امت را روبرو

گر نه این پیغام رسانی نی رسول باشی یقین

هست خدایت در رسالت همزه و یار و معین

اصل پیغام رسالت ظاهر عشق تمام

باطن وصف نبوت بر همه باشد امام

باطن وصف امامت بر خدا باشد ولی

گشته است از عشق اقدس به، ولایت منجلی

ص: ۷۹

انبیاء آمد که آید خاتم پیغمبران
آورد از نزد حق خیر کثیر را در بیان
مردمان، خیر کثیر، باشد ولایت اصل آن
نور حق متعال است این امیر مؤمنان
آیه در روز غدیر در شأن مولایم علی
نازل از نزد خداوند تا کند تبلیغ نبی
تا کند تبلیغ ولایت عهدی بعد از نبی
این ولی عهد است علی و مورد تبلیغ علی
گشته مأمور بهر تبلیغ ولایت در جهان
تا رساند بر همه امت به آشکارائی نمان
تا بدانند جملگی باشد خلافت از علی
بعد پیغمبر ولایت هست ولایت ولی
در غدیر رفت روی منبر عهد گرفت از مؤمنین
گفت به آنان هست وصی من امیرالمؤمنین
هست پیامم از خداوند بهر امت هر کجا
تا بدانند این پیام را هست پیامی پر بها
این پیام باشد خلافت هم وصایت هم ولا
بعد پیغمبر ولایت هست ز بهر مرتضی
پس همه آیه بود در شأن مولایم علی
گر سند خواهی همین آیه بود بس منجلی

در سند هم چند روایت آمده پر محتوا

تا رسانند آیه نازل گشته بهر مرتضی

ص: ۸۰

[۷۰] ما ز اسرائیلیان پیمان گرفتیم تا کنند

هم اطاعت هم عبادت بر خداوند صمد

انبیاء از نزد حق آورده اند احکام دین

تا که آن ها مُصلِح و مُسلم شوند و مؤمنین

لکن اسرائیلیان تکذیب نمودند عده ئی

عده ی دگر بکشتند نی بُدی یک دیده ئی

انبیاء باشند نزول از باطن خیرالبشر

هم ظهوری از ولایت نفس احمد را ثمر

گر چنین گردد میان امت ختم نبی

خوار دنیا می شوند زیرا رها کردند وصی

[۸۷-۸۸] اولین یار رسول الله و اصحاب کُبار

بود علی بن ابی طالب به رأسه در شمار

گفت امام مجتبی آن میوه ی باغ ولا

این کلام را با معاویه و اصحابش دغا

وَه، قسم بادا خدا را، آیا میدانید شما

بین اصحاب رسول، اول کسی بود مرتضی

او نمود جمله شهوات را به خود یکجا حرام

آیه نازل گشت به شأن اولین فرد امام

[۹۰] بی علی رفتن براهی راه شیطانی بود

انتهای این ره کج دان پشیمانی بود

گفت خدا ای مؤمنین باشد شراب و هم قمار

از پلیدی های عالم کار شیطان است و عار

ص: ۸۱

اجتناب باید نمودن تا که رستگار شوید
ورنه از راه حقیقت دائماً خواهید رهید
هم شراب و هم قمار سدِ ره یاد خداست
هم بوند سد ولایت هم نماز و هم دعاست
سعی کند شیطان ملعون تا کند بین شما
دشمنی و بغض و کینه را نمایان پر جلا
مؤمنین، ترسید خدا را از نفاق و تفرقه
از جدائیها و فتنه می شوید گمراه همه
پس اطاعت از خدا و از رسول باید نمود
هم ز نفس پاک پیغمبر وصی خوش شنود
کرده ابلاغ این رسالت نور پاک احمدی
باد سلام بر این رسول و نفس پاکش علوی
[۱۱۴] عیسی مریم بگفتا ای خدا بر ما عطا
سفره ئی از آسمان و عیدی ما را روا
روزگار ما مبارک رزق ما به دست تست
بهترین رزاق عالم تو خدا و هست تست
سفره را دان سفره مولی علی مرتضی
عیدی و عید مبارک از ولایت در جلا
رازق عیسی علی باشد علی دست خداست
بهترین رازق خدا دان رزق او را بین ولاست

۶-سوره مبارکه ی انعام

[۱] سوره انعام بیامد نعمتش حمد خداست

خلق آسمان وزمین بنمود و خَلَقش خوش سیماست

نور و ظلمت را قرار داد از جمال و از جلال

بهر مؤمن نور و کافر ظلمت است او را خصال

صاحب انعام علی باشد خدایش منعم است

هر که دوستار علی شد او یقیناً مسلم است

نور و ظلمت از علی ظاهر شده اندر جهان

خلق آسمان و زمین یک جلوه ئی است از جان جان

[۲] آفرید از خاک پاک نوع بشر را ذوالجلال

خاک پاک باشد یقیناً ظاهر اصل کمال

باب خاک و اصل خاک است حضرت ابوتراب

این خدای خاک نشین است از خودت بردار حجاب

[۱۹] مَنْ بَلَغَ باشد امیر مؤمنان اندر جهان

با کتاب الله کند انذار جمیع مؤمنان

[۴۴] گفت: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ، را عیان

چون که ترک کردند ولایت از امیر مؤمنان

در اول باز است بر آن ها راه مال و شادی ها

بعد از آن گیریم تمامی ناگهان با صد بلا

[۵۴] آیه ی پنجاه و چار نازل شده است از سما

تا نباشند طرد افرادی ز نزد مصطفی ﷺ

ص: ۸۳

در بیان دیگری شأن و نزول آیه را

این چنین دانسته اند یک چینی از پایه را

گفته اند نازل شده آیه ز آسمان عُلّا

آمده در شأن حمزه، جعفر و عمارها

نقل شده از ابن عباس، آمده آیه نزول

آمده در شأن مولایم علی، باشد قبول

آمده در شأن مولی، حمزه وزید یا دگر

شأن مولایم علی باشد برایم خوش ثمر

آیه آمد تا سلام گوید رسول عالمین

بر مقام مؤمنان از آسمان تا به زمین

اصل و رأس مؤمنان باشد امیرالمؤمنین

از ازل تا به ابد ناید به مثلش بر زمین

هست سلام حق به مولایم علی اندر جهان

او بود مؤمن به الله و امیر مؤمنان

پس سلام حق و طاها بر علی نور خدا

بعد او بادا به جمع مؤمنین و اتقیا

[۵۹] نزد حق باشد کلید غیب و علم غیب یقین

او بداند واقعات را اولین و آخرین

هر چه در دریا و خشکی است دانه های هر گیاه

ریزش برگ درختان داند اسپید و سیاه

هر چه در عالم بود از خشک و تر، آسمان، زمین

ثبت و ضبط گردیده است اندر کتاب الله مبین

ص: ۸۴

این کتاب روشن و واضح امیرالمؤمنین

باشد و هر چه در او جمع گشته فیها خالدین

[۷۵] چون حجاب برداشت ز ابراهیم بدید مُلک سما

باطن ارض و سما دید باطن مُلک بقا

[۷۶] چون بدید تاریکی شب نوری از کوکب عیان

بعد از آن برتر بدید آن نور ماه آسمان

[۷۷] نور شمس را دید ز بالا بَه، چه غوغا می کند

نور ماه و هم ستاره جمله رسوا می کند

گفت مربی بهر من باشند شعاع این سه نور

نور خورشید اکبر است از هر کدام بین در حضور

چون افول بنمود ستاره گفت نباشم دوست آن

گمره است آن که خدایش ماه و کوکب آسمان

با غروب آفتاب گفتا بیزارم از همه

آن چه دانیدش خدایم نی خداست بی واهمه

[۷۹] رو کنم سوی خدایِ فاطرِ هفت آسمان

هم خدای هفت زمین و هم خدای این و آن

من نیم از مشرکین مشرک بود راهش خطا

من موحد هستم و دوستم بود تنها خدا

من ظهور یک موحد او امیرمؤمنان

او ظهور احمدی و او ظهور جانِ جان

[٨٤] موسى و عيسى سليمان، داود و يوسف ايوب

اسحاق و الياس و يحيى هارون زيبا و خوب

ص: ٨٥

[۸۶] اسماعیل و یونس و لوط و یسع هم جملگی

هم روند تا آدم ابوالبشر در بندگی

جمله باشند بر صراط مستقیم در آشکار

این صراط مستقیم از مرتضی آمد به بار

جملگی باشند تجلی از علی مرتضی

این علی باشد تجلی از خداوند یکتا

[۱۲۲] مرده آن باشد که شناسد امامش در جهان

نور تابنده امام است و امیر مؤمنان

[۱۲۴] این خدا داند کجا بنهاده است رسالتش

هم کجا قرار دهد در نزد خود امامتش

[۱۲۹] حجت بالغ، رسیده، کامل و فوق تمام

مختص حق است یقیناً، حجت باشد خود امام

باقر علم الهی گفت که ما باشیم یقین

حجت بالغه ی حق، خاص، امیرالمؤمنین

[۱۵۳] روزی از روزها حیب حق رسول عالمین

کرد اشاره سوی نفسش آن امیرالمؤمنین

خواند همین آیه به صد وجد و بصد ذوق و شکوه

أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ

گفت بود این راه راستم پیروش باشید همه

راه دیگر پیش نگیرید هر کسی را دافعه

غير اين ره هر رهي باشد كج و در انحراف

تفرقه زايد ز آن ره واقع آيد اختلاف

ص: ۸۶

پیروی از حیدر کرار کنید در زندگی
تا نجات یابید شوید خارج ز هر درماندگی
پیروی از حیدر صفدر سفارش از خداست
حاصل این پیروی تقوا و پاکی ها بجاست
پیرو غیر علی هرگز نباشید در جهان
غیر او راهش بود پر پیچ، خطرناک پر زیان
تفرقه و اختلاف در راه پر پیچ و خطر
آخر کار است شقاوت دوزخ پر شور و شر
پس نباشید تابع غیر علی در روزگار
تا سعادت‌مند گردید و رضای کردگار
پیرو شاه ولایت باشد آرام، سرافراز
هست به دنیا شاد و شادمان هیچ ندارد او نیاز
در پی مولی رود عالم به عالم تا کجا
خود رها کرده رود تا محضر و قرب خدا
گر خدا خواهد رود بالا رسد به ذات پاک
رو به کُنه ذات رود بالا نباشد هیچ باک
حال سفارش از خدا باشد برای جملگی
تا شوند پرهیزکار و ظاهر سازند بندگی
[۱۵۸] آن که اقراری ندارد بر ولایت در جهان
یا که انکار ولایت کرده هر وقت و زمان

نئی بود ایمان او نافع ز بهرش هر زمان

بلکه این کار سلب ایمان می کند از او عیان

ص: ۸۷

منظور از آیات در این آیه ائمه ی هدی

بالاخص حیدر صفدر، مهدی قائم ما

[۱۵۹] گفت پیمبر امتش هفتاد و سه فرقه شوند

جملگی در آتشند جز یک گروه خوش پسند

پیرو مولی علی باشند گروه ناجیه

شرط رستگاری بود این پیروی در واقعه

[۱۶۰] هر کسی خوبی کند آید به راه انبیاء

می رسد بر سفره پر نعمت مه اولیاء

خالق هستی دهد او را یقین پاداش کار

ده برابر می دهد او را یقین در آشکار

هر که کار بد کند بیند نتیجه خود همان

ذره ای ظلم بر کسی واقع نسازد هیچ زمان

گفت علی مرتضیٰ معنای لفظ حسنه

دوستی ما اهل بیت است این بدانندی همه

سیئه بغض ائمه باشد معنایش یقین

هر که دارد، جایگاهش آتش است و هم سجین

[۱۶۱] ای رسول ما بگو من بر صراط مستقیم

هادیم بنمود هدایت، نعمت فوز عظیم

نفس پاکم خود صراط مستقیم است بِالْعِیَان

دین و آئینم ز ابراهیم پاک است خود بدان

[۱۶۲] گو رسول ما نماز و طاعت و اعمال من

هم حیات و هم مماتم از خدای ذوالْمِنَنِ

ص: ۸۸

نفس پاک من علی و روح من باشد خدا

سه نباشیم ما یقیناً یک خدا باشد بجا

[۱۶۴] قائم آل محمد زاده ی پاک علی

می کشد فرزند قاتلِ حسین نسل نبی

آن که راضی بوده بر اعمال باب خود به شین

وزر بردار است ز باب قاتلش، قتل حسین

۷-سوره مبارکه ی اعراف

سوره اعراف پیامد نازل از نزد خدا

آمده روی زمین از بهر مردم رهنما

ای محقق دان بود اعراف امیر مؤمنان

هم بود ذریه ی او هم همه نام آوران

هم رجال باشد علی و اهل بیت باوقار

بین جنت و جحیم باشند ولیّ کردگار

معرفت باشد به اعراف یک دلیل بهر نجات

یاری با معرفت دیگر دلیل کائنات

ای که داری علم و عرفان و یقین و معرفت

سوره اعراف بلند است رمز آن را دان سمت

[۱] هم الف هم لام و میم، صاد، رمز سوره آمده

رمز آن قرآن ناطق این کتاب را شاهده

گو علی قرآن ناطق این کتاب را باطن است

ظاهرش مشی رسالت وحدتش را ضامن است

ص: ۸۹

[۴۳] چون شود روز قیامت صحنه ی محشر بیا

مصطفی و مرتضی و هم ائمه در ندا

می شوند دعوت به صحنه جمع انوار هدی

چون که آیند در قیامت گردند چشمان پر جلا

شیعیان بینند بزرگواران را با شوق و شعف

حمد کنند پروردگار که داده آن ها را شرف

[۴۴] بو تراب گفتا که من باشم مؤذّن در کتاب

هم مؤذّن دار دنیا، هم قیامت هم حساب

آن که در روز قیامت بین اهل رستخیز

در ندا باشد ندایش را دهند جمله تمیز

در ندا گوید که لعن حق بود بر ظالمان

باد بر آن هائی که تضعیف حقم کردند چنان

باد بر آنانی که تکذیب کرده اند از من ولا

ظلم نمودند بر تمام نسل آدم بس چه ها

[۴۶] در قیامت عترت طاها به اعرافند بلند

در مقامی بین دوزخ با بهشت بس ارجمند

مرتضی باشد مقدم از تمام ذریه

هست امام از بهر اعراف و گروه ناجیه

می شناسند هر کسی را در اعراف عُلا

چون ببینند چهره اش که جنتی است یا در خطا

هر که آنان را شناسد در بهشت وارد شود

آن که انکار کرد آنان دوزخش خالد شود

ص: ۹۰

این که گفتم قول باقر باشد و تفسیر آن

در بیان آیه آورده دهد بر ما نشان

در بیان دیگری فرمود که منظور از رجال

هست امامانی ز نسل مصطفی عصمت خصال

نام اعراف است، صراط بین بهشت و بین نار

هر که را ما شافع باشیم هست نجاتش در شمار

هر که را شافع نباشیم جایگاهش آتش است

سرنگون گردد جهنم آتشش را بالمش است

گفت رسول الله علی را ای علی خوش مرام

گوئیا بینم تو را اندر قیامت در مقام

عده ئی را در بهشت و عده ئی را رو به نار

می فرستی، کار تو باشد رضای کردگار

گفت علی، روز قیامت بین جنت و جحیم

ما مقام داریم که تا تقسیم کنیم نار و نعیم

ما به چهره می شناسیم دوستان خود عیان

هم به چهره می شناسیم دشمنانِ خونِ آشام

ما کنیم یاران خود سوی بهشت جاودان

می فرستیم در جهنم بهر کیفر دشمنان

در بیان دیگری تفسیر آیه را عیان

کرده واضح و بفرمودی امیر مؤمنان

ما بر اعرافیم شناسیم دوست و دشمن را بجا

ما خود اعرافیم سبب باشیم شناسانیم خدا

ص: ۹۱

مائیم آن اعراف، قرار داده خداوند غفور
تا میان جنت و نار بخش کنیم خوب و شرور
صادق آل علی تفسیر نموده آیه را
باشیم ما اعراف، هر آن کس که شناسد پایه را
با شناخت ما رود در باغ فردوس برین
منکر ما در جهنم در درکات زیرین
سلمان فارسی بگفتا من شنیدم از نبی
کرد خطاب و بس سخن گفت با مولای ما علی
ای علی تو و امامان بعد تو اعراف ما
دارید در بین بهشت و هم جهنم بس چه جا
هر که بشناسد شما و او شناسید هم شما
در بهشت و باغ فردوس در میان نعمت ها
هر که نشناسد شما و هم کند انکارتان
داخل دوزخ شود با صد عذاب جاودان
[۱۰۲] عهد و پیمان الهی هست ولایت از علی
آن که در عهدش وفا دارد ندارد مشکلی
اکثراً عهد را شکستند و نماندند پایدار
یک قلبی ماند وفادار بر ولای هشت و چار
آن که عهد بشکست به فسق آلوده گردید و گناه
عمر او گشت ضایع و شد روزگارش در تباه

[۱۸۰] اسم حسناى خدا باشد على مرتضى

اسم حسناى خدا كى باشد از ذاتش جدا

ص: ۹۲

هم علی و هم ائمه باشند اسماء خدا

وَاللّٰهُ بِاَسْمَائِهِمْ خَبِيرٌ

گر نباشد معرفت نسبت به اسم های خدا

نی قبول افتد عبادت از کسی در انتها

این کلام، گفته امام صادق از روی یقین

لازم است هر کس شناسد خود امیرالمؤمنین

هم رضا فرمود که هر کس چون گرفتار می شود

واسطه گیرد ماها را گر سزاوار می شود

ما شویم واسطه ی او، او بخواند خود خدا

چون خدا گفته به اسم های خدا خوانید مرا

پس علی اسم خدا باشد بخوانیم ما علی

واسطه در فیض باشد این بود بس منجلی

[۱۸۱] باقر و صادق بگفتند منظور آیه یقین

ما ائمه باشیم، در رأس است امیرالمؤمنین

۸-سوره مبارکه ی انفال

سوره انفال و انفالش بود ملک خدا

هم بود ملک نبی الله رسول مجتبی

[۱] هم بود ملک امیر مؤمنان و هر امام

مؤمنین دارند قبول و هر که را باشد مرام

صادق آل محمد چند حدیث را کرد بیان

تا که تفسیری ز آیه آورد اندر نشان

ص: ۹۳

مائیم آنانی که حق اندر کتاب خود نمود

طاعت آنان واجب، تا رسند جمله به سود

انفال است مال خدا و هم نبی و هم امام

حال حاضر باشد از ما، گر بود از غیر، حرام

پس بود انفال عالم از امیر مؤمنان

سفره ی پر نعمت مولی علی باشد جهان

[۹] جنگ بدر با دست مولایم علی گردیده فتح

احمد مختار علی را با محبت کرده مدح

نوفل مشرک رئیس مشرکین و ضد دین

دشمن سرسخت پیغمبر در آن وقت در زمین

غرق آهن آمده در جنگ بدر غوغا کند

بهر نابودی دین و مصطفی هیجا کند

گفت علی آن شب همه در خواب و بیدار مصطفی

تا به صبح بود در نماز و در مناجات و دعا

از خدا درخواست نمود تا شر نوفل کم کند

شر اشرار است نوفل، کشته باد یا رم کند

وقت جنگ بر نوفل مشرک نمود حمله علی

با دو ضربه بر سر و پا شر او برداشت ولی

چون رسید در محضر پیغمبر آخر زمان

حال نوفل را سؤال کرد و گرفت از او نشان

حیدر کرار بگفتا من بکشم آن عدو

مصطفی تکبیر بگفت و حمد نمود بر این نکو

ص: ۹۴

کرد خدا را شکر که گردیده دعایش مستجاب

بیشترین کشته به بدر باشد به دست بو تراب

[۱۷] یک اشاره آمده بر جنگ بدر و غزوات

بر همه پیروزی اسلام و رفع مشکلات

گر چه باشد فاتح بدر و دگر جنگ ها علی

مصطفی از فتح او شاد است نماید خوشدلی

آیه آمد ای رسول ما، نکشتند مؤمنین

دشمنان دین و قرآن، کینه تو ز آتشین

کشت خداوند کافران را در تمام جنگ ها

نه رسول و نه علی کشت نه کس دیگر دلا

مَارَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ ای نبی ما بدان

رامی میدان جنگ باشد خدای مُسْتَعَانَ

تو که انداختی نینداختی، خدا انداخت سنگ

تا بیازماید همه را وقت صلح و وقت جنگ

جبر نباشد ذره ای در عالم کون و مکان

وحدت و توحید یقین دان از خداوند کَلَانُ

[۲۴] باقر و صادق بگفتند آیه در شأن ولا

آمده بهر ولایت بر علی مرتضی

از ولایت پیروی دارد نتیجه بس عظیم

وحدت و عدل است نتیجه نعمت است آن از نعیم

چون خدا و مصطفی خوانند تو را سوی ولا

پس اجابت کن حیات است در نتیجه بس جلا

ص: ۹۵

[۲۵] گفت رسول الله ز آینده به عمار یک کلام

بعد من امت کشند شمشیر به روی هم مدام

یکدگر را می کشند و می شوند بیزار ز هم

ظالمین دائم نمایند خود به مظلومین ستم

گر بینی آن زمان را پیروی کن از علی

گر روی سوی علی ناید برایت مشکلی

گر همه مردم روند سوئی، علی سوی دگر

تو روان سوی علی، باشد برایت این ظفر

ترک مردم کن، اطاعت از علی مرتضی

تا رسی از راه مولی محضر و قرب خدا

ترک نما غیر علی و راهی سوی علی

تا رسی بر مقصد خویش راه راستت منجلی

هادیت باشد علی حتماً هدایت می کند

راهی غیر علی آخر هلاکت می کند

فتنه ی در آیه را زیبا کند تفسیر رسول

فتنه انکار علی باشد بود این کار ضلول

اهل فتنه باشند اصحاب جمل بعد از نبی

طلحه و زبیر و منکر ظلم نمودند بر علی

پس بیامد آیه در شأن علی قبل از جمل

منکرین بعد از پیمبر کرده بر فتنه عمل

آن چه پیغمبر بفرمود واقع گشتند جمله‌گی

منکرین نطق احمد مانده در واماندگی

ص: ۹۶

[۳۰] چون قریش تصمیم گرفتند جملگی در یک شبی

تا بگیرند جان پیغمبر به مکر و دغلی

گفت خدا این را به پیغمبر، پیمبر به علی

یا علی جانت فدایم کن بخواب جایم شبی

کرد قبول مولی علی و گفت بود جانم فدا

من اطاعت می کنم صد جان فدای مصطفی

مصطفی هنگام شب از خانه خارج سوی غار

آرمید در جای او آن شب ولی کرد گار

مشرکین اطراف خانه را گرفته جملگی

آمدند بالین حضرت تا کنند درندگی

ناگهان دیدند علی باشد بجای مصطفی

نقشه ی آنان خدا کرده در امشب بر ملا

جای پای مصطفی را پیش گرفتند سوی غار

آمدند دیدند تنیده عنکبوت دریش به تار

در تحیر مانده و کردند رها این ماجرا

بعد سه شب کرد هجرت سوی یثرب مصطفی

[۳۹] کرد خداوند توانا یک خطاب با مؤمنان

تا کشند کفار بد جنس در جهاد خود چنان

تا که فتنه و فساد ایجاد نسازند در زمین

تا که آئین همه باشد فقط دین مبین

دست و بازوی علی فرمانده کل قوا

ریشه ی کفر و نفاق و شرک کند قطع خود ز جا

ص: ۹۷

گر چه این آیه هنوز تاویل نگشته در زمین

تا بیاید قائم آل امیرالمؤمنین

او کند تاویل آیه مشرکی نیست در جهان

دین پاک گیرد زمین را زنده باد نسل عمران

[۴۰] مؤمنان، غمگین باشید گر به دین پشت کرده اند

کافران بی شعور، خارهای تیز کشت کرده اند

یار و مولای شما باشد خدای مقتدر

نازل از مولا علی مولاست به عالم مستمر

[۴۱] مؤمنان دانید که خمس آن چه را آرید به دست

هست ز بهر حق تعالی و رسول حق پرست

هم ز بهر مرتضی و سایر خویشان او

هم یتیم و هم که مسکین، مانده از ره بی سب

خمس عالم از علی باشد به وقت رهبری

گر نمودند غصب آن، غصبش بود از خودسری

گفت علی ما باشیم ذی القربی که قرآن گفته است

غنچه اش را در کنار خود، رسول شکفته است

[۶۲] آیه نازل گشته در شأن علی مرتضی

این علی نصرت نموده رهبرش را مصطفی

نصرت از حق است علی واسطه گشته در جهان

نیست خدائی جز خدا، بنده امیر مؤمنان

[۶۴] آیه در شأن علی نازل شده اندر زمین

تا رساند تابعیت علی را از یاسین

ص: ۹۸

تابع پیغمبر اکرم امیر مؤمنان

مؤمنان را رأس باشد در میان بندگان

[۷۲] مؤمنان هجرت کنید بهر جهادِ راه حق

هم به مال و هم به جان خود به هر حال و سبق

هم علی باشد امیر مؤمنان در هر زمان

هم مهاجر هم مجاهد در ره حق دلستان

[۷۵] هست امامت هم‌ره نصب رسالت در نبی

بعد از آن باشد امامت منحصر شأن علی

بعد از او باشد ز فرزندان با فضل و کمال

تا امام منتظر آن اولویت با جلال

۹-سوره مبارکه ی توبه

سوره ی توبه پیامد اول سوره عیان

اول سوره برائت از تمام مشرکان

[۱] کیست که این سوره بخواند در میان مشرکین

جز علی شیر خدا خواند برای کافرین

کرد قرائت سوره ی توبه به آواز جلی

با بیانی دلنشین و با توان پردلی

آیه را جز شخص حیدر کی توان خواندی عیان

در میان خلق کسی جز آن امیر مؤمنان

خطبه ئی غراء بیان فرمود ز بهر مشرکین

تا کسی عریان طواف نتوان نمود از کافرین

ص: ۹۹

[۲] مشرکان را داده مهلت مدت چار ماه چنان

بعد از آن حجی ندارند تا بیارند هیچ زمان

[۳] این اذان باشد علی بن ابی طالب یقین

سید سجاد و صادق کردند تفسیر این چنین

این اذان باشد عطیه آمد از نزد خدا

حق نهاد این نام پاک را بر ولّیش مرتضی

[۱۹] فخر عالم از علی باشد، ندارد فخر بکس

در نظام أحسن هر حُسنی از او باشد و بس

مؤمن اول علی و اصل ایمان است علی

هست مجاهد فی سبیل الله جهادش هست جلی

آیه در فخر علی نازل شده نزد رسول

خود، علی فخری ندارد حق نمود فخر و قبول

[۲۰] آیه ی بیستم اضافه نازل در شأن علی

کرد بیان ایمان و هجرت وصف بالای وصی

بعد پیغمبر مهاجر هجرتش اول بود

او بود اول مجاهد جهد او عسل بود

در تمام این سه کار و هر کمال دیگری

فائز است و رستگار گر که به دقت بنگری

[۲۱] این که گفتم، نئی ز نزد خود بگفتم جمله ها

آیه ی بعدی نظر کن جمله از نزد خدا

حق بشارت می دهد بۀ، رحمتش بهر علیّ

هم بشارت می دهد باشد رضا از این ولیّ

ص: ۱۰۰

نعمت عالی و اعلیٰ چون ولایت فوق آن

عشق اقدس باطن ذات مقدس در عیان

حق عطا کرده ز بالا بر امیر مؤمنان

اصل جنّات است علی و ظاهر و باطن همان

[۲۲] این نعم باشند همیشه از ازل تا به ابد

بهر مولایم علی اجر عظیم است از صمد

[۲۳] باقرم فرمود که ایمان است ولایت کن قبول

این ولایت بهر مولی آمد از بالا نزول

[۳۲] کوشش بسیار نمودند دشمنان نور حق

تا ولایت از میان برداشته گردد چون سَبَق

سعی نمودند مهدی موعود نیاید در وجود

تا ستمکاران عالم در ستم نایند محدود

[۳۳] باقر و صادق بگفتند آیه تاویل نیست هنوز

تا که آید مهدی موعود شود هر روز بهروز

کاظم آل علی گفتا خدا امر کرد رسول

به ولایت علی امر کرد، ولاست دین قبول

[۳۶] صادق آل علی گفتا دوازده ماه تمام

هست به تفسیر همین آیه دوازده تا امام

اول آن ها امیر مؤمنان اصل بشر

آخر آنان بود ختم ولایت منتظر

[۷۰] گفت مگر نشنیده اید اخبار قوم نوح و عاد

هم ثمود و قوم ابراهیم، مداین را مراد

ص: ۱۰۱

هم دگر قوم خدا شناس و پر جور و جفا

ظلم بسیاری نمودند بر تمام انبیا

ظلم ها برگشت به ظالم ظالمان اندر زیان

هم زیان دنیوی و اخروی و این و آن

[۷۱] مؤمنین و مؤمنات دوستدار یکدیگر بوند

امر به معروف، نهی از منکر به همدیگر کنند

هم بپا دارند نماز و هم پردازند زکات

هم اطاعت از خدا و هم رسول کائنات

[۷۲] وعده داد بر اهل ایمان آن خداوند حکیم

وعده ی جنات پاک و عدن و رضوان نعیم

[۱۰۰] اولین مسلم در اسلام اصل ایمان است علی

سابق این امت است و اصل قرآن است علی

بر دو قبله خواند نماز و با دو بیعت شد روان

بیعتی در روز بدر و بیعتی ظرف رضوان

او دو هجرت اختیار کرد، هجرتی با جعفر است

هجرت دوم مدینه هجرتی پر ثمر است

پس نزول کرد آیه در شأن علی شیر خدا

این علی است از بهر مخلوقات همه مشکل گشا

[۱۰۵] منظور آیه ائمه هم امیر مؤمنان

اصل انسان است امیر مؤمنان آرام جان

کرد قسم یاد باقر آل محمد به خدا

مقصود آیه فقط باشد علی مرتضی

ص: ۱۰۲

صادق آل محمد گفت به تفسیر کلام
مؤمنی یا کافری را چون نهند در قبر مدام
اعمال او را کنند عرضه حضور مصطفی
هم کنند عرضه ز هر یک نزد شاه لافتی
[۱۱۹] صادقین باشند ائمه عترت پیغمبری
مؤمنین، با صادقین باشید به وقت رهبری
در بیانی پر رسا گفتا رسول مشرقین
صادقین باشند علی و فاطمه و حسنین
هم بود ذریه ی مُطَهَّرِ این چار نفر
این زمان تا روز محشر محضر آن دادگر
در بیان دیگری فرمود مراد از صادقین
هست برادرم علی و جانشینانش یقین
در کلام دیگری گفتا که روح راحتی
رستگاری و اعانت، پیروزی، کرامتی
مغفرت و عافیت، برکت و آسانی ها
رضوان و بشارت و تقرب و تمکین جا
یاری و امید، محبت جمله باشند از خدا
جمله باشند زیر سایه ی ولای مرتضی
اقتدا بر مرتضی و نفرت از بدخواه او
هم قبول فضل او و جانشین ماه او

بر من است و هم سزاوار تا شفاعتش کنم

این شفاعت حق پذیرد اجر آن هر دو عالم

ص: ۱۰۳

در کلام دیگری فرمود هر آن کس طالب است

پیروی از انبیاء اندر حیاتش غالب است

خواهد تا مرگش شود مانند مرگ یک شهید

جایگاهش در بهشت لطف خداوند حمید

دوست بدارد این علی و هم امامان بعد او

چون که آنان از منند و طینتم بسیار نکو

مصطفی بنمود دعا و دشمنان بنمود نفرین

تا شفاعتش نگردد شامل مخالفین

آیه در شأن علی نازل بیامد بر زمین

صادق صدق و صداقت هست امیرالمؤمنین

۱۰-سوره مبارکه ی یونس

[۱] سوره ی یونس بیامد، رمز آیات کتاب

وحی آسمانی بیامد به، چه وحی ناب ناب

[۲] بر محمّد وحی بیامد باد بشارت وحی او

جبرئیل آورده وحیش دیده او را روبرو

در حضور حضرتش بنشسته بود جبرئیل وحی

شد شرفیاب محضر احمد، علی حجت حیّ

جبرئیل بنمود قیام بهر امیرالمؤمنین

احترام بنمود مؤدب حضرت روح الامین

گفت رسول الله که آیا می شناسی این جوان

گفت آری می شناسم او بود جان جهان

ص: ۱۰۴

او معلم بر من است و بر همه پیغمبران

جز تو ای رهبر، علی باشد همه را جانِ جان

[۱۵] یک فراز از آیه باشد حیدر کرار علی

این بیان صادق است نیست بهر آن هیچ مشکلی

[۲۵] حق کند دعوت همه را جانب دارُالسَّلام

معنی دارالسَّلام باشد بهشت با داوام

هم کند دعوت همه سوی صراط مستقیم

معنی اش باشد ولایت از امیرالمؤمنین

[۳۵] آنکه هادیست سوی حق باشد محمّد هم علی

هم بود آل دو گوهر بهر حق هستند ولی

آنکه کارش نیست هدایت سوی حق، او باطل است

او مخالف با هدایت او یقیناً غافل است

[۵۸] فضل و رحمت خدا باشد ولایت پر بها

ارزشش بیش از جهان است گویمش صد مرچبا

فضل الله مصطفی و رحمت الله علی است

قول معصوم است که گویم نی ز خود یا پر دلی است

[۶۲] اولیاء باشند کسانی وقت غیبت انتظار

چون شود ظاهر امام منتظر گردد بهار

این زمان در طاعتش کوشند بصد شوق و شعف

بیم و حزنی را ندارند گشته ظاهر لا تَحْف

این امام باشد ز نسل حیدر صفدر علی

وارث حیدر ظهور کرده به وصف پر دلی

ص: ۱۰۵

[۶۳] مؤمنین دانید، که بینید مَلَكَ الْمَوْتِ وقت مرگ

منزل خود را به جنت خواهید دید زیبا، قشنگ

مصطفی و مرتضی بینید، حسین و هم حسن

متقی باشید و مؤمن نی بود خوف و مَحَن

[۶۴] مؤمنین دانید که مؤمن وقت مرگ و احتضار

آن زمان روحش رسد به سینه و باشد هشیار

در ملاقات بیند آن وقت آن جمال مصطفی

هم بیند روی زیبای علی مرتضی

او بگوید این منم پیغمبرت، مژده تو را

این بگوید این منم باشم علی مرتضی

این منم آن کس که دوستداشتی تو او رابس زیاد

سود این دوستی رسانم تا رضا باشی و شاد

[۹۴] گفت رسول الله شب معراج به چارم آسمان

جبرئیل دادی اذان و هم اقامه آن چنان

با همه پیغمبران و صادقین، فرشتگان

با شهیدان ره حق شد پیا با عاشقان

با جماعت یک نمازی در امامتم ادا

بعد از آن جبریل بگفتا تا کنیم جمع را صدا

ای جماعت جملگی گوئید ز بهر ما جواب

می دهید بر چه شهادت تا بود آن را صواب

در جواب گفتند به توحید خدا و بعد از آن

به رسالت بهر تو پیغمبر آخر زمان

ص: ۱۰۶

به امامت علی باشد امیر مؤمنان

ما همه مؤمن بحقیم او امیر ما بدان

۱۱-سوره مبارکه ی هود

[۱] سوره هود است و رمزش رمز آیات هدی

محکم است آیات قرآن آمد از نزد خدا

آیت عظمای حق باشد علی مرتضی

آمده از نزد حق رمزی ز رمز لافتی

[۳] باقر آل رسول الله بفرمودی عیان

يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ امیر مؤمنان

[۵] عده ای نزد نبی اظهار دوستی علی

می نمودند لیک به باطن بغض او داشتند خفی

گفت پیمبر هست نشانه ی منافق دغلی

بغض و کینه روی دل دارد ز مولایش علی

[۶] رازق مطلق خدا باشد دهد رزق همه

جلوه ئی از رازق رزق است علی بی واهمه

صفحه ی عالم بود یک سفره ی نور و جلا

سفره اش باز است ز آقایم علی مرتضی

جمله ی مخلوق نشسته بر سر سفره ی او

چشم گشایند تا ببینند صاحبش را روبرو

حی حق داند قرارگاه همه اندر کجاست

در کتاب روشن حق، جایگاهی پر جلاست

ص: ۱۰۷

[۸] صادق آل رسول الله بفرمود این چنین

هست عذاب، خروج قائم آن امام مه جبین

امت معدوده باشد اهل بَدْر اصحاب بَدْر

فاتح بَدْر است علی و فتح بَدْر گردیده بذر

نسخه ی دیگر بگوید امت معدوده هست

یاوران حضرت مهدی نیاند در شکست

[۱۷] گفت علی این آیه در شأنم شده نازل ز حق

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ دَاخِرًا شَفِيقًا

دان رسول الله که دارد بینه از نزد ربّ

شاهدش من باشم و از او منم، نبود عجب

آن که باشد نزد او علم کتاب باشد علی

بس فراوانی ز آیات آمد در شأنش جلی

در روایات فراوانی بیامد این سخن

هست علی شاهد ز بهر آن رسول ممتحن

شاهد است بر صدق گفتار پیمبر بو تراب

بین این شاهد و مشهود هیچ نبینی تو حجاب

بین لقب باشد بَقِيَّتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ

خیر اکمل باشد از بهر جمیع مؤمنین

خیر اکمل باشد، فرزند امیر مؤمنان

دهمین فرزند باشد مهدی آخر زمان

۱۲-سوره مبارکه یوسف

[۱] سوره یوسف و رمزش دان کتاب الله، مبین

مرتضی باشد کتاب الله و رمزش دان یقین

بین کتاب الله بیامد نازل از نزد خدا

آیه و آیات آن باشد علی مرتضی

[۲] زین کتاب الله است نازل آمده روی زمین

نام قرآن خود گرفته از امیرالمؤمنین

[۳] بهترین قصه کند ظاهر ز قرآن کریم

قصه ی یوسف بیان دارد خداوند رحیم

یوسف زیبا بود یک جلوه از روی علی

چشم بینا خود ببیند این حقیقت را جلی

[۴] حسن یوسف بر گرفته از جمال لافتی

ماه و خورشید و ستاره سجده کردند مقتدا

گه و گاهی سر به چاه بنمود علی خوش لقا

گشت شعاعی از لقایش رمز یوسف را بجا

علم تعبیر در میان چاه بیاموخت از علی

یوسف کنعان به معراج است چه زیبا محفلی

[۵] علم تعبیر داد خدا بر یوسف کنعان ما

نعمتش اتمام نمود بر آل یعقوب پر جلا

[۶] هم عطا بنمود به ابراهیم و اسحاق و یعقوب

نعمت و لطف ولایت ہم ظہورِش خوبِ خوب

ص: ۱۰۹

[۸] زد حَسَد شمشیر خود را بر جمال یوسفی

کید شیطانی نمود بین برادر دغلی

[۹] حکم قتل یوسف است یا پا میان چاه آب

تا که دور گردد ز یعقوب یوسف نیکو مآب

[۱۵] چاه آب و بندگی و مصر و دربار عزیز

از بت و بتخانه و از هر گناه اندر گریز

[۲۳] شد گرفتار زنان کاخ نشین و خوش گذر

خاصه اربابش زلیخا از خدایش بی خبر

[۲۴] یوسف مؤمن پناه برد بر خداوند ودود

از لجن زار گناه بگذشت و آمد در صعود

[۳۳] در میان کاخ گفتا ای خدا زندان خوش است

جان من بر هر دو دست تو خدای جرم پوش است

[۳۵] گه میان بند زندان گه به کاخ باشد عزیز

گه میان چاه آب، دائم ز غیر حق گریز

[۵۱] روزی از روزها زلیخا بر گناه اقرار نمود

جرم خود اعلان نمود و یوسفش را به، ستود

گفت خطا باشد ز من یوسف بود پاکیزه تن

یوسف صدیق بود صادق چو بگشاید دهن

[۵۳] یوسف صدیق بگفتا نفس اماره کشد

بر طریق بد مرا و هر که را فرمان برد

شرط آن باشد که رحمم گر کند پروردگار

بخشدم حیّ غفور و خالق لیل و نهار

ص: ۱۱۰

[۵۵] یوسف پاک امین شد بر خزائن سرپرست

تا نماید حفظ خزائن بهر مردم هر چه هست

شهر مصر و خارج از مصر داد به هر کس کیل ها

تا همه محفوظ بمانند وقت قحطی هر کجا

[۵۸] بارها، بارها فرستاد سوی کنعان و پدر

تا ز قحطی در امان ماند پدر آن تاج سر

[۹۳] چون فرستاد پیرهن را سوی کنعان یوسفم

بوی پیراهن نمود دیدار یعقوب مغتم

[۹۶] چون رسید پیراهن یوسف گم گشته ز راه

هر دو چشم بینا از آن شد آمد هر دو در نگاه

[۹۸] جانب یوسف روان شد جمع اسرائیلیان

وارد یوسف شدند، یعقوب و هم برادران

[۱۰۰] سجده بنمودند به یوسف خواب او تعبیر شد

آنچه را خواست خدا بوده است یقین تقدیر شد

[۱۰۸] آیه گفت قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ

عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي غَوَاه

باقر علم خدا تفسیر نمود این آیه را

به، چه تفسیری، کلام حق گشود با محتوی

گفت مراد باشند دو نور پاک و جانان جهان

مصطفی و نفس پاکش آن امیر مؤمنان

جز علی هیچ کس نکرد تبعیت از مصطفی

این علی در سن پائین تابع بود بهر خدا

ص: ۱۱۱

[۱۱۱] بس در این قصه بود عبرت برای اهل فهم

تا روند راه صحیح و ایمنی از هر نِقَم

باطن این قصه باشد از علی شیر خدا

هم جمال و هم جلالش ظاهر آمد از ولا

۱۳-سوره مبارکه ی رعد

[۱] سوره رعد، رمز آیات کتاب است از سما

نازل آمد بر پیمبر از خداوند والا

[۲] سوره و آیات نازل، آسمانِ

بی ستون

عرش و فرش، آفتاب و ماه ظاهر ز عین و از عیون

جلوه ی عین علی باشند همه بی کم و کاست

هر چه ظاهر شد ز عینش جایگاهش بس والاست

[۴] گفت رسول الله من و حیدر ز یک اصلیم عیان

سایر مردم ز اصل های متفرق بدان

کرد قرائت آیه را تا یُسْقَى بِمَاءٍ وَّاحِدٍ

بهر اثبات کلامش خود نمایان است عاید

[۷] سوره ی رعد آیه ی هفت از خداوند جواد

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

چون که نازل گشت، رسول حق بفرمود این کلام

این منم مُنذِر، علی هاد است ز بعد من مُدام

ای علی با تو هدایت می شود هر طالبی

نور بخش جمع انسانی، تو نور ثاقبی

ص: ۱۱۲

سرپرست شهرهائی هم هدایت می کنی

شاهدم من این چنینی و کفایت می کنی

تأویل و دیگر دلالات از آیه باقی است بجا

چون امامان می دهند انجام تمام کارها

[۱۹] باقر علم کتاب این آیه را گفتا چنین

اول آیه، تا حق، باشد امیرالمؤمنین

شیعیان را گفت صادق این شمائید در کتاب

صاحب لب، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ، أُولُو الْأَلْبَابِ

[۲۰] صادق گفت معنی آیه یکی دان این چنین

صله و پیوندِ رَحِمٍ، معنی دیگر یقین

دان رحم آل محمّد رأس آن باشد علی

اصل معنای رحم باشد همین بی دغلی

[۲۸] آیه تفسیر گشت ز معصوم که رسول عالمین

گفت که مائیم اهل بیت و شیعیان روی زمین

اهل بیت و آن کسانی که بوند دوست خدا

هم رسول الله و آلش دوست دارند پُرَبها

[۲۹] گفت رسول الله به زهرا آمد از نزد خدا

یک بشارت در خصوص ابن عمم مرتضی

آن بشارت این چنین باشد خدای مُسْتَعان

فاطمه را کرده تزویج با علی مهربان

داده دستوری به رضوان خازن خاص بهشت

تا تکان داده درخت سبز طوبی خوش سرشت

ص: ۱۱۳

آن درخت اندازه ی دوستان ما و عترتم

رُقعۀ هائی حمل کرده تا شود روزی حرمتم

خلق نمود جمعی ملک از نور و دادی هر ملک

رُقعۀ و خطی ز آن ها زیر سایه ی فدک

چون بپا گردد قیامت جمله ی دوستان ما

رُقعۀ ئی به دست او داده شود از آن طوبی

بر روی رُقعۀ نوشته، این سند باشد عیان

هست برائت از جهنم، آن دم، دست دوستان

از پیمبر شد سؤال از حال طوبای جنان

گفت درختی است در بهشت در خانه ی من اصل آن

شاخه هایش در میان خانه ی بهشتیان

خوش به احوال بهشتی ها رسیدند قرب جان

شد دوباره این سؤال از احمد مختار ما

گفت بود اصلش درون خانه ی شیر خدا

چون سؤال کردند از او، چیست علت فرق جواب

گفت بود اندر بهشت خانه ز من و بوترا ب

خانه ی من و علی باشد به یک جا و مکان

هر دو اندر یک مکان داریم ما خانه آن زمان

در بیان دیگری گفتا درختی است در بهشت

ریشه اش باشد بخانه ی علی این است سرشت

شاخه های این درخت در خانه های مؤمنین

سرکشیده، دان بود معنای آیه این چنین

ص: ۱۱۴

[۴۳] گویمت رمزی بماند از برایت تا ابد

سوره ی رعد آیه ی آخر بفرمودی صمد

آخر آیه بیامد، مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

مصدق این من بود داماد احمد بوتراب

در احادیث فراوان آمده آیه چنین

معنی آیه بود مولی امیرالمؤمنین

هم بود جمع امامان رأس آنان است علی

هم رسول خاتم است افضل ز جمع باشد نبی

این روایات باشد از شخص رسول و هم علی

از امام باقر و صادق بود، نیست مشکلی

۱۴-سوره مبارکه ی ابراهیم

[۱] سوره و رمز خلیل الله و ابراهیم دوست

نازل آمد بر تو احمد، این کتاب بسیار نکوست

این کتاب خارج کند مردم ز تاریکی به نور

آورد با اذن حق اندر صراط باشد حضور

این کتاب یک جلوه است از نور روی علوی

خود صراط مستقیم است بر خدا باشد ولی

دشمنی با او بود تاریک و اصل ظلمات

حبّ و دوستی با ولایت نور بود نور حیات

[۵] باقرم فرمود بود روز خدا سه روز عیان

آن روز قیام قائم، روز بازگشت به کان

ص: ۱۱۵

سومش، روز قیامت روز قرب همگان

پس قیام قائم و روز ولایت جاودان

[۲۴] احمد و حیدر درختی است پاک و پاکیزه چنان

اصلشان ثابت و شاخه ها بود در آسمان

آن درخت پاک بود اصلش رسول عالمین

فرع آن باشد شه مردان امیرالمؤمنین

شاخه هایش هست امامان بعد مولایم علی

میوه اش آن علم معصوم شیعیان بر گش بلی

گر تولد یابد یک مؤمن بر آن برگی زیاد

گر بمیرد مؤمنی افتد از آن برگی زیاد

[۲۵] این درخت با اذن حق میوه دهد دائم عیان

میوه ی خوش طعم و شیرین می دهد بر این و آن

میوه اش شهد ولایت شیره اش عشق تمام

باعث شهد حیات است از برای خاص و عام

[۲۷] قول ثابت هست ولایت از امیر مؤمنان

هست به دنیا شهد شیرین آخرت عشق کلان

[۲۸] نعمت بسیار بزرگی را خدا داد بر بشر

نعمت بسیار بزرگ باشد ائمه تاج سر

[۳۲] بارک الله بر خدا باد، خلق نمود آسمان، زمین

نازل آورد از سما آب حیات را آفرین

با همین آب از زمین رویاند ثمرات، رزق پاک
میوه های رنگارنگ، خوش مزه و خوش خوراک

ص: ۱۱۶

میوه های باغ عشق است یا ولایت یا نزول

یا ز مهر پر بهای بی بی عالم بتول

[۳۶] صادق آل رسول گفت هر که دارد ما را دوست

باشد از ما اهل بیت از روح و هم از گوشت و پوست

بعد از آن در وصف ابراهیم بخواند این آیه را

فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي، پایه را

[۳۷] در میان وادی بی آب و خشک و بی علف

مسکن ذریه ی خود داد خلیل الله شرف

نزد بیت الله نمود مسکن سماعیل خلیل

تا بپا دارد نماز و خانه را باشد دخیل

خانه ی خاص خدا آماده سازد از وفا

تا که زادگاه علی گردد وصی مصطفی

چون خلیل الله بگفت پروردگارا این منم

عترتم در وادی بی آب و کشت و زرع نهم

باقر علم کتاب تفسیر نمود عترت او

با قسم تفسیر نمود ذریه را بس چه نکو

گفت که سوگند باد به الله ما بقیه عترتیم

نسل ابراهیم و احمد از علی، ما فطرتیم

۱۵-سوره مبارکه ی حجر

سوره ی حجر است و آیات کتاب، رمز کتاب

آن بود قرآن روشن جلوه ابوتراب

ص: ۱۱۷

نام نورانی او آمد از این سوره عیان

در مقام مخلصین است صاحب نام و نشان

در کلام خود بفرمودی خداوند حکیم

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلِيٌّ مُسْتَقِيمٌ

این علی باشد در این آیه به حتم اسم علی

گر کنی دقت به معنایش شود بهرت جلی

بهر اثبات کلام خود بخوانم آیه ها

بعد از آن تجزیه، ترکیب نمایم بارها

بعد از آن آرم قرائت از قراء و ادبا

هم نمایم آیه معنا هم کنم دقت بجا

هم روایات فراوانی برای مدعا

در نشان آرم ز معصومان سند باشند مرا

استناد این احادیث در کتاب های قوی

در تفاسیر آمده از بهر اثبات علی

قبل اثبات کلام خود زیارت می کنم

صدر سوره تا به این جا خوب نظارت می کنم

سوره ی حِجْر آمده نام خدایم با صفات

رمز سوره آمده آب حیات کائنات

[۱] رمز آیات و کتاب است قرب قرآن برین

تا بگوید روشن است با وصف قرآن مبین

این درست، لیکن بود این ظاهر قرآن حق

این ظهوری باشد از باطن نمایان است شَفَق

ص: ۱۱۸

بهر قرآن باطن و باطن تعدد باطن است

ظاهر و ظاهر تعدد حق آن را ضامن است

گفت به جابر باقر علم خداوند در عیان

هست ز بهر بطن قرآن بطنِ بطن و بطنِ جان

هم ظهور است بهر آن و ظاهرش را ظاهر است

ظاهر و باطن مقدّس هم منزّه طاهر است

گفت امیر مؤمنان ظاهر ز قرآن است نکو

باطن قرآن عمیق و خود نمایش جستجو

در بیان دیگری فرمود کلامی بس بلند

بهر قرآن عظیم هفتاد بطن است ارجمند

آدرس اول بیامد از بحار مجلسی

جلد، نود و دو و صفحه نود و یک است بسی

آدرس دوم بود نهج البلاغه خوش خبر

خطبه ی هجده نگر باشد برایت این ثمر

این کتاب با وصف قرآن مبین باشد علی

این بود یک باطنی از آیه با وصف جلی

[۹] ما فرستادیم کتاب را خود کنیم حفظش یقین

باطن قرآن بحق باشد امیرالمؤمنین

[۲۶] آیه های دیگرند دارای بطن و بطن ها

تا به آیاتی رسیم دارند ز خلقت متن ها

[۲۸] خلقت جن ها و انسان طرز خلقت از بشر

بر ملائک می شود گویا ز نزد دادگر

ص: ۱۱۹

وصف انسان بزرگ گوید ز بهر جملگی

تا کنند سجده ز بهرش در مقام، زیندگی

[۲۹] چون بدیدند آدم والا مقام را بس عظیم

سجده بنمودند ملائک غیر ابلیس رحیم

[۳۱] خود بزرگ دید و نکرد سجده به آدم آن زمان

کی شناسد آدم والا مقام چون قدسیان

[۳۲] گفت خدایش از چه نمودی تو سجده بهر او

در مقام دشمنی ایستاده ئی تو روبرو

[۳۳] در جواب گفتا که هرگز سجده ننمایم بشر

خلق او باشد ز صلصال، خلق من از او برتر

[۳۴] کرد خداوند قهار لعنت به شیطان رحیم

خارجش بنمود ز درگاهش خداوند رحیم

[۳۶] کرد تقاضا عمر طولانی ز درگاه خدا

تا قیامت مهلتی گیرد بماند در بقا [۳۷] گفت

به او باش منتظر تا وقت معلوم و حساب

سجده نمودی و نافرمان شدی بر گو جواب

[۳۹] چون گرفت مهلت ز درگاه خداوند جلیل

با خدا بنمود مقابله عزازیل ذلیل

گفت خدایا چون تو گمراه نمودی در جهان

می کنم گمراه عالم نسل آدم را عیان

با تمام زرق و برق زندگی روی زمین

آدمیزاد را کنم گمراه و غافل آتشین

ص: ۱۲۰

[۴۰] غیر از آن بنده که باشد در مقام مخلصین

بندگان خاص و خالص در مقام، مقربین

[۴۱] چون رسید شیطان به این جا در تکلم با حکیم

گفت خدا: هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ

حال ببینیم آیه با فتح علی باشد صحیح

یا به تنوین و به نَصْب یا رَفْع و جَزْ باشد مَلِيح

حالت اول، به نصب و غیر تنوین آمده

با همین صورت که دارد بهر تمکین آمده

ترجمه باشد ز آیه گفت خداوند علیم

باشد این اخلاص راهی بر من است هم مستقیم

تجزیه، گویم برایت قال، فعل ماضی است

فاعلش باشد خداوند او به فعلش راضی است

لفظِ هَذَا اسم اشاره و صراط است اسم خویش

این عَلَي حرف جری باشد نباشد دیگر بیش

(ی) ضمیر متکلم، مستقیم باشد صفت

این صفت باشد مُشَبَّه بِخَوَانِ بَا این صورت

ترکیبش گویم برایت، قال فعل ماضی دان

یک ضمیر مستتر باشد در آن بینی تو آن

این ضمیر مستتر بر مرجع برگردد ز جان

مرجعش لفظ رَبِّ است و قبل از این بینش عیان

یا که مرجع بهر آن باشد خداوند جهان

بین مرجع با ضمیرش ارتباط است تو بدان

ص: ۱۲۱

یک ضمیر در قال موجود است و فاعل آمده

هذا مُتَبَدِّءٌ گشته کارش عامل آمده

این صراط باشد خبر بهرش، بدان این را یقین

این عَلَيَّ جار و مَجْرور گشته بینش مه جین

حرف جر باشد عَلَيَّ، مجرورش یای نسبت است

مُتَعَلِّق گشت به عاملِ مُقَدَّر رؤیت است

ثابت یا موجود آن عامل مقدر است

از برای آن صراطٌ جلوه ئی از داور است

مستقیم دوم صفت باشد ز روزگار قدیم

بهر اسم با مسما و صراط خوش نعیم

حالت دوم، به نصب و هم به تنوین آمده

یک صراطٌ یک علیاً نص تحسین آمده

بین این دو، فعلی در تقدیر بگیریم این زمان

مثل کان، صراطٌ [□]کان علیاً در عیان

مستقیم باشد صفت بهر صراط بنگر تو آن

کان با اسم و خبر اول صفت باشد نشان

یک ضمیر مثل هُوَ در [□]کان در تقدیر نگر

تا شود آن اسم [□]کان و علیاً خود خبر

جملگی باشند صفت بهر صراط مستقیم

در محل باشد مرفوع و صِفِ صراطِ خوش نسیم

حالت سوم، به رفع و هم به تنوین پا بجا

آیه در صورت بود: صراطٌ عَلِيٌّ، نما

ص: ۱۲۲

لفظ هذا مبتدا بهرش خیر باشد صراط

این عَلِيٌّ وصف اول از صراط دان در نشان

مستقیم است وصف دوم بر صراط روزگار

«قال هذا صراطٌ عَلِيٌّ مستقیمٌ بارٌ»

معنی آیه چنین باشد به دقت ای فهیم

گفت خدا اخلاص راهیست هم رفیع و مستقیم

بعضی از قُرَاء بخواندند آیه را مرفوع چنین

یعقوب و اَبی رجا و ابن سیرین از یقین

قتاده، ضحاک، مجاهد قیس آن ابن عباد

دیگری عمر و بن میمون ابن جنی خوش نژاد

یعقوب از قُرَاء عشره، ابن جنی خود ادیب

بعد ده گانه ز قُرَاء سهم والایش نصیب

او بگفته این عَلِيٌّ چون کریم در ادب

چون شریف آمده در نحو و فرهنگ عرب

نقل ما باشد ز تفسیر، تفسیر رفع عَلِيٌّ

مجمع البیان چنین وصف کرده اِعراب را جلی

بعد از آن گفتا روایت از امام صادق است

نص بر معنا بود آن خود به معنا ناطق است

لیک نیورد آن روایت تا شود او را دلیل

ما همه اندر بر آن جملگی عبد ذلیل

فخر رازی رفع و تنوین را پذیرفت و بگفت

این علیّ وصف باشد بر صراط^ه هر دو جفت

ص: ۱۲۳

شیخ طوسی هم قرائت را ز یعقوب کرد قبول

رفع و تنوین و صفت معنا به، چه والا را حصول

صاحب تفسیر کنز دو احتمال آورد بیان

احتمال رفع، اضافه هم به جر دارد نشان

ابن عباس، کشر لام و رفع یا آورده است

شاهد ما را رفیع و پر بها آورده است

صاحب تفسیر کشف، شد پیرو ابن عباس

گفت قرائت را ز یعقوب بر همان وضع است اساس

تفسیر رازی بمانند کسان دیگری

رفع آیه بر گزیده پا نهاده پیکری

صاحب منهج علی را هم الی دانسته است

یعنی اخلاص راه بسویم خوب نگر شایسته است

حالت چارم، به جر باشد علی خوش لقا

بهترین حالت همین است دمبدم شکر خدا

مثل: هذا صراطٌ علیّ مُستقیم، گو بلند

لفظ هذا مُبتدء باشد در فهم را مبند

این صراط باشد مُضاف و مُضاف الیهش گو

هر دو آمد یک خبر از بهر هذا روبرو

مستقیم باشد صفت از بهر این لفظ صراط

حفظ نما فرهنگ آدب، باشد میزان و مناط

حالت اول، اگر خوانی تو آیه ای فهم

ترجمه و معنی آیه نباشد مستقیم

ص: ۱۲۴

گر عَلَيَّ خوانی آیه نی توان معنا کنی

نادرست آید بمعنا خویشتن رسوا کنی

چون که معنایش بود آسان برایت ای عزیز

گفت که این است راه من راست بده آن را تمیز

کی توان معنای آن باشد چنین ای ذی العقول

این اشاره بر چه چیزی قامتش آید وُصول

معنی جالب نداشتند بهر آن مفسرین

معنی زیبا نداشتند بهر آن مترجمین

حالت دوم ندارد معنی جالب یقین

نی قرائت نی که قائل دارد هرگز این چنین

حالت سوم، طرفداران بسیار بایدهش

معنی عالی و اعلائی بدینسان نایدهش

صورت سوم نیازمند است به توجیه زیاد

قائلینش کرده اند توجیه کثیری را به یاد

حالت سوم بمانند دو حالت دگر

نادرست باشد ز بنیاد گو به هر کس این خبر

پس سه حالت رد شود ناید قبول در نزد عقل

نه دلیل عقل ز بهرش ثابت است و نه ز نقل

حالت چارم صحیح و پایه اش باشد دلیل

عقل و نقل است پایه ی آن معنیش باشد جمیل

هم صحيح و سالم است معنا و زيبا و قشنگ

عقل سالم مي پذيرد معنايش را بي درنگ

ص: ۱۲۵

نقل بسیار آمده نطق روایات بلند

قائلین بسیار دارد قائلین خوش پسند

در روایات صحیح با نص، صراحت آمده

نطق آسمانی بود آن نطق عصمت آمده

با صراحت گفت معصوم این بود نام علی

این علی باشد علی بن ابی طالب ولی

گه و گاهی عصمت عالی قَسَم یاد می کند

نحوه تفسیر او از آیه، دلشاد می کند

با قَسَم گوید علی باشد امیر مؤمنان

این علی بن ابی طالب بود آرام جان

آیه این است: هَذَا صِرَاطُ عَلِيِّ مُسْتَقِيمٍ

معنیش زیبا بود در نفس قرآن کریم

معنیش این است: خدا فرمود که این اخلاص بود

راه راست است این علی زیبا و هم مُصَاص بود

پس بود لفظ علی نام مبارک علی

نام نفس مصطفی و بهر او باشد وصی

ای برادر کن توجه گویمت شأن نزول

بهر این آیه که تا گفتار من گردد قبول

گفت فرات کوفی بشنیدم ز راوی حدیث

او ز باقر نقل نمود بشنید ز نطق یک مُغِيث

در حضور احمد مختار رسول عالمین

جمعی بودیم تا که بهره گیریم از نور دو عین

ص: ۱۲۶

کرد اشاره بر علی بن ابی طالب دمی

حضرتش خواندی ز انعام آیه ی مُسَلَّمی

أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ

تا به آخر خواند آیه معنیش دان فوق کوه

یعنی این است راه راستم پیروی از او کنید

در پی اشخاص دیگر، راه ها هم نَبْرُود

غیر او موجب شوند صد تفرقه و اختلاف

بهرتان باشد پریشانی و صد کار خلاف

بهرتان صد تفرقه پیش آید از راه خدا

پس متابعت نکرده غیر شاه لافتی

این سفارش از خدا باشد ز بهر جمعتان

تا که پرهیزکار شوید و رو به سویش پر توان

مردی در مجلس حضور داشت صحنه را دید آشکار

هم شنید با گوش خود دُرّ دهان بزرگوار

گفت آیا که خدا این راه بر دیگر راه ها

برتری نداده است آن برتری بیروا؟

گفت رسول الله به او، باشد کلامت پر جفا

گوئی داده برتری حق دین اسلام بر دین ها

یعنی داده حق تعالی دون حکمت برتری

نی قبول باشد چنین و نی قضا و داوری

ای و اما، هذا صراطُ علیِّ مستقیم

بوده در جنگ تبوک قبلاً من و ربِّ رحیم

ص: ۱۲۷

گفتم ای پروردگار هارون نمودی تو وزیر
هم وصی بر موسیٰ عمران مدیر و دلپذیر
هم به مانندش علی را کن برای من وصی
هم کمک کار و خلیفه هم امام و هم ولی
جز که هارون شد پیمبر، بعد من ناید نبی
حق نمود صادق کلامم جانشینم شد علی
گفت خداوندا کلامم راست نمودی این زمان
وعده ام کردی وفا منت نهادی جانِ جان
در کتابت ذکر نمودی نام زیبای علی
همچنانکه نام هارون ذکر نمودی پر جلی
گفت خدا یا در کتابت نام من باز آمده
آیه را کردی قرائت بینند آن راز آمده
آیه با نام علی گردیده نازل این زمان
کرده است تصدیق قولم آن خدای مهربان
برقرار بودی حسد زان مرد و هم از دیگران
آنکه در ظاهر مسلمان گشته آورده ایمان
حاسدین و مشرکین تکذیب نمود حق بیان
چون که شک داشتند مقام و منزلت را بهر آن
چون به این جاها رسید گفتار احمد آن زمان
هذا صراطُ علیِّ مستقیم آمد عیان

آیه و نام علی نازل شد و در نزد ما

بود نشسته شاه مردان آن علی مرتضیٰ

ص: ۱۲۸

شد قبول قول نبی، نص نصیحت شد قبول
او ز نزد حق بیامد هست مقام او رسول
بعد بفرمود هر که بد گوید مرا داند یقین
به خدا بد گفته است، بد گوی حق باشد لعین
هر کسی بد گوید نفس من علی مرتضی
بد به من گفته جزای او بود نزد خدا
پس بنابراین بیان و هم که برخورد نبی
می رسانند این علی در آیه است نام علی
چند روایت را زیارت می کنیم بهر مراد
تا رسیم در محضر نام علی خوش نژاد
تفسیر برهان و ذیل آیه گفت ابن حکم
حضرت صادق بفرمود آیه را بس محترم
بعد از آن در پاورقی می نویسد مطلبی
تنوین صراط و فتح و لام علی دغلی
حق همان است با اضافه کسر لام باشد فهمیم
خوانده گردد، هذا صراط علی مستقیم
با چنین چینی که اخلاص یا طریق مخلصین
این علی بن ابی طالب بود ره راستین
هیچ کجی و انحرافی در رهش ناید وجود
این ره راست می رساند هر رونده را مقصود

این حدیثی را که آورد هست حدیث معتبر

راویانش معتبر باشند و باشند خوش خبر

ص: ۱۲۹

باب حمزه نقل نمود از صادق آل نبی

شد سؤال از آیه، قال هذا صراط علی

با قسم گفتا امام، واللّٰه باشد این علی

هم بود میزان و هم باشد صراط منجلی

هر چه گوید عصمت حق حجت است حرفش قبول

احتیاجی نیست قَسَم را یاد کند بهر وصول

جز که در مجلس یقین بوده بسی حکمت عیان

لازم دانسته قَسَم یاد آورد آرام جان

عصمت عظمًا دو بار گوید به الله باد قَسَم

این علی در آیه باشد مصطفی را ابن عم

او ترازوی قیامت او بود خود راه راست

این علی اسم علی باشد همیشه پا بجاست

یک حدیث گویم ز جعفر هم ز باقر هم علی

حضرت سجاد بفرمود روزی در یک محفلی

در حضور مصطفی روزی عمر بن خطاب

از جای خود کرد حرکت گفت که ای عالی جناب

بارها گویی علی را ای علی ای محترم

تو به مثل هارونی در نزد موسی در حَرَم

نزد من باشی چو هارون جز که بعد من دگر

هیچ نیاید یک رسولی از همه نسل بشر

لِکِنُ نام این هارون در متن قرآن آمده

با صراحت ذکر شده چون ماه تابان آمده

ص: ۱۳۰

اما نامی از علی دیده نشد و کس ندید؟

چون شنید این حرف رسول الله و خشمش شد پدید

سخت غضبناک گشت و گفت ای غلیظ و ای خشن

گو که آیا نشنیدی قول حق را ای شَقِن

گو که آیا نشنیدی، هذا صراط علی

این علی در آیه باشد ابن عمم آن ولی

در حدیث دیگری آمد که این لفظ علی

نام والای امیر مؤمنان است و وصی

تفسیر شبر بیاورد آیه را و بحث نمود

حالت چارم بیاورد و بسی آن را ستود

تفسیر صافی بیاورد آیه و داد احتمال

احتمالش هست اضافه نام مولاست اعتدال

تفسیر عیاشی آورده حدیث دیگری

تا بگوید این علی نام علی کوثری

بعض از تفسیرها نیز این چنین بنوشته اند

جمله هایی حول معنای علی سرشته اند

بس کنم تفسیر، روایت ها زیارت می کنم

با بیان چند روایت رفع حاجت می کنم

در اصول کافی آمد یک روایت از هشام

نقل نمود از صادق آل علی ششم امام

آیه را خواند حضرت صادق، اضافه و به جر

تا بود سرلوحه ی علم و کمال بهر بشر

ص: ۱۳۱

معنی آن است که راه این علیِ راست و راست

او امام و رهبر ما پیرویش حق ماست

در بحار مجلسی آمد حدیث دیگری

نقل شده از موسی کاظم ز نسل حیدری

آیه را خوانده ولی با جر بود نام علی

این علی بن ابی طالب بود حق را ولی

در حدیث دیگری است از صادق آل رسول

این علی در آیه باشد، آمد از آسمان نزول

حضرت صادق بفرمود این علی در آیه است

وَاللّٰهُ بِاشَدَّ عَلٰی و راه و میزان مایه است

شخصی از باقر سؤال کرد آیه را، دادش جواب

این صراط باشد علی بن ابی طالب صواب

گفت هشام بن حکم که جعفر صادق ما

خواند بجر لفظ علی را این سند باشد مرا

با جر لفظ علی خود دلیل محکم است

که علی نام علی باشد تلاوت مُبَرَّم است

در بحار باشد روایات فراوانی بجا

در بیان آیه ی نام علی مشکل گشا

مجلسی، قُدّس سرّه در بیانی گفته است

حرف یعقوب و به رفع خواندن بسی نشکفته است

هم اشاره می کند تفسیر مجمع البیان

این خلاف ظاهر است، کی باشد این از آسمان

ص: ۱۳۲

گوید او ظاهر همان است که علیّ باشد به جر

چون صراط باشد اضافه بر علیّ، اسم حیدر

گویم ایشان را که نی ظاهر بود جر علی

باطن و حق باشد جرش هیچ نباشد مشکلی

از احادیث فراوان آید نتیجه به دست

که بود نام علی در آیه و حقا که هست

نام پرفیض و مقدّس از علی مرتضاست

این علیّ خود اسم نیکو و مقدّس خداست

این علیّ خود اسم اعظم از خداوند کریم

اسم باشد با مسما وحدتش شأن عظیم

حال بگویم این صراط باشد امیر مؤمنان

مستند باشد کلامم استنادش آسمان

از رجال آسمانی گویمت چندتا خبر

تا که آسان تر نشیند بر دل تو ای بشر

اولین خبر بود از صادق آل نبیّ

گیر خبر را ای عزیز گر در عقیده چون منی

صادق آل نبیّ فرمود کلامی بس شیرین

الصُّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ باشد امیرالمؤمنین

این خیر باشد به آدرس در معانی الاخبار

هست به صفحه، سی و دو دیگر نباشد هیچ کار

این کتاب باشد ز شیخ ما صدوق خوش نژاد

باد سلام و باد صلوات شخص او آریم بیاد

ص: ۱۳۳

در حدیث دیگری فرمود امام ششمین

تفسیر یک آیه ی حمد باشد معنایش چنین

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ رَا دَانَ تَوَازِ يَقِينِ

آن بود مولای ما آقا امیرالمؤمنان

این صراط مستقیم باشد امیرمؤمنان

راه راست است بهر عالم آن همه را جانِ جان

باقر آل علی فرمود که وحی آمد ز فوق

آیه ی چهل و سه از زحرف آمد با چه شوق

ای پیمبر، تو به راه راست باشی از یقین

جُو تَمَسِّكْ بَرِ وِلَايَتِ عَلِيٍّ نَازِنِينَ

جُو تَمَسِّكْ اَيْنِ عَلِيٍّ بَاشِدْ صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ

راه راست است می رود سوی خداوند رحیم

جعفر صادق نمود معنا صراط مستقیم

معنایش باشد امیرالمؤمنین میر قویم

باقر آل رسول گفتا خداوند ودود

بر نبیّ الله بدادی وحی، از غیب و شهود

ای نبیّ ما، تو باشی دائماً بر راه راست

بر ولایت علی باشی بدون کم و کاست

این علیّ باشد صراط مستقیم در روزگار

غیر از او راهی نباشد مستقیم و پایدار

این حدیث را در اصول کافی آورده عیان

صاحبش شیخ کلینی باد سلامش جاودان

ص: ۱۳۴

سائلی پرسش نمود از معنی ناب صراط

در جوابش حضرت صادق بداد او را مناط

در جوابش گفت طریقی است رو بسوی معرفت

معرفت از حق تعالی با تمام درایت

یک صراط باشد به دنیا یک صراط است آخرت

این صراط دنیوی باشد امام با طاعت

گر کسی او را شناخت و تابع شد در این جهان

از صراط بر جهنم درگذر باشد بدان

آن که نشناسد علی را پای او لغزد ز پل

سرنگون اندر جهنم شعله ی آتش و غل

یک صراط است ظاهرش باشد امام عالمین

باطنش باشد صراطُ الله امیرالمؤمنین

در حدیثی گفت امیرمؤمنان زیبا بیان

من صراطُ الله باشم مستقیم در هر جهان

در بیان دیگری فرمود منم ختم وصی

هم صراط مستقیم هم نباء هم ولی

گفت رسول الله، تو باشی ای علی حجت حق

گویم من این را همیشه هم بگفتم ماسبق

هم تو باشی باب الله و هم طریق الله دوست

هم خبری بس عظیم و هم صراطی که از اوست

در حدیث دیگر فرمود طریق واضحی

ای علی باشی صراط مستقیم و هم وصی

ص: ۱۳۵

آن که خواهد تا رسد بر ذات اقدس خدا

از طریق و راه علی می رسد بر مُدعا

در زیارت نامه آمد، باد سلامت از علیم

باد سلام بر تو ایای دین الله القویم

باد سلامت ای صراط مستقیم، دین خدا

ای صراط واضح و روشن ای راز بقا

باد سلام بر تو ای اسم خداوند رضی

باد به تو، نور خداوند بزرگ و مستوی

باد سلامت ای که در شأنت نمود نازل خدا

إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا، ابتدا

السلام ای راه حق مستقیم، منعت ما

نعت در تورات و انجیل هم به قرآن خدا

رحمت حق و برکاتش بود بر تو امام

تو امیرمؤمنان اصل کتاب و خوش مرام

باد سلامت ای که نامت در کتاب آسمان

از تورات، انجیل و قرآن از زبور آمد عیان

در کتاب آسمانی نعت تو بنمود خدا

مدح نمود نامت، ستایش کرد به هر یکی جدا

باد سلامت ای امین الله و ای حجت او

ای ولی الله، صراط الله، تو ما را آبرو

در دعای ندبه هم گفته صراط مستقیم

در دعاها و زیارات آمده نامت عظیم

ص: ۱۳۶

در زیارت امیرمؤمنان روز غدیر
هادی امت بفرموده کلامی دلپذیر
محضر مولی بفرموده که بادا این سلام
بر صراط مستقیم و بر علی اول امام
باد سلامت ای صراط مستقیم و ای علی
باد سلامت دین الله الصمد، لم یزلی
آیه آورده زقرآن کریم بهر بیان
سوره ی انعام صد و پنجاه و سه، آیه از آن
آیه گوید این علی باشد صراط مستقیم
تابعش باشید شماها تا که باشید پر نعیم
پیروش باشید به عالم جملگی بهر خدا
انتهای ره کمال مطلق است با انما
راه های دیگری را هیچ میمائید، خطاست
این صراط مستقیم تنها یکی راه خداست
دیگر راه ها تفرقه باشند جدا سازند شما
از ره راست و سعادت از ره خاص خدا
هست سفارش از خداوند جمال و هم جلال
تا رها سازید هر ره جز ره راست و کمال
گر روید راه ولایت هست امید در روزگار
تا شوید خود رستگار و هم شوید پرهیزکار

متقی باشید از این ره سیر کنید سوی خدا

تا رسید به مقصد خویش، ذات اقدس را بجا

ص: ۱۳۷

گفت امام هادیم با تک شه ملک ولا

باد قسم بر اصل هستی اسم مخصوص خدا

هر کسی تابع شود غیر تو را او گمره است

هم کند گمراه افراد، عمر و سعیش مرّه است

هر که باشد دشمنت او دشمن حق مبین

او به دوزخ در عذاب است دائماً با صدیقین

ای خدایم ما شنیدیم امر تو امرت مُطاع

پیروی کردیم صراط مستقیمت با سماع

پس علی باشد صراط مستقیم اندر جهان

باد سلام حضرت حق بر امیرمؤمنان

بس بود این قدر ز اسناد و بیان عصمتی

بهر آن کس که ندارد فهم و ذهن حدّتی

پس بود آیه به جر نام علی شیر خدا

تحریفی ناید به ذهن از آیه اندر منتهی

تحریف قرآن حرام است و بود کاری پلید

شخص عاقل کی کند تحریف قرآن مجید

لکن این قرآن که از آسمان نزول کرد آن زمان

بود بدون هیچ حرکت یا که اِعرابی چنان

صدر اسلام نقط و اِعراب نبود از بهر آن

مسلمین با حافظه و ذوق می خواند ندی روان

مردم غیر عرب با لحن و تصحیف زیاد

خواندی قرآن کریم با نقص ولی نی از عناد

ص: ۱۳۸

چون بدیدند این نقیصه مسلمین در آن زمان
اعراب و اعجام نهادند آیه ها را بعد آن
نقطه چیدند بهر اعراب و حرکت هم سُكُون
تا تواند هر کسی قرآن بخواند بس فزون
بعضیا تکمیل نمودند نقطه چینی را بجا
تا گرفت صورت اعراب را بخود قرآن ما
بیشتر از مورخان گویند بود این کارها
از ابوالأسود همان شاگرد شاه لافتی
دیگران گویند بود کار ابوالاسود یقین
همره یحیی بن یعمر تلمیذش از مسلمین
بعد قرنی شد تمام با علم و با دست خلیل
از نقطه با شکل فعلی شد نمایان و جمیل
بعد قرن ها دیگران استاد فرهنگ ادب
همچو عبدالله، خلیل و سیبویه هم از عرب
روشن بنمودند ز نقش ها قدر فهم مردمان
تا به امروز مانده این نقش در زمین و در زمان
بعضیا گویند که اعراب از ابوالأسود بود
نقطه چینی کار شاگردان به وصف، اجود بود
بین سال هائی ز پنجاه، پنجاه و سه بود زمان
تاریخ هجری رقم خورد تا که کارها شد روان

یحیی و نصر بن عاصم نقطه چیدند این کتاب

دیگران تکمیل نمودند، کارشان گردید اعراب

ص: ۱۳۹

بعضی ها این کار اعراب، نقطه چینی و اعجام

در زمان دولت عبدالملک دادند تمام

گویند عبدالله بن زبیر آن مرد دغل

در حکومت زهد فروش بود کعبه را کرده بغل

عامه را دادی فریب با کارهای ظاهری

خادم دین بود بظاهر، کارش عوام پروری

ابن مروان دید بنی امیه را خالی از این

خدمتی بر دین ندارند ظاهر و باطن یقین

لازم است کاری کند از بهر دین مردمان

تا فریید مردمان و سلطه اش باشد عیان

در زمان شاه شامات مردک عبدالملک

ابن مروان پیرو تک غاصب ملک فدک

عَمّالش را جمع نمود و شور نمود در این جهت

تا کنند کاری بظاهر بهر دین و معرفت

این شه مروانی با عمّال خود یعنی حجاج

هم زیاد و پسرش اقدام نمودند در علاج

نقشه ی اعراب گذاری بهر قرآن کریم

طرح نمودند و نمودند دعوت از هر دو فهیم

از دو شاگرد ابوالاسود یکی نصر و دگر

یحیی بن یعمر بشد دعوت که تا آرند ثمر

آن دو آوردند ثمر اعراب و اعجام نقطه ها

تا رسید بر دست ماها این چنین پیوسته ها

ص: ۱۴۰

بهر آیات نقطه‌ها بگذاشته‌اند و حرکات
شصت و پنج هجری تا هشتاد و شش رفت مشکلات
گوییم از بهر شما، برداشت خود را با شما
زین نظرها هست صواب یا بهر ما باشد خطا
طبق مشهور اولین کس آن که اعراب‌ها نهاد
او ابوالاسود بود یادگیریِ نحوش بیاد
با نقطه اعراب نهاد، زَبَر و زَیْر و پِیش، سکون
آن علائم بعدها با قاعده گردید موزون
نقش والای ابوالاسود در اعراب کتاب
کی بود پوشیده این امر بر کسی با صد صواب
نقش شاگرد علی و تلمیذش با دیگران
داشته است تأثیر والا زین جهت بس بیکران
لیک تمام کارها کردند آنان روز و شب
این قبول ناید، چو امری است بس گران و بس عجب
ما همه انظار پذیریم، حد امکان و قبول
احتمال نادرستی هم دهیم بعضی فصول
بالاخص فصل اخیر کلاً، نمی باشد قبول
بعض آن باشد قبول و بعض آن باشد ضلوع
آخرین گفتار تمامی نی پسند افتد مرا
چون زیاد بن سُمیه مرده بوده قبل‌ها

او نبود در این حکومت تا که چاره ها کند

خدمتی بر خلق نماید یا که ریشه ها زند

ص: ۱۴۱

بوده است در سلطنت فرزند او ابن زیاد
مدت يك سال فقط با صد هزار بغض و عناد
بوده است يك سال به دولت خدمت عبدالملک
ابن مرجانه نمود ظلم، گو، ز این جا تا فلک
بعد از آن رفته جهنم هم گرفتار عذاب
او چه کرد با آل پیغمبر و آل بو تراب
عامل عبدالملک حجاج خونریز و پلید
بوده در دولت همیشه آن ستمکار عنید
کارشان نی بود ز بهر خدمت دین و خدا
از برای جلب افکار عمومی بود دغا
دشمنانی چون علویون، خوارج، بن زبیر
بود رقیب دولت شام، کارشان بود غیر خیر
این چنین ظاهر بسازند خدمت و خوبی به دین
تا که مردم این پذیرفته بگویند آفرین
تا توانند چند صباحی بیش و بیش با ظلم و زور
تکیه بر قدرت زنند با حيله و مکر و غرور
در چنین وقتی نهند اعراب به قرآن مجید
حاکمانی بی لیاقت جمله خونخوار و پلید
حال بدانیم حال آیه و دگر اعراب آن
دستخوش تغییر گشته یا بود حالش چسان

شیطنت شاید به آن بعض قبولش کرد اثر

اعراب آیه نمود تغیر، بود شر از بشر

ص: ۱۴۲

با همین حال می پذیریم آیه را بی کم و کاست

با همین صورت رسیده دست ما که دست ماست

این کتاب آسمانی با همین رسم و نشان

بوده و خواهد بود با اعتبار و جاودان

آن چه بوده صدر اسلام معتبر باشد یقین

تغییری در آن روا هرگز نباشد در زمین

هر گونه تغییر بود تحریف قرآن مجید

تحریف قرآن نشاید، صبح تحریف کی دمید؟

این کتاب وحی مُنزل باشد قانون بشر

آمده از نزد رب بهر بشر باشد ثمر

کی پذیرد هیچ تحریف این کتاب آسمان

این بود اعجاز حق، اعجاز حق است جاودان

هم بود اعجاز ختم انبیاء ختم رُسل

هست انیس مؤمنان و هست چراغ بهر سُبُل

پس پذیریم از دیانت این سند را معتبر

بوده است با این خصوصیات ز اول پر ثمر

کی کسی داند دهد کوچک ترین تغییر آن

این همان وحی است که نازل آمده از آسمان

بوده حجت، هست حجت حجتش دائم بود

اولش تا آخرش بر این دلیل قائم بود

یک دلیل دیگری گوید که تحریف نیست در آن

هم بگوید هست حجت حجتش باشد عیان

ص: ۱۴۳

این دلیل پرتوان بین دائماً همراه بود
همره قرآن بتابد تا بشش چون ماه بود
در حدود بیشتر از دویست و شصت سال تمام
عصمت والا کنارش بوده است هر صبح و شام
گر که تحریف بود بگفتی آن به آواز بلند
تا نباشد بهر قرآن در جهان هرگز گزند
هرچه بوده گفته اند، باید پذیرفت گفته ها
چون دُر دریای قرآن سفته اند بین سفته ها
می پذیریم آن چه معصوم گفته است در این جهت
آیه را با جر بدانیم جر آن است معرفت
لیک بخوانیم آیه را این طور که چاپ گردیده است
تا که راه هر تصرف را در آن باید که بست
در مقام معرفت آیه زیارت می کنیم
کسره ی آن مقصد ماست یای آن کسره نهیم
در مقام جر بخوانیم کسره را تنوین زیر
جای فتحه نیست در اینجا باشد این اسم امیر
این علیّ نه حرف جر باشد نه یای نسبتی
این علیّ اسم باشد و اسم علیّ رؤیتی
فتحه بر لام علیّ نازل و یا کسره نزول
فتحه را نتوان پذیرفت کسره را داریم قبول

این زَبَر معنا ندارد زیر آن باشد درست

یای آن مجرور باشد جَر آن باشد نخست

ص: ۱۴۴

قبل این اسم، پیش دارد آن مُضاف است بر علیّ

این علیّ مُضافٌ الیه باشد و باشد جلی

دان اضافه وصف اسم باشد نه وصف فعل و حرف

این بود یک قاعده از علم نحو و علم صرف

گوش دل بگشا بگویم از برایت یک کلام

مُضاف و مُضافٌ الیه هر دو یکند والسّلام

گو صراط و این علیّ باشند یکی از هر جهت

هر دو اسمند از علی و بینشان باشد وحدت

هیچ نباشد تحریف و تغییر در آیه خوب بین

این بود نطق خدا از آسمان آمد زمین

عصمت کبری نمود معنا ندای آسمان

چند کلام گفتم برایت تا بماند جاودان

پس علیّ در آیه باشد نام زیبای علیّ

هر زمان گویم شهادت این علی باشد ولیّ

این علیّ باشد ولیّ کردگار در روزگار

این شعار سینه ام باشد بحق هشت و چار

از خدا خداهم که با قصدم شوم محشور به حشر

با عقیده ی ولائی محضرش آیم به نشر

[۴۷] گفت علی کردم سؤال از مصطفی بی واهمه

گو که من محبوب ترم در نزد تو یا فاطمه

گفت بود فاطمه محبوب تر ز تو اندر دلم

لیک گرانقدری تو از او نزد من، نیست مشکلم

ص: ۱۴۵

بعد توصیفی ز هر دو کرد قرائت آیه را

خواند: اِخْوَانًا عَلٰی سُرُرٍ مُّتَقَابِلِینَ، در جا

در بیان دیگری گفتا پیمبر، مرتضی

تو برادر منی آن دم بخواند این آیه را

[۵۷] باقرم گفتا نباشد هیچ کسی در روزگار

جز هر آن که بین چشمانش نوشته کردگار

مؤمن یا کافر نوشته باشد و باشد نهان

از شماها، لیک نباشد از امامان پنهان

بعد از آن کردی قرائت آیه با صوت جلی

آیه باشد شأن معصوم بالاخص مولی علی

گفت علی باشد مُتَوَسِّمِ نَبِیِّ مُحْتَرَمِ

بعد پیغمبر مُتَوَسِّمِ و باریک بین منم

بعد امامان و همه ذرّیه ی پاک همه

نسل پاک مصطفی و نسل پاک فاطمه

پس چهارده معصوم پاک و ذرّیه نازنین

اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَآیٰتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِیْنَ

بعد از این ها در مقام نازل باشند مؤمنین

در مقام نازل باشند مؤمنین مُتَوَسِّمِیْنَ

چون کند مؤمن نظر بر هر چه با نور خدا

زیرک و ریزبین و هشیار هست ظهور لافتی

۱۶-سوره مبارکه ی نحل

[۱] سوره نحل امر حق آمد به شمشیر علی

تا زند بر فرق شرک و کفر نباشد مشکلی

[۲] آید فرمان الهی تا کند قائم قیام

جبرئیل فریاد زند خواند ز قرآن این پیام

آتى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ اى مردمان

يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ در عیان

[۱۶] نجم بود پیغمبر و باشند ائمه علامات

کارشان باشد هدایت تا دهند امت نجات

صادق آل علی گفتا قرار داده خدا

از برای اهل آسمان ها ستاره، رهنما

ما امامان را برای ساکنان این زمین

حق قرار داده امان تا آن زمان واپسین

[۴۳] باقر آل رسول تفسیر نمود این آیه را

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ماجرا

ذکر رسول الله بود باشند امامان اهل آن

این امامان باشند مسئول از زمین تا آسمان

در بیان دیگری فرمود که قرآن باشد ذکر

اهل قرآن اهل بیتند خودنما چند لحظه فکر

هر کسی اندر جهان دارد سؤالی بس ثقیل

از ائمه در سؤال بوده و هست، این خود دلیل

ص: ۱۴۷

پاسخ مکفی گرفته و بگیرد از سؤال

جز زبان آل طاها هر زبانی باشد لال

[۷۶] آن که بر عدل امر نماید، بر صراط مستقیم

او امیر مؤمنان است او بود شخص عظیم

نیست کسی در حد او، نیست در مقایسه روا

تا کسی سنجیده گردد با علی مرتضی

[۸۳] آن که دانسته ولایت علی و کرد قبول

بعدها منکر شد و گشت از جماعت ضلول

آیه آمد، يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ و سپس

منکرش گردید و کافر گشت و گردید شخص خس

[۸۹] بهر هر امت گواهی باشد در ملک جهان

با امام خود شود محشور هر آن امت بدان

این کلام صادق است و هست کلام دیگرش

یاد نمود سوگند به الله تا که گوید بهترش

گفت هر آن چه در زمین و آسمان دارد وجود

آن چه باشد در بهشت و در جهنم در شهود

آن چه بوده تاکنون و تا قیامت آن چه هست

ما همه دانیم یکایک آن چه در بالا و پست

[۹۰] باقر علم کتاب کرد آیه ئی را خود بیان

گفت که إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ

عدل بود پیغمبر و احسان علی مرتضی

ما امامانیم، ذی القُربی و خویشان از وفا

ص: ۱۴۸

بندگان مأمور شدند تا اهلیت را دارند دوست

نهی از منکر شدند نسبت به ما هر دو نکوست

[۹۸] گر نمایی تو قرائت متن قرآن مجید

باش پناهنده ز شیطان بر خداوند حمید

[۱۰۶] دل پر از مهر علیست و جای

هیچ اغیار نیست

خارجی هست غیر مطلق راه او هموار نیست

متن قرآن کریم باشد ز شاه لافتی

شرّ شیطان رجیم باشد عدوی پر دغا

[۱۲۰] باشد ابراهیم حنیف و قانت و فرمان گزار

هم مطیع و هم موحد بنده ی پروردگار

نی بود مشرک زمانی بر خدای لَمْ یَزَلْ

مهر توحید نقش بسته بر دلش بین در عمل

شاکر حق تعالی بر صراط مستقیم

گو علی باشد صراط و پیروش غرق نعیم

[۱۲۳] خوبی دنیا ز آن ها و صلاح آخرت

آئین پاک خلیل باشد طریق ولایت

۱۷-سوره مبارکه ی اسراء

[۱] سوره ی اسراء بود سبّی ز اسرار خدا

هست منزّه، پاک و پاکیزه خداوند یکتا

بنده اش را برد به شب از مسجد احرام به دُور

مسجدُ الأَقْصَى مبارک سیر بداد با اسم نور

ص: ۱۴۹

سیر آفاقی وانفسی بداد بر بنده اش

تا رود بر سوی معراج بنده ی زیننده اش

چون محمّد رفت به معراج قاب قَوْسَین را رسید

محضر حق را زیارت صبح امیدش دمید

چون رسید بر فوق عرش، عرش عظیم در زیر پا

چشم بینداخت و بدید نفسش علی مرتضی

نزد حق جا دارد و جایش گرامی است و علا

هر دو در قرب الهی هر دو مهمان خدا

میزبان باشد خداوند میهمان یک نور پاک

ظاهر و باطن بود آن نور پاک بر روی خاک

روی خاک دو نور پاک است هم محمّد هم علی

هم رسالت هم خلافت گشته زان نور منجلی

گفت رسول الله شب معراج عروج به آسمان

در صعود بودم و بسیار قرب جانان رمضان

تا رسیدم قاب قَوْسَین یا که او اذنی عیان

حق بفرمود، ای محمّد گو ز حال بندگان

از میان بندگانم چه کسی داری تو دوست؟

گفتم دوست دارم علی را آن چه اندر شأن اوست

گفت توجه کن خدایم، من به چپ کردم نظر

روی زیبای علی دیدم، کجاست قرص قمر

از رسول الله سؤال شد در شب معراج، خدا

با کلام و با زبانی گو چگونه کرد نوا

ص: ۱۵۰

در جواب گفتا، خدایم با کلام مرتضیٰ

در سخن بود آن زمان با من، تو گوئی لافتی

با شگفتی بس عمیق گفتم حضور کردگار

گو تو با من حرف زنی یا که علی نامدار

حق جوابم داد که ای احمد ندارد هیچ کسی

هیچ شباهت با من و ناید به وصفم نارسی

من نمودم خلق تو را از نور زیبای خودم

هم نمودم خلق علی از نور تو بس محترم

از درون قلب نورانی تو یافتم چنین

نی به قلبت باشد محبوب از امیرالمؤمنین

زین جهت با لحن حیدر با تو گفتم من سخن

تا دلت آرام بگیرد ای نبیّ خوش دهن

[۴] ذیل آیه آمده از صادق آل رسول

آن فساد در زمین باشد، دو بار آمد حصول

یک بود قتل امیر مؤمنان مولای ما

یک بود آن ضربتی که وارد آمد مجتبی

دان تو مقصود از لَتَعْلَنَ عَلُوًّا کَبِیرا

قتل مولای همه باشد حسین مرتضی

[۹] ظاهری زان نور بیامد از سماوات عَلا

نازل آن دلربا قرآن بود نور هُدی

استوار است در هدایت ده بشارت مؤمنین

پیرو قرآن ناطق مؤمنین و صالحین

ص: ۱۵۱

باقر علم الهی آیه را بنمود بیان

لَلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، باشد ولایت این بدان

قرآن مرسل هدایت می کند بر این ولا

هر امامی با ولایت هادی قرآن ما

هم امام و هم که قرآن کی بوند از هم جدا

تا قیامت با همنند هست ظاهر و باطن بجا

[۲۳] حکم حق آمد که احمد، جز خدا را نپرست

هم پدر هم مادرت را پرورش ده روی دست

والدین را کن تو احسان هیچ مگو در نزدشان

جز به اکرام و محبت، باش به هر دو مهربان

در حقیقت والدین باشند محمد هم علی

یک امام است و رسالت یک امام است و وصی

احمد مختار بگفتا این من و این هم علی

هر دو باشیم ما پدر از بهر امت اولی

[۲۶] ذِي الْقُرْبَىٰ باشند امامان، عترت پاک نبی

هم حسین و هم حسن، هم فاطمه و هم علی

حق آنان است فدک حق تعالی کرد عطا

غصب نمودند حق آنان غصب حق نبود روا

[۳۳] آن که مظلوم کشته شد باشد حسین بن علی

هست برای اخذ خون او امام عصر ولی

قائم آل محمد هست ولی دم یقین

او کشد اولاد قاتل حسین روی زمین

ص: ۱۵۲

بوده و هستند همه اولاد قاتل ها رضا

بر شهادت حسین بن علی نور خدا

[۷۰] حق گرامی داشته است فرزند آدم را زیاد

بزر و بحر تسخیر او بنموده است، بین ای عباد

از غذاهای لذیذ و خوش مزه روزی نمود

برتری داده است انسان را و بر فضلش درود

صاحب فضل و فضیلت بین امیرالمؤمنین

او به پیش است مؤمنان اندر پیش با صدیقین

بر صراط مستقیمند در پی عشق تمام

می رسند بر حضرت عشق مؤمنین بعد از امام

[۷۱] روز محشر هر امامی همراه قومش به حشر

آیند تا آن که بگیرند از امام خود ثمر

باقوم فرمود بیاید جد من با امتش

هم علی همراه قومش آید با ولایتش

هم حسن با قوم خویش و هم حسین سر جدا

آید با قومش به محشر بهر دیدار خدا

در قیامت هر کسی را سوی مولایش برند

نیست برای پیروان مرتضی هیچ وقت گزند

صادق آل رسول گفتا که در روز جزا

ما پناه گیریم به جدم نور امید مصطفی

این شما هستید در آن روز خود پناه جوئید بما

تا ز ما بهره بگیریید بهره تان قرب خدا

ص: ۱۵۳

بَه، چه زیبا گفت امام هشتمین شاه رضا
با امام عصر خود محشور شوید جمع شما
هر کسی روز جزا محشور شود با رهبرش
با امام عصر، کتاب و سنت پیغمبرش
یک کلامی پر ز معنا گفت علی یعسوب دین
در سؤال است از سه چیز روز قیامت به یقین
از امام عصر و از سنت پیغمبر، کتاب
گر جواب گوید یقین گردد همان وقت کامیاب
پس امام عصر خود هر که شناسد این زمان
کی ضرر بیند به عالم از میان انس و جان
[۷۸] حق به انسان گفت پیا دارد نماز وقت زوال
تا که آید اول شب هم خود شب را زلال
تا گشاید صبحدم خود را ز بهر مردمان
صاحب شب، فجر صادق گو امیر مؤمنان
[۷۹] در تهجد آمده با نافله هست رهسپار
در مقام بندگی بر جای محمود شکر گزار
خواند پیمبر آیه را آن وقت که رو سوی علی
داشت، چه زیبا کرد تلاوت آیه با وصف جلی
بعد از آن گفت ای علی حق شفاعت را خدا
داد قرار بهرم ز بهر اهل توحید در جزا

باشند محروم دشمنان از شفاعت ای علی

دشمنان هر امام بعد تو محرومند، بلی

ص: ۱۵۴

در بیان دیگری فرمود رسول عالمین
شیعیان ما، علی جان رستگارند واپسین
گر کسی فردی ز شیعه را اهانت می کند
او اهانت را به تو کرده جنایت می کند
هر کسی بر تو اهانت کرده، بر من کرده است
آن که بر من کرده توهین، خود به دوزخ برده است
دائماً باشد در آتش، بدترین است جایگاه
هست همیشه در عذاب و روزگارش هست تباه
یا علی تو از منی و من ز تو باشم یقین
روح تو از روح من باشد سرشت این چنین
شیعیانت خلق شدند از مانده ی سرشت ما
هر که دوست است شیعیان را او بود دوست ولا
هر که بغض ورزد به شیعه و کند او دشمنی
بغض به ما دارد، عداوت پیشه اش باشد همی
ای علی آن چه گناه باشد ز بهر شیعیان
حق بیامرزد گناهان را همه از مؤمنان
ای علی از شیعیانت من شفاعت می کنم
در قیامت و به اعراف من حمایت می کنم
ای علی هست شیعیانت شیعه ی خاص خدا
آن که انصار تو باشد باشد انصار مولی

ای علی دوستان تو باشند همه دوستان حق

حزب تو حزب خداوند قرب حقی را احق

ص: ۱۵۵

یا علی دوستدار تو باشد سعادت‌مند و خوب

دشمن تو هست شقی و بی مروت و منکوب

[۸۰] با صداقت آمده در مدخل صدق و صفا

حق بیامد باطلان اُفتند ز میدان بقا

[۸۱] حق علیّ باشد بود حق با علیّ در هر کجا

باطلان باشند مقابل غرق در وُزُر و بلا

چون کند قائم قیام دولت حق است برقرار

دولت باطل زمانش به سر آید، تار و مار

پس شود تاویل جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ

عدل فرا گیرد جهان و ساکنانش عادل

[۸۲] اهل قرآنند ائمه اصل برگزیدگان

بهر آنان نازل گشته این کتاب از آسمان

حق نزول داده ز قرآن رحمت و شهد شفا

بهر اهل حق شده شیرین و هم مشکل گشا

بهر ظالم، بهر غاصب جز ضرر ناید دگر

حق شیرین است و ولایت شهد آن باشد ثمر

۱۸-سوره مبارکه ی کَهِف

سوره ی کَهِف نازل آمد بهر توحید خدا

تا نماید قصه ای را زین جهت خوب بر ملا

[۱] سوره را با حمد حق بر مصطفی نازل نمود

بر محمد باد سلام و بر علی بادا درود

ص: ۱۵۶

گو به حتم اصحاب كهف باشند ز آیات خدا

آیت عظمای حق باشد علی مرتضی

[۹] گفت رسول الله بود اصحاب كهف یار و معین

از برای مهدی موعود امام عالمین

چون رسد وقت ظهور مهدی والا مقام

عده ای در پشت كعبه می كنند با او قیام

عده ای از قوم موسی هفت نفر اصحاب كهف

یوشع بن نون و مقداد مالک اشتر به صف

این جمعیت یاوران مهدی موعود ما

حکمرانانند میان مردمان با استوا

[۲۹] حق، ولایت علی باشد بگفتا صادق

هر کسی خواهد بگیرد یا کند رد، فائقم

حق مهیا ساخته آتش از برای ظالمان

ظالمان به حقوق اهل بیت مهربان

[۴۴] باقر و صادق بگفتند آیه باشد این چنین

این ولایت باشد از آقا امیرالمؤمنین

[۶۴] قصه های دیگری باشند ز آیات حکیم

خاصه این قصه بود از خضر مؤمن مستقیم

[۶۵] موسی عمران چو خواست آموزد علم معنوی

رفت به نزد حضرت خضر تا بیاموزد دمی

[۶۶] گفت که آیا تابع باشم تا تو را خدمت کنم

تا که آموزی به من علم لَدُن بی کاست و کم

ص: ۱۵۷

[۶۷] در جواب گفتا به موسی تو نداری ظرفیت

کی توانی صبر کنی با من رهی زین طریقت

[۶۸] تو چگونه صبر کنی چیزی که در شأن تو نیست

تو ندانی صاحب این علم و این اسرار کیست

[۶۹] گفت کنم صبر گر خدا خواهد تو را فرمان برم

نی مخالف با تو جانا خواهی دانی صابرم

[۷۰] خضر بگفتا گر توئی تابع سؤال منما مرا

هر چه پیش آید یقین دان او بود کار خدا

[۷۱] چون به کشتی جا گرفتند هر دو با خلق خدا

خضر شکست کشتی و کشتی روی امواج هوا

داد موسی شد بلند، بهر چه بشکستی تو این؟

جملگی در موج دریا غرق شوند باشد حزین

[۷۲] در جواب گفت خضر مؤمن، نیست تو را صبری چنان

گفتمت این واقعیت، بر تو آمد لَنْ تران

[۷۳] موسی عمران بگفتا شرطمان از یاد برفت

تو مگیر بر من گناهِش بر من است صد بار اسف

[۷۴] عذر موسی را پذیرفت راهی ساحل شدند

قصه ی دیگر به پیش آمد تو گو فاعل شدند

یک پسر بچه ی زیبا را بکشت خضر نبی

ناگهان موسی بر آشفت گفت چرا چیدی گلی

گفت چرا کشتی تو نفس محترم را بی گناه

کار منکر مرتکب گشتی و باشی خود گواه

ص: ۱۵۸

[۷۵] گفت به موسی، من تو را گفتم نداری صبر آن

تا به درس من درائی و کنی سیر آسمان

[۷۶] گفت به او موسی ببخش این دفعه هم این بنده را

گر دگر ایراد کنم باید شوم از تو جدا

[۷۷] خضر عالم کرد قبولِ عذر، ز موسای کلیم

راه بیمودند رسیدند قریه ای پر از نعیم

چون طعام خواستند ز اهل قریه، کردندِ اِبا

قصد نمودند تا روند زان شهر به امید خدا

دیواری دیدند به دروازه که در حال خراب

خضر مؤمن کرد تعمیر آن دیوار بهر ثواب

موسی عمران بگفتا گر تو را این قصد بود

شرط اجرت می نمودی تا بود بهر تو سود

[۷۸] چون نمود موسی به استادش یکی ایراد دگر

خضر عالم گفت جدائی است بین ما بنما نظر

سِرّ کارهایم بگویم با تو موسای کلیم

کارهایم را که بهرت سنگین آمد ای قویم

[۷۹] آن سفینه بود ز بهر خاندانی بس فقیر

روی دریا کار می کرد بهر رزق دلپذیر

پادشاه ظالمی در بندر دریا بود

مال مردم را ستاند کشتی ها را غصب کند

کشتی را معیوب نمودم تا بماند بر فقیر

سِرّ آن این است عزیزم تو به من ایراد مگیر

ص: ۱۵۹

[۸۰] آن پسر بچه که دیدی سر بریده شد بدان

والدین مؤمنی دارد که باشند شادمان

باک آن باشد که کفر ورزد زره بیرون رود

باعث طغیان و کفر والدین خود شود

[۸۱] جای او فرزند بهتر صالح و اهل صواب

می دهد حق بر پدر و مادر او، به، چه ناب

[۸۲] آن دیوار، دیدی که تعمیرش نمودم رایگان

زیر آن دیوار گنجی است پر بها و پر امان

گنج پر قیمت بود از دو یتیم بی پدر

بابشان یک مرد صالح باشد و با جاه و فر

رحمت حق است که تا بالغ شوند و گنج ها

خارج سازند از زمین، نبود بر ایشان رنج ها

من به میل و خواست خود هرگز نکردم هیچ کار

کارها را جمله انجام داده است پروردگار

این بود تأویل اسراری که شد ظاهر ز ما

نی تو را باشد توان و صبر، همه کار خدا

اینکه در این قصه آمد درس های معنوی است

رمز و اسرار الهی درس هائی از علی است

خضر گرفته درس ها را از امیرالمؤمنین

گشته استاد بر کلیم الله نَبیِّ عالمین

پس بود این قصه یک رمزی ز شاه لافتی

ظاهر مولای عالم دان علی مرتضی

ص: ۱۶۰

[۸۶] قصه دیگر ز این سوره، ذی القرنین عیان

جلوه ای باشد ز مولایم امیر مؤمنان

در پی آب حیات رفت و حیات، خود علی است

از علی حیّ و حیات خلق معنا منجلی است

[۱۱۰] یک زمانی شد سؤال از عصمت ششم امام

تفسیر آیه چه باشد گو تو ای عالی مقام

در جواب گفتا، عمل صالح باشد، معرفت

معرفت و هم شناخت اهل بیت با محبت

معنای آخر آیه ی آخر باشد چنین

تسلیم در برابر مولی امیرالمؤمنین

و شریک نکردن هر بی لیاقت با علیّ

در خلافت و وصایت محمّد نبیّ

۱۹-سوره مبارکه ی مریم

سوره ی مریم و کاف و ها و یا و عین و صاد

جلوه ای از جلوه های شاه مردان را بیاد

[۱] این رموز است رمز اسماء و صفات است از خدا

کاف، اشاره به کریم و کافی و کبیر بجا

ها، بود هادی و یا، باشد رحیم و عین، علیم

صاد، بود رمزی ز صادق جمعشان باشد عظیم

یا رموز اسم حُنای خداوند غفور

کاف و ها و یا و صاد باشند همه از عین ظهور

ص: ۱۶۱

عین بود حرفی ز حرف ها نام زیبای علی

رمز نفس پاک پیغمبر مقامش هست وصی

رمز اسماء الهی و ائمه در نشان

چار علی و سه محمد پنج دیگر هم بدان

موسی و جعفر، حسن دو، یک حسین باشد عیان

آن رموز باشند اشاره بر حسین و داستان

این رموز باشند اشاره به زمین کربلا

هم اشاره باشد حالات حسین سر جدا

کاف بگوید کربلا و ها، اشاره به هلاک

یا اشاره به شهادت جسم اطهر روی خاک

یا، اشاره از یزید است عین، عطش باشد بین

صاد، بود رمزی ز صبر آن حسین مه جبین

به، بگویم یک خیر از قائم آل رسول

هر چه گوید مهدی موعود همان باشد قبول

در روایت آمده کردند سؤال از این کلام

تاویلش بر گو چه باشد ای تو عالم را امام

مهدی آل محمد داد جواب بی نقص و عیب

این حروفند بهر ذکر یا از اخبار غیب

بنده اش ذکر یا را کرده آگه زین رموز

بعد از آن جدم رسول الله نمود آگه دیروز

قصه این است که ذکر یا از خدا بنمود سؤال

تا که آموزد خدایش نام زیبای پنج آل

ص: ۱۶۲

جبرئیل آمد نزول اسماء پنج تن خواند به او

تا بداند نام آن پنج نور والا را نکو

چون شنید نام محمّد و علی و فاطمه

نام زیبای حسن بن علی بی واهمه

هم و غم از دل برفت و گشت دلش شادان و شاد

چون شنید نام حسین اندوه به دل آمد زیاد

وقت خواندن هم چنین بود از برایش نام ها

روزی گفت پروردگارا این چه سزای است گو مرا

نام آن چار نور پاک باشند تصلی دلم

نام پنجم اشک کند جاری ز چشمان ترم

حق نمود آگاه زکریا را ز وضع کربلا

کهیحص باشد رمز نینوا

کربلا کاف است وها باشد هلاکت؛ یا یزید

عین، عطش باشد بود صاد صبر پایدار شهید

[۲] ذکر رحمت از خدا باشد ستوده بنده اش

گفت زکریا را بشارت فرزند زینده اش

هم پدر باشد ظهوری از امیر مؤمنان

هم پسر باشد چنین و حق نمی گردد نهان

[۷] صادق آل علی تفسیر آیه گفت چنین

لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا رَا بَيْن

یحی بن زکریا مقصود آیه است قبل از این

هیچ نبوده کس به این نام از زمان اولین

ص: ۱۶۳

در گذشته نیز نبوده کس بود نامش حسین

جز حسین بن علی فرزند زهرا نور عین

آسمان چل روز و شب بنمود فراوان گریه ها

بر یحیای سر بریده و حسین سر جدا

گریه ی آسمان بود سرخی آفتاب سما

قاتل این دو یقیناً بوده فرزند زنا

تفسیر آیه همین گفت اصل و ختم انبیا

مقصد، نور دیده ام باشد حسین باشد یحیی

در بیان دیگری فرمود امام ششمین

بعد یحی بر کسی آسمان نکرد گریه چنین

جز برای سید و سالار جمع شهیدان

فرزند دلبند مولایم امیر مؤمنان

[۱۲] یاد نمود سوگند به الله باقر علم خدا

حکمت عالی خدا داده به یحی، مرتضی

[۱۵] باد سلام حق به یحیی روز مولود و معاد

هم به مریم هم به مولودش عیسای پاک نژاد

[۳۰] عیسی مریم بگفتا من همینک بنده ام

بنده ی خاص خداوند و خدا جوینده ام

هم کتاب داده به من هم رتبه ی پیغمبری

خود ظهوری از علی باشم به وقت داوری

[۳۳] پس سلام حق به من باد روز مولود و حیات

روز موت و روز بعثت روز میعاد و نجات

ص: ۱۶۴

[۴۹] جد والای علی از بت پرستان روی تافت

هدیه ای بسیار پسندیده ز سوی دوست یافت

هدیه اش اسحاق و یعقوب و دگر پیغمبران

تا رسیده بر محمد آن رسول انس و جان

[۵۰] رحمت حق هدیه باشد از خداوند کریم

آمده بر انبیاء و اولیاء لطف قدیم

با لسان صدق آمد آن علی محترم

نفس پاک احمدی است آن جان جانان حرم

از امام صادق و هم از امام هشتمین

در روایت آمده فرموده اند هر دو چنین

این علی در آخر آیه بود نام علی

این علیاً هست و بر ختم رُسل باشد وصی

[۷۳] بر ولایت ائمه کرد قریش دعوت رسول

تا ولایت را پذیرند کارها گردد قبول

کرد قریش انکار ولایت، رد نمود قول رسول

نسل ها گردید هلاک و هم گرفتار و ضلول

[۸۷] عهد در آیه ولایت باشد و صاحب ولا

هست امیر مؤمنان و هم ائمه ی هدی

[۹۶] داد رسول الله علی را ذکری از ذکرهای خوب

تا بخواند نزد رحمان و شود آنگاه محبوب

چون علی خواند ذکر معبود آیه آمد از سما

گفت رسول الله، بود این آیه شأن مرتضی

ص: ۱۶۵

آن دعا و این آیه، آیا چه کردند با علیّ

گشته محبوب خدا و عالم، در نزد نبیّ

هم بشد محبوب مؤمن شیره ی جان همه

مؤمنین دارند همه دوست هیچ ندارند واهمه

گفته ی معصوم چنین باشد، به نزد مؤمنان

هست قلوب مؤمنان مملو ز حبّ جان جان

پس سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا در نزول

آمده در حق حیدر نفس والای رسول

[۹۷] صادق آل رسول کرد آیه را تفسیر بجا

گفت که نازل کرده قرآن را ز نزد خود خدا

با زبان مصطفی نازل نمود آسان، روان

تا بدانند جملگی مقصود حق را خود ز آن

مقصد حق بود ز آسانی، امیر مؤمنان

تا که منصوب بر خلافت گردد آن جان جهان

با زبانی بس روان گوید بشارت مسلمین

جانشین مصطفی گشته امیرالمؤمنین

هم کند انذار و ترساند همه کفار کین

تا جهان داند علی باشد امام مسلمین

پیروش باشند همه و راهی راه خدا

هم رسند متن سعادت رستگاران بقا

تا نجات یابند از این دهر و عذاب آخرت

از صراط آسان گذر کرده روند با سلامت

ص: ۱۶۶

پس علی میر نجات باشد به هر عالم عیان

دامنش گیرید تمامی بالاخص ای مؤمنان

۲۰-سوره مبارکه ی طاها

سوره ی طاها ی ظاهر سوره ی ختم رسل

سوره ی احمد و محمود مصطفی را آمد گل

سوره ی جان علی و جان جانان همه

سوره ی خاص محمد دین و ایمان همه

[۱] باشد طاها یک اشاره به طهارت ولا

به طهارت آل الله یعنی آل مصطفی

[۲] آیه آمد بر پیمبر ای رسول محترم

ما نکردیم نازل قرآن تا به تو باشد ستم

سخت مگیر بر خود مینداز شخص خود در رنج و غم

رنج بسیار در عبادت هم هدایت از کرم

[۴] نازل آمد از خدای خالق ارض و سما

آن خدای عرش و فرش و بین این دو و ثری

[۸] نازل آمد تا که یادآور شوی خلق مرا

لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ گوئی به اسم های خدا

اسم اعظم در نزول باشد علی نفس خودت

خلق من باشد ظهور نفس پاک خوش سیرت

[۱۲] گفت به موسی فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ این بود وادی طور

سجده بنموده به این دگه وَلِيُّ اللَّهِ نور

ص: ۱۶۷

هر کجای خاک باشد جلوه ی شیر خدا

بو تراب است حاکم خاک معنی ملک ولا

[۱۴] من خدایم غیر من هرگز نباشد هیچ کسی

تو عبادت کن مرا جز من نباشد دادرسی

مظهر ما مصطفی و مرتضی دان هر زمان

هر پیمبر با خودت را مظهر این دو بدان

[۵۴] إِنَّ فِي ذَلِكْ لآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى

صادق آل عبا تفسیر نمود این آیه را

یاد نمود سوگند به الله که اُولی النُّهَى یقین

ما ائمه باشیم و در شأن ما آمد چنین

[۸۲] باقر علم کتاب معنا نموده آیه را

أَهْتَدَى سَوَى وِلَايَتِ بَاشِدْ وَاہِلْ وَاوَلَا

توبه و ایمان و عمل هر سه مشروط آمده

شرط، ولایت باشد و نئی آن که مبسوط آمده

پس ندارند این سه هیچ سودی مگر شرط قبول

آید در آخر ولایت تا شود بهرش وصول

[۱۲۴] صادق صدق و صداقت تفسیر

بنمود آیه را اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي، بیان داشت تا که سازد پایه را

ذکر، ولایت علی بن ابی طالب بدان

آن که اعراض از ولایت کر یقین ظلم کرد به آن

آن که اعراض از ولایت می کند کور است یقین

کور شود محشور به محشر نیست برایش هیچ معین

ص: ۱۶۸

[۱۲۵] او ولایت ترک نمود در دار دنیا و خدا

ترک کند او را به عقبا او بماند بینوا

۲۱-سوره مبارکه ی انبیاء

سوره جمع نبی و انبیاء آمد نزول

باشند گل های الهی هم نبی و هم رسول

جملگی در مکتب مولی امیر مؤمنان

در نبوت درس گرفتند درسشان از آسمان

جز محمد، درس گرفت نزد خداوند جهان

مکتب وحی و حضور است مصطفایش درس خوان

[۱] ساعت روز قیامت گشت نزدیک، مردمان

جمله در غفلت گرفتارند و در لُعبی چنان

حاکم روز قیامت در حضور آمد علی

حاکم واقع خدا باشد به وصف منجلی

[۱۰] آیه را معنا نمود موسای کاظم این چنین

مقصد آیه اطاعت از امیرالمؤمنین

گفت امیرمؤمنان: ذکر است رسول عالمین

ما ائمه اهل ذکریم راسخون علم یقین

[۷۳] در حدیث آمد، خداوند حکیم اکرام نمود

او گرامی داشت خلیلش را و او امام نمود

وصف والای امامت را میان عترتش

نصب نمود از بهر آن هائی که دارند عصمتش

ص: ۱۶۹

در میان ذریه، پاکان آنان بوده است

هر یکی ارث برده است از آن چه حق فرموده است

قرن ها بگذشت که تا آمد زمان مصطفی

مصطفی ارث برد امامت را ز مردان خدا

بعد پیغمبر خدا داد این امامت را عیان

منحصر گردید به مولایم امیر مؤمنان

بعد مولایم علی، هست در میان عترتش

از حسین و از حسن، سجاد و باقر دولتش

روزی از روزها بفرمودی رسول عالمین

جابر بن عبدالله انصاری را این چنین

عمر تو طولانی گردد جابرا تا وقت آن

تو زیارت می کنی باقر امام انس و جان

او بود فرزند من نامش بود همانم من

هم شبیه باشد به من هم حفظ کند مرام من

علم او علم من و حکمت او هست حکمتم

هست کلام او کلامم رؤیت او رؤیتم

چون نمودی او زیارت گو سلامم را به او

گو سلام حق به او و هم سلام های نکو

هفت نفر فرزند معصومش پیایی هست امام

هفتمین است مهدی موعود ز حق او را سلام

آن که از عدلش شود پر جابجا روی زمین

آن زمینی که پر از ظلم گشته قبلش هست غمین

ص: ۱۷۰

بعد از آن خواند آیه را در نزد جابر مصطفی

وَ جَعَلْنَا هُمْ أئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا

ما قرار دادیم آنان پیشوای مردمان

تا به امر ما کنند خلق را هدایت هر زمان

هم کنند هر کار نیکو هم کنند راز و نیاز

هم ادا سازند زکات را هم بپا دارند نماز

شان آنان است عبادت کارشان است بندگی

کارشان انجام دهند با عشق و با زیندگی

باقر علم رسول تفسیر نمود آیه چنین

این ائمه هست ز زهرا و امیرالمؤمنین

صادق آل محمد گفت ائمه در کتاب

هست امامان بهر خلقش هادی تا روز حساب

پس ز بعد مصطفی باشد دوازده تن امام

اول آنان علی باشد بختم مهدی بنام

[۱۰۱] گفت محمد، یا علی، این تو و این هم شیعیان

در کنار حوض کوثر آمر و ناهی عیان

آب دهید بر دوستان و منع نمائید دشمنان

این شمائید روز فرع اکبر در امن و امان

این شمائید زیر عرش و سایه ی عرش برین

از برای دیگران است فرع اکبر در زمین

حزن عظمای قیامت هست برای دیگران

این شمائید هیچ ندارید حزن و مشکل هیچ زمان

ص: ۱۷۱

گشته نازل بهرتان این آیه از فوق سما

تا بدانید قرب خود را رو به درگاه خدا

[۱۰۵] آیه نازل گشت که تا گوید زبور و ذکر چنین

ما نوشتیم در کتاب آسمانی صالحین

ارث برند از آن چه باشد باطن و روی زمین

هست برای شیعه ی ناب امیرالمؤمنین

باقر علم سماوات گفت که اینانند یقین

اصحاب مهدی موعود وارث ملک زمین

گفت پیمبر گر که یک روز باقی ماند از جهان

حق کند طولانی آن روز تا که آید جانِ جان

برگزیند مرد صالح را ز عترت رسول

تا کند پر عدل زمین را بعد ظلم ها و ضلوع

۲۲-سوره مبارکه ی حج

سوره حج نازل آمد بهر حاجی ولا

سیر حج دارد، بیماید رهش سوی خدا

[۱۹] باقر علم الهی گفت ز آیه این چنین

فَالَّذِينَ كَفَرُوا، و بعد آن است آتشین

آن که گشت کافر ولایت امیر مؤمنان

جامه های آتشی بس بریدند بهرشان

گفت علی بن ابی طالب که روز رستخیز

روز حقی است از برای خلق نباشد زان گریز

ص: ۱۷۲

اولین کس باشم آن جا تا نشینم در حساب

در خصومت می نشینم نزد رحمان و جواب

روز دادگاه قیامت اولین خصم عدو

هست علی نزد خداوند جایگاهش بس نکو

یا بیامد آیه در جنگ علی و روز بدر

فاتح میدان علی باشد بود فتحش به صدر

خصم بدریون علی باشد به بدر روزگار

شَیْبَه و عُتْبَه، دگر باشد ولید نابکار

گفت حدیثی را به امت خاتم پیغمبران

گر که امت خوب شناسد این امیر مؤمنان

منکر فضلش نگردد هیچ کسی اندر جهان

آن زمان که بوده آدم بین روح و جسم آن

این علی بوده امیرالمؤمنین در آسمان

بوده با این وصف عالی در زمین و در زمان

پس علی بوده امیر مؤمنان اندر ازل

تا ابد باشد چنین، وصف کمالش لَمْ یَزَلْ

چون خداوند خالق خلق است ازل تا به ابد

دائماً در حال خلقت گو که اللَّهُ الصَّمَد

خلق بود مؤمن به الله، جمعشان است مؤمنین

یک امیر دارند به عالم نام امیرالمؤمنین

تا خدا بوده یقین مخلوق او بوده عیان

خلق او مؤمن به او باشد همه طول زمان

ص: ۱۷۳

خلق او را هست امیری در همه ملک جهان

نام والای امیر باشد امیر مؤمنان

[۲۴] با کلام دلنشین و خلق خوش، راه حمید

در هدایت سیر کند سوی کمال با صد امید

با جلال بردارد مانع از سر راه خدا

تا که مسجد پاک شود از کفر و شرک بی صدا

این علی روشن نماید راه حق را با جمال

مانع و کفر و سیاهی را زداید با جلال

[۳۴-۳۵] نازل آمد آیه و بعدش به شأن مُخَبِّتین

مُخَبِّتین باشند ائمه و علی هست صدرنشین

موسی بن جعفر بفرمود از پدر داشتم سؤال

منظور از آیه و مُخَبَّت ها که باشند در خصال

باب من دادی جوابم شأن آیه در نزول

آمده در شأن ما خاصه نزولش را قبول

[۳۸] جعفر صادق بفرمود مائیم آنانی خدا

در دفاع باشد همیشه بهر صدق و هم صفا

تا که باشند شیعیان ما همه خوشحال و شاد

در سرور باشند همیشه از خداست این بر عباد

[۳۹] صادق آل عبا گفت آیه در شأن رسول

نیست نزولش تا نمائیم ما همه این را قبول

هست نزولِ شأنِ آن قائم آل احمدی

در قیام است تا بگیرد خونِ خونِ سرمدی

ص: ۱۷۴

طالب خون حسین باشد در آن وقت و زمان

او بگیرد خون فرزند امیر مؤمنان

پس ولی دم همه مائیم و قائم در قیام

در طلب باشیم بگیریم خون آن سوم امام

باقر آل عبا گفت آیه و شأن نزول

آمده در شأن والای همه آل رسول

[۴۱] آیه نازل گشت ز بهر آل پاک مصطفی

هم به شأن پر فراز مهدی موعود ما

هم به شأن یاورانش جمع اصحاب کُبار

شرق و غرب مالک شوند با لطف حی کردگار

دین اسلام را به آن ها می کند یاری خدا

بر همه ادیان کند غالب، دروغگویان رسوا

با دست پر قدرت یاران مهدی در جهان

صاحبان بدعت و باطل بمیراند عیان

سنگدلان و ظالم و کافر بمیراند همه

تا نماند هیچ ظلمی در میان جامعه

امر بمعروف، نهی از منکر شوند انجام تمام

جمله باشند از وجود و از برکت امام

کاظم ملک ولایت گفت بود این آیه در

شأن ما اهل ولا باشد شرافت بشر

صادق ملک الہی گفت کہ این آیہ ہمہ

نازل است در شأن ما وابستگان فاطمہ

ص: ۱۷۵

گفت رسول الله هر آن کس دارد از روی صفا

دارد ایمان بر خداوند و رسول مجتبی

هیچ ندارد ذره ای بغض در دلش از عترتم

بغض بر عترت به من باشد نباشد عزتم

بغض بر من کفر باشد کفر آن کفر به خدا

کفر به حق متعال باشد سیاهی بلا

گر خدایم اهل بیت را تمکن می دهد

این تمکن در زمین باشد ز هر نقصی رهد

اهل بیت من اقامه می کنند بهرش نماز

می دهند بهرش زکات خود بصد عشق و نیاز

هم بپا دارند همه امر بمعروف ها تمام

هم نمایند نهی از منکر به هر جا و مقام

پس خداوند رحیم داده نزول این آیه را

آیه در شأن ائمه و علی مرتضی

[۵۲] گفت امیر مؤمنان هم من و هم اولاد من

جانشینانم ز اولادم امامان در وطن

ما امامانیم هدایت یافته ایم، مُحدثون

یک بیک نام برد امامان جمله آیات بیچون

گفت بود این ها کسانی که خداوند ودود

با نام پاک همه یاد کرد قسم و هم درود

کرد قرائت آیه، خواند: **وَ وَالِدٍ وَّ مَا وَّلَد**

والد باشد مصطفی و هم رسول هر بلد

ص: ۱۷۶

والد باشند این امامان در همه ملک جهان

رأس آنان است پدر گو تو امیر مؤمنان

فاطمه و مرتضی هر دو نباشند خود نبی

فاطمه باشد محدثه، محدث است علی

۲۳-سوره مبارکه ی مؤمنون

[۱] سوره ای از سوره ها آمد به نام مؤمنون

تا بگویند مؤمنان در رستگاری بیچون

[۲] داخلند آنان که خاشع در نماز باشند و هم

اعتراض از لغو دارند پاک و پاکیزه نَعَم

[۴] حافظ پنهانیان و عهد و پیمان و وفا

حافظ شأن نمازند طالب روی خدا

اصل مؤمن گو علی باشد صفات مؤمنون

هست برای نازل ایمان علی باشد ستون

مؤمن اول علی و مؤمن آخر علی است

شرط ایمان است ولایت بین تو این معنا جلی است

[۱۴] ظاهر انسان بود از نطفه و هم عَلَقَه

هم ز مُضْغَه و عِظَام و گوشت و خون باشند همه

باطن انسان بود مجرد نازنین

گفت خدا بر خود تبارک هم به خود گفت آفرین

ظاهر و باطن ز انسان نازل شیر خدا

گفت به خود أحسن، تبارك، بهر خلق مرتضى

ص: ۱۷۷

[۷۳] آیه می گوید رسولا خلق را دعوت نما

دعوت بر راه راست است کان علی مرتضی

راه راست باشد ولایت رهبرش باشد علی

این علی بر خلق عالم هست امام و هست ولی

جعفر صادق بفرمود این صراط مستقیم

هست ولایت بهر مولایم امیرالمؤمنین

[۷۴] آن کسانی که نیارند اصل ایمان به خدا

هم ندارند باور و ایمان ندارند بر جزا

از ولایت رو بگردانند و باشد انحراف

منحرف از راه راستند راهشان باشد خلاف

خود صراط مستقیم تفسیر نمود این آیه را

گفت هر آن کس که ندارد اعتقادی به خدا

از صراط و از ولایت رو بگردانیده است

در خطا سیر می کند چاهی ز نار ندیده است

صادق ملک ولایت گفت امیر مؤمنان

یک کلامی بس بلند دارد در این جا پر توان

گفته است روزی که گر می خواست خدای مهربان

شخص خود را می شناساند از برای مردمان

لیکن بر مبنای حکمت این خداوند حکیم

ما نمود ابواب عرفان، ما صراط مستقیم

ما نمود وجه الله و هم راههای معرفت

تا همه با ما شناسند خالق خود در وحدت

ص: ۱۷۸

پس هر آن کس از ولایت رو بگرداند، خطا

یا دهد ترجیح کس دیگر بما باشد جفا

رو بگردانیده است از راه راست و هم ولا

رو بدوزخ کرده است چون بوده است شخص دغا

خود علی تفسیر نمود این آیه را، باشد قبول

گفت صراط باشد ولایت بهر ما آل رسول

۲۴-سوره مبارکه ی نور

سوره ی نور آمده از بهر نور الله علی

نور حق باشد امیر مؤمنان حق را ولی

[۱۰] باقر و صادق امامان جهان معرفت

کرده اند تفسیر آیه، با تمام فضیلت

گفته اند منظور ز فضل الله رسول خاتم است

منظور از رحمت، ولایت هم که اصل آدم است

در بیان دیگری فضل الله باشد مصطفی

رحمت حق تعالی هست علی شیر خدا

[۳۵] خود خدا نور است و هم نور سماوات و زمین

در مَثَل، مِشکات و مِصباح و زُجاجه این چنین

در تَلَوُّو آمده چون کوكب روشن ضمیر

روشنیش از درختی است بس مبارک دلپذیر

گو درخت زیتون است نه شرقی و غربی بود

شرق و غرب از آن فروزان دان که آن ربّی بود

ص: ۱۷۹

نیست ز نار و نورِ زیت، خود روشنی بخشد جهان

بین بود نُورٌ عَلٰی نُور، نور دهد بر این و آن

آن که را خواهد خدا با نور هدایت می کند

او به هر کاری بود دانا، کرامت می کند

این چنین آمد مَثَل و ر نه به تنزیل و ظهور

بر تمام قامت مولی علی نور است به نور

آسمان و ارض و مشکات هم چراغ و روشنی

هم زُجاج و کُوکب و زیتون، ظهوری است از علی

نور حق است نورِ اَعْلٰی، فوق نور علوی

نورِ عَلٰی نور است عالم بین ظهور ولوی

صادق نور خدا این آیه را تفسیر نمود

باد ز درگاه الهی این مُفسر را درود

گفت بود: اَللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ هَمِه

وَ الْاَرْضِ مَثَلُ نُورِه كَمِشْكُوِه، فاطمه

فیها مِصْبَاحٌ، حَسَنٌ، مِصْبَاحُ زُوجَاجِه، حَسِین

الزُّجَاجَةُ كَانَتْهَا، فاطمه نور عین

كُوكَبٌ دُرّی، میان اهل عالم روشن است

یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ، ابراهیم، خوش سخن است

مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَه، باشد لا شَرَفِیَه

نه یهودی و نه نصرانی بود، لا عَرَبِیَه

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضَى، گیرد عالم بالا

وَلَوْلَمْ تَمَسَّهُ نَارٌ، رسد باطن دنیا

ص: ۱۸۰

عالم است، نُورٌ عَلٰی نُورٍ، هم امام بعد امام

در هدایت آمده خلق را، همه عالم سلام

يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ، هادی خدا

این مثال ها می زند تا آن که خلق گیرد بجا

راه راست جوید، شناسد خالق علم تمام

با مدد از او شناسد بهر خود اول امام

این امام اولین باشد امیر مؤمنان

نور نور است این خدا و هست علی نور عیان

گفت رضا زیبا کلامی بس بلند در این مقام

تا شناسیم از کلامش وصف والای امام

منظور از مصباح رسول الله بود مشکاه ما

هر که خواهد حق هدایت می کند سوی ولا

باقر علم کتاب معنا نمود این آیه را

گفت: كَمِشْكُوهُ فِيهَا مِصْبَاحٌ، باشد مصطفی

سینه ی پاک محمد نور علم است در یقین

زُجَاجِهِ دَانَ سِيْنَةِ مَوْلَى اميرالمؤمنين

علم صدر احمدی آمد به سینه ی علی

نور علم است صدر حیدر از درخت نبوی

این درخت پر برکت هم مبارک پر ثمر

پر فروغ است نور باران می کند شمس و قمر

نئی بود از شرق و از غرب نئی بود از غیر حق

او ز بالا آمده او نور حق است پر شفق

ص: ۱۸۱

مصباح عالم علی تفسیر نمود این آیه را

بِهْ، چه تفسیری، همه گیریم از او این مایه را

گفت بود مَشْكَاهُ آیه باطن من مصطفی

ظاهر من مجتبی و هم حسین سر جدا

فیها مِصْبَاحُ، منم من نفس پاک مصطفی

الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجِهِ، هست حسین و مجتبی

كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ، علی بن الحسین

چون ستاره می درخشد در سمای عالمین

يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ، در یقین

باقر علم، باقر آل امیرالمؤمنین

زَيْتُونَهُ، صادق بود آن صادق ملک بقا

لَا شَرْقِيَّةَ بَاشِدَ مُوسَى لَا غَرْبِيَّةَ دَانَ رِضَا

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ، دان جواد خوش لقا

وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ، هادی ملک ولا

نُورٌ عَلَى نُورٍ، حسن آن عسکر ملک خدا

يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ، مهدی ما

پس بود این آیه ی نور وصف حق متعال

بعد حق وصف رسول الله بود هم وصف آل

اصل آل و رأس آل باشد امیر مؤمنان

باد سلام حق به آل الله و احمد جانِ جان

[۳۶] بیت در آیه بود بیت همه پیغمبران

افضل از بیت همه پیغمبران است بیت جان

ص: ۱۸۲

بیت جان است بیت افضل بیت زهرا و علی

بیت افضل را در این جا گفته است شخص نبی

بهترین خانه در عالم خانه ی شیر خداست

خانه ی وحی ملائک خانه ی جان ولاست

[۴۰] حضرت صادق بیان داشت آیه را معنا چنین

نور به معنای امام آورده آیه بر زمین

گفت هر آن کس را خدا تعیین نکرد بهرش امام

او ندید در دار دنیا نور حق در این مقام

او نبیند در قیامت از امامش نور راه

ره به جنت کی برد، آن جا ندارد جایگاه

پس هر آن کس که به دنیا از امامش بهره برد

با زیارت امامش عمر به آخر برد و مرد

در قیامت شادمان در محضر نور خدا

رهبرش نور امام است هست امامش مرتضی

[۵۵] حضرت صادق بفرمود آیه در شأن علی

هم به شأن این امامانی که باشند خود ولی

نازل گشته از میان آسمان آمد زمین

تا بگوید بعد احمد حق امیرالمؤمنین

هم علی گوید بود آیه ز بهر انتظار

مهدی موعود بیاید در ظهور، هست اقتدار

می کند امداد خداوند مهدی موعود ما

دین اسلام می کند غالب تا روز جزا

ص: ۱۸۳

هم امام زین العباد گفت شیعیان ما همه

آمدند در آیه حاضر تا بگیرند جامعه

با وسیله از قیام قائم آل رسول

حق طلب خواهد نمود وعده ی خود را در وصول

او کسی است که از ظهورش مصطفی داده خبر

عدل او دنیا بگیرد نام پاکش دادگر

۲۵-سوره مبارکه ی فرقان

سوره ی فرقان مبارک آمد نازل بر نبی

حافظ سوره بود بعد از رسول الله علی

[۲۷] باقر ملک بقا تفسیر نمود آیه چنین

منظور از سبیل بود مولی امیرالمؤمنین

[۵۴] آیه در شأن رسول الله و هم مولی علی

از مقام قرب اعلی بر زمین گشت منجلی

چون رسول الله نمود تزویج صدیقه دخترش

بهر فرزند عمویش مرتضی تاج سرش

با مقام عقد زهرا با علی خوش لقا

در وجود آورد نسب را گشته داماد لافتی

گفت علی داماد پیغمبر به قرآن حکیم

نام هائی بس فراوان دارم نام های عظیم

در حذر باشید به نامهایم تجاوز نیست روا

هست تجاوز باعث گمراهی دین شما

ص: ۱۸۴

نام من صهر است همان طوری که فرموده خدا

گشته ام ایندم نسبت، داماد شدم بر مصطفی

گفت امام صادق آن صادق ملک ولا

گر نمی کرد خلق خداوند آن علی مرتضی

هیچ نمی بود در جهان هم کفو ز بهر فاطمه

این علی هم کفو زهراست در میان جامعه

[۷۴] در سؤال از جبرئیل شد، بهترین خلق خدا

آیه را بنمود سؤال تا باطنش آید نما

گفت پیمبر: جبرئیل! گو چه کس ازواج ماست

در جواب گفتا، خدیجه بهترین زن در سما

گفت چه کس باشد ذریه بهر ما در این جهان

گفت ذریات شما هست فاطمه نور عیان

قُرَّةُ أَعْيُنٍ که باشد در میان خافقین

در جواب گفتا که باشند هم حسن و هم حسین

گو که باشد این اماماً آخر آیه نگر

در جواب گفتا علیست باشد ز بعدت خوب تر

باقرم گفت: وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا

آن ها که گشتند هدایت این هدایت هم ز ما

این بود مخصوص به آل الله و آل احمدی

آمده از عالم بالا و نزد سرمدی

ابن عباس گفته آیه نازل آمد از خدا

آمده در شأن بوطالب علی مرتضیٰ

ص: ۱۸۵

۲۶-سوره مبارکه ی شعراء

رمز سوره در شعراء آمد از نزد خدا

طا و سین و میم بیامد رمز برای مصطفی

رمز احمد در علی باشد علی نفس رسول

تو علی و هم رسول را یک بدان باشد قبول

[۱] هم رسول و هم علی باشند کتاب الله مبین

باطنش احمد و ظاهر دان امیرالمؤمنین

بین تو این قرآن همه آیات روشن از کتاب

آن کتاب الله است که نام نامیش شد بو تراب

[۸۴] کرد دعا روزی خلیل الله بر او صد آفرین

آیه ی، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

عرضه بر او شد ولایت گفت خدایا تو بدار

او را از ذریه ی من او لسان صدق عیار

او بود راستگوئی از ذریه ام روی زمین

او بود از امت آخر امیرالمؤمنین

[۲۱۴] آیه آمد ای رسول تو قوم خویش انداز نما

اول این کن تا که آری دیگران را در جلا

در يَنَابِيعِ الْمَوَدَّةِ حَافِظٌ آوَرَدَهُ چنين

چند حدیث پر ز معنا از امیرالمؤمنین

نقل نموده آن احادیث از کتاب های زیاد

از صحیح مسلم و مسند، فوائد را بیاد

ص: ۱۸۶

از عیون الاخبار و ثعلبی و هم از شفا
هم ز ابن عباس و از دیگران در جابجا
گفته است ابن ابی طالب علی نامدار
نازل آمد بر رسول الله ز حیّ کردگار
آیه ی انذار بیامد، ای رسول خوش سخن
از بنی عبدالمطلب خوانده بهر انجمن
احمد مختار نمود دعوت ز خویشان چل نفر
کرد پذیرائی ز آنان سفره ای پر از ثمر
بعد مهمانی و هم صرف طعام، خود خوش کلام
گفت رسول الله شدم مبعوث ز بهر خاص و عام
بر شما مبعوث گشتم این شما خاصید همه
بعد از این بعثت، شدم مبعوث ز بهر جامعه
گفت که باشد تا کند با من یکی بیع و قبول
دین من کرده ادا و وعده هایم را وُصول
اهل من را جانشین باشد کند کارهای من
او به جنت با من است و هم بود رضای من
او بود بهرم برادر او بود همراه من
او به هر جا با من است و کار او دلخواه من
تا سه بار گفت این کلام را کس نداد او را جواب
جز علی بن ابی طالب که بودی یار ناب

هر سه بار ایستاد و گفتا هر چه گوئی هست قبول

آن چه فرمودی دهم انجام همه، نیستم ملول

ص: ۱۸۷

حضرت محمود بزد دستش به دست های علی

گفت توئی با من برادر هیچ ندارم مشکلی

این تو باشی همهم در هر مقام و منزلت

در بهشت و قرب بالا هم امامت، فضیلت

پس بود این آیه در شأن امیرمؤمنان

آمده تا که شناسند آن مقام بی کران

[۲۲۷] شد سؤال از صادق آل علی ذکر کثیر

گوچه ذکرى باشد آن ذکر، ذکر پر معنا کبیر

گفت که تسبیحات زهرا باشد آن ذکر بلند

هر نمازی بعد آن این ذکر بود آن را پسند

گفت رسول الله هر آن کس مایل است با دین من

یا که خواهد تا نجات یابد به کشتی زین محن

اقتدا جوید به نفس پاک من مولی علی

دوستانش دوست باشند دشمنانش دشمنی

در حیات و در مماتم باشد بهرم جانشین

بهر امت هست پناه و او امیر مسلمین

او وصی من بود هم او بود یعسوب دین

او امام متقین است او امیرالمؤمنین

هست کلام او کلامم امر او امر من است

نهی او نهی من است و راه راستش روشن است

پیروی از او بود هم پیروی از من یقین

یاری او یاری من او مرا یار و معین

ص: ۱۸۸

هر که، او ضایع کند ضایع نموده است مرا
آن که ضایع کرده است من، باشد رسوای جزا
هر که بعد از من جدا گردد ز نفس من علی
در قیامت باشد رسوا منزلش بد منزلی
او نخواهد دید مرا من هم نخواهم دید او
او مهیا بهر آتش، آتش آمد روبرو
هر کسی باشد مخالف با علی شیر خدا
هست بهشت بر او حرام و مانده آن جا بینوا
جایگاهش آتش است و ذکر او واحسرتا
دائماً اندر عذاب آخرت واغربتا
هر که در دنیا علی را واگذارد در جزا
حق رهایش می کند او در عذاب است و بلا
آن که یار باشد علی را هست خدا یارش به حشر
شادمان است در قیامت شادیش آمد ز عرش
بعد از آن فرمود، حسن و هم حسین باشند امام
از برای امتم بعد از پدر در این مقام
این دو باشند سید اهل بهشت بهتر جوان
مادرشان بهترین زن سید جمع زنان
بابشان باشد وصی و سید جمع وصی
باشند گل هائی ز باغ حق بیواز هر گلی

هم ز فرزند حسین نُه گل همه باشند امام

نهمین است قائم آل محمّد گو سلام

ص: ۱۸۹

باد سلام حق به احمد هم علی و فاطمه

بر حسن و بر حسین بر نه نفر که لازمه

گفت رسول الله اطاعت از همه سیزده نفر

هست اطاعت از رسول حق و از فخر بشر

همچنین باشد مخالف با همه نورهای پاک

هست مخالف با رسولش باشد از اهل هلاک

هر کسی منکر شود یا ضایع سازد از همه

حق و فضل جملگی را کرده یکجا کاذبه

من شکایت می برم زانها بر حیّ قویم

حق آل من شدند منکر، نصیبشان جحیم

هست خدایم ناصر آلم ز ظلم ناکسان

انتقام گیرد ز هر منکر ز هر ظالم چسان

غاصبان حق مولی می چشند ظلم های خویش

در عذاب ظلم گرفتارند چشند هر روزه بیش

۲۷-سوره مبارکه ی نمل

سوره ی نمل با دو رمزش طا و سین آمد فرود

صاحبش هر روز بگویم صد سلام و صد درود

[۱] این همه آیات قرآن و کتاب روشنی

هست نشانی از کتاب الله ناطق، گو علی

[۲۶] هیچ الهی نیست به عالم جز خداوند کریم

او بود پروردگار همه و عرش عظیم

ص: ۱۹۰

مظهر پروردگار است شیر حق مولی علی

عرش اعظم جلوه ی اوست گو به آواز جلی

[۴۰] آن که داشت علم کتاب و رمزی از اسم علی

حرفی را از اسم اعظم گفت بدون مشکلی

تخت بلقیس گشت حاضر کمتر از چشم هم زدن

رمز اسم، فضل خدا باشد شنو قول حسن

اسم اعظم خود علی باشد به معنا کن نظر

اسم مسماست و مسما اسم باشد دان بشر

[۶۲] صادق آل پیمبر کرده معنا آیه را

با قسم گفته که آیه آمده در شأن ما

آیه آمد از برای قائم آل رسول

مضطر عالم بود فرزند دلبنده بتول

باقرم فرمود که آیه بهر قائم آمده

تفسیر و تأویل آیه نزد عالم آمده

چون کند قائم قیام و گر رسد وقت ظهور

بر سر خود می نهد عمامه ای زیبا ز نور

در مقام پُر تجلی خلیل خواند نماز

با مناجات و تضرع با دو دست های نیاز

رو به درگاه خدایش در دعا و در ثنا

در مقام بندگی است و مستجاب است آن دعا

[۸۹] گوش دل بگشا که تا گویم امیرالمؤمنین

کرده است تفسیر آیه، بشنو از من این چنین

ص: ۱۹۱

منظور از حَسَنَه باشد به ولایت معرفت

معرفت و عشق به آن را بنگری تو فضیلت

سَيِّئَه را دان که انکار ولایت آمده

هم بود بغض ائمه هم شقاوت آمده

[۹۰] باقر علم کتاب تفسیر نمود آیه عیان

گفت حسنه هست ولایت از امیرمؤمنان

سیئه بغض علی باشد به دل های سیاه

آن که دارد بغض حیدر عمر او گشته تباه

گفت رسول الله، علی جان، گر که امت روزگار

روزها روزه بدارند تا که لاغر بی قرار

هم نماز خوانند فراوان تا که قدها گردد خم

لکن بغض تو به دل باشد ولو اندازه کم

این خداوند قهار است با تمام قدرتش

در میان آتش اندازد بحتم با صورتش

حَبِّ مولايم علی باشد حسنه در جهان

بغض او سیئه باشد در جهنم جاودان

۲۸-سوره مبارکه ی قصص

سوره ای از سوره ها نامش قصص باشد بدان

طا و سین و میم سه حرف رمز بود آن را نشان

[۱] قصه و رمز و همه آیات قرآن مبین

ظاهري باشند ز مولاييم اميرالمؤمنين

ص: ۱۹۲

[۵] اصل عالم را ضعیف بشمرده اند آن ناکسان

حق اراده کرده تا منت نهد مستضعفان

هم امام گرداند آنان و دگر هم وارثان

بر زمین باشند تمامی ظاهر شاه جهان

آیه را معنا نمود مولی امیرمؤمنان

گفت که اینان آل پیغمبر بوند اندر جهان

حق برانگیزد امام قائم از آل خلیل

تا کند مؤمن عزیز و دشمنش خوار و ذلیل

صادق آل و لا هم گفت که آیه منحصر

باشد بر مهدی موعود او کشد هر مستکبر

او ز عدل و داد کند پر آن زمان روی زمین

بعد از آن که پر شده روی زمین از ظلم کین

[۵۱] جعفر صادق به تفسیرش ز آیه داد خبر

گفت که آیه هست، امام بعد امام، اول حیدر

[۶۱] آن که را حق داده وعده او بود شیر خدا

می رسد بر حقِ حق و راه حق را رهنما

ای برادر دان تو این وعده که داده است خدا

باشد این وعده بهشت یا فوق آن باشد بجا

وعده باشد قرب او اذنی و ذات پاک یقین

یا که گنه ذات اقدس بر امیرالمؤمنین

[۷۰] جز خدا هیچ کس نباشد در جهان دقت نما

هست ستایش ها در اول هم در آخر از خدا

ص: ۱۹۳

حکم او نافذ در عالم سلطنت از آن اوست
هست رجوع هر کسی رو سوی او باشد او دوست
گر کسی باشد به عالم او ظهور علوی است
خود علی باشد ظهور حق، امیر سرمدی است

۲۹-سوره مبارکه ی عنکبوت

[۱] رمز یک سوره ز سوره های قرآن آمده
یک الف، یک لام و یک میم بهر فرمان آمده
[۲] تا بگویند آن که بریده ز حق متعال
وصل نمود خود را به غیر حق ندارد اعتدال
آیه نازل گشت ز بالا به رسول عالمین
آیه را کردی قرائت بر همه اهل زمین
در سؤال شد حیدر کرار ز فتنه از رسول
امتحان از بهر امت چیست که تا گردد قبول
در جواب گفتا رسول الله که ای شیر خدا
با تو آزموده شوند امت چو گردی پیشوا
دشمنت دارند همین امت ز بعد من، علی
با تو بسیار می کنند حيله و جور و دغلی
تا که، بیرون آید از این امتحان بس بزرگ
بعضی بیرون آیند و هست دیگران در جلد گرگ
[۴۱] در مثال، خانه او باشد به مثل عنکبوت

سست ترین خانه همین است خانه ای از برگ توت

ص: ۱۹۴

[۴۸] آیه گوید ای رسول ما نخواندی قبل از این

هم که نوشتی تو خطی در همه روی زمین

تا مبدا منکران وحی و قرآن شک کنند

شاید خود بنوشته است، دیگر نیفتد این پسند

سرّ مطلب این بود نئی که بود او بی سواد

او سواد کامل است و کس بمانندش نژاد

در جهان آفرینش کس نبود دانا ز او

تا برای درس به نزد او نشیند روبرو

این سبب باشد، ندید او مدرسه، استاد درس

او نداشته هیچ نیاز بر درس و بر استاد و بس

بهر او باشد معلم بس خداوند علیم

علم و حکمت را گرفته از خداوند حکیم

قبل از این عالم گرفته درس های بیشمار

فرهنگ علم الهی هست ز بهرش پایدار

خود بفرمود با دم گرم و کلام بس شیرین

كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ

من نبی بودم همان گه که گل آدم سرشت

او برای بازی از گل ظاهر آمد در بهشت

لیک نتوانست بماند در میان باغ گل

یک ظهوری از جلال راندش ز جنت سوی ذل

اوز بالا سوی خاک آمد دمی شد خاک نشین

در نیاز شد تا که درس گیرد ز آسمان و زمین

ص: ۱۹۵

درس اسماء داد خدایش شد معلم بهر نسل

لازم آمد یک معلم بهر شاگرد فصل بفصل

احمد مختار معلم، علم و عِلْم و علیم

اسم او علم تمام است آمده با دو - سه - میم

میم بود چل از عدد، خود این عدد باشد تمام

پس محمّد کامل است بر او بود یک صد سلام

پس نیازی نیست که کامل، درس بخواند نزد کس

بلکه خلق حق تعالی را تمامی داده درس

او معلم بهر مولایم امیرالمؤمنین

او بیاموخته علی را اولین و آخرین

او بیاموخته علی را ظاهر و باطن تمام

گو بر این استاد و شاگرد از خداوند صد سلام

علم پیغمبر علی داد بر تمام انبیاء

هم بداد علم نبی را بر تمام اولیاء

علم بداد بر جبرئیل و بر سرافیل، هر ملک

هم بداد بر شرق و غربِ عالم تا ملک فدک

هم بداد با واسطه بر عالمان و عارفان

هم بداد بر صاحب عقل و به هر انسان و جان

هم بداد بر هر کس و هر چیز عالم جملگی

هر که آموخت شأن خویش شأنش بود خوب بندگی

جمله را آموخت که باشند بنده ی خاص خدا

شان بنده کی بود از بندگی هیچ وقت جدا

ص: ۱۹۶

هست خداوند خالق و مابندگان عبد ذلیل

رو به در گاهش بخاک افتیم و این باشد دلیل

پس نگوئید عالم دهر مصطفی بود بی سواد

نقص بود این بی سواد، نقص نباشد در جواد

[۴۹] بلکه این قرآن بود آیات روشن از خدا

آمده در لوح سینه ی رسول مجتبی

تنزیل آیات نشسته صدر شاه لافتی

عبد حق است و مرید احمدی شیر خدا

بنده ی خاص خدا و پیرو دین و نبی

مؤمنین باشید چنین و پیرو خط علی

از امام صادق ملک الهی شد سؤال

تفسیر، بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، را گو خصال

در جواب سائل آمد مقصود، ما باشیم یقین

از علی تا قائم آل محمد هست چنین

ما همه هستیم قائم، هر یک بعد دیگری

تا بیاید صاحب شمشیر نماید رهبری

در بیان دیگری فرمود امام باقرم

ما امامانیم همه آیات، بلی تاجِ سرم

[۶۹] باقر آل عبا فرمود که این آیه یقین

نازل گشته بهر ما آل رسول عالمین

در بیان دیگری فرمود که نازل گشت عیان

از برای اهل بیت و از برای شیعیان

ص: ۱۹۷

رأس اهل بیت علی و اصل آل است مرتضی

یار دل‌بند پیمبر یاور دین خدا

مردم دنیا پیوندید به مولایم علی

تا به حق پیوند نمائید واسطه باشد ولی

او به حق پیوسته است حق محکم است و استوار

عُرْوَةُ الْوُثْقَىٰ حق باشد علی نامدار

۳۰-سوره مبارکه ی روم

[۱] سوره ی روم آمده با رمز اول بر زمین

غالب و مغلوب نزولی است از امیرالمؤمنین

حق تعالی دائماً مخلوق خود اهدا کند

عالمی را بعد عالم پیش برد آسنی کند

[۲۷] در همه عالم نباشد مثل و مانند خدا

لیک مثل باشد برایش در میان اسم ها

مثل اعلای او باشد یقیناً فاطمه

قدر او مجهول مانده دائماً بهر همه

مثل اعلای حق همسر بود بهر علی

همسر و همتای بی همتا بود بهر ولی

[۳۰] تفسیر آیه چنین گفت صادق آل ولا

معنای فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا

هست ولایت بهر عترت رسول سرمدی

صد سلام حق به احمد هم به آل احمدی

ص: ۱۹۸

گفت رضایم فطرت در آیه باشد این چنین

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَا كُو تُو بَا قَصْدِ يَقِينِ

بعد از آن گو که محمد هست رسول الله به حتم

گو امیرالمؤمنین باشد وَلِيِّ اللَّهِ بِهِ جِزْمِ

[۳۷] رازق روزی خدا باشد دهد اندازه ها

بر همگی می رساند آنچه بنموده است عطا

[۳۸] ای رسول ما بده حق را به صاحب حق عیان

صاحب حق هست ذُو الْقُرْبَىٰ تُو فَاطْمَه بَدَانِ

حق فدک باشد یقیناً هست ز بهر فاطمه

حق او را ده، نباشد هیچ در این کار واهمه

داد به زهرا حضرتش ملک فدک را بِالْعَيَانِ

بعد از غصب خلافت غصب نمودند غاصبان

غصب نمودند غاصبان، باغ و همه ملک فدک

خود شکستند آن نمکدان بعد خوردن نمک

فاطمه آمد طلب کرد حق خود از غاصبان

گفت بود حق مسلم از برایم در جهان

غاصبان گفتند بیار شاهد که حق تست فدک

با شهودت می زنیم ما بر فدک سنگ محک

فاطمه گفت این بود ملکم چو در دستم بود

احتیاجی بر محک نیست این خودش هستم بود

این که در دستم بود این خود بود نفس محک

در طبیعت این بود قانون از این جا تا فلک

ص: ۱۹۹

این بود ارث از پدر بر من رسیده این زمان

غاصب آن، اولین غاصب بود در این جهان

گر نباشد ارث بود مالم چو داده است خدا

طبق این آیه به من داده رسول مصطفی

غاصبان گفتند بیاور شاهدان بر مدعا

نیست ز بهر تو فدک نی که رسول گفت نی خدا

شاهدان آورد زهرا ام ایمن با علی

شاهدان دادند شهادت نیست در این جا مشکلی

شاهدان دادند شهادت حق نمود وحی بر رسول

اِنَّ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ، حق زهرا هست قبول

پس فدک از آن زهراست آیه گوید این چنین

این بیان صادق است باد بر بیانش آفرین

پس خدا داده فدک را بر جناب فاطمه

هست فدک در دست زهرا، امتش دادند همه

با شهادت علی شد غاصب اول حزین

گشته محکوم و ندارد چاره ئی هست دل غمین

یک سند بنوشت ز بهر رد مال فاطمه

ملک او آید به دستش، ختم گردد واقعه

غاصب دوم پیامد دید در آن جا ماجرا

مال به دست صاحبش بر گشته و نقشش خطا

نامه را بگرفت ز زهرا و نمود پاره همه

این بود فیء و غنیمت نیست ز بهر فاطمه

ص: ۲۰۰

این بود خمس و بود هم از تمام مسلمین

انبیاء ارثی ندارند تا برند ارث وارثین

این شهادت از علی ناید قبول چون شوی اوست

سود او گوید سخن، این دست ما باشد، نکوست

اُمّ ایمن یک نفر باشد، نباشد زو قبول

پس فدک در دست ما باشد چو بوده از رسول

حق زهرا غصب شد و مالش ندادند دست او

مال او را هم ربودند نی خفا بل روبرو

در نهایت شد اذیت فاطمه ناموس حق

غاصبان کردند اذیت بارها از ما سَبَق

فاطمه آن دختر پیغمبر آخر زمان

چشم گریان شد روان از نزد هر دو غاصبان

فاطمه دخت پیمبر خاتم پیغمبران

چشم گریان رفت ز نزد هر دو از طاغوتیان

بعد از آن آمد علی، گفتا به غاصب پس چرا

منع نمودی فاطمه از ارث بابش مصطفی؟

در حیاتش داده این ملک را به زهرا مصطفی

ملک خاص فاطمه باشد بدان این ماجرا

رد نمود قول علی آن غاصب ملک فدک

رد نمود قول کسی که درس گرفت از او ملک

رد نمود قول علی آموزگار جبرئیل

رد نمود قول کسی که می ستود او را خلیل

ص: ۲۰۱

رد نمود قول کسی را که تمام انبیا

در میان امت خود مدح نمودند مرتضی

رد نمود قول کسی را که تمام اولیا

با کمال احترام نامش به لب آرند جلا

رد نمود قول کسی که نفس پیغمبر بود

متن قرآن است گواهم هر که را باور بود

رد نمود قول کسی که در کلامش صادق است

او کلام الله تعالی او کتاب ناطق است

او بود اصل صداقت صادق و صدق تمام

او بود بر صادقین عالم هستی امام

او بود راستگوی عالم او بود راستگوترین

او بود نفس صداقت صاد صدق صادقین

او ظهور صدق بالا سید است بر صادقین

او ولی مطلق دهر، او امیر المؤمنین

او کلام الله، ولی الله و خیر الله عیان

او حبیب الله و عین الله ید الله در جهان

او خلیل الله و حزب الله و جُئِدُ الله نور

او لسان الله و روح الله و ظلُّ الله صَبُور

او جمال الله جلال الله صراط مستقیم

او کتاب الله ناطق هم صفی الله قویم

او كلیم الله و حُبُّ الله و سِرِّ الله عیان

او ظهور الله و نور الله مع الله جاویدان

ص: ۲۰۲

او سفیر الله و حبل الله و ثارالله بجا
او صفات الله و اسم الله و رسم الله بقا
او امین الله صراط الله و فضل الله یقین
او بود سَیْفُ الله و فتح الله روی زمین
او بود باب الله و رزق الله و صنَع قدیم
او بود لطف الله و حکم الله و علم و علیم
او بود عبدالله و هم حجه الله رضوان
صَفْوَةُ الله جَنَّتُ الله رحمت الله مَنَّان
او بود وجه الله و هم حِطَّةُ الله جهان
او مع الله باشد و خلیفه الله جاودان
آیه الله خاصه الله خالصه الله چنان
بقیه الله نعمه الله و لسان الله عیان
هَبِیْبَةُ الله عزت الله قدرت الله هست علی
حکمت الله رفعت الله هبهُ الله هست ولی
مَشِیْهُ الله اذُنُ الله و ظهور سرمدی
هست علی عبدالله عالم و نفس احمدی
نصرت الله و اسدالله بود مولی علی
هر که این را نپسندد اعتقادش دغلی
بیش از این دیگر ندانم گفت یکی از صد هزار
وصف والای علی باشد یقیناً بیشمار

وصف والای علی را گفت خداوند جهان

هست ز اوصافش یکی آن هم امیرمؤمنان

ص: ۲۰۳

این علی با این همه وصف رد نمودند قول او

رد نمودند قول او را غاصبان بی آبرو

گفت علی با غاصب اول که آیا می کنی

بر خلاف حکم حق حکمی علیه چون منی؟

گر به دست مسلمی چیزی بدیدی، ملک اوست

ادعایت این بود مال تو باشد، او عدوست

بیّنه خواهی زاو بر آنچه در دستش بود؟

ملک طلق اوست یقیناً چون که بر شستش بود

این فدک در دست زهرا بوده و هست سال ها

در حیات مصطفی هم بوده دستش در بقا

بوده ملک خاص زهرا، از میان مسلمین

بینه هیچ کس نخواستہ تا به امروز این چنین

گفت علی برهان قاطع بر علیه غاصبش

غاصبش کردی سکوت و هم تهی کرد قالبش

حرف ندارد تا بگوید در جواب مرتضی

گشته محکوم و سکوت کرد پا بگل اندر خطا

با دلیل محکمی حق را به زهرا داد علی

غاصب حقش بماند، چاره نداشت جز دغلی

غاصب دوم به حرف آمد بگفتا با علی

این دلیل و این همه برهان نمی باشند جلی

این همه برهان رها کن شاهد عادل بیار

حجت خود را رها کن تخم بینہ بکار

ص: ۲۰۴

گر ز این مردم نیاری شاهدهی بر مدعا
این فدک و حق زهرا باقی ماند دست ما
نی ز بهر تو بود حق نی ز بهر فاطمه
ما ز غصب حقتان هرگز نداریم واهمه
گفت علی با غاصب اول، تو خوانده ای کتاب؟
گفت بلی من خوانده ام قرآن بدیدم من خطاب
گفت که آیا خواندنی، اِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ، را
لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ، بجا
آیه در شأن چه کس نازل شده از آسمان
هست بشأن ما و یا در شأن جمع دشمنان؟
داد جواب و گفت یقین نازل شده بهر شما
رجس و ناپاکی ببرده از شماها هم خدا
گفت اگر گوید دو شاهد که خطا کرد فاطمه
تو چه خواهی کرد با او گوچه باشد واقعه؟
گفت یقین حدش زنم مانند دیگر مسلمین
چون گناه کرده زنم حدش نباشم دل غمین
در پرانتز گویم چند بیتی که این جا کرد ظهور
یک بیان دلخراشی از عدوی پر شرور
حرف زشتی داده نسبت بر جناب فاطمه
باد بریده این زبان، بسته دهان کاذبه

گریه ها سر دادم و اشکم روان شد بر زمین

این چه جای نسبت است بر دخت پیغمبر ز کین

ص: ۲۰۵

با خودم گفتم شکسته باد قلم در دست تو

این چنین نسبت نویسی نی که باشد هست تو

این بود ناموس حق هم جلوه ی اسم احد

باد سلام حق به ناموسش، ازل تا به ابد

این بود دخت پیمبر خاتم پیغمبران

این بود همسر ز بهر شه امیر مؤمنان

مادر است از بهر یازده نور، ائمه هدی

صد سلام و صد صلوات بر همه باد از خدا

خواهم بست این دم پراتر بر سر مطلب روم

حق او گویم که تا بلکه رهم از این آلم

چون که گفت حد می زنم من فاطمه را در عیان

در جوابش گفت چنین، مولی امیر مؤمنان

تو شدی کافر به نزد حق، خداوند جلال

چون که رد کردی شهادت خداوند کمال

خود خدا داده شهادت در طهارتش عیان

پاک تر از زهرا زنی نیست در همه ملک جهان

تو شهادت خدا رد کرده و داری قبول

دو شهادت از دو مسلم این بود اصل ضلول

حکم الله و رسولش رد نمودی هر دو تا

حکم هر دو این بود باشد فدک ملک زهرا

گوچه گوئی در جواب گفته ی پیغمبرت

بینه از مدعی باشد یمین از آنکرت

ص: ۲۰۶

چون شنیدند این سخن ها اهل مجلس از علی

گریه کردند و بدانستند رسیده مشکلی

با قسم گفتند که راست گوید امیرالمؤمنین

ما شنیدیم از پیمبر، گفته حضرت این چنین

رفت به منزل شیر یزدان حیدر کرار علی

شرح حال را گفت به زهرا با بیانی منجلی

فاطمه رفتا کنار تربت ختم رُسل

تا زیارت کرده بابا و ببوید عطر گل

در جوار تربتش چند بیت شعر انشاء نمود

بهر احقاق حقوقش چندی مصراع را سرود

در کنار قبر بابا با سلام و با صلوات

چشم گریان با تضرع گفت، رسول کائنات

جان بابا دور شدی از ما چو باران بهار

رحمتش را دور کند از سرزمین کشتزار

امت کردند همه در حکم داور اختلاف

داد و فریادها نمودند و بسی کردند خلاف

اختلاف، کار خود آنان بود زین ماجرا

بر تمام گفته هایم، هست گواه من خدا

بعد رحلت پدر جان بهر غصب حق من

جعل نمودند بس خبرها نادرست و پر مِحن

گر تو می بودی پدر جان این مصیبت ها نبود

بهر ماها این همه توهین، اذیت ها نبود

ص: ۲۰۷

بهر تو قرآن بیاورد از سماوات جبرئیل

ما همه مأنوس به این قرآن ز صبح تا به اصیل

حیف و افسوس منقطع با رحلت وحی خدا

خیر و نیکی ها زما پوشیده شد زین ماجرا

ای پدر ماه درخشانم تو بودی بر سرم

تابش نور بهر مردم از تو می بود در برم

امت لذت همی بردند ز نور روی تو

شادمان بودند جوارت، روی دل ها سوی تو

دائماً نازل همی شد نزد تو از آسمان

آیه هائی از کتاب آسمانی جاودان

از همان روزی که از دنیا برفتی ای پدر

امت آزار ما دادند و خون ها در حذر

پست و کوچک می شمردند جمله ما را ای عزیز

هیچ ندارند هیچ باکی از عذاب رستخیز

هر کسی را محترم دانند بجز ما آل تو

حق ما را غصب نمودند باشد این ملال تو

ظلم ها بر ما روا داشتند همین امت عیان

بارها کردند اذیت در عیان و در نهان

در کنار مرقد بابا تقرب به خدا

جسته و این جا شکایت می کنم از ماجرا

بر سر قبرت شکایت می کنم نزد خدا

هست شکایت زین مسلمانان، به ما کردند جفا

ص: ۲۰۸

عده ئی وقت حیاتت با کمال اضطرار

ایمان آوردند ولی در دل نداشتند هیچ قرار

قصدهشان آن بود که بعد از تو به شرک اولی

بازگشته و تلافی ها کنند با بد دلی

حرف های تو و قرآن را رها کرده روند

رو به شرک و کفر، نباشد دین اسلام را پسند

این زمان آن چه به دل ها داشته پنهان سال ها

آشکار کردند تمامی با دو صد جور و جفا

برکنار کردند ز صحنه این کتاب آسمان

قرآنت گشته غریب و بی مدد کار جهان

بس مصیبت ها بیار آرند ز بهر ما و غم

مثل و مانندش نباشد در عرب نه در عجم

ظلم ها بر ما نمودند بس عمیق و ریشه دار

تأثیرش باشد ز بهر خاندان ما بکار

تأثیرش بر دودمان ما بود باقی یقین

اولاد ما باشد مظلوم اولین و آخرین

ظلم ناپاکان چه خواهد کرد با اولاد ما

دائماً باشند مظلوم ای رسول مرتضی

ای پدر، باشی رسول الله مقامت هست عظیم

بهترین بندگانی بنده ی حیّ علیم

راستگوى عالم توئى و بهترين خلق خدا

تو رسول مهربانى بهر هر كس بهر ما

ص: ۲۰۹

در فراق ما شب و روز گریه ها داریم چنان
گریه داریم تا که روح از تن جدا گردد بدان
در فراق تو بریزیم اشک ز چشمان روز و شب
آن قدر گریه کنیم تا جان ما آید به لب
کی شود خشک چشم ما در دوری تو ای پدر
تو پناه بی پناهانی مرا تو تاج سر
من امیدوارم که تا آن کس که کرد ظلم ها به ما
هرچه زودتر خود ببیند سخت عذابش را بجا
او ببیند در قیامت تا چه کس هست رستگار
او ببیند تا چه کس افتد به آتش نابکار
او ببیند تا چه کس با صورتش افتد به زیر
در میان آتش دوزخ دهد هر دم نفیر
در میان آتش سوزان ببیند خود خلود
میوه ی کارش بچیند آن چه را ظاهر نمود
میوه ی تلخ ستم باشد عذاب آتشین
دائمی باشد عذابش وصف او هست خالدین
دشمن زهرا بود از بدترین خلق خدا
خلق بدانند این حقیقت جملگی روز جزا
غاصبان حق زهرا پست ترین مردمند
در قیامت صورت باطن به شکل کژدمند

قاتل زهرا خبیث است، اَخبِث است از هر خبیث

در عذاب آتشین هرگز ندارد او مُغیث

ص: ۲۱۰

خالدون است در جهنم دائماً باشد چنین

زهرة ی زهرا بود ناموس ربّ العالمین

می رود بالا ز فردوس برین و از بهشت

یک چنین دُری به دریای ازل دیگر نکشت

می رود تا نزد حق تا ذات اقدس خدا

می رود بالا و بالا در پی کُنه ولا

از ازل بالا بیامد از مقام علم ذات

دائماً آمد به بالا تا رسیده هویات

سوی کُنه ذات رود بالا نهی باطن بجا

باطن در باطن کند طی تا رسد بر ائما

ذات اقدس بی نهایت دارد باطن ها عیان

می رود بالا همیشه می رسد بر جانِ جان

خود ظهور جان جانان است ز بالا آمده

رو به بالا می رود او چون که والا آمده

او ظهور اسم ذات است اسم ذات باشد احد

او ظهور اسم جامع گو تو اللهُ الصَّمد

این احد دان اسم اسم و عین ذات است اسم او

گر تو داری عقل و عرفان خود ببین این روبرو

پس بود زهرا ظهور ذات اقدس خدا

آمده در عالم خاک تا بدانند ماجرا

می رود از عالم خاک رو به سوی ذات حق

دائماً در سیر بوده، سیر ذات از ما سَبَق

ص: ۲۱۱

او رسیده ذات حق را در پی باطن رود
او زیارت کرده ذات اقدس و اسم احد
رو به باطن در صعود است در مقام سرمدی
او بود ناموس اکبر، گل ظهور احمدی
باطن در باطن رود بالا نبیند خود دگر
او فقط حق را ببیند، گر توانی حق نگر
جز حقیقت حق نباشد نیست به غیر او کسی
حاکم عالم بود ذات گو که ذات اقدسی
بس بوده دیگر مرو پیش تا که آید وقت آن
این زمان ها نیست صلاحی تا بیان گوئی عیان
بیش از این باشد خطرها، سر رود بر روی دار
مطلبت را ناتمام بگذار و هر دو پا فرار
بر سر الفاظ بر گرد و نما معنا عیان
بین چه کردند با معانی، غاصبان و طاغیان
حضرت صادق بقیه داستان را گفت چنین
غاصبان ببیند چه کردند با امیرالمؤمنین
غاصب اول به منزل رفت بخواند آن دیگری
گفت به آن دیگر بدیدی تو علی خبیری
مجلس ما را بهم زد با دلیل محکمی
ممکن است بار دگر بر هم زند با متقنی

گر چنین مجلس بگیرد مردمان هشیار شوند

یاد حرف های پیمبر جملگی بیدار شوند

ص: ۲۱۲

این بدانند، کارهای ما همه هست شیطنت

سلب نمودیم از علی حق، گفتیم از ماست خلافت

چاره باید کرد کار را، گو که چیست چاره عیان

گو چه باید کرد در این جا با امیر مؤمنان؟

غاصب دوم جواب داد رأی من قتل علیست

کار ما روراست نباشد بلکه کار دغلیست

غاصب اول بگفت قائل که باشد این چنین؟

داد جوابش، خالد بن ولید باشد از یقین

غاصب اول طلب بنمود خالد بن ولید

تا که آید بهر کشتن مرد اَلْدُنْكَ پلید

غاصب اول بگفت از بهر امری بس خطیر

من تو را دعوت نمودم، تصمیم خود را بگیر

در جواب گفت حاضرم حکمت بفرما در برم

گر بود قتل علی هم حاضرم، تاج سرم

غاصبان گفتند بود مقصود ماها هم همین

ما همی خواهیم شود کشته امیرالمؤمنین

گفت چه وقت باید شود کشته علی نامدار؟

تا زخم من گردنش، بین خالدم من نابکار

غاصب حق علی گفتا به وقت صبح زود

در میان مسجد و وقت نماز و در صعود

در کنارش جا بگیر وقتی سلامم شد تمام

خیز و زن گردن ز میر لافتی اول امام

ص: ۲۱۳

او قبول کرد و برفت تا صبح فردا آیدش
او به مسجد آید و وقت قرارش بایدهش
همسر غاصب شنیدی نقشه ی قتل علی
کرد روانه آن کنیزش تا رساند به ولی
گفت سلامی گو ز من در نزد زهرا و علی
غاصب حقت به سوء دارد نظر هم دغلی
نقشه ی قتلت کشیده مسجد و وقت نماز
بعد اتمام سلام و وقت انجام نیاز
از برای دفع شر و مفسده، خارج ز شهر
رو که تا سالم بمانی صبحدم وقت سحر
در جواب گفتا علی، گو تو به اسماء هست خدا
حافظ از بهر ولیش این علی مرتضی
کید مکاران خدا باطل نماید آن زمان
مانع اجرای قصد شوم ایشان است بدان
طبق معمول صبحدم آمد به مسجد مرتضی
در میان صف مسجد جا گرفت شیر خدا
خالد ملعون بیامد همراهش شمشیر تیز
جا گرفت در نزد مولی لکن از حق درگریز
غاصب حق علی آورد تشهد را بیار
لیک فرو رفته به فکر نقشه ی شوم نابکار

آخر الامر شد پشیمان، ریختن خون علی

گر که ریزد خون مولی غرق شود در مشکلی

ص: ۲۱۴

در تحیر بود که شاید فتنه ها برپا شود

او شود کشته، خلافت هم ز دستش وا شود

بس چو طولانی تشهد شد گمان مردم است

او نموده سهو و نسیان، در به روی او بیست

او بناچار قبل اتمام سلام گفت این کلام

لَا تَفْعَلْ مَا أَمَرْتُكَ بَعْدَ از سلام

یعنی ای خالد تو را گفتم علی گردن بزن

حال به تو گویم مکن این کار که باشد پر مِخَن

بعد از آن دادی سلام و این نماز آخر رسید

این نماز معراج بود یا هر که از معراج پرید؟

گفت علی شیر خدا با خالد قاتل چنین

مأمور انجام چه کار بودی و ماند بر زمین؟

در جواب گفت امر شدم تا که زخم من گردنت

در عزای تو نشانم من حسین و حسنت

گر که لاتفعل نمی گفت می زدم گردن تو را

می نمودم این سرت از پیکرت فوراً جدا

چون خباثت را به این تیزی نمود درجا بیان

هیكل نحسش زمین زد شه امیرمؤمنان

بافشاری پر توان او را نمود نقش زمین

عنقریب جان کثیفش از تنش بیرون لَجین

با صدای نکره و با دستگاهی بس درشت

غاصب حق علی گفتا علی خالد بکشت

ص: ۲۱۵

مردمانی جمع شده دادند قسم شاه ولا

این تو و حق پیمبر، خالد ما کن رها

غاصب دوم، علی بگرفت گریانش عیان

گفت به آواز بلند، گر که نمی بود در میان

عهد پیغمبر یکی، دوم کتاب آسمان

امر به صبرم کرده اند تا آن که باشم در جهان

ثابت می کردم کدام یک از من و هم از شما

هم ضعیف تر هم که بی یاورتریم نزد خدا

بعد از آن کردی رها و رفت به سوی خانه اش

بر نماز غاصبان حاضر نگشت، جاودانه اش

این که تا این جا بیان شد باطنی از آیه است

باطن دیگر ز آیه باطنی پر مایه است

لیک بود این باطن، بسیار پر معانی و عمیق

می توان رفتن بیاطن با خداوند رفیق

وقت آن نیست باطن کنیم بیشتر ملا

وقت آن از راه رسد صد سال دیگر از خدا

یک اشاره بس چه کوتاه و مفید تنها بس است

از دو بیت و چار مصراع، فهم معناها بس است

ای رسول ما بده تو حق ذی القربی به آن

اصل ذی القربی علی باشد بده حقش عیان

حق او باشد خلافت گو به مردم این خبر

نصب نما بعد از خودت باشد به عالم راهبر

ص: ۲۱۶

۳۱-سوره مبارکه ی لقمان

[۱] سوره ی لقمان بیامد با سه رمزش بر نبی

حکمت و لقمان بوند دو جلوه از مولی علی

[۲-۳] این علی آیات قرآن و کتاب حکمت است

هم هدایت بهر مردم، بهر مخلوق رحمت است

[۴] یاد دهد نیکان عالم تا بپا دارند نماز

هم رسند بر مستمندان تا نباشند در نیاز

[۵] هر که شد تابع علی را می شود او رستگار

آن که دارد از علی بُغضی بدل، هست اهل نار

[۲۰] داده است نعمت به مخلوقات خداوند کریم

نعمت ظاهر و باطن بس چه نعمت ها عظیم

نعمت ظاهر رسول الله بود در این جهان

نعمت باطن ولایت از امیر مؤمنان

تفسیر آیه بفرمود باقر علم ها چنین

گویم باد بر این مُفسر صد سلام و آفرین

نعمت آشکار رسول و باطنش باشد امام

با بیانی از محبت داده بر دوستان پیام

تفسیر دیگر بفرمود موسای کاظم بیجا

نعمت ظاهر امام ظاهر است با انما

نعمت باطن امام غائب است در این جهان

اصل این ظاهر و غائب دان امیر مؤمنان

ص: ۲۱۷

[۲۲] گفت رسول الله: ائمه هست ز اولاد حسین

هر کسی باشد مطیع این امامان نور عین

کرده است از حق اطاعت طاعتش باشد قبول

آن که از دستور ایشان سرپیچاند ضلول

آن که سرپیچید گناه کرده ندارد هیچ عیار

واسطه هیچ نیست که آید او به نزد کردگار

این امامان عَزْوَةَ الْوُثْقَى حق باشند بجا

واسطه باشند رسانند هر کسی نزد خدا

گفت امام هشتمین از باب و آباء گرام

از رسول الله شنیدند وصف والای امام

گفت پیمبر بعد من یک فتنه ای آید بیار

فتنه ی گمراه کننده بدتر است از زهرمار

رستگار است آن که آن دم در تمسک آمده

عَزْوَةَ الْوُثْقَى گرفته در سخن رُك آمده

شد سؤال که عَزْوَةَ الْوُثْقَى چه باشد ای رسول

گفت ولایت بهر سَيِّدُ الْوَصِيِّين باد قبول

پرسش دیگر، که کی باشد سَيِّد الوصیین

گفت بود رهبر عالم گو امیرالمؤمنین

این امیرالمؤمنین را گو: که باشد ای حبیب؟

تا اطاعتش بود آن رستگاری را نصیب

در جواب گفت او بود مولی، امام مسلمین

جز وجودش بعد من مولی نباشد در زمین

ص: ۲۱۸

سائلین گفتند که مولی و امام بعد شما

گو که باشد آن عزیز تا آوریم ما خوب بجا

گفت رسول الله که این مولی، امام باشد، علی

بهر من باشد برادر، بر خدا باشد ولی

این علی بن ابی طالب امام مؤمنین

هست وصی بعد من و مولی ز بهر مسلمین

عُرْوَةُ الْوُثُقَى حق باشد امیر مؤمنان

بعد من باشد وصی و رهبر کل جهان

چنگ زبید بر دامن این عُرْوَةُ الْوُثُقَى همه

تا نجات یابید ز هر غم، مشکل و از واهمه

تا شوید از رستگاران قیامت با علی

ظرف دنیا، آخرت نیست بر شما هیچ مشکلی

این علی بهر شما باشد بحق مشکل گشا

می برد جمع شما را دائماً نزد خدا

[۲۶] هرچه باشد در سماوات یا که باشد در زمین

باشد مخصوص خداوند حمید، خلق آفرین

آن چه باشد در زمین و در سماوات عُلَا

هست همه مختص به حق متعال دان این ندا

هستی از حق است و حق باشد غنی متعال

این غنی باشد پسندیده کمال است خوش خصال

[۲۷] گر درختان در زمین گردند قلم یا هرچه آب

یا که هفت دریا مرکب گردد یا گردد خضاب

ص: ۲۱۹

کئی کلمات خدا را می توان تعداد نمود

این کلمات وصف مولاست تا چه کس باید شنود

شد سؤال از عسکری آن عسکر ملک ولا

گو چه باشد معنی سَبَعَهُ أَبْحُرٍ ما

در جواب شد عسکر دین خدا و گفت عیان

چشمه هایی باشند آن هفت، با نام های پر نشان

چشمه ی کبریت، طبریه، برهوت و یمن

جمه ما سیدان، افریقا و ماجروان، چمن

ما ائمه هستیم آن کلماتُ الله جمال

کئی توانی درک نمود از ما فضائل و خصال

کئی توانی تا چشی از چشمه های فضل ما

مائیم آن سرچشمه های فضل که جاریست تا جزا

اصل سرچشمه ز کوثر جاری آمد تا ابد

عالم هستی بگوید: قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ

هست حیات معنوی از چشمه ی کوثر جلی

سقای آب حیات است مولای عالم علی

آن که بشناسد علی و کوثر و آب حیات

نوشد آن آب را ز کوثر هست ز بهر او نجات

۳۲-سوره مبارکه ی سجده

سوره ی سجده پیامد از سما بر روی خاک

سجده و خاک است مقام بندگیِ عبدِ پاک

ص: ۲۲۰

سجده و پاک بندگی شأن امیرمؤمنان

اصل خاک است و پدر بر خاک و هم بر بندگان

[۱-۲] رمز سوره یک الف لام است و میم در ابتدا

نازل آمده کتاب، ام الکتاب نزد خدا

خود کتاب ام الکتاب باشد علی مرتضی

جلوه ای این، جلوه ای آن، آمد شاه لافتی

[۱۸] روزی از روزها ولید بن عقبه با علی

در نزاع شد، گفت چه حرف ها، پر زکینه دغلی

با علی گفتا که ساکت باش تو هستی کودکی

من چنین و من چنانم، برتر از تو، میحکی

کرد خطاب شاه ولایت بر ولید بی حیا

گفت تو ساکت باش تو فاسق باشی در ملک ولا

با بیان حیدر کرار نزول کرد از سما

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا

آیه نازل گشت ز بالا با طریق یک سؤال

تا جهان جوید جوابش یک جوابی بس زلال

آیه فرمود که علی مؤمن بود، باشد ولید

فاسق روزگار آن روز فاسق دون پلید

پس نمود تأیید خداوند صدق گفتار علی

هم رساند ایمان او را تا ابد باشد جلی

۳۳-سوره مبارکه ی احزاب

سوره ی احزاب بیامد نازل از نزد خدا

گوید حزب الله غالب هست علی مرتضی

[۴] گفت امیرالمؤمنین تفسیر آیه را چنین

جمع نگردد در دل یک فرد دو دوستی از یقین

حب ما و دشمن ما هیچ نکنجد در دلی

این دو حب ایجاد کنند بر صاحب دل مشکلی

جمع نمی گردد دو دوستی هیچ به قلب هیچ کسی

دو عدد قلب خلق نکرد خالق ز بهر هیچ نفسی

با یکی دوستی کند ظاهر ز خود با دیگری

بغض و کینه ظاهر سازد همچو شهد و خنجری

آن که دوست ماست فقط حُبش به ما باشد و بس

غیر حب ما نگیرد بر دلش هیچ خار و خس

چون طلا باشد که هنگام ملاقاتش به نار

تیره گی در آن نماند صاف صاف است پر عیار

هر که در دل باشدش دوستی ما و دشمنان

او نباشد هرگز از ما و نباشد از خوبان

هست خداوند دشمن او هم که جبریل و میکال

دشمن است حق تعالی کافران و بد خصال

[۶] ذیل این آیه بفرمودی رسول مصطفی

در درون چند حدیث و اولویت مرتضی

ص: ۲۲۲

در جواب آن که بدگویی نموده از علی

گفت رسول الله: علی مولاست و او باشد ولی

در حدیث دیگری گوید که از هر مؤمنی

من یقیناً باشم اولی و نباشد سخنی

هر که من مولای او باشم علی مولای اوست

این من و این هم شما و این علی خود روبروست

در حدیث دیگری فرمود بگوئید از وفا

آیا اولی نیست ز من در دنیا و عقبی خدا

امر و نهی دارد به من پروردگار عالمین

من ندارم امر و نهی بر او در این ملک زمین

مردمان تصدیق نمودند و بگفتند ای رسول

آن چه گویی ظاهر و باطن همه باشد قبول

مصطفی گفت هر کسی باشد که حق متعال

هم رسولش مولای اویند نباشد هیچ سؤال

این علی مولای او باشد نباشد غیر این

این بود معنای اسلام و دگر معنای دین

او شما را امر و نهی دارد در این عالم عیان

بهرتان نیست نهی و امری بر امیرمؤمنان

بعد از آن بنمود دعا و گفت که ای پروردگار

دوست بدار دوست علی را در همه ملک و دیار

باش تو دشمن دشمنانش یاری بنما یار او

تو ذلیل بنما کسانی که بریزند آبرو

ص: ۲۲۳

آن که خوار داند علی را خوار روزگارش نما

تا همه عالم بدانند کیست علی مرتضی

آخر الامر گفت تو بر قوم شاهی پروردگار

من رسانیدم تمام حق به آنان با شمار

[۱۰] کفر و شرک در جنگ احزاب هم ز بالا هم ز زیر

حمله کردند بر مسلمانان به همراه نفیر

اول لشکر یکی عمرو بن عبدود دلیر

قصد نمود تا پرچم توحید ز فوق آرد بزیر

او مبارز خواست ز نیروی مقابل بارها

کس جوابش را ندادی جز علی مرتضی

بعد هربار گفت به پیغمبر که من آماده ام

هیچ هراس و ترس نباشد، جمله از دست داده ام

تا اجازه داد علی را حمله کرد بر کافران

کشت ز آنان عمرو و فرزند او، قطع دودمان

بعد آنان عَکْرَمَةُ بْنُ أَبِي جَهْلٍ کشت و هم

از یهود و از قریش کشتی فراوان دمبدم

منهدم گردید لشکر فاتح میدان علیست

در همه جنگ های اسلام صدر میدان اولیست

پس سلام حق به مولایم امیرمؤمنان

دین اسلام شد نمایان با یدالله جانِ جان

[۲۱] الگوی خوب الهی آمده بهر شما

او بود ختم رسالت در لقب هست مصطفی

ص: ۲۲۴

تا که برگردید به سوی حضرت پروردگار

ذکر حق بسیار بگویید در عدد با هشت و چار

نفسِ الگو، اولین از هشت و چار باشد علی

ذاکر حق است همیشه با توان و پردلی

[۲۳] راوی گوید محضر صادق حضور داشتم عیان

ناگهان آمد ابوبصیر به نزد دل ستان

گفت امام صادق گفتاری را از بهر ما

در خطاب شد با ابوبصیر، گفتا که خدا

یاد نموده در کتابش از شما و خواند کتاب

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا، با صواب

گفت شما با عهد و پیمان الهی با وفا

با ولایت بهر ما ماندید وفادار با صفا

خود علی فرمود که این آیه ز بهر ما نزول

گشته است از جانب حق هر چه باشد هست قبول

من همیشه منتظر بهر شهادت از خدا

تبدیلی حاصل نگشته زین تقاضاهای ما

صادق آل محمد با بیانی از رسول

گفت که او فرمود علی، هستی کلامم را وصول

هر کسی دارد تو را دوست و بمیرد در جهان

او وفا کرده به پیمانش که بسته با رحمان

او به صف شهدا وصل است و در شهد ولا

گر بود زنده به حال انتظار است در صفا

ص: ۲۲۵

حفظ شود ایمان او و رزق والایش بجا

او به نور معنویت غرق باشد پر جلا

[۲۵] آیه ئی آمد ز فوق عرش و از نزد خدا

آمده در شأن مولایم علی لافتی

بین تو آیه: وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ

تا که تفسیر گردد از بهرت نباشد هیچ سؤال

حق کفایت می کند در امر جنگ از مؤمنین

این کفایت با علی باشد امام متقین

[۳۳] در اراده آمده حق تا برد رجس از همه

اهل بیت پاکند و پاکیزه بدون واهمه

احمد مختار پیمبر، حیدر کرار امام

بهر اهل بیت یقیناً هر دو را باشد مقام

پس خدا و هر ملک بر مصطفی داده سلام

هم سلام و هم صَلَوَات بر نبی خوش مرام

مؤمنان گویند همه بادا سلام و صَلَوَات

بر نبی و آل او دائم سلام و برکات

اصل آل باشد علی و بعد او بین فاطمه

بعد از آن یازده وصی بین تو امامانند همه

گفت رسول الله که این آیه بیامد از سما

آمده در شأن پنج نور مقدس انما

آمده در شأن من، در شأن نفس من علی

فاطمه و هم حسن و هم حسینم بس جلی

ص: ۲۲۶

چون بیامد آیه ی تطهیر برای مصطفی
خواند به نزد خود علی و فاطمه و آن دو تا
برگرفت چار نور اقدس در بغل آن نور پاک
این چنین کرده اراده حق تعالی روی خاک
تا کند از رجس و هر آلاشی دورتر و دور
از شما ای خاندان مصطفی ای اصل نور
تا که پاک سازد ز هر عیب و ز هر نقصی حریم
در حفاظید از هزاران شر شیطان رجیم
او منزّه می کند از نقص و هر آلودگی
خالصانه در عبادت دائماً در بندگی
نقل شده از ابن عباس او بگفت ما دیده ایم
مدت نه ماه همه روز یک عمل رسیده ایم
هر شب و هر روز به پنج بار وقت و هنگام نماز
احمد مختار مشرف تا بگوید بعضی راز
درب خانه ی علی گشتی مشرف با سلام
گفت سلام باد بر شما ای اهل بیت خوش مرام
آیه را می خواند به درب خانه ی اهل ولا
آیه ی تطهیر سزاوار باشد آل مرتضی
آیه ی تطهیر قرین گشته حدیث مه کسا
آمده در شأن پنج نور گو بوند آل عبا

نقل شده از جابر، او بشنیده است از فاطمه

یک حدیثی پر ز معنا گویمش بی واهمه

ص: ۲۲۷

زهرای اطهر بفرمود روزی آمد باب من
آمده در منزل من شمس عالم تاب من
با ورودش داد سلامم یک سلام سردی
بود سلام از حق تعالی با زبان احمدی
در جواب دادم سلامش از خداوند سلام
باد سلام حق به تو ای مُرسل والا مقام
باب من فرمود بیابم ضعفی را اندر بدن
فاطمه، آور برایم از کسا و پیرهن
رو بیاور آن عبا را و بینداز بر سرم
تا بپوشاند ز سر تا پا تمام پیکرم
فاطمه گفتا بیاوردم یمانی آن کسا
خوب بپوشانیدم آن را بر رسول مجتبی
من نظر کردم به بابا دیدم چهره پر بها
می درخشد ماه چارده صورتش نور خدا
فاطمه گفتا که ناگاه وارد شد بر من حسن
گفت سلامت باد مادر، مادر من مُمْتَحَن
من جواب دادم حسن را، میوه ی دلبند من
نور چشمانم تو باشی ای حسن فرزند من
گفت به من بوی خوشی برخوردار کند با شامه ام
گوئیا بوی رسول الله دهد کاشانه ام

گفتمش آری بود جدت به زیر آن کسا

رفت حسن سوی کسا و در قرین مصطفی

ص: ۲۲۸

گفت سلام بادا به تو ای جد پر جاه و جلال
باد سلامت ای رسول حق ز تو دارم سؤال
گو که اذنم می دهی داخل شوم زیر عبا؟
با شما باشم قرین در قرب و درگاه خدا
گفت رسول الله سلام بر تو ایا فرزند من
صاحب حوض من و هم میوه ی دلبند من
اذن بدادم تا که وارد گردی و نزد من نشین
نور چشمان منی تو بر تو باد صد آفرین
وارد زیر کسا شد اسم حسنا ی خدا
میوه ی باغ نبوت گل پسر دان مجتبی
بعد از آن نگذشت زمانی وارد خانه حسین
اسم حسنا ی خداوند جانِ جانِ عالمین
داد سلام بر مادرش صدیقه ی ملک ولا
بهترین زن در جهان ناموس کبرای خدا
مادرش دادی جوابش گفت سلام ای نور عین
باد سلامت میوه ی دل ای عزیزم ای حسین
گفت حسینم، مادرا یک بوی خوش آید مشام
گوئیا هست بوی جدم از خدا بر او سلام
گفتمش آری بود جد و برادرت حسن
هر دو در زیر کسا باشند گل یاس، یاسمن

آمد در نزد کسا نور دو چشم عالمین

گفت سلام حق به تو باد ای رسول خافقین

ص: ۲۲۹

باد سلامت، برگزیده از میان بندگان

بهترین بنده برای حق تعالی در جهان

گو که آیا اذن دهی بر من بیایم در کسا

با شما باشم قرین و قرب درگاه خدا

داد رسول الله جوابی به حسینش از سلام

ای عزیز جان من بر تو سلام باد صبح و شام

ای شفیع امتم ای شافع روز جزا

هست اجازه بهر فرزندم که آید در کسا

شد حسین وارد کنار جد و هم برادرش

شد قرین اصل عصمت تاج سر، پیغمبرش

با ورود سرور آزادگان زیر کسا

داخل خانه ز درب آمد علی مرتضی

گفت سلام بادا به تو ای دختر پیغمبرم

ای حیات عالم معنا و اصل کوثرم

فاطمه گفت بر تو بادا از خداوند یک سلام

باد سلامت ای امیرمؤمنان ای تو امام

گفت علی: ای فاطمه بوی خوشی آید مشام

گوئیا بوی برادرم رسول الله بنام

بوی خوش باشد ز بوی پسر عمم رسول

این فضا را پر نموده یا بهشت آمد نزول

فاطمه دادی جوابش گفت که آری هست نبی

هست رسول الله و دو غنچه ز باغ ازلی

ص: ۲۳۰

رو به سوی آن کسا آمد علی نامدار

داد سلامی محضر احمد رسول کردگار

گفت سلام کردگار بادا به تو ای مصطفی

ای حبیب حق تو باشی جلوه ی ذات خدا

ای رسول الله تو اذنم می دهی بهر خدا

تا درآیم در کسا و باشم همراه شما؟

گفت رسول الله که بادا از خدا بر تو سلام

ای وصی و جانشینم ای که تو اول امام

ای برادر، نَفْسِ پاکم، این توئی صاحب لوا

بعد من باشی خلیفه ای اُولی الْأَمْرِ وَلَا

باشد بهر تو اجازه تا بیایی در کسا

این کسا یک پوششی باشد ز الطاف خدا

حیدر صفدر فرود آمد کسا را محترم

این کسا گردید ز بهر اهل آن خود یک حرم

فاطمه آمد به نزد آن کسا و داد سلام

یک سلام آسمانی بر نبی و بر امام

گفت سلامم بر تو بادا ای پدر جان ای رسول

تو رسول حی داور من که زهرای بتول

گو که آیا اذن دهی بر من که باشم با شما؟

در کسا داخل شوم هست مجمع عشق و ولا

با سلام دادی جواب فاطمه نور خدا

گفت سلامم بر تو بادا فاطمه ای مه لقا

ص: ۲۳۱

باد سلام حق به تو ای فاطمه ای دخترم
ای که هستی پاره ئی از این تن و این پیکرم
من اجازه داده ام تا که بیائی در کسا
جمع ما یک جمع عصمت، عصمت آل عبا
مجمع نور الهی خانه ی زهرا نگر
بهترین خلق خدا باشند در این مجمع ثمر
پنج شعاع نور اقدس میوه ی خلقت یقین
رأس این پنج هست رسول اله، امیرالمؤمنین
کوثر است و تین و زیتون رویش باغ ابد
گو همیشه ذکر توحید قل هو الله احد
مجمع انوار اقدس در کسا آمد پدید
در جهان یک مجمع این گونه را هیچ کس ندید
آن زمان که مجمع کامل گشت از روی یقین
احمد مختار گرفت هر دو طرف را با یمین
از کسا بگرفت به دستش سوی آسمان برد دست
گفت خداوندا که این ها اهل بیت من که هست
این عزیزان خاص من باشند به زیر آسمان
گوشتشان گوشت من است و خون من هست خونشان
هست اذیت به همه آنان اذیت هم به من
هر که آن ها می کند غمگین یقین او اهریمن

با غم این عترتم من هم شوم بسیار غمین

مودی آنان اذیت می شود در واپسین

ص: ۲۳۲

من به جنگم با کسی که جنگ کند با عترتم

من به صلحم با کسی که صلح نماید نسبتم

دشمنم با هر که با آنان کند نیز دشمنی

دوستم با آن که کند دوستی و هم، خوش سخنی

گفت خداوندا که اینان از منند و من چنین

از همین ها باشم و هستیم همه ما طاهرین

پس فرست بر ما صلوات و برکات عیان

رحمت و آمرزشت را هم رضای خود بدان

هم فرست بر من و آنان هم قرار ده بهرمان

هم ز آنان ذایل گردان هر پلیدی بیکران

پاک و پاکیزه نما آنان منزّه دارشان

هم منزّه کن ز هر عیب و ز هر نقص و خذلان

پس خداوند بزرگ فرمود ملائک را همه

گفت که ای سُکان آسمان ها بدانید واقعه

خلق نکردم آسمان و خلق نکردم من زمین

خلق نکردم ماه نورانی و خورشید مبین

نئی که افلاک مُدَوّر کهکشانشان های عجیب

نئی که دریاهاى جاری نئی که کشتی خوش نصیب

ما نکردیم خلق این ها و همه مخلوق پاک

جز به دوستی همین پنج تن مشرف روی خاک

جلوه های اولّند این پنج نفر زیر کسا

باعث ایجاد خلقت در همه ارض سما

ص: ۲۳۳

اشرف مخلوق واصل خلق باشند پنج نفر
این چنین خواسته خداوند در ازل بهر بشر
جبرئیل گفت باد آمین ای خدای خوب من
گو که باشند زیر کسا این چنین است انجمن
گفت خداوند بزرگ اندر جواب جبرئیل
اهل بیت احمدند و نزد من باشند خلیل
هسته و اصل نبوت معدن پاک رسول
عقل اول منبع فیض، باطن جمع عقول
جمع انوار الهی باشند و پنج نور پاک
این مقام قرب او آذنی بود یا که لولاک
فاطمه باشند و بابای گرام و شوهرش
بعد پیغمبر علی باشد علی تاج سرش
هست دو فرزند برومندی ز زهرای بتول
هست در این مرکز رسول و عترت پاک رسول
جبرئیل گفتا خداوندا دهی اذنم روم
برزمین تا ششمین از اهل آن عبا شوم
داد خداوند قدیر اذنش که آید بر زمین
بر زمین آمد ز نزد حق همان رُوح الّامین
حق اجازه داد که تا آید ز بالا جبرئیل
آید در نزد کسا مانند یک عبد ذلیل

با اجازه آمد اندر محضر آل عبا

گفت سلام حق به تو باد ای رسول مجتبی

ص: ۲۳۴

از خداوند سلام آورده ام بهرت سلام
داده بر تو صد سلام اندر بیان یک کلام
آن خداوند سلام داده سلام و تحیت
از سلام مخصوص تو با صد جلال و عظمت
داده بهرت صد سلام، اکرام نموده تو جناب
آن سلام و آن تحیت که تو را باشد صواب
گفته است بعد از سلام سوگند به عزت و جلال
من نکردم خلق سماوات و زمین ها و امثال
ماه نورانی و آفتاب بس چه روشن و فلک
نی که دریا و نه کشتی نی که انسان و ملک
من نکردم خلق خلقی را بجز بهر شما
آفریدم بهر دوستی شما این خلق را
داده حقم اذن که تا داخل شوم زیر عبا
در حضور باشم شما را و زیارت شما
ای رسول حق اجازه می دهی داخل شوم
هست برایم بهرتان دو صد درجه از سجّم
داد نبی الله سلامی گرم به جبریل امین
داد اجازه تا که آید از سما روی زمین
با اجازه وارد آمد جبرئیل زیر عبا
او رسید در محضر پر نور انوار خدا

محضر پیغمبر خاتم بی‌آورد وحی حق

بارها آورده است وحی، این هم مثل ما سَبَق

ص: ۲۳۵

آیه ی تطهیر بخواند بر پنج تن آل عبا

این چنین کرده اراده خالق ارض و سما

در سؤال شد از رسول الله امیر مؤمنان

گو فضیلت چیست که بودیم در کسا ما همرهان

در جواب شد با قسم گفتا رسول عالمین

باد قسم به آن خدایم که برانگیخت در زمین

داد رسالت را به من بهر نجات مردمان

تا برم سوی خدا این مردمان را در عیان

سوق دهم سوی کمالات و مقام بندگی

راه و رسم بندگی خود نام گرفته زندگی

راه و رسم زندگی باشد شریعت از سما

من رسانیدم به مردم تا روند سوی خدا

گر صحیح انجام دهند حکم شریعت را تمام

پیر و ختم نبوت تابع اول امام

بر صراط مستقیم باشند همه در این جهان

دنیا و عُقبی روند سوی خدای مُستَعان

می رسند روزی کمال مطلق و نزد خدا

می رسند به ذات اقدس کُنه ذات است با صفا

گفت پیمبر ذکر نگردد این خبر در محفلی

از محافل زمین باشند در آن اهل دلی

جمع آن مجلس و محفل همگی از شیعیان

پیروی از ما کنند و باشند جمله دوستان

ص: ۲۳۶

جز که نازل رحمت حق می شود از آسمان
دور آنان را احاطه کرده اند فرشتگان
این ملائک در طلب باشند ز حق مُتَعَال
تا پیامرزد همه را و نباشد هیچ سؤال
در دعا باشند ملائک تا که آن مجلس پیاست
هست تمام باطنشان، سوی الطاف خداست
پس علی گفتا قسم بادا به درگاه خدا
رستگاریم ما و رستگار می شوند شیعه ی ما
بعد سوگند علی سوگند نمود یاد مصطفی
گفت قسم بادا به حق که او پیامبر کرد مرا
برگزیدم تا که باشم ناجی نوع بشر
در صعود باشم بشر را تا نماید خود ظفر
ذکر نگردد این خبر در محفلی از شیعیان
که در آن مجلس بود صاحب غمی از دوستان
جز خدا آن که کند هم و غمش را برطرف
این بود از بهر دوستان خود بزرگی و شرف
گر که صاحب حاجتی باشد در این محفل یقین
حاجتش گردد روا با لطف خلاق مبین
گفت امیرالمؤمنین بادا قسم به ذوالجلال
رستگار گشتیم در این عالم و گشتیم خوش خصال

ما سعادت‌مند گشتیم در دیار آشنا

در صعودیم زین عوالم تا رسیم نزد خدا

ص: ۲۳۷

شعیان ما سعادت‌مند شدند اندر زمین

هم به دنیا هم به عُقبی اولین و آخرین

باد قسم به ربّ کعبه آن مربی جهان

این که گفتم واقع گردد بهر ما و شیعیان

[۴۰] گفت پیمبر این حسن و این حسین هر دو نفر

میوه ی قلب منند و بهر من باشند پسر

در بیان دیگری فرمود ز بهر انبیا

دخترانی بوده و دارای فرزندی پا بجا

اولاد آنان همه منسوب بودندی به پدر

غیر اولاد صدیقه اولادش مرا ثمر

من پدر باشم برای دو پسر از فاطمه

وحدت شخصیه را دان اصل مطلب واقعه

یا پیمبر باشد باطن از برای مرتضی

هست علی نفس رسول الله و ظاهر در جلا

ظاهر و باطن یکی آمد حقیقت را ظهور

هست علی نوری ز وحدت مصطفایش نورِ نور

یا، علی نفس پیمبر، نفس بود شخص نبی

نیست دوئیت وحدت آمد بین احمد و علی

یا که نسل معنوی باشد مراد از این کلام

معنای واقع رسول الله است، بدانیم این نظام

یا، رسول الله بود اصل و پدر بهر تمام

خود بفرموده برای امتم باب و امام

ص: ۲۳۸

یا که باید یافت سرّی از کلام مصطفی

تا که این معنا شود باز و بدانیم ماجرا

در کلام دیگری فرمود منم ختم نبی

با علی گفتا علی جان، این توئی ختم وصی

[۴۳] آیه را تفسیر نموده صادق آل کسا

تفسیرش باشد صلوات از ملائک و خدا

هر که بفرستد به احمد هم به آل طاهرش

یک صلوات تمام، گیرد عوض در آخرش

هم خدا و هم ملائک می فرستند بهر او

صد صلوات از برایش هست برایش آبرو

هر که بفرستد صلوات صد عدد در این جهت

از برایش می فرستند یک هزار با معرفت

در حدیث دیگری فرمود که یک بار صلوات

در مقابل هست هزار بار صلوات و برکات

هر که بفرستد صلواتی به محمود و به آل

حق فرستد بهر او صلوات هزار بار با جلال

چون چنین باشد همه مخلوق فرستند بهر او

ذکر زیبای صلوات ذکر پر معنا نکو

[۵۶] ذکر زیبای صلوات ذکر حی داور است

آیه ی قرآن صریح است هر کسی را باور است

اول ذاکر صلوات هست خداوند ودود

دائماً گوید به احمد هم سلام و هم درود

ص: ۲۳۹

معنی ذکر صلوات هست توجّه خدا

هست توجّه اخص بر موجودی مصطفی

باشد اندر یک توجّه رحمت بی انتها

رحمت خاص الهی و درود بسی عُلا

حق فرستد بر محمّد هم به آتش صلوات

تابع حقند ملائک در تمام کائنات

هر ملک گوید که بادا بر محمّد و به آل

ذکر عالی صلوات در مقام اعتدال

پس تو هم گو ای بشر هر دم هزار بار صلوات

باد به احمد و به آتش با حیات و برکات

داد خداوند و ملائک بر نبی الله و آل

ذکر پر معنا صلوات با جمال و جلال

گو تو هم ای مؤمن بالله صلوات و سلام

بر رسول الله و آتش باشد این بر تو مرام

ذکر حق و هر ملک هم ذکر مخلوقات تمام

هست طلبِ صلوات بهر رسول و هر امام

بهترین ذکر بشر ذکر صلوات است یقین

باشد ذکر ایزدی و باشد روح و جان دین

گفت امیرمؤمنان در یک حدیثی بس بلند

بر محمّد هم به آتش صلوات دل پسند

بفرستید ای مؤمنان با خواسته و با هر دعا

تا که مستجاب گردد هر دعا نزد خدا

ص: ۲۴۰

هم که حفظ گردید ز شر و محفوظ مانید از بلا

گر بخوانید آیه را صلوات بگوئید در قفا

صادقم فرمود دعایی مستجاب نیست هیچ زمان

تا که همراهش صلوات باشد و جان ایمان

قبل و بعد هر دعا بفرست تو ذکر صلوات

تا دعایت بیمه گردد هست برایت حسنات

هر که بفرستد صلوات بر مُحَمَّد نَبی به آل

هست برایش در قیامت صد هزار و زر و وبال

گفت رسول الله هر آن کس که فرستد صلوات

بر من، نَبی بر آل من باشد برایش مشکلات

می رسد بوی بهشت از راه دوری بر مشام

بر مشامش کی رسد آن بو، نباشد خوش فرجام

از طریق باقرین بر ما رسیده این خبر

در ترازو نیست چیزی از صلوات سنگین تر

در قیامت در ترازو می نهند اعمال کس

رو ببالا می رود وانگه رسد یک دادرس

دادرسش باشد رسول الله، تمام صلوات

که فرستاده به او و آل پاکش عالیات

می نهد در کفه ی اعمال او بهر صواب

در نتیجه کفه ی اعمال شود سنگین نصاب

[۵۷] آن کسانی که اذیت می کنند حق و رسول

حق کند لعن آن کسان را در دو دنیا، لعن قبول

ص: ۲۴۱

بهر آنان ذلت و خواری به همراه عذاب
کرده آماده، چشند با صد عتاب و با عقاب
آیه در شأن امیرمؤمنان آمد نزول
آن که با مولی علی در ضد باشد هست ضلول
هر اذیت بر علی هست بر رسول مصطفی
هر اذیت بر نبی باشد اذیت بر خدا
بعد از آن که آیه آمد نازل از نزد خدا
برگرفت یک تار مویی از خودش را مصطفی
با علی گفتا هر آن کس که برنجاند تو را
قدر یک مو، او برنجانیده است این دم مرا
هر که رنجاند مرا رنجانده است پروردگار
هر که رنجاند خدا، هست لعن حق او را نثار
دور نماید شخص موذی را ز رحمت کردگار
آن که از رحمت بود دور جای او باشد بنار
[۵۸] گر برنجاند کسی از اهل ایمان مرد و زن
او گناهی بس بزرگ کرده مرید اهریمن
جمعی از منافقین ایذا نمودند شاه دین
کردند تکذیب حضرتش، آیه پیامد بر زمین
پس نزول کرد آیه در شأن امیرمؤمنان
حق بود با شاه مردان، رد بود منافقان

[۷۲] عرضه داشت حق تعالی بر سَمَوات و زمین

هم به کوه ها آن امانت پر بها و نازنین

ص: ۲۴۲

امتناع کردند همه تا حمل کنند آن پربها
غیر انسان که پذیرفت لیکن در حقش جفا
ای عزیز دانی امانت چیست و یا گویم تو را؟
آن ولایت باشد و ظاهر شد از عشق ولا
این انسان ناتوان بسیار نمود ظلم بر ولا
رفت به راه جهل و عصیان در جفا شد پر دغا
باقر ملک ولایت هم امام هشتمین
تفسیر آیه نمودند هر دو معنایی قرین
این امانت را ولایت گفته اند هر دو ولی
هست ولایت بهر هر دو اصل آن باشد علی
گفت امام هشتمین هر کس نماید ادعا
گر بغیر حق باشد کافر است و در خطا
پس ولایت باشد مخصوص محمد هم علی
هم ائمه ی هدی هر چهارده نور منجلی

۳۴-سوره مبارکه ی سبا

[۱] سوره ای از سوره ها آمد به نام سوره سبا

اول سوره بود حمد و ستایش خدا

این خدای آسمان ها و زمین و هر کجاست

مظهرش شاه ولایت صاحب ملک سباست

[۲۳] تفسیر آیه نمود آن باقر ملک ولا

گفت شفاعت باشد از جدم رسول مصطفی

ص: ۲۴۳

در قیامت نیست کسی اندر میان بندگان

تا که محتاج شفاعت او نباشد در عیان

جمله محتاجند شفاعت رسول عالمین

انبیا و امت ها و اولین و آخرین

در بیان دیگری، فرمود نبی محترم

اختیار دارد شفاعت را ز امت از کرم

هست به دست ما شفاعت از تمام شیعیان

شیعیان دارند شفاعت اهل خود را هر زمان

در بیان دیگری فرمود خداوند جهان

نی پذیرد هیچ شفاعت از همه پیغمبران

جز که اذن داده به آنان قبل از آن روز حساب

جز رسول الله که اذن اولیش مستجاب

قبل از آن روز، اذن دارد از خداوند جلال

تا ز اذنش بهره گیرد بهر امت خوش خصال

پس شفاعت هست ز بهر مصطفی و مرتضی

بعد این دو از ائمه نسل پاک مصطفی

بعد آنان است شفاعت از همه پیغمبران

تا به سوی حق برند امت از این ملک جهان

[۴۶] حق خودش باشد حقیقت یک حقیقت در جهان

جلوه نی از آن حقیقت یک کلام آمد عیان

حق تعالی واعظ است و وعظ کند خلقش تمام

موعظه یک موعظه با خلق بگفته یک کلام

ص: ۲۴۴

فرد بفرد و دسته دسته خیزند از جا جملگی

تا که یار باشند ولایت خوب نمایند بندگی

این کلام یک موعظه باشد برای بندگان

این اندرز و این کلام باشد ولایت در جهان

پس ولایت را سفارش کرده است پروردگار

تا که بهر یاریش برخیزند مردم بشمار

باقر آل محمد آیه را معنا نمود

موعظه باشد ولایت خود ولایت را ستود

صادق آل محمد تفسیر آیه بگفت

گفت سفارش بر ولایت کرده و دُر را بسفت

سِرّ معنا کرد طلب راوی ز حضرت بعد آن

گفت چگونه این چنین است گو برایم جانِ جان

حضرتش فرمود رسول الله، علی منصوب نمود

در غدیر خم به منبر مرتضی را بس ستود

گفت: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، در غدیر

سرزنش بنمود رسول الله یکی مرد، بی ضمیر

گفت که هر روز مطلب نو آورد احمد بیاب

خواهد تا اقوام خود بر ما کند مالکِ رقاب

اهل بیثش را کند بر گردن ماها سوار

این بود از بهر ماها سخت پریشانی و عار

چون چنین گفت مرد فاسق، آمد آیه در نزول

آمد از نزد خداوند تا به محضر رسول

ص: ۲۴۵

آیه را خواندی رسول الله و گفت هر چه خدا

بر شما واجب نمود ابلاغ نمودم بر شما

سائل گوید من سؤال بنموده ام از این فراز

أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرَادَى، چیست برآز؟

گفت که مِثْلِيَ هست اطاعت از رسول عالمین

بعد پیغمبر اطاعت از امیرالمؤمنین

باشد معنای فُرَادَى هم اطاعت از امام

از امامی که بود از ذریه این دو بنام

بعد از آن کرد یاد قسم، معنا نباشد غیر این

پس بیامد آیه در شأن امیرالمؤمنین

۳۵-سوره مبارکه ی فاطر

[۱] سوره ی فاطر بیامد اولش حمد خداست

فاطر هفت آسمان و هفت زمین و جا بجاست

فاطر فتح یدالله آن شه خیر گشاست

فاطر دل های نورانی، فرشته انبیاست

[۱۰] هر که باشد طالب عزت بداند از خداست

آن کلام طیب و عمل صالح در سماست

آیه را معنا نمودی جعفر صادق چنین

آن کلام طیب است حتماً ولایت را قرین

آن که دارد این ولایت اعمالش رو به سما

آن که باشد بی ولایت اعمالش نیست در بالا

ص: ۲۴۶

در بیان دیگری فرمود کلام طیب دان

لا اله الا الله، محمد رسول الله، جان

هم علی ولی الله باشد به عالم در قرار

هم خلیفه ی رسول الله همیشه پایدار

[۲۸] آن که بیم دارد ز حق تنها علماء هست و بس

مرد دانا بیم او بهر خدا باشد نه ترس

مرد دانا ترس ندارد از خداوند غفور

او حیا دارد ز حق وقتی که آید در حضور

ابن عباس کرده تفسیر آیه را اندر ولا

گفته مقصود از علماء باشد میر لافتی

مرد دانا هست امیر مؤمنان در روزگار

عالم بالله بود ترسی ندارد در جوار

خشیتش بهر بزرگی خداوند قهار

خوف و ترسی در حریمش راه ندارد، با وقار

عاشق است و تابع معشوق خود در هر زمان

گریه ی شوق است که جاری می کند از دو چشمان

اعمال پاکش بود بهر رضای کردگار

هم کند جلب رضایت از رسول بزرگوار

[۳۲] برگزیدگان نمودیم وارث علم کتاب

هم محمد هم که آتش برگزیدگان ناب

هر چه هست نزد رسول الله و آل عصمت است

هر چه خواهی اسم گذاری، معرفت و رؤیت است

ص: ۲۴۷

راوی گفت کردم سؤال من از امام هشتمین

تفسیر و معنای این آیه چه باشد، مه جبین؟

در جواب فرمود منظور از، **ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ**

باشد اولاد صدیقه و علی ابوتراب

منظور از **سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ**، یقین باشد امام

مُقْتَصِدٌ آن است شناسد او امامش در مقام

ظالم به نفس کسی باشد که نشناسد امام

آن که نشناسد امامش دائماً باشد عوام

گفت علی بن ابی طالب به تفسیری عیان

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ، مائیم برگزیدگان

مائیم آن اشخاص که برگزیدشان اول خدا

علم قرآن را به میراث داده است خدا به ما

باقر و صادق نمودند تفسیر آیه بیان

همچو تفسیر رضا مولی امیر مؤمنان

[۳۴-۳۵] در مقام احتجاج در مجلس شوری عیان

گفت به اهل مجلس شوری امیر مؤمنان

گفت قسم دادم شما را تا بگوئید این زمان

گویم آیا غیر من هست در میان جمعتان

هست کسی که گفته باشد از برایش مصطفی

هستی پیشوای کسی که او مطیع باشد مرا

این تو باشی روشنی از بهر دوستانم همه

یک کلمه پر فضیلت متقین را لازمه

ص: ۲۴۸

در جواب گفتند همه: اَللّٰهُمَّ لَا، با یقین

این بود خاص وجودت ای امیرالمؤمنین

گفت امیرمؤمنان: دادم قسم جمع شما

بر خداوند توانا تا جواب گوئید مرا

گویم آیا هیچ کسی جز من بود در این جهان

که رسول الله سخن گفته به او با این بیان

هر که خوشحال است به مانندم کند او زندگی

هم بماندم بمیرد زندگی پایندی

در بهشتی که خدا داده مرا، ساکن شود

آن بهشت باشد عدن، هم ظاهر و باطن شود

آن بهشت با دست حق آمد وجود در لامکان

با کلام کُن وجود یافت و بگردیده فکان

پس علی بن ابی طالب و ذریه او

بعد او باشند به عالم پیشوایان نکو

دوست بدارد این علی و ذریه بعد علی

هم امامان و همه ی اوصیای من نبی

علم وفهم من خدا کرده عطا بر جملگی

جملگی در محضر حق در مقام بندگی

نی کند داخل شما را در ضلالت و بدی

نی کند خارج شما را از هدایت ابدی

نی توانید یاد آنان داد چیزی در جهان

اعلم از اهل زمین باشند و اهل آسمان

ص: ۲۴۹

همره آنان بود حق هر کجا باشند عیان
رو به هر جایی روند حق هم بود در جمعشان
اهل شوری در جواب حضرتش گفتند یقین
که پیمبر با کسی جز تو نگفته این چنین
در حدیث احتجاج مولی امیرمؤمنان
کرد سؤال احتجاجی ز اهل شوری آن بآن
گفت علی: مردم ابوبکر را خلیفه کرده اند
آبروی این خلافت را ز اول برده اند
بر خدا بادا قسم بودم سزاوارتر ز او
هر که غیر اهل آن باشد ندارد آبرو
خود خلیفه کرد عمر را بعد خود بوبکر عیان
غصب نمود حق مسلم از امیرمؤمنان
من قسم گویم خدا را بوده ام شایسته من
تا خلیفه باشم از بعد رسول ذوالمین
بعد از آن بنمود عمر همراه من پنج کس دگر
بهر نامزدی منصب خلافت مستقر
پنج تن آنان نداشتند هیچ مزیتی به من
صاحب فضل و فضیلت این منم در انجمن
گر بخواهید احتجاجی بس عظیم برپا کنم
طاقتش را هیچ ندارد نه عرب و نه عجم

جمله های پر ز معنا احتجاج فرمود علی

اول هر احتجاج و جمله اش با پر دلی

ص: ۲۵۰

با قسم بر قادر حی توانا گفت بلند

حجتم باشد چنین گوئید جوابم عقل پسند

بعد هر حجت بگفتند اهل شوری یکصدا

یکصدا گفتند علی جان، گوئیم اَللّٰهُمَّ لَا

این که می گوئی، نگفته مصطفی جز بهر تو

هیچ کسی لایق نباشد این صفات را غیر تو

بس کنم، دیگر نگویم هیچ کلامی زین مقام

این که گفتم یک اشاره بود حدیثی را بنام

این حدیث طولانی و بسیار بلند باشد بدان

ما گرفتیم این حدیث را از صدوق پاک روان

بیشتر از ده صفحه باشد در کتاب خوش خصال

ناشرش هست جامع مدرسین، شصت و دو سال

در حدیث دیگر آمد، شد سوالی از رسول

با چه فضلی در قیامت ظاهر می گردد بتول؟

با تمام شادمانی و تبسم داد جواب

گفت: به آن کس که بود جانم به دستش از صواب

فاطمه یک دختری وارد شود با صد وقار

عرصه روز قیامت، بر یکی ناقه سوار

رأس آن مرکب بود از خَشْيَةِ اللَّهِ وَدُود

هر دو چشمش نور حق باشد به این مرکب درود

از جلالُ الله مهار است و بهاءُ الله است گردن

هم ز رضوان الله است گوش ها و دمش بینی احسن

ص: ۲۵۱

ذَنْبٍ، قُدْسُ اللَّهِ است و دست و پا مَجْدُ اللَّهِ دان

حالتش تَسْبِيح و تَقْدِيس، هودجی باشد بر آن

هودجش باشد ز نور و جاریه باشد در آن

حوریه را اَشْبَه باشد اصل حورالعین و آن

با دو صد عِزّ و شرف آید به محشر فاطمه

اهل محشر مات این فضل و فضیلتند همه

جبرئیل در سمت راست فاطمه باشد روان

سمت چپ میکال روان است از زمین تا آسمان

در جلو باشد علی و در عقب باشد حسن

هم حسین باشد روان هر دو گل باغ و چمن

ناگهان آید ندا از جانب ربّ جلیل

بر تمام خلق محشر از کثیر و از قلیل

چشم ببندید خلق محشر، سربه زیر باشید همه

وارد محشر شده دخت رسولم فاطمه

دختر پیغمبر و همسر ز بهر مرتضی

مادر پاک حسن و هم حسین نور هدی

بر صراط است فاطمه و رو به جنت در صعود

نور رویش روشنائی صراط است و شهود

چون شود وارد به جنت جنتی بیند چنان

پر ز الطاف الهی هر چه بیشتر، جاودان

کرده آماده خدایش بهر زهرا از کرم

آن همه لطف و کرامت کی توان بنوشت قلم

ص: ۲۵۲

چون بدید الطاف ایزد فاطمه خواند آیه را
گفت که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، بین پایه را
بعد بسم الله بگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
اَذْهَبَ عَنَّا الْحُزْنَ و حق عطایم کرد شادی
رَبِّ مَنْ یُّبَدِّدُ غَفُورٌ وَ هَمَّ شَكُورٌ وَ هَمَّ حَکِیْمٌ
فضل و احسانش شده شامل حالم مستقیم
آمد از نزد خداوند کریم و حی عظیم
از برای فاطمه، هر چه بخواهی هست نعیم
فاطمه خواست تا محبش هم محب عترتش
نی عذاب گردند به آتش نی که باشد نسبتش
و حی حق آمد ز بالا از برای فاطمه
فاطمه بادا به عزت و جلالم این همه
دوست تو و عترت با آتش سوزان سخت
من نسوزانم یقیناً جمع آنان هیچ وقت
در حدیثی آیه را تفسیر نموده مصطفی
تفسیرش در شأن دوستان علی مرتضی
در قیامت چون که دوستان علی وارد شوند
در منازل و مقام خویشان باشند پسند
در مقام خود ملائک را ببینند روبرو
لطف حق آورده اند از بهرشان بسیار نکو

می شود ز آن ها سؤال آنچه خدا وعده نمود

بهرتان گشته محقق یا هنوز نیست در شهود

ص: ۲۵۳

گویند آری ای خداوند راضی باشیم ما همه

حضرت از ما رضا باشد نباشد واهمه

در جواب گوید خداوند چون رضایم از شما

چون که دوست داشتید شماها اهل بیت مصطفی

خانه ام را من حلال کردم ز بهرتان عیان

باد گوارا بر شماها باد گوارا جاودان

این زمان گویند همه حمد خداوند حمید

حزن و اندوه را زما برداشته است مائیم سعید

شادی بی حد به ما کرده عطا از لطف خویش

او غفور است و شکور است هر چه دانی بیش و بیش

[۳۶-۳۷] آن که کفران ولایت کرد و کافر گشت به آن

در جهنم جای گیرد جایگاهش پر زیان

گفت رسول الله علی را، ای علی آرام جان

فرق فراوان است میان دوستان و دشمنان

گفت میان دوستان با تمام آن چه را

دیدگان‌شان شود روشن بود فاصله‌ها

هیچ نباشد فاصله جز مرگ، رسند بر آن مقام

آن مقام باشد مقامی بس عَلا و پر سلام

دشمنانت ای علی در آتش دوزخ فغان

ناله‌ها دارند و گویند ای خدای مهربان

کن خلاص ما را ز آتش تا کنیم زیبا عمل

دوست بداریم ما علی و عترتش تا لَمْ یَزَلْ

ص: ۲۵۴

۳۶-سوره مبارکه ی یاسین

[۱] سوره ی یاسین شده نازل به یاسین عزیز

آمده با رمز یاسین و درود تا رستاخیز

[۲] با قسم بر نام قرآن و صراط مستقیم

نازل آمد بر تو یاسین از خداوند رحیم

[۴] نفس یاسین و صراط مستقیم باشد علی

هست کتاب الله ناطق نفس یاسین منجلی

با سلام است قول حق بر نفس یاسین مرتضی

هم بود بر باطن او شاه لولاک مُصطفی

باد سلام بر آل یاسین رأس آل باشد علی

هم صراط مستقیم است بر نبی باشد وصی

[۱۲] هرچه باشد در جهان در لوح محفوظ است یقین

لوح محفوظ است در عالم صفحه ی عرش برین

لوح محفوظ و امام است وصف زیبایش مبین

اسم دیگر گویمت، باشد امیرالمؤمنین

باقر علم کتاب فرمود شنیدم از پدر

او شنیده است ز جدش جد او هست تاج سر

آن زمان که آیه نازل گشت ز بهر مصطفی

بویکر و عمر زجا برخاستند و پا بجا

گفتند ای احمد بگو آیا بود تورات این

در جواب گفتا پیامبر، نئی بود تورات یقین

ص: ۲۵۵

گفتند آیا پس بود انجیل بگو با ما جواب

در جواب فرمود نباشد این امام انجیل ناب

گفتند آیا این کتاب قرآن ما باشد عیان

در جواب گفتا نباشد، این کتاب نیست آن چنان

چون سخن این جا رسید ناگه بیامد مرتضی

احمد مختار بفرمود آن همین شخص است، ولا

این امامی است که خداوند علم هر چیز داده او

جمله در او گشته احصا هر چه دارد او نکو

ابن عباس گفت علی سوگند نمود یاد به خدا

این منم امام مبین در همه ملک ولا

این منم که حق و باطل را کنم از هم جدا

این صفت را برده ام ارث از رسول مجتبی

داستانی گوید عمار آن عمار سر فراز

در یکی از جنگ ها همراه مولی دیدم راز

در محلی که رسیدیم دیدم بسیار مورچگان

این یکی از خلق حق است جمعیتی فراوان

با علی گفتم یکی از خلق حق باشد چنین

آیا تعداد همه دانی تو با علم و یقین؟

گفت که آری دانم تعداد همه بی کم و کاست

گر همه دقت نمائی هر جهت از چپ و راست

با خیر باشم از آن ها دانه تعداد تمام

نر و ماده ها بدانم می شناسم هر کدام

ص: ۲۵۶

من ز هر که بیش دانم از کم و از کیفشان
واسطه در رزق حق باشم برای جمعشان
گفتم ای مولی چگونه دانی این ها را تمام
گفت که آیا سوره ی یاسین نخواندی خوش کلام
آیه را زیبا بخواند مولی امیرالمؤمنین
وَكُلُّ شَيْءٍ اَخْصَيْنَاهُ فِي اِمَامٍ مُّبِينٍ
معنی آیه چنین باشد: همه چیز را عیان
در امام آشکار، کردیم فراهم با نشان
هرچه در عالم بود اصل و نشانش در علیست
خود علی عالم اکبر، بعد احمد او لیست
[۲۰-۲۱] در روایت آمده ختم رسالت گفت چنین
سبقت یافته گان امت سه نفر بودند یقین
در تمام عمر خود یک ذره کفر نداشته اند
در میان امت ها درخت صدق را کاشته اند
اول آنان علی بن ابی طالب بود
دومی آن صاحب یاسین شنو جالب بود
سومی را مؤمن آن آل فرعون دان جلی
از تمام سابقون افضل یقین باشد علی
در بیان دیگری گفت ابن عباس از نبی
بوده سبقت از تمامی با دو صد زیندگی

آن که داشت سبقت به سوی موسیٰ عمران ما

یوشع بن نون بود او در میان امت ها

ص: ۲۵۷

آن که داشت سبقت به سوی عیسیٰ مریم عیان

صاحب یاسین باشد بین به سوره داستان

آن که جُست سبقت به سوی مصطفیٰ سلطان دین

او علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین

پس علی باشد امیر و هم امام سابقون

بعد پیغمبر بود او سید مَقْرُبُون

باطن آیه بیامد تا شناساند به ما

سبقت یافته گان عالم، اصلشان هست مرتضیٰ

۳۷-سوره مبارکه ی صافات

[۱] سوره نئی از سوره ها صافات و صف های صفا

ظاهر آمد در هدایت از علی مرتضیٰ

[۲۴] گفت رسول الله که هر کس در زمان رستخیز

برندارد گامی در محشر، نباشد هیچ گریز

تا دهد پاسخ به چار پرسش به پرسش حساب

پرسش اول ز عمر باشد بگوید او جواب

پرسش دوم جوانی باشد و سوم زمال

پرسش چارم ز دوستی محمد و هم آل

هر سه پرسش هست مقدمه ز بهر چارمی

پرسش چارم نگر اصل است و مقصد دائمی

در بیان دیگری فرمود که در روز جزا

بر صراط مستقیم باشد عبور سوی خدا

ص: ۲۵۸

کی تواند هر کسی تا از صراط راهی شود

جز همان کس که مجوز را به دست خود نهد

این مجوز هست ولایت از امیرمؤمنان

بر صراط مستقیم باشد به دست شیعیان

جمله مسئولند، سؤال باشد ولایت علی

بر صراط مستقیم باشد ولایت منجلی

در بیان دیگری فرمود رسول عالمین

بر صراطیم در قیامت، هم من و یعسوب دین

هست به دست ما دو شمشیر برنده و چه تیز

نیست ز بهر خلق عبوری از صراط رستخیز

جز بپرسیم از ولایت هر کسی را ما دو تا

هر که دارای ولایت هست نجاتش هست روا

آن که نیست بهرش ولایت ما ز نیم گردن ز او

در میان آتش سوزان بیندازیم برو

کرد تلاوت: وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، را

شان آیه آمده بهر علی مرتضیٰ

[۷۹] باد سلام حق به نوح و هم به ابراهیم پاک

هم به موسی و به هارون هم به الیاس و لولاک

[۱۳۰] باد سلام الله واحد هم سلام الله احد

باد سلام بر آل یاسین از ازل تا به ابد

گفت علی بن ابی طالب که نام احمدی

باشد یاسین صمد ختم رسالت سرمدی

ص: ۲۵۹

آل این یاسین مائیم و سلام حق به ما
باد سلام و هم سلامت بهر دوستان ائما
روز محشر این سلام دستگیر باشد شیعیان
چون به دل دارند ولایت از امیرمؤمنان
سوره ی صافات بود خود سوره ی سلم و سلام
حضرت حق و سلام داده سلام بر خاص و عام
عام آن یاسین باشد خاص آن یاسین نگر
هست سلام حق به یاسین هم به اصل این بشر
اصل محمد باشد و مولی امیرمؤمنان
باد سلام حق به این اصل از خدا و انس و جان
[۱۸۱] باد سلام بر آل یاسین و تمام مرسلین
بر امام همگی جز ختم، امیرالمؤمنین

۳۸-سوره مبارکه ی ص

بعد صافات سوره ی ص نازل آمد از سما
رمز صاد ص است به اول آمده با صد صفا
[۱] هم قسم آمد به قرآن صاحب ذکر جلی
صاد صبر است بهر عالم بهر مولایم علی
[۶۷-۶۸] گو پیمبر، این خبر با این بزرگی هست علی
روی گردانیده ئید از او شما با دغلی
باقر علم های عالی یاد نمود این جا قسم

باد قسم بر حضرت حق هست خبر این جا نعم

کرده تفسیر آیه را، تفسیر آن باشد چنین

این خبر با آن بزرگی هست امیرالمؤمنین

ص: ۲۶۰

می کنند اعراض بعضی از علی خوشنوا

روزشان بادا سیاه و کارشان جور و جفا

صادقم گفت این خبر باشد امامت هم امام

شأن والای ائمه نبوّاً باشد مدام

۳۹-سوره مبارکه ی زُمر

سوره ی زُمر پیامد یا که تنزیل کتاب

از خداوند عزیز و باطن ابوتراب

[۲] گفت خداوند، ما فرستادیم به حق سویت کتاب

ای رسول ما تو را با این کتاب باشد صواب

این کتاب باشد تجلی از علی مرتضی

باطنش باشد ز بالا هست کلام کبریا

پس عبادت کن خدایت خالصانه در زمین

مخلصانه بهر او برگیر تو آئینی ز دین

[۳] دین خالص از خدا باشد نباشد غیر او

گر علی گویم تجلی است بین تو این معنا نکو

[۹] گو آیا احمد که آیا هست مساوی عالمان

با کسانی که ندانند، و صفشان هست جاهلان؟

هیچ ندانند هر کسی جز صاحبان عقل و هوش

صاحبان عقل و هوش باشند امامان سُروش

باقر علم خداوند گفت به جابر از یقین

دان که دانایان همه مائیم یقین روی زمین

ص: ۲۶۱

آن کسانی که نمی دانند، بوند دشمن به ما

شیعیان ما اُولُو الْأَلْبَاب باشند بین صفا

صادق آل رسول گفتا که هستند شیعیان

در کتابُ الله اُولُو الْأَلْبَاب، نموده حق بیان

[۲۰] متقین را در بهشت باشد بسی قصرها بلند

قصری فوق قصر بنا گشته چه زیبا دل پسند

نهرهای پر ز آب جاری کنار کاخ ها

آیه ی بیست از زُمر بر ما دهد این مژده را

کرد سؤال تفسیر آیه روزی از روزها علی

از پیمبر در سؤال بود، داد جوابش را نبی

گفت ز بهر چیست کاخ های بلند و فوق هم

هرچه چشم بیند همین است و نباشد ذره، کم

گفت رسول الله علی جان، کرده قصرها را بنا

هر کدام را فوق دیگر قدرت خاص خدا

بهر دوستانش بنا کرده ز یاقوت گران

از زبرجد هم ز درّ با فضیلت بی کران

سقف ها را از طلا و نقره نقش بسته تمام

در تالائو و درخشش جلوه گر باشند مدام

بهر هر قصری هزار درب از طلا باشد بیا

نزد هر درب یک ملک دربان بود تا انتها

در درون کاخ بود فرش روی فرش آن هم حریر

بعضی دیباچ یا حریر با رنگ های دل پذیر

ص: ۲۶۲

عطرهای خوش ز مشک و عنبر و کافور ناب
هرچه شأن مؤمن است باشد در آن جا با صواب
این حدیث باشد بلند، وقت بیانش نیست عیان
بر سرجایش گذارم تا رسم بر اصل آن
این همه جلوه گری از جنت و قصرهای آن
جلوه ئی باشد ز مولایم امیرمؤمنان
این بهشت و این همه جلوه بود از مرتضی
مرتضی و این جلوات جلوه ئی از مصطفی
[۲۲] آن که شرح صدر عطا فرمود خدایش از سما
هست دلش نورانی و شاد دائماً نزد خدا
او بود شاه ولایت شیره ی جان ولا
یاور اسلام ناب و دافع هر ناروا
کی بود این شخص مساوی با ابوجهل پلید
قلب او تاریک باشد کس به مانندش ندید
دان علی نور است ز نزد حق دلش روشن بود
بوجهل تاریک دل و بی عاطفه کودن بود
پس تساوی بین این دو از محالات است یقین
با تدبیر آیه را بنما زیارت نازنین
بین یکی در عرش اعلی فوق عرش دارد مقام
وین یکی از اسفل و سافل جهل گرفته نام

آن یکی نور است همیشه محضر و قرب خداست

این یکی ظلمت بود تابع به ابلیس دغااست

ص: ۲۶۳

[۳۳] تفسیر آیه بیان داشت صادق صدیق یقین

گفت که باشد جاء بالصدق آن رسول عالمین

تصدیق او را نموده جانِ جانِ مؤمنین

جان عالم باد فدای احمد و یعسوب دین

کرده اند تصدیق ائمه تفسیر صادق بجا

باد بر این تفسیر و تصدیق باریک الله مرحبا

[۵۳] گفت خداوند بندگان را ای همه اهل گناه

ای که از شر گناه دل ها شده رنگ سیاه

بندگان من، شما اسراف نمودید در گناه

این گناه باشد ز بهر جمعتان چاله و چاه

ای که اسراف در گناه دارید علیه خود ضرر

نا امید هرگز م باشید رحمت حق است ثمر

جملگی دانید خدا بخشد گناهان را تمام

او بود غفار و رحمان رحمتش باشد دوام

رحمت حق نازل آمد اسم گرفت بر خود علی

کی بود خالی ز رحمت و علی هیچ محفلی

نا امید هرگز نباشید، رحمت خاص خدا

حق بیامرزد تمام شیعیان مرتضی

باقر علم کتاب تفسیر آیه کرد عیان

در قیامت عذر ندارند بهر گفتن مردمان

نی توانند گفت که ما را علم نبود در روزگار

بوده فرزندان زهرا، رهبران هشت و چار

ص: ۲۶۴

آمده این آیه در حق تمام شیعیان

شیعیانِ نسل زهرا و امیر مؤمنان

کرده تصدیق حرف باقر صادق ملک یقین

با قسم گفت آیه باشد شأن کل مؤمنین

[۵۶] گوش جان بگشا که تا گویم که جَنبُ الله علیست

گوش جان ده تا بیابی آیه را که منجلیست

موسی بن جعفر نمود تفسیر آیه را چنین

باشد جنب الله به حتم مولی امیرالمؤمنین

خود امیرمؤمنان گفتا به حتم باشم چنین

عَيْنُ الله و جَنبُ الله و بَابُ الله باشم یقین

صادق آل رسول گفتا ز مولایم علی

گفت منم حَبْلُ الْمُتَمِّين و هَادِي و هم مُهْتَدِي

عُرْوَةُ الْوُثُقَايِ حَق و هم يَدُ اللَّهِ عِيَان

دست پر خیر و برکت از برای بندگان

دست من باشد سبب از رحمت و از مغفرت

تا که آمرزش شوند این بندگان با مرحمت

این منم عَيْنُ الله و لِسَانُ الله و دست حق

این منم جَنبُ الله و حُجَّتِ او از مَسْبَقِ

آن که بشناسد مرا خواهد شناخت ربّ قدیر

من وصی مصطفی و بر همه باشیم امیر

[۶۰] بنگری روز قیامت بعضی ها چهره سیاه

از برای متکبر هست جنهم جایگاه

ص: ۲۶۵

این بود وصف کسی که بسته است او بر خدا

او دروغ بسته، دروغ است این چنین با اقتضی

باقر و صادق بفرمودند چنین باشد عیان

این بود وصف کسی که باشد او از طاغیان

این بود وصف کسی که از ره کذب و جفا

ادعا دارد امامت را، به حتم کارش خطا

این مقام آسمانی هست مقام مرتضی

مرتضی و یازده فرزندش همه نور خدا

غیر از این انوار اعلی نیست کس دیگر امام

باد بر این انوار اعلی از خدا هر آن سلام

[۷۵] تو بینی حول عرش تسبیح کنند فرشتگان

در ستایش از خدایند آن خداوند جهان

گفت رسول الله شب معراج بدیدم من علی

پائین عرش ایستاده نور حق زو منجلی

در حال تسبیح و تقدیس خدای متعال

من ز جبرئیل امین کردم همان دم این سؤال

گو علی سبقت گرفته از من و معراج او

چون که بینم او به عرش ایستاده است هم روبرو

جبرئیل گفتا نباشد این چنین، گویم تو را

یک خبر از عالم بالا شنو پر ماجرا

فوق عرش پروردگارت می کند مدح علی

هم ثنا و هم صلوات بر علی گوید جلی

ص: ۲۶۶

عرش رحمان هست مشتاق علی شیر خدا
عرشیان بهر زیارت چشم براه مرتضی
حق نموده این ملک را خلق به صورت علی
تا که عرش و ساکنینش بنگرند روی وصی
فوق لذت هست ز بهر عرشیان از این نظر
بنگرند بر او همه دیدار کنند قرص قمر
فیض تسبیحات و تقدیسات و تحمیدات او
حق دهد بر شیعیان اهل بیت بس نکو

۴۰- سوره مبارکه ی مؤمن

سوره ی مؤمن و یا غافر نزول کرد بر زمین
سوره ی چل آمده باشد کمال بر مؤمنین
میم مؤمن چل باشد چل کمال است در عدد
سوره ی مؤمن به چل ظاهر شده وصف ابجد
بین کمال میم سوره، میم مؤمن هر کمال
جمله از عین علی ظاهر، نباشد هیچ سؤال
[۱] رمز سوره نازل آمد رمز سوره حا و میم
اول سوره بیامد سوره باشد پر نعیم
[۲] نعمت اعلی بود تنزیل، کتاب آسمان
نازل، قرآن مبین است از خداوند جهان
نعمت اعلی ولایت خود علی باشد کتاب

هست کتابُ الله ناطق عارفان بیند چه ناب

ص: ۲۶۷

گر که خواهی دید علی باشد کتابُ الله صواب

جان من بردار ز چشمانت دو صد پرده، حجاب

تا حجاب داری نبینی تو حقیقت را عیان

رفع نما هر نوع حجابی تا که بینی جانِ جان

تا که بینی این علی باشد بحق حق با علیست

غیر از این هرچه بینی شیطنت و دغلیست

نازل این نعمت آمد سوره گشت بر مؤمنین

مؤمنینند ظاهری از این علی نازنین

گفت رسول الله، ملائکک در زمین و آسمان

خادمان ما و دوستداران مایند هر زمان

ذکرشان حمد است و تسبیح خدای متعال

هم نمایند از خداوند غفور هر دم سؤال

در سؤالند تا که آمرزد همه دوستار ما

مؤمنان بر ولایت مؤمن مُلکک ولا

[۳] هست خدا بخشنده و توبه پذیر مؤمنان

انتقام گیرنده باشد از جمیع ظالمان

جلوه ی غافر علی و جلوه ای از منتقم

در جمال و در جلال هست نزول منتظم

[۷-۸-۹] گفت علی سال ها ملائکک بهر احمد بهر من

دائماً بودند به استغفار ز حی ذوالمِن

این سه آیه آمده اندر مقام و شأن ما

تا بدانند اهل عالم قرب ما نزد خدا

ص: ۲۶۸

هست پیام این سه آیه اول و آخر چنین

زنده باد در عالم هستی امیرالمؤمنین

حاملان عرش و آن دسته که حول عرش طواف

حمد و تسبیح خدا دارند همگی با اعطاف

از خدا دارند طلب در مغفرت بر مؤمنان

آن خدای پر ز رحمت عالم و دانای آن

تا که آمرزد تمام مؤمنان راه او

حفظ نماید از عذاب دوزخی جمع را نکو

گویند: ای پروردگار، داخل نما اندر بهشت

هم خود و هم والدین صالح و هم خوش سرشت

هم زنان و همه همه فرزندان صالح و نکو

بین خداوند حکیم و مقتدر در روبرو

پس سه بیت اول، تأویل سه آیه آمده

هر سه آیه در ولایت پر ز مایه آمده

این همه باشد کمال از مؤمنان راه دوست

مؤمنین را هست امیری هر کمال ظاهر ز اوست

هر چه دارند مؤمنین یک جلوه باشد از امیر

خود بود مؤمن به حق ایمان او بس دلپذیر

پس همه سوره بود از میم مؤمن جلوه گر

هست امیرمؤمنان این مؤمن را نور بصر

[۵۱] وقت رجعت حق تعالی جمله ی پیغمبران

باز بگرداند به دنیا تا کنند آباد جهان

ص: ۲۶۹

انبیاء آیند که تا باشند کمک کار علی

دنیای امروز شود اصلاح نباشد مشکلی

۴۱-سوره مبارکه ی فُصِّلَتْ

[۱] فُصِّلَتْ یَکْ سوره آمد نازل از نزد رحیم

حا و میم فُصِّلَتْ نازل ز قرآن کریم

رمز و سوره در تناسب آمده در ابتدا

هم تناسب دارد سوره با علی مرتضی

[۳-۴] فُصِّلَتْ آیات قرآن هم بَشیر و هم نَذیر

مرتضی فَضْلُ الْخَطَابِ است او به خلق باشد امیر

[۳۰] صادق آل رسول گفت استقامت در جهان

پایداری در امامت هست برای همگان

پایدار باشید امامان، هر یکی بعد دگر

این امامان اصلتان دانید و هم جان بشر

هست امامان را یکی اول، امیرمؤمنان

هر امامی نازل او آمده از آسمان

هر که دارد پایداری مژده اش گوید مَلْک

غم مخور اندر بهشت هست شادمانی ها مَعَك

۴۲-سوره مبارکه ی سُورِی

[۱] سوره ی سُورِی بیامد با دو دسته رمز آن

حا و میم در ابتدا و عین و سین و قاف چنان

[۲] رمز سوره پنج حرف و عین به نصف آمد ظهور

حا و میم و سین و قاف در قبل و بعد عین را حضور

عین بود یک حرف ز اسم با مسمای علی

محضرش چار حرف دیگر در زیارتند جلی

[۳] بعد وحی بر محمد هم نبوت قبل آن

نام زیبای علی آمد خدایش را عیان

[۴] آن علی، اعلی بود بین وصف او باشد عظیم

این علی مشتق ز اعلی وصف او باشد قویم

یک صراط مستقیم دارد خدا در آسمان

نازش اندر زمین بر بندگانش هست عیان

این صراط مستقیم راهی بود سوی خدا

این صراط مستقیم شخص علی مرتضی

[۲۳] گفت خداوند به رسولش امتت را گو همه

من نخواهم اجر مزدی از تمام جامعه

من نخواهم از شما مزد رسالت هیچ زمان

هم ندارم بر شما منت، نیارم بر زبان

که دوست دارید شماها جمله نزدیکان من

جان جانانند همه و این بود فرمان من

ابن عباس گفت رسول الله بخواند این آیه را

شد سؤال از حضرتش تا گوید آن جانانه را

این عزیزان گو که باشند، ما شدیم مأمور به آن

تا که دوست داریم عزیزان از زمین تا آسمان

ص: ۲۷۱

گفت رسول الله: علی و فاطمه، اولادشان
باشند خویشانم بدارم دوست، خود و بنیادشان
روزی در خطبه بفرمود آن امام مجتبی
باشم من از خاندانی که واجب بنمود خدا
کرده واجب تا مسلمانان بدارند دوستشان
کرد قرائت آیه تا آیه بود این دم نشان
حضرت سجاد بشام خواند آیه را بر شامیان
گفت که مائیم اهل آیه، مائیم خود این خاندان
ما اسیران اقبای مصطفی و مرتضی
دوستی ما واجب بنموده خداوند بر شما
واجب است بر هر مسلمان دوستی این خاندان
جان جانان جهانند دوستشان دارید عیان
اقتضای آیه گوید واجب است حبّ علی
حبّ زهرا و حسنین حبّ پنج نور جلی
حضرت باقر بفرمود معنی آیه چنین
اهل بیت مصطفی باشند، بحق هستند قرین
متن آیه هست امامان عصمت والا یقین
شخص اول نفس پیغمبر امیرالمؤمنین

۴۳-سوره مبارکه ی زُخْرُفْ

زُخْرُفْ است یک سوره از قرآن نازل بر زمین

جلوه ئى از شاه مردان است اميرالمؤمنين

ص: ۲۷۲

[۲-۱] رمز سوره حا و میم است آمده در ابتدا

وَالْكِتَابِ وَصَفْشَ مُبِينٌ بَعْدَ شِ بِيَامِدٍ اَز سَمَا

[۳] این کتاب باشد عربی بهترین لفظ و بیان

در فصاحت در بلاغت هیچ نباشد مثل آن

هم تمام است هم شیرین است هم بود لفظ خدا

در ادب باشد یگانه در قیامت لفظ ما

[۴] این کتاب یک جلوه ئی باشد از آن اُمُّ الْكِتَابِ

اصل آن باشد به نزد حق، ظهورش بو تراب

هم کتاب اُمُّ الْكِتَابِ باشد امیر مؤمنان

هم علی باشد عرب، داناترین انس و جان

این علی باشد بلند پایه حکیم، محکم اساس

نزد حق با منزلت، رهبر ز بهر جن و ناس

إِنَّهُ بَاشَدِ ضَمِيرٍ وَ مَرَجَعِشَ بَاشَدِ عَلِيٍّ

فاتحه در اول قرآن بیامد از ولی

فاتحه اُمُّ الْكِتَابِ است اُمُّ بُوْدِ لُوْحِ بَقَا

این کتاب اصل کتاب باشد به نزد کبریا

حق در این اُمُّ الْكِتَابِ نازل نموده است بجا

نام پاک تک شه مردان علی مرتضی

گفته در آیه که اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

راه راست حق، علی باشد علی حکیم

صاڢق آل مءمءء ءءءه اسء او اءن ءلام

الصراط المسءءءم باءء على اول امام

ص: ٢٧٣

شد سؤال از نور هشتم از علی مُوسَى الرِّضَا

نور مولایم علی در فاتحه باشد کجا؟

در جواب گفتا که در آیه صراط مستقیم

آمده نازل ز درگاه خداوند کریم

صَغَصَعَه گفتا علی را در حدیث دیگری

آیه ی چارم به زُخْرُفْ نقش بیسته حیدری

در روایت آمده از صادق آل ولا

در جمل گردید شهید زید بن صوحان از جفا

شد علی حاضر به بالینش که چونی ای شهید؟

گفت شناسم خوب تو را، آقای من، فرد فرید

دانم اندر سوره ی اُمُّ الْكِتَابِ و فاتحه

تو صراط مستقیمی و امام جامعه

هم تو باشی در کتاب الله علی و هم حکیم

هست خدایت در دلت بسیار بزرگ و هم عظیم

در دعائی حضرت صادق بگفت روز غدیر

ای خداوند بزرگ تو شاهی و تو بصیر

که امام هادی و مرشد امیرالمؤمنین

این همان است که به قرآنت ستودیش چنین

گفته ئی در لوح محفوظ است امیرمؤمنان

هست، لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيم، آن جانِ جان

[۱۹] گفت رسول الله که تا دعوت کنند آن دو عیان

اصحاب کهف را، که تا گویند جوابی در زمان

ص: ۲۷۴

با ندای هر دو تا ناید جواب بهر دو تا

چون علی دعوت کند گویند جواب لا فتنی

زین جهت آیه بیامد از خداوند بیچون

خوان تو: سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

[۲۸] صادق آل رسول کرد آیه را تفسیر چنین

این کلمه باقیه باشد امامت دلنشین

حق قرار داده امامت را ز نسل نور عین

تا قیامت باقی آمد نسل والای حسین

پس امامت تا قیامت باقی باشد از علی

این علی اصل امامت هست امام اولی

[۴۱] در بیان دیگری آمد که آیه هست چنین

آمده در شأن مولایم امیرالمؤمنین

گفته از بهر نبی الله خداوند جهان

بعد تو ما انتقام گیریم ز جمع ظالمان

منتقم باشد به دنیا، وه، امیرمؤمنان

انتقام گیرد ز افراد ستمگر پر توان

[۴۳] ای نبی الله تمسک جو به وحی آسمان

راجع به امر عظیم شه امیرمؤمنان

بر طریق حق و راه راست باشی تو نبی

راه راست باشد ولایت صاحبش باشد علی

این ولایت مظهر عشق تمام است از خدا

تو و نفس پاک تو هم مظهر عشق ولا

ص: ۲۷۵

[۴۴] گفت رسول الله که ذکر باشم من و هم عترتم

بعد من ذکرند امامان، اهل بیت عصمتم

وحی آسمانی بیامد، گوش جان بر وحی نما

بهر تو و قوم تو باشد کرامت ها بجا

ای رسول ما ز بهر تو و جمع مؤمنان

با شرافت و بلند نام، این کتاب جاودان

گرچه خواهید شد سؤال از حبّ والای علی

حبّ او شرط نجات است، در قیامت هست جلی

هم سؤال گردید ز امر بس عظیم روزگار

از ولایت علی آن مظهر پروردگار

[۴۵] عده ئی از اهل سنت نقل نمودند از رسول

نقلشان باشد ز معراجی نقلشان باشد قبول

گفته اند ختم رُسل گوید که من دیدم شبی

در شب اسرا بدیدم انبیاء را در جمی

گفت خدایم: ای محمد کن سؤال از انبیا

از برای چه شدید مبعوث، چه بود کار شما؟

چون سؤال کردم ز آنان یک سؤالی این چنین

جملگی گفتند که کار ما شهادت در زمین

کار ما بوده شهادت، هیچ کسی نیست جز خدا

هم شهادت بر نبوت رسول مجتبی

هم شهادت بر ولایت علی مرتضی

کار ما این بوده است گوئیم شهادت در جزا

ص: ۲۷۶

[۵۷-۵۸-۵۹] خود علی فرمود نبی الله مرا دید و بگفت

ای علی باشی چو عیسی و دُرت عیسوی صُفت

دسته ئی دوستش بداشتند و ولی از حد فزون

جملگی گشتند هلاک و عاقبت هم سرنگون

دسته ئی دشمن شدند با او، زیاده از حساب

جمعشان گشتند هلاک و در هلاکت هم کباب

دسته ئی حد وسط با او نمودند زندگی

جملگی اهل نجات گشتند دو صد زیندگی

این علی مانند عیسی بود ز بهر مردمان

بعضی ها با او چنین کردند و بعضی ها چنان

دسته ئی دوستش بداشتند و بشد افراط در آن

دسته ئی گفتند خدا باشد خدای مهربان

دسته ئی گشتند دشمن بغض و کینه بس زیاد

خارجش خواندند ز اسلام بینشان جنگ و جهاد

عاقبت با بغض و کینه با دو صد جور و جفا

با پلیدی و شقاوت آمدند جنگ خدا

در شب قدر و سحر وقت طلوع صبحدم

بود به محراب عبادت در مقامی محترم

در میان خانه ی حق هم به محراب دعا

در نماز و در نیاز بود بنده ی خاص خدا

خارجی زد بر سر شاه ولایت مرتضی

لعنت حق باد همیشه شخص أَشَقَى الْأَشْقِيَا

ص: ۲۷۷

دسته ئی گشتند هلاک کینه و بغض علی
کارشان در طول عمر بود دشمنی و دغلی
دسته ی سوم همه در اقتصاد و اعتدال
در نجات باشند همیشه مسلمینند در خصال
دسته ی اول روند راهی ولی غیر صواب
راهشان کفر و سیاهی، کفر یقین هست یک سراب
خود علی خود را بدانند بنده ی خاص خدا
هست خدائی، خاص حق جز او نباشد هر کجا
از خدا خواهیم که این دسته بخود آیند بزود
تا رهند از کفر و ظلمت هم سیاهی و ز دود
دوست بدارند این علی و بندگی این علی
این علی باشد ولی الله و بر احمد وصی
این علی دوست خدا باشد، خدا را دارد دوست
هر کسی دوست علی باشد خدایش دوست اوست
دسته ی دوم روند راهی ولی راه عذاب
جسم و جان و هر چه دارند در جهنم است کباب
به بود تا خارجی برگردد از راه خطا
بنده ی مخلص بدانند او علی مرتضی
او بود مؤمن بحق و او امیرمؤمنان
او کسی باشد، نباشد مثل او اندر جهان

دسته ی سوم روند راه صواب و مستقیم

اولین امام خویش دانند امیرالمؤمنین

ص: ۲۷۸

دانند عبدالله علی را، مصطفی را جانشینش

او خلیفه ی رسول الله بود روی زمین

او بود اول وصی مصطفی اول امام

او بود نور خدا و بندگی باشد مرام

او در آسمان است یدالله بو تراب است در زمین

او بود باطن هستی و شه ملک یقین

ما در این حدها پسندیم و یقین داریم به او

می دهیم او را سلام و بینیم او را روبرو

او یقین اصل است و اصل ما بود در هر جهان

دوستیش فطری ما باشد یقین این را بدان

بهر حقانیت او، بهر تأکیدی بما

گشته امر و گشته واجب حبّ شاه لافتی

شکر کنیم هر دم خدا را بهر دوستی علی

این علی دوست خدا باشد خدا را هست ولی

۴۴-سوره مبارکه ی دُخان

[۱-۲] سوره ئی از سوره ها آمد به نام سوره، دخان

حا و میم قبل از کتاب آمد نگر رمزش عیان

[۱۰] این دُخان و دود بود از درب خانه ی علی

آتش کین زد به خانه روسیاه بی دلی

[۱۱] یا بود این دود نمایان از عذاب غاصبان

یا هویدا گشته این دم در میان آسمان

ص: ۲۷۹

یا که دود می باشد از درد و شکنجه در جحیم

دود ضارب یا که قاتل یا که کافر یا رجیم

دودی اندر صدر اسلام در مدینه شد بلند

تا قیامت باشد اندر آسمان از یک گزند

دود آسمانی احاطه می کند آن کافران

بس عذابی دردناک باشد برای غاصبان

خانه ی زهرا بود آن خانه ی خاص خدا

درب آن آتش زدند از کینه جمع اشقیا

این دُخان باشد تجلی جلال علی

باعث ظاهر شدن شد دومی و اولی

[۲۹] هست روایت از امام صادق ملک ولا

آسمان گریه نکرد بر هیچ کسی جز بر دو تا

اولی بر حضرت یحیی همان سید ما

دومی بر سید جمع شهیدان خدا

بهر یحیی تا چهل روز آسمان در گریه بود

کسی در عالم معنا همان گریه شنود

آسمان هم تا چهل روز گریه ها داشت بر حسین

این حسین دانی که باشد جان و نور نیرین

سائلی بنمود سؤال، چیست گریه های آسمان

در جواب فرمود که باشد سرخی هر دو زمان

هست به هنگام طلوع و هم غروب آفتاب

سرخی روز و شب هر دو مکان است با حساب

ص: ۲۸۰

باشند یحیی و حسین هر دو ظهور لافتی
اصل هر دو و امام هر دو تا هست مرتضی
پس نموده گریه ها این آسمان بهر علی
چون که یحیی و حسین، از این علیند منجلی

۴۵-سوره مبارکه ی جائیه

[۱] سوره ئی از سوره ها آمد به نام جائیه
حا و میم رمزش بیامد تا نماید وادیه
[۲] بعد رمز تنزیل بیامد این کتاب از نزد ربّ
جمله ی آن خاک نشین شد خاک نشینش به شب
جائیه و رمز آن باشد کتاب و هرچه هست
جلوه هائی است از علی، باور نما ای حق پرست
[۲۱] آیه در شأن علی نازل شده از آسمان
آمده در روز بدر بهر هدایت جهان
الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ، باشند دشمنان
عُتْبَةَ وَ شَيْبَةَ، ولید بن مُغیره در نشان
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، باشد علی
کی بودند یکسان یل کفر و ایمانِ اعدلی
[۲۹] معنی آیه بفرمود صادق آل رسول
ناطقون باشند محمّد هم که آل، باشد قبول
هست کتاب ناطق حق این امیرمؤمنان

نطق کند با این کتاب در این جهان و آن جهان

ص: ۲۸۱

[۱-۲] سوره ی اَحْقَاف و رمز حا و میم در ابتدا

هم کتابُ الله قادر جلوه ئی از مرتضی

[۳] آسمان ها و زمین و بین این دو هرچه هست

غیر حق چیزی نباشد این چنین است از اَلَّت

[۱۵] گفت رسول الله من و نفسم علی مرتضی

دو پدر باشیم ز بهر اتم ما هر دو تا

حضرت صادق بفرمود وقت حمل فاطمه

جبرئیل آمد ز بالا نقل نمود یک واقعه

محضر جدم رسول الله بدادی این خبر

زهرای مرضیه آرد به جهان او یک پسر

امت او را شهید خواهند نمودی از جفا

فاطمه دائم کراهت داشت و محزون زین ندا

کس ندیده هر کسی آرد به دنیا یک پسر

دل غمین باشد از این حمل جز یکی نور بصر

چون که می دانست، شهید گردد به دست ناکسان

داشت کراهت او همیشه زین جهت آن جانِ جان

چون کراهت داشت ز حمل و وضع آن زیبا پسر

آیه نازل گشت ز بهرش هم مفید و مختصر

۴۷-سوره مبارکه ی محمد

سوره ثی از سوره ها باشد محمد نام آن

نام پاکش جاودان است جاویدان مرام آن

[۲] هر سوره از نام او ظاهر شده اندر جهان

این سوره مخصوص نامش ثبت شده نص قرآن

نفس پاک این محمد باشد شاه لافتی

روح و جسمش آسمانیست، گفت بود اسم خدا

روح و نفس و جسم یکی باشد ز بالا آمده

گشته مانع کفر و شرک لیکن تعالی آمده

مؤمنان و صالحان دارند قبول این وحدتش

هم قبول دارند هر آن چه آمد از حق الفتحش

[۷] مؤمنین را گفته تا یاری کنند نام خدا

تا خدا یاری نماید جملگی را ابتدا

آن که یاری کرد خدا را در تمام عمر خود

آن علی بود، کرد خدا یاری او، خیرش ببرد

[۹-۱۰] آیه را معنا نموده باقر ملک یقین

شأنیت را داده بر مولی امیرالمؤمنین

آن چه در حق علی نازل شده از آسمان

کافران مکروه بداشتند آن چه داده مُشْتَعَان

جبرئیل این آیه آورد و بگفتا با نبی

آن کسانی که کراهت داشته اند حق علی

ص: ۲۸۳

محو شده اعمالشان باشند هلاک روزگار

چون که نشناختند علی را تا بمانند کامکار

[۱۱] ابن عباس آیه را می داند در شأن ولا

شأن زهرا و حسنین، مصطفی و مرتضی

جمله انوار مقدس هست ز بهر شیعیان

یاور هر دو سرا و مولی بهر دوستان

دشمنان اهل بیت مولی ندارند در جهان

در سرای دیگری بی یاور و هم ناتوان

[۱۲] آن بهشتی را که حق وعده نمود بر متقین

نهرهای پر ز آب و شیر و شهد نازنین

نهرهای پر عسل هم پر ثمر هم پر صفا

جمله یک نم از ظهور دو لبان مرتضی

[۳۰] جمعی از اهل نفاق مخفی نمودند از رسول

هم نفاق و بغض خود را تا شود ز آنها قبول

بغض و کینه با علی داشتند سیه دل های دون

با چنین وصفی کنار مصطفی بودند مُجُون

با نزول آیه، پیغمبر شناخت این رو سیاه

با علی می گفت هر آن چه باید می گفت گاه بگاه

با علی می گفت ولی او را سفارش می نمود

تا که صبر پیشه نماید حافظش باشد ودود

۴۸-سوره مبارکه ی فتح

[۱] سوره ی فتح نازل آمد بر رسول مصطفی

ای رسول ما، کنیم فتح تو را بس پر جلا

[۲] فتح تو با دست و بازوی توانای علی

زدید الله کفر و شرک و هم نفاق و دغلی

[۳] یار تو باشد خداوند عزیز مقتدر

با یدالله یاریت خواهد به وصف مستمر

کفر و شرک و هم نفاق را می زند با ذوالفقار

تا نماید رفع مانع از ره پروردگار

[۶] در غضب آمد خدا از مشرکان و کافران

از نفاق و از منافق از تمام ظالمان

جملگی باشند تجلی از خداوند جلال

خود گل آلود کرده اند سرچشمه ی آب زلال

این جلال و این زلال خود جلوه ئی از مرتضاست

مرتضی باشد تجلی، حجت خاص خداست

کافر و مشرک منافق، لعن نموده است خدا

بهرشان آماده کرده آتش روز جزا

آتش روز جزا و هم جهنم با عذاب

جلوه ایست هم از غضب هم از جلال بوتراب

[۱۸] هست علی بن ابی طالب و این آیه قرین

فتحِ نزدیکِ باشد از مولی امیرالمؤمنین

ص: ۲۸۵

فتح نزدیک فتح خبیر باشد و دست علی

دست و بازوی یدالله حل کند هر مشکلی

[۲۶] حق تعالی کرده نازل از سکینه و وقار

از برای مصطفی و مؤمنان استوار

بعد احمد هست علی مولای عالم در ولا

هست امیرمؤمنان و هست امام اولیا

گفت رسول الله، علی هست پرچم و رهبر و نور

از برای تابعینم دائماً اندر حضور

او بود یک کلمه تقوا ز بهر متقین

او بود مولای عالم او امیرالمؤمنین

در حدیث دیگر آمد از امام باقرم

نقل نموده از پدراناش، همه تاج سرم

نقل نمودند از رسول الله، بفرمود حضرتش

گفت خداوند: یا محمد، این علی دار حرمتش

بیرق ملک هدایت بعد تو باشد علی

هست امام اولیاء من، خودش اصل ولی

هر کسی در طاعت من باشد، نورانی بود

نور او باشد علی و جانش آسمانی بود

هر کسی دوست علی باشد مرا دوست داشته است

دوستیش در این جهان نخل محبت کاشته است

[۲۷] فتح خیبر و حَدَّیْبِیَهِ و هر فتح از علیست

جنگ و فتح صدر اسلام جملهگی زو منجلیست

ص: ۲۸۶

[۲۹] بین محمد با علی بر کافراند سخت دل

با تمام اهل ایمان رحمتند و اهل ذل

آیه آمد وصف اسلام قویم در این جهان

قوت اسلام ز شمشیر امیر مؤمنان

قوت اسلام ز بازوی علی شد آشکار

لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ

آیه در شأن علی آمد نزول نزد نبی

هست قسیم جنت و دوزخ شه مردان علی

پرچم نورانی حق در قیامت با علیست

راه جنت، راه دوزخ هر دو راه از او جلیست

پیروانش زیر آن پرچم روند سوی بهشت

دشمنانش در جهنم چینند زان خاری که کشت

آن که بینید در رکوع و در سجود است روز و شب

در طلب از فضل و رحمت هم رضای حی رب

نقش سجده بین به رخسار، بنده ی خاص خدا

گر بخواهد از خدا چیزی بخواهد او رضا

آن چه نقش بسته به چهره نقش سجده نیم شب

نقش بیسته روی احمد و علی در عشق رب

۴۹-سوره مبارکه ی حُجرات

[۱] سوره ئی از سوره ها آمد به اسم حُجرات

هست سفارش بهر عصمت هم رسول کائنات

ص: ۲۸۷

[۲] تا کنند حفظ رعایت هم ادب هم خوش دلی

تا نباشند در اذیت هم محمّد هم علیّ

حجره ی حضرت بود در جنب حجره ی نبیّ

در شرف اول نبیّ و بعد از آن باشد وصیّ

[۳] آن که از روی ادب آرام و آهسته سخن

با رسول الله بگوید، هر کلام را نرم دهن

آن علی باشد که خود اصل ادب باشد یقین

جز پیمبر در ادب نبود به مثلش در زمین

هست امیر اهل ایمان آن که قلبش پر جلاست

امتحان کرده خدا قلبش بدیده با صفاست

[۱۰] مؤمنان باشند برادر باب آنان است نبیّ

بعد پیغمبر بود باب همه مولی علیّ

گفت رسول الله من و نفسم علی مرتضی

دو پدر باشیم ز بهر اتم، ما هر دو تا

نقل شده از مصطفی هنگام تنزیل کلام

این کلام حق بیامد از خداوند سلام

احمد مختار قرار داد در میان مسلمین

منصب برادری را بهر صلح و بهر دین

دو به دو گشتند برادر مسلمین در آن زمان

هر دو بودند با تناسب دو برادر همنشان

بين اصحابش چنين كرد خاتم پيغمبران

ديد علي تنها بمانده اين علي آرام جان

ص: ۲۸۸

گفت تو باشی ای علی، با من برادر از یقین

من برادر با تو هستم ای امیرالمؤمنین

[۱۵] ابن عباس آیه را نازل بدانند در علی

نازل است درباره ی حمزه و جعفر بس جلی

آیه آمد تا جهاد با نفس و مال خود کنند

فی سَبِيلِ اللَّهِ جهاد باشد، یقین خود صادقند

۵۰-سوره مبارکه ی ق

[۱] سوره ی ق نازل آمد قاف و قرآن مجید

قاف قَسَمَ باشد به قرآن یا بود رمزی وحید

قافِ قَرَبَ باشد ز بهر حجت خاص خدا

یک قاف است در فاصله بین خدا و مرتضی

از میان برادر تو قاف قرب تا بینی خدا

نی علیّ باشد نه هیچ کس یک خدا باشد بجا

وحدت و توحید بیاورد نی که کثرت نی عدد

یک خداوند حاکم است گو قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

[۲۱] هر کسی آید به محشر همراهش دو بی نظیر

یک نفر سائق بود و دیگری شاهد، بصیر

سائق او را سوق دهد بر راه میزان و حساب

تا که هرچه کرده است گوید یکایک را جواب

صادق آل ولا تفسیر نمود آیه چنین

سائق این آیه باشد، وَه، امیرالمؤمنین

ص: ۲۸۹

این شهید در آیه باشد سید فخر بشر

نام پاک او محمد صورتش قرص قمر

[۲۴] صادق آل محمد کرده تفسیر این چنین

بارها گفته چنین مولی امیرالمؤمنین

من قسیم، بین بهشت و آتش سوزنده ام

من خدای این بهشت و دوزخش را بنده ام

مؤمنان و دوستان حق بوند اهل بهشت

بهر کفار مُعاند در ازل آتش نوشت

من بهشت را می دهم بر اهل آن در آن جهان

در جهنم افکنم اهل جهنم، این بدان

گفت رسول الله زمانی که پیاگردد معاد

گوید با من و علی آن خالق حی جواد

هر دو اندازید به دوزخ دشمنانتان عیان

داخل جنت نمائید هر دو با هم دوستان

گفت مُفَضَّل من سوال بنمودم از صادق بجا

گو سؤالم را جواب، باشد ز جدت مرتضی

از چه رو باشد قسیم جنت و دوزخ علی

علتش را گو برایم نیست ز بهرم مشکلی

صادق ملک ولا فرمود سبب را این چنین

علتش هست حبّ و بغض جد من روی زمین

دوستی مولی بود ایمان و بغضش کفر و کین

جای ایمان در بهشت و جای کفر دوزخ قرین

ص: ۲۹۰

حق بهشت را بهر مومن آفریده در اَزَل
آتش دوزخ ز بهر کافران است لَمْ يَزَلْ
زین سبب باشد قسیم جنت و دوزخ علی
حق هر کس را نهد دستش بدون دَعَلَى
انبیاء و اوصیاء باشند همه دوست علی
دشمنان انبیاء باشند عدوی این ولی
گو، مگر نشنیده ئی در جنگ خیر مصطفی
گفت که فردا می دهم این پرچم دین خدا
دست آن کس که خدا و هم رسولش را زیاد
دوست دوست باشد یقیناً، عشق اقدس را بیاد
دوست آن کس که خدا و هم رسولش هر دو تا
دوست او باشند و او دوست خدا و مصطفی
او ز میدان بر نگرود تا کند فتح تمام
پرچم اسلام بدادی دست اولین امام
فتح و فیروزی نصیب بنمود خداوند ودود
بهر مولایم علی، بادا علی را صد درود
صادقم چند مورد دیگر گرفت اقرار تام
از مُفضل بهر مولایم علی اول امام
تا کند ثابت، خدا دوست علی و مصطفاست
هم علی و مصطفی هر دو یقین دوست خداست

تا رساند وجه تقسیم بهشتی و جحیم

تا بدانند او قسیم است، لطف رحمان و رحیم

ص: ۲۹۱

۵۱-سوره مبارکه ی الذاریات

[۱] سوره الذاریات آمد ز بالا در نزول

نازل آمد تا نماید رهبری بهر رسول

[۲] با قَسَم نازل شده سوره تعدد در قسم

امت خاتم بیابند زین قسم ها حق فهم

[۳] باد قَسَم بر نَفْس باد و ابر پر بار وزین

باد قَسَم بر کِشْتِی بر روی آب سطح زمین

[۴] بر ملائک باد قَسَم هم بر همه کروبیان

آن چه وعده داده صدق است آن خدای انس و جان

هر قَسَم باد جلوه ئی را از تمام جلوات

صاحب جلوه علی باشد به او باد صَلَوَات

باد سلام حق به او، او دائماً اندر نماز

او بود مهمان حق و میزبانش بی نیاز

[۵۶] خلق شده جن و بشر بهر عبادت خدا

عمر خود اندر عبادت، تا خدا گردد رضا

ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

حق بندگی بود بر بنده ی حَى کَیْنُونِ

گفت خداوند قدیر، ما خلق نکردیم در جهان

جن و انسی را مگر آن که بیارند در نشان

از عباداتم که در شأن و شئون بندگی است

با ظهور بندگی این زندگی زیندگی است

ص: ۲۹۲

لازم است بهر عبادت این شناخت و معرفت

معرفت باشد چراغ بهر نجات از هر جهت

معرفت هست غایت حق بهر آتش آفرید

این عبادت از نمای معرفت آمد پدید

اصل معنا معرفت باشد بدان تو ای سعید

این عبادت ظاهری باشد از آن معنا فرید

صادق اهل ولا فرمود حسین بن علی

گفت به اصحابش کلامی هست به معنا اولی

گفته: ای مردم خداوند خلق نکرده بندگان

جز برای معرفت کردگار در هر زمان

هرکسی بشناخت خدایش کرد عبادت آن خدا

هر که شد بنده ز بهر این خدا شد در غنا

بی نیاز داند خودش را از کس دیگر یقین

هم عبادت بهر آن کس، پس به این کس آفرین

گو چه باشد معرفت، نسبت به حیّ داوری

در جوابش گفت حضرت، یک جواب رهبری

گفت بود از بهر اهل هر زمانی یک امام

طاعتش را کرده واجب بر همه در هر مقام

معرفت باشد شناخت آن امام در آن زمان

ارتباط است بین مردم با امام وقتشان

هست امام این امامان، بَهِ، امیر مؤمنان

جان عالم باد فدای این امامِ جاودان

ص: ۲۹۳

باد سلام و باد صلوات از خداوند ودود

بر امیرمؤمنان، نیز از هر آن کس صد درود

۵۲-سوره مبارکه ی طور

[۱] سوره ی طور آمده از نزد حق متعال

تا که مؤمن سیر کند سوی خدایش خوش خصال

[۲-۳-۴] طور سینا با قَسَم نام برده شد در ابتدا

هم به قرآن و به فرقان بَیْتِ الْمَعْمُورِ پر بها

[۵-۶] باد قَسَم بر طاق آسمان و به دریا و زمین

هر چه گفتیم هست شئون شه امیرالمؤمنین

شأن والای علی در سجده گاه ظاهر شده

سجده گاه از سجده های بندگی ظاهر شده

[۲۱] آن که آورده است ایمان هم خود و اولاد او

ملحق است اولاد او بر او نباشد گفتگو

ابن عباس گفته آیه باشد آیه ی ولا

آمده در شأن پنج نور، وصفشان آل عبا

باقر علم الهی، صادق مُلک یقین

کرده اند این آیه تفسیر، تفسیری زیبا چنین

چون حسین بن علی گشته شهید راه دوست

دوست او داده عوض و این عوض بسیار نکوست

این عوض باشد سه چیز پر بها و پر ثمر

اولی باشد امامت بین امامت پر گهر

ص: ۲۹۴

حق قرار داده امامت بین ذریه ی او
گر تو را شامه بود بوی گل از گلزار ببو
دومی باشد شفا در تربت پاک حسین
بهترین خاک است به عالم تربت نور دو عین
سومی هست استجابت دعای مؤمنین
در کنار قبر پر نور شه ملک یقین
آن که از بهر زیارت حسین بن علی
سیر ره پیموده و این سیر ره باشد جلی
رفت و برگشت جزو عمر او نمی گردد حساب
دوستاناران حسینی بنگرید بینید ثواب
پس امامت موضوع آمد در بیان عصمتی
آیه ی قرآن نشان داد خویش را در رؤیتی
این امامت اصل دارد اصل والایش علی
گرچه اصل اصل بود احمد و اصل اولی
اصل بعدی اصل علی باشد ظهور احمدی
این علی و این امامت جلوه ی محمّدی

۵۳-سوره مبارکه ی نجم

[۱] سوره ی نجم آمده با یک قسم در ابتداء

باد قَسَم بر هر ستاره ز ابتداء تا انتها

چون فرود آید ستاره بهر تعظیم و سجود

باد بر او لطف قَسَم از غیب تا بزم شهود

ص: ۲۹۵

تا بدانند مصطفی کیست، بنده ی خاص خدا

هرچه فرماید بود وحی، وحی او عین صفا

او بفرمود که عَلِيٌّ نَفْسُ شَرِيفٍ نَبِيٍّ اسْت

نازل از حق آمده هم نازل از مصطفوی است

[۲-۳-۴] صادق آل پیمبر کرده تفسیر آیه ها

آیه های اول سوره ی ز نجم آمد جلا

چون پیمبر نصب نمود اندر غدیر مولى علی

بر امامت بعد خود با اذن حىِ سرمدی

مردمانِ خیره سر گشتند سه دسته بعد آن

نسبت گمراهی دادند خاتم پیغمبران

دسته ی دیگر بگفتند او فریب خورده یقین

ابن عم خود قرار داده امیرالمؤمنین

دسته ی سوم چنین گفتند که از روی هوی

بهر اهل بیت خود گفته از این حرف ها بما

ناگهان آیات اول آمد از سوره نزول

آمده وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ز بهر آن رسول

با قسم آمد که نسبت هایتان باشد خطا

آن چه گفتید آن نباشد، ادعا بی مُدعا

او نگویید هیچ سخن جز وحی از نزد خدا

هرچه گفته آن کلام حق بود در نزد ما

صادق صدق و صداقت در بیان دیگری

گفت رسول الله نباشد در حریمش گمراهی

ص: ۲۹۶

او نخورده هیچ فریب و هیچ نباشد در هوی

هرچه کرده وحی بوده وحی و فرمان خدا

داده فرمان حق تعالی تا امیرمؤمنان

بر خلاف نصب گردد در میان مردمان

داده انجام امر مولی خاتم پیغمبران

پس، إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى، در ملک جهان

[۷] بود رسول الله شب معراج در أعلا أفق

نفس پاکش سیر بالا می کند از هر طُرق

هر دو اندر سیر معراج می روند از قرب فرش

می رسد هر دم ندا تا پیش روند تا فوق عرش

[۸-۹] دمبدم آید ندا و هر دو را خواند دنا

قاب قَوْسَيْنِ یا که أَوْأَذْنِي به عشق است یا وَلَا

دید رسول الله خدا را در مقام ذات پاک

هم بدید آیات کُبرا، حَقِ دِیدارِ إِذْرَاكِ

چون رسید در عالم بالا بدید آن جا علی است

آن همه قول دنا و دعوت والا علی است

[۳۹] پس بفرمود: لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

سعی کند انسان رسد در محضر و قرب خدا

[۶۲] چون رسد در محضر حق تعالی بنده اش

خود بخاک افتد بزرگ است بنده ی زینده اش

برترین رتبه نگر اندر مقام بندگی

سر به سجده می زند بنده به طول زندگی

ص: ۲۹۷

ای که داری ادعای بندگی ای حق پرست
سجده کن بهر خدایت قدرت شیطان شکست
سجده باشد بهترین حال، حال مولایم علی
می نهد پیشانی بر خاک هست مقام اکملی

۵۴-سوره مبارکه ی قمر

[۱] سوره ی قمر بیامد در سمای آدمی

شمس معنا سیر نموده هر عوالم را دمی

شمس معنا مصطفی و ماه تابانش علی

آسمان معرفت را سیر کنند هر دو جلی

ساعت روز قیامت یا قیام مصطفاست

ماه آسمانی شکافته معجزه باشد بجاست

شمس عالمتاب رسول الله و ماه آسمان

نفس والایش بود مولی علی دلستان

[۵] حکمت بالغه دان انسان، تو قرآن تدوین

هم رسیده، حکمت است مولی امیرالمؤمنین

این کتاب قرآن تدوین ظاهر آمد بر زمین

جان آن باشد ز بالا گویم قرآن مبین

گر نمود شق القمر ختم رسل نور تمام

رد شمس بنمود علی مرتضی اول امام

[۱۱] آسمان بگشود دعای مصطفی شد مستجاب

آب آسمانی روان گردید ز قلب بو تراب

ص: ۲۹۸

[۱۲] چشمه ها جاری از این آب از زمین و از سما

غرق در آب است جهان و تشنه ی لطف خدا

[۱۳] قطره ئی از آب کوثر از سما آمد زمین

نوح و کشتی در نجات شد از امام متقین

[۴۰-۳۲-۲۲-۱۷] گفت خداوند علیم در سوره ی پنجاه و چار

آیه هفده، بیست و دو، سی و دو لیل و نهار

در چهل آمد به اتمام گفته ی حیّ قدیر

به، چه گفته شأن نورانی آن ماه منیر

گفت که ما آسان نمودیم بهر فهم همگان

هم که قرآن مبین و هم کتاب آسمان

این کتابُ الله ناطق نام نیکویش علی

انسان کامل همین است گویمت با پر دلی

باطن قرآن علی و ظاهرش هم محترم

ظاهر قرآن پی یاد آوری است در حد فهم

این کتاب یاد آور قرآن ناطق آمده

هم تذکر داده اینک جمله صادق آمده

[۵۵-۵۴] بهترین مسکن ز بهر متقین باشد بهشت

در جوار چارده معصوم عصمت والا سرشت

مقین با ولایت جمع دوستان علی

همسایه باشند به جنت با نبی و با وصی

روزی از روزها پیمبر کرد علی را خود خطاب

گفت هر آن کس دوست باشد حضرتت، عالی جناب

ص: ۲۹۹

با پذیرش ولایت می شود او رستگار
در جوار احمد و آتش دهند او را قرار
بعد از آن کردی تلاوت آیه را زیبا جلی
یعنی آیه باشد در شأن وصی خود علی
در بیان دیگری دادی امیرالمؤمنین
مژده و گفتا که دوستت باشد ما را همنشین
هر که دارد دوستیت، با ما شود محشور به حشر
دوستیش پیوند زند با ما همیشه تا به نشر
مسکن او در بهشت با ما به یک جا در قرار
منزل صدق است آن جا محضر پروردگار

۵۵-سوره مبارکه ی الرَّحْمَن

[۱] سوره ی رحمان بیامد رحمت حق مبین
از برای بندگانش رحمت است بس شکرین
رحمت رحمان رسول الله ظهورش مرتضی
آمده از نزد رحمان بهر رحمت مصطفی
آیه ی اول بود رحمان، تمام رحمت است
باطن دنیا است رحمان ظاهرش پر نعمت است

[۲-۳] علم قرآن آمده بهر نبی محترم

خلقت انسان گشوده باطن قرآن به فهم

[۴] مظهر رحمان محمد علم قرآن است علی

خلقت انسان محمد علم بيان است عليّ

ص: ۳۰۰

[۵-۶] طلعت خورشید محمّد ماه تابان است علی

نجم و شجر است محمّد میوه ی آن است علی

[۱۹] نقل شده از صادق صدق کلام صدق عیان

در بیان تفسیر آیه که آمد ز آسمان

معنی آیه: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

فاطمه باشد به همراه علی شاه جهان

[۲۰] بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ، در نشان

بر حقوق هم تجاوزی ندارند هیچ زمان

[۲۲] يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ، نور عین

باشند مقصود نور پاکان هم حسن و هم حسین

[۲۶-۲۷] كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ، جاری باشد در نظام

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

سید سجاد بفرمود مائیم وَجْهُ اللَّهِ فَوْقَ

حق زماها در عطا هست زو بگیرید با چه شوق

صادق آل رسول مانند جدش کرد بیان

نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ بَاقِي، در زمین و آسمان

[۴۶] آن که ترسد از فراق ربّ خود، در دو جهان

می دهندش هم به دنیا هم به عقبابس چنان

دو بهشت آمد در آیه دو بهشت خوش نشین

ظاهر و باطن یکی باشد به هم باشند قرین

یک بهشت ظاهر است و عالم است بهرش بهشت

یک بهشت باطن است و خود بهشت است در سرشت

ص: ۳۰۱

شه امیرمؤمنان است متن و اصل هر بهشت
هر بهشت ظاهر ز او گردد، سرشتم این نوشت
هست محمّد اسم ربّ و ذی الجلال باشد علی
آن تجلی کرامت جلوه اش بر او وصی
غیر حق فانی بود هرچه بود روی زمین
باقی باشد وجه ربّ و وجه ربّ است این چنین
گفت علی بن الحسین ما باشیم وَجْهُ اللَّهِ یقین
نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ، کلام صادق آمد بر زمین
گفت رضایم با اباصلت این سخن بهر خدا
باشند وَجْهُ اللَّهِ تمام انبیاء و اوصیا
هر که خواهد با توجّه ره برد سوی خدا
انبیاء و اولیایند واسطه زین ماجرا
هر که خواهد با نشاط و معرفت جوید همین
واسطه باشد در این ره، وه، امیرالمؤمنین

۵۶-سوره مبارکه ی واقعه

[۱-۲] سوره ئی از سوره ها آمد به نام واقعه
نیست دو واقع - هم نبوت هم امامت - کاذبه
بهر روز واقعه ثابت و موضوع هر دو تا
اصل واقعه این دو باشند خاتمیت و ولا
اصل اصل، توحید خالص حاکم است حیّ قدیر

جلوه ی اعلا محمّد جلوه اش باشد امیر

ص: ۳۰۲

واقعه صدق است و روز واقعه صدق و صفا

جان صدق و واقعه نامش نهاده شد خدا

مظهر تام و اتم از این خدا هست مصطفی

مظهر این مصطفی باشد علی مرتضی

ظاهر این مصطفی و مرتضی عالم نگر

واقعه های جهان باشند از آن ها در ثمر

[۱۱-۱۰] هست علی بن ابی طالب یقیناً سابقون

از همه سبقت گرفته و بود مُقَرَّبُون

سبقتش قرب الهی است در مقام قرب ذات

قاب قَوْسین را نهاده عرش و کرسی کائنات

او رسیده، در مقام قرب او اذنی یقین

او ز بهر گنه ذات پیش می رود تا واپسین

کرده اند نقل جمع بسیار از جناب مصطفی

او بیان آیه بنمود از سر صدق و صفا

سابق امت علی باشد به ایمان و به دین

سبقت در ایمان و اسلام، سابق است بر مؤمنین

آمده از ابن عباس سابقونند این کسان

یُوشَع بن نُون به موسی، شمعون عیسی را عیان

دیگر است حیدر کرار آن ولی کردگار

این علی افضل از آن دو افضلین روزگار

دیگری گوید که سَبَاقُ الْأَمَمِ باشند سه تا

مؤمنی از آل فرعون و حیب و مرتضیٰ

ص: ۳۰۳

سومی افضل بود از اولی و دومی

بلکه افضل باشد از خلق، جز رسول سرمدی

ابن عباس کرد سؤال آیه از پیغمبرش

سَابِقُونَ السَّابِقُونَ، بر گو چه باشد جوهرش؟

گفت بیاورد جبرئیل بهرم که هستند این کسان

هست علی و شیعیانش سابقون اندر جهان

هست مقرب نزد حق و در گه پروردگار

سوی جنت سیر دارند شیعیانش بیشمار

[۱۴-۱۳] سَابِقُونَ باشند رسول الله و خاصان ولا

اولی و اصل خاصان دان علی مرتضی

در بیانی بس چه طولانی بفرمود مصطفی

کل خلق خود دو صنف را آفریده است خدا

قِسْمِی اصحابِ یَمِینِ و قِسْمِی اصحابِ شِمالِ

او مرا از قسم راستش آفریده خوش خصال

قسم راست خود سه قسم بنموده است تقسیم عیان

مَیْمَنَه و مَشْئَمَه و سَابِقُونَِ پر توان

من ز قسم سابقون باشم و خیر سابقون

أَسْبَقُ از سابق من و هر فضل را دارم فزون

سابقون تقسیم نموده بر قبیله ها زیاد

بهترین قبیله را دارم من نیکو نژاد

خود قبیله را بیوت و خانواده بر شمرد

از برایم بهترین خانواده نام ببرد

ص: ۳۰۴

سید اولاد آدم این منم نیست فخر آن
حق عطا کرده که باشم بهترین انس و جان
آیه ی تطهیر بخواند و نص قرآن را سرود
باد به اهل بیت پاکش صد سلام و صد درود
بعد از آن فرمود بزرگ و سید نسل بشر
این منم نزد خدا و بهتر از هر یک نفر
برترین اولاد آدم این منم در روزگار
برتری و هر فضیلت باشد از پروردگار
فخر نباشد چون بود این ها همه از کردگار
لطف او نازل همیشه بی حساب و بی شمار
گفت رسول الله: خدایم برگزیده است مرا
از میان جعفر و حمزه علی مرتضی
در زمین ابطح هر چار تا بخواب بودیم دمی
من ز خواب بیدار گشتم چند ملک دیدم جلی
جبرئیل با سه ملک در نزد من آمد فرود
تا رساند از خداوند اصل فرمان و درود
هر سه بنمودند سؤال از جبرئیل، گو ای نبی
تو فرستاده شدی سوی کدام یک؟ گو بلی
جبرئیل گفتا شدم مأمور بسوی مصطفی
تا رسانم نزد او امر و سلامی از خدا

این محمّد هست بزرگ و خاتم پیغمبران

این علی باشد بزرگ اوصیا در دو جهان

ص: ۳۰۵

در بهشت باشد دو بال سبز ز بهر جعفرم

سید است بهر شهیدان حمزه ام، هست یاورم

آیه را معنا نمودی صادق آل نبی

آیه ی سیزده بود در شأن هابیل ولی

او شهید دست قابیل گشت روزی در جهان

مؤمنی از آل فرعون، صاحب یاسین بدان

آخرین و آیه ی چارده به شأن مرتضی

آمده باشد شهید دست ناپاک جفا

[۲۷] آیه باشد در بیان و وصف اصحاب یمین

گوید اصحاب یمین آیا که باشند خوش نشین

باشند اصحاب امیر مؤمنان در روزگار

بهترین خلق خدایند ربّشان پروردگار

شیعیان اصحاب مولی، اولین و آخرین

پیروان و دوستانش جمله اصحاب یمین

این یمین در آیه باشد مرتضی شیر خدا

راست راست است در ولایت و صف والا لاقتی

گفت ابی جعفر بیانی از امیر مؤمنان

در دوشنبه گشته نازل این نبوت ز آسمان

روز اسلام سه شنبه در یمین مصطفی

اقتداء کردم رسول الله نماز شد پیا

غیر من مردی نبود تا که بپا دارد نماز

من به سمت راست احمد در نماز بودم براز

ص: ۳۰۶

نازل آمد از سما این آیه در توصیف من
آیه نازل گشت برایم از حضور ذوالْمِنَن
صدر اسلام جز محمّد جز علیّ مرتضی
جز خدیجه هیچ کسی پیدا نبودی هر کجا
تا بپا دارد نمازی در حضور کردگار
غرق در شرک و منیت جملگی لیل و نهار
هست مسلمان یک محمّد یک علیّ نامدار
یک خدیجه، دیگران را با خدا کنی بوده کار
یک رسول الله به پیش و یک ولی الله یمین
پشت سر بودی خدیجه از زنان اولین
صف مردان خدا بود از نبیّ و از وصیّ
مصطفی شأن امامت مأمومش بودی ولیّ
صف بعدی بود خدیجه، گویم أمّ الْمُؤْمِنِین
مادر أمّ الْأَئِمَّةِ همسر یعسوب دین
به، بپا گردید نماز و وه، نماز اولی
گشته ایجاد از رسول و از خدیجه و علی
این نماز اصل نماز است جانِ جانان نماز
این نماز با صد نیاز است در گه آن بی نیاز
شأن حق باشد خدائی در همه ملک وجود
کار او هست آفرینش، کار او هست لطف و وجود

او بتنهائی خدائی می کند در هر کجا

خلقت است کارش همیشه او به لطف است و عطا

ص: ۳۰۷

او بیاموزد خدائی بر تمام بندگان

او برد سوی خودش این بندگان را هر زمان

او رساند هر کسی را در گه جود و وجود

او به اسم هایش رساند، باد به اسم هایش درود

او رساند بندگان در حریم ذات پاک نیست از این

بالا بری ها نیست که مشکل نیست که باک

بندگی باشد ز بنده شأن او هست بندگی

بندگی بنده ی حق هست دو صد زیندگی

شأن بنده بندگی باشد به درگاه خدا

با نماز سازد عیان این بندگی را از صفا

با نماز بالا رود معراج ببیناید به شب

رو به معبود می رود با معرفت و با ادب

مقصودش باشد خدا و اسم اعظم از خدا

ذات اقدس غایتش باشد امامش رهنما

پس سلام حق به احمد رهنمای انبیاء

هم سلام حق به حیدر رهنمای اولیاء

هم سلام وهم صلوات خداوند جهان

باد به این جمع نماز خوان رهنمای بندگان

[۳۸-۳۹-۴۰] گوش دل بسیار که تا گویم ز بهرت ای امین

معنی عالی، مناسب دان ز اصحاب یمین

معنايش باشد ز آيه، آيه ي زيبا بيان

باشد اين اصحاب ز مولاييم امير مؤمنان

ص: ۳۰۸

ثُمَّ اَوَّلَ زَادَ تَا بَه خَاتَمَ رَا بَدَانَ

ثُمَّ اَخِرَ بُوَد هَم اَمَتِ اَخِرَ زَمَانِ

ثُمَّ اَوَّلَ بُوَد حَزَقِيْلَ وَ مَرْدَ رُوْزِ گَارِ

مُؤْمِنِي اَز آلِ فِرْعَوْنَ جَلُوْهِي پَرُوْرْدِ گَارِ

ثُمَّ اَخِرَ بُوَد تَكَّ مَظْهَرِ ذَاتِ خَدَا

آن اميرمؤمنان، آن نفس پاک مصطفی

بین که گویم صادقم تاویل نموده آیه را

گفته این ثَمَّ بُوَد جَدَمَ عَلِيٍّ مَرْتَضِيٍّ

پس بگویم باد سلام و باد صلوات خدا

بر محمد باد و آتش، آل اطهار عبا

[۷۷] هست محمد حامل قرآن و قرآن کریم

هست علی آن لوح محفوظ و صراط مستقیم

[۷۸] هم کتابُ الله مَكْنُونٌ هم بُوَد حَقُّ الْيَقِيْنِ

پس همه تسبیح گوئید بِاسْمِ رَبِّ خُودِ مَبِيْنِ

[۹۰-۹۱] گو به اصحاب یمین بادا بشارت بر شما

درامانید و سلامت از همه جور و جفا

جابر بنمود روایت از امام باقرم

او ز باب و جد خود او از رسول انورم

روزی از روزها علی را گفت حیب کردگار

بوجود تو نموده اِحْتِجَاجِ پَرُوْرْدِ گَارِ

احتجاجش بود به وقت خلقت ارواح همه

تا بگیرد عهد و پیمان از همه بی واهمه

ص: ۳۰۹

گفته خلقش را، نباشم من مگر ربّ شما؟

یا نباشد رهبر جمع شماها مصطفی؟

یا نباشد ابن عم من امیر و هم امام؟

هر دوی اول قبول افتاد میان خاص و عام

سومی را سرببیچیدند، نکردند آن قبول

جز قلیلی که پذیرفتند، از آن ها شد وصول

این قلیلند رُوح و رَیحان، هستند اصحاب یمین

این قلیلند پیرو شخص امیرالمؤمنین

پس امیرالمؤمنین است سابقون در هر جهان

اهل عالم مؤمنند و او امیرمؤمنان

باد سلام و باد صلوات از خداوند ودود

بر امیرمؤمنان، نیز از هر آن کس صد درود

۵۷-سوره مبارکه ی حدید

سوره ثی نازل شده نامش بود نام حدید

سوره ثی محکم و نافع نام آهن زان دمید

[۱-۲] سوره گوید هرچه هست تسبیح کنند ذات خدا

مالک آسمان و ارض است این بود رمز بقا

[۳] اول است و آخر است هم باطن است و ظاهر است

خلق عالم را نمود ایجاد یقیناً طاهر است

[۴] استوای عرش و کرسی، آسمان و هم زمین

آن چه از آسمان به زیر آورده است روح الامین

ص: ۳۱۰

معنی سوره به استحکام، محمّد است، علی
هرچه از بالا بیامد زین دو نور گشت منجلی
تا خدا بوده ز اول تا به آخر هست یقین
هم محمّد بوده است هم بود امیرالمؤمنین
آن چه ظاهر شد ز آسمان و زمین و روز و شب
از محمّد ظاهر گشته هم علیّ میر عرب
[۱۲] روزی آید تا بینی مؤمنین و مؤمنات
نورشان از پیش و از راست می رود تا عالیات
می رود تا عالیات و جَنَّتُ الْمَأْوایِ نور
در بهشت جاودان است با دو صد غُلّمان و حور
این بود فوز عظیم و لطف جاوید خدا
یک اثر باشد ز پیروی شاه لافتی
نقل شده از صادق آل پیمبر این خبر
چون شود روز قیامت صحنه ئی گردد نظر
آن زمان باشند امامان در جلوه ی مؤمنین
هم به سمت راست حرکت می کنند مُقَرَّبین
تا که هر مؤمن رسانند منزلش اندر بهشت
جایگاه هر کدام است در تناسب با سرشت
پس امام اول عالم مقدم بر همه
در پی او پیروانش آن گروه ناجیه

جابر م گفت، روزی در نزد رسول الله عیان

بودم و دیدم خطاب کرد بر امیر مؤمنان

ص: ۳۱۱

گفت که آیا مژده گویم من تو را در این زمان
گفت که آری مژده ام ده ای تو ما را جانِ جان
گفت پیمبر، جبرئیل آورد ز نزد ذوالجلال
یک خبر از لطف ایزد متن آن باشد کمال
داده است حق شیعیان و دوستان هفت خصال
هفت خصالش بهر آنان است همه لطف جمال
آن خصال باشند مدارا وقت مرگ هر نفر
انس بوقت وحشت و نوری به ظلمت مستقر
امنیت روز قیامت وقت ترس و اضطراب
وقت سنجش عدل باشد قسط و عدلی بس چه ناب
ششمین باشد عبوری از سر پل صراط
هفتمین باشد ورود اندر بهشت، این است مناط
پس تمام این خصائص بهر دوستی علیست
دوستی مولای عالم بهر هر کس اولیست
[۱۹] آن که مؤمن گشت به الله و رسولش راستگوست
نزد حق باشد ثواب و شاهد و اجر، بس نکوست
آن که کافر گشت به الله و به آیات خدا
آن که تکذیب کرد همه را اجر او روز جزا
آتش دوزخ بود با صد عذاب آتشین
جایگاهش در جهنم، دائماً آتش نشین

آیه اندر شأن مولایم علی آمد نزول

بعد شأن مرتضی هست شأن قائم را حصول

ص: ۳۱۲

باقر علم لُدُن گفتا هر آن کس از شما

او شناسد امر قائم، منتظر باشد لقا

بهر او خیر است، به مثل آن کسی است که با رسول

در جهاد شرکت نموده سعی او باشد قبول

بل قسم بادا بحق، باشد به همراه نبی

آمده در شأنان این آیه با وصف جلی

پس هر آن کس که پذیرفته ولایت را تمام

منتظر باشد ظهور مهدی آخر زمان

آیه در شأنش ظهور دارد با وصف ولا

چون که بوده دوست و پیرو از علی مرتضی

بعد جنگ نهروان و قتل و عام خارجی

بعضیا گفتند خوشا بر حال ما در زندگی

ما همه بودیم کمک کار امیر مؤمنان

در رکابش می زدیم شمشیر به جنگ نهروان

گفت ولی الله قسم بادا به آن دانه شکاف

بروزنده ی نسیم بادا قسم روز مصاف

هست کسانی همره ما که هنوز نیستند جهان

خلق نکرده باب وجدشان خداوند منان

در سؤال گفتند چگونه باشد این امر عجیب

آن که در دنیا نباشد، شاهد و هست او حبیب

او بفرمود جمعیتی باشند در آخر زمان

با ما در این جنگ شریکند، تسلیم مایند چسان

ص: ۳۱۳

در بیان دیگری گفت صادق آل ولا

شیعیان باشند شهید و زنده در هر دو سرا

شد سؤال: گرچه طبیعی میرد و در بسترش؟

با قسم دادی جوابش: اری، گویم خبرش

او بود زنده و در نزد خداوند غفور

رزق خود گیرد ز ریش محضر ریش سرور

پس امیرالمؤمنین است باعث فضل و کمال

باعث شهد شهادت باعث قرب و وصال

[۲۸] مؤمنان، تقوای حق گیرید ز بالا و رسول

جمله گروید بر رسول حق شود ایمان قبول

گر قبول افتد کند رحمت خداوند غفور

رحمت دنیا و عقبا، پرتو ایمان سرور

نور ایمان الهی هست عطای معنوی

تابش نور ولایت از امیر سرمدی

باقر علم کتاب تفسیر نمود آیه چنین

يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ، باشد یقین

هم امام مجتبی و هم حسین نور دو عین

هر دو کفل آفرینش آمده این نیرین

جمله ی يَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ را نگر

باشد معنایش، امام عادل و امن است، گهر

آن امام عادل و به، هست امیر مؤمنان

غیر از این تفسیر ندارد آیه در حد توان

ص: ۳۱۴

حضرت صادق همین را گفته است در محفلی

گفته کفّیلین است حسن و هم حسین بن علی

نور، امیرمؤمنان است نور هر دو عالمین

مظهر این نور کند روشن نگر تو مشرقین

۵۸-سوره مبارکه ی مُجَادِلَه

[۱] سوره نئی از سوره ها آمد به نام، مُجَادِلَه

تا نبیّ ابلاغ نماید یا شود مناظره

[۲] این جدال و این تشاجر شکوه ها و مشکلات

جلوه هائی از جلال است آمده با هیئات

هرچه هست نازل شده هم از جمال و هم جلال

نازل از مولی علیّ و هم ظهور آمد ز آل

[۱۲] آیه ی نَجْوِی بود از سوره ی مجادله

در عدد باشد دوازده باشد ابلاغ بر همه

دائماً بودند حضور مصطفی جمعی زیاد

در سؤال بودند همیشه و سؤال بی نهاد

هیچ نبود از بهر این جمع نفع دنیا، آخرت

این ثقیل بود بر پیمبر هم به اهل معرفت

آیه ای آمد به قرآن، کس نکرد بر آن عمل

هم به آینده نخواهد کرد عمل تا لَمْ یَزَلْ

آیه گفتا: مؤمنان، در وقت نجوای رسول

از خود پردازید صدقه تا شود نجوی قبول

ص: ۳۱۵

جز علی هیچ کس نکرد بر آیه ی نجوی عمل

عامل آیه علی باشد همین گشته مثل

داشت علی از مال دنیایش یکی دینار تمام

دینار را بفروخت به ده درهم که تا گوید کلام

روزی یک درهم بدادی بهر نجوای نبی

مدت ده روز بگفت راز با رسولش این وصی

[۱۳] بعد ده درهم و ده روز نسخ آیه شدن عیان

ناسخش هست آیه ی بعدی تو این را هم بدان

پس عمل ننموده به این آیه کسی جز مرتضی

شد ز انجام عمل خوشنود رسول مصطفی

[۲۲] ای رسول آن کس که دارد بر خدا ایمان و دین

هم بود ایمان او بر آخرت هم مرسلین

مؤمنین دوستار الله هم رسول و هم امام

قلبشان مملو ز حبّ این عزیزان است مدام

رستگارانند به دنیا و به عقبا و بهشت

هم خدا راضی است ز آنان هم سعادت سرنوشت

هم رضایند از خدا و هم بوند حزب خدا

حزب الله رستگارند پیرو شاه ولا

مؤمنان با این همه عز و شرف دارند امیر

آن امیر اسم الهی است شیعیانش مُسْتَنَبِر

آن امیر دوست خدا و ہم رسول عالمین

صاحب جنات تجری قاسم نار و سجین

ص: ۳۱۶

آن امیر از حق بود راضی خدا از او رضاست

او بود حزب الهی مُفْلِحِ راه خداست

یک سخن باشد ز سلمان، گفت به مولایش علی

محضر احمد رسیدم با کمال خوشدلی

دست خود بر کتف من زد با اشاره به شما

گفت که ای سلمان فارسی خوب بدان این ماجرا

گفت نگر که این علی و حزب اویند رستگار

رستگاری بُرد دنیاست و رضای کردگار

۵۹-سوره مبارکه ی حَشْر

[۱] سوره ی حَشْر آمده بر خاتم پیغمبران

از دیار خود برون سازد جمیع کافران

[۲] حشر و اخراج همه اهل کتاب شد اولین

مرتبه، با دست و بازوی امیرالمؤمنین

[۷] مال و املاک همه باشد ز حق و از رسول

هم ز حیدر هم ائمه هم ز زهرای بتول

هم یتیمان و فقیران هم همه رهگذران

بهر تبلیغ و مبلغ بهر اسلام و ایمان

ذیل آیه صادقم گفت هر چه داده است خدا

به رسولش، داده است نیز مثل آن ها را به ما

گفت امیرالمؤمنین تفسیر آیه را چنین

وَاتَّقُوا اللَّهَ، بپرهیزید ز ظلم های سنگین

ص: ۳۱۷

ظلم بر آل محمد ظلم سنگین و شدید

یک چنین ظلمی به عالم تا به حال هیچ کس ندید

این بدانید که خداوند قهار ذوالجلال

ظالمین بر حقوق آل احمد را بحال

او عذابی بس شدید از بهرشان دارد بجا

ظلم بر آل محمد کی روا دارد خدا

[۹] صادق نسل علی در شأن آیه

گفت چنین

هیچ نبود چیزی به خانه ی امیرالمؤمنین

خاتم پیغمبران دادی به دست مرتضی

دیناری را تا نماید ابتیاع نان و غذا

گفت علی جان رو تهیه کن طعام بر منزلت

سیر نما از آن طعام اهل و عیال محفلت

چون علی شد خارج از بیت رسول، مقداد بدید

مقداد را دیدی نیازمند گشت سخاوتش پدید

داد علی دینار به مقداد و به مسجد شد روان

سر نهاد بر روی خاک در گوشه ی مسجد چنان

خاتم پیغمبران آمد به مسجد دید علی

او بخواب است و نمود بیدار به آواز جلی

گفت علی جان تو چه کردی آیه از بهرت نزول

هرچه کردی کارهایت جملگی گشتند قبول

گفت علی: از محضرت خارج شدم من همزمان

دیدم مقدار را نیازمند و ندارد او توان

ص: ۳۱۸

دادم دینارم به او بهر خدای مهربان

تا نیاز خود برآورده کند حد امکان

گفت پیمبر جبرئیل دادی خبر از کار تو

با خبر بنمود مرا از کار و از ایثار تو

بهر تو بنوشت خدایم آیه ی و يُؤْتِرُونَ

تا به آخر هم، فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

شان آیه طرز دیگر در روایت آمده

این چنین از این روایت در درایت آمده

در شبی مرد فقیری او به مسجد کرد سؤال

مصطفی گفتا کسی هست سیر کند او بی ملال؟

برد علی او را به خانه گفت به زهرا تا غذا

آورد از بهر مهمان سیر کند بهر خدا

فاطمه گفتا طعام اندک بود ای مرتضی

هم حسن و هم حسین باشند گرسنه هر دو تا

روزه داری تو در این وقت، وقت افطارت بود

بهر یک کس این طعام است بین سزاوارت بود

گفت علی ای فاطمه رو تو طعام حاضر نما

کرد چراغ خاموش طعام در نزد مهمان است بجا

با بهانه آن چراغ اصلاح کند در طول وقت

هم بجنباند دهانش تا نگردد کار سخت

چونکه مهمان خورد طعام و گشت چراغ روشن به شب

دیده شد باشد طعام بر جای خود باقی، عجب!

ص: ۳۱۹

گفت به مهمان شاه مردان پس چرا باقی است طعام؟

پس چرا مصرف نداری سیر نما خویش را ز شام

در جواب گفتا که سیر گشتم من این دم زین غذا

گر چه باشد این غذا در جای خود این دم بجا

هم علی و فاطمه و حسنین فضا دگر

هم همه همسایگان سیر گشتند از آن پر ثمر

بعد از آن که گشته اند سیر جملگی از آن طعام

بود بجا باقی هنوز ظرف طعام به نام جام

صبح فردا نزد حضرت رفت شه ملک ولا

حضرتش گفتا علی جان شب چه کردی با غذا

گفت برایش از چراغ و جنبش لب و دهان

از برکت طعام و جملگی خوردند از آن

آن که ایثار کرد طعامش، در خیر شد جبرئیل

آیه ئی آورد ز درگاه خداوند جمیل

آن که ایثار کرد علی بود و نمود کاری عَجَب!

در خور تحسین علی بود تحسینش آمد ز رب

یک طعام مختصر جمعی گرسنه سیر نمود

از طعام باقی بماند مقدار اول در شُهود

گفت امیر مؤمنان آیا چه کس اعلام نمود

گفت پیامبر: جبرئیل این چنین صحنه ستود

بعد اعلام حکایت نازل آورد آیه را

آیه ی ایثار بیاورد بهر آقا مرتضی

ص: ۳۲۰

شأن آیه آمده بین با طریق دیگری
هست قرین با این طریق اما نه رأس و پیکری
چون قرین باشند، بماند، بس بود این آیه را
تا که طولانی نگردد بحث ما، باشد صفا
[۲۰] اهل آتش کی مساوی باشند با اهل بهشت
هست ز بهر اهل جنت رستگاری سرنوشت
هست روایت از علی بن ابی طالب چنین
روزگاری کرد قرائت آیه ختم المرسلین
بعد بگفت اهل بهشت آن کس بود در روزگار
می کند از من اطاعت بنده ی پروردگار
بعد من باشد مطیع حیدر کرار علی
هم کند اقرار ولایت هم پذیرد این وصی
آن که قهر است با ولایت آن که پیمان شکند
آن که بعد از من کند جنگ با علی، فتنه دمد
اهل آتش باشند این ها، مردمان نابکار
از گناه و معصیت هرگز ندارند ننگ و عار
با قسم گفتا رسول الله که این شخص علی
با تمام شیعیانش در قیامت هست جلی
رستگارانند علی و شیعیانش جملگی
بهترین خلق خداوند در مقام بندگی

این علی اول کسی است آورد به من ایمان پاک

با وفا باشد به عهدش از تمام روی خاک

ص: ۳۲۱

در همه چیز برترین باشد که گفتم از شما

در عدالت هم بود عادل ترین خلق خدا

وقت اجرای عدالت در میان بندگان

هم به وقت تقسیم مال بین این خورد و کلان

او بود عالی ترین و او بود هم برترین

او به درگاه خداوند در مزیت اولین

در بیان دیگری گفتا به زهرای بتول

دخترم، گریان مباش بهر علی نفس رسول

وقت مردن این علی همراه من باشد یقین

وقت بعثت هم بود همراه من روی زمین

فاطمه گریان مباش باشند علی و شیعیان

رستگاران جهانند جایشان باشد جنان

صد سلام و صد صلوات از خداوند وحید

باد به احمد باد به حیدر، مثل این دو نافرید

[۲۲] او بود الله تعالی نی بود جز او خدا

او بود دانای آشکار و نهان در هر کجا

او بود رحمان دنیا و رحیم آخرت

او بود الله هستی نی بود او را کثرت

[۲۳] او بود که اسم او مَلِکْ قُدُّوس و سلام

مُؤْمِن و مُهَيِّمِن است عزیز و جبار است بنام

[۲۴] او خدای خالق باری مُصَوِّر اسم اوست

اسم های خوب و زیبا و کمال او را نکوست

ص: ۳۲۲

اسم حُسْنای الهی عصمت است و هم امام

باد به اسم های مقدّس صد درود و صد سلام

رأس اسم های نکو باشد امیرالمؤمنین

نی بود اسمی جدا از ذات، بگو با صدیقین

۶۰-سوره مبارکه ی مُمْتَحَنَه

[۱] سوره ی مُمْتَحَنَه آمد ز بهر امتحان

تا شود معلوم میان دوست و دشمن هر زمان

موردش باشد تَوَلّی و تَبَرّی را نشان

دوست دوستدار علی دارد تَوَلّی را عیان

دشمنی با دشمن او هست تَبَرّی را بجا

پس تَوَلّی و تَبَرّی هر دو آمد یک صدا

[۶] گر تَوَلّی و تَبَرّی را بخواهی در عمل

سید عالم تو را الگو بود در هر محل

او علی را نفس خود خواند، خواند خداوند آیه اش

او علی را از خودش دانست روایت مایه اش

او بگفت هر کس علی را دشمن است، باشد یقین

دشمن شخص خداوند است مکانش آتشین

[۱۲] صادقم گفتا که اول زن نمود هجرت عیان

فاطمه بنت اسد بود ما در آن جانِ جان

مادر والا مقام نفس احمد مرتضی

او نمود هجرت ز مکه رو به سوی مصطفی ﷺ

ص: ۳۲۳

تا مدینه آمد از مکه پیاده فاطمه

بهترین خیرخواه ز بهر مصطفی بود از همه

آیه ی بیعت بیامد از سما اندر نزول

تا زنان مؤمنه بیعت نمایند با رسول

اولین مؤمنات بود فاطمه بنت اسد

مادر پاک علی کرد دین اسلام را مدد

اولین زن که نمود بیعت یقین با مصطفی

فاطمه بنت اسد بود مادر شیر خدا

فرزند دلبنده این زن دائماً بود با رسول

حامی پیغمبر و قرآن و دین، سعیش قبول

۶۱-سوره مبارکه ی صف

[۱] سوره صف گشت نازل و صف صف ها در جهاد

لشکر مولی علیّ مانند سدی از فولاد

در صف جنگ چشم ها بر شاه مردان دوخته اند

پایداری در ره دین از علیّ آموخته اند

[۴] آیه می گوید خداوند زمین و آسمان

بس فراوان دوست دارد صف به صف جهادیان

میرمیدان جهاد باشد امیر مؤمنان

فتح هر میدان به دستش، هست خدایش شادمان

فاتح میدان جنگ و میر کرار است علیّ

مصطفایش دوست دارد، مرتضایش هست وصی

ص: ۳۲۴

ابن عباس گفته در شأن علی آیه نزول
آمده، تا که بدانند نزد حق باشد قبول
هست قبول حضرت حق جمله کارهای علی
حق نموده این علی را بر تمام خلق ولی
آیه در شأن علی و حمزه آمد از سما
این اسدالله غالب آن اسد مصطفی
شیر حق باشد علی و شیر احمد حمزه دان
باد سلام حضرت حق بر امیر مؤمنان
خطبه ئی غرا بیان داشت مرتضی روز غدیر
خطبه ئی طولانی و عالی و بودی بی نظیر
در میان خطبه بنمودی سؤالی از همه
خود جواب آن سؤال دادی بدون واهمه
در سؤال گفتا سبیل الله که باشد، مردمان؟
گر کسی داند بگوید تا بدانم این زمان
کس نداد بر پرسش مولی جوابی دلپسند
خود جواب دادی، جوابی پر ز معنا و بلند
گفت سبیل الله طریق الله صراط الله منم
گشته ام منصوب ز بعد مصطفی تاج سرم
گشته ام منصوب که تا بعد نبی مجتبی
پیرو فرمان من باشند همه خلق خدا

پس سبیل اللہ منم باشم صراط مستقیم

جنگ ز بهر من نمائید تا رسید بر آن نعیم

ص: ۳۲۵

جنگ ز بهر من نمائید تا که دوست دارد خدا

هر جهاد گر را فراوان هم بدارد دوست شما

[۶] عیسی مریم بداد مژده به اسرائیلیان

بعد من آید رسولی خاتم پیغمبران

نام زیبایش به انجیل احمد است آن خوش نسب

او بود جلوه ی اخلاق الهی و ادب

هست وصی بعد او مولی امیر مؤمنان

او امیر هر چه مؤمن باشد اندر این جهان

او خلیفه ی بلافضل محمد هست یقین

نام زیبای جهانش امیرالمؤمنین

[۸] هر امام از مصطفی تا مهدی موعود ما

باشد نور حق تعالی در زمین و در سما

نور حق روشن بود در آسمان و در زمین

هم کند آسمان روشن هم زمین و مؤمنین

هر که خواهد تا کند خاموش همه نور خدا

حق کند نورش تمام، خاموش نگردد هر کجا

باشد این نور، نور عظمای ولایت در جهان

هست ظهور حضرت حق، دان امیر مؤمنان

راوی از معصوم سؤال بنمود ز تفسیر کلام

آیه ی هشتم ز صَفِّ بر گوچه باشد ای امام؟

در جواب گفتا امام، دارند اراده بعضیا

تا کنند نور ولایت از علی خاموش، دغا

ص: ۳۲۶

لَيْكُكَ اِمَامَتِ نُوْرٍ بُوْدِ اَنْ رَا كُنْدُ كَامِلُ خُدَا

گَرْ چِه كَافِرِ خُوْشِ نَدَارْدِ اَنْ عُلُوْ كَبْرِيَا

پَسِ عَلِيْ اَوَّلِ اِمَامِ نُوْرٍ اَتَمُّ بَاشْدُ يَقِيْنِ

اَوْ بُوْدِ نُوْرِ خُدَا وِ اَوْ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ

۶۲-سوره مبارکه ی جمعه

[۱] سوره ی جمعه بیامد از سماوات عُلَا

بِهْرِ پِيْغَمْبَرِ كِه تَا تَسْبِيْحِ كُنْدُ بَهْرِ خُدَا

سَيِّدِ رُوْزَهَا بُوْدِ جَمْعَه بِيَاْمَدُ دَرِ خَبْرِ

خَاتَمِ پِيْغَمْبِرَانِ اسْتِ سَيِّدِ نُوْعِ بَشَرِ

سوره ئی در نام سَیِّد، بهر سَیِّد نازل است

ذِكْرُ وَ تَسْبِيْحِ اِلٰهِيْ خُلُقِ وَاِلَا شَامِلِ اسْتِ

هَرِ وَصِيْ رَا سَيِّدِ اسْتِ اَقَا اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ

جمعه را هم جمع نموده از فضیلت ها عیان

[۴] هست ولایت فضل والای خدای مهربان

می دهد بر هر کسی دارد لیاقت بهر آن

صَادِقِ عِلْمِ لَدُنْ تَفْسِيْرِ نَمُوْدِ اَيَهْ چِنِيْنِ

گَرِ بَغُوِيْنِدُ چِنْدُ نَفَرِ فَضْلِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ

يَكُ وِ دُوْ وِ سَهْ نَفَرِ اَزْ فَضْلِ اَهْلِ بَيْتِ پَاكِ

گَرِ بَهْ ذِكْرِ اَرْنَدُ، بَغُوِيْنِدُ بَهْتَرِيْنِدُ رُوِيْ خَاكِ

مُطْلَعِ گَرْدَنْدُ مَلَائِكُكَ دَرِ مِيَاْنِ اَسْمَانِ

که قلیلی ذکر کنند آل محمد را چنان

ص: ۳۲۷

گویند بینید این اقل با دشمنانی بس کثیر

وصف آل مصطفی گویند همه باشند بصیر

دسته ی دیگر بگویند در جواب خوشنوا

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ

هست خداوند صاحب فضل بزرگ در روزگار

می دهد بر هر که خواهد هیچ نیارد در شمار

[۹] جابرم گوید شبی در محضر باقر عیان

بودم و خواندم ز جمعه آیه ئی را پر توان

آیه ی نهم بخواندم محضر علم کتاب

باقر علم کتاب بنمود سؤالم با صواب

گو چرا که روز جمعه، جمعه نامیدند عیان؟

گفتم خود فرما برایم تا بدانم سِرّ آن

حضرتش گفتا یکی تأویل، بزرگ سنگین و ناب

سِرّ این که جمعه را جمعه بنامند با نصاب

در چنین روزی خداوند جمع نمود خلق جهان

اولین و آخرین و هم ملائک، انس و جان

جمع نمود تا گیرد میثاق از همه خلقش عیان

عهد و پیمان به ربوبیت حَیِّ مُشْتَعَان

عهد و پیمان به نبوت رسول عالمین

عهد و پیمان به ولایت امیرالمؤمنین

نام این روز گشته جمعه سیدّ الایام بود

نام عالی پر مُسما خاصه ی اسلام بود

ص: ۳۲۸

۶۳-سوره مبارکه ی منافقون

[۱] سوره ئی آمد ز بالا نام آن مُنَافِقُونَ

تا به احمد با علی گوید که آنانند ملعون

آیه را تفسیر نمود آن کاظم ملک وجود

هر که خواند آیه و تفسیر او، گیرد صعود

گفت هر آن کس پیرو احمد نباشد در ولا

حق، منافق نامد او را او به آتش مبتلا

هر که انکار امامت وصی مصطفی

داشته باشد هست منکر شخص ختم انبیا

آیه نازل گشته تا گوید محمد را عیان

آن چه از بهر ولایت گفته اند منافقان

آن نفاق گویند شهادت می دهیم بهر نبی

تو پیامبر باشی و باشد ولایت از علی

این خدا باشد که داند این توئی پیغمبرش

هم شهادت می دهد او این توئی در محضرش

این خدا باشد شهادت می دهد منافقان

کذب بگویند در ولایت امیرمؤمنان

پس رسول الله بود پیغمبر خاتم یقین

هست وصی بر حقش مولی امیرالمؤمنین

۶۴-سوره مبارکه ی تَغَابُن

[۱] سوره ئی از سوره ها باشد تَغَابُن نام آن

هر منافق آورد کم هرچه بیشتر کنده جان

دشمن مولی علی باشند منافق ناصبی

دوست او مؤمن، مسلمان هر حلال زاده بلی

[۸] گفت مُحَدِّثِ حَدِيثِ، چیزی که باشد باورم

کرده تفسیرِ کلامِ حق امام باقرم

با قسم ها گفت، بود نور، نور آل احمدی

تا قیامت در ادامه باشد و بل سرمدی

با قسم گفتا، ائمه نور حق باشند یقین

نازل گشتند از سماوات آمدند روی زمین

نور حق باشند به آسمان و زمین و هر کجا

آمدند تنزیل ز بالا جملگی نور خدا

نور پر نور امام است در دل مؤمن یقین

بنده ی مؤمن درخشد نور خورشید مبین

نور قلب مؤمنین نورانی از شمس و نهار

این بود لطف و عنایت از جناب کردگار

قلب آن کس که ندارد حبّ آل مصطفی

نور ندارد، باشد تاریک و ندارد آشنا

آن که قلب پاک و پاکیزه ندارد در جهان

دوستی با آل محمد نیست ز بهرش ارمغان

ص: ۳۳۰

او که تسلیم ولایت گشت خداوند یاورش
در امان است در قیامت در کنار کوثرش
آن که دارد حبّ مولایم علی روز جزا
جام آب کوثری گیرد ز دست مرتضی

۶۵-سوره مبارکه ی طلاق

[۱] سوره ئی آمد ز بالا نام آن باشد طلاق
حکم آن آورد ز بالا تا که باز گردد وثاق
بر نبیّ آمد ز بالا حکم آن است بر زبان
تا که بگشاید گره آزاد شوند آن بانوان
روزی از روزها علیّ با بیل خود مشغول کار
ناگهان زیبا زنی را دید، ندیده روزگار
گفت اگر خواهی خلاص از زحمت دوران بیا
ازدواج کن با من زیبا که تا یابی نوا
در گمان آمد علیّ را این بُصینه است گوئیا
یک زن زیبا، جوان و مالدار و پربها
گفت تو کیستی تا تو را باشم من این دم خواستگار
بهر ازدواج بیایم خانه ات یا آن دیار
گفت ندارم خانه ای من، نی بود بهرم پدر
تا بخواستگاری بیائی منزل ما ای بشر
ای علی هستم من دنیا، آن هم دنیای قشنگ

هر کسی دیده مرا، کوشیده است آرد بچنگ

ص: ۳۳۱

چون شنید دنیا است این زن، پر فسون و پر فریب
هر کسی کوشش کند بلکه بیابد زان نصیب
بیل خود از دست خود سویش فکند و گفت که رُو
غُری غُبری، وصلت هر گز نیرزد چند جُو
رُو، اگر تو جملگی را گول زدی این هم بدان
کی توانی داد فریب نفس علی را هیچ زمان
بعد بفرمود، من سؤال دارم ز تو ای پر فریب
با تمام شوهران خود چه کردی؟ بی نصیب
در جواب گفت یا علی، هر کس بیامد در پیم
با امید آن که وصلت می کند، آن من نیم
تشنگان دنیوی بودند همه در پی آب
با لب تشنه بمردند، هر چه دیدند بود سَراب
جملگی ناکام برفتند زین جهان، گشتند هلاک
کامی از دنیا ندیدند و برفتند زیر خاک
گفت علی: احمق ترین مردم، کسی است با این حساب
هست امیدش کام گرفتن از تو، تا گردد کامیاب
لیکن مولایم علی دادی به دنیا سه طلاق
این عجوزه هیچ ندارد همره خود جز نفاق
[۱۰] گفت رضایم: ذکر، رسول الله بود ما اهل ذکر
این بود در متن قرآن از برای اهل فکر

پس رسول الله بود ذکر و علی هم اهل ذکر

این نداند هیچ کسی جز صاحبان فکر بکر

ص: ۳۳۲

[۱] سوره ی تحریم بیامد نازل بهر مصطفی

کی حرام گیرد بخود آن چه حلال کرده خدا

مصطفی بر خود حرام کرد، مرتضی داد سه طلاق

حق زن با حق دنیا داده اند حقِ صداق

[۳] مصطفی را آن دو زن آزار بدادند هم زمان

مرتضی بس دل غمین شد زین اذیت ها به آن

[۴] گر به آزارش بیفزایند بدانند هر دو تا

یاور و یار پیمبر هست یقیناً آن خدا

یار پیغمبر بود جبریل و هم فرشتگان

هم بود آن مرد صالح آن امیرمؤمنان

صَالِحُ الْمُؤْمِنِینِ بود یار وفادار نبی

صَالِحُ الْمُؤْمِنِینِ یقیناً ابن عمران است علی

راوی گفتا وقت رحلت آن رسول عالمین

دستش اندر دست من بود، بود همه دل ها غمین

گفتمش بعد تو باشد چه کسی ما را پناه

تا بگیرد دست ما و ما نیفتیم قهر چاه

گفت بود حق تعالی و ز بعد او وصی

هست وصیِّمِ صَالِحِ الْمُؤْمِنِینِ شه مردان علی

جعفر صادق بفرمودی پیمبر گفت دو بار

در شناخت حیدر کرار به اصحاب کبار

ص: ۳۳۳

بار اول گفت که آیا دانید مولی بعد من

کیست؟ بگفتندی خدا داند، رسول مُمْتَحَن

گفت خدا گفته که مولای شما باشد خدا

جبرئیل و صالح مؤمن علی مرتضی

بار دوم در غدیر خم به زیر آفتاب

خطبه ئی غرا بخواندی بس چه لازم با صواب

وقت گفتن، مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَاوَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

[۸] آیه در شأن علی نازل بگشته آن زمان

تا بگوید نور مؤمن هست وسیع تا آسمان

نور مؤمن از مقابل هم یمین سوی خدا

می رود از عالم خاک تا رسد فوق سما

هست علی، مؤمن، امیرمؤمنان و نور آن

وسعتش از فوق عرش و ذات اقدس در نشان

۶۷-سوره مبارکه ی مُلک

[۱] سوره ی مُلک آمده بهر نبی خوش لقا

اولش تعظیم و تکریم است ز اوصاف خدا

[۲] آن خدای خالق موت و حیات و آن عزیز

در میان خلقت خلق هیچ تفاوت نیست تمیز

[۳-۴] ای بشر دقت نما و کن دوباره خوب نظر

هیچ فطوری نیست در عالم، آری، اِرْجَعِ الْبَصَرَ

ص: ۳۳۴

چشم دل بگشا و باطن بین تو ای نیکو لقا

والی مُلک و مَلکوت بین شه مُلک ولا

دائماً مُلک و ملکوت هست به دو دست خدا

هر دو دست های خدا باشد علی مرتضی

[۳۰] بین بود آب گوارا مهدی موعود ما

آب حیات عالم است جمله بنوشند زان عطا

صبحگاه زندگی این آب فرو رفته زمین

تا به کی آید برون و نوش کنیم ماءِ معین

غیبت صغرا و کبرا معنی آیه بود

هست امید، جو شد ز هر جا عالم مایه بود

بعد جوشش جاری گردد مایه ی آب حیات

هر کجا و هر چه باشند، جملگی آیند نجات

آن زمان آب گوارا جاری باشد در زمین

پاک شود روی زمین از ظلم و جور ظالمین

این زمینی که پر از ظلم و ستم گشته عیان

پر شود از عدل و داد و همچنان است جاودان

باشد این ماءِ معین فرزندِ دهم از علی

جانشین است بهر پیغمبر بود او را وصی

۶۸-سوره مبارکه ی قلم

سوره ثی از سوره ها نازل شده نامش قلم

بهر بنوشتن پیامد تا زند لوح را رَقَم

ص: ۳۳۵

[۱] اولین خلق خدا باشد قلم در این جهان

این قلم باشد رسول الله بیامد ز آسمان

این قلم بنوشت به لوح و لوح محفوظ است علی

بعد پیغمبر امام است بهر امت هم وصی

رمز سوره نون باشد نون بود اسم خدا

هم بود اسمی ز نور و نور بود از مصطفی

نون بود نامی ز ناصر، ناصر حق مبین

نون ناصر، لوح نور باشد امیرالمؤمنین

نون، قَسَم آمد قلم با آن چه آن بنوخته است

این قلم بر سینه مولی علی نگاشته است

در شبی گفتا هزاران باب ز علم و باب آن

شد گشوده بهر من باب های بی حد زان عیان

این که گفتیم احمد مختار قلم باشد، بدان

خلق اول هست رسول الله خودش بنمود بیان

گفته اول نور من بنموده خلق حی حمید

بعد ز نور من خداوند هم علی را آفرید

موسی جعفر بفرمود نون بود اسم رسول

هست قلم اسم امیرمؤمنان، باشد قبول

این بیان دیگری است و جای خود دارد بیان

وحدت شخصیه آید تا کند معنا عیان

در بیان دیگری گفتا، علی و من دو تا

نور واحد نزد حق باشیم، نباشیم ما جدا

ص: ۳۳۶

شهر علم و شهر حکمت این منم در روزگار

هست علی بن ابی طالب در شهر پایدار

شهر علم است مصطفی و باب آن شهر است علی

هر که در شهر وارد آید از درش گردد جلی

غیر از این وارد نگردد شهر را هیچ وقت و زمان

دائماً در خارج اسلام بماند بی نشان

انتهای خارج اسلام بود بعد از خدا

دوری از رسول رحمت آن رسول مجتبی

جایگاهش در جهنم آتش قهر خدا

تا ابد باشد در آتش از عذاب بُود رها

[۴] ای رسولاً إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ

این توئی خُلق خدائی و بود خُویت کریم

نفس تو باشد علی بن ابی طالب یقین

خُلق و خُویش نازل تست او تو را باشد قرین

[۵-۶] از رسول الله سؤال شد: گو چگونه هست علی

در جواب فرمود: علی باشد به خوبی ها جلی

از شماها هست علی اقدم به اسلام و ایمان

دانشش افزونتر و بُردبارتر از کل جهان

خشم او بهر خدا باشد شدیدتر از همه

دانشم آموخته ام بهرش بدون وا همه

رازها نزدش سپردم او بود بهرم وکیل

جانشینم هست به عالم خود بود این هم دلیل

ص: ۳۳۷

در میان امتم باشد ز بهر من امین

بهر عالم هست یقیناً او امیرالمؤمنین

از قریش بعضی بگفتند که رسول الله زیاد

مدح کند شخص علی را در ظهور و در نهاد

پس علی داده فریب او را در این عصر و زمان

هر زمان وصف علی را با چه شور آرد زبان

این زمان آمد دو آیه بر رسول مجتبی

هم تو و هم دشمنان تو ببینید ماجرا

خوب ببینید که کدام یک از شما شوریده اند

تو که عقل محض و آنان راه جهل پوییده اند

بهر گفتار پلیدی از نفاق و جاهلین

آیه ی اول ز سوره تا به سیزده نازنین

[۵۱-۵۲] راوی گوید کاروان بردم به مکه در سفر

بوده ام در خدمت ششم امام قرص قمر

چون رسیدیم ما به مسجد، مسجد خم غدیر

جانب کوه، سمت چپش کرد نظاره بس کثیر

او بفرمودی که این جا جای پای احمد است

جای ابلاغ ولایت هم ندای احمد است

او در این جا گفته هر کس من بوم مولای او

هست ز بعد من علی مولای او، بسیار نکو

بعد از آن بنمود نظر بر جانب دیگر گران

گفت که این جا جای خیمه از ابی فلان، فلان

ص: ۳۳۸

چون بدیدند مرتضی را روی دست مصطفی

بعضیا گفتند به چشمش بنگرید ببینید نما

هر دو چشمانش زنده دور همچو مجنون بلا

بنگرید چشمان او و بنگرید از او لقا

چون چنین گفته خبیث کافران در آن زمان

جبرئیل شد نازل و آورد ز قرآن آن چنان

آیه ی: **وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا**

لِيُلْقُوا عَلَيْكَ رَبِّبَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا

هست جنون، دیوانگی مخصوص کفار عنید

جز جنون و ابلهی وصف دیگر را هیچ ندید

هست پیمبر عقل کل، علم تمام و معرفت

بعد او باشد علی افضل، نگر از هر جهت

ذکر بود مولی امیرمؤمنان بهر جهان

اهل عالم یاد کنند مولی امیر مؤمنان

۶۹-سوره مبارکه ی حاقه

[۱] سوره ی حاقه بیامد بر همه مُلک جهان

ما چه دانیم حاقه را، باشد زمین یا آسمان؟

[۳-۴] گفت به ما قرآن، ندانید حاقه چیست و در کجاست

حاقه نامی است از قیامت بس شکننده، بلاست

حاقه باشد یک ظهوری از جلالت علی

آن که ندارد ولایت بهر اوست بد منزلی

ص: ۳۳۹

آن که باشد با ولایت می رسد حَقُّ الْيَقِينِ

تسبیحش ذکر خداوند عظیم است در زمین

[۱۲] راوی از قول امام باقر و او از علی

نقل نموده: این منم از بعد پیغمبر ولی

گفته است باشم من این دم اُذُنُّ وَاَعِيَه

گوش شنوای هوشمندان عالم عالیه

ابن عباس از رسول الله بگفتی يك خبر

وقتی نازل آمد این آیه برای پیغمبر

گفته پیغمبر، دعا کردم و گفتم ای خدا

تو قرار ده وَاَعِيَه گوش علی مرتضی

بعد از دعای من هرچه شنید و حفظ نمود

هرچه را بشنید نمود حفظش و بعضی را سرود

۷۰- سوره مبارکه ی مَعَارِج

[۱] سوره ئی از سوره ها آمد مَعَارِج از سما

در عذاب افتاد سائل، رد نمود اصل ولا

بر خلافت نصب نمود اندر غدیر خم نبی

میر میدان فتوت شاه مردان را علی

چون بیامد در مدینه، جاهلی پرخاش نمود

زین گزینش در غدیر خم همه ما را چه سود

[۲] گفت به پیغمبر که خود کردی چنین یا گفت خدا؟

گر خدا گفته، بخواه تا سنگ بیاید از بالا

ص: ۳۴۰

بر سرم کوبد شوم کشته بیفتم بر زمین
تا نبینم این وقایع، زیر خاک گردم دفین
خود تقاضا کرد ز درگاه خدای کردگار
گفت خدایا، گر که حق گوید رسولت هست فشار
سنگی از آسمان فرست یا یک عذاب دردناک
بر سرم بر خورد نموده و بیفتم روی خاک
[۳] گشت دعایش مستجاب، سنگی ز بالا شد روان
بر سرش کوبیده شد و بود ز بهرش بس گران
چون تقاضا کرد بیامد سنگ سنگین از سما
بر سر او کرد اصابت فرق او گردید دوتا
دشمن خاص ولایت سرنگون شد روی خاک
رهسپار آتش دوزخ شد و گردید هلاک

۷۱-سوره مبارکه ی نوح

[۱] سوره ی نوح نازل آمد بر محمد از سما

تا نماید قصه ی نوح را بیان پرماجرا

انبیاء و نوح پیغمبر، امیر المؤمنین

جملگی خوانند مردم سوی خلاق مبین

[۲۸] تفسیر آیه چنین باشد که نوح انبیا

داشت دعای خیر ز بهر والدینش از صفا

گفت پیامرز ای خداوند هم من و هم والدین

مؤمنين بيت من هم مؤمنان نور عين

ص: ٣٤١

غیر اینان ظالمند و ظالمان باشند هلاک
بر عذابشان بیفزای، نیست مرا یک ذره باک
تأویل آیه چنین باشد به نزد صادق
صادق آل ولایت، فهم او را ناطقم
گفت بود بیت در این جا هم به معنای ولا
آن که داخل در ولا شد آمد بیت انبیا
مؤمنین تأویل شده باشد امیرمؤمنان
مؤمنات باشد فقط زهرای اطهر هر زمان
قصد نمود از ظالمین، در آخر آیه بجا
ظالمین آل احمد دشمن آل عبا
ظالمین عترت طاها ستمکاران دون
غصب نمودند حق حتمی ولایت تاکنون
آفت ظلم به ولایت باشد در کل جهان
ظلم و جور عالم گرفته از زمین تا آسمان
این همه خون ریزی و قتل و جنایت در زمین
باشد از غصب خلافت غاصبینش آتشین
گر نمی شد غصب خلافت، عالم ملک وجود
نور و رحمت بود سراسر باد به مولی صد درود
عالم دنیا بهشت بود و سراسر در نعیم
مردم روی زمین اندر کرم بودند کریم

جملگی با هم برادر جمله دوست همدگر

جملگی با هم برابر جمله پر بار و ثمر

ص: ۳۴۲

حق هر کس بود رعایت خون هر کس بود امان

آبرو محفوظ بماند و حفظ ناموس، حفظ جان

در کرات بودند همگی مردمان در زندگی

در صعود بودند به آسمان در مقام بندگی

بلکه گویم بهتر از این، جملگی مردمان

زندگی داشتند همگی در میان آسمان

آسمان ها جایگاه زندگی بودند همه

گویم این حرف بلند و هیچ ندارم واهمه

چون بفرموده امیر مؤمنان اصل ولا

عالم من بر تمام راه های این سما

گفت کلامی در سلونی تا سؤال گیرند از او

راه آسمان های هفتگانه پیمایند نکو

من به راه آسمان ها عالم با صد یقین

بهتر از هر جای جای زیر و این روی زمین

پس پرسید تا بگویم جمله راه آسمان

سیر آسمانی نمائید ای تمام انس و جان

لیک سؤالی جاهلانه داشت آن مرد جَفَنگ

سعدوقاص مرد خونریز با دلی چرکین و ننگ

گفت بود در صورت و سر بهر من چند دانه مو؟

گر توانی ده جوابم یک جواب روبر؟

عالم دهر است علی و شهر علم را خود در است

او معلم بهر جبریل، جن و انس را رهبر است

ص: ۳۴۳

گفت بود هر دانه مو را یک عدد شیطان دون

همره و چسبیده باشد سر و صورتت، مُجُون

گویم باشد اندرون خانه ات بزغاله ئی

جهل این بزغاله غوغا می کند، نیست چاره ئی

می کشد فرزند پیغمبر به دشت نینوا

شر عالم را بپا گرداند اندر کربلا

باد سلام و باد صلوات خداوند قدیر

بر امیرمؤمنان آن دُرّ دریای غدیر

باد سلام و باد صلوات بر حسین فاطمه

لعن حقّ بر ابن سعد و زبردستانش همه

۷۲-سوره مبارکه ی جنّ

[۱] سوره ی جنّ نازل آمد بر رسول عالمین

تا بخواند جنیان را، جمله گویند آفرین

هست رسول الله نبیّ و حیدر کرار امام

از برای جنیان و غیر جنی بل تمام

[۱۶] جنیان بعضی پذیرفتند ولایت علی

پیروی کردند کلام پر فضیلت نبی

گفت امام باقرم تفسیر آیه را چنین

گر بمانند بر ولایت امیرالمؤمنین

هم بمانند در ولای جانشینان علی

هم کنند اجرا اوامر و نواهی را جلی

ص: ۳۴۴

حق دهد آب فراوان بر تمام نفرات

علم دهد بر جمع آنان، رزقشان پر برکات

سائل از آیه سؤال بنمود ز نزد جعفرم

معنی آیه چه باشد ای ولی و رهبرم؟

در جواب فرمود خدا گوید: دهم علم و کمال

از طریق عصمت پاک، در مدد باشند وصال

پس چشائیم ما به آن ها علم فراوان، معرفت

واسطه باشند ائمه گل های باغ حکمت

[۲۶-۲۷] علم غیب داند خداوند و نداند هیچ کسی

جز رسول برگزیده و مقام اقدسی

گفت امام هشتمین مولی علی موسی الرضا

مورد آیه بود شخص رسول مجتبی

مورد دیگر بود ما، وارثین این رسول

هرچه گوئیم از گذشته یا که آینده، قبول

می کند دانا رسولش را خداوند از نهان

پس بدانیم ما رموز این زمین و آسمان

ما بدانیم در گذشته آن چه بوده در جهان

هم ز آینده بدانیم هرچه آشکار و نهان

هست علی نفس پیمبر هم ظهور نبوی

هم پیمبر شهر علم و درب آن باشد علی

پس علی داند گذشته، داند حال و این زمان

تا قیامت داند با اذن خداوند رضوان

ص: ۳۴۵

۷۳-سوره مبارکه ی مُزَّمِّل

- [۱] سوره ئی آمد مُزَّمِّل نام گرفته، بَه، چه نام
باد به صاحب نام آن از حق صَلَوَات و سلام
- [۲] ای که در فِکْرَتُ فرو رفته نما شب را قیام
جز قلیلی، هست تو را این طور روش و هم مَرام
- [۳] نصف شب یا کمتر از نصف یا که بیشتر ای رسول
باش تو بیدار در عبادت تا شود از تو قبول
- [۴] تو بخوان قرآن ناطق دقت اندر آن نما
تا بینی او خودت هستی خودت باشی و لا
- قرآن ناطق بسی سنگین و بسیار است عمیق
این توئی یا حیدر است یا هر دو، می باشید رفیق

۷۴-سوره مبارکه ی مَدَّثِر

- [۱] سوره ی دیگر بیامد نام آن است مُدَّثِر
صاحب نام است محمّد هم به هر کار مُدَّبِر
- [۲] سوره آمد ای رسول ما میبچ خود را به فکر
کن قیام و وصف نما پروردگارت را به ذکر
- [۳] گو به مردم تا شناسند هم خداوند ودود
هم ظهور او شناسند هم به او گویند درود
- تا بدانند کیست قرآن، هست تجلی خدا
نام او احمد بود یا که علی مرتضی

یا که هر دو یک حقیقت آمده اندر ظهور

هر دو باشند یک تجلی از خدای نور نور

[۳۱] شد سؤال از عصمت طاها ز بعض آیه ئی

گوچه منظوری است آیه تا کنیم ما چاره ئی؟

گفته شد مقصود آیه هست رسول و هست وصی

با ولایت وصی ایمان ما گردد قوی

[۳۸-۳۹] هر کسی باشد گروی کار خود در آن جهان

غیر اصحاب یمین هیچ وقت نباشند آن چنان

باقر علم کتاب تفسیر نمود قرآن چنین

شیعیان ما یقیناً باشند اصحاب یمین

در بیان دیگری فرمود که ما و شیعیان

هستیم اصحاب یمین و جایگاه ما چنان

[۴۰-۴۱-۴۲] در سؤال باشند به دوزخ از تمام مجرمین

با چه جرمی جا گرفتید در سقر باشید چنین؟

[۴۳-۴۴] در جواب گویند، نماز گزار نبودیم جمله ما

حق مال خود ندادیم، بودیم دائم در خطا

شد سؤال از صادق آل رسول در روزگار

تفسیر، ما سَلَکْکُمْ فِی سَقَر، را بر شمار

در جواب فرمود که معنای کلام باشد چنین

ما نبودیم پیرو مولی امیرالمؤمنین

معنی آیه چنین گفت کاظم آل عبا

ما نداشتیم هیچ ولایت از وصی مصطفی

ص: ۳۴۷

ما نداشتیم اوصیاء مصطفی را هم قبول

نفرستادیم صلوات بر همه آل رسول

۷۵-سوره مبارکه ی قیامت

[۱] سوره ئی از سوره ها باشد قیامت در قیام

نام گرفت بر خود قیامت آگهی است از بهر عام

[۲] یک قَسَم بادا به روزگار قیامت، یک قَسَم

باد به وجدان بنی آدم و نفس محترم

یا قَسَم باد به نبوت و قیام نبوی

هم قَسَم باد به امامت و قیام علوی

باد قَسَم بر قامت والای پر نور ولا

باد قَسَم بر قامت و قیامت نور خدا

[۳۱-۳۲] شد روایت از امام باقرم در روزگار

یک نفر در حال بغض و هم غضب هم زهرمار

از میان برخاست و می گفت با صداهای بلند

گفته ی احمد نداریم ما قبول و نیست پسند

بر ولایت علی بن ابی طالب یقین

ما نخواهیم کرد اقرار هیچ زمان روی زمین

در چنین وقتی نزول کرد آیه ئی بر مصطفی

آیه این باشد که، فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّی

وای بر آن کس که نکرد تصدیق حق در آن زمان

هم نیاورده نمازی، طاعتی نیست بهر آن

ص: ۳۴۸

او خدا را کرده تکذیب، رو بگردانید ز او

رو بگردانید ز حکمش، هیچ نداشت او آبرو

وای بر این منکر حق منکر حرف نبی

منکر اصل ولایت منکر شأن علی

۷۶-سوره مبارکه ی انسان

[۱] سوره ی انسان بیامد از سماوات عُلَا

برخود انسان کامل آن رسول مصطفی

[۲] هیچ نبود انسان به ظاهر در زمین و در سما

بود به نزد حق نمایان مصطفی و مرتضی

روزگاری گشت نازل آمد از فوق سما

تا نشست بر اصل ماده گشت شکفته غنچه ها

سیر تنزیلی به آخر، در صعود آمده سیر

هرچه در ره غنچه بشکفت این شکفته بوده خیر

تا به دنیا آمد انسان و نمایان شد تمام

فرد اکمل زین حقیقت نام گرفت بر خود امام

اصل انسان است امام و دیگرانند فرع آن

باطن انسان امام و دیگران ظاهر جان

[۳] پس شناسد فرد انسان اصل خود را در جهان

تا ز اصل خود شناسد خالق انسان و جان

[۵ تا ۲۲] ابن عباس گفته است از آیه ی پنجم به بعد

تا بیست و دوم ز سوره آمده بس ارجمند

ص: ۳۴۹

آمده در شأن مولایم علی و فاطمه

هم به شأن مجتبی و هم حسین، فضه همه

آیه ی اول وفا باشد به نذر و عهد خویش

ترس از روز جزا که سختیش بیش است و بیش

گفته اند آقا امام مجتبی و هم حسین

گشته اند بیمار روزی هر دو نور نیرین

اول از بهر عیادت آمده ختم رُسل

با نوازش می کند پرسش حضور هر دو گل

دیگران هم آمدند جمعی بزرگان عرب

با علی گفتند نما نذر و زحق شفا طلب

هم علی و فاطمه با فضه کردند نذر بجا

تا سه روز، روزه بدارند باشند هر دو در شفا

از برای صرف افطار نی بود چیزی بدار

قرض نمود سه صاع جو آن حجت پروردگار

حضرت زهرا از آن جو نان بدست آورده بود

تا همه افطار نمایند و برند زین روزه سود

مرتضی بعد از نماز آماده تا افطار کند

مسکینی وارد، طلب از حیدر کرار کند

جملگی دادند به او نان را، شود خوشنود خدا

افطار را با آب گشودند و همه زین کار رضا

روز دوم نیز چنین شد، جو گرفت و آرد نمود

نان بدست آورد ز آردها، باد به این زهرا درود

ص: ۳۵۰

نان بداد دست علی تا که کنند افطار همه

ناگهان شخص یتیمی آمد نزد فاطمه

در طلب شد آن یتیم تا که دهند او را طعام

نان به او دادند و با آب واقع شد افطار و شام

روز سوم هم چنین شد چون که شد آماده آن

بر در خانه پیامد یک اسیری ناتوان

نان به او دادند و با آب کردند افطار جملگی

بهترین بنده چنین باشد نگر تو بندگی

روز دیگر چون رسیدند محضر پیغمبرم

هم علی و هم حسنین هر سه نور انورم

چون رسول الله بدید ضعف را به چهره ها عیان

گریه کرد از بهر آنان تا پیامد قدسیان

جبرئیل نازل نمود یک سوره از نزد خدا

نام آن سوره بود سوره ی انسان، هَلْ آتَى

در بیان دیگری گوید امام ششمین

در روایت گفته است یک داستانی این چنین

حضرت زهرا نمود جو را به آرد و آرد به نان

کرده تبدیل تا کنند مصرف همه اهلش از آن

وقت مصرفی شخص مسکینی رسید از راه دور

کرد طعامی را طلب بهر خودش از بیت نور

حضرت مولی امیرمؤمنان برخاست زجا

یک سوم از آن چه داشتی داد به او بهر خدا

ص: ۳۵۱

بعد آن شخص یتیمی وارد آمد بر علی
خواستار آن طعام شد تا که دادش آن ولی
داد یتیم را ثلث دوم از میان نان ها
تا رضا گردد خداوند غنی از آن ها
بعد از او مرد اسیری وارد شد بر مرتضی
گفت فرستد رحمتش را حق تعالی بر شما
آن اسیر گفتا مرا اطعام نمائید از وفا
تا دهد اجر شما را ربّ من در دو سرا
مرتضی برخاست ز جا و ثلث باقی مانده را
داد به دست آن اسیر و حمد نمودندی خدا
اهل خانه خود نخوردند زان همه نان و طعام
این چنین ایثار ز آنان هست برای ما پیام
چون چنین ایثار نمود شاه ولایت مرتضی
آمده در شأن والایش بیان هلّ اّتی
بهر حب حق طعام خود بدادی مستمند
انتظار مدح و شکری را نداشت آن دلپسند
درس ایثار و گذشت و بندگی داده به ما
باد سلام حق تعالی بر علی مرتضی

۷۷-سوره مبارکه ی مُرْسَلَات

[۱-۲] سوره ئی آمد ز بالا نام آن است مُرْسَلَات

باد قَسَم بر مُزَسَلات و هم قَسَم بر عاصِفات

ص: ۳۵۲

[۳-۴] هم قَسَم بر ناشرَاتِ نَشْر و ناشر در صواب

هم قَسَم بر فَارِقَات و مُلَقِيَاتِ ذَكَر ناب

هست رسول مُرْسَلَاتِ خْتَمِ نَبُوْتِ اَحْمَدِي

هست امام عاصِفاتِ شاهِ ولايتِ علوي

ناشرِ نَشْرِ نَبُوْتِ اَحْمَدِ اسْت و همِ عَلِي

فَارِقَاتِ حَقِّ و باطلِ اَحْمَدِ اسْت و همِ وَلِي

[۵-۶] بادِ قَسَمِ بر آن كَسَانِي كِه شِناسَنْد از يَقِينِ

حَقِّ و باطلِ را دَرَسْت در اَيْنِ جِهَانِ و اَيْنِ زَمِينِ

بادِ قَسَمِ بر ذَكَرِ اَعْلَى حَضْرَتِ حَقِّ مَبِينِ

همِ قَسَمِ بَادَا بَه قِرْآنِ ذَكَرِ وَالايِ امِينِ

همِ قَسَمِ بَادَا بَه آن كِه وَحِي نَمُودِ اَيْنِ ذَكَرِ تَامِ

بر جَمِيعِ انبِياءِ عَذْرِي نِيائِدِ در كَلَامِ

همِ شُودِ تَهْدِيدِ و سَخْتِي از بَرايِ بَدِ، بَدَانِ

تا بَدانَنْد نِيَسْتِ حَاكِمِ جِزِ خِداوَنْدِ جِهَانِ

پَسِ قَسَمِ بَادَا بَه اَيْنانِ و قَسَمِ بر خْتَمِ آن

بادِ قَسَمِ بر نَفْسِ اَيْنِ خْتَمِ آن اميرِ مَؤْمِنانِ

۷۸-سوره مبارکه ی نَبَأْ

[۱] سوره ئی از سوره ها نامش نَبَأْ آمد نزول

سوره باشد از ولايت نازل آمد بر رسول

[۲] می دهد بر ما خبر اَيْنِ سوره با صوتِ جَلِي

سوره باشد بِالْأَخْصِ مَخْصُوصِ مَوْلَايِمِ عَلِيٍّ

ص: ۳۵۳

[۳] هم سؤال است از خبر هم اختلاف است در خبر

این خبر آیا چه باشد؟ ظاهرش خیر است و شر

این خبر آمد به نام و وصف آن باشد عظیم

این خبر باشد تجلی از خداوند رحیم

این خبر باشد ولایت ظاهرش دان مرتضی

باطنش هست عشق اقدس جلوه اش شیر خدا

[۴] این زمان ها گئی شناسد این خبر را هیچ کس

بلکه آینده شناسند قامت رعنا و رأس

هست روایت، گفته است آن باقر علم نبی

آیات اول سوره آمد در شأن علی

هشتمین حجت ز آبائش روایت می کند

این حسین بن علی است این جا عنایت می کند

نقل از جد بزرگوارش رسول محترم

با علی بنمود خطاب و گفت بگویم لاجرم

این توئی حجت حق و هم طریق و باب او

این توئی آن خبر بسیار بزرگ ناب او

این تو باشی آن صراط مستقیم و راه حق

این تو باشی مَثَلِ اَعْلَى و هر خیر را اَحَق

در بیان دیگری مولی علی موسی الرضا

نقل شده از او که او فرموده از صدق و صفا

این نَبأ بسیار عظیم باشد امیرمؤمنان

هست فضیلت ولایت در کتاب آسمان

ص: ۳۵۴

در کتاب های سماوی بس فضیلت آمده

این فضیلت ها همه بهر ولایت آمده

بعضیا منکر شدند و بعضیا کردند قبول

بعضیا در اختلاف و بعضی پیرو رسول

بعضیا کردند غلو، افراط و تفریطها زیاد

مؤمنان حد وسط، روز غدیر دارند بیاد

خود امیرمؤمنان فرمود نباشد آیتی

بهر حق متعال از من بزرگتر، حجتی

هم نباشد بهر او هیچ خبری برتر ز من

این نمایان است به عالم می دهم داد سخن

در بیان دیگری گفتا قسم باد به خدا

من همانم، یک خبر باشم بزرگ و بس علا

یک خبر، پر اختلاف و نقش عالم را نشان

خواهند دانست این خیر چیست دور نباشد هست عیان

خواهم ایستاد من میان جنت و دوزخ یقین

گویم این اهل بهشت است و او را آتش قرین

آن چه منقول است: رسول الله تلاوت کرده است

آیات اول ز سوره یاد، ولایت کرده است

گفته هر که مُرد به مشرق یا به مغرب یا به آب

یا به خشکی یا به کوه و سنگ و بر روی تراب

چون نهند در قبر او را می کنند از او سؤال

از خدا و دین و پیغمبر پرسند با جلال

ص: ۳۵۵

از ولایت امیر مؤمنان پرسند ز او

منکر و نکیر جوابی بس صحیح خواهند ز او

[۳۶ تا ۳۱] تفسیر آیات چنین باشد که روز واپسین

بهترین فتح و گشایش هست ز بهر متقین

هست ز بهر متقین هر گونه آسایش مقام

باغ های پر زمیوه، میوه های خوش قوام

دختران دلربا، زیبا جوان و مثل هم

از برای متقین هرگز نباشد ذره غم

جام های پر شراب در دستشان باشد همه

با شراب و صف طهور باشد فراوان جاذبه

شهد شیرین و شراب خوش گوار است دستشان

عشق بورزند متقین را با دو چشم مستشان

در مقام این بهشت هرگز نباشد نادرست

نی دروغ و لغو و بیهوده نه کثری و نه سست

این همه نعمت عطای حضرت پروردگار

بی حساب باشد جزای دوستار هشت و چار

اول این هشت و چار باشد علی مرتضی

اَوْسَطُ و آخر جلواتی ز شاه لافتی

ابن عباس کرده معنا آیه ی لِلْمُتَّقِينَ

مستقین باشد امام آن امیرالمؤمنین

با قسم گفتا: علی بن ابی طالب یقین

سید و آقا بود بهر تمام متقین

ص: ۳۵۶

[۳۸-۳۹-۴۰] تفسیر آیات چنین باشد که روز رستخیز

حضرت روح با ملائک جمله باشند بس عزیز

در قیامند صف بصف لیکن نمی گویند سخن

جز کسی را که دهد اذنش خدای ذوالمنن

آن که دارد اذن رحمن تا سخن گوید، بجا

او کند مدح و ستایش از مقام کبریا

روز محشر چون که آید حضرت روح القدس

با تمامی ملائک صف بصف در جای قدس

جمله آیند محضر مولی امیر مؤمنان

در تکلم هیچ کسی نیست جز به اذن مُشْتَعَان

در سخن آید علی با اذن رحمان و رحیم

با صواب گوید سخن در محضر ربّ کریم

با قسم گفتا مقام عصمتی روز جزا

آن که اذن در سخن دارد کسی نیست جز که ما

ما ائمه در سخن باشیم به روز واپسین

بر صواب گوئیم سخن، باشد کلام ما متین

حمد کنیم ما خالق خود بر پیمبر هم درود

شیعیان را ما شفاعت می کنیم نزد ودود

می پذیرد این شفاعت را خدای عالمین

باد سلام و باد صلوات بر امیرالمؤمنین

روز رستاخیز بود حق، هم شود واقع عیان

جملگی بیند همان روز مسلمین و کافران

ص: ۳۵۷

آن که خواهد قرب حق در محشر و روز جزا

کوششش باشد در امروز بهر طاعت خدا

روز محشر روز دیدار تمام نیک و بد

روز پر دردی برای کافران است فرد بفرد

کافران در آرزو گویند که کاش خاک بوده ایم

تابع بودیم اصل خاک و زین جهت پاک بوده ایم

اصل خاک باشد علی و بوتراب دارد لقب

مادیات ظاهر زخاکند، در میان باشد سبب

تأویل آیات چنین باشد، بفرموده امام

ما ائمه، معنی آیه شدیم در این مقام

اذن به ما داده خداوند روز محشر در عیان

در سخن باشیم همگی در میان مردمان

از امام هفتمین گردید سؤال، آن روز شما

گوچه گوئید در تکلم تا بود راضی خدا؟

در جواب گفتا کنیم حمد خداوند کریم

می فرستیم بر محمد هم به آل آن فهیم

می فرستیم ما صلوات بر نبی و آل او

می کنیم از شیعیان خود شفاعت بس نکو

رد نخواهد کرد شفاعت حق زماها جملگی

شان ما باشد همیشه در مقامش بندگی

صاڢق آل مءمءء شد سؤل بعء سؤل

از ءكلم شد سؤل؁ باءء ءگونه وضع ءال؟

ص: ۳۵۸

با قسم گفتا که مائیم روز محشر در بیان
با خدا گوئیم سخن اندر زمین و آسمان
گفت به مثل مُوسِیِ کاظم امام هفتمین
حمد حق، ذکر صلوات و شفاعت مؤمنین
در بیان دیگری فرمود به روز داوری
ذکر توحید محو گردیده بوقت دادگری
جز کسانی که کنند اقرار ولایت علی
این بود معنای آیه کن قبول با خوشدلی
در قیامت کافران و منکران مرتضی
گویند کاش بودیم ز خاک و پیروان اولیا
این که گویم من، نگویم هیچ ز خود حرف و کلام
عصمت طاها بفرموده ولو در این مقام
از رسول الله و هم از صادق ملک یقین
یک کلام آسمانی آمده روی زمین
عصمت اطهر بفرمود در قیامت کافران
چون بینند بس مقام و منزلت از شیعیان
وعده های حق مقرر، اجر و قرب و منزلت
در صعودند بهر شیعه تا رسند بر مکرمت
آرزو دارند که کاش بودیم تراب و شیعیان
خاک راه شاه مردان آن امیر مؤمنان

کاش که دوست داشتیم و هم منسوب به او بودیم همه

در نجات بودیم نداشتیم از جهنم واهمه

ص: ۳۵۹

منصب والای مولایم علی مرتضی

بوتراب نامید آن را حجت حق مصطفی

چون که باشد مرتضی صاحب زمین اصل زمین

حجت خاص خدا و رهنمای متقین

حجت حق باشد بر اهل زمین و خلق او

این زمین و خلق گرفته از عَلَیْم آبرو

با وجود اقدس مولی شده ساکن زمین

باقی باشد این زمین بهر امیرالمؤمنین

باد سلام و باد صلوات بر مقام بوتراب

این مقام بوتراب است، آیه بنموده خطاب

۷۹-سوره مبارکه ی نازعات

سوره ثی از سوره ها نازل شده نام، نازعات

بر ملائکک چند قسم آمد رسد مُدَبَّرَات

[۵۱ا] این ملائکک جملگی هستند غلامان ولا

می برند فرمان مولی در اطاعت از خدا

این ملائکک می کنند اجرا همه وَعْد و وَعید

با هزار سختی بگیرند جان کفار عَنید

جان مؤمن را بگیرند، بَه، چه آسان و چه شاد

چون امیر، مؤمنان است مرتضی نامش به یاد

با چه سرعت می کنند فرمان حق اجرا همه

در مقام سبقتند از همدگر شیدا همه

ص: ۳۶۰

رهبر هر جن و انس و هر ملک باشد علی

بهر تدبیر عوالم هیچ نباشد مشکلی

پس علیست مولای عالم رهنمای هر ملک

رهنمای جن و انسان از زمین تا به فلک

باقوم گفتا که ارواح جمیع مؤمنین

سوی جنت گیرند سبقت اولین و آخرین

سوی دوزخ گیرند سبقت جان و روح کافران

منکر حق خلافت از امیرمؤمنان

تدبیر دنیا بود بر عهده ی هر چار ملک

جبرئیل، میکال، سرافیل، عزرائیل باشد محک

هر کدام را لشگری در تحت فرمان است عیان

جملگی در زیر فرمان امیرمؤمنان

[۶ تا ۱۲] حضرت صادق نمود تأویل آیات را چنین

راجفه باشد حسین آن نور چشم مؤمنین

رادفه باشد امیرمؤمنان نور خدا

می کنند رجعت به این دار هر دو سیر کبریا

اولین فردی که رجعت می کند باشد حسین

همریش هفتاد و پنج باشند هزاران نور عین

بعد از او رجعت نماید شاه مردان مرتضی

آید بر دنیای خاکی تا کند دردها دوا

حاکم دنیا حسین باشد حدود چهل هزار

سال دنیائی بماند آن چه خواهد کردگار

ص: ۳۶۱

فوق چل سال در هزار باشد علی فرمانروا

حاکم دنیای آن روز شهسوار لافتی

می کند خدمت به عالم در زمین و در سما

بردارد جمع حجاب از چهره ی ملک ولا

بردارد از چهره ی دینا حجاب های زیاد

بی حجاب دنیا ببینند، به، چه زیبا و چه شاد

هر که ببند صورت دینا زن و مرد، شیخ و شاب

عاشقش گردند تمامی، عشق معناست، عشق ناب

این چنین دنیا بود اسم خداوند ودود

باد به این دنیا سلام و باد به این دنیا درود

باقر آل محمد از محمد داد خبیر

در قیامت آن چه نفع دارد ز بهر این بشر

هست ولایت از من و هم از علی مرتضی

هم ز فرزندان معصومش امامان هُدی

هم اطاعت از من و هم از علی شیر خدا

هم ز اولاد علی در حد اعلی و ولا

آن که دارد این ولایت هم اطاعت هر دوتا

جایگاهش هست بهشت و او ز حق باشد رضا

آن که این دو را ندارد در زیان است و ضرر

جایگاهش در جهنم آتشش هست شعله ور

آن که دارد دشمنی هم با من و هم با علی

هم به اولاد علی دشمن بود با دغلی

ص: ۳۶۲

جایگاهش در جهنم اسفل است از سافلین

هست خوراکش میوه ی زُقُوم درخت آتشین

پس سلام باد به ولایت از نبی و از علی

از تمام اوصیای مصطفی و از وصی

لعنت حق بر تمام دشمنان مصطفی

بر تمام دشمنان جانشینش مرتضی

[۴۰-۴۱] آیه در شأن علی نازل شده از آسمان

ابن عباس گفته این را در عیان و در نهان

آن چه آیه گفته است باشد برای مرتضی

جایگاهش جنت است و جنت روی خدا

۸۰-سوره مبارکه ی عَبَسَ

[۱] سوره ثی از سوره ها نازل شده نامش عَبَسَ

از جلال آمد نزول بینی عبوس است هر نَفَسَ

این عَبَسَ یک جلوه ثی باشد ز شاه لافتی

چون که ببند بت عبادت می شود جای خدا

ذوالفقار در دست گرفت و بارها بت ها بزد

که بت بی جان و گه جا ندارد، خدا دادش مدد

[۱۶] نقل شده از جعفر صادق امام ششمین

این بَرَزَه هست ائمه در مقام معصومین

اولین از این ائمه حیدر صفدر علیست

اصل خوبی باشد و هر خوب از او بینی جلیست

ص: ۳۶۳

[۲۳] شد سؤال تأویل آیه از امام پنجمین

گفت بود در شأن جد من امیرالمؤمنین

یعنی بسیار کفر و طغیان و عناد ورزید همه

این شما اهل نفاقید و ندارید واهمه

این همه کفر و عناد از بهر کشتن علی

کارتان باشد نفاق و بغض و کینه دغلی

این علی خلق گشته است از طینت پیغمبران

راه او راه هدایت از برای بندگان

بعد از مرگ و شهادت بعد فصلی از زمان

زنده می گردد نماید رجعتی بس جاودان

حاکم روی زمین گردد به سال های دراز

می کند احکام حق اجرا تمامی سرفراز

حکم نماید از برای دشمنان خود عیان

آن چه امر کرده خداوند از برای دشمنان

۸۱-سوره مبارکه ی تکویر

[۱] سوره ی تکویر بیامد نازل بهر مصطفی

از جلال آمد ز احمد یا علی مرتضی

[۲] گر جلال حاکم شود تاریک شود خورشید و ماه

هم ستاره تیره گردد، کوه ها گردند چاه

این تجلی جلال باشد ظهور حیدری

گر جمال حاکم شود باشد بُرُو ز رهبری

ص: ۳۶۴

صبح امید کمال طالع شود از این طریق

این طریق است که جمال و هم جلال باشند رفیق

در علی هر دو رفیق باشند نباشد هیچ سؤال

جمع هر دو با رفاقت حاصلش باشد کمال

[۸-۹] آیه ی هشت است، وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ

آیه ی نهم بود، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

صادق آل علی تفسیر آیه گفت چنین

هر کسی در حبّ ما گردد شهید، باد آفرین

می تواند قاتلش را بازخواستی سخت کند

با دلیل و حجتی که آورد بدبخت کند

با قبول عُذر بگویم در پرانتر مطلبی

راجع به، بخت، شانس و اقبال که ندارند نسبی

بخت نباشد چیزی در عالم و یا شانس و اقبال

بهر ناچاری و قافیه در این جا آمد حال

ورنه کنی گویم کلامی زین سه تا با این دهان

چون ندارند هیچ وجودی هیچ ظهوری در جهان

هرچه در عالم بود باشند همه کار خدا

جز خدا فاعل نباشد در همه مُلک بقا

بی توجه بعضی از مردم بگویند این سه را

روی عادات است فقط ما هم کنیم این سه رها

وقت آن است تا که برگردم کنم مطلب تمام

هم بینم یک شهید با قاتلش دارد کلام

ص: ۳۶۵

قاتلش محکوم گردد جای محکوم دوزخ است
گر نجات خواهد ز دوزخ بین مثال، سوزن نخ است
در بیان دیگری گوید که این دو آیه را
نازل می داند ز بهر آن حسین سر جدا
پرسند از آن شمر ملعون و دگر از قاتلان
گوچه کرده با شماها این حسین جانِ جان
می توان گفتا، که پرسند ابن ملجم را چرا
این چنین محراب پر از خون گشت ز رأس مرتضی
می توان گفتا که پرسند قاتل دخت رسول
بین آن دیوار و در، آیا چه کردی با بتول
می توان گفتا که پرسند قاتل سقط جنین
تو چه کردی، محسن مولی امیرالمؤمنین
پرسند از قاتل، گناه محسن زهرا چه بود
با فشار کردی شهید بین در و دیوار چه سود
پرسند این بچه ی شش ماهه چه کرده با شما
او به دنیا نامده گشته شهید اشقیا
پرسند از او با چه جرمی محسن حُسن خدا
عمر دنیا را گرفتی زو، هنوز نامد دنیا
قبل از آن که آید دنیا کشتی همنام خدا
تو چه گوئی با خدا پرسد تو را این ماجرا

گو گناه بی گناه چیست این چنین کردی شهید؟

با چنین جنایتی صبح عذاب تو دمید

ص: ۳۶۶

پس، إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ، در همه دنیا

بِأَيِّ دَنْبٍ قُتِلَتْ، تو ای محسن زهرا

[۱۵] حُنْسٍ از آیه گردیده سؤال از باقرم

در جواب گفتا امام باشد امام طاهرم

این امام غائب است پنهان شود از مردمان

سال دویست شصت هجری غیبتش از این زمان

روزی آید در ظهور همچون ستاره ی شهاب

می درخشد در شب تار، عالم است در انقلاب

خوش بحال آن کسانی که کنند درک آن زمان

چشمشان روشن، ظهور مهدی است آن جانِ جان

[۱۷] ابن عباس کرد روایت از امیرمؤمنان

آیه ی وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ سؤال شد در بیان

تا چه معنا باشد آن را کن بیانش ای علی

علم هر آیه ز تو باشد به عالم مُنجلی

داد جوابم عالمِ قرآن علی مرتضی

گفت مَثَلِ آورده است حق آیه را زیبا بجا

آیه ی هفده مثال است بهر غاصبان حق

از ائمه روی بگردانند همیشه، ما سَبَقُ

حق علی را بر ولایت بر خلافت نصب نمود

در کتاب و در لسان احمدش او را ستود

حق حتمی علی را غصب نمودند غاصبان

ادعا کردند ولایت با خلافت ظالمان

ص: ۳۶۷

[۱-۲] اِنْفِطَار است سوره ئی از سوره ها آمد بنام

یک گشایش حاکم است اندر همه و در نظام

[۳-۴] در سما باشد گشایش کوکب و دریا و قبر

انفجار نور باشد در همه هیچ نیست خَذَر

این گشایش ها همه باشند ز عین یا علی

هم جمالی هم جلالی در ظهورند بس جلی

بِه، جمالی ها همه نیکو همه غرق نَعیم

وئی جلالی ها همه بدحال همه اندر جَحیم

روز آخر می شود معلوم که امر، امر خداست

هیچ کسی مالک نباشد بر خودش، روز جزاست

[۸] در بیانی از رسول الله شده آیه بیان

طرز صورت بندی انسان بخواست مُسْتَعَان

صورتی را با تناسب بهر هر کس برگزید

مصلحت در برگزیدن بود و صورت آفرید

یک بیان دیگری دارد امام مجتبی

در بیان خلقت صورت برای مرتضی

گفت خدای خالق صورت مَصَوِّر کرد بجا

صورت بایم علی را ظَهْرِ بایش در جلا

صورت بایم بنقش صورت جدم رسول

نقش بز د ربّ مُصَوِّرِ نقش احمد، شد قبول

ص: ۳۶۸

پس علی باشد شبیه تر از همه به مصطفی

این علی نفس رسول الله است، بگفت این را خدا

هست حسین بن علی اَشْبَه به زهرای بتول

این شباهت را خدا داده، کند عاقل قبول

صورت من هم شبیه باشد خدیجه را عیان

نقش ها را نقش بسته در ازل حیّ کَلان

پس علی مثل محمّد، هم محمّد مثل اوست

باد سلام بر هر دو صورت هر دو صورت بس نکوست

[۱۴-۱۳] یک روایت آمده از باقر علم رسول

اَبْرارِ در آیه ما باشیم و این معنا قبول

فُجّارِ در آیه باشند دشمن آل ولا

جایگاه دشمنان است آتش قهر خدا

این ولا باشد علی و زنده باد آل علی

باد سلام حق رسولش هم سلام باد بر وصی

با قسم گفتا امام مجتبیٰ باشد همین

معنی ابرار نباشد جز امیرالمؤمنین

جز علی و فاطمه و من، برادرم حسین

نیست دگر ابرار به عالم، ابرار باشند نور عین

۸۳-سوره مبارکه ی مُطَفِّفین

[۱] سوره ئی از سوره ها باشد مُطَفِّفین به نام

وای بر آن‌ها نپردازند حقوق خود تمام

ص: ۳۶۹

[۲] نی دهند حق نبوت نی دهند حق ولا

نی دهند حق امامت نی دهند حق خدا

حضرت صادق بفرمود تأویل آیه چنین

وای بر آن کس که کند کم خمس آل طیبین

خمس آل مصطفی را کم کند در روزگار

یا نپردازد حقوق اولیاء کردگار

وای بر احوال همه تکذیب کنان مرتضی

از وصایت از خلافت خلق اول مصطفی

آن که تکذیب علی دارد و یا کم کرد حقوق

او حرامخوار است کند اکل مال خود مال مشرُوق

کئی توان نوشید ز سرچشمه و یا عین علی

یا ز آب حوض کوثر یا ز جنت چید گلی

آن که پردازد حقوق خود به اهل آن تمام

شیعه ی خاص علی باشد بر او بادا سلام

او تواند نوشد از سرچشمه و عین علی

هم ز آب حوض کوثر، چیند از جنت گلی

هم تواند نوشد از سرچشمه ی آب حیات

هم ز سرچشمه ی کوثر هم رسد نزدیک به ذات

[۷] معنی آیه سؤال شد از امام کاظم

گو که این فجار که باشند من به فهمش عازم

گفت بود فجار کسی که کرده جرئت در عیان

ظلم کند بر ما ائمه، بهر ما باشد زیان

ص: ۳۷۰

[۱۰] در روایت آمده، آیه نشانی است بس جلی

هست اشاره از برای اولی و دومی

این دو تکذیب پیمبر کرده در باطن، عجب!

پیرو این دو کنند تکذیب قائم، بی ادب

[۱۷] در روایت گفت که چون اهل نفاق بیند یقین

هم مقام و منصب مولی امیرالمؤمنین

می دهد دستور به دوزخ تا بگیرد این نفر

این بود از دشمنانم، کن رها فرد دگر

آن بود از دوستانم جایگاهش هست بهشت

طینتش نازل ز من باشد نگر تو این سرشت

از ملائک دسته ئی گویند به جمع دشمنان

این که می بیند قسیم دوزخ و جنت عیان

این امیرمؤمنان است که شما تکذیب او

کرده و حقش ربودید هیچ ندارید آبرو

[۲۸] نوشتند از سرچشمه ی کوثر همه مقربان

هم پیمبر هم خدیجه هم امیرمؤمنان

آل پیغمبر مقرب گشته از روز ازل

رأس این آل است علی نور خدا عزَّوَجَلَّ

[۲۹-۳۰] می گذشت روزی علی با بعض یاران از رهی

ناگهان برخورد نمودند چند منافق فربهی

از بنی امیه بودند آن منافق ها همه

با تمسخر خنده کردند هیچ نداشتند واهمه

ص: ۳۷۱

با خم ابرو زدند چشم‌ها بهم خنده کنان
مسخره کردند فراوان آن گروه ناکسان
این دو آیه نازل آمد ماجرا را گفت چنین
نابکاران مسخره کردند علی و مؤمنین
چون علی آمد به نزد مصطفی و مصطفی
با علی و همراهانش گفت به این زودی شما
در میان آتش سوزان بینید ناکسان
در عذاب و در شکنجه سربرند ابلیسیان
گو سلام حق به مولای جهان شیر خدا
لعنت حق باد به جمع دشمنان مرتضی
[۳۴] آیه گوید اهل ایمان جملگی روز جزا
بر همه کفار بخندند خندشان بهر خدا
راوی آورده روایت از امام زین‌العابد
با سلام و با صلوات حضرتش آریم بیاد
حضرتش فرمود کنار دوزخ و روز حساب
تخت زیبایی قرار دارد ز بهر بوتراب
روی تخت دارد قرار مولی امیرمؤمنان
گاه نظر بر دوزخ افتد شعله‌ی آتش روان
با تبسم بنگرد بر دوزخ و دوزخیان
با تبسم زیر و رو گردد جهنم در عیان

زیر شود رو، رو شود زیر تا رسد منافقان

آیند از زیر سوی رو با صد هزار کندن جان

ص: ۳۷۲

تا رسند نزدیک حضرت و نمایند التماس
گویند ای آقا ترحم کن تو با این جمع ناس
ای امیرمؤمنان و ای وصی مصطفی

رحم نما و کن شفاعت بهر ما نزد خدا
حضرتش خندد به آنان و رود از آن مکان
سوی دوزخ باز بگردند زان مکان منافقان
هست قسیم جنت و نار شاهد ملک ولا
صد سلام و صد صلوات بر علی باد از خدا

۸۴-سوره مبارکه ی انشاق

[۱] سوره ثی از سوره هاست نام انشاق باشد از آن

آسمان گردد شکافته از خدا گیرد فرمان

[۳] آسمان بشکافت، زمین شد منبسط بهر ولا

تا شناخته گردد باطن تو بگو شیر خدا

[۷-۸-۹] گفت امام صادق معنای آیه را چنان

مصدق آیه علی باشد و جمع شیعیان

در قیامت نامه ی اعمال دهند بر دست راست

نامه شان باشد قبول، هیچی ندارد کم و کاست

در بیان دیگری فرمود: خداوند رحیم

مؤمنین آمرزد و بخشد گناهان، آن کریم

سیئات مؤمنان تبدیل کند بر حسنات

نیست ز بهرش هیچ گناهی غیر خیر و برکات

ص: ۳۷۳

[۱۹] چند قسم پیش آمد آیه و آیه در بیان

گوید امت کارهای جور بجور دارند نشان

گفت پیمبر: می کنید کاری که انجامش گران

کارهائی می کنید که کرده اند پیشینیان

شد سؤال، پیشینیان آیا که باشند در جهان

در جواب فرمود: یهودی و نصاری دان کسان

صادق آل نبی گفتا که مهدی زمان

غیبتی طولانی دارد تا که آید در میان

بعض از اصحاب سؤال کرد از سبب، گو چیست سبب؟

آیه را کردی تلاوت، بعد آن گفت ذکر ربّ

گفت که امت های پیش بعد نبی خود همه

کارهائی مرتکب گشتند نداشتند واهمه

غیبت قائم بطول انجامد تا این مردمان

آن چه خواهند مرتکب گردند در این ملک جهان

در روایت آمده از شاه مردان مرتضی

کارهای نوع بنوع را واضح معنا کرد بجا

گفت همان مکر و جنایاتی که داشتند امتان

با خلفا و وصی بر حق پیغمبران

امت موجود همه نسبت به من دارند عیان

بعد من نسبت بفرزندان من باشد همان

[۲۰] گوچه باشد که منافق نیست ایمانش بحق

این چنین بوده همیشه، آینده حال و سَبَق

ص: ۳۷۴

ابن عباس گفت پیمبر گفته در معراج مرا

برده بودند قاب قوسین یا که او آذنی بالا

گفت خدایم: ای محمد ده سلامم به علی

گو علی را، دوست دارم، دوستانش را بلی

از برای دوستیش نام علی کردم جدا

از میان نام هایم بهر عبدم مرتضی

نام من باشد علی و نام او باشد علی

او علی و من عَلِيّ الْعَظِيمِ باشم جلی

ابن عباس گفت: پیمبر گفته است: منافقان

این همه فضائلش، تصدیق ندارند هیچ از آن

این علی از بس بلند باشد که شناسند علی

جهل مردم باعث مشکل شده، سخت مشکلی

باد سلام حق تعالی بر علی مرتضی

لعن حق بر دشمنانش دشمن اصل ولا

۸۵-سوره مبارکه ی بُرُوج

[۱] سوره ئی نامش بُرُوج از آسمان آمد فرود

باد قَسَم بر آسمانِ با بُرُوج، بادا درود

[۲-۳] بین قَسَم آمد به آسمان و به برج های عظیم

هم به روز موعود و هم شاهد حیّ کریم

این قَسَم باد بر جمال و بر جلال کبریا

آن امیرالمؤمنین آن مظهر ذات خدا

ص: ۳۷۵

از رسول الله شده نقل او بفرمود این چنین

ذکر حق و ذکر من، ذکر امیرالمؤمنین

هست عبادت پس بکوشید تا به دست آرید از آن

ذکر چراغ روشنائی دل است از آسمان

باد قسم بر آن خدائی که مرا مبعوث نمود

بهترین خلقم قرارداد و مرا بسیار ستود

این وصی من علی افضل ز جمع اوصیا

بر تمام بندگان هست حجت خاص خدا

هست خدا را او خلیفه بر همه خلق جهان

جمع فرزندان او هادی ز بهر مردمان

با وجود آل طاها این خداوند مبین

می کند دور هر عذابی را ز اهل این زمین

اول با اذن خدا دوم ز بهر اولیا

آسمان برپا و کوه ها استوار تا هر کجا

از برکات ائمه آید باران از سما

هم نبات روید ز خاک و هم حیات این هوا

باشند اولاد علی پروردگار را خود ولی

جانشین مصطفی باشند همه بعد علی

هست وصی هایم به تعداد همه ماهای سال

هست به تعداد نقبای موسای خوش خصال

بعد آن بنمود تلاوت، وَالسَّمَاءِ، ذَاتِ الْبُرُوجِ

لازم است هر که بخود آید، نماید هم عُرُوجِ

ص: ۳۷۶

بعد از آن با ابن عباس گفت، تو می دانی چرا؟

حق قسم یاد کرد به آسمانی که دارد برج ها

گفت ندانم یا رسول الله چه منظور است یقین

خود بفرمائید بدانم تا چه باشد رمز این

گفت رسول الله که من باشم سما در این بیان

هست امامان بعد من آن برج های آسمان

اول این برج ها باشد امیرالمؤمنین

آخر برج ها بود مهدی قائم در زمین

روز موعود است قیامت روز مشهود عرفه

شاهد باشد روز جمعه نزد حق باشند همه

حضرت صادق بفرمود معنی این آیه ها

معنی شاهد و مشهود را نمایاند از وفا

شاهد و مشهود بود ختم رسالت احمدی

هم بود ختم ولایت میر هستی علوی

شاهد است شخص محمد شاهد روز جزا

مشهود این شاهد باشد نفس پاکش مرتضی

شاهد است شخص محمد شاهد مُلک وجود

مشهودش باشد علی شَهد شهود آمد سُجود

شَهد شاهد شَهد مشهود در سجود ظاهر شده

شَهد ناب بندگی از هر دو تن باهر شده

شهد شاهد شهد مشهود شهد شهد شهد باشد خدا

مَظهر این شهد والا مصطفی و مرتضی

ص: ۳۷۷

[۲۰-۲۱-۲۲] هست محیط باری تعالی بر همه، روز و شبان

هم به قرآن آمده هم لوح محفوظ جاویدان

۸۶-سوره مبارکه ی طارق

[۱-۲] سوره ی طارق بیامد با قَسَم به آسمان

توجه دانی چیست طارق واقع ملک جهان

[۳-۴] نجم ثاقب است علی و نور تابان عیان

هر کسی را حافظ است لطف خدا شاه جهان

گفت اَبان نزد امام ششمین با روح و تن

بودم و دیم که مردی وارد گردید از یمن

با ورودش کرد سلام و هم شنید جواب آن

مرحبا بر تو ایا سعد هم شنید آن خوش روان

در تعجب شد که این نام من است مشهوره نیست

مادرم بر من نهاده هیچ آن معهوده نیست

در جهان کمتر کسی باشد خیر از نام من

با لقب مردم شناسند شخص من در انجمن

حضرت صادق بفرمود: راست می گوئی تو سعد

در لقب خیری نباشد تا گرفت از آن مدد

آیه ی یازده ز حُجرات تلاوت کرد عیان

از وَلَا تَنَابَرُوا، تا که رسید، بَعْدَ الْإِيمَانِ

آیه گوید، با لقب زشت نخوانید همدگر

نام زشت نسبت نداده، کی بود در آن ثمر

ص: ۳۷۸

سعد منجم بود و بودش با ستاره آشنا

ادعای دانش و علم ستاره بود بجا

گفت امام صادق: آياشناسی تو زحل

گفت شناسم، نحس باشد نیست کلام من جدل

حضرتش فرمود: تو ساکت باش مگو این حرف دگر

با ادب کن آن زیارت با ادب کن آن نظر

دان زحل باشد ستاره ی امیرالمؤمنین

این ستاره نَجْمِ ثاقِبِ نور دهد بر این زمین

جایگاه این ستاره آسمان هفتم است

صاحبش بعد از خداوند بین تو شخص دوم است

نور آن تابد به آسمان ها و آید بر زمین

روشنی بخشد سماء دنیوی بس دلنشین

نور آن روشن کند هفت آسمان و هفت زمین

نور گرفته این ستاره از امیرالمؤمنین

نام آن را حق نهاده در کتاب آسمان

نام نهاده نَجْمِ ثاقِبِ نام زیبایش عیان

آمده در سوره ی طارق، سوم آیه از آن

باد سلام حق تعالی بر امیرمؤمنان

[۵-۷] بنگرد انسان که از چیست خلقتش در این جهان

از آب نطفه و صلب پدر و سینه ی آن

این ظهور مادی و خاکی او باشد یقین

هست ظهور معنویش از امیرالمؤمنین

ص: ۳۷۹

[۱۷-۱۶-۱۵] در روایت آمده از صادق ملک ولا

صادقم گفته کلامی یک کلام پر جلا

این سه آیه کرده معنا در بیانی خوش نوا

باطنی از آیه ها باشد نمایان هر کجا

او بگفته مشرکین، منافقین با صد جفا

مکر و حيله کرده اند با پنج تن آل عبا

پس خدا فرموده ای احمد کنم من هم چنین

کید و مکری واقع سازم بهرشان روی زمین

می دهم مهلت همه را تا ظهور قائم

انتقام گیرم از ایشان با عذاب دائم

۸۷-سوره مبارکه ی اَعْلَى

[۱] سوره ی اَعْلَى بیان اسم اعلاى خداست

آن خدای خالق ما هادی ملک و لاس

هست علی بن ابی طالب بحق اسم خدا

اسم زیبای الهی اسم بسیار آشنا

در بحار آمد ز مولایم علی مرتضی

یک حدیث پر ز قیمت، انا اسماء الحسنى

گفت علی من اسم زیبای خدایم و سلام

باد سلام حق به اسمش اسم با نام و نشان

[۱۵] صادق آل علی کرد آیه را معنا چنین

چون که یاد کردی خدایت گو صلوات، آفرین

ص: ۳۸۰

بعد ذکر نام حق فوراً تو بفرست صلوات

گو به پیغمبر و آتش با سلام و برکات

آن که ذکر اسم حق کرد پس فَصَلِّ بَعْدَ آن

گوید صَلَوَاتُ بر مُحَمَّد هم به آتش جاودان

اصل و رأس آل اطهر هست علی مرتضی

باد سلام و باد صلوات بر علی لافتی

[۱۶-۱۷] گفت امام صادقم باشد حیات دنیوی

هست ولایت بهر اول، دومی و سومی

آخرت باشد ولایت از امیر مؤمنان

این ولایت در صُحُفِ جمله ی پیغمبران

آمده و هیچ پیمبری نگشت مبعوث مگر

عهد و پیمانی گرفت از او که تا باشد ثمر

میوه ی عهدش بود اقرار نبوت رسول

هم بود اقرار ولایت علی، مهر قبول

هم بود اقرار ولایت جمیع اوصیا

اوصیای مصطفی از نسل پاک مرتضی

در روایت آمد از ابْنِ نُباته از علی

تفسیر آیه سؤال شد از حضور آن وصی

گفت هزاران سال قبل از خلق آسمان و زمین

در میان قائمه ی عرش نوشته بود چنین

یک شهادت بود به توحید هم به نفی شَرِکِ رَبِّ

یک شهادت بر عبودیت احمد خوش نسب

ص: ۳۸۱

هم شهادت بر رسالت نبی محترم

هم شهادت بر وصایت علی خوش کرم

پس به حتم باید شهادت داد به توحید خدا

هم شهادت داد رسالت هم وصایت مرتضی

باد سلام ربّ یکتا بر محمّد و علی

باد به اهل بیت عصمت و صفشان باشد وصی

۸۸-سوره مبارکه ی غاشیه

[۷ تا ۱] سوره نئی از سوره ها نازل شده بر مصطفی

از قیامت یک خبر آورده است پر ماجرا

ماجرای سوره باشد از جمال و از جلال

نازل مولی علی باشد ولی کردگار

با خطاب گفتا به احمد ذوالجلال مُستَعان

گو رسیده است تو را آن تک خبر از آسمان؟

آن خبر باشد قیامی از قیامت پر جلا

غاشیه باشد قیامت، محضر اسم خدا

روز محشر هم، وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً

چهره ی بعضی بود ترسناک در روز جزا

کارشان رنج و مشقت جایشان آتش پیا

آب داغ دوزخی نوشنده طعام است خار تیز

می چشند و در عذابند، همراهانند در ستیز

ص: ۳۸۲

نی که سیر و نی توانمند باشند در روز جزا

در عذاب و مشکلات غوطه ورنند پر ماجرا

این بیان ترجمه بود بهر آیاتی نشان

یک اشاره بود به این هفت آیه در حد توان

کی توانیم تا رسید در محضر قرآن نور

باطنی را ظاهر سازیم همچو داود و زبور

به، بود تا که رسیم در محضر هر دو امام

حضرت باقر و صادق دو امام خوش مقام

تا چگونه کرده اند تفسیر و تأویل ها عیان

معنی و مصداق آیات را به ما دادند نشان

باطنی از جمع باطن های قرآن را بما

کرده اند ظاهر چه زیبا، ذهن ما را آشنا

یک روایت بس بلند در روضه ی کافی بود

متن این زیبا حدیث با جان ما صافی بود

راویان این خبر بر ما رسانیدند خبر

این خبر شنیده شد از فرد اشرف بشر

صادق صدق و صداقت گفت به همراه پدر

هر دو رفتیم رو به مسجد بین منبر بین قبر

دسته ئی از شیعیان دیدیم به آن جا هر دو تا

باب من دادی سلام بر شیعیان مرتضی

رو به آنان با قسم گفتا که دوست دارم شما

پس در این دوستی شماها هم کمک باشید مرا

ص: ۳۸۳

این کمک باشد ورع و پارسائی ها بجا

پاکی و پرهیزکاری واسطه باشند دوتا

پس بکوشید در ورع، پاکی و تقوی بس زیاد

این کمک باشد به ماها این بود فتح جهاد

نی رسد هیچ کس ولایت، هیچ به دوستی های ما

جز به پرهیزکاری و کوشش، کمک خوانده خدا

هر که دارد یک امامی بنده ی خاص خدا

طبق دستورش عمل باید که تا گردد رضا

این شمائید شیعه و یاور ز بهر کردگار

این شمائید کز همه پیشی گرفتید پر عیار

سَابِقُونَ الْأَوْلُونَ السَّابِقُونَ الْآخِرُونَ

سَابِقُونَ السَّابِقُونَ أَوْلِيكَ الْمُقَرَّبُونَ

سبقت دنیا بود دین داری و یاری آن

سبقت در آخرت سرعت بود سوی جنان

هم خدا کرده ضمانت هم رسول کردگار

هم امامان شما خود ضمانند هر هشت و چار

ضامنند تا که بهشت جاودان گردد عطا

از برای شیعیانِ پرهیزکار مرتضی

با قسم گفتا امام باقر ملک ولا

نیست درجات بهشتی برتر از مال شما

پس برای درك آن باشید رقیب همدگر

جهد و كوشش ها كنید تا كه به دست آرید ثمر

ص: ۳۸۴

هم شما پاکید ایا مردان و هم پاکند زنان
پاک ز بهر پاک باشد در بهشت جاودان
هر زن با عفت و ایمان بود خود حور عین
زیبای زیبا و چشم های سیاه و خوش جبین
مرد با ایمان صدیقی است خود ز مردان بهشت
وصف ایمان است طبیعت پر عیار و خوش شرشت
گفت امیرمؤمنان روزی به قنبر آن غلام
مژده گیر و مژده ده خوش باش بگویم یک کلام
با قسم گفتا به قنبر، رفت ز دنیا مصطفی
لیک بجز از شیعیانش از همه بود نارضا
از تمام امتش خشمگین بود جز شیعیان
با کمال خشم و سخط رفت از این دار جهان
دان ز بهر هر کس و چیز عزت و شوکت عیان
عزت اسلام ناب باشند تمام شیعیان
هر چه باشد در جهان دارد ستونی بهر خویش
شیعیان باشند ستون دین اسلام، به، چه کیش
هر چه در عالم سری دارد سرش هست اصل آن
شیعیان باشند سر اسلام ناب در هر زمان
هر چه باشد در جهان دارد شرافتی عظیم
دین اسلام را شرافت شیعه باشد ای فهمیم

هرچه باشد هست ز بهرش سید و آقا بنام

سید جمع مجالس مجلس شیعه مدام

ص: ۳۸۵

هر چه باشد هست ز بهرش یک امام و رهبری

رهبر هر سرزمینی مسکن شیعه بری

به خدا بادا قسم گر که نباشند شیعیان

در زمین هر گز نباشد نعمت بر مخالفان

بهره ئی هر گز ندارند نه به دنیا، آخرت

نیست خوشی بهر مخالف جز بدی و مرارت

ناصری و دشمنان خاندان مصطفی

گر عبادت ها کنند مشمول شوند این آیه را

کارگر ناصبی است، عامله ناصبه

جایگش آتش است، نصلی ناراً حامیه

هر که بود ناصبی هر عملش بر فناست

کوشش و سعیش به باد می رود و بی نواست

گر کنند نطق شیعیان ما، نگر نور خداست

گر مخالف می کند نطق نطقشان کژ و خطاست

باد قسم پروردگارم هر کدام از شیعیان

وقت خواب روحش برد بالا به سوی آسمان

از برکت های خود سهمی دهد بر روح او

آن برکت هست مبارک، به، چه والا و نکو

گر رسیده عمر او آخر برد در رحمتش

در گلستان بهشتی رحمت حق الفتش

جایگاهش سایه ی عرش بس مقامات بلند

هر مقامی که دهد او، هست مقامات دلپسند

ص: ۳۸۶

گر که عمر او به آخر نی رسیده است هنوز

ذره ئی از عمر او ناید به معنا سوخت و سوز

روح او را همره جمعی ملک، باشند امین

می فرستد تا به پیکر وصل شود روی زمین

باد خدا را هم قسم، حاجی و عمّار شما

جملگی باشند عزیزان، خاص درگاه خدا

هست فقیران شما هم جملگی از اغنیا

اغنیای از شماها قانع باشند و رضا

پس تمامی شماها اهل دعوت خدا

اهلیت بهر اجابت هم پذیرش پر جلا

در حدیث بعدی آمد از امام ششمین

اوصاف بسیار ز شیعه کرد بیان آن مه جبین

لیک نمی گردیم وارد بر حدیث دومین

کار ما، وَه، اختصار است اختصار نازنین

این همه فرمود صفات شیعه را عالی صفات

این همه از بهر شیعه آمده از عالیات

این همه نازل ز معصوم، جمله تنزیل علیست

اصل خوبی ها علی باشد صفاتش اجملیست

اصل خوبی ها خدا و مصطفی تنزیل او

هست علی تنزیل احمد هرچه خواهی هست نکو

مظهر شاه ولایت هست ائمه ی هدی

جلوه ئی از این ائمه شیعه را باشد بجا

ص: ۳۸۷

پس سلام حق بحق باد و به احمد و علی

بر امامان بزرگوار تشیع بس جلی

هم سلام بادا به مولی و به جمع شیعیان

باد سلام حق تعالی بر امیرمؤمنان

یک روایت آمده از صادق آل رسول

هست روایت های صادق جملگی ما را قبول

گفت فرا گیرد تمام مردم روی زمین

تیغ دست حضرت قائم امام راستین

هیچ ندارند طاقتی تا امتناع ورزند از آن

طاقت شمشیر مولی را ندارند انس و جان

در عمل باشند به چیزهایی نگفته است خدا

نصب کنند غیر اُولی الأُمُر به ولایت از جفا

غیر صالح را وصی سازند برای مصطفی

آتش جنگ را برافروخته کنند در این سرا

در سرای آخرت آن آتش دوزخ بپا

بهر آنان شعله ور باشد ز آن جا تا سما

مصدق آیه بود هر ناصبی و هر عدو

هر مخالف بهر دین الله، بود بی آبرو

هر چه خواهند روزه دارند و بپا دارند نماز

هر شب و روز در عبادت بهر حق بی نیاز

هیچ ندارند بهره ئی از بهرشان، سود و زیان

جمله نابودند همیشه چون رضا نیست مُسْتَعَان

ص: ۳۸۸

چون که باشند دشمن مولی امیر مؤمنان
نیست قبول در گه حق جمله ی اعمالشان
[۲۵-۲۶] در روایت آمده از صادق آل ولا
گفته در متن روایت یک بیان پر بها
گفته در روز قیامت هست اراده ی خدا
تا کند ما را موکل بر حساب های شما
واگذارد بررسی هر حسابی را به ما
از تمام شیعیان گیریم حساب روز جزا
هر چه می باشد برای ما خدا داده به ما
بعض از آن ها ببخشیم شیعیان را ما بجا
ما نداریم هیچ سؤالی ز آن چه را بخشیده ایم
هر چه داریم هست ز بهر شیعیان، نادیده ایم
چون به این جاها رسید کردی تلاوت آیه
بیست و پنج و بیست و ششم آیه ئی که پایه
در بیان دیگری است، هر یک نفر از امتی
با امام عصر او باشد حسابش ساعتی
دان امام عصر شناسد دوستان و دشمنان
هر که را با صورت او می شناسد بِالْعِیَان
حاکم روز قیامت بعد حق باشد نبی
قاسم بین بهشت و بین دوزخ هست علی

در حدیث دیگری در ذیل آیات خدا

حضرت باقر فرمود جابرا روز جزا

ص: ۳۸۹

جمع نماید در قیامت حضرت پروردگار

اولین و آخرین از خلق خود را در شمار

او بخواند مصطفی و مرتضی را نزد خویش

حُله ئی از نور سبز پوشد به هر دو پس و پیش

حُله ی نور می کند روشن همه ملک زمین

مشرق و مغرب به نور غرقند دو نور مه جبین

بعد از آن دعوت نماید ما ائمه ی هدی

تا حساب خلق رسیم ما محضر خاص خدا

ما کنیم اهل بهشت را داخل باغ بهشت

این بهشت باشد ز بهر مؤمنان خوش سرشت

اهل دوزخ را به دوزخ می کنیم داخل همه

عدل حق باشد چنین و هیچ نباشد واهمه

این قضاوت ها همه در محضر حق مبین

محضر جمع نبیین اولین و آخرین

بعد اتمام حساب و جای گزینی جنان

می کند دعوت خداوند از امیرمؤمنان

تا کند تزویج به جنت همگی مؤمنات

از برای مؤمنین اندر بهشت عالیات

با قسم گفتا که هیچ کس جز امیرالمؤمنین

این عمل انجام نخواهد داد بروز واپسین

این عمل باشد کرامت از خداوند کریم
حق عطایش کرده بر نفس صراط مستقیم

ص: ۳۹۰

با قسم گفتا امام باقر ملک ولا

هست قسیم جنت و دوزخ علی مرتضی

در حدیث دیگری آمد، بگفت راوی: خبر

در حریم خانه ی خاص خدای دادگر

محضر موسی بن جعفر بودم و دیدم عیان

گرد کعبه دور ارکان در طوافند مردمان

گفت به من موسای کاظم صحنه را بینی چنین

بازگشت این مردمان باشد به سوی ما یقین

ما حساب ها را رسیم و ما شفاعت می کنیم

ما امام شیعیانیم و امامت می کنیم

حق ز ماها می پذیرد این شفاعت را بجا

زین پذیرش ما رضا باشیم خدا هم هست رضا

هادی امت بفرمود در زیارت جامعه

بازگشت خلق خدا سوی شما باشد همه

هست حساب های خلایق بر شماها از یقین

فاصله ی حق و باطل نزدتان باشد متین

پس امام این ائمه هست امیرمؤمنان

قاضی روز قیامت، قاسم نار و جنان

۸۹-سوره مبارکه ی فجر

سوره ی فجر کرد طلوع و فجر امیدم دمید

فجر صادق طالع گردید کس به این زیبا ندید

ص: ۳۹۱

فجر عشق است طالع گردیده است از صبح ازل

یا که فجری است از ولایت طالع گشته لم یزل

یا که فجر خاتمیت در نبوت آمده

یا که فجری از خلافت در امامت آمده

یا که فجری است از ولایت صبح امید همه

طالع گشته از ازل هم در طلوع بی واهمه

تا ابد اندر طلوع باشد به نفع همگان

نور و نور افشان کند هر روز همه ملک جهان

فجر آن آب حیات است از برای هر کسی

هر کسی نوشد از آن هر جرعه با هر نفسی

خلق باری جملگی نوشند از آن آب حیات

گر نوشند زان حیات چیزی، رسد وقت ممات

جان هر موجود بود بسته به یک جرعه از آن

صبح امیدش دمیده شب و روزش شادمان

گویمت فجر ولایت را یقین دان فجر نور

کئی بدانم من بیانش، نور نور است فوق طور

فجر صادق فجر نور است پس قَسَم بادا به فجر

هم قَسَم بادا به شب ها هم به شَفَع و هم به وَتَر

[۱] نقل نموده جابر از آن صادق آل ولا

باشد وَالْفَجْر قائم آل علی مرتضی

[۲-۳] وَلِيَّالٍ عَشْرٍ اِمَامَانِ مِنْ حَسَنِ تَابَهُ حَسَنٌ

باشد وَالشَّفْعُ مَرْتَضَى وَفَاطِمَةُ وَجْهَ أَحْسَنِ

ص: ۳۹۲

[۴] وَتُر، خداوند یگانه بی شریک و بی نظیر

وَاللَّيْلِ إِذَا يَشْرُ، باشد دولتی بس دلپذیر

عمر این دولت بود تا دولت قائم بپا

بهر این دولت کنیم ما جملگی شکر خدا

اصل این دولت بود یک اصل والا انقلاب

دولت جمهوری اسلامی ایران مآب

انقلاب ناب اسلامی ایران اصل آن

در ادامه باشد تا آن که بیاید جانِ جان

از برای انقلاب قائم آل علیّ

انقلاب باشد مقدمه که تا آید ولیّ

انقلاب ناب اسلامی بماند برقرار

چون بود خواست و اراده ی جناب کردگار

سال ها ماند که تا بیدار شوند، وه، مسلمین

دست رد محکم زنند بر سینه ی شرک، مشرکین

دست رد بر سینه وابستگان شرق و غرب

تارها گردند ز ذلت، عزت خود را سبب

سال ها ماند که تا بیدار شود هر ملتی

سرنگون سازد ستمگر، سرنگون هر دولتی

سال ها مانده که تا آماده گردد این جهان

تا که آید منجی عالم امام انس و جان

ظالمان را بر سر خاک مذلت می نهد

جمع مظلومان همه بر خوان حرمت می نهد

ص: ۳۹۳

او بود منجی عالم او بود نور خدا
او بود هادی خلق و جن و انس را رهنما
او نجات بخشد تمام بندگان را از ستم
او دل مردم کند شاد و نباشد ذره غم
او بدارد دوست تمام مردمان روی زمین
او ز بهر مردمان است مرجعی بسیار امین
او عدالت گستر است اندر همه مُلک و وجود
هرکسی از جود والایش برد بسیار چه سود
شرق و غرب دارند همه دوستش، بود دوست خدا
دوست بدارد شرق و غرب را او بود ایزد نما
ایزد پاک دوست بدارد جمع مخلوقش همه
مخلوقش از خود بداند، گویم این، بی واهمه
چون خدا دارد همه دوست، منجی عالم همین
دوست دوست مردمان است در همه روی زمین
منجی عالم بود مهدی موعود همه
او بود فرزند احمد نور چشم فاطمه
منجی عالم بود فرزند مولایم علی
میوه ی قلب نبوت او دوازدهم وصی
منجی عالم بود ختم ولایت حیدری
کس ندیده در جهان مانند او هیچ رهبری

آن چه نگذاشتند علی خدمت کند بر این جهان

وارث حیدر کند خدمت تمام مردمان

ص: ۳۹۴

آن چه نگذاشتند علی تا باز بگوید از سما
راه آسمان را بیاموزد به این خلق خدا
او بفرمود راه آسمان ها پرسیدم همین
تا بگویم بهرتان از فوق عرش تا این زمین
راههای عالم بالا یقین دانانترم
گر بخواهید بهرتان گویم به روی منبرم
لیک نبود از بهر آن مردم کمی عقل و شعور
تا برند نفع فراوان از علی منبع نور
حال که در آخر زمان عقل ها شکوفا می شود
غنچه ی باغ ولایت ظاهر و وا می شود
مهدی موعود شود ظاهر ز غیبت در عیان
دست این مردم گرفته می برد تا آسمان
صبح علم گردد طلوع از مشرق آل ولا
علم شکوفا می شود آن قدر که می خواهد خدا
غنچه ی علم وا شود از آسمان و از زمین
مردمان بسیار بدانند کام ها گردد شیرین
عالم دنیا شود بسیار زیبا و قشنگ
باطن خود را کند ظاهر چه عالی رنگ برنگ
پس بیاید منجی عالم نجات بخش جهان
خدمت بسیار کند بر مردم روشن روان

آن چه نگذاشتند ائمه در ترقی جهان

پیش برند، مهدی ما خواهد به پیش برد بیکران

ص: ۳۹۵

منجی عالم پناه بی پناهان در زمین

نسل پاکِ مولای عالم امیرالمؤمنین

[۲۲] فجر عشق کرده طلوع جمله ملائکک صف به صف

آمده پروردگار، باشند ملائکک جان بکف

جاء رَبُّکُ آمده باشد خدا در این مقام

دائماً در این مقام است تا که مخلوقش تمام

دانند و باور نمایند که خداوند قیوم

در همه جا هست و حاضر، داند احوال عموم

هست مسلط بر همه خلق رازق است در هر کجا

عالم ما سفره ی آقا علی مرتضی

[۲۷-۲۸] صادق آل نبی گفتا جواب یک سؤال

وقت قبض روح ندارند مؤمنان هیچ نوع ملال

چون ملک آید کند قبض روح پاک مؤمنی

گوید او را، ای ولی الله نداری تو غمی

با قسم گوید که من با تو کنم نیکی عیان

خیر تو خواهم بمانند پدری مهربان

چشم خود بگشا بین انوار عالی روبرو

چارده معصوم را ببینی بس چه زیبا و نکو

چون گشاید هر دو چشمان بیند ختم المرسلین

بعد آن بیند ولی حق امیرالمؤمنین

فاطمه بیند حسن بیند، بیند هم حسین

خوش بیند او ائمه جملگی نور دو عین

ص: ۳۹۶

چون کند باز هر دو چشمش بیند انوار هُدی

در زیارت آید و او زائر نور خدا

ناگهان از جانب حق یک منادی در ندا

خواند روح پاک او تا که برد نزد خدا

هست ندای یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةَ

همره پیغمبر و هم خاندان فاطمه

پیش بسوی ربّ خود ربّتِ مربی جهان

هستی راضی تو ز او و او ز تو راضی بدان

در میان بندگان خالصم داخل، بیا

تا رسی بر فجرِ جَنّت، جَنّت ذات خدا

باقر علم الهی کرده معنا آیه را

تفسیر و تأویل نموده آیه های پایه را

گفت است هر نفس که باشد مطمئن، هست اطمینان

اطمینانش از ولایتِ علی باشد بدان

خوش بود با این ولایت هم خدا راضی ز او

در زمان احتضار آیند ملائکِ روبرو

گویند او را: ای کسی که مطمئنی به ولا

با دو صد شادی به نزد ربّ و محبوبت بیا

تو رضا باشی ز محبوب، او ز تو باشد رضا

زین رضا باشد ولایت در رضا و در جلا

در مقام فجر خطاب آمد به نفس مُطمئن

نزد ما آی ای حسین ای تو امام انس و جن

ص: ۳۹۷

[۲۸] تو بیا در محضر حق باشی خشنود از خدا

هم بود راضی خدا از تو شهید راه ما

[۲۹] تو یکی از بندگان خاص من باشی حسین

در میان بندگان خاص بیا ای نور عین

ای حسین باشی تو خون من توئی نور هدی

هم توئی فرزند خونم آن علی مرتضی

[۳۰] تو بیا در جنت خاص خودم ای بی نظیر

جنت ذات است برایت، به، مقامی است دلپذیر

۹۰-سوره مبارکه ی بَلَد

[۱] سوره ثی از سوره ها باشد بَلَد بَیْتِ خدا

نازل آمد در خود بیت بر رسول مصطفی

اولین خانه بود در مرکز روی زمین

هست فرودگاه بهر آدم آمده از عَلِیْن

[۲] زادگاه مصطفی است این خانه ی خاص خدا

جبرئیل نازل شده در این مکان بر مصطفی

[۳] آدم أَبُوالْبَشَر کرده بنا این خانه را

جایگاه جلوه ی او مادرم باشد حوا

بار دیگر خانه را بنمود بنا شخص خلیل

در بنا او را حمایت ها نمود لطف جلیل

بعد از آن پیغمبران کردند زیارت خانه را

در کنارش بود عبادت حفظ کنند نشانه را

ص: ۳۹۸

بارها آورده وحی از نزد خلاق مبین
بارها کرده زیارت حضرت رُوحُ الأَمین
خانه ی خاص خداوند زادگاه مرتضاست
فاطمه بنت اسد را بین تو مهمان خداست
خانه ی خاص خدا با آن مقام پر بها
زادگاه نور یزدان است علی مرتضی
چون که بگذشتی سه روز درهم شکافت رُکن یمان
روی دست مادرش ظاهر شده آن جانِ جان
بهر زادگاه علی این خانه باشد محترم
از شعاع مولدش گردیده است اصل حرم
بین مَطاف گشته ز بهر خاص و عام بیت خدا
شرط حج باشد طوافِ گردِ خانه از صفا
قبله ی اهل نماز است مؤلد مولى علی
مقصد اهل نیاز است بس چه زیبا منزلی
گر نبودی خانه ی خاص خدا روی زمین
کئی ولادت حاصل آمد از امیرالمؤمنین
چون علی آمد ظهور در بیت نور ماه رجب
بر همه لازم شده تا بهر بیت اندر ادب
با ادب تکریم نمایند زادگاه مرتضی
در عبادت روی خود بر خانه ی خاص خدا

پس قَسَم بادا به زادگاه علی مرتضی

هم قَسَم بر شهر مکه زادگاه مصطفی

ص: ۳۹۹

ای رسول ما تو باشی ساکن اُمّ القُری

امنیت باشد در این شهر بهر مهمان خدا

شد سؤال از حضرت باقر امام محترم

این پدر با این پسر آیا که باشند خوش قدم

داد جواب گفتا پدر باشد امیر مؤمنان

دان پسر را مجتبی و هم حسین آرام جان

راویم کرده روایت از امیر مؤمنان

این من و اولاد من باشند وصیم در جهان

ما همه باشیم محدث، هادی امت همه

بعد من یک یک هدایت می کنند این جامعه

گفتمش باشد کدام یک این وصی بعد شما

گفت حسن باشد دگر باشد حسین سر جدا

بعد او باشد علی بن الحسین زین العباد

هشت نفر فرزند او باشند همه زین خانه زاد

هر کدام را نام ببرد و هر یکی بعد دگر

گفت به ایشان، یاد نمود سوگند خدای دادگر

در کتاب آسمانی نیک نظر کن با خرد

آمده واو قسم با، والد و ما ولد

هست پیمبر والد و هستند ائمه این ولد

عصمت است معنای آیه از نزول تا به ابد

والد نوع بشر باشند محمد با علی

نوع انسان زین دو فرد هر روز نماید منجلی

ص: ۴۰۰

[۸] نقل شده از باقر آل نبی این مُدعا

معنای عَیْنِین بود ختم رسالت مصطفی

[۹] معنی لفظ لِسَاناً هست امیر مؤمنان

شَفَتِین باشد حسن دیگر حسین مهربان

[۱۰] پس نگر نَجْدَین ولایت بهر ایشان در جهان

یا که نَجْدَین، نَجْد خیر و نَجْد شر باشد بدان

[۱۳] صادق گفتا کلامی بهر فَکُّ رَقَبَه

هست ولایت علی بهر تمامی ناچیه

[۱۴] صادق گفتا هر آن کس کرده باشد بس عطا

بر فقیر شیعیان ما، فقط بهر خدا

می دهد اجرش خداوند بس فراوان بی حساب

جز خدایش کس نداند تا دهد روزی جواب

آن که از ما اهل بیت دارد ولایت، معرفت

می رهد از هر عذابی در جهان آخرت

[۱۵-۱۶] این یتیم قُرب و نزدیک و صف او باشد نبی

أَوْ مَسْکِیناً ذَا مَتْرَبٍ، نام زیبایش علی

حیدر صفدر علی اطعام دهد شخص یتیم

هم دهد مسکین نادار هم اسیر را از نعیم

پس قسم بادا به کعبه قبله ی خاص خدا

هم علی با حق بود هم حق بود با مرتضی

[۱۸] بهترین اصحاب عالم دان تو اصحاب یمین

جمله باشند پیرو و دوست امیرالمؤمنین

ص: ۴۰۱

[۱۹] بدترین اصحاب عالم مَشْتَمَه باشد عیان

دو شمنان آل طاها هست در این ملک جهان

حضرت باقر نمود تأویل آیه این چنین

باد سلام حق به باقر هم امیرالمؤمنین

۹۱-سوره مبارکه ی شمس

سوره ی شمس گشته نازل از مقام معنوی

لطف ایزد طالع گشته از مقام سرمدی

لطف ایزد نازل آمد سوم شعبان رسید

شد تولد نور یزدان فجر امیدها دمید

[۱] شمس عالم نور تابان است حسین فاطمه

منبع فیض تمام است جانِ جانان همه

[۲] چارم شعبان رسید و کرد طلوع ماه تمام

بعد خورشید ماه بیامد اقتدا کرد بر امام

ماه تابان است عباس آمده بعد از حسین

بهره گیرد از برادر همچو ماه از شمس عین

[۳] پنجم شعبان تولد یافت علی بن الحُسین

نور رویش کرده روشن آسمان مشرقین

آمده بعد از پدر باشد امام چارمین

باد سلام حق بر این ابنِ و عم و بابِ متین

پس قسم بر شمس عالم هم به ماه عالمین

هم به روز روشن حق شد علی بن الحسین

ص: ۴۰۲

صادق آل رسول گفتا میان یک خبر

آفتاب باشد رسول الله علی باشد قمر

وَالنَّهَارُ، باشد امام از نسل پاک فاطمه

لَيْلٍ يَغْشَاهَا، ستمکاران جور، پُر واهمه

گفت حسین بن علی، شمس است رسول عالمین

وَالْقَمَرُ باشد علی ما امیرالمؤمنین

هست محمد آفتاب پر فروغ این جهان

نور آن روشن نماید از زمین تا آسمان

نور آفتاب رسالت در تَلَأُوْ آمده

هادی ملک الهی بهر این خلق است همه

هست علی بن ابی طالب قمر در آسمان

کسب کند نورش ز آفتاب رسالت جاودان

نور آفتاب و قمر هر دو ز بالا در طلوع

هر دو یک اصلند نباشند هیچکدام اصل و فرع

هر دو باشند یک تجلی از ظهور نور حق

نسل آینده بدانند همچو قوم ما سَبَق

در بیان دیگری فرمود حیب کردگار

من چو آفتابم، نمایان نور من لیل و نهار

هست علی همچون قمر در آسمان معنوی

روشنی بخش جهان است نور روی علوی

پس قسم بادا به آفتاب نبوت در جهان

هم قسم بادا به ماهِ نور، امیرمؤمنان

ص: ۴۰۳

در بیان دیگری فرمود علی شمس سماست

وَضُّحَىٰ باشد قیام قائم ما، در جلاست

[۴] اولی و دومی لیل است و لیل تاریک بود

هر دو پوشانیده اند حق، حد آن باریک بود

[۵] این سما باشد محمّد مردمان در پی آن

می روند بالا و نزدیک تا رسند بر آسمان

[۶] شیعیان ارضند در این جا و نگر ارض و سما

ارض تراب آدم است و مظهر او در بقا

[۸] راه باطل هست فجور و راه حق تقوی بدان

حق نشان داده به هر کس حق و باطل را عیان

حق علی باشد به عالم باطل است هر غاصبی

حق بود هم با علی و نابحق هر ناصبی

[۱۰] صادق آل عبا گفتا امیرمؤمنان

نفس خود را پاک نموده از پلیدی جهان

اولی و دومی نفس ها تباه کردند، تباه

با تباه بنمودن نفس بارها کردند گناه

پس سلام بادا به نفس پاک مولایم علی

این علی باشد خلیفه ی بلافضل نبی

[۱۱] صادق آل ولایت گفته بعض مسلمین

تکذیب بنمودند پیمبر چون نمود پر زکین

تیغ بران امام باشد عذاب وقت ظهور

بهر این ثمودیان و دشمنان اصل نور

ص: ۴۰۴

ناقَه الله هست امام و استسقای مردمان

از مقام و منبع علم آخذ کنند حد توان

[۱۲-۱۳] نقل شده از جمع بسیاری، چنین کرده نبی

کرد خطاب و روی خود بنمود بجانب علی

گفت که أَشَقَى الْأَشْقِيَا باشد میان اولین

آن کسی که ناقه ی صالح بکشت از منکرین

دان که اشقی الاشقیا باشد میان آخرین

قاتل شخص تو خواهد بُود، بُودٌ وصفش چنین

۹۲-سوره مبارکه ی لیل

سوره ی لَیْل آمده نازل به مکه سرزمین

نازل آمد بر رسول حق محمّد امین

هم قَسَم بادا به شب هم باد به روز پر فروز

شب ظهوری از جلالت، از جمال است نور روز

شب تجلی جلال حیدر کرار بود

روز تجلی جمال حضرتش در کار بود

هم قَسَم بادا به مخلوقات به نرها ماده ها

باطن مخلوق علی باشد به دنیا و عقبا

سعی کنند تا باطن خود را شناسند جملگی

گر شناسند می رسند اندر مقام بندگی

[۳-۲-۱] لیل و تاریکی حکومت های طاغوتی عیان

این علیست باید نماید صبر میان طاغیان

ص: ۴۰۵

صبر بیاید تا بیاید دولت حق در میان
دولت حق روشن است از بهر هر انسان و جان
روز روشن دولت حق قائم آل رسول
در جهان است حاکم و هر دولت باطل نزول
نقل شده از باقر آل رسولم این چنین
الذَّكْرُ و مرد میدان هست امیرالمؤمنین
الْأُنْثَى هست فاطمه و اصل زن اندر جهان
زوجه باشد فاطمه و زوج امیر مؤمنان
در بیان دیگری فرمود بود معنا چنین
اولی و دومی لیل باشد و تاریک و کین
روز امیرالمؤمنین است روشن و زیبا سرشت
ظاهرش خورشید تابان باطنش مغز بهشت
شب کند سعی تا بپوشاند تمام نور روز
ماه شود مانع که تا طالع شود آن پرفروز
چون شود طالع همان صبح امید همگان
قائم آل محمد روز خوب بندگان
با طلوع روز روشن محو شود هر باطلی
هر نفاق و شرک و کفر و تیرگی و عاطلی
نور عالمتاب قائم می کند روشن جهان
باد سلام حق به این نور و امیرمؤمنان

صادق ملک وجود معنا نمود لیل را عیان

دولت شیطان بود اندر زمین و در زمان

ص: ۴۰۶

دولت شیطان بماند تا به هنگام ظهور

اصل این دولت ز طاغوت و پر از فسق و فجور

چون بیاید قائم آل محمد در عیان

دولت شیطان شود برچیده از ملک جهان

دولت حقه ی حضرت معنیش باشد نه‌ار

انقلاب مهدویت باشد از پروردگار

پس سلام بادا به صادق باد به مهدی هدی

باد به مولای جهان و باد به میر لافتی

[۹] حُسنای آیه، ولایت امیر مؤمنان

باشد و هر کس کند تکذیب آن، اندر زیان

[۱۲] حضرت صادق نموده آیه را معنا چنین

قائم ما چون شود ظاهر جهان است دلنشین

لیک بود اندر غضب بهر نفاق، منافقین

می کشد زان‌ها فراوان تا که پاک گردد زمین

[۱۴-۱۵-۱۶] نقل شده از صادق که آتش دوزخ عیان

نوع بنوع باشد، شدید و فوق شدت هست چنان

نوعی از آن فوق شدت و صف آن باشد اشد

هست ز بهر اشقیاء و کاذبین با حسد

آن که گفتا، احمد مختار ز بهر مرتضی

کرده تکذیب، روی بگردانیده از اصل ولا

اشقیانند دشمن آل محمد در جهان

جایگاه اشقیا باشد در آتش جاودان

ص: ۴۰۷

[۷] باشد اَتَّقِي مرتضی و شیعانِش جملگی

عرش نشینند و حضور حق بُونَد در بندگی

پس ولایت اصل اصل است صاحبش باشد علی

با ولایت هر کسی هر چه بخواهد هست جلی

بی ولایت هیچ نباشد جز بدی و شرِ شر

آتش دوزخ فرا گیرد ز پا تا فَزَقِ سر

[۲۰-۲۱] این علی است که بارها احسان نمود بهر خدا

او ز احسانش ز بهر حق همیشه هست رضا

۹۳-سوره مبارکه ی ضحی

سوره ی ضحی بیامد از میان آسمان

آمد از نزد خداوند حکیم مُسْتَعَانَ

وَالضُّحَى باشد تجلی امیر مؤمنان

هم شب است از بهر آرامش امام مهربان

[۵] نقل از پیغمبر است، بادا سلام حق به او

گفته است ما اهل بیت، در نزد حق باشیم نکو

برگزیده حق ز بهر ما جهان آخرت

برتری داده به دنیا آخرت را زین جهت

بعد از آن کردی تلاوت آیه ی لطف خدا

خواند: وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى

ای محمّد حق عطایت می کند باشی رضا

هرچه هست از بهر تو ظاهر شده نزد خدا

ص: ۴۰۸

صادق آل رسول گفتا کلامی بس بلند

هست عطای حق شفاعت، بهر پیغمبر پسند

[۶] شد سؤال از حضرت صادق، چرا کرده خدا

این رسولش را یتیم، تنها در این ملک و سرا؟

در جواب گفتا ز بهر آن که تا شخص خدا

خود نماید تربیت مخلوق خوبش مصطفی

تا نباشد بهر هیچ کس منتهی بر آن جناب

او بزرگ است و تمام کارهایش با صواب

[۱۱] نعمت بسیار بزرگ حق تعالی هست ولا

نعمتی با این فضیلت نیست به ارض و هم سما

این ولایت این خلافت این وصایت از علیست

این نیابت این وزارت از علیم منجلیست

آمد دستور از خداوند قویم بر مصطفی

نعمت پروردگارت را بوقت اعلام نما

برترین نعمت یقین باشد ولایت در جهان

این ولایت هست بحق بهر امیرمؤمنان

گو فضائل علی را در میان مردمان

تا بدانند این علی کیست این علی هست جانِ جان

بارها گفتا رسول الله فضائل علی

بِالْأَخْصِ اَنْدَرِ غَدِيرِ خَمِّ بَكُفْتِ بَا پَرْدَلِی

در غدیر بر روی منبر خطبه ئی غرا بگفت

دُرّی از دریای توحید و ولایت را بسُفت

ص: ۴۰۹

پس حدیث کرد نعمت بی حد و والای خدا

بر تمام امتش، هم در غدیر هم همه جا

باد سلام و باد صلوات خداوند غنی

بر رسول الله و بر نفس رسول الله علی

۹۴-سوره مبارکه ی انشراح

سوره ی شَرَح آمده در شرح حال مصطفی

نفس پاک مُصطفی باشد علی مرتضی

[۱-۲] سینه ی پر نور احمد شد شکفته از نِعَم

بار سنگین نبوت شد سبک نیست ذره غم

نفس پاک احمدی یاری نمود اسلام و دین

بارها خود را فدا کرد بهر خَتْمُ الْمُرْسَلین

صادق آل ولایت آیه را معنا نمود

باطن آن را به نام حیدر کرار سرود

گفت، خداوند با ولایت امیر مؤمنان

روشنائی داد دل آن خاتم پیغمبران

با فتوحات در جهاد و فتح مکه و دگر

فتح ها با دست و بازوی علی، بنگر ظفر

با فتوحات علی اسلام گرفت قوت تمام

سینه ی پر نور احمد شد گشاده پر قوام

بار سنگینی ز اسلام و ولایت بر زمین

شد نهاده با دو بازوی یدالله، آفرین

ص: ۴۱۰

[۵-۶] بارها اسرار بالا گفت به مولا، مصطفی

بار سینه شد سبک از عُسْر به یُسْر آمد نوا

[۷-۸] صادق آل رسول معنا نمود دو آیه را

آیه ی هفتم و هشتم سوره ی شرح پر عطا

گفت خداوند حکیم، ای برگزیده مصطفی

بعد انجام نبوت باطنش آر در نما

باطن واصل رسالت هست ولایت علی

باطن واصل رسالت بهر مردم کن جلی

پس نما بعد فراغت این علی را تو وصی

نصب نما او بر خلافت تا بدانند هست ولی

بعد آن خواند، مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

تا سه بار این را بگفت و خود پناه برد به خدا

تا کند حفظ ولایت با علی مرتضی

در بیان دیگری گفت صادق ملک وجود

در سفر بودی رسول الله بحج اندر شهود

این دو آیه نازل آمد، تا ز حج فارغ شدی

کن تو منصوب این علی را، کی توان غافل بودی

چون که با نصب علی بر جای خود آمد قرار

با دو صد رغبت روان باشی سوی پروردگار

۹۵-سوره مبارکه ی تین

سوره ئی از سوره ها گردیده نازل نامش تین

دو ثمر از خلقت نازل گشته است بین با یقین

تین و زیتون دو ثمر باشد ز خلقت آمده

تین مقام نبوی با جاء و دولت آمده

زیت مقام ولوی از عالم معنا عیان

گیر به گوشت رمز خلقت گر نگیری، لَنْ تَران

تین کریم اهل بیت باشد امام مجتبی

زیتون است تجلی شاه شهید کربلا

یا دو میوه ی بهشتی آمد از خلد برین

باد به خالقِ دو میوه صد سلام و آفرین

[۱-۲-۳] پس قَسَم به تین و زیتون هم به طور و هم سینین

هم قَسَم بادا به شهر، هم با امان و با آمین

گشته منقول از امام باقرِ علم و کمال

تین حسن زیتون حسین هر دو ظهوری از جمال

این دو میوه، میوه ی قلب نبی و مرتضی

میوه ی دلبند زهرای عزیز مصطفی

طُور سینین است امیر مؤمنان یعسوب دین

فاطمه ناموس داور باشد بَلَدِ آمین

از نبی الله روایت آمده نیز این چنین

لیک بجای فاطمه باشد نبی، بَلَدِ آمین

ص: ۴۱۲

در بیان دیگری آمد که تین باشد رسول

زیتون است مولی امیرمؤمنان، این هم قبول

طور سینین است حسن هم شاهد معنا حسین

بَلَدِ آمِنِ امامان در میان خَافِقَيْنِ

موسی کاظم بگفتا از پیمبر یک بیان

گفت که تین باشد مدینه، در نزول کروبیان

زیتون است بَيْتُ الْمُقَدَّسِ طُورِ سِنِينِ کوفه دان

مکه بَلَدِ آمِنِ و قبله گاه عاشقان

بین تو این قبله بود زادگاه احمد هم علی

زادگاه در زادگاه باشد بوصف مُنْجَلِي

مکه باشد زادگاه اشرف مخلوق نبی

کعبه باشد زادگاه حیدر صفدر علی

[۴] با قَسَمِ گوید مقام خلقت انسان بین

آفرینشش بود در بهترین صورت ز طین

خلق نمود در صورت خود آدم أَبَوِ الْبَشَرِ

بهترین صورت بود آن نیست به ماندش دگر

حضرت آدم که با صورت حق ظاهر شده

بهترین فرزند او مولی علی باهر شده

لیک بود در عالم بالا امیرالمؤمنین

باب والائی ز بهر آدم مُلْکِ یقین

پس بروی خاک بود آدم پدر بهر علی

عالم معنا پسر باشد ز بهر این ولی

ص: ۴۱۳

جنس انسان با تمام قامت، شده خلق خدا

گر به راه راست آید این چنین ماند بقا

[۵] گر نیاید بر صراط مستقیم، لغزد ز راه

جای او هست اسفل سافل بماند ته چاه

اسفل سافل بود لازم ز بغض مرتضی

همچنان که رستگاری باشد در حبّ و لا

[۶] آن که آورده است ایمان، کار صالح کرده آن

او امیر مؤمنان باشد ز بعدش شیعیان

[۷-۸] آن که تکذیب کرده است دین و ولایت از علی

أَحْكُمُ الْحَاكِمِ خُدا باشد نباشد مشکلی

۹۶-سوره مبارکه ی علق

سوره ثی آمد علق نامش، چه نام باصفا

جبرئیل آورد سوره بر محمّد در حرا

اولین سوره به ظاهر آمد از نزد خدا

تا که خواند بر پیمبر منشاء آل عبا

[۱] گوید اقرا باسم ربّک، ای نبی محترم

خوان به اسم خالقت، ناورده انسان از عدم

[۲] خلق نمود انسان ز نطفه، نطفه جان ماده بین

نطفه جان خاک پاک است سجده کن بر این زمین

خاک ز آب ظاهر شده آب است حیات عالمین

خاصه سرچشمه ز آب و کوثر است بس نور عین

ص: ۴۱۴

آب ز سرچشمه بیامد صورتش باشد نبی

صورت از صورت گرفت نامش نهاده شد علی

[۳] پس بخوان نام کریم حضرت پروردگار

آن که آموخته تو را علم و قلم آرد بکار

[۴] اولین خلق خدا باشد قلم اعلی قلم

لوح محفوظ را زده با این قلم شخصاً رَقَم

این قلم اعلی قلم باشد رسول محترم

لوح محفوظ سَمَوات است علی این اِنَّ عَم

[۵] هست معلم بهر پیغمبر خداوند علیم

درس و علم آموخت رسولش تا بود شخص فہیم

بی سواد نبود محمد، کی بود اُمی چنین

او بخوانده درس خود را نزد رَبِّ الْعَالَمین

امی باشد اهل مکه یای نسبت آمده

او بود اصل و فروعش عام خلقت آمده

اصل انسان است پیمبر عالم مُلک خدا

بعد حق هیچ کس نباشد حد او در دو سرا

عالم هر علم باشد نیست بمانندش کسی

جز خدا ناید به این حد خواهی بنما بررسی

هر چه علم است او بداند غیب باشد یا شهود

تنزیل علم خدا داند، همیشه در صعود

هست رسول الله معلم بهر مولای جهان

درس و علم آموخته نفسش مرتضی آن جان جان

ص: ۴۱۵

اوست معلم بهر مولایم علی سرافراز

نازل علم خدا را داد به او حد نیاز

این علی بگرفته علم حق ز ختم انبیا

هم گرفته علم بی واسطه از شخص خدا

این علی باشد معلم بهر جبریل امین

علم توحید داده بر او علم آسمان و زمین

این علی آموخت به خضر مؤمن مُلک وجود

علم تدبیر عوالم، باد به هر دو صد درود

این علی باشد معلم بهر نوع آدمی

می دهد تعلیم هر آن کس را به ظرف عالمی

علم گرفته از رسول الله، پیمبر از خدا

تا بیاموزد تمام خلق عالم در صفا

تا معلم باشد از بهر رسولان خدا

بهر جبریل و ملائک بهر عالم رهنما

علم او محدود نباشد یا که نیست علم زمین

علم او علم سماوات یا که فوق آن متین

خود بگفت از من پرسید هر چه خواهد هر کسی

تا جواب گویم به هر کس، ز آسمان تا هر خسی

راه های آسمان ها را ز راه های زمین

می شناسم طرز بهتر هر کدام را با یقین

کئی توان علم علی دانست و یا وصفش سرود
جز خدا و عصمت پاک کی توان مدحش نمود

ص: ۴۱۶

احمد مختار بدید در سیر معراج یک مهم
از رهش ماند تا که بیند سرّ آن را خود مُتم
این مهمّ بود یک قطاری از شترهای قشنگ
بارها بر پشت بسته هر کدام بودی به رنگ
در ره خود می گذشتند زان مسیر با نظم خاص
مصطفی در انتظار تا این قطار گردد رُصاص
جبرئیل گفتا به پیش آی، پس چرا ایستاده ئی؟
راه خود پیش گیر به بالا، تو عجیبی دیده ئی؟
گفت رسول الله بود کار کراحت آشکار
از میان اشتران بگذشتن باشد عیب و عار
صبر کنیم تا بگذرند این اشتران از این مکان
بعد از آن در سیر مقصد پیش رویم در آسمان
جبرئیل گفت در جواب، ای خاتم پیغمبران
بوده است از اول دنیا قطار اشتران
پایدار است تا به آخر، عمر دنیا این قطار
هر کدام باری به پشت دارند در این ره بشمار
باری، از آن اشتران بگشود جبریل امین
محضر احمد نشان داد تا ببیند مه جبین
دید همه باشند نوشتار و کتاب های قطور
جمله در وصف امیرالمؤمنین امام نور

بار، دیگر را گشود و دید که آن باشد چنین

بار، کتاب است و کتاب مدح امیرالمؤمنین

ص: ۴۱۷

بار، دیگر را بدید از اشتر دیگر همین

بود کتاب علم مولی آن امام اولین

جبرئیل گفتا تمام بارهای اشتران

هست کتاب علم و توصیف امیر مؤمنان

پس علی آن لوح محفوظ از قلم بگرفت عیان

علم آسمان و زمین و علم این و علم آن

این قلم با لوح محفوظ داده انسان علم تام

عالم و علام، علیم از علم، آن را برده نام

۹۷-سوره مبارکه ی قدر

سوره ئی از سوره ها قدر است بود قدرش عظیم

نازل آمد بر محمد از خداوند علیم

[۱] گفت خدا مائیم که نازل کرده ایم سِری عیان

در شب قدر بر محمد خاتم پیغمبران

باطن قرآن به یکجا در شب قدر شد نزول

بر دل احمد نشسته، مانده از فهمش عُقول

بعدها کم کم نزول کرد از دل پر نور او

خوب نشست بر هر دو لب های قشنگ چون طور او

از دو لب بنمود نزول بر گوش و بر قلب ها نشست

مانع های ابلیسی از گوش و از دل ها شکست

آن چه نازل شد به لب، قرآن یکی اسم است از آن

اسم به همراه مسما، قاف قرابت را عیان

ص: ۴۱۸

آن چه بر قلب رسول الله نشست در شب قدر
نی بود اسمی به همراه، یک حقیقت بین چو بدُر
من ندانم آن حقیقت را بیارم بر زبان
آن خدای خاک نشین است یا امیر مؤمنان
آیه ی اول نگفت هیچ اسمی از آن بی نشان
تا نمایم اسم حُسنای حقیقت را بیان
گوئیا نبود برایش اسم و رسمی در جهان
خود به واقع حاکم است باید گشود دو چشم جان
نی توان گفت زان حقیقت نی توان دیدار آن
می توان رسید حقیقت هم زیارت کرد ز جان
آنچه بر قلب نبی بنشست بود عشق تمام
یا بود اصل ولایت نام گرفت بر خود امام
یا بود قرآن ناطق، نام، امیرالمؤمنین
درس توحید نزد او خواند حضرت رُوحُ الأَمین
نیست یقین قرآن تکوین یا که تدوین بِالْعِیَان
بین حقیقت حاکم است، دیگر مگو، بر بند دهان
[۲] گفت خدا ما نازلش کردیم به شب آن هم به قَدْر
تو چه دانی قَدْر چه باشد باید بینی همچو بدُر
[۳] بهر بنده این شب قدر از هزار ماه بهتر است
یک بود توحید خاص و در هزار شرک پیکر است

قَدْرَ ظَهْرِي از قَدْرِ بَاشِدِ قَدْرَ هِمِّ از قَضَا

در قَدْرِ اِنْسَانِ تَوَانِدِ كَمِّ كُنْدِ يَا كِهْ اَفْزَا

ص: ۴۱۹

در قضا در دست حق باشد تمام اختیار

در قدر داده به بنده تا نماید افتخار

بنده اندازه بگیرد بهر خود با دلخواه

حق کند قطع هر چه خواهد، عدل دهد بر آن گواه

[۴] در شب قدر حضرت روح با گروهی از ملک

بر زمین نازل شوند از آسمان فوق فلک

می رسند در محضر مُنشی ربّ العالمین

حجت خاص خدا مهدی موعود مه جبین

سرنوشت بندگان یک سال شده ترسیم چنان

آورند از بهر امضاء محضر صاحب زمان

می کند امضاء تمام سرنوشت بندگان

تا به یک سال منتشر گردند همه سطح جهان

[۵] هست سلام و هم سلامت، تهنیت تا صبحگاه

باد سلام حق تعالی بر جمال و روی ماه

خود سلام است اسم الله حاضر است در همه جا

باد سلام و اسم حق بر مهدی موعود ما

هست امام منتظر در محضر خاص سلام

این سلام داده سلامت جسم و جان این امام

باد سلامی از سلام بر روی پاک مهدوی

تا طلوع فجر چنین باد تا زمان سرمدی

باد چنین تا فجر غیبت طالع گردد آن زمان

صبح صادق انفجار نور بود در هر مکان

ص: ۴۲۰

سوره ی قدر سوره ی خاص امام عصر بود

مَطَّلَعِ فَجْرٍ قِيَامِ اسْتِ مَطَّلَعِشِ هَمِ نَصْرِ بُوْدِ

کل این سوره بود راه و روش علوی

یک منش می باشد از ختم ولایت مهدوی

گفته است ابن نُباته یک حدیثی بس بلند

از علی مولای عالم آن امام ارجمند

او روایت می کند از اصل خود ختم رُسل

جلوه ی اول تجلی اتم آن عقل کل

گفت، رسول الله به من فرمود به تو گویم علی

گویم از بهرت کلامی و گشایم مشکلی

عقل کل فرمود به من آیا تو می دانی که چیست

معنی این لَيْلَةُ الْقَدْرِ گو چه باشد یا که کیست؟

در جواب گفتم ندانم یا رسول الله من این

معنی والای آن را تو بیاور بر زمین

او بفرمودی خدای خالق لیل و نهار

آن چه را تا به قیامت خواهد، گردد آشکار

حق در آن شب می کند تقدیر و معنا هست تمام

نازل فرماید زمین با صد صلوات و سلام

بعضی از مُقدرات حق تعالی هست ولا

هست ولایت تو و جمله امامان هدی

تا قیامت این چنین بوده و هست و خواهد بود

از خدا باد بر ولایت صد سلام و صد درود

ص: ۴۲۱

از مُفَضَّل نقل شده، بودم به خدمت امام

آن امام صادق هستی که باد بر او سلام

محضرش کردم قرائت آیه ی اول ز قدر

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را بفرد

حضرتش فرمود که آیا فضل این سوره عیان

بر تمام سوره ها بهرت نَنمایم بیان؟

گفتمش قدر آن شبی باشد که باشد رمضان

داد جوابم گفتم بلی، آن شب شبی است پر ارمغان

در شب قدر است که انجام می پذیرد جملگی

تقدیرات آسمان ها و زمین و بندگی

تقدیراتِ این ولایتِ امیرمؤمنان

اصل تقدیر است ولایت در زمین و آسمان

در احادیث آمده از بهترین خلق خدا

عصمت مطلق نبیّ الله و دیگر اوصیا

وقت قدر دانسته اند در ثلث سوم رمضان

بالاخص در بیست و یکم یا بیست و سوم آن

تو شب قدر را یکی از این دو شب دان از یقین

بهرتر آن است هر دو شب را در عمل باشی چنین

خاص خاص دان بیست و سوم آن شب قدر خدا

تقدیرات حق تعالی آمده بهر ولا

نازل آید در شب قدر همراهِ اذنِ خدا

حضرت روح با ملائک تا رسند نزد ولا

ص: ۴۲۲

محضر تک حجت حق صاحب عصر و زمان
آورند با اذن ربّ آن چه بیان داشت مُشْتَعَان
آن چه در یک سال قرار است نازل آید از سما
می شود آن شب مقرر در قَدَر و در قضا
حجت حق می کند امضاء و صادر می کند
مهر تأیید ولایت بهر انجام می نهد
در شب قدر نازل آید اصل و معنای سلام
با سلام و تهنیت آید فرود نزد امام
این سلام باشد سلامت از خداوند کریم
بر مقام عصمت و بر مَظْهَرِ حَیِّ قَویم
بر جهان آفرینش بر همه ملک خدا
از سما آید نزول گسترده است تا هر کجا
از سما آید نزول تا مَطْلَعِ فِجْرِ تمام
تا زمان صبح صادق محضر و یار امام
با طلوع صبح صادق نقش ببندد در جهان
سِلْم و تسلیم و سلامت در جهان باشد عیان
تا به یک سال هست سلامت در جهان و اهل آن
اصل این سلم و سلامت هست وجود جانِ جان
جان جانان است ولایت باد فدایش جان ما
بعد عشق اقدس است مولی علی مرتضی

باد هزار حمد و ستایش بر مقام عشق پاک

باد هزار مدح و ثنا از فوق عرش تا روی خاک

ص: ۴۲۳

باد سلام عشق پاک بر عشق پاک فوق هزار

باد سلام عشق پاک بر مظهر پروردگار

مظهر پروردگار باشد ولایت جانِ جان

مظهر اصل ولایت هست امام انس و جان

عشق اقدس را خدا دان و ولایت مرتضی

باد به این اصل و تجلی صد سلام و صد ثنا

پس سلام حق به مهدی صاحب عصر و زمان

هم سلام حق به جدش آن امیرمؤمنان

پس سلام این سلام باد بر سلام اصل سلام

بر ظهور این سلام ختم رسالت هم امام

بعد از آن باشد به حیدر جان جانان همه

هم به دخت مصطفی ناموس داور فاطمه

هم به فرزندان پیغمبر ائمه هدی

هم به دوستاران معصوم شیعیان پر ولا

هم به مخلوق خداوند در سما و در زمین

هم به جان همگان مولی امیرالمؤمنین

۹۸-سوره مبارکه ی بَیِّنَه

[۱] سوره ئی از سوره ها بَیِّنَه باشد نام آن

بَیِّنَه برهان قاطع آمده از آسمان

هست روایت از امام باقر هفت آسمان

بینه باشد محمد خاتم پیغمبران

ص: ۴۲۴

[۵] هست در این آیه نماز، مولی امیرمؤمنان

دین قیم فاطمه باشد تو این تأویل بدان

کافران و مشرکان از کفر و شرک نیستند جدا

تا بیامد حجت روشن رسول مجتبی

تا بخواند از کتاب آسمانی بهرشان

آن که از اهل کتاب کردی قبول باشد امان

آن که ایستاد در مقابل کار او ساخت ذوالفقار

مانع توحید ز راه برداشت علی نور دادار

[۶] باقر علم الهی آیه را تفسیر نمود

باد ز حق متعال بر این مفسر صد درود

مصدق آیه و این شَرُّ الْبَرِّیَّه هست یقین

دشمنان اهل بیت مصطفی روی زمین

بدترین مخلوق بود کافر و مشرک و نفاق

جای آن ها در جهنم آتش است، این است نطق

بدترین مخلوق یقین دان دشمنان مرتضی

در جهنم در خلودند غاصبان و اشقیا

[۷] جابرم گفتا که ما در محضر شاه حجاز

بودیم و دیدیم مقابل، ما علی سرفراز

با قسم گفتا رسول الله به آواز بلند

در قیامت رستگار است این علی ارجمند

این علی و شیعیانش رستگاران جزا

می روند و می رسند در محضر خاص خدا

ص: ۴۲۵

چون به اتمامش رسید این دم کلام مصطفی

نازل آمد آیه ی هفتم به شأن مرتضی

آیه فرماید علی خَيْرُ الْبَرِيَّةِ آمده

بهترین خلق خدا بی بغض و کینه آمده

بعد از آن اصحاب پیغمبر که می دیدند علی

وارد می گشت نزد آنان با صفا و خوشدلی

جمله می گفتند به هم بی بغض و هم بی دغلی

آمده خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بهترین مخلوق علی

مؤمن آل محمد این علی باشد یقین

صالح این امت است وَالله اميرالمؤمنين

در بیان دیگری از کاتب مولی علی

نقل شده، گفتا که بشنیدم خودم از این ولی

گفت به وقت قبض روح رأس نبی بالین من

بود و خواندی آیه را پیغمبر و مُعِين من

گفت بوند این ها همه پیرو تو و دوست من

این شمائید در کنار حوض کوثر خوش سخن

آورند هر امتی را تا بگیرند زو حساب

شیعیان تو همه مسرور همه عالی جناب

در بیان دیگری نقل از نبی آمد وجود

آیه را در شأن مولایم علی بسیار ستود

نقل شده از عایشه گفتا که گفته مصطفی

این علی خَيْرُ الْبَشَرِ باشد مقامش هست ولا

ص: ۴۲۶

نقل دیگر آمده از عایشه او از نبی

گفته در حق خوارج هم بگفته از علی

گفته باشد این خوارج بدترین خلق خدا

قاتلشان بهترین خلق باشد اندر دو سرا

این علی شد قاتل آنان بجنگ نهروان

پس علی افضل بود اندر میان مردمان

پس بود این افضلیت از برای مرتضی

غیر او افضل نباشد در خلافت هر کجا

جانشینی بلافضل پیمبر هست یقین

از برای افضل امت امیرالمؤمنین

در روایت آمده از شیعه و سنی عیان

آیه باشد شأن مولی و تمام شیعیان

گفت رسول الله به مولای همه اهل جهان

اهل این آیه تو باشی با تمام پیروان

در قیامت ای علی با پیروانت در سرور

راضی و خوشنود بیائید جملگی اندر حضور

دشمنانت در قیامت آیند آزرده حزین

در غضب باشند همگی آرزومند و غمین

نقل دیگر از پیمبر آمده در این میان

با قسم گفتا علی جان، این تویی و شیعیان

وعدہ گاہ تو و دوستانت بود روز جزا

در کنار آب کوثر محضر خاص خدا

ص: ۴۲۷

هم رسیده از امام باقر مُلک جهان

کرده تفسیر آیه را بهر علی و شیعیان

۹۹-سوره مبارکه ی زُلْزَلَه

[۱] سوره ئی آمد به نام زُلْزَلَه در روزگار

می نماید لرزش آن این زمین را بیقرار

[۲] آنچه دارد در دل خود می کند از خود بروز

تا همه روشن شوند هرگز نباشد سوخت و سوز

[۳] از کتاب ها و ز تفسیرها رسید ما را همین

انسان در آیه باشد شه امیرالمؤمنین

[۴] از امام باقرم باشد بیانی این چنین

کرد قرائت سوره در نزد امیرالمؤمنین

گفت علی: باشم من انسانی که قرآن گفته است

این کتاب آسمانی دُرّ دریا سُفته است

من کنم آگاه تمام مردمان را از زمین

من حوادث ها و اخبار می کنم ظاهر از این

من کنم باز گو خبرهای زمین و هم زمان

از حوادث بزرگ و این زمین گویم چنان

این حوادث بزرگ گویم امیرالمؤمنین

بوتراب است اصل خاک و اصل و جان این زمین

خود بفرمود خطبه ئی از بهر جمع مردمان

گفت منم آن نقطه ی در باء بسم الله عیان

ص: ۴۲۸

گفت منم جَنْبُ اللَّهِی که اکثراً کردید رها

سوی غیر حق برفتید و رضا نَبُود خدا

گفت منم لوح و قلم و این منم عرش برین

گفت منم کرسی بر عرش، فوق عرش تا این زمین

گفت منم هفت آسمان و هفت زمین پر صفا

گفت منم اسم مقدس، اسم حُسنای خدا

فاطمه گفتا بیامد زلزله روزی عظیم

این زمین در لرزه باشد از بلا باشد نسیم

دائماً در لرزه باشد کس ندیده این چنین

عهد بوبکر بود همه اندر هراسند دل غمین

بر در بیت ابوبکر و عمر جمع کثیر

آمدند یاری بخواستند زین دو تن با صد نفیر

این دو با مردم همه در ترس و هم ناله کنان

آمدند نزد علی مولی امیرمؤمنان

مردم شهر آمدند در نزد مولایم علی

تا کند چاره ز بهر زلزله با خوشدلی

شاه مردان خارج از خانه شد و مردم همه

در پیش گشتند روانه جملگی پُر واهمه

زلزله دائم بکار است و همه دارند نظر

تا خراب گردند همه دیوارها و بُرج و شهر

لرزش شهر کی شود آرام و یا قطع و تمام
دمبدم در لرزش است، تا چه کند اینک امام

ص: ۴۲۹

ناگهان دیدند همه، حلال مشکلات علی

بر بلندای زمین بنشست و کاری شد جلی

لب بجنابانید و با دستش بزد روی زمین گفت که ساکن

باش، باذن الله و ساکن گشت همین

مردمان کردند تعجب یک تعجب شدید!

بیشتر از اول، کسی همچین تعجیب ندید!

گفت شماها در تعجب آمدید از کار من؟!

در جواب گفتند آری، این چنین خواست ذوالمنن

گفت به آنان من همانم که خدا گفته از آن

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا... در عیان

[۷] هر که دارد ذره ئی خیر یا رود راه علی

یا که دارد شرّ نماید در طریقتش دغلی

[۸] آخِرُ الْأَمْرِ خَوَاهِدُ دِیدن ذرّه ذرّه کار خود

کار او خیر است و یا شرّ می چشد کردار خود

۱۰۰-سوره مبارکه ی عادیات

سوره ئی از سوره ها نازل که نامش عادیات

نازل آمد بر رسول الله به وقت مناجات

در نماز صبح همی بود حضرتش در بندگی

جبرئیل آورد ز بالا یک سند زندگی

سوره را خواند در نماز اعلان فتح کردی نبی

گفت همین حال شد موفق فاتح میدان علی

ص: ۴۳۰

چون نماز بنمود تمام کردند سؤالش حاضرین

این سوره باشد چه سوره، تازه آمد بر زمین؟

در جواب گفتا پیمبر سوره فتح علی است

سوره ی فتح علی در آسمان ها منجلی است

سوره ی فتح علی باشد، علیم فاتح است

راه کفر و شرک و ظلمت بر روی کفار بیست

سوره فتح علی آورد ز بالا جبرئیل

شادمان از فتح او باشد خداوند جلیل

شادمان هستم به شادی خداوند غیور

جبهه ی جنگ از دم تیغ علی باشد چون نور

جنگ سختی بود این جنگ، ذاتُ السَّلاسلُ نام آن

وادی یابس شده میدان جنگ با کافران

کافران وادی یابس دوازده تک هزار

مردمانی بس قوی و دل سیاه و زهر مار

عهد ببستند تا کشند شخص محمد با علی

جبرئیل آورد ز بالا این خبر را کرد جلی

گفت رسول الله: ابوبکر را ز لشکر چار هزار

همره خود بر به یابس اول اسلام عرضه دار

گر قبول کردند قبول است، گر نکردندی قبول

جنگ نما مردان بکش زن ها نما زانها فصول

رفت به جنگ، دشمن به او گفت گر نبودی خویش ما

هم تو و اصحاب تو کشته به دست ما چها

ص: ۴۳۱

ما نداریم با شما کاری، غنیمت دان تو این
جان خود بردار سلامت رو تو از این سرزمین
مقصد ما هست محمّد هم برادرش علی
می کشیم ما هر دو را و تابعان، با پردلی
دید صلاح باشد که باز گردد به خدمت رسول
فاتح میدان شده باشد جهادش هم قبول
نزد پیغمبر بیامد گفت توان جنگ نیست
من صلاح دیدم که برگردم بده تو نمره بیست
کافران باشند هزاران پهلوان سخت جنگ
خون مردم ریخته می گردد نباشد وقت جنگ
گفت پیمبر، امر من باشی مخالف این زمان
آنچه گفتم آن نکردی عاصی گشتی جاودان
امر من جنگ است تو برگشتی ز میدان جهاد
هم گناه کردی خدا را هم رسول او زیاد
نمره ی تو کئی بود بیست؟ نمره ات صفر سیاه
زیر صفر است نمره ی تو حال زارت هست تباه
جای او نصب کرد عمر را و همان لشکر بداد
تا برد در وادی یابس پی امر جهاد
قصه ی این مثل او شد این جهاد نبود رها
در پی آن نمره ی بیست یا چهل بود در نوا

سین و گاف، زاء، را و دال، با، راه، الف، دال، را و شین

غین، الف، لام و الف، سین است و تا، را خوب بین

ص: ۴۳۲

گفت چرا گشتی مخالف امر من اجرا نشد

تو گناه کردی و کارت مَرَضِي يکتا نشد

داد علم دست علی آنچه به آن دو گفت، بگفت

این بود توحید خالص آن دو با هم گشته جفت

عکس آن دو کرد تعجیل در جهاد آن قبله گاه

وادی یابس رسید و شد مقابل با سپاه

کرد علی دعوت به اسلام کافران را ابتدا

تا رهايند کفر و ظلمت جمله تسلیم خدا

کافران گفتند توئی مقصود ما با پای خود

آمدی در قتلگاهت در پی فنای خود

پس مهیا باش که تا فردا کنیم جنگ و جهاد

کاری آریم بر شما تا جنگ رود فوراً ز یاد

گفت علی ای وای بادا بر شما صد وای و وا

با وُفور لشگر خود ترسانید شیر خدا

من کمک جویم ز درگاه خداوند قدیر

از خدا و از ملائک از مسلمان دلپذیر

صبح فردا در طلوع، اول نماز کردند ادا

بعد از آن حمله نمودند رمز الله ابتدا

بود هوا تاریک هنوز، حمله نمود شاه و لا

آخر لشگر هنوز ملحق نبود بهر غزا

اول لشگر نمود فتح کشته شد مردان جنگ

شد اسیر جمله زنان و کودکان هم بی درنگ

ص: ۴۳۳

مال‌ها گشتند غنیمت، خانه‌ها گردید خراب

بعض از مردان به زنجیر بعض دیگر با طناب

بسته و کردند اسیر سوی مدینه رهسپار

کرد مدد شیر خدا را حضرت پروردگار

بود رسول الله به مسجد رکعت دوم نماز

عادیات آورد ز بالا جبرئیل از بهر راز

گفت به پیغمبر بود این سوره ی فتح علی

شد قرائت در دوم رکعت به آواز جلی

فتح و پیروزی بیاورد بهر اسلام لافتی

رهسپار سوی مدینه، شد خبردار مصطفی

بهر استقبال حضرت با صحابه شد روان

تا رسید در قرب فاتح صورتش دید شادمان

چون بدید شاه ولایت، خاتم پیغمبران

خود بزیر افکند ز اسب و نزد پیغمبر روان

با شتاب آمد به نزد خاتم و ختم رسل

بوسه زد اول رکابش صورتش مانند گل

گفت علی جان رو سوار شو که خدا و هم رسول

از تو راضیند و کارت هست همه حتماً قبول

چون شنید مولی علی باشد رضا پروردگار

شادمان شد زین بشارت گریه‌ها کرد آشکار

مصطفی از بعض لشکر کرد سؤال در این سفر

با شما بر گو چه رفتار کرد امیر خوش خبر؟

ص: ۴۳۴

گفت بخیر بود هر چه کرده جز یکی امر عجیب

هر نماز با اقتدا بر حضرتش ما را نصیب

خواند به هر رکعت ز قرآن سوره توحید بفرد

گفت به هر موجود عالم، قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ!

گفت رسول الله علی جان غیر این سوره چرا

در نماز خود نخواندی گو چه بوده اقتضا؟

در جواب گفتا، حبیبم حضرتت گویم سبب

چون که دوست دارم من این سوره، بود در وصف ربّ

گفت پیمبر چون که داری سوره را دوست از یقین

نیز خدایت دوست دارد حضرتت ای بی قرین

ترس آن دارم که بعضی حضرتت خوانند خدا

یا پسر گویند تو را بهر خدا چون نصاری

می گفتم در مدح تو بعضی سخن ای بی مثال

لیکن دم بندم نیارم بر زبان از تو خصال

[۱] سوره فرمود: باد قسم بر اسب ها میدان جنگ

در شمار افتاده نَفَس هیچ ندارند یک دَرَنگ

[۲-۳] سم ها در وقت تاختن برق برون آرند ز سنگ

حمله ای در اول صبح مال ها آورد به چنگ

[۴-۵] در دیار کافران آن حمله گرد و خاک نمود

تا سپاه دشمن دین در میان بگرفت به سود

[۶] لیکن این انسان ندانست نعمت پروردگار

هرچه داریم از علی داریم و یا از ذوالفقار

ص: ۴۳۵

این بشر نشناخت علی را تا شناسد قدر آن

ناشناسی ها ادامه دارد تا آخر زمان

ناشناخته مانده مولی هم رسول عالمین

چون خدا هست ناشناخته، ناشناخته نیرین

تا که شناسند خدا را مردم روی زمین

کئی شناخته گردد احمد یا امیرالمؤمنین

تا خدا و احمد و مولی نگردند خوب شناس

این همه ظلم و جنایت، مشکلات است بهر ناس

روزگاری گر شناسند جملگی پروردگار

می شناسند احمد مختار، علی نامدار

دیگر آن روز هیچ نماند ظلم، جنایت، مشکلات

صبح امیدها دمیده، هرکسی گیرد برات

پس تو بشناس ای برادر مصطفی و مرتضی

تاشناسی هم خودت را هم همه چیز هم خدا

اصل هستی هست خدا و هرچه هست ظاهر ز اوست

یک حقیقت حاکم است چشم تو بیند مغز و پوست

چشم یک بینی بیاب و یک بین یک است و یک

جز یکی نبود به عالم این ز یک آورده پیک

یک حقیقت واقع است، این یک حقیقت باشد ذات

تو بین این یک حقیقت هست تو را حتماً برات

[۹-۱۰-۱۱] حضرت صادق بفرمود آیه های آخری

بِالْأَخْصِ، نازل شده در شأن افراد دنی

ص: ۴۳۶

نازلند از بهر شخص اولی و دومی

بهر عمرو بن عاص و یا که افراد دیگری

قصید بد داشتند به سینه از برای مرتضی

داد خبر حق تعالی از نیت و کارها

گفت نمی دانند که روزی می شوند از قبر برون

هست خدا آنگه ز خوب و بد که دارند در درون

هرچه پنهان می کنند در دل، کند آشکار خدا

کیفر آن ها به ایشان می رسد روز جزا

وای بر هر کس که باشد دشمن مولی علی

جایگاهش دوزخ است و دوزخش بد منزلی

۱۰۱-سوره مبارکه ی قارِعَه

[۱-۲] سوره ثی از سوره ها نام قارِعَه آمد نزول

از شناخت قارِعَه وا مانده اند جمع عقول

[۳] قارِعَه باشد قیامت باشد کوبنده قوی

یک تجلی است واقع می گردد ز آقایم علی

از جلال حیدری یک جلوه می گردد جلا

باطن این جلوه و جلال حیدر بین خدا

[۶-۷] فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، در قارِعَه

آمده باشد نتیجه، فی عیشَه راضیه

موسی بن جعفر بفرمود، آیه در شأن علی

نازل گشته از مقامات عُلَا، لَمْ يَزَلِي

ص: ۴۳۷

ثقل و سنگینی هستی هست امیرمؤمنان

قطب عالم، معنی انسان بود آن جانِ جان

صادق آل ولایت گفت کلامی بس بلند

نامه ی اعمال نگرداند بسی سنگین، پسند

چیزی جز ذکر صَلَوَات و صَلَاة احمدی

پس به احمد و به آتش باد صلوات سرمدی

ای که دوست داری ابوالقاسم و آل پاک او

دائماً گو تو صلوات آن صلوات نکو

آن صلوات نکو باشد صلوات بر رسول

گو صلوات باد به آتش تا شود ذکرت قبول

اصل این آل است علی و هست امیر همگان

باد سلام حق تعالی بر امیر مؤمنان

[۸-۹] گفته است این آیه ی خَفْتُ مَوَازِيْنُهُ، یقین

نازل گشته از سماوات عُلَا رُوی زمین

آمده در شأن آن سه، آن سه و ام الفساد

هاوِیَه هست جایگاه و جایگاه هر عناد

نقل شده از باقر علم لَدُنِی یک سخن

هیچ کسی ناورده است مانند آن در انجمن

گفته است هر کس کند انکار ولایت علی

می شود میزانِ اعمالش سبک و بس خفی

جایگاهش هست درون هاویّه و قهر چاه

در میان آتش دوزخ ندارد هیچ پناه

ص: ۴۳۸

پس پناه گیریم خدا را، در عداوت با علی

در غدیر خم ز بهر مصطفی گشته وصی

او ولیّ الله و نفس مصطفی باشد یقین

او امیر عالم هستی امیرالمؤمنین

هر که دارد به خدا ایمان امیرش هست علی

این علی بهر خدای مُتعال باشد ولیّ

این علی باشد وصی مصطفی در این جهان

دوستی شاه ولایت واجب است بر همگان

باد سلام و باد صلوات خدای مهربان

باد سلام و باد صلوات بر همه پیغمبران

باد سلام و باد صلوات تمام اولیا

باد سلام و باد صلوات ملائک در سما

باد سلام و باد صلوات تمام بندگان

بر علی بن ابی طالب امیر مؤمنان

۱۰۲-سوره مبارکه ی تکاثر

[۱] سوره ئی نامش تکاثر نازل از درگاه ربّ

واقع آمد بهر بیداری انسان خوش نسب

آمده تا خود شناسد اصل و نسب، آدمی

لیکن انسان غافل است کئی می شود بیدار دمی

[۲] کثرت اولاد و مال و هم عشیره، مرده ها

غافل کرده است فراوان، هم ملاقات خدا

ص: ۴۳۹

بس فراوان غافل کرده باطن و جان جهان

آن امیرمؤمنان است باطن روح و روان

[۵] روزی خواهد آن شناخت از روی علم، عِلْمُ الْيَقِينِ

هست قیامت جلوه ئی از اصل، امیرالمؤمنین

[۶] گر بدانی جلوه ی مولی بینی خود جحیم

جلوه باشد از جلال و یا جمال، جنت، نعیم

[۷] گر رسی این جا بینی باطن هر چیز را

از جحیم است این و یا از جنت و لطف خدا

[۸] در قیامت هر کسی را پرسند از او در عیان

از تمامی نَعْم، خاصه ز اصل و جان آن

اصل و جان آن، یقین باشد ولایت علی

إِعْتِقَاد ما همین است و نباشد مشکلی

در قیامت از همه پرسند، چه کردی با ولا؟

بِالْأَخْصِ گوئید چه کردید با علی مرتضی؟

آیه را معنا نمودی صادق آل رسول

با قسم یاد کرد خدا را، بی قسم هم هست قبول

گفت نَعِيم هرگز نباشد آب و نان و این و آن

هست ولایت ائمه خاص امیرمؤمنان

شد سؤال از حجت هشتم علی موسی الرضا

معنی آیه و معنای نعیم گو بهر ما

در جواب فرمود: نباشد معنیش این آب و نان

معنیش باشد ولایت از امیرمؤمنان

ص: ۴۴۰

گفته از بابم سؤال شد معنی آیه که چیست
گر نباشد آب و نان پس این زن زیبا که نیست
در غضب شد باب من گفتا که هرگز این خدا
هیچ ندارد یک سؤال از بندگان زین ماجرا
دوستی ما اهل بیت باشد نعیم پر جلا
هست سؤال از این ولایت محضر خاص خدا
دوستی ما آل احمد می برد سوی بهشت
این نعیم باشد ولایت، آن ولایت خوش سرشت
گفت پیمبر با علی از بعد مردن در نخست
می شود انسان سؤال آن هم سؤالی بس درست
آن سؤال باشد ز توحید و رسالت نبی
از ولایت باشد آن هم از ولایت علی

۱۰۳-سوره مبارکه ی عصر

سوره ئی نازل شده بهر زیارت از سما
سوره عصر است که باشد معنی اسم خدا
گفت رسول الله که ای مردم بدانید از وفا
سوره وَالْعَصْرِ بشد نازل ز درگاه خدا
در غدیر خم بفرمودی رسول مصطفی
آمده وَاللّٰهِ سوره بر علی مرتضی
آمده در شأن مولایم علی نفس رسول

با قسم گفتا محمد با همه، شأن و نزول

ص: ۴۴۱

سوره الْعَصْر بود مخصوص به آقام علی

خطبه ی عید غدیر باشد سند، نیست مشکلی

باقر آل محمّد گفت رسول مجتبی

در میان خطبه ی عید غدیر داد مژده را

بعد از آن خواندی تمام سوره را نزد همه

سوره را معنا نمود و گفت همه بی واهمه

پیرو و دوست علی باشید در این دار جهان

جان جانان جهان است شه امیر مؤمنان

[۱] باد قسم به عصر والا، از خدا تا روی خاک

عصر بود اسم خدا یا عصر روز و وقت پاک

عصر نورانی احمد یا که عصر مهدوی

یا بود عصر ولایت در تجسم بین علی

[۲] پس بود سوگند به عصر، انسان بود اندر زیان

چون که شناسد مقام عصر نداند چیست آن

[۳] جز کسانی که شناسند و پذیرند آن عزیز

هم کنند کارهای صالح هم ز شیطان در گریز

هم سفارش می کنند تا دیگران آیند براه

هم شناسند حق عصر را هم نیفتند خود به چاه

در شناخت حق عصر، خود صابرند و حق پرست

هم به صبر کردن سفارش می کنند هم آنچه هست

حق بود حقِ علی و صبر بود صبرِ علی

گر تو داری این دو تا را گویم حقا خوشدلی

ص: ۴۴۲

نقل شده از صادق آل علی تفسیر عصر

عصر ظهور قائم است غیبت کبرا گشته فجر

دشمنان ما گرفتارند بخسران و زیان

دوستانند در مساوات با تمام مؤمنان

کارشان کار نکو و صالح و یزدان پسند

در سفارشند بهمدیگر نباشد هیچ گزند

می کنند بر هم سفارش هم امامت هم که حق

هم به صبر و هم به عترت، این چنین از ماسبق

حق امامت باشد و صبر عترت طاهاستی

می شوند هر دو سفارش چون مقام والاستی

در بیان دیگری فرموده معصوم این چنین

حق ولایت باشد از بهر امیرالمؤمنین

بر اذیت های اولاد علی صبر آمده

این خود اعجاز است ز قرآن، از پیمبر آمده

۱۰۴-سوره مبارکه ی هُمَزَه

[۱] سوره ئی آمد به نام هُمَزَه از سوی دوست

تا که انسان خوب شناسد آن چه را در سود اوست

[۲] هم شناسد آن چه را بهرش ضرر باشد یقین

عیب جوئی کار زشتی است بد زبانی هم همین

[۳] مال دنیا جمع کردن باعث غفلت شدن

در گمان است این سعادت باشد و عشرت شدن

ص: ۴۴۳

لیکن این ها جمله از شیطان تجلی کرده است
بر زیان تو است عزیزم باطنش خود مرده است
معنی آیه سؤال شد از امام صادق
او جواب داد سائلش را گفت به آن من ناطقم
آن کسان نیست عیبجو و هرزه گو و بد زبان
کارشان باشد تمسخر از برای بندگان
آن کسان نیست که چنین برخورد نمودند با خدا
کرده اند برخورد چنین با اهل بیت مصطفی
آن کسان نیست که نشستند جای آل مصطفی
حقشان هیچ وقت نبوده، بوده حق مرتضی
غصب نمودند جایگاه و مال عترت برده اند
دائماً بودند ز بهر مسلمین اندر گزند
جای آنان است حُطْمَه آتش سوزان آن
آتش خشم خداست افروخته است تا جاودان
بر صراط مستقیم رَوُ بین ز رحمان است ظهور
زنده و جاوید باشد نور رحمان است به طور
این صراط مستقیم باشد امیر مؤمنان
طور و نور و جلوه ها را جملگی از او بدان

۱۰۵-سوره مبارکه ی فیل

[۱] سوره فیل آمده نازل تو عبرت گیر بین

فیل سواران را، چگونه می شوند نقش زمین

ص: ۴۴۴

[۲] ابرهه لشکر کشید می خواست بجنگد با خدا

چند پرنده گشت جدا از لشکر شاه ولا

[۴] جمعی از مرغان، ابابیل گشته مأمور بهر جنگ

هر کدام سنگی به نوک و دو سنگ دیگر به چنگ

[۵] هر پرنده فیل سواری را نشان گیری نمود

اسم الله بر زبان جاری و رمز جنگ سرود

بر سر دشمن بریختند بمب های آتشین

هر سوار گشته دو نصف با فیل خود روی زمین

آن سپاه را خوب زدند با سنگ سجیل مرغ ها

جسم ها خرد شد از آن سنگ ابرهه دید ماجرا

هر چه در عالم اثر دارد ایادی خداست

جمله در تنزیل ایادی علی مرتضاست

۱۰۶-سوره مبارکه ی قریش

[۱] سوره ئی از سوره ها نامش قریش است در عیان

بهر اُلفت آمده تا انس بگیرند هر زمان

[۲] جمله با انس و مودت، فرد، خدای کعبه را

جمله بنمایند پرستش شکر دوستی و بقا

[۳] خانه ی کعبه بود زادگاه آن مرد خدا

مظهر الله تعالی هست علی مرتضی

[۴] ترس از گرسنگی هرگز نباشد در کسی

صاحب سفره علی باشد کند او دادرسی

ص: ۴۴۵

رازق این صاحب سفره و مخلوقات همه

هست خداوند توانا هیچ نباشد واهمه

نقل از مولود کعبه آن امیرمؤمنان

گفته حق: ایمن بگردانید ز خوف این مردمان

مردمان مکه دانند در میان غیرشان

نیست خلافت هیچ زمانی با نشان و بی نشان

لیک نفرمود مردمانی بی لیاقت غصب کنند

ظاهر آن را ز اهل آن گرفته کسب کنند

۱۰۷-سوره مبارکه ی ماعون

[۱] سوره ماعون شده نازل ز بهر مصطفی

تا ببینید کج مداری ها ز بعضی بیحیا

آمده از بعض معصومان چنین تفسیر بیار

دین در آیه ولایت گشته معنا، آشکار

ای رسول ما تو دیدی اینک بر خورد با ولا

پاره ای انکار نمودند حق شاه لافتی

[۲-۳] گفت: رسول ما، ندیدی تو ولید و دیگران

می کنند تکذیب قیامت هم کنند رد یتیمان

گر نبود شمشیر اسلام و قیام علوی

در خطر بودی نبوت در اذیت نبوی

[۴-۵] گفت علی بن ابی طالب نباشد هیچ عمل

در حضور حضرت مَنان خدای عزَّوجلَّ

ص: ۴۴۶

دوست تر از کار نماز، کوشید ز بهرش جملگی

تا رسید به قرب مولی و نمائید بندگی

کار دنیائی مگرداند تو را مشغول ز آن

اول وقت نماز غافل نگردی ای جوان

در مذمت گفته است پروردگار متعال

وای بر اهل نماز و غافلان خوش خیال

وای بر ساهی و غافل وقت اول نماز

اول وقت سر فرود ناورده نزد بی نیاز

وای بر آن غافللی که دل به دنیا بسته است

از مقام اول وقت نزد مولی رسته است

وای بر آن کس که آرد: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ**، زبان

با دو لب گوید، دلش اندر خیال این و آن

خود علی دوست نماز و هر نماز، اول وقت

با دل و جان کرد ادا و دل به معنا داده سخت

اول وقت نماز دل کننده از غیر خدا

یک خدا بیند به عالم غیر او هرچه که لا

دل به الله داده و غیر و خودش بنمود رها

تیغ زهر آلود دشمن فرق مولی کرد دوتا

در نماز بود اول وقت شد شهید بندگی

از نماز اول وقت رستگار در زندگی

ای که هستی شیعه و دوست امیر مؤمنان

همچو مولایت نماز اول وقت را بخوان

ص: ۴۴۷

گر بخوانی اول هر وقت نماز بهر خدا

باشی تو آن دم یقیناً پیرو شاه ولا

رستگار خواهی شدن همچون امیر مؤمنان

باد سلام حق به مولی هم به جمع شیعیان

۱۰۸-سوره مبارکه ی کوثر

سوره کوثر نزول کرد از سماوات عُلَا

با خطابی بر محمد آمد از نزد خدا

سوره کوثر بود یک سوره شأن ولا

آمده در شأن زهرا باشد از حق یک عطا

شرح حال آب کوثر حوض کوثر هم علی

ساقی کوثر یدالله در کنار حوض جلی

ساقی کوثر علی و جام دستش پر ز آب

هر که باشد علوی و فاطمی او را سیرآب

عالمین است سفره ی آقا علی مرتضی

آب این سفره ز کوثر باشد و لطف خدا

تشنگان کوثر معنا کند سیراب ز جام

جام به دست است دائماً نوشاند از آن خاص و عام

حق عام را می دهد هرچه که باشد آن حلال

از جلالت می دهد بعضی و بعضی از جمال

آن که نوشد از جلال، خواهد رسید مقصود خود

مقصودش آتش بود آن کسب کند با جود خود

ص: ۴۴۸

آن که نوشد از جمال مقصود خود را می رسد

مقصودش باشد بهشت و باطن آن است ابد

آن که نوشد از کمال خواهد رسید مقصود آن

مقصودش باشد خدا و می رسد بر جانِ جان

آن که نوشد از کمال بر فوق مقصودش رسد

دائماً خواند نمازش، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

می رسد بر فوق مقصود، آنچه ناید در نظر

کی توان آن جا رسد انسان و یا جنس بشر

آن مقام، فوق مقام است جایگاه آدم است

آن مقام ذات اقدس برتر از هر عالم است

می رسد آدم مقامی هیچ نبیند شخص خود

خود نبوده، نیست، نخواهد بود هر آن چه شد که شد

یک خدا باشد خدائی می کند او هر کجاست

هر کجا را بنگری باشد خدا شخص خداست

جا و بی جا، ظاهر لفظ است و ذهن ما عیان

آن حقیقت فوق این هاست لازم است بندم دهان

یک کلام گویم که تا هرگز نیفتم من به چاه

یک کلام من چنین است: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

آب کوثر هست حیات بخش همه خلق خدا

تو بنوش از آب کوثر تا رسی بطن ولا

ای ولائی تو نما همت که تا شاید رسی

آب کوثر را به سرچشمه، نما خود بررسی

ص: ۴۴۹

باطن سرچشمه ی کوثر بود ذات خدا

خود بود سرچشمه ی کوثر مقام اسم ها

آب سرچشمه ی کوثر خود مقام عصمت است

آب سرچشمه سرازیر بین مقام خلقت است

آمده از ذات به پائین سیر نزولی آن

تا رسیده خاک و ماده هم هیولا را عیان

از هیولی اوج گرفته ماده و خاک را بجا

در صعود است دائماً تا که رسد نزد خدا

پس بنوش تو آب کوثر جام آب دست علی است

خلقت خاص الهی دائماً زین جام جلی است

[۱] سوره نازل گشت به احمد، ای پسندیده ما

با همه قدرت همه کوثر به تو کردیم عطا

[۲] پس نما شکرانه ای بنده تو از بهر خدا

کن اقامه آن نمازت شأن توست ای دلربا

بهر شکرانه نماز خوان و تو قربانی بیار

زینت هائی از نمازت بهر ما کن آشکار

وقت تکبیر هر دو دست بالا بیار تا نحرگاه

این کند روی نماز را بس سفید مانند ماه

این بود زینت ز بهر هر نمازی ای حبیب

خوان خدایت تا تو را اظهار آن باشد نصیب

هست نماز با زینت آن، خاصه ی خواست خدا

ای حیب ما بود این نوع نماز مشکل گشا

ص: ۴۵۰

بین نمازی این چنین شأن تو باشد بنده ام
کن نماز با این صفت ای بنده ی زینده ام
پس بگویم من ز کوثر بار دیگر یک کلام
چشمه ی کوثر بود زهرای اطهر وَالسَّلَام
هست خداوند کریم سرچشمه ی این چشمه اش
نهر کوثر جاری از سرچشمه ی این بنده اش
نهر جاری، جاری است از چشمه و سرچشمه آن
نهر کوثر در خروش بین، خاتم پیغمبران
حوض کوثر هست محمّد آب آن علم است و نور
ساقی آن بهره می گیرد ز قرآن و زبور
ساقی این حوض علی باشد خودش اندر ازل
نوش جان بنموده زان آب هم بنوشد لَمْ يَزَلْ
یک شبی گفتا هزاران جام ز آن آب زلال
نوش جان بنموده سقا جام ها باشد کمال
ساقی این نهر و این حوض نفس پاک نبوی است
با پیمبر هست برادر نام زیبا علوی است
ساقی این حوض و این آب دائماً باشد علی
این سقایت جلوه عصمت بود دائم جلی
یازده فرزند علی ساقی حوض کوثرند
بعد مولی در سقایت هر کدام چون حیدرند

آب کوثر را رسانند بر همه خلق خدا

قطره ای از حوض کوثر کی بود از خلق جدا

ص: ۴۵۱

خود بنوشند و بنوشانند از آن آب حیات

قطره ای زان آب بود مایه برای کائنات

آب کوثر پر برکت جاری باشد تا ابد

جام ها و قطره هایش بشمارند و صمد

مظهر این جام ها و قطره ها نسل نبی

یا بگویم جلوه هائی باشند از نسل علی

نام این قطره و یا جلوه یقین سید بدان

جمع سید آمده سادات در این ملک جهان

بس زیادند جمع سادات زنده باد نسل رسول

زنده باد نسل علی و زنده باد نسل بتول

[۳] دشمن دین و پیمبر هست عدوی کوثری

عاصم بن وائل و هر کس ندارد اثری

چون که ابراهیم و فرزند نبی رفت از جهان

دشمنان خوشحال و شادمان نیست نبی را دودمان

نسل پیغمبر شده قطع او یقیناً اتر است

بهر ما این افتخار و هم دگر تاج سر است

ای رسول ما بدان اتر بوند این دشمنان

بعد خود نسلی ندارند تا که ماند در جهان

لیک بود نسل تو باقی تا قیامت برقرار

هم عزیزند هم کثیرند هم مُحَبِّ کردگار

پس سلام باد بر خدا سرچشمه ی آب بقا

ظاهر آورده ز ذاتش جانِ جانان و لا

ص: ۴۵۲

هم سلام باد بر محمد چشمه سار کوثری
جرعه ها و قطره ها را خود نموده رهبری
هم سلام بادا به زهرا کوثر و آب حیات
هر که نوشیده ز کوثر هست برای او نجات
هم سلام باد بر امیرمؤمنان ساقی آب
باد سلام حق بر آنان این سلام باشد صواب
در مقامات نزول باشد سلام بر مجتبی
آن کریم اهل بیت آن ساقی نهر ولا
باد سلام دیگری بر ساقی دیگر حسین
موج حوض کوثری باشد مرا نور دو عین
باد سلام بر عابدین آن ساقی جام دگر
گر ز دستش جام گیرند برقرار است این بشر
باد سلام بر باقر علم خدا و کوثرش
جامی از کوثر دهد بر دوستان در محضرش
باد سلام بر جعفر صادق و هم نهر بقا
ساقی صدق و صداقت سیر کوثر را جلا
باد سلام بر موسی کاظم امام هفتمین
ساقی کظم و تحمّل بهر مخلوق زمین
باد سلامی بر رضا، راضی است رضای ذات حق
ساقی جام رضاست بوده است چنین از ماسبق

باد سلامی بر جوادم ساقی جود و صفا

آب کوثر را ببخشد بر همه خلق خدا

ص: ۴۵۳

باد سلام بر هادی آن راه راست کوثری
ساقی جام هدایت بهر خلق است رهبری
باد سلام بر عسکری آن ساقی جُند خدا
لشگر حق را کند سیرآب از آن حوض ولا
باد سلام و صد سلام بر مهدی موعود ما
مهدی لب تشنگان کوثر شمس و ضُحی
ساقی غیب و شهود از نهر کوثر می دهد
زین سقایت در تن هر مرده ای روح می دمد
در ظهور از غیبت خود می کند کوثر عیان
حوض کوثر را تجلی می دهد آن با نشان
پس سلام بر ساقیان کوثر لطف خدا
هم به جام ها دست آنان هم به شاه لافتی
گفت امیرمؤمنان من با رسول مصطفی
همره عترت کنار حوض کوثر در بقا
هر که خواهد همره ما باشد آن جا در صفا
گفته های ما عمل بنماید از بهر خدا
پس بکوشید تا رسید بر کوثر مُلک ولا
جام ها نوشید ز کوثر تا خدا گردد رضا
ما کنیم دور دشمنان از کوثر مُلک وجود
دوستان سیراب نمائیم تا کنند هر آن صعود

هر کسی نوشد ز کوثر کئی شود تشنه دگر

آب کوثر هست حیاتش تا رسد بر فوق حشر

ص: ۴۵۴

عصمت والا بفرمود کوثر، نهري است در بهشت
آب آن است کثرتِ خير اين بود خود يك سرشت
آب آن باشد سفيدتر هم ز شير و از عسل
آن بود شيرين تر و خوشبوتر از مشك لم يزل
آب کوثر سردتر از برف، جام ها اندر کنار
جام ها از جنس مرواريد و ياقوت بيشمار
آن که نوشد جام مطبوعی ز نهري کوثری
هست امام اولش مولى على صفدری
آن که نوشد جام مطبوعی ز کوثر يك زمان
تشنگی نَبود برايش در زمان و فوق آن
آن که سازد يك وضو از حوض کوثر يك زمان
تيره و آشفته و بدحال نگرده در ميان
جوی ها جاری از آن نهري هر طرف لؤلؤ صفت
چون زبرجد، همچو ياقوت اين چنين است هر جهت
ساقيان آب کوثر هست على و هر امام
از خدا بادا به هر يك صد درود و صد سلام
از خدا بادا سلام بر اصل کوثر مصطفى
هم سلام بر نازل اين اصل على مرتضى
هم سلام بر فاطمه سرچشمه ي کوثر عيان
هم سلام بر ساقيان کوثری تا جاودان

هم سلام بر آب کوثر جانِ جانانه همه

هم سلام بر اصل چشمه جانِ جانان فاطمه

ص: ۴۵۵

هم سلام بر حوض کوثر هم به نهر کوثری

هم سلام بر آب کوثر هم به ساقیش علی

پس سلام حق به حق باد و به عبدش مصطفی

باد به آل پاک پیغمبر امامان هدی

باد به سرچشمه و چشمه باد به حوض و نهر آن

باد به زهرای بتول و بر امیرمؤمنان

باد به آب حوض کوثر باد به سقاییش علی

باد به مولای عوالم بهر حق باشد ولی

۱۰۹-سوره مبارکه ی کافرون

سوره ای آمد ز بالا کافرون است نام آن

بر رسول نازل شده آورده حکم آسمان

[۱-۲] گفت رسول الله به کفار که خدایان شما

نی پرستم من ز آنان و ندانم من خدا

[۳-۴] نیز شما قائل نباشید آن خدایم را عیان

تا پرستید آن خدایم یا که گیرید زان نشان

[۶] از شما باشد همان دین و همان مشی شما

از من است هم دین و مشیم دین من دین خدا

سوره شد نازل به مکه صدر اسلام آن زمان

کفر قوی بود، دین اسلام تازه بودی در جهان

کاین چنین آیه پیامد بر رسول مسلمین

وقت قوت آیه آمد تا کشید آن کافرین

ص: ۴۵۶

آن که کشتار عظیم بنمود ز جمع کافران

مشرک و کافر بکشت تا مانع برداشت از میان

آن علی بود و یدالله، اسد الله زمان

هم اسد بود بهر پیغمبر به جنگ طاغیان

طاغی و طاغوت بزد از کعبه و سعی و صفا

هم بزد روی زمین تا که نباشند هیچ کجا

می زند با ذوالفقار تا ریشه ی کفر و نفاق

کنده گردد و نباشد هیچ از آن ها طُمُطُراق

کفر و شرک گردید ضعیف و گشت قوی اسلام ناب

هرچه دارد دین و اسلام جمله دارند زان جناب

پس علی باشد مدافع بهر توحید و رسول

بهر اسلام بهر مسلم هرچه کرده هست قبول

۱۱۰-سوره مبارکه ی نَصْر

سوره نَصْر گشته نازل از سماوات عُلَا

بهر پیغمبر بیامد آن ز درگاه خدا

روزی از روزها نمودند قصد جان مصطفی

کافران مکه با هم همقسم گشتند دغا

شهر مکه ترک نمود و کرد هجرت آن زمان

بهترین خلق خدا آن خاتم پیغمبران

جای او خواهید دفاع کرد از مقام نبوی

شیره ی جان ولایت شاه مردان علوی

ص: ۴۵۷

در مدینه زُشد نمود اسلام ناب احمدی
مردمان خود تابع، اندر قلبشان محمدی
لشکر اسلام به مکه رفت و مکه فتح نمود
در میان بت پرستان خالق یکتا ستود
در میان کعبه و بازار عکاظ بود صنم
جملگی با دست حیدر بر زمین ریخت دمبدم
چون که با دست یدالله فتح مکه شد بیجا
نصرت و فتح نازل آمد گو تو از نزد خدا
دید محمّد اهل مکه دسته دسته، صف به صف
دست کشیده از بت و توحید خالص هست هدف
دین اسلام را پذیرند و کنند توحید قبول
چون بدید مردم چنینند، شادمان گردید رسول
[۱] آیه آمد ای نبی ما چو آمد از خدا
نصرت و فتح و ظفر دیدی تو مردم را پیا
[۲] مردمان دیدی که آیند داخل دین خدا
تو چنین بینی، خطا باشد، نباشد حق جدا
[۳] پس نما حمد خدا و توبه کن ای مصطفی
هست خدا توبه پذیر و مهربان بهر شما
توبه بهر این بود باید که می دیدی خدا
نی که مردم دیدن و کثرت بود در مکه جا

توحيد خاص باشد اين جا خاصِ خاص بين اين مقام

ورنه پيغمبر موحد باشد و نيست هيچ كلام

ص: ۴۵۸

پس بود فتح و ظفر به دست حق متعال
جز خدا ناصر و فاتح نیست، نباشد هیچ سؤال
در مقام نازل و ناسوت علی گو ناصر است
فاتح تنزیل علی باشد به این فتح قادر است
سوره ی نصر، سوره ی فتح نازل آمد بر زمین
علت از بهر نزولش شد امیرالمؤمنین
کافران را کشت و مکه فتح نمود با ذوالفقار
جمع بت از کعبه بیرون ریخت بنام کردگار
پا به دوش خاتم پیغمبران بنهاد علی
هر بتی در کعبه بود پائین کشید با پیردلی
او بزد با رمز الله هر بت بی جان چنان
صوت و ضربه و صدایش رفت بسوی آسمان
او بزد بت های جاندار با دم تیغ گران
نعره الله اکبر شد بلند از هر دهان
زد یدالله هر بت جاندار و بی جان را زمین
گفت پیمبر بر یدالله، بارک الله، آفرین
باد سلام حق تعالی بر یدالله متین
باد سلام انبیاء و اولیاء هم این چنین
باد سلام هر ملک و جن ز آسمان و زمین
باد سلام آدمی هم بر امیرالمؤمنین

۱۱۱-سوره مبارکه ی مَسَد

سوره ای از سوره ها بر خود گرفته نام مَسَد

بولهب گشته سبب تا نازل آید از صمد

[۱] گفت خداوند، باد بریده هر دو دست بولهب

در پی آزار احمد بود همیشه بی ادب

[۲-۳] مال او مانع نگردد دوزخ او را عیان

آتش دوزخ برایش شعله ور باشد چنان

[۴-۵] همسرش هیزم کش آتش بود آتش فروز

یک طناب آتشین در گردنش در شب و روز

این سوره باشد بیانی از جلال ایزدی

هم به تنزیل یک بیان است از جلال احمدی

هم به تنزیل یک بیان است از جلالت علی

این علی باشد خداوند علی را خود ولی

این علی بهر رسول الله وصی بر حق است

بر مسلمانان و مؤمن خود ولی مطلق است

در روایت آمده از صادق آل ولا

روزی از روزها قریش مکه داشت قصد خطا

قصد قتل مصطفی داشتند عدوی کینه توز

جمع شدند تا که بریزند خون پیغمبر به روز

مانع گشتند حضرت بوطالب و شیرخدا

تا چنین واقع نگردد زنده ماند مصطفی

ص: ۴۶۰

حیدر کرار جلو رفت مانع شد از این جفا

زنده باد شاه ولایت میر میدان مرتضی

باد سلام و باد صلوات از خداوند ودود

بر محمّد و علی، بادا به مولایم درود

۱۱۲-سوره مبارکه ی اِخْلَاص

سوره اِخْلَاص نزول کرده ز نزد کبریا

بر زمین نازل شده از بهر ختم انبیا

آمده از عالم بالا به خاک پاک ما

تا رسیم در محضرش بهر زیارت آشنا

سوره باشد خود زیارتگاه جمع مؤمنین

بر در آن در حضورند مؤمنین و مسلمین

سوره اخلاص بیان است تا شود انسان خلاص

از دوئیت هم ز کثرت هم ز غیر حق فراص

سوره اخلاص بود خود سوره توحید خاص

می کند هر دم موحد شرکِ خفی را رُصاص

سوره اخلاص بود توحید خاصُ الخاص، اَخْص

می رهاند عارف بالله ز اَخْفی شرکِ رَمَص

سوره ی اخلاص شناسنامه بود بهر خدا

مختص حق است سوره هیچ نباشد هر که را

سوره ی توحید بود توحید سوره در عیان

اسم بود توحید، مسماء هست توحید آنِ آن

ص: ۴۶۱

گفت خداوند ای رَسُولاً: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

آن حقیقت هست احد، الله یکی باشد صمد

ای رسول ما تو اصل آدم و هم عالمی

گو حقیقت باشد الله او یکی است گو هر دمی

چون تو گوئی هر کسی گوید همیشه گو تو این

این شعار تو است ز اول تا به روز واپسین

عده ای کافر بیامد نزد خَتَمُ الْمُرْسَلِينَ

گشته خواستار، گو خدایت چند بود روی زمین؟

گو خدایت از چه باشد او چگونه هست خدا؟

جنس و جسم و قد او گو تا بدانیم ماجرا

در جواب ساکت بماندی آن رسول محترم

شد سؤال تکرار، ندادی او جواب نه مدح، نه ذم

بعد از آن آمد ز درگاه خداوند وحید

سوره ی توحید نازل ای پیمبر ای فرید

[۱] گو خدا باشد حقیقت آن حقیقت هم یکی است

هرچه هست ظاهر از آن یک، نام آن گو آیتی است

این یکی نیست یک محتاج و نباشد این عدد

چون عدد محتاج معدود است نباشد این خرد

گر عدد دانی بگو دائم تو یک و یک و یک

هرچه گوئی ناورد از فهم این یک هیچ پیک

لازم است گوئی بود یک بادام و یک پرتقال

پرتقال و بادام آمد تاشناسی یک بحال

ص: ۴۶۲

پس بود این یکِ تو محتاج پرتقال، بادام
یکِ محتاج نیست خدایم هست خدایم تامِ تام
این یکی یکِ عَرَضی کئی بود در روزگار
خود عرض محتاج معروض است یکِ ما را چکار
این یکی نبود ریاضی، نیست در اعداد جای او
بین بود یکِ ریاضی روی تخته روبرو
یاد دهند به بچه ها یکِ را ز بعدش هم عدد
دو بیاید بعد آن از دو بگیرندی مدد
لاَاقِلْ گو باشد این یکِ، یکِ اطلاقی عیان
تا به هرجائی روی باشد از این یکِ، یکِ نشان
در جواب گویم نباشد یکِ اطلاقی خدا
در مقابل هست مقید، قید آن باشد خطا
گرچه فیلسوف گوید این یکِ، یکِ اطلاقی بود
یکِ خدا باشد به غیر او همه باقی بود
او وجودش واجب است و واجب الوجود بدان
غیر او مخلوق اویند تو همه ممکن بخوان
لیکن این یکِ هم نباشد آن خدای متعال
در شناختش هست بسیار جای ایراد و سؤال
روبروی این خدا باشد هزاران قید و بند
هم هزاران ممکن و امکان، تعدد، پسوند

کئی بود توحید والا، کئی بود این یک خدا

این بود شرک خفی و هم جلی و ما سوا

ص: ۴۶۳

کئی به عالم یک وجود واجب و یک ممکن است

کی بود یک ممکن، یک واجب است هرچه که هست

ما نداریم در جهان چیزی به نام ممکنات

یک وجود در عالم است آن یک وجود اسم است و ذات

اصل وجود است دو ندارد این وجود محترم

آن که دو داند به عالم، کرده بر عالم ستم

یک وجود باشد به عالم نی کثیر است این وجود

یک وجود است آن چه باشد یا چه هست و یا چه بود

یک وجود هم واجب و هم ثابت و هم حاضر است

نیست برایش قید واجب او به هر چه ناظر است

پس خدا باشد یکی بی قید واجب مطلقا

قید اطلاق، قید بی قیدی ندارد کبریا

آن یکی باشد یک شخصی همه جا حاضر است

جز خودش چیزی نباشد او خودش را ناظر است

این یکی یک باشد و یک حضرت است و یک وجود

یک حقیقت حاکم است جز او دگر چیزی نبود

نی بود چیزی به عالم نی نخواهد بود چیز

در شناخت حضرت یک، خوب نما دقت عزیز

هست خدا یک و یکش باشد یک شخصی بجا

هست خدا یک شخص حاضر نی بود کلی خفا

کلی امر ذهنی باشد جایگاهش ذهن ما

این خدای ذهنی باشد خلق ذهنی است اقتضا

ص: ۴۶۴

کئی به ذهن گنجد خدای خالق انسان و جن

با یقین دان که خدا محدود نباشد هیچ به ذهن

پس بود شخص خدا خارج ز هر ذهن و مکان

حاکم هر ذهن و هر جا از زمین و آسمان

آن یکی باشد یک سعه ای، صاحب وسعت است

بوئی از کثرت نیابد وصف آن یک وحدت است

آن حقیقت را یک سعه ای دان نیستش حدود

وسعتش شخص خودش باشد به هر جا در شهود

وسعت این یک گرفته همه ی ملک وجود

جای دیگر هیچ نباشد خالی از یک، هر چه بود

وسعت این یک چنان است پر نموده هر کجا

از برای دو نباشد جای خالی همه جا

پس نباشد دو به عالم هیچ نباشد جز یکی

یک بود اصل عوالم یک، خود یک است جلی

یک وجود است در همه عالم نباشد جز وجود

پس عدم چیزی نباشد تا بخوانیمش سُرود

بین عدم را بر دو قسم آمد به عالم در نمود

یک عَدَم، مطلق بود، دیگر اضافه را درود

این اضافه هست به عالم کئی بود بحثی از آن

بحث ما در مطلق است مطلق ندارد هیچ نشان

آن چه در عالم بود آن یک وجود باشد و بس

جز همین یک فرد وجود هرگز ندیده هیچ کس

ص: ۴۶۵

در عوالم یک حقیقت حاکم است آن هم وجود
این وجود ذات است و اسم و رسم که او باید ستود
در مقام ذات ندارد اسم و رسمی در نشان
یک حقیقت هست، خودش باشد نمایان در عیان
ذات اقدس بس بلند است کئی توان بنمود وصف
در مقام وصف نباید خویشتن بنمود حذف
در مقامات ظهور دارای اسم است اسم ذات
اسم اعظم، اسم حسنا اسم پرفیض حیات
آیه ئی از آیه اول در این سوره نگر
نیست بزرگ و نیست مهم تر آیه ئی از خیر و شر
هیچ نباشد آیه ئی برتر از این آیه عیان
آیه با یک اسم اعظم ظاهر آمد ز آسمان
بعد آن لفظ جلاله و ز بعدش شد اَحَد
آیه ی دوم بیامد، اسم زیبای صمد
این هُوَ بالاتر و برتر ز الله آمده
یک هُوَیْت باشد از ذات، غیر آن نیامده
این هُوَ باشد همین اول تَعین در جهان
بعد آن الله بود ثانی تَعین در عیان
این هُوَ اسم اَحَدی آمده اندر ظهور
الله اسم واحدی باشد ولو نور است و نور

ذات اقدس اسم ندارد در همه ملک وجود

گر که خواهیم اسم گذاریم، اسم آن هُو هست، درود

ص: ۴۶۶

هُوَ بود باطنِ اَللّٰهِ و اَللّٰهِ ظاهرش

اسم جامع در عیان است و عیان باهرش

اسم باطن زان حقیقت هُو بود اَللّٰهِ ظهور

جامع اسم ها بود اَللّٰهِ و حاکم در صعود

باطن است اَللّٰهِ و رحمان و رحیم است ظاهرش

ظاهر و باطن تجلی، اول است بین آخرش

اسم اَللّٰهِ حاکم و پنج اسم حُسنا جمع آن

حیی، سلام و عالم و قادر مرید است در عیان

دولت والا ز اَللّٰهِ باشد و اسم ها دگر

ظاهر آیند از تجلیش همه شمس و قمر

یک حقیقت باشد و پر جلوه باشد این اصیل

خود دلیل خود بود جز خود نباشد هیچ دلیل

این حقیقت اسم ندارد خارج از ذات خودش

هست شؤناتش همان، اسماء و صفات خودش

جمله اسماء و صفات دارند ظهورات عَلا

هر ظهوری خود ظهور دارد در این ملکِ وِلا

تا ز او اَدْنی و عرش و فوق عرش و تحت آن

تا به فرش و تحت آن و این زمین و آسمان

جمله باشند جلوه های اسم حُسناى خدا

آمده اند در ظهور باشند همه مشکل گشا

ذات اقدس منحصر باشد به حق مُتَعَال

بِالْأَخْصِ بَاطِنِ ذَاتِ وَ كُنْهٖ أَنْ اِیْ خَوْشِ خِصَالِ

ص: ۴۶۷

ذات یکی، جلوه یکی، بَه، این چنین است از ازل

این یکی، دائم بود اول و آخر را اول

در مثالِ صورتی، باشد نخستین جلوه اش

جلوه اول رسول الله خاتم بنده اش

مظهر تام و اتم حق تعالی احمد است

عقل اول خلق اول اصل اول احمد است

احمد مختار نموده جلوه ئی روز ازل

جلوه اش باشد امیرالمؤمنین نیست این مثل

جلوه هر دو بود بعد بتول نور دو عین

نور اول مجتبی و نور دوم هست حسین

فاطمه باشد تجلی احد ذات خدا

هم تجلی محمد نور اول مصطفی

باب او باشد تجلی مقام واحدی

شوی او باشد تجلی مقام سرمدی

نه امام باشند تجلی از محمد و علی

هر کدام خود جلوه باشند از پدر نور جلی

پس همه باشند تجلی از خداوند ودود

بر همه بادا ز الله صد سلام و صد درود

هر پیمبر امت خود را بود باطن جان

امت او جلوه های اوست همه او را نشان

جلوه هائی است از خدای متعال کل بشر

جمع حیوانات تجلی است از بشر بنما نظر

ص: ۴۶۸

بین نباتات جلوه ی حیوان شده در این جهان

دائماً بوده چنین و هست، عزیز این را بدان

ماده گشته مظهر جمع نباتات ای عزیز

هرچه مظهر گشته باشد خواهد بود آن مظهر نیز

پس همه باشند تجلیات عالی خدا

اول خلقت چنین بوده رود تا هرکجا

این که جمع بستیم تجلی، جلوه، مظهر یا ظهور

ضیق لفظ باشد، تعدد نیست، بود یک نور نور

جمله مخلوقات عالم مظهر ذات خداست

نیست تعدد، کثرت و شرک، هرچه را بینی یکتاست

یک خدا باشد به عالم هم زمین هم آسمان

عالم ماده مجرد هم همه این است و آن

یک خدا باشد خدائی می کند هرچه خداست

توسعه دارد یک ما بین که این یک در جلاست

پس بود یک، یک شخصی و سعه ای هست خدا

جز خدا نبود به عالم هرکجا بین جابه جا

[۲] ای رسول ما بگو تو: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

از ازل بوده چنین و تا ابد باشد صمد

سید مطاع صمد باشد به عالم یک صمد

آقائی است جمله اطاعت می کنند او، تا ابد

الصَّمد باشد به معنا سَيِّد مُطاعِ ما

هم به فارسی آمده، آقا که فرمانش روا

ص: ۴۶۹

او چنان آقااست که دارند طاعتش را بندگان

بندگی سید عالم نزول از آسمان

اعتماد است بهر هر کس تکیه دارند بر صمد

اعتماد دارند خدا را زو بگیرند هم مدد

یا بود مَضْمُودٌ إِلَيْهِ این صمد در روزگار

یعنی مقصود همه چیز، حضرت پروردگار

جملگی قصدش کنند مقصود و غایت آمده

او کمال مطلق است و او نهایت آمده

هر کسی هر کار کند قصد کمال دارد بجا

حق کمال مطلق است و این کمال باشد خدا

پس همه قصد خدا دارند به فطرت این بدان

این سرشت باشد الهی گو صمد را جانِ جان

[۳] لَمْ يَلِدْ باشد خدا و هم وَلَمْ يُوَلَدْ خداست

عقل محض گوید چنین است غیر این بینی خطاست

نی کسی فرزند او و نی که او فرزند کس

کار حیوانی است تولید مثل زنبور و مگس

[۴] او ندارد مثل و مانند او ندارد هیچ قرین

او بود یکتای هستی باد به یکتا آفرین

آن که مانوس است به این سوره، امیرالمؤمنین

آن که عمری گفت: هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، يعسوب دین

آن که هرگز مادری مثلش نزائید در جهان

آن که مانندش نباشد در زمین و آسمان

ص: ۴۷۰

آن که او فرد است ندارد مثل و ماندی دگر

او یکی است آن هم یک شخصی و یا سعه ای، فر

او بود آقای عالم هم نزول است از صمد

لَمْ يَلِدْ باشد به عالم نیست به ماندش یک فرد

لَمْ يَلِدْ باشد وَلَمْ يُؤَلَدْ، نباشد دیگری

مثل و ماندی چو حیدر نیست به عالم رهبری

سوره توحید مناسب با علی باشد یقین

انس او با سوره توحید باشد بس شیرین

گفت یدالله محضر پیغمبر آخر زمان

سوره توحید عزیز است نزد من آرام جان

غیر این سوره نخوانم در نماز زیرا که من

دوست دارم سوره را مانند جان باشد به تن

در روایت ابن عباس گفته از قول نبی

خاتم پیغمبران فرمود به حضرت علی

ای علی باشی تو مثل سوره اخلاص عزیز

سوره و تو هر دو با هم همراهید تا رستخیز

پس علی با سوره اخلاص و توحید است قرین

باد به توحید و علی حق پرست صد آفرین

۱۱۳-سوره مبارکه ی فلق

سوره ای از سوره ها نامش فلق باشد بین

نازل آمد از سماوات بهر پیغمبر زمین

ص: ۴۷۱

در روایت آمده از صادق ملک ولا

کرده معنا این فَلَق را، معنیش چاه بلا

جای این چاه هست جهنم سخت ترین جایش بدان

از حرارتش بسوزاند جهنم را عیان

آتش، آتش را بسوزاند در آن جا بس عجیب!

این فَلَق با این نشان تا که، که را باشد نصیب

شش نفر از اولین و شش نفر از آخرین

اهل این آتش یقین باشند و باشند آتشین

اولین، قابیل و نمرود و دگر فرعون دون

سامری و آن دوی دیگر همه باشند مغبون

آخرینند اولی و دومی و سومی

هست معاویه ز بعدشان نفاق و دیگری

آن ششی که غضب نمودند حق حتمی علی

با نفاق و جهل بکشتند نفس قدسی نبی

[۱] ای رسول ما بگو جویم پناهی به خدا

آن خدای فرد زنده، صبح روشن را جلا

[۲-۳] من پناه جویم ز شر مردم شر آفرین

هم ز شر شب تاریک و اذیت ها چنین

[۴-۵] هم ز شر ساحران و سحر آنان پر زیان

هم ز شر حاسدان و حسد و آتش آن

در حدیثی صادق آل نبی گفت این چنین

یک بیان بر ما رسیده از امیرالمؤمنین

ص: ۴۷۲

حضرتش فرمود: بیامد جبرئیل از آسمان

بر پیمبر نازل و گفتا ز بهرت، ناکسان

سحر و جادو کرده اند یازده گره را بسته اند

در میان حُقه بسته و به چاه انداخته اند

بعضی را مأمور نما تا که برون آرند ز چاه

نزد تو آرند که باطل کرده و سازی تباہ

خاتم پیغمبران بنمود علی مأمور آن

رفت و آورد نزد حضرت حُقه ی جادو به آن

امر نمود تا مرتضی خواند مَعُوذَتَین به آن

چون بخواند هر آیه بر هر یک گره گردید روان

با بیان آیه ئی می شد گره زان رشته باز

با قرائت دو سوره گشت نمایان سرّ راز

پس سلام بادا به مولایم علی شیر خدا

حامی دین و پیمبر دشمن جور و جفا

شر خلق جمع شد، مقابل کرد خودش را با علی

بس فسون کردند چند زن بر علیه این وصی

حاسدان کردند حسد با شیر یزدان مرتضی

خون ها ریختند در این ره خاصه آن خون خدا

خمسه ی خبیثه کردند با وصی مصطفی

آن چه کردند که نمی باید نمودند از جفا

پس بیاید جست پناه به ربّ صبحگاهان و نور

از تمام شر و جاود و حسد هم اهل زور

ص: ۴۷۳

۱۱۴-سوره مبارکه ی ناس

سوره ی ناس است در آخر ختم قرآن کریم

آمده از جانب حق خالق حیّ علیم

آمده نازل ز بهر مصطفی عقل تمام

حامی قرآن و احمد اولین معنا امام

یاور قرآن، نبوت، حیدر صفدر علیّ

بر خدا باشد ولیّ و بر محمّد هم وصیّ

[۱-۲] گفت خداوند: ای محمّد گو پناه جویم خدا

هم به ربّ مردمان و هم مقام هلّ آتی

[۳] هم به سلطان همه آدمیان، حیّ حکیم

هم اله ناس خداوند لطیف و هم رحیم

[۴] من پناه جویم ز شر و هم ز وسواس پلید

هم ز شیطان رجیم و هم ز وسواس عنید

[۵] گر که شیطان از بنی آدم بود یا که ز جن

وسوسه در دل بیندازد شوند دل ها چو شن

بس بود تفسیر قرآن با همه نام علی

نام مولی از تمام سوره ها هست منجلی

آیه آیه نام مولایم علی باشد عیان

از جمال و از جلال و از کمال جاودان

باء بسم الله علیّ و اول قرآن علیّ

سین ناس باشد علی و اصل ناس باشد ولی

ص: ۴۷۴

اول و آخر که او شد هر وسط باشد هم او

چشم دل باز کن بین آن چه که گفتم روبرو

پس همه باشد علیّ عالیّ والا نسب

چشم خود بگشا بین این واقعیت روز و شب

حیف و صد حیف که کسی نشناخت اندر این جهان

آیت حق، نفس پیغمبر امیرمؤمنان

هست امید شاید شناسند در عوالم دگر

گر شناسند در صعود آیند تمام این بشر

گر صعود باشد ز بهر این بشر در آن جهان

می تواند دید به معنا خوب امیرمؤمنان

گر صعود باشد ز بهرش می رود تا آسمان

فوق عرش و فوق کرسی تا مقام جاودان

می رود بالا ز هر عالم رسد بر قرب دوست

بِالْعِیَانِ بیند که هرچه دیده است این خود اوست

تا رسد بر قرب و اَوْ اَذْنِیْ بیند این علی

چون به فوق آن رسد بیند حقیقت را جلی

نام زیبای حقیقت نام والای ولا

نام نیکویش بود بر جا علیّ اَعْلَى

آن حقیقت، کرده مشتق از تمام نام خود

نام نهاده بر امیرمؤمنان کلام خود

این علی و آن بود اعلی علی در روزگار

این علی بنده بود و آن علی پروردگار

ص: ۴۷۵

این علی هست جلوه او، او وجود این علی

گر به توحیدش رسی باشد ز بهرت منجلی

یک علی در عالم است و آن علی اعلی بود

کل هستی ظاهرش باشد مقام والا بود

در مقام لفظ بگویم دو علی آید زبان

یک علی خاک نشین و یک علی اصل جهان

این علی باشد کتاب آن علی، قرآن قرین

وصف والايش بود آقا امیرالمؤمنین

اسم و رسم آن علی در این علی ظاهر شده

نقش قرآن با معانی علی باهر شده

ابتدا قرآن شروع گردید با اسم جمال

انتها گردید به سوره یا که آیات جلال

هست امیرمؤمنان جلوه ازین دو اسم یقین

جمع هر دو اسم کمال است آن امیرالمؤمنین

اول و آخر قرآن آمده از این دو اسم

جمع هر دو خود کمال است نی که بینی تو طلسم

هست خود قرآن شناسنامه ز بهر همه چیز

هست شناسنامه ز بهر تو که چیزی ای عزیز

پس همه چیز ثبت شده در این کتاب باشد تمام

گر توانائی تو این معنا، به خوبی دان کلام

هرچه باشد در کتاب و این کتاب باشد مبین

این کتاب باشد به معنا خود امیرالمؤمنین

ص: ۴۷۶

هرچه در عالم بود، اندر امیر مؤمنان
ثبت شده باشد به معنا نازل آن جانِ جان
باطن عالم به غیر حق و احمد بین علی
عالم و آدم ظهورند از علی منجلی
بین علی باشد کتابُ الله و هرچه ظاهرش
هرچه باشد جلوه ئی باشد ز اسم ظاهرش
بین علی باشد کتابُ الله تکوین در جهان
یک کتابُ الله تدوین ظاهری است از جانِ جان
بین علی باشد کتابُ الله ناطق در عیان
نطق او گویای عالم از زمین و آسمان
این کتابُ الله ناطق بهر حق متعال
هست شناسنامه و تنزیل جمال و هم جلال
این کتابُ الله ناطق می شناساند خدا
بهر هر کس در شناخت حق بود خوب مقتدا
هر که خواهد در مقام خاک و ماده و زمین
خالق خود را شناسد دلخواه و دلنشین
این کتابُ الله ناطق خوب شناساند به او
آن چنان گوید که گوئی حق ببیند روبرو
هر که خواهد تا شناسد خالقش را در سما
یا شناسد در عوالم عالم قرب ولا

یا شناسد در مجرد عالم لاهوتیان

عالم مُلک و مُلک هم عالم هاهوتیان

ص: ۴۷۷

یا شناسد در میان آسمان و ملکوت

یا که در عالم معنا و یا در جبروت

یا شناسد در مقام عرش و کرسی و قلم

در مقام لوح محفوظ، فوق آن است محترم

یا شناسد در مقام قاب قَوْسَینِ ولا

یا مقام فوق آن ها یا که اَوْ اَذُنِی، ذَنِی

یا شناسد در مقام منطق و علم سلیم

در مقام فلسفه، حکمت و هم فقه فهیم

این کتابُ اللهِ ناطق می شناساند عیان

آن چنان عرفان دهد، زیبا نشیند دل و جان

این کتابُ اللهِ ناطق درس توحید و شناخت

داده است بر انبیاء جز خاتم آنان برات

این کتابُ اللهِ ناطق داده درس معرفت

بر ملائکة جملگی و جبرئیلش را رؤیت

این کتابُ اللهِ ناطق داده است درس کمال

بر تمام جن و انس، دیگر نباشد هیچ سؤال

این کتابُ اللهِ ناطق باشد معنای کتاب

قرآن تدوین ظهوری است از جمال آن جناب

باطن قرآن کتاب الله ناطق آمده

ظاهر قرآن چو باطن جمله صادق آمده

باطن قرآن یقین باشد امیرالمؤمنین

ظاهر قرآن علی باشد مَنَش از مرسلین

ص: ۴۷۸

پس بگو قرآن تدوین وصف مولی آمده
خود کلام حق بود کز سوی بالا آمده
آمده تا ما بدانیم مولای عالم علی است
شخص دوم در ظهور است مصطفی را هم ولی است
آمده قرآن ما، در قدر و ماه رمضان
در تناسب هر سه باشند با علی جانِ جان
پس تلاوت می کنیم قرآن کتاب آسمان
تا شناسیم ما امام خود امیرمؤمنان
گه کنیم تفسیر کتاب آسمانی را درست
باطن قرآن نمایانیم ز بهر خود نخست
گفت امیرمؤمنان از بهر قرآن مجید
هست هفتاد باطن و اسرار زیبا و حمید
این که بنو شتم نمائی، بود ز باطن اولی
یا نمائی بود ز ظاهر، بُو نمودم من گلی
می توان بنوشت همه آیات قرآن کریم
ز ابتدا تا انتها بهر صراط مستقیم
لیک نباشد بهر این مسکین بی چیز یک امید
تا خدا روزی نماید این حقیر را با نوید
تا همه آیات قرآن را به وصف مرتضی
مدتی تفسیر نمایم باشد امداد خدا

هست امیدم تا در آینده کند این کار دگر

یا که بهتر آورد باطن به ظاهر جلوه گر

ص: ۴۷۹

ظاهر و باطن کند تفسیر همه آیات نور
نی به مثل کار من یک کار پر نقض و فُطور
نازل آرد جمله را در شأن مولایم علی
در نزول این کتاب بهر علی، نیست مشکلی
قبل تفسیر تمام سوره ها و آیه ها
تفسیری در اختصار گشته سروده در ولا
از تمامی سُور از بعض آیاتی بنام
شد سروده نهصد و بیست و دو آیه بس تمام
چار هزار و نهصد و پنجاه و چار بیت گشته است
جمله در وصف امیرمؤمنان بنوخته است
نام این ابیات بود، وَه، نام زیبای ولا
دیوان ولایت آمد، نام والایش بجا
روز اتمام روز بیستم از جمادی الثانی
سال، هزار و چارصد و سی و چهار باشد هجری
روز پایان شد مصادف با دو میلاد گرام
میلاد زهرای اطهر میلاد شخص امام
باد سلام حق به زهرا و به نسل پاک او
هم سلام انبیا و اولیا و هر نکو
بس نما عاشق، تو کارت، کار تفسیر کتاب
این بود تفسیر قرآن بهر مولی بوتراب

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ إِلهَاً وَاحِداً أَحَداً فَرداً صَمَداً.

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ دَائِماً سَرَمَداً.

وَالسَّلَامُ وَالصَّلَاةُ اللهُ تَعَالَى عَلَيَّ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْمَنْعُوتِ فِي التَّوْرِيهِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ الْمُبِينِ، وَعَلَى وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَسَيِّدِ الوَصِيِّينَ، وَوَالِدِ الأَيْمَةِ الْمَرْضِيِّينَ، وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَمُسْتَوْدِعِ عِلْمِ الأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَعِضْمَةِ الصَّالِحِينَ، وَطَهِّيسِ، وَحَبْلِ اللهِ الْمُتَمِّينِ، وَعَيْنِ اللهِ النَّاطِرِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَخَاصَّةِ نَفْسِ الْمُنتَجِبِينَ، وَصَابِرِ الْمُتَمَتِّحِينَ، وَقُدُوهِ الصَّادِقِينَ، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَغِيَاثِ الْمَكْرُوبِينَ، وَآمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَزَيْنِ الْمُؤَحِّدِينَ، وَمُظْهِرِ الْبِرَاهِينِ اَبداً.

ص: ٤٨١

بسم الله الرحمن الرحيم

تذکر در مورد اسناد

اشاره

نوشتاری که پیش رو داریم مربوط به اسناد دیوان ولایت می باشد. در صفحه های آینده بعد از نام مبارک سوره های قرآنی، شماره آیه ئی یا آیه هائی به چشم می خورد و بعد از آن ها یک صاد (ص) و عددی بعد از صاد را نشان می دهد و در زیر آن، شماره اسم کتاب هائی با خصوصیاتشان وجود دارد. مراد از آن صاد صفحه می باشد و آن عدد، عدد صفحه ی در قسم شعر است و بقیه نام کتاب ها و اسناد همان ابیات می باشند. به عنوان مثال: در صفحه ۴۸۷ این کتاب نام سوره بقره آمده است در ذیل آن بعد از آیه ی ۱ و ۲ و ص، عدد ۲۴ دیده می شود؛ این ۲۴، عدد سرصفحه ی ۲۴ در اوائل کتاب و قسمت شعر است؛ می رساند، اسناد ابیات صفحه ۲۴ مدارک صفحه ۴۸۷ می باشند.

دیگر آن که تعداد زیادی از تفاسیر و کتاب های معتبر از شیعیان و اهل سنت که مورداستفاده قرار گرفته اند؛ با اسم، جلد، صفحه و بعضی از خصوصیات دیگر ترسیم شده اند.

این مدارک ارائه دهنده احادیث فراوانی از حضرات معصومان: پیامبر گرامی اسلام و ائمه ی هدی سلام الله تعالی و صلواته علیهم اجمعین، پیراموان سور و آیات کثیری در بیان ولایت و حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام می باشند. در کتابنامه نیز مدارک نامبرده با اسم و رسم و خصوصیات معرفی شده اند. در نهایت بیش از ۴۶۰ جلد تفسیر و کتاب مورد استفاده قرار گرفته است.

آیات ۶-۵-۴-۳-۲-۱- ص ۲۲

آیات ۶-۵-۴-۳-۲-۱- ص ۲۲(۱)

۱- تفسیر المیزان: ج ۱، ص ۴۱.

۲- تفسیر القرآن الکریم، صدر المتألهین: ج ۱، ص ۱۰۰.

۳- تفسیر مجمع البیان: ج ۱، ص ۲۸.

۴- تفسیر کنز الدقائق: ج ۱، ص ۶۹ و....

۵- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۵۴.

۶- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۲۴.

۷- تفسیر التّبیان: ج ۱، ص ۴۱.

۸- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۲۸ و....

۹- تفسیر نور الثّقلین: ج ۱، ص ۲۱ و....

۱۰- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۴۶ و....

۱۱- تفسیر فرات الکوفی: ص ۲.

۱۲- تفسیر منهج الصّادقین: ج ۱، ص ۱۱۶.

ص: ۴۸۵

١٣- تفسير شيخ ابوالفتوح رازي: ج ١، ص ٥٢.

١٤- تفسير جامع: ج ١، ص ٩٩.

١٥- تفسير فاتحة الكتاب: ص ١٤١.

١٦- اعراب سورة الفاتحة: ص ٢٥.

١٧- تفسير القرآن العظيم، ابن كثير: ج ١، ص ٢٧ و....

١٨- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٧٤ و....

١٩- خصائص الوحي المبين: ص ١٠٤.

٢٠- عليّ في الكتاب والسنة: ج ١، ص ٣٥ و....

٢١- معاني الاخبار: ص ٣٢، ح ١٢٣ و....

٢٢- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٣٤ و....

٢٣- اثبات الهداة: ج ٣، ص ١٤

٢٤- ينابيع المودة: ص ١١٤، باب ٣٧.

آيه ٧ - ص ٢٣

١- معاني الاخبار: ص ٣٦، ح ٨

٢- تفسير برهان: ج ١، ص ٤٧.

٣- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٣٠.

٤- تفسير الصافي: ج ١، ص ٥٥ و....

٥- تفسير القمي: ج ١، ص ٣١.

٦- تفسير فرات الكوفي: ص ٢.

٧- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٢٤ و....

٨- تفسير آلاء الرحمن: ج ١، ص ٦٣.

ص: ٤٨٦

٩- الاحتجاج: ج ٢، ص ٢٣٣.

١٠- الاستبصار: ج ١، ص ٣١٩، ح ١١٨٨.

١١- تهذيب الاحكام: ج ٢، ص ٢٩٧، ح ١١٩٦.

٢- سورة مبارکه ی بقره

آیات ١ - ٢ - ٢٤

١- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٣١.

٢- تفسير القمی: ج ١، ص ٣٠.

٣- تفسير العیاشی: ج ١، ص ٢٦.

٤- تفسير الصّافی: ج ١، ص ٥٨.

٥- تفسير برهان: ج ١، ص ٥٣.

٦- شواهد التنزیل: ج ١، ص ٨٦.

٧- علیّ فی الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٣٩ و ...

٨- کمال الدّین و تمام النّعمه: ص ٣٤٠، ح ٢٠.

آیه ٣ - ٢٤

١- تفسير المیزان: ج ١، ص ٤٦.

٢- تفسير کنزالدقائق: ج ١، ص ١١٨ و ...

٣- تفسير جامع: ج ١، ص ١٠٥ و ...

٤- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٣١.

٥- تفسير منهج الصادقین: ج ١، ص ١٢٧.

- ٦- تفسير التبيان: ج ١، ص ٥٦.
- ٧- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٥٨.
- ٨- تفسير آلاء الرحمن: ج ١، ص ٦٤.
- ٩- تفسير برهان: ج ١، ص ٥٣ و... .
- ١٠- كمال الدّين و تمام التّعنة: ص ٣٤، ح ١٩.

آيه ١٤ - ص ٢٥

- ١- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٠٧.
- ٢- تفسير برهان: ج ١، ص ٦٤.
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٥١.
- ٤- تفسير جامع: ج ١، ص ١٧٠.
- ٥- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٤٤.
- ٦- المناقب الخوارزمي: ص ٢٧٨، ح ٢٦٦.

آيات ٣٠ - ٣١ - ٣٣ - ٣٤ - ص ٢٥ و ٢٦

- ١- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٧٤.
- ٢- تفسير كنز الدّقائق: ج ١، ص ١٠٠ و... .

آيه ٣٧ - ص ٢٦

- ١- تفسير كنز الدّقائق: ج ١، ص ٣٧٤.
- ٢- تفسير نور الثّقلين: ج ١، ص ٦٧ و... .
- ٣- حديقّة الشّيعة: ص ٦٦.

آيه ٤٠ - ص ٢٦

- ١- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٨٥.
- ٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١، ص ٣٩٣ و....

آيه ٤٣ - ص ٢٧

- ١- تفسير كنزالدقائق: ج ١، ص ٤٠١.
- ٢- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١١١ و....
- ٣- النورالمشتعل: ص ٤٠ و....
- ٤- خصائص الوحي المبين: ص ٢٣٩.
- ٥- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٤٨ و....
- ٦- المناقب الخوارزمي: ص ٢٨٠، ح ٢٧٤.
- ٧- مناقب آل ابى طالب: ج ٢، ص ١٣.
- ٨- احقاق الحق: ج ٣، ص ٢٩٩ و....
- ٩- بحار الانوار: ج ٣٦، ص ١٦٦ و....
- ١٠- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣١٠.
- ١١- فرائد السّمطين: ج ١، ص ٢٤٥.
- ١٢- ينابيع المودّة: ص ٦٠، باب ١٢.

آيه ٥٨ - ص ٢٧

- ١- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ١٢٢.
- ٢- تفسير جامع: ج ١، ص ١٧٣.
- ٣- تفسير برهان: ج ١، ص ١٠٣.

آیه ۵۹ - ص ۲۷

۱- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۵۸.

۲- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۱۷۳.

آیه ۸۱ - ص ۲۸

۱- تفسیر المیزان: ج ۱، ص ۲۱۶.

۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۲، ص ۶۳.

۳- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۱۰۷.

۴- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۱۹۷ و....

۵- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۸۲.

آیه ۸۳ - ص ۲۸

۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۱۲۱.

۳- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۲۰۰ و....

آیه ۱۰۴ - ص ۲۹

۱- تفسیر الدر المنثور: ج ۱، ص ۱۰۴.

۲- تفسیر المیزان: ج ۱، ص ۲۴۹.

۳- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۲۳۳.

آیات ۱۲۵ - ۱۲۶ ص ۲۹

۱- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۱۴۷.

٢- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٢٠٠.

٣- تفسير جامع: ج ١، ص ٢٤٩.

آيه ١٣٦ - ص ٣٠

١- تفسير العياشي: ج ١، ص ٦٢، ح ١٠٨.

آيه ١٣٨ - ص ٣٠

١- كتاب الخصال: ص ٣٠٤.

٢- تفسير برهان: ج ١، ص ١٥٨.

آيات ١٤٢ - ١٤٣ - ص ٣٠

١- تفسير برهان: ج ١، ص ١٦٠.

٢- تفسير الميزان: ج ١، ص ٣٥٠.

٣- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ١٣٤.

٤- تفسير الصّافي: ج ١، ص ١٤٧.

٥- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٢٠.

آيه ١٤٩ - ص ٣٠

١- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٢٣١.

٢- تفسير برهان: ج ١، ص ١٦٢ و... .

آيه ١٥٤ ص ٣١

١- تفسير الميزان: ج ١، ص ٣٦٣.

٢- تفسير الصّافي: ج ١، ص ١٥٢.

آیه ۱۵۵- ص ۳۱

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۱۵۳.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۱۶۷.
- ۳- تفسیر کنز الدقائق: ج ۲، ص ۱۹۷.
- ۴- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۶۸.
- ۵- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۲۷۳.
- ۶- اسباب النزول: ص ۱۹.
- ۷- نهج البلاغه: ص ۴۲۴، خطبه ۱۴۳، فراز ۳.
- ۸- کمال الدین و تمام النعمه: ص ۶۴۹.
- ۹- اثبات الهداة: ج ۷، ص ۴۳۲.

آیه ۱۵۶- ص ۳۲

- ۱- تفسیر کنز الدقائق: ج ۲، ص ۱۹۸.
- ۲- علیّ فی الكتاب و السنه: ج ۱، ص ۵۶.

آیه ۱۵۹- ص ۳۲

- ۱- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۷۱.
- ۲- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۱۵۵.
- ۳- تفسیر کنز الدقائق: ج ۲، ص ۲۰۷.

آیه ۱۷۳- ص ۳۲

- ۱- معانی الاخبار: ص ۲۱۳.

- ٢- تفسير الصّافى: ج ١، ص ١٥٩.
- ٣- تفسير برهان: ج ١، ص ١٧٤.
- ٤- تفسير العياشى: ج ١، ص ٧٤.
- ٥- تفسير جامع: ج ١، ص ٢٨٢.
- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٢٥٧.

آيه ١٨٦ - ص ٣٣

- ١- مكارم الاخلاق: ص ٢٧٤.
- ٢- تفسير الصّافى: ج ١، ص ١٦٨.
- ٣- تفسير العياشى: ج ١، ص ٧٤.

آيه ١٨٩ - ص ٣٣

- ١- تفسير الصّافى: ج ١، ص ١٧١.
- ٢- تفسير برهان: ج ١، ص ١٩٠ و....
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٢٨٤.
- ٤- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ١٧٧.
- ٥- تفسير البلابل القلاقل: ج ١، ص ١٢٨.
- ٦- تفسير جامع: ج ١، ص ٣٠٥ و....
- ٧- تفسير منهج الصادقين: ج ١، ص ٥٠٣ و....

آيه ٢٠٧ - ص ٣٤

- ١- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٣٠١.

- ٢- ينابيع المودّة: ص ٩٢.
- ٣- خصائص الوحي المبين: ص ٩٢.
- ٤- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٠٦.
- ٥- تفسير جامع: ج ١، ص ٣١٩ و... .
- ٦- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٠١.
- ٧- تفسير منهج الصادقين: ج ١، ص ٥٣٩ و... .
- ٨- تفسير كنز الدقائق: ج ٢، ص ٣٠٥ و... .
- ٩- تفسير الميزان: ج ٢، ص ٩٩ و... .
- ١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازي: ج ٢، ص ١٥٠ و... .

- ١١- تفسير التبيان: ج ٢، ص ١٨٣.
- ١٢- تفسير آلا الرحمن: ج ١، ص ١٨٧.
- ١٣- امالي الشيخ الطوسي: ج ٢، ص ٦١.
- ١٤- عليّ في الكتاب و السنّه: ج ١، ص و... .
- ١٥- احقاق الحق: ج ٣، ص ٢٣.
- ١٦- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٢٣ و... .

آيه ٢٠٨ - ص ٣٥

- ١- تفسير الصّافي: ج ١، ص ١٨٢.
- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٢، ص ٣١٠.
- ٣- تفسير القمي: ج ١، ص ٧١.

٤- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٠٢، ح ٢٩٤.

٥- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٠٧ و... .

ص: ٤٩٤

- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٣٠٢.
- ٧- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٥، ح ٢٩.
- ٨- احقاق الحق: ج ٣، ص ٦٢.
- ٩- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٩٦.
- ١٠- امالي شيخ صدوق: ص ٢٣٥، مجلس ٤١، ح ٩.
- ١١- امالي الشيخ الطوسي: ج ١، ص ٣٠٦.
- ١٢- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٦٢.
- ١٣- ينابيع المودّة: ص ١١١، باب ٣٧.

آيه ٢٥٣ - ص ٢٥

- ١- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٢٣٧، ح ٣٢.
- ٢- تفسير الميزان: ج ٢، ص ٣٢٣.
- ٣- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٣٩.
- ٤- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٣٥٨.
- ٥- تفسير القمي: ج ١، ص ٨٤.
- ٦- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٢٥٤ و....
- ٧- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٢١٢.
- ٨- تفسير كنز الدقائق: ج ٢، ص ٣٩٤.
- ٩- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٣٦.
- ١٠- الاحتجاج: ج ١، ص ٤٨ و....

آيه ٢٥٥ - ص ٣٦

١- تفسير كنز الدقائق: ج ٢، ص ٤٠٥.

ص: ٤٩٥

۲- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۳- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۳۷۰ و....

۴- تفسیر نورالثقلین: ج ۱، ص ۲۵۶ و....

۵- تفسیر المیزان: ج ۲، ص ۳۳۶ و....

۶- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۸۲.

۷- تفسیر الصافی: ج ۱، ص ۲۱۳ و....

۸- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۲، ص ۳۱۸

و....

۹- تفسیر مجمع البیان: ج ۱، ص ۳۶۲ و....

۱۰- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۲۴۰ و....

۱۱- کتاب الخصال: ص ۲۷۰. و کتاب های دیگری مانند تفسیر الدر المنثور، بحار الانوار، اصول کافی، معانی الاخبار، کتاب التوحید، من لایحضره الفقیه، مناقب، امالی شیخ صدوق و....

آیه ۲۵۶ - ص ۴۰

۱- معانی الاخبار: ص ۳۶۸.

۲- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۲۴۳ و....

۳- تفسیر المیزان: ج ۲، ص ۳۴۷.

۴- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۱۳۹.

۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۸۴ و....

۶- تفسیر نورالثقلین: ج ۱، ص ۲۶۳ و....

۷- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۳۷۱ و....

٨- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٢١٥.

ص: ٤٩٦

آیه ۲۵۷ - ص ۴۰

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۲۱۶.
- ۲- تفسیر نور الثقلین: ج ۱، ص ۲۶۶.
- ۳- تفسیر کنز الدقائق: ج ۲، ص ۴۱۳.
- ۴- تفسیر برهان: ج ۲۴۳ و ۱ و
- ۵- الاصول من الکافی: ج ۱.

آیه ۲۶۹ - ص ۴۰

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۲۲۶.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۲۵۶.
- ۳- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۱۵۱.
- ۴- احقاق الحق: ج ۵، ص ۵۰۲ و
- ۵- علیّ فی الكتاب و السنّه: ج ۱، ص ۶۳ و
- ۶- شواهد التّنزیل: ج ۱، ص ۱۳۷ و

آیه ۲۷۴ - ص ۴۱

- ۱- تفسیر الدر المنثور: ج ۱، ص ۳۶۳.
- ۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۲، ص ۴۵۰ و
- ۳- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۲۵۷ و
- ۴- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۱۵۱.
- ۵- تفسیر مجمع البیان: ج ۱، ص ۳۸۸.
- ۶- تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی: ج ۲، ص ۳۶۰ و

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٢، ص ١٣٨ و....

٨- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٠.

٩- تفسير الصافي: ج ١، ص ٢٢٩ و....

١٠- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٢٩٠.

١١- تفسير التبيان: ج ١، ص ٣٥٧.

١٢- كشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري: ج ١، ص ٧٤٦.

١٣- تفسير الشهرستاني: ج ٢، ص ١٠٢٣ و....

١٤- التفسير الكبير فخررازي: ج ٧، ص ٨٩.

١٥- تفسير الكشاف: ج ١، ص ٣١٩.

١٦- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٤٠ و....

١٧- اسباب النزول: ص ٣١.

١٨- التور المشتعل: ص ٤٣.

١٩- خصائص الوحي المبين: ص ١٩٥.

٢٠- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١٢٩.

٢١- علي في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٦٧ و....

٢٢- فرائد السمطين: ج ١، ص ٣٥٦.

٢٣- المناقب الخوارزمي: ص ٢٨١، ح ٢٧٥.

٢٤- اسد الغابه: ج ٤، ص ٢٥.

٢٥- صواعق المحرقة: ص ٧٨.

٢٦- نورالابصار شبلنجي: ص ٧٠.

۲۷- مناقب ابن المغازلی: ص ۲۸۰ و کتاب های

دیگر مانند: مناقب آل ابی طالب، الاختصاص و... .

ص: ۴۹۸

٣- سورة مبارکه ی آل عمران

آیه ٧ - ص ٤٢

- ١- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ١٩٩، ح ٣١.
- ٢- تفسیر کنز الدقائق: ج ٣، ص ٣٤ و....
- ٣- تفسیر المیزان: ج ٣، ص ٦٧ و....
- ٤- تفسیر نور الثقلین: ج ١، ص ٣١٥ و....
- ٥- تفسیر جامع: ج ١، ص ٣١٥ و....
- ٦- تفسیر الصّافی: ج ١، ص ٢٤٧.
- ٧- تفسیر العیاشی: ج ١، ص ١٦٣ و....
- ٨- تفسیر منهج الصادقین: ج ٢، ص ١٧٩.
- ٩- نهج البلاغه: ص ٤٢٨، خطبه ١٤٤.
- ١٠- الاحتجاج: ج ١، ص ٣٦٩.

آیه ١٩ - ص ٤٣

- ١- تفسیر المیزان: ج ٣، ص ١٢٦.
- ٢- تفسیر نور الثقلین: ج ١، ص ٣٢٣.
- ٣- تفسیر جامع: ج ١، ص ٤١٥ و....
- ٤- تفسیر برهان: ج ١، ص ٢٧٤.

آیه ٣١ - ص ٤٤

- ١- تفسیر برهان: ج ١، ص ٢٧٧.

٢- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٢٢٧.

٣- تفسير الميزان: ج ٣، ص ١٦٣.

٤- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٦٧.

٥- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٢٥٩ و... .

٦- التفسير الكبير فخررازي: ج ٢٧، ص ١٦٥ و كتاب هايي مانند: سفينه البحار، ج ١، تفسير الكشاف، خصائص الوحي المبين و... .

آيه ٣٢ - ص ٤٤

١- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٣، ص ١٣ و... .

آيه ٣٣ - ٣٤ - ص ٥١

١- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٦٨ و... ح ٣٢ ٣٠ ٢٩.

٢- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٧٧ و... .

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٧١ و... .

٤- تفسير آلا الرحمن: ج ١، ص ٢٧٦ و... .

٥- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٢٥٦.

٦- تفسير الميزان: ج ٣، ص ١٦٨.

٧- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٣٢٨ و... .

٨- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٤٣٣.

٩- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٣، ص ١٥ و... .

١٠- تفسير جامع: ج ١، ص ٤١٩.

١١- تفسير مجمع الصادقين: ج ٢، ص ٢١٢ و... .

- ١٢- تفسير القمى: ج ١، ص ١٠٠.
- ١٣- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٥٢ و....
- ١٤- معانى الاخبار: ص ٩٤.
- ١٥- مناقب آل ابى طالب: ج ٤، ص ١١.
- ١٦- عيون اخبار الرضا: ج ٢، ص.

آيه ٤٢ - ص ٥١

- ١- تفسير الدر المنثور: ج ٢، ص ٢٣.
- ٢- تفسير الميزان: ج ٣، ص ٢١٤.
- ٣- تفسير آلاء الرحمن: ج ١، ص ٢٨٢.
- ٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٩٤.
- ٥- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٤٤٠.
- ٦- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٨٠ و....
- ٧- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٣٣٧.
- ٨- علل الشرايع: ص ١٨٢، ح ١.

آيه ٤٣ - ص ٥١

- ١- تفسير الميزان: ج ٣، ص ٢٢٠.
- ٢- تفسير الصافى: ج ١، ص ٢٦٢.
- ٣- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٨١.
- ٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٩٥.

آيه ٤١ - ص ٥٢

١- تفسير القمى: ج ١، ص ١٠٤.

ص: ٥١

- ٢- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٢٤٨.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ١١٩ و....
- ٤- تفسير الميزان: ج ٣، ص ٢٢٩ و....
- ٥- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٣٤٧ و....
- ٦- تفسير جامع: ج ١، ص ٤٣٩ و....
- ٧- تفسير العياشى: ج ١، ص ١٧٦ و....
- ٨- تفسير التّبيان: ج ٢، ص ٤٨٤ و....
- ٩- تفسير فرات الكوفى: ص ١٤.
- ١٠- تفسير منهج الصّادقين: ج ٢، ص ٢٤٤ و....
- ١١- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٨٦ و....
- ١٢- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٤٥٢ و....
- ١٣- تفسير جوامع الجامع: ص ٦٠.
- ١٤- تفسير آلاء الرّحمن: ج ١، ص ٢٩٠ و....
- ١٥- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ٣، ص ٦٢ و....
- ١٦- تفسير البلابل القلاقل: ج ١، ص ١٩١ و....
- ١٧- كشف الاسرار و عُده الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى: ج ٢، ص ١٤٧ و ١٥١ و....
- ١٨- التفسير الكبير فخر رازى: ج ٨، ص ٨٥، مسئله دوم، چهارم و ص ٨٧ سؤال اول و جوابش، سؤال دوم و جوابش و....
- ١٩- تفسير القرآن العظيم، ابن اثير: ج ١، ص ٣٧١.
- ٢٠- الجواهر فى تفسير القرآن الكريم: ج ٢، ص ١٢٧.
- ٢١- تفسير الكشاف: ج ١، ص ٣٦٨ و....

- ٢٢- تفسير الجلالين: ص ٧٧.
- ٢٣- تفسير الدر المنثور: ج ٢، ص ٣٨ و... .
- ٢٤- النور المشتعل: ص ٤٩ و... .
- ٢٥- خصائص الوحي المبين: ص ٨٨.
- ٢٦- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٦٩ و... .
- ٢٧- دلائل الصدق: ج ٢، ص ٨٢ و... .
- ٢٨- كتاب الخصال: ص ٥٥٠، ح ٣٠.
- ٢٩- علل الشرايع: ص ١٢٩ و... .
- ٣٠- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٨١ ح ٩.
- ٣١- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٥٦ و... .
- ٣٢- دقائق التأويل و حقائق التنزيل: ص ٤٦ و... .
- ٣٣- تاريخ الخلفاء: ص ١٦٩.

آيه ٦٨ - ص ٥٣

- ١- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٤٥٨.
- ٢- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٧٧.
- ٣- تفسير الصافي: ج ١، ص ٢٧١.
- ٤- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٩١ و... .
- ٥- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٣٥٣ و... .
- ٦- تفسير الميزان: ج ٣، ص ٢٧١ و... .
- ٧- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ١٢٨ و... .

۸- نهج البلاغه: ص ۸۸۹ نامه ۲۸.

ص: ۵۰۳

٩- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٤.

١٠- الاحتجاج: ج ١، ص.

آيه ٧٧ - ص ٥٣

١- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٧٨.

٢- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٩٣.

٣- تفسير كنزالدقائق: ج ٣، ص ١٣٧ و....

٤- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٣٥٦.

٥- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٠٦، ح ١٢.

آيه ٨١ - ص ٥٣

١- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٧٨.

٢- تفسير الميزان: ج ٣، ص ٣٥٩.

٣- تفسير كنزالدقائق: ج ١، ص ١٥٠.

٤- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٩٥.

٥- تفسير آلاء الرحمن: ج ١، ص ٣٠٦.

آيه ٨٣ - ص ٥٤

١- اثبا الهداة: ج ٧، ص ٩٦.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ٣، ص ١٥٤.

٣- تفسير برهان: ج ١، ص ٢٩٦.

٤- تفسير الصافي: ج ١، ص ٢٧٦.

٥- اسباب النزول: ص ٣٥.

آیه ۸۵ - ص ۵۵

۱- الاحتجاج: ج ۱، ص ۷۶.

آیه ۱۰۳ - ص ۵۸

۱- معانی الاخبار: ص ۱۳۲.

۲- تفسیر الدرّالمتثور: ج ۲، ص ۶۰.

۳- تفسیر المیزان: ج ۳، ص ۳۷۸ و...

۴- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۱۹۴.

۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۰۸.

۶- تفسیر نورالتقلین: ج ۱، ص ۳۷۷ و...

۷- تفسیر فرات الکوفی: ص ۱۵.

۸- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۲۸۵.

۹- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۴۶۶ و...

۱۰- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۳، ص ۱۲۹ و...

۱۱- تفسیر مجمع البیان: ج ۱، ص ۴۸۲ و...

۱۲- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۳۰۵ و...

۱۳- تفسیر جوامع الجامع: ص ۶۵.

۱۴- تفسیر آلاء الرّحمن: ج ۱، ص ۳۲۲ و...

۱۵- تفسیر منهج الصّادقین: ج ۲، ص ۲۹۱.

۱۶- تفسیر کنزالدقائق: ج ۳، ص ۱۸۵.

۱۷- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۱۶۹ و...

١٨- دلائل الصدق: ج ٢، ص ٢١٧ و....

ص: ٥٠٥

١٩- عليّ في الكتاب و السنّة : ج ١، ص ٧٤

و... .

٢٠- حق اليقين شُبر: ج ١، ص ١٤٩.

٢١- امالي الشيخ الطوسي: ج ١، ص ٢٧٨.

٢٢- خصائص الوحي المبين: ص ١٨٤.

٢٣- ينابيع المودّة: ص ١١٩، باب ٣٩ و ص ٢٧٤، باب ٥٨.

آيه ١١٠- ص ٥٩

١- تفسير برهان: ج ١، ص ٣٠٩.

٢- تفسير الميزان: ج ٣، ص ٣٨١.

٣- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٩٥.

٤- تفسير نورالتقلين: ج ١، ص ٣٨٢ و... .

٥- تفسير القمي: ج ١، ص ١١٠.

٦- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٣، ص ١٤٨.

٧- تفسير آلاء الرحمن: ج ١، ص ٣٣٠.

٨- تفسير جامع: ج ١، ص ٤٧٠ و... .

٩- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٢٨٩.

١٠- اسباب النزول: ص ٣٧.

آيه ١٢٢- ص ٦٢

١- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٤٩٧.

٢- تفسير القمي: ج ١، ص ١١٦.

٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٢، ص ٣٢٣ و....

ص: ٥٠٦

٤- تفسير جامع: ج ١، ص ٤٨١.

٥- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٣، ص ١٦٩ و... .

٦- تفسير الميزان: ج ٤، ص ١٢.

٧- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٧٤ و... .

٨- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٣٩ و... .

آيه ١٢٨ - ص ٦٣

١- تفسير العياشي: ج ١، ص ١٩٧.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٢١٧ و... .

٣- تفسير برهان: ج ١، ص ٣١٤.

٤- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٣٨٨.

٥- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٢٩٦.

٦- تفسير جامع: ج ١، ص ٤٩١ و... .

آيه ١٤٤ - ص ٦٣

١- الاحتجاج: ج ١، ص ٧٧.

٢- تفسير العياشي: ج ١، ص.

٣- تفسير برهان: ج ١، ص ٣١٩.

٤- تفسير مجمع البيان: ج ١، ص ٥١٤.

٥- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٢٣٨ و... .

٦- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٣٠٤ و... .

٧- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٤٠٠ و... .

٨- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٧٦.

٩- على في الكتاب السنة: ج ١، ص ٧٦ و....

آيه ١٥٧- ص ٦٤

١- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٢٤٩.

٢- تفسير برهان: ج ١، ص ٣٢٢ و....

٣- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٤٠٣ و....

٤- تفسير جامع: ج ١، ص ٥٠٢.

٥- تفسير الصافي: ج ١، ص ٣٠٩.

٦- معاني الاخبار: ص ١٦٧.

آيه ١٦٢- ص ٦٤

١- تفسير برهان: ج ١، ص ٣٢٤ و....

٢- تفسير جامع: ج ١، ص ٥٠٣.

٣- تفسير الصافي: ج ١، ص ٣١١.

٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٢٥٥ و....

٥- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٦، ح ٨٤.

آيه ١٧١- ص ٦٥

١- تفسير الصافي: ج ١، ص ٣١٣.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٢٦٦ و....

٣- تفسير برهان: ج ١، ص ٣٢٥.

٤- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٤١٠ و... .

٥- تفسير جامع: ج ١، ص ٥٠٣.

آيه ١٧٢ - ص ٦٥

١- تفسير الميزان: ج ٤، ص ٦٧.

٢- تفسير فرات الكوفى: ص ١٩ و ٢٠.

٣- تفسير برهان: ج ١، ص ٣٢٦.

٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١، ص ١٧٢ و... .

٥- اسباب النزول: ص ٤٤.

آيه ١٨٥ - ص ٦٦

١- تفسير الصافى: ج ١، ص ٣٩١.

آيه ١٩٥ - ص ٦٦

١- تفسير الصافى: ج ١، ص ٣٢٢.

٢- تفسير الميزان: ج ٤، ص ٩١.

٣- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٧٨ و... .

٤- اسباب النزول: ص ٤٦.

آيه ١٩٨ - ٢٠٠ - ص ٦٦

١- الاختصاص: ص ١٤٢.

٢- تفسير الميزان: ج ٤، ص ١٣٣.

ص: ٥٠٩

۳- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۳۳۴ و...

۴- تفسیر مجمع البیان: ج ۱، ص ۵۶۲.

۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۲۹.

۶- تفسیر نورالثقلین: ج ۱، ص ۴۲۶ و...

۷- تفسیر فرات الکوفی: ص ۲۰.

۸- تفسیر شُبر: ص ۱۰۷.

۹- تفسیر کنزالدقائق: ج ۳، ص ۳۰۳ و...

۱۰- تفسیر جامع: ج ۱، ص ۵۲۰ و...

۱۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۳۲۳.

۱۲- شواهد التّنزیل: ج ۱، ص ۱۷۹ و...

۱۳- اسباب التّزول: ص ۴۸.

۱۴- بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۵۱.

و کتاب های دیگر مانند: تفسیر عیاشی: ج ۱، تفسیر الدرالمثور، الاصول من الکافی و...

۴-سوره مبارکه ی نساء

آیه ۱ - ۳۶ - ص ۶۷

۱- تفسیر المیزان: ج ۴، ص ۳۵۷ و...

۲- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۳۶۹.

۳- تفسیر کنزالدقائق: ج ۳، ص ۴۰۱.

۴- اسباب التّزول: ص ۵۱.

ص: ۵۱۰

آیه ۴۱ - ص ۶۸

- ۱- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۱۴۶.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۳، ص ۴۰۹.
- ۳- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۳۶۹ و...
- ۴- تفسیر نورالثقلین: ج ۱، ص ۴۸۱ و...
- ۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۳۹.
- ۶- تفسیر آلاء الرحمن: ج ۲، ص ۱۱۴.

آیه ۴۷ - ص ۶۸

- ۱- الاختصاص: ص ۲۵۶.
- ۲- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۲۴۵ و...
- ۳- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۳۷۴.
- ۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۳، ص ۴۲۰ و...
- ۵- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۷.

آیه ۵۴ - ص ۶۸

- ۱- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۳۷۵.
- ۲- تفسیر المیزان: ج ۴، ص ۳۸۳ و...
- ۳- تفسیر جامع: ج ۲، ص ۷۷ و...
- ۴- تفسیر نورالثقلین: ج ۱، ص ۴۹۲ و...
- ۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۴۰.
- ۶- تفسیر منهج الصادقین: ج ۳، ص ۴۵.

- ٧- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٦١.
- ٨- تفسير فرات الكوفي: ص ٢٨.
- ٩- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٤٢٦ و... .
- ١٠- تفسير آلاء الرحمن: ج ٢، ص ١٤١ و... .
- ١١- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٦٠، ح ١ و ٢ و ٣ و ص ١٤٣.
- ١٢- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٨٣ و... .
- ١٣- اسباب النزول: ص ٥٣.
- ١٤- ينابيع المودة: ص ١٢١، باب ٣٩.

آيه ٥٨ - ص ٦٨

- ١- تفسير برهان: ج ١، ص ٣٧٩ و ٣٨٠.
- ٢- تفسير الميزان: ج ٤، ص ٣٨٥.
- ٣- تفسير القمي: ج ١، ص ١٤١.
- ٤- تفسير العياشي: ج ١، ص ٢٤٦ و... .
- ٥- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٤٣٥ و... .
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٣، ص ٥٠.
- ٧- تفسير الصافي: ج ١، ص ٣٦٢ و... .
- ٨- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٣، ص ٤١٩.
- ٩- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٤٩٥ و... .
- ١٠- تفسير التبيان: ج ٣، ص ٢٣٤.
- ١١- تفسير جوامع الجامع: ص ٨٩.

١٢- تفسير جامع: ج ٢، ص ٧٩.

ص: ٥١٢

١٣- تفسير الدر المنثور: ج ٢، ص ١٧٥.

١٤- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٢١٨.

١٥- معاني الاخبار: ص ١٠٧. باب معنى الامانات...، ح ١.

آيه ٥٩ - ص ٦٩

١- تفسير برهان: ج ١، ص ٣٨١ و... .

٢- تفسير الميزان: ج ٤، ص ٤٠٩ و... .

٣- تفسير التبيان: ج ٣، ص ٢٣٦.

٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٣، ص ٥٣ و... .

٥- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٣، ص ٤٢٠.

٦- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٦٤.

٧- تفسير جامع: ج ٢، ص ٨٠ و... .

٨- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٤٩٩ و... .

٩- تفسير فرات الكوفي: ص ٢٨.

١٠- تفسير القمي: ج ١، ص ١٤١.

١١- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٤٣٨ و... .

١٢- تفسير شبر: ص ١٤٥.

١٣- تفسير العياشي: ج ١، ص ٢٤٩.

١٤- تفسير الصافي: ج ١، ص ٣٦٥ و... .

١٥- نهج البلاغه: ص ٩٩٩.

١٦- نهج البلاغه: ص ٣٧٧، خطبه ١٢٥، اوائل خطبه.

١٧- اسباب النزول: ص ٥٣.

ص: ٥١٣

- ١٨- شواهد التنزيل: ج ١، ص ١٨٩ و... .
- ١٩- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٤٣.
- ٢٠- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ٨٢.
- ٢١- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ١٤ و... .
- ٢٢- الاحتجاج: ج ٢، ص ٢٣.
- ٢٣- دقائق التأويل و حقائق التنزيل: ص ٧٦ و... .
- ٢٤- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٧٩ و... .
- ٢٥- احقاق الحق: ج ٣، ص ٤٢٤.
- ٢٦- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٢٢٢، ح ٨.
- ٢٧- معانى الاخبار: ص ٣٩٤، ح ٤٥.
- ٢٨- علل الشرايع: ص ١٢٣، ح ١.
- ٢٩- الاحتجاج: ج ١، ص ٢٣٣ و... .
- ٣٠- ينابيع المودة: ص ٢١.
- ٣١- ينابيع المودة: ص ١١٤.

آيه ٦٩ - ص ٧١

- ١- تفسير برهان: ج ١، ص ٣٩٢.
- ٢- تفسير الميزان: ج ٤، ص ٤١٤.
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٧٢.
- ٤- تفسير الصافي: ج ١، ص ٣٧٠.
- ٥- تفسير القمي: ج ١، ص ١٤٢ و... .

٦- تفسير الكوفي: ص ٣٠.

ص: ٥١٤

٧- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٥١٤ و... .

٨- تفسير جامع: ج ٢، ص ٨٨ و... .

٩- تفسير شيخ ابو الفتوح: ج ٣، ص ٤٣٥ و... .

١٠- تفسير منهج الصادقين: ج ٣، ص ٦٦ و... .

١١- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٤٦٣ و... .

١٢- اسباب النزول: ص ٥٤.

١٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٩٦ و... .

١٤- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ١٥.

١٥- امالى الشيخ الطوسى: ج ٢، ص ٢٣٣ و ٢٣٤.

و كتاب هايبى مانند: اصول كافى، عيون اخبارالرضا، تفسير عياشى و... .

آيه ١٥٩- ص ٧٢

١- تفسير العياشى: ج ١، ص ٢٨٣ و...، ح ٣٠٠.

٢- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٤١١.

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ١٣٨.

٤- تفسير جوامع الجامع: ص ١٠١.

٥- تفسير فرات الكوفى: ص ٣٤.

٦- تفسير كنز الدقائق: ج ٣، ص ٥٨٤ و... .

٧- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٥٧١ و... .

٨- علىّ فى الكتاب و السنّه: ج ١، ص ١١٠.

آيه ١٦٥- ص ٧٢

١- تحف العقول: ص ٣٨٦.

ص: ٥١٥

آیه ۱۶۶- ص ۷۲

- ۱- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۲۸۵.
- ۲- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۵۹.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۴۱۴.
- ۵- تفسیر کنز الدقائق: ج ۳، ص ۵۹۲.

آیه ۱۶۸- ص ۷۲

- ۱- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۲۸۵.
- ۲- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۵۹.
- ۳- تفسیر المیزان: ج ۵، ص ۱۴۶.

آیه ۱۷۰- ص ۷۳

- ۱- تفسیر مجمع البیان: ج ۲، ص ۱۴۳.
- ۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۳، ص ۵۹۴.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۴۱۴.
- ۴- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۷.

آیه ۱۷۴- ص ۷۳

- ۱- تفسیر مجمع البیان: ج ۲، ص ۱۴۷.
- ۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۳، ص ۵۹۸.
- ۳- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۴، ص ۸۱.
- ۴- تفسیر منهج الصادقین: ج ۳، ص ۱۵۸.

۵- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۸.

۶- تفسیر جامع: ج ۲، ص ۱۴۴.

۷- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۵۹.

آیه ۱۷۵- ص ۷۳

۱- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۲۸۵.

۲- تفسیر منهج الصادقین: ج ۳، ص ۱۵۹.

۳- تفسیر کنز الدقائق: ج ۳، ص ۵۹۹.

۴- تفسیر جامع، ج ۲، ص ۱۴۵.

۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۵۹.

۵-سوره مبارکه ی مائده

آیه ۱- ۳- ص ۷۴

۱- الغدير: ج ۱، تمام جلد و تمام مجلدات از

۳۶۰ کتاب اهل سنت و صفحه هایی در جلد اول مانند ص ۲۳۳ ۲۳۲ و...زیادند.

۲- تفسیر المیزان: ج ۵، ص ۱۹۳ و ص ۲۰۰ و... .

۳- تفسیر مجمع البیان: ج ۲، ص ۱۵۹.

۴- تفسیر التّبیان: ج ۳، ص ۴۳۵ و... .

۵- تفسیر نور الثقلین: ج ۱، ص ۵۸۷ و... .

۶- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۱۶۲.

۷- تفسیر فرات الکوفی: ص ۳۶ و... .

ص: ۵۱۷

٨- تفسير جامع: ج ٢، ص ١٥٧ و... .

٩- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٤، ص ١٠٦ و... .

١٠- تفسير كنز الدقائق: ج ٤، ص ٣٢ و... .

١١- تفسير سُبر: ص ١٣٣.

١٢- تفسير جوامع الجامع: ص ١٠٤.

١٣- تفسير منهج الصادقين: ج ١٧٣ و... .

١٤- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٤٢١.

١٥- تفسير برهان: ج ١، ص ٤٣٥ و... .

١٦- تفسير العياشى: ج ١، ص ٢٩٣.

١٧- تفسير الدر المنثور: ج ٢، ص ٢٥٩.

١٨- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٢، ص

١٤.

١٩- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٠٠.

٢٠- اسباب النزول: ص ٦٢.

٢١- النور المشتعل: ص ٥٦.

٢٢- خصائص الوحي المبين: ص ٦١.

٢٣- امالى الشيخ الطوسى: ج ٢، ص ١٣١ و ١٣٢.

٢٤- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٢٣ و... .

٢٥- علل الشرايع: ص ٢٤٩.

٢٦- امالى شيخ الصدوق: ص ١٢٥، مجلس اول، ح ٢، و مجلس ٢٦، ح ٨.

٢٧- كتاب الخصال: ص ٤١٤، ح ٤.

٢٨- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ١٩٥، ح ١.

٢٩- مصباح المتجهد: ص ٦٧٩ و....

ص: ٥١٨

- ٣٠- تهذيب الاحكام: ج ٣، ص ١٤٥، ح ٣١٧.
- ٣١- مفاتيح الجنان: ص ٥٥٨ و...، اعمال عيد غدِير.
- ٣٢- الاحتجاج: ج ١، ص ٦٦ و... .
- ٣٣- التحصين: ص ٨٩.
- ٣٤- معانى الاخبار: ص ٦٧ و... .
- ٣٥- روضة الواعظين: ج ١، ص ٨٩.
- ٣٦- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٨٦ و... .
- ٣٧- بحار الانوار: ج ٣٧، ص ١٠٨ و... .
- ٣٩- ينابيع المودّة: ص ٣١.
- ٤٠- فرائد السمطين: ج ١، ص ٨٢ و... .
- ٤١- كتاب هايى مانند: كشف الغمّة فى معرفة الائمّة، مفتاح النّجا و... .

آيه ٥ - ١٣ - ١٤ - ص ٧٦

- ١- تفسير كنز الدّقائق: ج ٤، ص ٤٥.
- ٢- تفسير برهان: ج ١، ص ٤٤٩ و... .
- ٣- تفسير العياشى: ج ١، ص ٢٩٧.
- ٤- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٤٢٤.
- ٥- تفسير الميزان: ج ٥، ص ٢١٨.
- ٦- بصائر الدّرجات: ص ٩٩.

آيه ١٦ - ٣٥ - ص ٧٧

- ١- تفسير الميزان: ج ٥، ص ٣٣٣.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ٤، ص ١٠٤.

٣- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٤٤٠.

٤- تفسير القمي: ج ١، ص ١٦٨.

٥- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٦٢٦ و... .

٦- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ١٨٩.

٧- عيون اخبار الرضا: ج ٢، ص ٦٣، ح ٢١٧.

٨- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٧٥.

آيه ٥٤ - ص ٧٧

١- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٢٠٨.

٢- تفسير الميزان: ج ٥، ص ٣٨٨.

٣- تفسير كنزالدقائق: ج ٤، ص ١٤١ و... .

٤- تفسير برهان: ج ١، ص ٤٧٩.

٥- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٦٤١.

٦- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٤٤٨ و... .

٧- تفسير القمي: ج ١، ص ١٧٠.

٨- تفسير العياشي: ج ١، ص ٣٢٧.

٩- اسباب النزول: ص ٦٥ و... .

آيه ٥٥ - ص ٧٨

١- تفسير برهان: ج ١، ص ٤٨٠.

٢- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٢١٠.

- ٣- تفسير الميزان: تج ٦٥، ص ٢٢.
- ٤- تفسير القمى: ج ١، ص ١٧٠.
- ٥- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٤٥٠ و... .
- ٦- تفسير العياشى: ج ١، ص ٣٢٧ و... .
- ٧- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ٤، ص ٢٤٥ و... .
- ٨- تفسير فرات الكوفى: ص ٣٧.
- ٩- تفسير جامع: ج ٢، ص ٢٢٦ و... .
- ١٠- تفسير التّبيان: ج ٣، ص ٥٥١ و... .
- ١١- تفسير منهج الصّادقين: ج ٣، ص ٢٥٥ و... .
- ١٢- تفسير كنز الدّقائق: ج ٤، ص ١٤٤ و... .
- ١٣- تفسير الدرّالمنثور: ج ٢، ص ٢٩٣.
- ١٤- شواهد التّنزيل: ج ١، ص ٢٠٩ و... .
- ١٥- اسباب التّزول: ص ٦٦.
- ١٦- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٥.
- ١٧- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ٤٤ و... .
- ١٨- علىّ فى الكتاب و السّنة: ج ١، ص ٩٢ و... .
- ١٩- الاختصاص: ص ٢٧٧.
- ٢٠- الاحتجاج: ج ١، ص ٤٣ و ١٦٢.
- ٢١- الغدير: ج ٢، ص ١٥٦.
- ٢٢- خصائص الوحى المبين: ص ٣٦.

٢٣- النورالمشعل: ص ٦١.

٢٤- تاريخ ابن عساكر: ج ٢، ص ٤٠٩.

ص: ٥٢١

٢٥- فرائد السّمطين: ج ١، ص ١٩٠، ح ١٥٠.

٢٦- المناقب الخوارزمي: ٢٦٤، ح ٢٤٦.

آيه ٥٦ - ص ٧٩

- ١- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٤٥٢.
- ٢- تفسير برهان: ج ١، ص ٤٨٥.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٤، ص ١٥٥ و....
- ٤- تفسير جامع: ج ٢، ص ٢٣١ و....
- ٥- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٤٦ و....
- ٦- المناقب الخوارزمي: ص ٢٦٥، ح ٢٤٦.

آيه ٦٧ - ص ٧٩

- ١- تفسير العياشي: ج ١، ص ٣٣١ و....
- ٢- تفسير الميزان: ج ٦، ص ٥٥.
- ٣- تفسير جوامع الجامع: ص ١١٤.
- ٤- تفسير شُبر: ص ١٤٣.
- ٥- تفسير فرات الكوفي: ص ٣٨ و....
- ٦- تفسير كنز الدقائق: ج ٤، ص ١٦٧ و....
- ٧- تفسير القمي: ج ١، ص ١٧١.
- ٨- تفسير جامع: ج ٢، ص ٢٣٦ و....
- ٩- تفسير منهج الصادقين: ج ٣، ص ٢٧٣ و....
- ١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازي: ج ٤، ص ٢٧٤ و....

۱۱- تفسیر نورالثقلین: ج ۱، ص ۶۵۲ و....

۱۲- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۴۵۶ و....

۱۳- تفسیر مجمع البیان: ج ۲، ص ۲۲۳.

۱۴- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۲۸۸ و....

۱۵- تفسیر الدر المنثور: ج ۲، ص ۲۹۸.

۱۶- تفسیر المنار: ج ۶، ص ۴۶۳.

۱۷- تفسیر کبیر فخررازی: ج ۱۲، ص ۴۹ و مورد دهم.

۱۸- اسباب النزول: ص ۶۸.

۱۹- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۲۴۹.

۲۰- علیّ فی الكتاب و السنه: ج ۱، ص ۸۳ و....

۲۱- احقاق الحق: ج ۳، ص ۳۲۰ و....

۲۲- الغدیر: ج ۱، ص ۲۱۸.

۲۳- الاحتجاج: ج ۱، ص ۱۶۰.

۲۴- ینایع المودّه: ص ۱۲۰.

۲۵- النور المشتعل: ص ۸۶ و کتاب های دیگر....

آیه ۷۰ - ۸۷ - ۸۸ - ۹۰ - ۱۱۴ - ص ۸۱

۱- تفسیر نورالثقلین: ج ۱، ص ۶۶۴ و....

۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۴، ص ۲۱۲ و....

۳- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۴۸۱ و....

۴- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۴۹۴.

٥- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٥٩ و....

٦- الاحتجاج: ج ١، ص ٤٠٧.

ص: ٥٢٣

٦- سورة مبارکه ی انعام

آیه ١ - ٢ - ١٩ - ص ٨٣

١- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ١٩٠.

٢- تفسیر العیاشی: ج ١، ص ٣٥٦.

٣- تفسیر المیزان: ج ٧، ص ٤٢.

٤- تفسیر الصّافی: ج ١، ص ٥١٠.

٥- تفسیر جامع: ج ٢، ص ٢٩٦.

آیه ٤٤ - ص ٨٣

١- تفسیر الصّافی: ج ١، ص ٥١٧.

٢- تفسیر القمی: ج ١، ص ٢٠٠.

٣- تفسیر برهان: ج ١، ص ٥٢٥ و....

٤- تفسیر نور الثقلین: ج ١، ص ٧١٨ و....

٥- تفسیر جامع: ج ٢، ص ٣٠٨.

آیه ٥٤ - ٥٩ - ص ٨٤-٨٣

١- تفسیر فرات الکوفی: ص ٤٢.

٢- تفسیر نور الثقلین: ج ١، ص ٧٢٢، ح ٩٧.

٣- تفسیر الصّافی: ج ١، ص ٥١٩.

٤- تفسیر کنز الدقائق: ج ٤، ص ٣٣٩.

٥- تفسیر برهان: ج ١، ص ٥٢٧، ح ٧.

آیه ۱۲۲- ص ۸۶

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۵۴۳.
- ۲- تفسیر نورالتّقلین: ج ۱، ص ۷۶۴ و... .
- ۳- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۵۵۲.
- ۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۴، ص ۴۳۹ و... .
- ۵- اصول کافی: ج ۱، المناقب آل ابی طالب و... .

آیه ۱۴۹- ص ۸۶

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۵۵۵.
- ۲- تفسیر نورالتّقلین: ج ۱، ص ۷۷۶.
- ۳- تفسیر برهان: ج ۱، ص ۵۶۰ و... .
- ۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۴، ص ۴۷۳ و... .
- ۵- تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۲۲.
- ۶- الاحتجاج: ج ۱، ص ۷۸.

آیه ۱۵۳- ص ۸۶

- ۱- تفسیر کنز الدقائق: ج ۴، ص ۴۸۲ و... .
- ۲- تفسیر فرات الکوفی: ص ۴۳.
- ۳- تفسیر البلابل القلاقل: ج ۱، ص ۴۴۳.
- ۴- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۵۵۷.
- ۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۲۲۱.
- ۶- تفسیر جامع: ج ۲، ص ۳۷۵ و... .

- ٧- تفسير برهان: ج ١، ص ٥٦٣.
- ٨- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٧٧٨ و... .
- ٩- تفسير العياشي: ج ١، ص ٣٨٤.
- ١٠- تفسير الميزان: ج ٧، ص ٣٨٥.
- ١١- الاحتجاج: ج ١، ص ٧٨.
- ١٢- ينابيع المودة: ص ١١١.

آيه ١٥٨ - ص ٨٧

- ١- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٥٥٩.
- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٤، ص ٤٩٤ و... .
- ٣- تفسير برهان: ج ١، ص ٥٦٤.

آيه ١٥٩ - ص ٨٨

- ١- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٥٦١.
- ٢- تفسير برهان: ج ١، ص ٥٦٥.
- ٣- تفسير نورالثقلين: ج ١، ص ٧٨٢ و... .
- ٤- تفسير العياشي: ج ١، ص ٣٨٥.

آيه ١٦٠ - ص ٨٨

- ١- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٥٦٢.
- ٢- تفسير فرات الكوفي: ص ٤٥.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٤، ص ٤٩٩.

٤- تفسير برهان: ج ١، ص ٥٦٦ و....

٥- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٧٨٣ و....

آيه ١٦٤ - ص ٨٩

١- تفسير برهان: ج ١، ص ٥٦٨.

٧-سوره مبارکه ی اعراف

آيه ٤٣ - ص ٩٠

١- تفسير الصافي: ج ١، ص ٥٧٨.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٨٨ و....

٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٦.

٤- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٣١.

٥- تفسير جامع: ج ٢، ص ٤٠٧ و....

٦- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ٥، ص ١٦١.

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٢٩.

٨- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٦، ح ٣٣.

٩- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٦٨.

١٠- ينابيع المودة: ص ١٠٢.

آيه ٤٤ - ص ٩٠

١- معاني الاخبار: ص ٢٩٨.

ص: ٥٢٧

- ٢- تفسير الميزان: ج ٨، ص ١٤٠.
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٤٢٢.
- ٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٩٠ و... .
- ٥- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٦ و... .
- ٦- تفسير القمى: ج ١، ص ٢٣١.
- ٧- تفسير فرات الكوفى: ص ٤٧.
- ٨- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٥٧٨.
- ٩- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ٥، ص ١٦٢.
- ١٠- تفسير جامع: ج ٢، ص ٤٠٨ و... .
- ١١- تفسير نورالتقلين: ج ٢، ص ٣٢ و... .
- ١٢- تفسير العياشى: ج ٢، ص ١٦ و... .
- ١٣- علىّ فى الكتاب و السنّة: ج ١، ص ١٠٩ و... .
- ١٤- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ١٨٢ و... .
- ١٥- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٥٢، ح ٧٠.
- ١٦- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٦٩.
- ١٧- كشف الغمّة فى معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٢١.

آيه ٤٦ - ص ٩٠

- ١- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٤٢٣.
- ٢- تفسير الميزان: ج ٨، ص ١٤٤.
- ٣- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٥٧٩.

٤- تفسير كنزالدقائق: ج ٥، ص ٩٢ و... .

ص: ٥٢٨

٥- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٥، ص ١٦٩.

٦- تفسير جامع: ج ٢، ص ٤١٠ و....

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٣٣.

٨- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٧ و....

٩- تفسير القمى: ج ١، ص ٢٣١ و....

١٠- تفسير فرات الكوفى: ص ٤٧.

١١- تفسير العياشى: ج ٢، ص ١٨ و....

١٢- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٣٢ و....

١٣- تفسير جوامع الجامع: ص ١٤٦.

١٤- تفسير التبيان: ج ٤، ص ٤١١ و....

١٥- الاصول من الكافى: ج ١، ص ١٤١، ح ٩.

١٦- الاحتجاج: ج ١، ص ٣٣٨ و....

١٧- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٦٣ و....

١٨- ينابيع المودة: ص ١٠٢، باب ٢٩.

آيه ١٠٢- ص ٩٢

١- تفسير الصافى: ج ١، ص ٦٠٠.

٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٦.

٣- تفسير العياشى: ج ٢، ص ٢٣، ح ٥٩.

٤- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٠٣.

آيه ١٠٨- ص ٩٢

١- تفسير الصافي: ج ١، ص ٦٢٨.

ص: ٥٢٩

- ٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٥٢.
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٥٠٣.
- ٤- تفسير الميزان: ج ٨، ص ٣٦٧ و... .
- ٥- تفسير جامع: ج ٢، ص ٤٨٩ و... .
- ٦- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٤٢.
- ٧- تفسير القمي: ج ١، ص ٢٤٩.
- ٨- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٢٥١ و... .
- ٩- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ١٠٤.
- ١٠- تفسير جوامع الجامع: ص ١٦١.
- ١١- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١١١، باب النوادر، ح ٤.
- ١٢- الاختصاص: ص ٢٥٢.

آيه ١٨١- ص ٩٣

- ١- تفسير الصافي: ج ١، ص ٦٢٨.
- ٢- تفسير القمي: ج ١، ص ٢٤٩.
- ٣- تفسير جامع: ج ٢، ص ٤٩٠ و... .
- ٤- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٤٢.
- ٥- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ١٠٤ و... .
- ٦- تفسير برهان: ج ٢، ص ٥٢ و... .
- ٧- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٢٥٣ و... .
- ٨- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٣، ح ١٣.

٩- علّی فی الکتاب السنّة: ج ١١١ و... .

ص: ٥٣٠

١٠- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٨٤ و... .

١١- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٦٩.

١٢- احقاق الحق: ج ٣، ص ٤١٣.

١٣- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١٨٦ و... .

١٤- ينابيع المودة: ص ١٠٩.

٨- سورة مبارکه ی انفال

آیه ١ - ص ٩٣

١- وسائل الشيعة: ج ٦، ص ٣٦٤ الى ٣٦٧.

٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٥٦ و... .

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٢٧٨ و... .

٤- تفسير القمي: ج ١، ص ٢٥٥.

٥- تفسير جامع: ج ٣، ص ٦ و... .

٦- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٥، ص ٣٦٧.

٧- تفسير فرات الكوفي: ص ٥٦ و... .

٨- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٤٨ و... .

٩- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ١٦١ و... .

١٠- تفسير الصافي: ج ١، ص ٦٣٦ و... .

١١- تفسير جوامع الجامع: ص ١٦٤.

١٢- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ١١٩ و... .

١٣- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٤٥٣، باب الفی و الانفال، ح ٣.

١٤- تهذيب الاحكام: ج ٤، ص ١٣٤.

ص: ٥٣١

آیه ۹ - ص ۹۴

- ۱- تفسیر المیزان: ج ۹، ص ۳۳.
- ۲- تفسیر مجمع البیان: ج ۲، ص ۵۲۷ و... .
- ۳- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۲۸ و... .

آیه ۱۷ - ۲۴ - ص ۹۵

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۶۵۵.
- ۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۵، ص ۳۱۵ و... .
- ۳- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۷۱.
- ۴- تفسیر نور الثقلین: ص ۲، ص ۱۴۱.
- ۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۲۷۱.
- ۶- تفسیر المیزان: ج ۹، ص ۶۱.
- ۷- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۳۲.
- ۸- الرّوضه من الکافی: المجلّد الثّانی، ص ۵۹، ح ۳۴۹.

آیه ۲۵ - ص ۹۶

- ۱- تفسیر مجمع البیان: ج ۲، ص ۵۳۴.
- ۲- تفسیر منهج الصّادقین: ج ۴، ص ۱۸۱.
- ۳- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۳۳.
- ۴- تفسیر نور الثقلین: ج ۲، ص ۱۴۳.
- ۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۲۷۱.
- ۶- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۷۲.

٧- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٥٣، ح ٤٠.

٨- كشف الاسرار و عُده الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري: ج ٤، ص ٣٤ و... .

٩- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٧١ و... .

١٠- عليّ في الكتاب و السنه: ج ١، ص ١١٥ و... .

آيه ٣٠ - ص ٩٧

١- تفسير الدر المنثور: ج ٣، ص ١٧٩ و ١٨٠.

٢- تفسير الميزان: ج ٩، ص ٧٧.

٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ٧٤ و... .

٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٣٢٩ و... .

٥- تفسير القمي: ج ١، ص ٢٧٥ و... .

٦- تفسير شيخ الوالفتوح رازي: ج ٥، ص ٣٩٩ و... .

٧- تفسير جامع: ج ٣، ص ٤٢ و... .

٨- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ١٤٩ و... .

٩- تفسير الصافي: ج ١، ص ٦٥٩ و... .

١٠- التفسير الكبير، فخر رازي: ج ١٥، ص ١٥٥.

١١- تفسير القرآن العظيم: ابن اثير ج ٢، ص ٣٠٢ و... .

١٢- تفسير الكشاف: ج ٢، ص ٢١٥.

١٣- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٢٧٧ و... .

آيه ٤٠ - ص ٩٨

١- تفسير مجمع البيان: ج ٢، ص ٥٣٤.

٢- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٦٦٧.

ص: ٥٣٣

- ۱- وسائل الشیعة: ج ۶، ص ۳۷۵.
- ۲- تفسیر المیزان: ج ۹، ص ۱۰۴ و....
- ۳- تفسیر کنز الدقائق: ج ۵، ص ۳۴۳ و....
- ۴- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۸۳ و....
- ۵- تفسیر مجمع البیان: ج ۲، ص ۵۴۳ و....
- ۶- تفسیر جوامع الجامع: ص ۱۶۹.
- ۷- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۶۲ و....
- ۸- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۲۷۸.
- ۹- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۵، ص ۴۱۳ و....
- ۱۰- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۵۴ و....
- ۱۱- تفسیر نور الثقلین: ج ۲، ص ۱۵۵ و....
- ۱۲- تفسیر منهج الصادقین: ج ۴، ص ۱۹۴.
- ۱۳- تفسیر الصافی: ج ۱، ص ۶۶۷ و....
- ۱۴- تفسیر التبیان: ج ۵، ص ۱۲۳ و....
- ۱۵- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۲۸۵ و....
- ۱۶- تهذیب احکام: ج ۴، ص ۱۲۶، ح ۳۶۲.
- ۱۷- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۱۲، و ص ۴۵۳، باب الفی و الانفال ح ۱۲۳۴ و ۷.
- ۱۸- عوالی اللیالی: ج ۲، ص ۷۵، ح ۲۰۱ و....
- ۱۹- عیون الاخبار الرضا: ج ۱، ص ۲۱۴ و....

آیه ۶۲- ص ۹۸

- ۱- ینابیع المودّة: ص ۹۴.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۹۱ و... .
- ۳- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۶۶ و... .
- ۴- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۵، ص ۴۳۶.
- ۵- تفسیر کنزالدقائق: ج ۵، ص ۳۶۶.
- ۶- تفسیر الدرّالمنثور: ج ۲، ص ۱۹۹.
- ۷- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۲۹۲ و... .
- ۸- اسباب النزول: ص ۸۵.
- ۹- علیّ فی الكتاب و السنّه: ج ۱، ص ۱۱۸ و... .
- ۱۰- دلائل الصّدق: ج ۲، ص ۱۱۹ و... .
- ۱۱- احقاق الحق: ج ۳، ص ۱۹۵ و... .
- ۱۲- تاریخ ابن عساکر: ج ۲، ص ۴۱۹.
- ۱۳- فرائد السّمطین: ج ۱، ص ۲۳۶ و... .
- ۱۵- الثّورالمشتعل: ص ۸۹.

آیه ۶۴- ص ۹۸

- ۱- الاحتجاج: ج ۱، ص ۱۹۸.
- ۲- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۶۷ و... .
- ۳- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۹۲.
- ۴- تفسیر منهج الصّادقین: ج ۴، ص ۲۰۷.

٥- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٣٦٨.

ص: ٥٣٥

- ٦- اسباب النزول: ص ٨٦.
- ٧- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٠١ و....
- ٨- علىّ في الكتاب السنّة: ج ١، ص ١٢١.
- ٩- احقاق الحق: ج ٣، ص ١٩٦ و....
- ١٠- النور المشتعل: ص ٩٢.
- ١١- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ١٣٣.
- ١٢- خصائص الوحي المبين: ص ١٧٩ و....

آيه ٧٥ - ص ٩٩

- ١- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٦٧٩.
- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٢، ص ١٧١ و....
- ٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ٩٨ و....
- ٤- تفسير جامع: ج ٣، ص ٧٤ و....
- ٥- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٧٠ و....
- ٦- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٣٧٩ و....
- ٧- اسباب النزول: ص ٨٨.
- ٨- نهج البلاغه: ص ٨٨٩، نامه ٢٨، فراز ١٥.
- ٩- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ١٢٢.
- ١٠- الاحتجاج: ج ١، ص ٢٣٤ و....
- ١١- احقاق الحق: ج ١٣، ص ٤١٩ و....

آیات ١ - ٢ - ٣ - ص ٩٩ و ١٠٠

- ١- تفسیر مجمع البیان: ج ٣، ص ٣.
- ٢- تفسیر برهان: ج ٢، ص ١٠٠ و....
- ٣- تفسیر جامع: ج ٣، ص ٨٠ و....
- ٤- تفسیر جوامع الجامع: ص ١٧٣.
- ٥- تفسیر کنز الدقائق: ج ٥، ص ٣٩٠ و....
- ٦- تفسیر المیزان: ج ٩، ص ١٦٢ و....
- ٧- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ٥، ص ٤٥٣ و....
- ٨- تفسیر منهج الصادقین: ج ٤، ص ٢٢٠ و....
- ٩- تفسیر نورالثقلین: ج ٢، ص ١٨٠ و....
- ١٠- تفسیر القمی: ج ١، ص ٢٨٢ و....
- ١١- تفسیر الصّافی: ج ١، ص ٦٨١ و....
- ١٢- تفسیر العیاشی: ج ٢، ص ٧٤ و....
- ١٣- تفسیر التّیان: ج ٥، ص ١٦٩ و....
- ١٤- شواهد التّنزیل: ج ١، ص ٣٠٤ و....
- ١٥- علیّ فی الكتاب و السنّه: ج ١، ص ١٢٣ و....
- ١٦- احقاق الحق: ج ٣، ص ٤٢٧.
- ١٧- امالی الشّیخ الطّوسی: ج ١، ص ٣٦١.
- ١٨- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ١٩٣.

١٩- كتاب الخصال: ص ٣١١.

ص: ٥٣٧

٢٠- معانى الاخبار: ص ٢٩٧.

٢١- التور المشتعل: ص ٩٤.

٢٢- ينابيع المودّة: ص ١٠١.

آيه ١٩- ص ١٠٠

١- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٤١٦ و....

٢- تفسير التبيان: ج ٥، ص ١٩٠.

٣- تفسير فرات الكوفى: ص ٥٢ و ٥٤ و....

٤- تفسير العياشى: ج ٢، ص ٧٦ و....

٥- تفسير جامع: ج ٣٠، ص ٩٠ و....

٦- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٦٨٨.

٧- تفسير القمى: ج ١، ص ٢٨٢.

٨- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ١٩٣ و....

٩- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٢٣٣ و....

١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ٥، ص ٤٧١ و....

١١- تفسير برهان: ج ٢، ص ١١٠.

١٢- تفسير الميزان: ج ٩، ص ٢١٠.

١٣- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ١٥.

١٤- تفسير الدر المنثور: ج ٣، ص ٢٢٢.

١٥- حديقّة الشّيعه: ص ٦٨.

١٦- كشف الغمّة فى معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣١٢.

١٧- النور المشتعل: ص ٩٨.

ص: ٥٣٨

١٨- ينابيع المودة: ص ٩٣.

١٩- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٢٠ و... .

٢٠- اسباب النزول: ص ٨٨ و... .

آيه ٢٠ - ص ١٠٠

١- حديقته الشيعه: ص ٧٠.

٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٢٣٣.

٣- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٥، ص ٤٧٢.

٤- تفسير الصافي: ج ١، ص ٦٨٩.

٥- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٨٣.

٦- تفسير القمي: ج ١، ص ٢٨٤.

آيه ٢١ - ٢٢ - ص ١٠٠ و ١٠١

١- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٤٢٠.

آيه ٢٣ - ص ١٠١

١- تفسير برهان: ج ٢، ص ١١١.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٤٢٠.

٣- دقائق التأويل و حقائق التنزيل: ص ٢٢٨ و... .

آيه ٣٢ - ص ١٠١

١- تفسير الصافي: ج ١، ص ٦٩٦.

- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٢، ص ٢١٠.
- ٣- تفسير كنزالدقائق: ج ٥، ص ٤٤٣ و... .
- ٤- كتاب الغيبة: ص ٤٦ و ١٠٢.
- ٥- الاحتجاج: ج ١، ص ٣٧٦.
- ٦- كمال الدين و تمام التعمه: ص ٣٥٤.
- ٧- ينابيع الموده: ص ١١٧.

آيه ٣٣ - ص ١٠١

- ١- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٢١.
- ٢- تفسير كنزالدقائق: ج ٥، ص ٤٤٥ و... .
- ٣- تفسير جامع: ج ٣، ص ١١١.
- ٤- تفسير العياشى: ج ٢، ص ٨٧.
- ٥- تفسير نورالثقلين: ج ٢، ص ٢١١.
- ٦- تفسير الميزان: ج ٩، ص ٢٥٥.
- ٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٦، ص ١٦.
- ٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٢٥١.
- ٩- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٢٥.
- ١٠- تفسير الصافى: ج ١، ص ٦٩٧.

آيه ٣٦ - ٧٠ - ص ١٠١

- ١- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٢٣.
- ٢- تفسير الميزان: ج ٩، ص ٢٧٣.

٣- تفسير نورالثقلين: ج ٢، ص ٢١٥.

ص: ٥٤٠

آیه ۷۱ - ۷۲ - ۱۰۰ - ۱۰۵ - ص ۱۰۲

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۱۵۴.
- ۲- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۳۰۳.
- ۳- تفسیر نورالتقلین: ج ۲، ص ۲۵۵ و....
- ۴- تفسیر المیزان: ج ۹، ص ۳۸۱.
- ۵- تفسیر کنزالدقائق: ج ۵، ص ۵۲۵.
- ۶- تفسیر منهج الصادقین: ج ۴، ص ۳۰۷ و....
- ۷- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۶، ص ۹۵ و....
- ۸- تفسیر مجمع البیان: ج ۳، ص ۶۵.
- ۹- اسباب النزول: ص ۹۴.
- ۱۰- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۳۳۴ و....
- ۱۱- دلائل الصدق: ج ۲، ص ۱۷۸ و....
- ۱۲- كشف الغمّة فی معرفه الائمه: ج ۱، ص ۳۲۰.
- ۱۳- خصائص الوحي المبین: ص ۱۲۷.

آیه ۱۰۵ - ۱۱۹ - ص ۱۰۳ - ۱۰۲

- ۱- الاصول من الكافی: ج ۱، ص ۱۷۱.
- ۲- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۱۰۹ و....
- ۳- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۱۵۴.
- ۴- تفسیر نورالتقلین: ج ۲، ص ۲۶۲ و....
- ۵- تفسیر منهج الصادقین: ج ۴، ص ۳۱۴.

٦- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٧٢٧.

٧- تفسير كنز الدقائق: ج ٥، ص ٥٣٦ و... .

ص: ٥٤١

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۱۷۰.
- ۲- تفسیر شُبر: ص ۲۱۴.
- ۳- تفسیر جوامع الجامع: ص ۱۸۸.
- ۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۵، ص ۵۶۹ و....
- ۵- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۱۷۷ و....
- ۶- تفسیر التّیان: ج ۵، ص ۳۱۸.
- ۷- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۷۳۹.
- ۸- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۳۰۷.
- ۹- تفسیر نورالتّقلین: ج ۲، ص ۲۸۱ و....
- ۱۰- تفسیر منهج الصّادقین: ج ۴، ص ۳۲۹ و....
- ۱۱- تفسیر مجمع البیان: ج ۳، ص ۸۱.
- ۱۲- تفسیر المیزان: ج ۹، ص ۴۰۸.
- ۱۳- تفسیر الدر المنثور: ج ۳، ص ۲۹۰.
- ۱۴- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۲.
- ۱۵- کمال الدّین و تمام النّعمه: ص ۲۷۸.
- ۱۶- معانی الاخبار: ص ۵۱.
- ۱۷- امالی الشّیخ الطّوسی: ج ۱، ص ۲۶۱.
- ۱۸- شواهد التّنزیل: ج ۱، ص ۳۴۱ و....
- ۱۹- حدیقه الشّیعه: ص ۸۶.

٢٠- فرائد السّمطين: ج ١، ص ٦٨.

٢١- المناقب الخوارزمي: ص ٢٨٠، ح ٢٧٣.

ص: ٥٤٢

٢٢- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ٦، ص ١٣٨.

٢٣- التورالمشعل: ص ١٠٢.

٢٤- خصائص الوحي المبين: ص ٢٣٧.

٢٥- ينابيع المودّة: ص ١١٩.

١٠-سوره مبارکه ی یونس

آیه ١٥- ص ١٠٥

١- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٨٠.

٢- تفسير نورالثقلين: ج ٢، ص ٢٩٦ و....

٣- تفسير كنزالدقائق: ج ٦، ص ٣٨.

٤- تفسير العياشى: ج ٣، ص ١٢٠، ح ١٠.

آیه ٢٥- ص ١٠٥

١- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٧٤.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ٦، ص ٤٨ و....

٣- تفسير الميزان: ج ١٠، ص ٤١.

٤- تفسير القمى: ج ١، ص ٣١١.

٥- تفسير نورالثقلين: ج ٢، ص ٣٠٠ و....

٦- تفسير جامع: ج ٣، ص ٢٠٤.

٧- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٧٥٠.

٨- تفسير فرات الكوفى: ص ٦١.

- ٩- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٨٣.
- ١٠- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ١٠٣.
- ١١- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٤٦ و....
- ١٢- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ١٣٨ و....
- ١٣- معانى الاخبار: ص ١٧٦، ح ١.

آيه ٣٥ - ص ١٠٥

- ١- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ١٤٠.
- ٢- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٧٥٢.
- ٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٨٥.
- ٤- تفسير البلابل القلاقل: ج ٢، ص ١٢٦.
- ٥- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ٥٦ و....
- ٦- تفسير جامع: ج ٣، ص ٢٠٨ و....
- ٧- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٣٠٣ و....
- ٨- تفسير القمى: ج ١، ص ٣١٢.
- ٩- تفسير العياشى: ج ٢، ص ١٢٢، ح ١٨.
- ١٠- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٤٩.

آيه ٥٨ - ص ١٠٥

- ١- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٨٨.
- ٢- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ١١٦.
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٣٧٢.

- ٤- تفسير البلايل القلاقل: ج ٢، ص ١٤٣ و... .
- ٥- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٦، ص ٢٠٠.
- ٦- تفسير القمى: ج ١، ص ٣١٣.
- ٧- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٣٠٧ و... .
- ٨- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٧٥٦.
- ٩- تفسير فرات الكوفى: ص ٦٢.
- ١٠- تفسير التّبيان: ج ٥، ص ٣٩٧.
- ١١- تفسير جوامع الجامع: ص ١٩٥.
- ١٢- شواهد التّنزيل: ج ١، ص ٣٥٢ و... .
- ١٣- علىّ فى الكتاب و السّنة: ج ١، ص ١٤٢ و... .
- ١٤- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٥٠، ح ٥٥.
- ١٥- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٤٧.

آيه ٦٢ - ص ١٠٥

- ١- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٧٥٧.
- ٢- تفسير كنز الدّقائق: ج ٦، ص ٧٢ و... .
- ٣- تفسير ابو الفتوح رازى: ج ٦، ص ٢٠٢ و... .
- ٤- تفسير منهج الصّادقين: ج ٤، ص ٣٧٤ و... .
- ٥- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٣٠٩.
- ٦- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٩٠ و... .
- ٧- تفسير العياشى: ج ٢، ص ١٢٤، ح ٣٠.

٨- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ١٢٠.

ص: ٥٤٥

٩- الاصول من الكافي: ج ٢، ص ١٨٦، ح ٢٥.

١٠- كمال الدين و اتمام النعمة: ص ٣٥٧، ح ٥٧.

١١- كتاب الخصال: ص ٢١٠، ح ٣١ و... .

١٢- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٥٤.

آيه ٦٣- ص ١٠٦

١- تفسير الصافي: ج ١، ص ٧٥٧.

٢- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ١٢١.

٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٩٠ و... .

٤- تفسير العياشي: ج ٢، ص ١٢٤، ح ٣٢.

٥- تفسير الميزان: ج ١٠، ص ٩٨.

٦- تفسير نورالتقلين: ج ٢، ص ٣٠٩.

٧- تفسير جامع: ج ٣، ص ٢١٩.

٨- تفسير كنزالدقائق: ج ٦، ص ٧٣.

آيه ٦٤- ص ١٠٦

١- تفسير الصافي: ج ١، ص ٧٥٧ و... .

٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٩٠ و ١٩١.

٣- تفسير الميزان: ج ١٠، ص ٩٩.

٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٣٧٥ و... .

٥- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٦، ص ٢٠٣ و... .

٦- تفسير نورالتقلين: ج ٢، ص ٣١٠.

- ٧- تفسير القمى: ج ١، ص ٣١٤.
- ٨- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ٧٤ و... .
- ٩- تفسير العياشى: ج ٢، ص ١٢٦.
- ١٠- تفسير جامع: ج ٣، ص ٢١٩.

آيه ٩٤ - ص ١٠٦

- ١- تفسير برهان: ج ٢، ص ١٩٨.
- ٢- تفسير القمى: ج ١، ص ٣١٧.
- ٣- تفسير جامع: ج ٣، ص ٢٣٤ و... .
- ٤- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٣١٩ و... .
- ٥- تفسير الصافى: ج ١، ص ٧٦٦ و... .

١١-سوره مبارکه ی هود

آيه ١ - ٣ - ص ١٠٧

- ١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٠٦.
- ٢- تفسير الصافى: ج ١، ص ٧٧٧.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ١٢١.
- ٤- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٢١.
- ٥- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٥٥.
- ٦- على فى الكتاب و السنه: ج ١، ص ١٤٥.
- ٧- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٩٨.
- ٨- دلائل الصديق: ج ٢، ص ١٧١.

٩- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣٧٢.

آيه ٥ - ٦ - ص ١٠٧

١- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٧٧٧.

٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٠٦.

٣- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٢١.

آيه ٨ - ص ١٠٨

١- تفسير الميزان: ج ١٠، ص ١٨١.

٢- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ١٤٤.

٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٠٨ و... .

٤- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٧٧٨ و... .

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٣٤١ و... .

٦- تفسير جامع: ج ٣، ص ٢٥٥ و... .

٧- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٢٣.

٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٤٠٤.

٩- تفسير العياشى: ج ٢، ص ١٤٠ و... .

١٠- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ١٣٢.

١١- الرّوضة من الكافي: المجد الثّانى، ص ١٤٥، ح ٤٨٧.

آيه ١٧ - ص ١٠٨

١- تفسير الدر المنثور: ج ٣، ص ٣٢٤.

- ٢- تفسير التبيان: ج ٥، ص ٤٦٠ و....
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ١٣٩ و....
- ٤- تفسير فرات الكوفى: ص ٦٤.
- ٥- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٢٤.
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٤٠٩ و....
- ٧- تفسير جامع: ج ٣، ص ٢٦٠ و....
- ٨- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٣٤٥ و....
- ٩- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٦، ص ٢٥٦ و....
- ١٠- تفسير الميزان: ج ١٠، ص ١٩٤ و....
- ١١- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٠٢.
- ١٢- تفسير الصافى: ج ١، ص ٧٨٢ و....
- ١٣- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ١٥٠.
- ١٤- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣١٣ و ٣١٤.
- ١٥- تفسير العياشى: ج ٢، ص ١٤٢، ح ١٢.
- ١٦- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٥٩ و....
- ١٧- اسباب النزول: ص ١٠١.
- ١٨- التورالمشعل: ص ١٠٦.
- ١٩- بصائر الدرجات: ص ٣٢٥.
- ٢٠- على فى الكتاب و السنة: ج ١، ص ١٥٠ و....
- ٢١- دقائق التأويل و حقائق التنزيل: ص ٢٥٢ و....

٢٢- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣٥٢.

٢٣- الاحتجاج: ج ١، ص ٢٣١ و... .

ص: ٥٤٩

۲۴- امالی الشَّيخ الطُّوسِي: ج ۱، ص ۳۸۱ و... .

۲۵- ينابيع المودَّة: ص ۹۹، باب ۲۶.

۲۶- المناقب الخوارزمي: ص ۲۷۸، ح ۲۶۷.

۲۷- فرائد السَّمطين: ج ۱، ص ۳۳۸ و... .

۲۸- كشف الغمَّة في معرفة الائمَّة: ج ۱، ص ۳۱۵.

آیه ۸۶ - ص ۱۰۸

۱- تفسیر الصَّافِي: ج ۱، ص ۸۰۹.

۲- تفسیر نورالثَّقَلين: ج ۲، ص ۳۹۰ و... .

۱۲-سوره مبارکه ی یوسف

آیه ۱ - ص ۱۰۹ و آیات فراوانی از سوره مبارکه ی یوسف به شعر در آمده است:

۱- تفسیر المیزان: ج ۱۱، ص ۲۸۱.

۲- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۲۰۰.

۳- تفسیر فرات الکوفی: ص ۷۰.

۴- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۳۷۷ و... .

۵- تفسیر نورالثَّقَلين: ج ۲، ص ۴۷۷.

۶- تفسیرالصَّافِي: ج ۱، ص ۸۶۰.

۷- تفسیر کنزالدَّقَائِق: ج ۶، ص ۳۹۶ و... .

۸- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۷۴ و ۲۷۵.

ص: ۵۵۰

- ٩- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٧٣ و....
- ١٠- اسباب النزول: ص ١٠١ و....
- ١١- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣٦٨.
- ١٢- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١٦٨.
- ١٣- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٢، ح ٦٦.
- ١٤- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٧٢.
- ١٥- حديقۀ الشيعة: ص ١٢٤.
- ١٦- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣١٦.

١٣- سورة مبارکه ی رعد

آیه ٤ - ص ١١٢

- ١- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ٤١٠.
- ٢- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٨٦٤.
- ٣- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٦، ص ٤٦٠.
- ٤- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٤٨١.
- ٥- تفسير جامع: ج ٣، ص ٣٨٤.
- ٦- تفسير الميزان: ج ١١، ص ٢٩٦.
- ٧- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٧٨.
- ٨- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٢٧٦.
- ٩- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٩٠ و....
- ١٠- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٧٥ و....

١١- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ١٥٥ و... .

١٢- خصائص الوحي المبين: ص ٢٤٨.

١٣- النور المشتعل: ص ١١٢.

١٤- حديقته الشيعه: ص ١٢٤.

١٥- كشف الغمّة في معرفة الائمه: ج ١، ص ٣١٦.

آيه ٧ - ص ١١٢

١- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ٢٣ و ٦.

٢- تفسير الميزان: ج ١١، ص ٣٢٧ و... .

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ٤١٢ و... .

٤- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٠٣ و... .

٥- تفسير القمي: ج ١، ص ٣٥٩.

٦- تفسير جامع: ج ٣، ص ٣٨٨.

٧- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٤٨٢ و... .

٨- تفسير شيخ ابوالفتوح رازي: ج ٦، ص ٤٦٢ و... .

٩- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٨٦٥.

١٠- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٢٧٨.

١١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٨٠ و... .

١٢- تفسير شبر: ص ٢٥٢.

١٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٩٣ و... .

١٤- تفسير فرات الكوفي: ص ٧٦.

۱۵- كشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاری: ج ۵، ص ۱۶۳ و... .

ص: ۵۵۲

١٦- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٢، ص

٥٠٢.

١٧- اسباب النزول: ص ١٠٢ و... .

١٨- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٨١ و... .

١٩- النور المشتعل: ص ١١٧.

٢٠- خصائص الوحي المبين: ص ١١٨.

٢١- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ١٥٣ و... .

٢٢- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٨٣.

٢٣- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٤٨.

٢٤- امالي شيخ صدوق: ص ٢٧٦، ح ١٣، مجلس ٤٦.

٢٥- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٦٦٧.

٢٦- احقاق الحق: ج ٣، ص ٨٨.

٢٧- حديقه الشيعة: ص ٧١.

٢٨- ينابيع المودة: ص ٩٩.

٢٩- كشف الغمة في معرفة الائمة: ج ١، ص ٣١٢.

٣٠- فرائد السمطين: ج ١، ص ١٤٨، ح ١١١ و ١١٢.

آيه ١٩ - ص ١١٣

١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٨٧.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ٤٣٣.

٣- تفسير الصافي: ج ١، ص ٨٧٠.

٤- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٦٣.

٥- تفسير جامع: ج ٣، ص ٤٠٢.

٦- حديقه الشيعة: ص ١١٣.

ص: ٥٥٣

آیه ۲۰ - ص ۱۱۳

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۲۸۸ و...
 - ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۲، ص ۴۳۳ و...
 - ۳- تفسیر المیزان: ج ۱۱، ص ۳۴۹.
 - ۴- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۲۷ و...
 - ۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۳۶۳.
 - ۶- تفسیر مجمع البیان: ج ۳، ص ۲۸۹.
 - ۷- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۴۰۳.
 - ۸- الاصول من الکافی: ج ۲، ص ۱۲۱، ح ۷.
- و کتاب های دیگری مانند: تفسیر صافی ج ۱، تفسیر عیاشی ج ۲، اصول کافی ج ۱ و...

آیه ۲۸ - ص ۱۱۳

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۲۹۱ و...
- ۲- تفسیر المیزان: ج ۱۱، ص ۳۶۷.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۸۷۳ و...
- ۴- تفسیر نورالثقلین: ج ۲، ص ۵۰۲.
- ۵- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۳۶۵.
- ۶- تفسیر کنزالدقائق: ج ۶، ص ۴۴۷.
- ۷- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۲۱۱.
- ۸- تفسیر منهج الصادقین: ج ۵، ص ۱۱۰.
- ۹- تفسیر الدر المنثور: ج ۴، ص ۵۸.

١٠- كشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري: ج ٥، ص ١٩٨.

١١- خصائص الوحي المبين: ص ١٨٥.

آيه ٢٩ - ص ١١٣

١- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٢٩١.

٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٩٢.

٣- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢١١ و... ح ٤٥ و... .

٤- تفسير الميزان: ج ١١، ص ٣٦٨ و... .

٥- تفسير القمي: ج ١، ص ٣٦٥.

٦- تفسير فرات الكوفي: ص ٧٧ و... .

٧- تفسير جامع: ج ٣، ص ٤٠٦.

٨- تفسير نورالتقلين: ج ٢، ص ٥٠٢ و... .

٩- تفسير الصافي: ج ١، ص ٨٧٤.

١٠- تفسير البلابل القلاقل: ج ٢، ص ١٨٠ و... .

١١- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٢٨.

١٢- تفسير شبر: ص ٢٥٤.

١٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ٤٤٧ و... .

١٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ١١٠ و... .

١٥- تفسير الدر المنثور: ج ٤، ص ٥٩.

١٦- علي في الكتاب و السنة: ج ١، ص ١٦٠ و... .

١٧- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٣٩٦ و... .

- ١٨- الاصول من الكافي: ج ٢، ص ١٨٧، ح ٣٠.
- ١٩- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٢٧١، ح ٦٣.
- ٢٠- كتاب الخصال: ص ٥٥٨، ح ٣١.
- ٢١- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٣٥٨، ح ٥٥.
- ٢٢- معانى الاخبار: ص ١١٢، ح ١.
- ٢٣- احقاق الحق: ج ٣، ص ٤٤٠ و....
- ٢٤- حديقۀ الشيعة: ص ١١٨.
- ٢٥- كشف الغمّة فى معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٢٣.
- ٢٦- ينابيع المودّة: ص ٩٦.

آيه ٤٣ - ص ١١٥

- ١- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٣٠١.
- ٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٠٢ و....
- ٣- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٣٠.
- ٤- تفسير البلابل القلاقل: ج ٢، ص ١٩٤ و....
- ٥- تفسير شبر: ص ٢٥٦.
- ٦- تفسير الميزان: ج ١١، ص ٣٨٧ و....
- ٧- تفسير نورالثقلين: ج ٢، ص ٥٢٣ و....
- ٨- تفسير جامع: ج ٣، ص ٤١٥ و....
- ٩- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٦٧.
- ١٠- تفسير العياشى: ج ٢، ص ٢٢٠ و....

١١- تفسير كنز الدقائق: ج ٦، ص ٤٨٠ و... .

ص: ٥٥٦

١٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ١٢١.

١٣- كشف الاسرار و عُده الابرار معروف به تفسير جواجه عبدالله انصاي: ج ٥، ص ٢١٧.

١٤- دقائق التأويل و حقائق التنزيل: ص ٣٣٩.

١٥- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٠٠ و....

١٦- اسباب النزول: ص ١٠٤.

١٧- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ١٦٣ و....

١٨- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٧٩، ح ٦.

١٩- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ١٩١.

٢٠- النور المشتعل: ص ١٢٥.

٢١- حديقته الشيعة: ص ١٠٥.

٢٢- كشف الغممة في معرفة الائمة: ج ١، ص ٣١٢.

٢٣- ينابيع المودة: ص ١٠٢، باب ٣٠ و....

و كتاب هايي مانند: تفسير صافي: ج ١، احتجاج، معاني الاخبار، دلائل الصدق: ج ٢، مجالس و....

١٤- سورة مبارکه ی ابراهيم

آیه ١ - ٥ - ص ١١٥

١- معاني الاخبار: ص ٣٦٥.

٢- تفسير الصافي: ج ١، ص ٨٨١.

٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٠٥ و....

ص: ٥٥٧

- ٤- تفسير جامع: ج ٣، ص ٤٢١.
- ٥- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٢٩.
- ٦- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٢٢، ح ٢.
- ٧- تفسير القمي: ج ١، ص ٣٦٧.

آيه ٢٤ - ص ١١٦

- ١- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٢٤.
- ٢- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٥٣٥.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٥٠ و... .
- ٤- تفسير القمي: ج ٥، ص ٣٦٩.
- ٥- تفسير جامع: ج ٣، ص ٤٣٥ و... .
- ٦- تفسير فرات الكوفي: ص ٧٩.
- ٧- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣١٠ و... .
- ٨- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٣١٢.
- ٩- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٣٣.
- ١٠- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٠٦ و... .
- ١١- دقائق التأويل و حقائق التنزيل: ص ٣٤٤.

آيه ٢٥ - ٢٧ - ص ١١٦

- ١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣١٥.
- ٢- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٥٤١ و... .
- ٣- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٢٧ و... .

٤- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤١٠.

٥- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ١٦٧.

٦- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٤٨.

آيه ٢٨ - ٣٢ - ص ١١٦

١- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٣١٤.

٢- تفسير الصافي: ج ١، ص ٨٧٣ و... .

٣- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٢٩.

٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٧، ص ٢٧.

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٥٤٣.

٦- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٧١.

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ١٣٩.

٨- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣١٦ و... .

آيه ٣٦ - ص ١١٧

١- الاختصاص: ص ٨٥.

٢- تفسير نور الثقلين: ج ٢، ص ٥٤٨.

٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣١٨.

٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٧٣ و... .

٥- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٣١.

٦- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ١٦٩ و... .

٧- امالي الشيخ الطوسي: ج ١، ص ٤٤، ص ٣٨٨ و... .

٨- احقاق الحق: ج ٣، ص ٨٠.

ص: ٥٥٩

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۱۹.
- ۲- تفسیر القمی: ج ۱، ص ۳۷۱.
- ۳- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۲۳۱ و ...
- ۴- تفسیر نورالثقلین: ج ۲، ص ۵۳۹ و ...
- ۵- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۴۴۴.

۱۵-سوره مبارکه ی حجر

اشاره

در سوره مبارکه ی حجر به خاطر مقدمه ی لازمی، آیات فراوانی مانند: آیات ۳۹ ۳۷ ۳۶ ۳۴ ۳۳ ۳۱ ۲۹ ۲۸ ۲۶۹ ۱ و ۴۰ تا می رسد به آیه ی چهل و یکم. با آن که بسیار نمایان است نام مبارک حضرت علی سلام الله تعالی علیه به صراحت در آیه ی چهل و یکم ظاهر گشته است. از تفاسیر و کتاب های معتبر روایی فراوانی، از قراء و ادبا و از علوم صرف و نحو و لغت، از تفسیر و تأویلی که از روایات شریفه دانسته می شود، از عقل، تحقیق و بررسی به دست می آید که چنین است:

به این سبب ابیات بیشتری نمایان گردیده است. مطالب با استناد به مدارک و کتاب های فراوانی در این جا ارائه گشته که به جهت فراوانی اسناد قادر به معرفی آنان نمی باشیم، گرچه اسناد فراوان دیگری نیز در کتاب صحیفه ی ولایت، پیرامون آیه ی شریفه چهل و یکم از این سوره آمده است ولی در آن جا هم فراوان است

و مقدار کمی ارائه شده و هم در این جا فراوان است که هیچ ارائه نشده و از ارائه ی تمامی مدارک و اسناد جداً معذوریم و می گذریم، فقط به چند نمونه ی زیر اکتفا می شود.

آیه ۴۱ - ص ۱۱۸ تا ۱۲۱ و....

- ۱- تفسیر جامع: ج ۳، ص ۴۷۱.
 - ۲- تفسیر فرات الکوفی: ص ۸۱.
 - ۳- تفسیر مجمع البیان: ج ۳، ص ۳۳۶ و....
 - ۴- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۴۴ و....
 - ۵- تفسیر نور الثقلین: ج ۳، ص ۱۵ و....
 - ۶- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۲۴۲.
 - ۷- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۹۰۷.
 - ۸- تفسیر کنزالدقائق: ج ۷، ص ۱۳۱.
- و اسناد فراوانی مانند: نهج البلاغه، مفاتیح الجنان، اصول کافی، تفسیر فخررازی، تفسیر کبیر منهج الصادقین، تفسیر ابوالفتوح رازی، تفسیر ابن عباس، کشف الغمه و مدارک فراوان دیگر.

آیه ۴۷ - ص ۱۴۵

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۴۸.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۷، ص ۱۳۹ و....
- ۳- تفسیر فرات الکوفی: ص ۸۲.
- ۴- تفسیر المیزان: ج ۱۲، ص ۱۷۶ و....
- ۵- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۴۱۳ و....
- ۶- ینابیع المودّة: ص ۱۱۸.

آیه ۷۵ - ص ۱۴۶

- ۱- الاختصاص: ص ۳۰۲.

- ٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٥٠ و....
- ٣- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٢٢ و....
- ٤- تفسير جامع: ج ٣، ص ٤٧٥.
- ٥- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٧٧.
- ٦- تفسير العياشى: ج ٢، ص ٢٤٨ و....
- ٧- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٩١٠ و....
- ٨- تفسير الميزان: ج ١٢، ص ١٨٦.
- ٩- تفسير كنزالدقائق: ج ٧، ص ١٤٨ و....
- ١٠- تفسير جامع البيان: ج ٣، ص ٣٤٣.
- ١١- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤١٩ و....
- ١٢- الاصول من الكافى: ج ١، ص ١٧٠، ح ١٢٣٤ و ٥.
- ١٣- معانى الاخبار: ص ٣٥٠، ح ١.

١٦-سوره مبارکه ی نحل

آیه ١ - ٢ - ص ١٤٧

- ١- تفسير الميزان: ج ١٢، ص ٢٢٤ و....
- ٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٦٠.
- ٣- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٩١٦ و....
- ٤- تفسير فرات الكوفى: ص ٨٣.
- ٥- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٣٨ و....
- ٦- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٧، ص ٨٤ و....

- ٧- تفسير جامع: ج ٤، ص ١٥.
- ٨- تفسير التبيان: ج ٦، ص ٣٥٩ و... .
- ٩- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ١٧٧ و... .
- ١٠- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٣٤٩.

آيه ١٦- ص ١٤٧

- ١- اصول من الكافي: ج ١، ص ١٦١.
- ٢- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٣٥٤.
- ٣- تفسير جامع: ج ٤، ص ٢٩ و... .
- ٤- تفسير القمي: ج ١، ص ٣٨٣.
- ٥- تفسير نور الثقلين: ج ٣، ص ٤٥ و... .
- ٦- تفسير فرات الكوفي: ص ٨٤.
- ٧- تفسير الصافي: ج ١، ص ٩١٩.
- ٨- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٥٥ و... .
- ٩- تفسير الميزان: ج ١٢، ص ٢٢٥.
- ١٠- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ١٨٤.
- ١١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٦٢.
- ١٢- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٤٢.
- ١٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ١٩١ و... .
- ١٤- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٢٥ و... .
- ١٥- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٦١، ح ٢ او ٣.

١٦- مناقب آلى ابى طالب: ج ٤، ص ١٧٨ و... .

ص: ٥٦٣

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۷۰.
- ۲- تفسیر المیزان: ج ۱۲، ص ۲۸۴ و... .
- ۳- تفسیر مجمع البیان: ج ۳، ص ۳۶۲.
- ۴- تفسیر منهج الصادقین: ج ۵، ص ۱۹۴.
- ۵- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۲۶۰ و... .
- ۶- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۹۲۵.
- ۷- تفسیر فرات الکوفی: ص ۸۵.
- ۸- تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۵۵ و... .
- ۹- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۷، ص ۱۰۸.
- ۱۰- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۳۵ و... .
- ۱۱- تفسیر جوامع الجامع: ص ۲۴۴.
- ۱۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۷، ص ۲۱۱ و... .
- ۱۳- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۴۳۲ و... .
- ۱۴- دقائق التأویل و حقائق التنزیل: ص ۳۶۰.
- ۱۵- خصائص الوحی المبین: ص ۲۲۹.
- ۱۶- عیون اخبار الرضا: ج ۱، ص ۲۱۶ و... .
- ۱۷- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۱۶۴ و... .
- ۱۸- ینایع المودّة: ص ۱۱۹.

١- مناقب آب ابى طالب: ج ٣، ص ٧٢.

ص: ٥٦٤

- ٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٧٧ و... .
- ٣- تفسير جامع: ج ٤، ص ٥١.
- ٤- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٨٧.
- ٥- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٩٣٣.
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٢١٣.
- ٧- تفسير الميزان: ج ١٢، ص ٣٠٩.
- ٨- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٢٤٢ و... .
- ٩- علىّ فى الكتاب و السنّه: ج ١، ص ١٧١ و... .
- ١٠- احقاق الحق: ج ٣، ص ٤٤٨.
- ١١- حديقّه الشّيعه: ص ١١٨.
- ١٢- مناقب آل ابى طالب: ج ٢، ص ١٠٧ و... .
- ١٣- كشف الغمّه فى معرفه الائمه: ج ١، ص ٣٢٤.

آيه ٨٣ - ص ١٤٨

- ١- تفسير الميزان: ج ١٢، ص ٣٢٦.
- ٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٧٨.
- ٣- تفسير الصّافى: ج ١، ص ٩٣٥.
- ٤- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٨٨.
- ٥- تفسير جامع: ج ٤، ص ٥٣ و... .
- ٦- تفسير نور الثقلين: ج ٣، ص ٧٢ و... .
- ٧- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٢٤٩ و... .

٨- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٦٦، ح ٥٥.

ص: ٥٦٥

٩- اسباب النزول: ص ١٠٨.

١٠- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٩٩.

١١- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٤، ح ٧٧.

آيه ٨٩ - ص ١٤٨

١- تفسير الميزان: ج ١٢، ص ٣٢٦.

٢- تفسير القمي: ج ١، ص ٣٨٨.

٣- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٦٦، ح ٥٧.

٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٢٥٢ و... .

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٣، ص ٧٣ و... .

٦- تفسير الصافي: ج ١، ص ٩٣٦.

٧- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٥٠، ح ٨.

٨- بصائر الدرجات: ص ١٤٨.

آيه ٩٠ - ص ١٤٨

١- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٦٧، ح ٥٩ و... .

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٢٦١.

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٣٨٠.

٤- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٩٣٧.

٥- تفسير الميزان: ج ١٢، ص ٣٥٠.

٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٢٢٠ و... .

٧- تفسير فرات الكوفي: ص ٨٥.

- ٨- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٨٨.
- ٩- تفسير جامع: ج ٤، ص ٦٠ و... .
- ١٠- تفسير نورالتقلين: ج ٣، ص ٧٧ و... .
- ١١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٨١ و... .

آيه ١٠٦ - ص ١٤٩

- ١- تفسير العياشى: ج ٢، ص ٢٧١.
- ٢- تفسير نواتقلىن: ج ٣، ص ٨٨ و... .
- ٣- تفسير برهان: ج ٢، ص ٣٨٥ و... .
- ٤- تفسير جامع: ج ٤، ص ٦٦ و... .
- ٥- تفسير القمى: ج ١، ص ٣٩٠.
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٢٢٨ و... .
- ٧- تفسير الميزان: ج ١٢، ص ٣٥٧ و... .
- ٨- تفسير الصافى: ج ١، ص ٩٤١ و... .
- ٩- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٣٨٨.
- ١٠- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٢٧٦ و... .

١٧- سورة مباركه ى اسراء

آيه ١ - ص ١٤٩

- ١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٤٠٤.
- ٢- تفسير الصافى: ج ١، ص ٩٤٨ و... .

- ٣- تفسير الميزان: ج ١٣، ص ٨ و... .
- ٤- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٣٩٥ و... .
- ٥- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٧٧ و... .
- ٦- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٥١.
- ٧- تفسير شُبر: ص ٢٧٩.
- ٨- تفسير التبيان: ج ٦، ص ٤٤٥ و... .
- ٩- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٢٤٠ و... .
- ١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ٧، ص ١٦٥ و... .
- ١١- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣ تا ١٢.
- ١٢- تفسير جامع: ج ٤، ص ٧٩ و... .
- ١٣- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٩٨ و... .
- ١٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٣٠٠ و... .
- ١٥- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٦٧، ح ١٣.
- ١٦- الرّوضه من الكافي: المجلد الثاني: ص ٧٦، ح ٣٧٦ و ص ٢٣٠، ح ٥٦٧.
- ١٧- كتاب التوحيد: ص ١٧٥، ح ٥.
- ١٨- عيون اخبار الرضا: ج ٢، ص ٢٩، ح ٧.
- ١٩- كتاب الخصال: ص ٦٠٠، ح ٣.
- ٢٠- علل الشرايع: ص ١٣١، باب ١٢، ح ١ و ص ١٨٣، باب ١٧٤، ح ٢ و ص ٥٧٢، باب ٣٧٣، ح ١.
- ٢١- من لا يحضره الفقيه: ج ١، ص ١٩٧، ح ٦٠٢ و ص ١٩٨، ح ٦٠٣.
- ٢٢- الفروع من الكافي: ج ٣، ص ٤٨٧، ح ٢.

٢٣- الاحتجاج: ج ١، ص ٤٣. احتجاج حضرت رسول اعظم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، تا اوائل ص ٥٩.

ص: ٥٦٨

٢٤- بحار الانوار: ج ١٨، ص ٣٨٥.

٢٥- كمال الدين و تمام التعمه: ص ٢٥٠ و...، ح ١ و ص ٢٥٤ و... ح ٤.

٢٦- عيوان اخبار الرضا: ج ١، ص ٦١، ح ٢٧.

آيه ٤ - ص ١٥١

١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٤٠٧.

٢- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٤.

٣- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٨١.

٤- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ١٣٨ و... .

٥- تفسير جامع: ج ٤، ص ١٠٤ و... .

٦- تفسير الصافي: ج ١، ص ٩٥٩.

آيه ٩ - ص ١٥١

١- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٣٨.

٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٤٠٦ و... .

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٧١.

٤- تفسير جامع: ج ٤، ص ١٠٦.

٥- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ١٤٠ و... .

٦- تفسير الميزان: ج ١٣، ص ٧١.

٧- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٤.

آيه ٢٦ - ص ١٥٢

١- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ١٥٣ و... .

- ٢- تفسير فرات الكوفي: ص ٨٥.
- ٣- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٧، ص ٢٢٧.
- ٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٢٧٥ و....
- ٥- تفسير الميزان: ج ١٣، ص ٩٩.
- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٤١١.
- ٧- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٣٨٨ و....
- ٨- تفسير شُبر: ص ٢٨١.
- ٩- تفسير جوامع الجامع: ص ٦٦١.
- ١٠- تفسير جامع: ج ٤، ص ١١٤.
- ١١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٨٧.
- ١٢- تفسير الصّافي: ج ١، ص ٩٦٥.
- ١٣- تفسير البلابل القلاقل: ج ٢، ص ٢٢٥ و....
- ١٤- كشف الاسرار و عُده الابرار، معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري: ج ٥، ص ٥٤٤.
- ١٥- تفسير الكشاف: ج ٢، ص ٦٦١.
- ١٦- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٣، ص ٣٦.
- ١٧- تفسير الدر المنثور: ج ٤، ص ١٧٦.
- ١٨- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٣٨ و....
- ١٩- اسباب النزول: ص ١١١.
- ٢٠- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٨٧.
- ٢١- دقائق التأويل و حقائق التنزيل: ص ٣٧٢ و....

٢٢- شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد: ج ١٦، ص ٢٨٤.

٢٣- ينابيع المودّة: ص ١١٩.

ص: ٥٧٠

آیه ۳۳ - ص ۱۵۲

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۱۸ و...
- ۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۷، ص ۴۰۲.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۹۶۸.
- ۴- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۲۹۰ و...
- ۵- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۱۲۰.
- ۶- تفسیر نور الثقلین: ج ۳، ص ۱۶۲ و...

آیه ۷۰ - ۷۱ - ص ۱۵۳

- ۱- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۲۹.
- ۲- تفسیر مجمع البیان: ج ۳، ص ۴۳۰.
- ۳- تفسیر کنز الدقائق: ج ۷، ص ۴۵۵ و...
- ۴- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۳۰۲ و...
- ۵- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۲۳.
- ۶- تفسیر نور الثقلین: ج ۳، ص ۱۹۱ و...
- ۷- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۱۴۰ و...
- ۸- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۷، ص ۲۵۷ و...
- ۹- تفسیر منهج الصادقین: ج ۵، ص ۳۰۰.
- ۱۰- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۹۸۱.
- ۱۱- تفسیر المیزان: ج ۱۳، ص ۱۷۰.

١٢- تفسير الدر المنثور: ج ٤، ص ٣٧١.

١٣- عيون اخبار الرضا: ج ٢، ص ٣٦، ح ٦١.

ص: ٥٧١

١٤- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٤٦، ح ١٧.

١٥- كتاب الاخصال: ص ٦٤٤، ح ٢٦ و... .

آيه ٧٨ - ٧٩ - ص ١٥٤

١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٤٣٨.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٤٨١ و... .

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٤٣٤ و... .

٤- تفسير الميزان: ج ١٣، ص ١٧٩ و... .

٥- تفسير الصافي: ج ١، ص ٩٨٤ و... .

٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٣٠٦.

٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٧، ص ٢٦٨ و... .

٨- تفسير فرات الكوفي: ص ٨٦.

٩- تفسير جامع: ج ٤، ص ١٥٢ و... .

١٠- تفسير نور الثقلين: ج ٣، ص ٢٠٤ و... .

١١- تفسير القمي: ج ٢، ص ٢٥.

١٢- تفسير التبيان: ج ٦، ص ٥١٢.

١٣- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٥٩.

١٤- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٣١٠، ح ١٤٥ و... .

١٥- كتاب الخصال: ص ١٢٤، باب الثلاثة، ح ١٢١، و... و ص ١٢٤، ح ١٢١ و... .

١٦- كتاب التوحيد: ص ٢٦١.

١٧- امالي الشيخ الطوسي: ج ١، ص ٣٠٤.

آیه ۸۱ - ص ۱۵۶

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۹۸۶.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۷، ص ۴۹۲ و....
- ۳- تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۲۱۲ و....
- ۴- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۱۵۵.
- ۵- تفسیر مجمع البیان: ج ۳، ص ۴۳۵.
- ۶- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۴۵۲ و....
- ۷- اسباب النزول: ص ۱۱۳.
- ۸- احقاق الحق: ج ۳، ص ۵۵۰.
- ۹- الرّوضه من الکافی: المجلّد الثانی: ص ۱۱۰، ح ۴۳۲.

آیه ۸۲ - ص ۱۵۶

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۱، ص ۹۸۷.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۷، ص ۴۹۷ و....
- ۳- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۲۶۴.
- ۴- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۴۳.
- ۵- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۱۵۵.
- ۶- تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۲۱۳ و....
- ۷- مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۱۳۵.

۱۸-سوره مبارکه ی کهف

آیه ۹ - ص ۱۵۷

١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٤٥٧.

ص: ٥٧٣

٢- تفسير جامع: ج ٤، ص ١٨١ و....

٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٣٣٥ و....

٤- تفسير الدر المنثور: ج ٤، ص ٢١٢.

آيه ٢٩ - ص ١٥٧

١- تفسير الميزان: ج ١٣، ص ٣٠٦.

٢- تفسير البلابل القلاقل: ج ٢، ص ٢٨٧ و ٢٩٠ و....

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٧، ص ٦٩ و....

٤- تفسير الصافي: ج ٢، ص ١٣.

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٣، ص ٢٥٨.

٦- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٥.

٧- تفسير جامع: ج ٤، ص ١٩٨ و....

٨- تفسير برهان: ج ٢، ص ٤٦٦.

آيه ٤٤ - ص ١٥٧

١- تفسير برهان: ج ٢، ص ٤٦٩.

٢- تفسير التبيان: ج ٧، ص ٤٣.

٣- تفسير جامع: ج ٤، ص ٢٠٤.

٤- تفسير الميزان: ج ١٣، ص ٣١٧ و....

٥- تفسير كنز الدقائق: ج ٨، ص ٨١ و....

٦- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٦١.

٧- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٦.

آیه ۱۱۰ - ص ۱۶۱

- ۱- تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۳۵۳.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۹۷.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۳۶.
- ۴- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۲۳۷.
- ۵- تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۳۱۷.
- ۶- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۷.
- ۷- تفسیر کنزالدقائق: ج ۸، ص ۱۷۹ و....

۱۹-سوره مبارکه ی مریم

آیه ۱ - ص ۱۶۱

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۳۶.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۳.
- ۳- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۸.
- ۴- تفسیر المیزان: ج ۱۴، ص ۲۱ و....
- ۵- تفسیر منهج الصّادقین: ج ۵، ص ۳۹۲ و....
- ۶- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۲۳۹ و....
- ۷- تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی: ج ۷، ص ۳۹۴.
- ۸- تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۳۲۰ و....
- ۹- تفسیر مجمع البیان: ج ۳، ص ۵۰۲.
- ۱۰- تفسیر کنزالدقائق: ج ۸، ص ۱۹۱ و....

١١- مناقب آل ابي طالب: ج ٤، ص ٨٤ و... .

١٢- معانى الاخبار: ص ٢٢ و... .

آيه ٢ - ٧ - ص ١٦٣

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٥.

٢- تفسير برهان: ج ٢، ص ٢٠٦.

٣- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٣٧.

٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٨، ص ١٩٧ و... .

٥- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٥٠٤ و... .

٦- تفسير نور الثقلين: ج ٣، ص ٣٢٤.

٧- تفسير جامع: ج ٤، ص ٢٤٠ و... .

٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٣٩٦ و... .

٩- تفسير الميزان: ج ١٤، ص ٢٦.

١٠- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٧٢.

آيه ١٢ - ١٥ - ٣٠ - ٣٣ - ص ١٦٤

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٦.

٢- تفسير الصّافي: ج ٢ ف ص ٣٩ و... .

٣- تفسير جامع: ج ٤، ص ٢٤٩ و... .

٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٤٠٠.

آيه ٤٩ - ٥٠ - ص ١٦٥

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٤.

- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٣٣٩ و....
- ٣- تفسير كنزالدقائق: ج ٨، ص ٢٣٠ و....
- ٤- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٤٧.
- ٥- تفسير القمى: ج ٢، ص ٥١.
- ٦- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٦٢ و....
- ٧- كمال الدين و تمام النعمة: ص ١٣٩.

آيه ٧٣ - ص ١٦٥

- ١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٠.
- ٢- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٥٣.
- ٣- تفسير جامع: ج ٤، ص ٢٦٨.

آيه ٨٧ - ص ١٦٥

- ١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢١.
- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٣٦١ و....
- ٣- تفسير كنزالدقائق: ج ٨، ص ٢٧١ و....
- ٤- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٥٦ و....
- ٥- تفسير الميزان: ج ١٤، ص ١١٤.
- ٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ٥٦ و....
- ٧- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٧.

آيه ٩٦ - ص ١٦٥

- ١- تفسير جامع: ج ٤، ص ٢٧٢.

٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٥، ص ٤٦١ و....

٣- تفسير الميزان: ج ١٤، ص ١١٥.

٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٥٦ و....

٥- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٥٨.

٦- تفسير مجمع البيان: ج ٣، ص ٥٣٢ و....

٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٧، ص ٤٤٢

و....

٨- تفسير نورالتقلين: ج ٣، ص ٣٦٤.

٩- تفسير كنزالدقائق: ج ٨، ص ٢٧٦ و....

١٠- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٧٩.

١١- تفسير العياشى: ج ٢، ص ١٤١ و...، ح ١١.

١٢- تفسير الدرالمشور: ج ٤، ص ٢٨٧.

١٣- النورالمشعل: ص ١٢٩.

١٤- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٦٤ و....

١٥- اسباب النزول: ص ١٢٠ و....

١٦- علىّ فى الكتاب و السنة: ج ١، ص ١٨٥ و....

١٧- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٥٧، ح ٩٠.

١٨- حديقّة الشّيعه: ص ١٠٣.

١٩- احقاق الحق: ج ٣، ص ٨٢ و....

٢٠- فرائد السّمطين: ج ١، ص ٧٩ و....

٢١- المناقب الخوارزمي: ص ٢٧٨، ح ٢٦٨.

آيه ٩٧ - ص ١٦٦

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٨.

ص: ٥٧٨

- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٣٦٤.
- ٣- تفسير كنزالدقائق: ج ٨، ص ٢٧٨ و... .
- ٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٥٧.
- ٥- تفسير جامع: ج ٤، ص ٢٧٣.
- ٦- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٥٧ و...، ح ٩٠.

٢٠-سوره مبارکه ی طاها

آیه ١ - ٢ - ٤ - ٨ - ١٢ - ص ١٦٧

- ١- تفسير كنزالدقائق: ج ٨، ص ٢٨٣.
- ٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٩.
- ٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٥٨.
- ٤- تفسير جامع: ج ٤، ص ٢٧٧ و... .
- ٥- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٧، ص ٤٤٦.
- ٦- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٣٦٧ و... .

آیه ١٤ - ٥٤ - ص ١٦٨

- ١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٨.
- ٢- تفسير كنزالدقائق: ج ٨، ص ٣٢١ و... .

آیه ٨٢ - ص ١٦٨

- ١- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٣٨٧ و... .

- ٢- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٢٣.
- ٣- تفسير برهان: ج ٣، ص ٤٠.
- ٤- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٣٨٧ و... .
- ٥- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٧٢ و... .
- ٦- تفسير الميزان: ج ١٤، ص ١٩٩ و... .
- ٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٧، ص ٤٨١.
- ٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٦، ص ١٣.
- ٩- تفسير القمي: ج ٢، ص ٦١.
- ١٠- تفسير كنز الدقائق: ج ٨، ص ٣٣٦ و... .
- ١١- تفسير شُبر: ص ٣١٠.
- ١٢- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٩١ و... .
- ١٣- مناقب آل ابيطالب: ج ٤، ص ١٢٩.

آيه ١٢٤- ص ١٦٨

- ١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٤٧.
- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٨، ص ٣٦٨.
- ٣- تفسير القمي: ج ٢، ص ٦٦.
- ٤- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٤٠٥.
- ٥- تفسير الميزان: ج ١٤، ص ٣٣١.
- ٦- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨١.
- ٧- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٤٩٥ و... .

٨- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٦١، ح ٩٢.

ص: ٥٨٠

آیه ۱۲۵ - ص ۱۶۹

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۱.
- ۲- تفسیر فرات الکوفی: ص ۹۳.
- ۳- تفسیر نور الثّقلین: ج ۳، ص ۴۰۶.
- ۴- تفسیر کنز الدّقائِق: ج ۸، ص ۳۷۰ و....
- ۵- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۴۷ و....

۲۱-سوره مبارکه ی انبیاء

آیه ۱ - ۱۰ - ص ۱۶۹

- ۱- بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۸۶.
- ۲- تفسیر کنز الدّقائِق: ج ۸، ص ۳۹۰.
- ۳- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۵۲.
- ۴- تفسیر شُبْر: ص ۳۱۵.
- ۵- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۶۸.

آیه ۷۳ - ص ۱۶۹

- ۱- تفسیر المیزان: ج ۱۴، ص ۳۰۸.
- ۲- تفسیر التّبیان: ج ۷، ص ۲۰۷.
- ۳- تفسیر کنز الدّقائِق: ج ۸، ص ۴۴۱ و....
- ۴- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۹۹.
- ۵- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۶۶.

آیه ۱۰۱ - ص ۱۷۱

- ۱- تفسیر المیزان: ج ۱۴، ص ۳۳۶.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۷۲ و....
- ۳- تفسیر منهج الصادقین: ج ۶، ص ۱۲۱ و....
- ۴- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۱۰۶ و....
- ۵- تفسیر فرات الکوفی: ص ۹۵.
- ۶- تفسیر کنز الدقائق: ج ۸، ص ۴۷۵ و....
- ۷- تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر: ج ۳، ص ۱۹۸.
- ۸- تفسیر الدر المنثور: ج ۴، ص ۳۳۹.
- ۹- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۵۰۰ و....
- ۱۰- علیّ فی کتاب و السنّة: ج ۱، ص ۱۹۵ و....
- ۱۱- احقاق الحق: ج ۳، ص ۳۹۰.
- ۱۲- دلائل الصّدق: ج ۲، ص ۱۸۰ و....

آیه ۱۰۵ - ص ۱۷۲

- ۱- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۷۵.
- ۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۸، ص ۴۸۰ و....
- ۳- تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی: ج ۸، ص ۶۴ و....
- ۴- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۲۷۱.
- ۵- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۱۰۷.
- ۶- تفسیر المیزان: ج ۴، ص ۳۳۷.

٧- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٤٦٤ و... .

ص: ٥٨٢

٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٦، ص ١٢٥ و....

٩- تفسير القمى: ج ٢، ص ٧٧.

١٠- تفسير شُبر: ص ٣٢٢.

١١- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٩٦.

١٢- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٦٦ و....

١٣- الاصول من الكافى: ج ١، ص ١٧٦، ح ٦.

٢٢-سوره مبارکه ی حج

آیه ١٩- ص ١٧٢

١- تفسير الميزان: ج ١٤، ص ٣٦٤.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ٩، ص ٦٠.

٣- تفسير برهان: ج ٣، ص ٨٠ و....

٤- تفسير نورالثقلين: ج ٣، ص ٤٧٦ و....

٥- تفسير جامع: ج ٤، ص ٣٨٦ و....

٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ٨٠.

٧- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٧٦ و....

٨- تفسير فرات الكوفى: ص ٩٨ و....

٩- تفسير ابوالفتوح رازى: ج ٨، ص ٨٤.

١٠- تفسير جوامع الجامع: ص ٢٩٩.

١١- تفسير منهج الصادقى: ج ٦، ص ١٤٧.

١٢- تفسير الدر المنثور: ج ٤، ص ٣٤٨.

١٣- تفسير الكشاف: ج ٣، ص ١٥٠.

١٤- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٠٣ و... .

١٥- اسباب النزول: ص ١٢٤.

١٦- خصائص الوحي و المبين: ص ٢٥٨ و... .

١٧- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ١٩٧ و... .

١٨- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٥٣.

١٩- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٨، ح ٤٤ و ص ٣٤٨، ح ٥١.

٢٠- كتاب الخصال: ص ٤٢، ح ٣٥.

٢١- دلائل الصدق: ج ٢، ص ٢١٩ و... .

٢٢- كشف الغمّة في معرفة الائمه: ج ١، ص ٣١٣.

٢٣- صحيح مسلم: ج ٤، ص ٢٣٢٣، ح ٣٠٣٣.

٢٤- صحيح بخارى: ج ٦، ص ١٢٤.

٢٥- نقل از سعيد بن منصور، ابن ابى شيبه، عبد بن حميد، ترمذى، ثعلبى، ابن ماجد، ابن جرير، ابن منذر، ابن ابى حاتم، ابن مردويه، بيهقى، عمرو بن زارة، هشيم، هاشم، ابن مجلز، حجاج بن منهال، معتمر بن سليمان، قيس بن عباد، سليمان، حذيفه، ابوذر غفارى و...

آيات ٢٤ - ٣٤ - ٣٥ - ١٧٤

١- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ١٢٦.

٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ٩٤.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٩، ص ٩٥.

٤- تفسير جامع: ج ٤، ص ٣٩٦.

٥- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥١٩.

آیه ۳۸ - ص ۱۷۴

۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۹، ص ۱۰۱.

۲- دلائل الصدق: ج ۲، ص ۱۸۰.

آیه ۳۹ - ص ۱۷۴

۱- تفسیر فرات الکوفی: ص ۹۹.

۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۹، ص ۱۰۱ و....

۳- تفسیر شُبْر: ص ۳۲۶.

۴- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۱۲۵ و....

۵- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۵۲۰.

آیه ۴۱ - ص ۱۷۵

۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۱۲۶ و....

۲- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۹۵.

۳- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۸۵.

۴- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۳۹۸.

۵- تفسیر کنزالدقائق: ج ۹، ص ۱۱۰ و....

۶- تفسیر فرات الکوفی: ص ۱۰۰.

۷- تفسیر مجمع البیان: ج ۴، ص ۸۸.

۸- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۵۲۲ و....

۹- مناقب آل ابی طالب: ج ۴، ص ۴۷ و....

آیه ۵۲ - ص ۱۷۶

- ۱- الاختصاص: ص ۳۲۸ و....
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۹، ص ۱۲۱ و....
- ۳- تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۵۱۲.
- ۴- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۸۵ و....
- ۵- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۴۰۶ و....
- ۶- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۹۸.
- ۷- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۱۲۹ و....
- ۸- اسباب النزول: ص ۱۲۵.

۲۳-سوره مبارکه ی مؤمنون

آیه ۱- ۲- ۴- ۱۴- ۷۳- ص ۱۷۸ - ۱۷۷

- ۱- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۱۷.
- ۲- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۹۲.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۱۴۵.
- ۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۹، ص ۲۰۲ و....
- ۵- تفسیر التّبیان: ج ۷، ص ۳۳۹.
- ۶- تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۵۴۸.
- ۷- تفسیر المیزان: ج ۱۵، ص ۵۱.
- ۸- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۴۴۵.
- ۹- ینابیع المودّة: ص ۱۱۴، باب ۳۷.

آیه ۷۴ - ص ۱۷۸

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۱۴۶.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۹، ص ۲۰۳ و... .
- ۳- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۱۷.
- ۴- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۹۳.
- ۵- تفسیر المیزان: ج ۱۵، ص ۵۱.
- ۶- تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۵۴۸ و... .
- ۷- تفسیر فرات الکوفی: ص ۱۰۲.
- ۸- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۴۴۶.
- ۹- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۵۲۴.
- ۱۰- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۱۴۱، ح ۹.
- ۱۱- کشف الغمّه فی معرفه الائمه: ج ۱، ص ۳۱۳.
- ۱۲- ینابیع المودّه: ص ۱۱۴، باب ۳۷.

۲۴-سوره مبارکه ی نور

آیه ۱۰- ص ۱۷۹

- ۱- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۲۶.
- ۲- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۴۷۵.

آیه ۳۵ - ص ۱۷۹

- ۱- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۱۵۱.

- ٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ١٦٩ و....
- ٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٠٣ تا ١٠٥.
- ٤- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ١٤٠.
- ٥- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٣٤.
- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ١٤٣.
- ٧- تفسير منهج الصّادقين: ج ٦، ص ٣١٧ و....
- ٨- تفسير نورالتّقلين: ج ٣، ص ٦٠٢ و....
- ٩- تفسير فرات الكوفى: ص ١٠٢.
- ١٠- تفسير جامع: ج ٤، ص ٤٩٥ و....
- ١١- تفسير جوامع الجامع: ص ٣١٦.
- ١٢- تفسير كنزالدّقائق: ج ٩، ص ٣٠٥ و....
- ١٣- تفسير شُبر، ص ٣٤٢.
- ١٤- حد يقه الشّيعه: ص ٩٧.

آيه ٣٦ - ص ١٨٢

- ١- تفسير كنزالدّقائق: ج ٩، ص ٣١٢ و....
- ٢- تفسير جامع: ج ٤، ص ٤٩٩ و....
- ٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٠٤.
- ٤- تفسير فرات الكوفى: ص ١٠٣.
- ٥- تفسير نورالتّقلين: ج ٣، ص ١٧١.
- ٦- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ١٤٢ و....

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٤، ص ٣٢٠.

ص: ٥٨٨

- ٨- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٤١.
- ٩- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ١٤٤.
- ١٠- تفسير الدر المنثور: ج ٥، ص ٥٠.
- ١١- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٣٢ و....
- ١٢- خصائص الوحي المبين: ص ٧٩.
- ١٣- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٢١٨، ح ٢.
- ١٤- حديقته الشيعه: ص ٩٩.
- ١٥- كشف الغمّة في معرفة الائمة: ج ١، ص ٣١٩.

آيه ٤٠ - ص ١٨٣

- ١- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ١٧٣.
- ٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٤١.
- ٣- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٠٦.
- ٤- تفسير جامع: ج ٤، ص ٥٠٤ و....
- ٥- تفسير كنز الدقائق: ج ٩، ص ٣٢١ و....
- ٦- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٥١، ح ٥.

آيه ٥٥ - ص ١٨٣

- ١- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ١٥٢.
- ٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٥٠.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٩، ص ٣٣٧ و....
- ٤- تفسير البلابل القلاقل: ج ٢، ص ٤٦٣ و....

٥- تفسير جامع: ج ٤، ص ٥١٠ و....

ص: ٥١٩

- ٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٠٨.
- ٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٨، ص ٢٣٦ و... .
- ٨- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٦، ص ٢٦ و... .
- ٩- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ١٧٧ و... .
- ١٠- تفسير نور الثقلين: ج ٣، ص ٦١٨ و... .
- ١١- تفسير منهج الصادقين: ج ٦، ص ٣٣٧ و... .
- ١٢- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ١٥٨ و... .
- ١٣- تفسير التّبيان: ج ٧، ص ٤٠٤.
- ١٤- تفسير جوامع الجامع: ص ٣١٨.
- ١٥- تفسير الكشاف: ج ٣، ص ٢٥٢.
- ١٦- شواهد التّنزيل: ج ١، ص ٥٣٧ و... .
- ١٧- الاصول من الكافى: ج ١، ص ١٥٠، ح ٣.
- ١٨- الاصول من الكافى: ج ١، ص ١٩٤، ح ٧.
- ١٩- كمال الدّين و تمام النّعمه: ص ٣٥٥، ح ٥٠ و... .
- ٢٠- كتاب الخصال: ص ٤٧٠، ح ١٧.
- ٢١- بحار الانوار: ج ٣٤، ص ١٦٧.
- ٢٢- بحار الانوار: ج ٣٦، ص ٣١٣ و... .
- ٢٤- فرائد السّمطين: ج ٢، ص ١٤٧.
- ٢٥- ينابيع المودّه: ص ٤٤٦ و ٤٨٨.

۱- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۶۲.

ص: ۵۹۰

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ٩، ص ٣٨٦ و....

٣- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ١٩٢.

٤- تفسير القمي: ج ٢، ص ١١٣.

٥- تفسير جامع: ج ٥، ص ٢٢ و....

آيه ٥٤ - ص ١٨٤

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٧٠.

٢- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٢٠٠.

٣- تفسير كنزالدقائق: ج ٩، ص ٤١٢ و....

٤- تفسير البلابل القلاقل: ج ٢، ص ٥٠٧ و....

٥- تفسير جامع: ج ٥، ص ٤٠ و....

٦- تفسير فرات الكوفي: ج ١٠٧.

٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٨، ص ٢٨٦ و....

٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٦، ص ٣٩٣ و....

٩- تفسير نورالتقلين: ج ٤، ص ٢٣ و....

١٠- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ٢٣٧.

١١- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ١٧٥.

١٢- اسباب النزول: ص ١٣٧.

١٣- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٣٨ و....

١٤- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٣٥٠ و....

١٥- امالي الشيخ الطوسي: ج ١، ص ٣٢٠ و....

١٦- روضة الواعظين: ج ١، ص ٧١.

١٧- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١٣٨ و....

ص: ٥٩١

١٨- احقاق الحق: ج ٧، ص ٤ و... .

١٩- احقاق الحق: ج ٩، ص ٦٥٦ و... .

٢٠- بحار الانوار: ج ٣٨، ص ٨٣ و... .

٢١- ينابيع المودّة: ص ٤٦، باب ٥ و ص ٢٣٤.

آیه ٧٤ - ص ١٨٥

١- تفسير القمی، ج ٢، ص ١١٧.

٢- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٢٦.

٣- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ٢٤٨.

٤- تفسير التّبيان: ج ٧، ص ٤٥٢.

٥- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٧٧ و... .

٦- تفسير نورالتّقلين: ج ٤، ص ٤٣ و... .

٧- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٤٠٦ و... .

٨- تفسير جامع: ج ٥، ص ٥٤ و... .

٩- تفسير كنزالدقائق: ج ٩، ص ٤٤٦ و... .

١٠- شواهد التّنزيل: ج ١، ص ٥٣٩ و... .

١١- انوار التّنزيل: ج ٢، ص ١٥٢.

١٢- مناقب آل ابی طالب: ج ٣، ص ٣٨٠ و... .

١٣- بحار الانوار: ج ٢٤، ص ١٣٣ و... .

٢٦-سوره مبارکه ی شعراء

آیه ٨٤ - ص ١٨٦

١- تفسير جامع: ج ٥، ص ٦٦ و... .

ص: ٥٩٢

- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ٩، ص ٤٨٤ و... .
- ٣- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٢١٨.
- ٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٢٣.
- ٥- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ٢٩٢.
- ٦- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٨٤.
- ٧- تأويل الايات: ج ١، ص ٣٠٤.
- ٨- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢٠١ و... .
- ٩- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ١٧٥ و... .
- ١٠- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣٨٠ و... .
- ١١- حديقّة الشّيعة: ص ١٢٤.
- ١٢- كشف الغمّة في معرفة الائمة: ج ١، ص ٣٢٠.

آيه ٢١٤ - ص ١٨٦

- ١- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ٣٣٥ و... .
- ٢- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٢٠٦.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ٩، ص ٥١١ و... .
- ٤- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٩٠ و... .
- ٥- تفسير التّبيان: ج ٨، ص ٦١.
- ٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٢٤.
- ٧- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٦٦ و... .
- ٨- تفسير فرات الكوفى: ص ١٠٨ و... .

٩- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٢٢٧.

ص: ٥٩٣

- ١٠- تفسير منهج الصادقين: ج ٦، ص ٤٨٦ و....
- ١١- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ٨، ص ٣٦٦ و....
- ١٢- تفسير جامع: ج ٥، ص ٧٨ و....
- ١٣- تفسير جوامع جامع: ص ٣٣٣.
- ١٤- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٤٣ و....
- ١٥- النور المشتعل: ص ١٥٥.
- ١٦- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٠٤ و....
- ١٧- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٦٢ و....
- ١٨- علل الشرايع: ص ١٧٠، ح ٢.
- ١٩- اثبات الهداة: ج ٣، ص ٥٠٣، ح ٤٨٠.
- ٢٠- تاريخ ابن عساکر: ج ١، ص ٨٥ و....، ح ١٣٧ ١٣٨ و ١٣٩ و....
- ٢١- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحديد: ج ٢، ص ٢٥٣.
- ٢٢- ينابيع المودة: ص ١٠٥.

آیه ٢٢٧ - ص ١٨٨

- ١- معانی الاخبار: ص ١٩٣.
- ٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ١٩٤.
- ٣- تفسير جامع: ج ٥، ص ٨٩ و....
- ٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٩، ص ٥٢٥.
- ٥- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٢٢٩ و....
- ٦- تفسير فرات الكوفي: ص ١١٣ و....

٧- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٧٣ و... .

ص: ٥٩٤

٨- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٢٥ و... .

٩- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٣٤.

٢٧- سورة مبارکه ی نمل

آیه ١ - ٢٦ - ٤٠ - ٦٢ - ص ١٩١ - ١٩٠

١- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ٣٩١.

٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٢٩.

٣- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٠٨.

٤- تفسير كنز الدقائق: ج ٩، ص ٥٨٠ و... .

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٩٤ و... .

٦- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٢٤٣.

٧- تفسير جامع: ج ٥، ص ١٣٠.

آیه ٨٩ - ص ١٩١

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢١٢.

٢- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ٤٠٦.

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٣١.

٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٢٥٠.

٥- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٦٥.

٦- تفسير جامع: ج ٥، ص ١٤٠.

٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٨، ص ٤٢٨.

- ٨- تفسير فرات الكوفي: ص ١١٥ و... .
- ٩- تفسير نورالتقلين: ج ٤، ص ١٠٢ و... .
- ١٠- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٢٣٧.
- ١١- تفسير كنزالدقائق: ج ٩، ص ٦٠١ و... .
- ١٢- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٤٨ و... .
- ١٣- خصائص الوحي المبين: ص ٢١٩.
- ١٤- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٤٢.
- ١٥- بنابيع المودّة: ص ٩٨.

آيه ٩٠ - ص ١٩٢

- ١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢١٣.
- ٢- تفسير نورالتقلين: ج ٤، ص ١٠٤ و... .
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٦٥ و... .
- ٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٨، ص ٤٢٨ و... .
- ٥- تفسير كنزالدقائق: ج ٩، ص ٦٠٣ و... .
- ٦- تفسير جامع: ج ٥، ص ١٤٠.
- ٧- تفسير الميزان: ج ١٥، ص ٤٠٦ و... .
- ٨- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٣١.
- ٩- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٥٢ و... .
- ١٠- النور المشتعل: ص ١٦١.
- ١١- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٤٢.

- ١- تفسیر الصّافی: ج ٢، ص ٢٥٣.
- ٢- تفسیر برهان: ج ٣، ص ٢٢٠.
- ٣- تفسیر کنزالدقائق: ج ١٠، ص ٣٣ و....
- ٤- تفسیر منهج الصادقین: ج ٧، ص ٧٠ و....
- ٥- تفسیر جامع: ج ٥، ص ١٥١ و....
- ٦- تفسیر التّبیان: ج ٨، ص ١١٤.
- ٧- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ٨، ص ٤٣٥.
- ٨- تفسیر فرات الکوفی: ص ١١٦.
- ٩- تفسیر نورالثقلین: ج ٤، ص ١٠٧ و....
- ١٠- تفسیر مجمع البیان: ج ٤، ص ٢٣٩.
- ١١- تفسیر المیزان: ج ١٦، ص ١٤ و....
- ١٢- تفسیر القمی: ج ٢، ص ١٣٣.
- ١٣- شواهد التّنزیل: ج ١، ص ٥٥٥.
- ١٤- امالی شیخ صدوق: مجلس ٧٢، ص ٤٧٩، ح ٢٦.
- ١٥- معانی الاخبار: ص ٧٩، باب معنی قول نبی،
ح ١.
- ١٦- کتاب الغیبه: ص ١٨٤، ح ١٤٣.

١- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ٣٠.

ص: ٥٩٧

٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٢٩.

٣- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٢٦٧.

٤- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٤١.

٥- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ٨١.

٦- تفسير جامع: ج ٥، ص ١٧٨.

آيه ٦١ - ٧٠ - ص ١٩٣

١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ٨٨ و... .

٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ١١٨.

٣- تفسير جامع: ج ٥، ص ١٨٧.

٤- تفسير التّبيان: ج ٨، ص ١٤٨.

٥- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٣٤.

٦- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢٠٧ و... .

٧- اسباب التّزول: ص ١٤١.

٨- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٦٤.

٩- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ٢٢٠.

١٠- شواهد التّنزيل: ج ١، ص ٥٦٣.

١١- كمال الدّين و تمام النّعمة: باب ميلاد قائم عليه السّلام، ص ٤٢٥، ح ١.

١٢- فرائد السّمطين: ج ١، ص ٣٦٤، ح ٢٩١.

١٣- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣١٣.

١٤- ينابيع المودّة: ص ٩٦.

آیات ١ - ٢ - ٤١ - ص ١٩٤

- ١- كشف الغمّة في معرفة الاثمة: ج ١، ص ٣١٦.
- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ١١٩ و....
- ٣- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٥٠.
- ٤- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٤٣ و....
- ٥- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٤٨.
- ٦- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ١١٠.
- ٧- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ١٤٨ و....
- ٨- تفسير فرات الكوفى: ص ١١٧ و....
- ٩- تفسير جامع: ج ٥، ص ٢١١ و....
- ١٠- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ١٣٨.
- ١١- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٢٨٢.
- ١٢- اسباب النزول: ص ١٤٢.
- ١٣- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٦٥.
- ١٤- نهج البلاغه: ص ٤٨١، خطبه ١٥٥، فراز ١٠.
- ١٥- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٠٢، ح ٤.
- ١٦- حديقۀ الشّيعه: ص ١١٤.

آيه ٤٨ - ص ١٩٥

- ١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ١٥٥ و....

- ٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٢٩٠.
- ٣- تفسير منهج الصّادقين: ج ٧، ص ١٦٨ و....
- ٤- تفسير جامع: ج ٥، ص ٢٢٧ و....
- ٥- تفسير التّبيان: ج ٨، ص ١٩٣ و....
- ٦- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ٩، ص ٢٨.
- ٧- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٥٠ و....
- ٨- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٥٤.
- ٩- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٢٨٧.
- ١٠- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ١٦٤.
- ١١- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ١٨٩.

آيه ٤٩- ص ١٩٧

- ١- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ١٤٥ و....
- ٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ١٥٦ و....
- ٣- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ٩، ص ٢٨.
- ٤- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٢٨٨.
- ٥- تفسير القيمى: ج ٢، ص ١٥١.
- ٦- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٥٤ و....
- ٧- تفسير جامع: ج ٥، ص ٢٢٨ و....
- ٨- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٢٩٠.
- ٩- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ٢٨٩.

١٠- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٦٦، ح ١.

ص: ٦٠٠

آیه ۶۹ - ص ۱۹۷

- ۱- الاختصاص: ص ۱۲۷.
- ۲- تفسير الميزان: ج ۱۶، ص ۱۵۲.
- ۳- تفسير القمى: ج ۲، ص ۱۵۱.
- ۴- تفسير الصّافى: ج ۲، ص ۲۹۳.
- ۵- تفسير جامع: ج ۵، ص ۲۳۷.
- ۶- تفسير فرات الكوفى: ص ۱۱۸.
- ۷- تفسير نورالثقلين: ج ۴، ص ۱۶۸.
- ۸- تفسير برهان: ج ۳، ص ۲۵۷.
- ۹- شواهد التنزيل: ج ۱، ص ۵۶۹.
- ۱۰- اسباب النزول: ص ۱۴۳.
- ۱۱- معانى الاخبار: ص ۵۹، ح ۹.

۳۰-سوره مبارکه ی روم

آیه ۱ - ۲۷ - ۳۰ - ص ۱۹۸

- ۱- تفسير الميزان: ج ۱۶، ص ۱۸۶.
- ۲- تفسير القمى: ج ۲، ص ۱۵۴.
- ۳- تفسير كنزالدقائق: ج ۱۰، ص ۱۹۶ و....
- ۴- تفسير برهان: ج ۳، ص ۲۶۱ و....
- ۵- تفسير نورالثقلين: ج ۴، ص ۱۸۱ و....
- ۶- تفسير جامع: ج ۵، ص ۲۶۰ و....

- ٧- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٣٠٠.
- ٨- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٦، ح ٣٥.
- ٩- الاصول من الكافي: ج ٢، ص ١٠، ح ١.
- ١٠- كتاب التّوحيد: ص ٣٢٨، ح ١ و... .
- ١١- الرّوضة من الكافي: المجلّد الثّاني، ص ١٥٠، ح ٤٢٤.
- ١٢- محاسن البرقي: ص ٢٤١، ح ٢٢٤.
- ١٣- تأويل الايات الباهرة: ص ١٥٦.

آيه ٣٧ - ٣٨ - ص ١٩٩

- ١- تفسير نورالتّقلين: ج ٤، ص ١٨٦.
- ٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٤٣.
- ٣- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٥٥.
- ٤- تفسير العياشي: ج ٢، ص ٢٨٧.
- ٥- تفسير جامع: ج ٥، ص ٢٤٢.
- ٦- تفسير كنز الدّقائق: ج ١٠، ص ٢٠٤ و... .
- ٧- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٣٠١.
- ٨- تفسير مهنج الصّادقين: ج ٧، ص ٢٢٨.
- ٩- تفسير فرات الكوفي: ص ١١٨ و... .
- ١٠- تفسير التّبيان: ج ٨، ص ٢٢٨.
- ١١- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ١٨٩.
- ١٢- تفسير شُبر: ص ٣٨٨.

١٣- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٠٦.

ص: ٦٠٢

١٤- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٥٩.

١٥- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٧٠.

١٦- وسائل الشّيعه: ج ١٣، ص ١٦٩.

١٧- وسائل الشّيعه: ج ١٨، ص ١٧١ و ٢٥١.

٣١-سوره مبارکه ی لقمان

آیه ٢٠ - ص ٢١٧

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٧٨.

٢- تفسر کنزالدقائق: ج ١٠، ص ٢٦٠ و... .

٣- تفسير سُبْر: ص ٣٩٢.

٤- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ٢٣٩.

٥- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٢٠.

٦- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٩، ص ٧٧ و... .

٧- تفسير جامع: ج ٥، ص ٢٩٣ و... .

٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٢٤٣.

٩- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٣١٤ و... .

١٠- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٦٥ و... .

١١- مناقب آل ابی طالب: ج ٤، ص ١٨٠.

١٢- مناقب آل ابی طالب: ج ٣، ص ٧٦.

١٣- کمال الدّین و تمام النّعمه: ص ٣٦٨، ح ٦.

١٤- ينابيع المودّة: ص ١١١.

آیه ۲۲ - ص ۲۱۸

- ۱- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۲۷۹.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۰، ص ۲۶۵.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۳۱۶.
- ۴- تفسیر جامع: ج ۵، ص ۲۹۵.
- ۵- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۱۶۶.
- ۶- تفسیر نورالثقلین: ج ۴، ص ۲۱۵.
- ۷- اسباب النزول: ص ۱۴۴.
- ۸- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۵۷۱.
- ۹- علیّ فی الكتاب و السنّه: ج ۱، ص ۲۱۱ و...

آیات ۲۶ - ۲۷ - ص ۲۱۹

- ۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۰، ص ۲۶۷.
- ۲- تفسیر جامع: ج ۵، ص ۱۹۷.
- ۳- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۲۷۹.
- ۴- تفسیر نورالثقلین: ج ۴، ص ۲۱۶.
- ۵- الاحتجاج: ج ۲، ص ۲۵۸.
- ۶- ینابیع المودّه: ص ۱۱۱، باب ۳۷.

۳۲-سوره مبارکه ی سجده

آیه ۱۸ - ص ۲۲۱

- ۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۰، ص ۳۰۰.

- ٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٨٦.
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٣٢.
- ٤- تفسير نورالتقلين: ج ٤، ص ٢٣١.
- ٥- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ٢٧٠ و... .
- ٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٧٠.
- ٧- تفسير التبيان: ج ٨، ص ٢٧٥.
- ٨- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٩، ص ٩٦.
- ٩- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣١٤.
- ١٠- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٢٧١.
- ١١- تفسير فرات الكوفى: ص ١٢٠ و... .
- ١٢- تفسير الصافى: ج ٢، ص ٣٢٤.
- ١٣- تفسير القرآن كريم: صدر المتألهين: ج ٦، ص ١١١.
- ١٤- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٣، ص ٤٦٢.
- ١٥- شواهد التنزيل: ج ١، ص ٥٧٥.
- ١٦- اسباب النزول: ص ١٤٥.
- ١٧- خصائص الوحي المبين: ص ١٦٥.
- ١٨- التورالمشعل: ص ١٤٢ و ١٦٤.
- ١٩- على فى الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢١٣.
- ٢٠- دلائل الصديق: ج ٢، ص ١٥٨.
- ٢١- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٧٦.

٢٢- المناقب الخوارزمي: ص ٢٧٩، ح ٢٧١.

٢٣- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ١٢٠.

ص: ٦٠٥

آیه ٤ - ص ٢٢٢

- ١- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٣٢٧.
- ٢- تفسير القمی: ج ٢، ص ١٧١.
- ٣- تفسير نورالتّقلين: ج ٤، ص ٢٣٤.
- ٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٣١٣ و....
- ٥- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٢٤ و....
- ٦- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٩٠.
- ٧- امالی الشّیخ الطّوسی: ج ١، ص ١٤٧ و....

آیه ٦ - ص ٢٢٢

- ١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٣٢٠ و...
- ٢- تفسير القمی: ج ٢، ص ١٧٥ و....
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٣٨.
- ٤- تفسير منهج الصّادقین: ج ٧، ص ٢٨٥.
- ٥- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٢٨ و....
- ٦- تفسير نورالتّقلين: ج ٤، ص ٢٣٧ و....
- ٧- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ٢٨٢.
- ٨- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٩٣ و....
- ٩- تفسير الدر المنثور: ج ٥، ص ٢٩٣ و....
- ١٠- اسباب النزول: ص ١٤٧.

١١- كتاب الخصال: ص ١٢٧، ح ٢.

١٢- حديقۀ الشيعة: ص ١١٨.

١٣- الغدير: ج ١، ص ٣٨٧.

١٤- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٢٢.

آيه ١٠ - ٢١ - ص ٢٢٤

١- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٤٣ و... .

٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٨٣.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ٣٣٨ و... .

٤- تفسير برهان: ج ٣، ص ٢٩٨ و... .

٥- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ٢٩٧ و... .

٦- تفسير نورالتقلين: ج ٤، ص ٢٤٣.

٧- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٣٩ و... .

٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٢٩٢ و... .

٩- كشف الاسرار و عُدّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى: ج ٨، ص ٢٠.

١٠- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٣٤٠ و... .

١١- اسباب النزول: ص ١٤٩.

١٢- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ١٣٤ و... .

١٣- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ١٩٨.

آيه ٢٣ - ص ٢٢٥

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٠١ و... .

- ٢- تفسير القمى: ج ٣، ص ١٨٨.
- ٣- تفسير نورالتقلين: ج ٤، ص ٢٥٨ و... .
- ٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٣٥٣ و... .
- ٥- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٣٤٥ و... .
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٣٠٣ و... .
- ٧- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٤٣ و... .
- ٨- تفسير شُبر: ص ٣٩٩.
- ٩- تفسير التّبيان: ج ٨، ص ٢٩٨ و... .
- ١٠- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٧٠.
- ١١- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٥٠.
- ١٢- اسباب النزول: ص ١٤٨.
- ١٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٥ و... .
- ١٤- تأويل الايات الباهرة: ص ١٦٠.
- ١٥- علىّ فى الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢١٧ و... .
- ١٦- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣٦٣ و... .
- ١٧- دلائل الصّديق: ج ٢، ص ١٦٤ و... .
- ١٨- كتاب الخصال: ص ٣٧٦، ح ٥٨.
- ١٩- حديقه الشّيعه: ص ١١٣.
- ٢٠- المناقب الخوارزمى: ص ٢٧٩، ح ٢٧٠.
- ٢١- كشف الغمّة فى معرفة الائمّة: ج ١، ص ١٩٠.

٢٢- ينايغ المودّة: ص ٩٤.

ص: ٦٠٨

- ۱- تفسیر مجمع البیان: ج ۴، ص ۳۵۰.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۳۰۳ و....
- ۳- تفسیر التبیان: ج ۸، ص ۲۹۹ و....
- ۴- تفسیر مہنج الصادقین: ج ۷، ص ۳۰۵ و....
- ۵- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۱۸۹.
- ۶- تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی: ج ۹، ص ۱۳۸ و....
- ۷- تفسیر المیزان: ج ۱۶، ص ۳۰۱.
- ۸- تفسیر نور الثقلین: ج ۴، ص ۲۶۱ و....
- ۹- تفسیر جامع: ج ۵، ص ۳۴۵ و....
- ۱۰- تفسیر جوامع الجامع: ص ۳۷۰.
- ۱۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۳۴۶.
- ۱۲- تفسیر کنز الدقائق: ج ۱۰، ص ۳۵۷ و....
- ۱۳- کشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف بہ تفسیر خواجه عبد اللہ انصاری: ج ۸، ص ۳۹.
- ۱۴- تفسیر الدر المنثور: ج ۵، ص ۱۹۲.
- ۱۵- شواہد التنزیل: ج ۲، ص ۵ و....
- ۱۶- اسباب النزول: ص ۱۴۹.
- ۱۷- النور المشتعل: ص ۱۷۲.
- ۱۸- علیّ فی الكتاب و السنّة: ج ۱، ص ۲۲۰ و....
- ۱۹- دلائل الصّدق: ج ۲، ص ۱۷۴ و....

٢٠- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣٧٦ و... .

ص: ٦٠٩

- ٢١- تاريخ ابن عساكر: ج ٢، ص ٤٢٠، ح ٩٢٠.
- ٢٢- المناقب الخوارزمية: ص ١٠٦، فصل ٩، ح ١١٢.
- ٢٣- كشف الغمّة في معرفة الاثمة: ج ١، ص ٣٧٠.
- ٢٤- فرائد السمطين: ج ١، ص ٢٥٥.
- ٢٥- ينابيع المودة: ص ٩٤.
- ٢٦- مناقب آل ابي طالب: ج ٢، ص ٣٢٦ و... .
- ٢٧- كفاية الطالب: ص ١١٠.
- ٢٨- بحرالبحر: ج ٧، ص ٢٢٤.
- ٢٩- معارج النبوة: ج ١، ص ١٦٣.
- ٣٠- مناقب مرتضوى: ص ٥٥.
- ٣١- روح المعاني: ج ١، ص ١٥٦.
- ٣٢- تاريخ بغداد: ج ١٣، ص ١٨.
- ٣٣- مستدرک: ج ٣، ص ٣٢.
- ٣٤- سعد السعود: ص ١٣٩.
- ٣٥- السيرة الحلبية: ج ٢، ص ٣٤٩.
- ٣٦- المواقف: ج ٣، ص ٢٧٦.
- ٣٧- هداية المرتاب: ص ١٤٨.
- ٣٨- كنز العمال: ج ٦، ص ١٥٨.
- ٣٩- صواعق المحرقة: ص ٨٠.
- ٤٠- مناقب حافظ ابوبكر مردويه.

۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۰، ص ۳۷۴ و....

ص: ۶۱۰

- ٢- تفسير البلابل القلاقل: ج ٣، ص ٧٠ و... .
- ٣- تفسير فرات الكوفى: ص ١٢١ و... .
- ٤- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٥٢ و... .
- ٥- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ٩، ص ١٥٣ و... .
- ٦- تفسير التبيان: ج ٨، ص ٣٠٧ و... .
- ٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٣١٦ و... .
- ٨- تفسير شبر: ص ٤٠٠.
- ٩- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٧٢.
- ١٠- تفسير الصافى: ج ٢، ص ٣٥١.
- ١١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣١٩.
- ١٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٩٣.
- ١٣- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٢٧٠.
- ١٤- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٥٦ و... .
- ١٥- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ٣١٦.
- ١٦- كشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى: ج ٨، ص ٤٥ و... .
- ١٧- تفسير الدر المنثور: ج ٥، ص ١٩٨ و... .
- ١٨- التفسير الكبير فخر رازى: ج ٢٥، ص ٢٠٩.
- ١٩- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٣، ص ٤٨٣ و... .
- ٢٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٨ و... .
- ٢١- اسباب النزول: ص ١٥١ و... .

٢٢- النور المشتعل: ص ١٨٠.

٢٣- خصائص الوحي المبين: ص ١٦٣ و... .

ص: ٦١١

- ٢٤- كتاب الخصال: ص ٥٥٠، ح ٣٠.
- ٢٥- كمال الدّين و تمام التّعمة: ص ٢٧٨.
- ٢٦- علل الشّرايع: ص ١٩٠ و...، باب ١٥١، ح ١.
- ٢٧- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٠، ح ٥٤.
- ٢٨- امالى شيخ صدوق: ص ٢٤٠، مجلس ٤٢، ح ١٠.
- ٢٩- امالى شيخ صدوق: ص ٢٧٢، مجلس ٧٢، ح ٤.
- ٣٠- حديقه الشّيعه: ص ٥٠.
- ٣١- الاحتجاج: ج ١، ص ١٦٣ و... .
- ٣٢- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ٣١٠.
- ٣٣- بحار الانوار: ج ٣٥، ص ٢٠٦، ح ١.
- ٣٤- احقاق الحق: ج ٢، ص ٥٠١ و... .
- ٣٥- الفوائد الطّوسية: ص ٢٣٨، فائده ٥٦.
- ٣٦- فضائل الخمسه من الصّحاح السّته: ج ١، ص ٢٦٤ و... .
- ٣٧- الاحتجاج: ج ١، ص ١٢٢ و... .
- ٣٨- ينابيع المودّة: ص ١٠٧، باب ٣٣.
- ٣٩- صحيح مسلم: ج ٤، ص ١٨٨٣، باب ٩، ح ٢٤٢٤.
- ٤٠- تاريخ ابن عساکر: ترجمه امام حسن عليه السّلام: ص ٦٣، و...، ح ١١٣.
- ٤١- تفسير قرطبي: ج ١٤، ص ١٨٢.
- ٤٢- تفسير طبري: ج ٢٢، ص ٥.
- ٤٣- صحيح مسلم: كتاب فضائل الصحابه، فضائل اهل بيت عليهم السّلام.

۴۴- سنن بیہقی: ج ۲، ص ۱۴۹.

ص: ۶۱۲

٤٥- مستدرک حاکم: ج ٣، ص ١٤٧.

٤٦- صحیح ترمذی: ج ٢، ص ٢٠٩.

٤٧- مسند احمد بن حنبل: ج ١، ص ٣٣٠.

٤٨- مشکل الآثار: ج ١، ص ٣٣٥.

٤٩- اسد الغابۃ: ج ٢، ص ١٢.

٥٠- ذخائر العقبی: ص ٢١.

٥١- کنز العمال: ج ٧، ص ١٠٣.

٥٢- تاریخ بغداد: ج ٩، ص ١٢٦.

٥٣- خصائص نسائی: ص ٨.

٥٤- ریاض النصر: ج ٢، ص ٢٠٣.

٥٥- مجمع الزوائد: ج ٩، ص ١١٩.

٥٦- اسباب النزول واحدی: ص ٢٦٧.

٥٧- الاصابة: ج ٤، ص ٢٠٧.

٥٨- تاریخ ابن عساکر: ج ٣، ص ٢٠٤.

٥٩- صحیح مسلم: ج ٢، ص ٣٣١.

٦٠- کفایة الطالب: باب ١١.

٦١- تاریخ کبیر بخاری: ج ٨، ص ١٨٧.

٦٢- مصابیح السنه: ج ٤، ص ١٨٣.

٦٣- منتخب کنز العمال: ج ٥، ص ٩٦.

٦٤- صواعق المحرقة: ص ٣١١.

٦٥- استيعاب: ج ٣، ص ٣٧.

٦٦- عقد الفريد: ج ٤، ص ٣١١.

٦٧- احكام القرآن ابن عربي: ج ٣، ص ١٥٣٨.

ص: ٦١٣

٦٨- تلخيص ذهني: ج ٢، ص ١٥٠.

٦٩- معجم طبراني: ج ٣، ص ٤٨.

٧٠- تذكرة الخواص ابن جوزي: ص ٢٣٣.

٧١- سيرة الحلبيه: ج ٣، ص ٢١٢.

٧٢- سيره دحلانيه: ج ٣، ص ٣٢٩.

٧٣- انساب الاشراف: ج ٢، ص ١٠٤.

٧٤- غاية المرام: ص ٢٨٧.

٧٥- سير علام: ج ٢، ص ١٣٤.

٧٦- تهذيب التهذيب: ج ١، ص ١١٣.

٧٧- جمع الجوامع: ج ٢، ص ٢٧٢.

٧٨- منتخب السياق: ص ٤٣٥.

٧٩- لسان الميزان: ج ٥، ص ٢٥٥.

٨٠- الكامل: ج ٦، ص ٢٢١٧.

٨١- مناقب ابن مغزلي: ص ٣٠٢، ح ٣٤٦.

٨٢- تاريخ بغداد: ج ١٠، ص ١٩٩.

٨٣- المعرفة و التاريخ: ج ١، ص ٤٩٨.

٨٤- سنن الكبرى: ج ٢، ص ١٤٩.

٨٥- معالم التنزيل: ج ٣، ص ٥٢٩.

٨٦- شرف المصطفى: ص ٢٧٠.

٨٧- ميزان الاعتدال: ج ٢، ص ٣٨١.

٨٨- كامل ابن عدى: ج ٥، ص ١٨٩٥.

٨٩- التاريخ الكبرى: ج ٦، ص ٢٥.

٩٠- كتاب الفضائل: ص ٧٣.

ص: ٦١٤

- ٩١- معجم الكبرى: ج ٣، ص ١٤٩.
- ٩٢- تاريخ اصفهان: ج ٢، ص ٢٥٣.
- ٩٣- الفضائل: ص ١٣٧.
- ٩٤- العبر: ج ٣، ص ٩٣.
- ٩٥- تاريخ جرجاني: ص ٢٦٩.
- ٩٦- بقیة الوعاء: ج ١، ص ٥١٩.
- ٧- كتاب آیه تطهير: ج ١، ص ١٢٥ و... .
- ٩٨- تلخیص الشافى: ج ٢، ص ٢٥٠.
- ٩٩- الصراط المستقیم: ج ١، ص ١٨٤.
- ١٠٠- الذریعة الطاهرة: ص ١٤٩ و... .
- ١٠١- مستدرک الصحیحین: ج ٣، ص ١٤٧.
- ١٠٢- فاطمة الزهراء علیها السلام: ص ١٥ و... .
- ١٠٣- الكلمة الغراء فی تفضیل الزهراء صلوات الله علیها: ص ١١ و... .
- ١٠٤- فروغ هدايت: ص ٢٢٦ و... .
- ١٠٥- صوارم المهرقه.
- ١٠٦- كتاب: جلاء الضمير فی حلّ مشكلات آیه التطهير و... (١)

آیه ٤٠ - ص ٢٣٨

١- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٦١.

٢- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٣٥٧.

۱- آیه ی شریفه پیرامون حدیث شریف کسا آمده است و این حدیث در آخر بعضی از مفاتیح الجنان ها ثبت گردیده است. صاحب مفاتیح الجنان آن را از کتاب عوالم گرفته است.

٣- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٢٨٤.

٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١، ص ٣٩٩ و....

٥- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٣٣٢ و....

٦- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٥٩.

٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١٦٢.

٨- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٧٤.

آیه ٤٣ - ص ٢٣٩

١- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٣٥٨.

٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٢٧.

٣- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٢٨٨.

٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٤٠٥.

٥- الاصول من الكافي: ج ٢، ص ٣٥٨، ح ١٤.

آیه ٥٦ - ص ٢٣٩

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٤٣٦.

٢- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٩٦.

٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص.

٤- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ٣٤٣ و...

٥- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٧١ و....

٦- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٩، ص ١٧٦.

٧- تفسير التبيان: ج ٨، ص ٣٢٦.

- ٨- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٣٠٠.
- ٩- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٣٥.
- ١٠- تفسير جامع البيان: ج ٤، ص ٣٦٩.
- ١١- كشف الاسرار و عُذَّة الابرار معروف به
تفسير خواجه عبدالله انصاری: ج ٨، ص ٨٦ و....
- ١٢- تفسير الدر المنثور: ج ٥، ص ٢١٩.
- ١٣- خصائص الوحي المبين: ص ٢٠٢.
- ١٤- حديقه الشيعة: ص ٧٨.
- ١٥- كتاب الخصال: ص ٦٢٩، حديث اربعمائه از علي عليه السلام.
- ١٦- ينابيع المودة: ص ٨.

آيه ٥٧ - ص ٢٤١

- ١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ٤٣٩ و....
- ٢- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٧١ و....
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٣٦٦.
- ٤- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ٩، ص ١٧٨.
- ٥- تفسير القمی: ج ٢، ص ١٩٦.
- ٦- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٣٦٥.
- ٧- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٣٧.
- ٨- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٣٧٠.
- ٩- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٣٠٥.

۱۰- كشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاری: ج ۸

ص: ۶۱۷

١١- تفسير الكشاف: ج ٣، ص ٥٥٩.

١٢- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٤١ و... .

١٣- اسباب النزول: ص ١٥٤.

١٤- النور المشتعل: ص ١٨٨.

١٥- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٢٢ و... .

آيه ٥٨ - ص ٢٤٢

١- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٩٦.

٢- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٣٦٦.

٣- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٣٠٦.

٤- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٣٨.

٥- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٧٢.

٦- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ٤٤٠ و... .

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٣٦٧ و... .

٨- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ٩، ص ١٧٩.

٩- كشف الاسرار و عده الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري: ج ٨، ص ٨٨.

١٠- كشف الاسرار و عده الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري: ج ١، ص ٣٢٢.

١١- تفسير الكشاف: ج ٣، ص ٥٥٩.

١٢- اسباب النزول: ص ١٥٥.

١٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٤١.

١٤- النور المشتعل: ص ١٨٨.

١٥- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١٨٩.

١٦- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٢١٠ و... .

١٧- احقاق الحق: ج ٣، ص ٤١٧.

آيه ٧٢ - ص ٢٤٢

١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ٤٥٠ و... .

٢- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٣٠٩ و... .

٣- تفسير جامع: ج ٥، ص ٣٧٧ و... .

٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ١٩٨.

٥- تفسير الصافى: ج ٢، ص ٢٤٨.

٦- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٤٠.

٧- تفسير الميزان: ج ١٦، ص ٣٥٤.

٨- عيوان اخبار الرضا: ج ١، ص ٢٧٣، ح ٦٦.

٩- معانى الاخبار: ص ١٠٨ و...، ح ١-٢.

١٠- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٤١، ح ٢.

١١- مناقب آل ابى طالب: ج ٢، ص ٣١٤.

١٢- عوالى اللبالبى: ج ١، ص ٣٢٤، ح ٦٢.

١٣- بصائر الدرجات: ص ٩٦، ح ٣.

٣٤- سورة مباركه ى سبا

۱- تفسیر برهان: ج ۳، ص ۳۵۰ و...

ص: ۶۱۹

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٥٠٠ و....

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٠٢.

٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٣٨٠.

٥- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٣٣٤.

آيه ٤٦ - ص ٢٤٤

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٥٣ و....

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٥١٨.

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٠٤.

٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٣٨٦ و....

٥- تفسير فرات الكوفى: ص ١٢٧.

٦- تفسير البلابل القلاقل: ج ٢، ص ١٠١ و....

٧- تفسير جامع: ج ٥، ص ٤٢١.

٨- اسباب النزول: ص ١٥٨.

٣٥-سوره مبارکه ی فاطر

آيه ١٠ - ص ٢٤٦

١- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٥٨.

٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٠٨.

٣- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٥٤٤ و....

٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٣٩٣.

٥- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٩، ص ٢٣٥.

٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٤٣٤.

٧- تفسير نورالتقلين: ج ٤، ص ٣٥٣ و... .

٨- تفسير جامع: ج ٥، ص ٤٣٥.

٩- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٦، ح ٨٥.

١٠- الاحتجاج: ج ١، ص ٣٨٦ و... .

آیه ٢٨ - ص ٢٤٧

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٥٦٠.

٢- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٦١.

٣- تفسير الميزان: ج ١٧، ص ٤٩.

٤- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٥٢ و... .

آیه ٣٢ - ص ٢٤٧

١- تفسير الميزان: ج ١٧، ص ٤٩.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٥٦٤ و... .

٣- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٨٩.

٤- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٦٢ و... .

٥- تفسير شُبر: ص ٤١٤.

٦- تفسير جامع: ج ٥، ص ٤٤٣ و... .

٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٩، ص ٢٤٤ و... .

٨- تفسير فرات الكوفي: ص ١٢٨.

- ٩- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٤٥٠ و... .
- ١٠- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٠٩ .
- ١١- تفسير نورالتقلين: ج ٤، ص ٣٦١ و... .
- ١٢- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٤٠٧ و... .
- ١٣- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٣٩٨ و... .
- ١٤- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٥٦ و... .
- ١٥- اسباب النزول: ص ١٥٩ .
- ١٦- الاصول من الكافى: ج ١، ص ١٦٧، ح ١ .
- ١٧- معانى الاخبار: ص ١٠٤، ح ٢ و٣ .
- ١٨- بصائر الدرجات: ص ٦٤ و١٣٥ .
- ١٩- الاحتجاج: ج ٢، ص ١٣٨ و... .
- ٢٠- مناقب آل ابى طالب: ج ٤، ص ١٣٠ .
- ٢١- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٢٠٧ و...، ح ١ .
- ٢٢- حديقته الشيعه: ص ١٢٣ .
- ٢٣- كشف الغمّة فى معرفة الائمه: ج ١، ص ٣١٦ و... .

آيات ٣٤ - ٣٥ - ٢٤٨

- ١- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٤٠٠ .
- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٠، ص ٥٧٣ و... .
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٤٥٦ .
- ٤- تفسير فرات الكوفى: ص ١٢٨ و... .

٥- تفسير جامع: ج ٥، ص ٤٥٠ و... .

ص: ٦٢٢

- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٤٠٩.
- ٧- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٦٥ و... .
- ٨- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٣٦٦ و... .
- ٩- الرّوضه من الكافي: المجلد الثاني، ص ٩٧ و...، ح ٤١٨.
- ١٠- كتاب الخصال: ص ٥٥٨ و... .

آيات ٣٦ - ٣٧ - ص ٢٥٤

- ١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٠، ص ٥٧٨ و... .
- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٣٧٠ و... .
- ٣- تفسير برهان: ج ٣، ص ٣٦٧ و... .
- ٤- تفسير جامع: ج ٥، ص ٤٥١ و... .
- ٥- تفسير الميزان: ج ١٧، ص ٦٠.
- ٦- تفسير فرات الكوفى: ص ١٣٠.

٣٦-سوره مبارکه ی يس

آیه ١ - ٢ - ٤ - ص ٢٥٥

- ١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٧، ص ٥٥.
- ٢- تفسير فرات الكوفى: ص ١٣٠.
- ٣- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٣٧٤ و... .
- ٤- تفسير جامع: ج ٥، ص ٤٦١.
- ٥- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٤٠٣ و... .

آیه ۱۲ - ص ۲۵۵

- ۱- معانی الاخبار: ص ۹۵.
- ۲- تفسیر شُبر: ص ۴۱۶.
- ۳- تفسیر نورالثقلین: ج ۴، ص ۳۷۵ و... .
- ۴- تفسیر جامع: ج ۵، ص ۴۶۷.
- ۵- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۱، ص ۶۱ و... .
- ۶- تفسیر المیزان: ج ۱۷، ص ۷۰.
- ۷- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۴۰۵.
- ۸- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۲۱۲.
- ۹- علیّ فی الكتاب و السنّه: ج ۱، ص ۲۲۷ و... .
- ۱۰- احقاق الحق: ج ۱۴، ص ۴۷۱.
- ۱۱- ینایع المودّه: ص ۷۱، ب ۳ و ۱۴.

آیات ۲۰ - ۲۱ - ص ۲۵۷

- ۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۵ و... .
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۱، ص ۷۰ و... .
- ۳- تفسیر جوامع الجامع: ص ۳۹۱.
- ۴- تفسیر المیزان: ج ۱۷، ص ۸۳.
- ۵- تفسیر جامع: ج ۵، ص ۴۷۵.
- ۶- تفسیر منهج الصّادقین: ج ۷، ص ۴۷۹.
- ۷- تفسیر فرات الکوفی: ج ۱۳۰.

٨- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٣٨٣.

ص: ٦٢٤

- ٩- تفسير القرآن الكريم، صدر المتألهين: ج ٥، ص ٥٨ و... .
- ١٠- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٩، ص ٢٧١.
- ١١- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٤٠٩.
- ١٢- تفسير الدر المنثور: ج ٥، ص ٢٦٢.
- ١٣- كتاب الخصال: ص ١٧٤، ح ٢٣٠.
- ١٤- امالی شيخ صدوق: ص ٤٧٦، مجلس هفتاد و دوم، ح ١٨.

٣٧-سوره مبارکه ی صافات

آیه ٢٤- ص ٢٥٨

- ١- تفسير كنز الدقائق: ج ١١، ص ١٢٠.
- ٢- تفسير شُبْر: ص ٤٢٢.
- ٣- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ٩، ص ٣٠٢.
- ٤- تفسير فرات الكوفي: ص ١٣٠ و... .
- ٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٧.
- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٤٤١.
- ٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ٥٠٩.
- ٨- تفسير جوامع الجامع: ص ٣٩٧.
- ٩- تفسير جامع: ج ٥، ص ٥٠٠ و... .
- ١٠- تفسير القمی: ج ٢، ص ٢٢٢.
- ١١- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٤٢١.
- ١٢- تفسير الميزان: ج ١٧، ص ١٤١.

- ١٣- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٤٠١.
- ١٤- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٦٠ و....
- ١٥- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٢٩ و....
- ١٦- امالي الشيخ الطوسي: ج ١، ص ٢٩٦.
- ١٧- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٢٨٠، ح ٨٦.
- ١٨- دلائل الصدق: ج ٢، ص ٩٦ و....
- ١٩- احقاق الحق: ج ٣، ص ١٠٤ و....
- ٢٠- فضائل الخمسة من الصحاح الستة: ج ١، ص ٣٢٨ و....
- ٢١- النور المشتعل: ص ١٩٦ و....
- ٢٢- المناقب الخوارزمي: ص ٢٧٥، ح ٢٥٦.
- ٢٣- ينابيع المودة: ص ١١٤.
- ٢٤- كشف الغمة في معرفة الائمة: ج ١، ص ٣٠٥ و ٣١٣.
- ٢٥- فرائد السمطين: ج ١، ص ٧٨، ح ٤٦.
- ٢٦- ما نزل القرآن في علي عليه السلام: ص ٣١٢، ح ٦٠.
- ٢٧- نظم درر السمطين: ص ١٠٩.
- ٢٨- الصواعق المحرقة: ص ٨٩.
- ٢٩- تأويل الايات: ج ٢، ص ٤٩٢ و....
- ٣٠- تذكرة ابن جوزي: ص ٢١.
- ٣١- ارجح المطالب: از علامه ابى عبدالله الرازي، ص ٦٣.
- ٣٢- كفاية الخصام: ص ٣٥٩ و....

۳۳- بحر المناقب: ص ۱۵۵.

و کتاب های مانند: مناقب مرتضوی، الفردوس، رساله الاعتقادات، مناقب کاشفی، تفسیر الثعلبی، مصباح الانوار و... .

ص: ۶۲۶

- ۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۱، ص ۱۷۶ و....
- ۲- تفسیر جوامع الجامع: ص ۴۰۱.
- ۳- تفسیر سُبْر: ص ۴۲۵.
- ۴- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۹، ص ۳۳۷.
- ۵- تفسیر التبیان: ج ۸، ص ۴۷۹.
- ۶- تفسیر فرات الکوفی: ص ۱۳۱.
- ۷- تفسیر منهج الصادقین: ج ۸، ص ۱۹ و....
- ۸- تفسیر جامع: ج ۵، ص ۵۲۸.
- ۹- تفسیر المیزان: ج ۱۷، ص ۱۵۸.
- ۱۰- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۴۳۳.
- ۱۱- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۲۲۶.
- ۱۲- تفسیر نورالتقلین: ج ۴، ص ۴۳۲.
- ۱۳- تفسیر مجمع البیان: ج ۴، ص ۴۵۷.
- ۱۴- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۳۳.
- ۱۵- کشف الاسرار و عُده الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری: ج ۸، ص ۲۹۷.
- ۱۶- شواهد التنزیل: ج ۲، ص ۱۶۵.
- ۱۷- خصائص الوحي المبین: ص ۲۰۹.
- ۱۸- بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۶۸.
- ۱۹- النور المشتعل: ص ۲۰۲.

٢٠- احقاق الحق: ج ٣، ص ٤٤٩ و... .

ص: ٦٢٧

٢١- معانى الاخبار: ص ١٢٢، ح ٢.

٢٢- حديقۀ الشيعة: ص ١١٠.

٢٣- ينابيع المودة: ص ٧، مقدمه.

٢٤- كشف الغمة في معرفة الائمه: ج ١، ص ٣١٣.

٣٨-سوره مبارکه ی ص

آیات ٦٧ - ٦٨ - ٢٦٠

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٦٣.

٢- تفسير نوار الثقلين: ج ٤، ص ٤٦٩.

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٤٣.

٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٤٥٥.

٥- تفسير كنز الدقائق: ج ١١، ص ٢٦٣ و....

٦- كتاب الخصال: ص ٨٥، ح ١٢.

٣٩-سوره مبارکه ی زمر

آیه ٩ - ٢٦١

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٧٠.

٢- تفسير شبر: ص ٤٣٣.

٣- تفسير الميزان: ج ١٧، ص ٢٤٥.

٤- تفسير البلابل القلاقل: ج ٣، ص ١٣٥.

ص: ٦٢٨

- ٥- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٤٦١.
- ٦- تفسير نورالتّقلين: ج ٤، ص ٤٧٩.
- ٧- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٤٦١.
- ٨- تفسير كنزالدّقائق: ج ١١، ص ٢٨٦ و....
- ٩- تفسير منهج الصّادقين: ج ٨، ص ٧٩.
- ١٠- تفسير جامع: ج ٦، ص ٦١ و....
- ١١- شواهد التّنزيل: ج ٢، ص ١٧٥.
- ١٢- اسباب النّزول: ص ١٦٦.
- ١٣- مناقب آل ابى طالب: ج ٢، ص ١٢٤.

آيه ٢٠ - ص ٢٦٢

- ١- بحار الانوار: ج ٨، ص ١٢٨، ح ٢٩.

آيه ٢٢ - ص ٢٦٣

- ١- تفسير كنزالدّقائق: ج ١١، ص ٢٩٦ و....
- ٢- تفسير شُبر: ص ٤٣٤.
- ٣- تفسير مهج الصّادقين: ج ٨، ص ٨٩.
- ٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٤٦٤.
- ٥- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٤٨.
- ٦- تفسير الميزان: ج ١٧، ص ٢٦٢.
- ٧- تفسير نورالتّقلين: ج ٤، ص ٤٨٤.
- ٨- تفسير برهان: ج ٤، ص ٧٤.

٩- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٨٠.

١٠- اسباب النزول: ص ١٦٦.

١١- علىّ فى الكتاب و السنه: ج ١، ص ٢٣٣.

١٢- دلائل الصدق: ج ٢، ص ٢١٨ و... .

١٣- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٦٩ و... .

١٤- ينابيع الموده: ص ٢١٢.

آيه ٣٣ - ص ٢٦٤

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٧٦.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١١، ص ٣٠٤.

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٤٩٨.

٤- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٤٦٧.

٥- تفسير الميزان: ج ١٧، ص ٢٦٤.

٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٤٩.

٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ٩، ص ٤٠٢ و... .

٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٩٧ و... .

٩- تفسير جامع: ج ٦، ص ٧٦ و... .

١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٨٠.

١١- خصائص الوحي المبين: ص ١٧٨ و... .

١٢- النور المشتعل: ص ٢٠٤ و... .

١٣- احقاق الحق: ج ٣، ص ١٧٧.

١٤- علّی فی الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢٣٧ و... .

ص: ٦٣٠

١٥- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١١٦ و....

١٦- حديقته الشيعه: ص ١٠١.

١٧- كشف الغمه في معرفة الائمه: ج ١، ص

٣١٣ و....

آيه ٥٣ - ص ٢٦٤

١- تفسى كنزالدقائق: ج ١١، ص ٣١٥ و....

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٧٨.

٣- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٤٧٠.

٤- تفسير القمي: ج ٢، ص ٢٥٠.

٥- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٤٩١.

٦- تفسير جامع: ج ٦، ص ٨٥.

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ١١٠ و....

٨- اسباب النزول: ص ١٦٧.

٩- معاني اخبار: ص ١٠٧، ح ٤.

و كتاب هايي مانند: اختصاص، اصول كافي، بصائر الدرجات و....

آيه ٥٦ - ص ٢٦٥

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١١، ص ٣٢١ و....

٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ١١٢.

٣- تفسير جامع: ج ٦، ص ٨٨ و....

٤- تفسير القمي: ج ٢، ص ٢٥١.

٥- تفسير الميزان: ج ١٧، ص ٢٨٦.

ص: ٦٣١

- ٦- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٤٩٤.
- ٧- تفسير مجمع البيان: ج ٤، ص ٥٠٥.
- ٨- اسباب النزول: ص ١٧٦ و... .
- ٩- الاختصاص: ص ٢٤٨.
- ١٠- كتاب التوحيد: ص ١٦٤ و...، ح ٢.
- ١١- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٢٠٥ و... .
- ١٢- كتاب الخصال: ص ٦٣١.

آيه ٦٠ - ص ٢٦٥

- ١- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٤٧١.
- ٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٨٢.
- ٣- تفسير القمي: ج ٢، ص ٢٥١.
- ٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١١، ص ٣٢٥ و... .
- ٥- تفسير جامع: ج ٦، ص ٩٠ و... .
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٧، ص ١٤٤.
- ٧- ثواب الاعمال: ص ٢٥٤، ح ١.

آيه ٧٥ - ص ٢٦٦

- ١- تفسير كنزالدقائق: ج ١١، ص ٣٤٨ و... .
- ٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٨٩.
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ١٢٢.
- ٤- تفسير جامع: ج ٦، ص ١٠٠ و... .

٤٠- سورة مبارکه ی مؤمن

آیه ١ - ٢ - ٣ - ص ٢٦٧

- ١- تفسیر نورالتقلین: ج ٤، ص ٥١١.
- ٢- تفسیر کنزالدقائق: ج ١١، ص ٣٥٥ و....
- ٣- تفسیر القمی: ج ٢، ص ٢٥٥.

آیات ٧ - ٨ - ٩ - ص ٢٦٨

- ١- تفسیر کنزالدقائق: ج ١١، ص ٣٥٧ و....
- ٢- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ٩، ص ٤٣١ و....
- ٣- تفسیر فرات الکوفی: ص ١٤٠.
- ٤- تفسیر منهج الصادقین: ج ٨، ص ١٢٨ و....
- ٥- تفسیر نورالتقلین: ص ١٤٠.
- ٦- تفسیر الصافی: ج ٢، ص ٤٧٨.
- ٧- تفسیر القمی: ج ٢، ص ٢٥٥.
- ٨- شواهد التنزیل: ج ٢، ص ١٦٢ و....
- ٩- اسباب النزول: ص ١٧١.
- ١٠- علی فی الكتاب و السنه: ج ١، ص ٢٣٩ و....

- ١١- الروضه من الکافی: المجلد الاول، ص ٤٨، ح ٦.

آیه ٥١ - ص ٢٦٩

- ١- تفسیر نورالتقلین: ج ٤، ص ٥٢٦.

٢- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٤٨٨.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١١، ص ٣٩٧ و....

٤- تفسير جامع: ج ٦، ص ١٣٤ و....

٤١- سورة مبارکه ی فصلت

آیه ١ - ٣ - ٤ - ٣٠ - ص ٢٧٠

١- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٦٥.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١١، ص ٤٤٦ و....

٣- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٥٠٠.

٤- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٥٤٦.

٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ١١٠.

٦- تفسير فرات الكوفي: ص ١٤٣.

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ١٨٦ و....

٨- تفسير جامع: ج ٦، ص ١٦٩.

٩- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٧، ح ٤٠.

١٠- بصائر الدرجات: ص ١١١، ح ٣.

٤٢- سورة مبارکه ی شوری

آیه ١ - ٢ - ٣ - ٤ - ٢٣ - ص ٢٧١ - ٢٧٠

١- تفسير البلابل القلاقل: ج ٣، ص ١٩٦ و....

ص: ٦٣٤

- ٢- تفسير شُبَيْر: ص ٤٥٥.
- ٣- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٢٩.
- ٤- تفسير فرات الكوفى: ص ١٤٤ و... .
- ٥- تفسير جامع: ج ٦، ص ٢٠٦ و... .
- ٦- تفسير التّبيان: ج ٩، ص ١٥٦ و... .
- ٧- تفسير منهج الصّادقين: ج ٨، ص ٢١٧ و... .
- ٨- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١٠، ص ٥٣ و... .
- ٩- تفسير الميزان: ج ١٨، ص ٥٠.
- ١٠- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٢٩.
- ١١- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٧٥.
- ١٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٥١٢.
- ١٣- تفسير نورالتّقلين: ج ٤، ص ٥٧٠ و... .
- ١٤- تفسير كنزالدّقائق: ج ١١، ص ٥٠٠ و... .
- ١٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٢١ و... .
- ١٦- تفسير ابوحيان: ج ١، ص ٥١٦.
- ١٧- تفسير الكشاف: ج ٤، ص ٢١٩ و... .
- ١٨- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٤، ص ١١٢ و... .
- ١٩- التّفسير الكبير فخررازى: ج ٢٧، ص ١٦٥ و... .المسأله الثالثه.
- ٢٠- كشف الاسرار و عُدّه الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى: ج ٩، ص ٢٣ و... .
- ٢١- تفسير القرآن الكريم از محبى الدّين بن عربى: ج ٢، ص ٤٣٢ و... .

٢٢- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ٦ و... .

ص: ٦٣٥

- ٢٣- تفسير آية المودّة: ص ٢٥ و... (١)
- ٢٤- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ١٨٩ و... .
- ٢٥- اسباب النزول: ص ١٧٣.
- ٢٦- خصائص الوحي المبين: ص ٨١ و... .
- ٢٧- النور المشتعل: ص ٢٠٨.
- ٢٨- فضائل الخمسة: ج ١، ص ٣٠٦ و... .
- ٢٩- المحاسن: ص ١٤٤، ح ٤٥.
- ٣٠- الرّوضة من الكافي: المجلد الأوّل، ص ١٣٤، ح ٦٦.
- ٣١- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٢، ح ٧.
- ٣٢- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٢١١، باب ٢٣، ح ١.
- ٣٣- كتاب الخصال: ص ٤٣٢، ح ١٤.
- ٣٤- حديقته الشيعه: ص ٥٤.
- ٣٥- ينابيع المودّة: ص ١٠٦.
- ٣٦- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٠٥.

٤٣- سورة مباركه ي زُخرف

آيه ١ - ٢ - ٣ - ٤ - ص ٢٧٣

- ١- تفسير القمي: ج ٢، ص ٢٨٠.
- ٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٣٤ و... .
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣٤ و... .
- ٤- تفسير جامع: ج ٦، ص ٢٣٤ و... .

۱- تمام این یک کتاب تفسیر این آیه ی شریفه می باشد.

۵- تفسیر نورالثقلین: ج ۴، ص ۵۹۱ و... .

۶- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۵۲۳.

۷- مفاتیح الجنان از مصباح الزائر سید بن طاوس: زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السّلام، زیارت هفتم، و زیارت ششم حضرت نقل از صفوان، از امام صادق علیه السّلام.

۸- تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۱۴۵، ح ۳۱۷.

۹- تأویل الآیات الباهرة: ج ۲، ص ۵۵۲، ح ۱.

۱۰- معانی الاخبار: ص ۳۲ و... ح ۳.

آیه ۱۹- ص ۲۷۴

۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۲، ص ۴۶.

۲- تفسیر جامع: ج ۶، ص ۲۳۹ و... .

۳- اسباب النزول: ص ۱۷۵.

آیه ۲۸- ص ۲۷۵

۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۱۳۸.

۲- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۴۵.

۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۵۲۶.

۴- تفسیر المیزان: ج ۱۸، ص ۱۰۶.

۵- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۲، ص ۴۸ و... .

۶- تفسیر جامع: ج ۶، ص ۲۴۳.

۷- تفسیر منهج الصادقین: ج ۸، ص ۲۴۴.

۸- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۰، ص ۸۵.

- ٩- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٣٣.
- ١٠- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٨٣.
- ١١- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٢٣.
- ١٢- خصائص الوحي المبين: ص ١٥٣.
- ١٣- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٤١٦، ح ٩.
- ١٤- علل الشرايع: ص ٢٠٧، ح ٦.
- ١٥- مناقب آل ابى طالب: ج ٤، ص ٤٦ و....
- ١٦- الاحتجاج: ج ١، ص ٨٢.
- ١٧- ينابيع المودة: ص ١١٧.

آيه ٤١- ص ٢٧٥

- ١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٦٣ و....
- ٢- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٣٤ و....
- ٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٨٦.
- ٤- تفسير فرات الكوفى: ص ١٥١.
- ٥- تفسير منهج الصادقين: ج ٢، ص ٢٤٩.
- ٦- تفسير جامع: ج ٦، ص ٢٥٤ و....
- ٧- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٤٤.
- ٨- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٩.
- ٩- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٦٠٤.
- ١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢١٧.

١١- اسباب النزول: ص ١٧٦.

ص: ٤٣٨

١٢- خصائص الوحي المبين: ص ١٥١.

١٣- النور المشتعل: ص ٢١٦.

١٤- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢٤٣ و... .

١٥- احقاق حق: ج ٣، ص ٤٤٤ و... .

١٦- ينابيع المودّة: ص ٩٨.

آيه ٤٣ - ص ٢٧٥

١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٦٥ و... .

٢- تفسير جامع: ج ٦، ص ٢٥٥ و... .

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٤٥.

٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٨٦.

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٦٠٤.

٦- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢١٦.

٧- اسباب النزول: ص ١٧٦.

٨- خصائص الوحي المبين: ص ١٥٢.

٩- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٥، ح ٢٤.

آيه ٤٤ - ص ٢٧٦

١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٦٦ و... .

٢- تفسير جامع: ج ٦، ص ٢٥٦ و... .

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٨٦.

٤- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٦٠٤ و... .

- ٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٤٦.
- ٦- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٦٠.
- ٧- خصائص الوحي المبين: ص ١٥٢ و... .
- ٨- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٦٣، ح ١.

آيه ٤٥ - ص ٢٧٦

- ١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٢، ص ٦٩ و... .
- ٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٢٥٠.
- ٣- تفسير جامع: ج ٦، ص ٢٥٧ و... .
- ٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١٠، ص ٩٢ و... .
- ٥- تفسير القمي: ج ٢، ص ٢٨٤.
- ٦- تفسير نورالثقلين: ج ٤، ص ٦١٠.
- ٧- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٥٣٢.
- ٨- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٤٧.
- ٩- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٢٣ و... .
- ١٠- خصائص الوحي المبين: ص ١٥٣.
- ١١- علي في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٤٦ و... .
- ١٢- الروضة من الكافي: المجلد الاوّل، ص ١٧٢ و...، ح ٩٣.
- ١٣- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١٠٨.
- ١٤- احقاق الحق: ج ٣، ص ١٤٤ و... .
- ١٥- حديقته الشيعه: ص ١٠٤.

١٦- ڤناڤع المودّة: ص ٨٢ باب ١٥.

١٧- فرائد السّمطين: ج ١، ص ٨١ ح ٦٢.

ص: ٦٤٠

آيات ٥٧ - ٥٨ - ٥٩ - ص ٢٧٧

- ١- معانى الاخبار: ص ٢٢٠، ح ١.
- ٢- تفسير جامع: ج ٦، ص ٢٦٣ و....
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٥٣.
- ٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٤٧.
- ٥- تفسير القمى: ج ٢، ص ٢٨٦.
- ٦- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٥٣٥ و....
- ٧- تفسير نورالتّقلين: ج ٤، ص ٦٠٩ و....
- ٨- تفسير كنزالدّقائق: ج ١٢، ص ٨٠ و....
- ٩- تفسير فرات الكوفى: ص ١٥٣.
- ١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١٠، ص ٩٥ و....
- ١١- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٣٦.
- ١٢- تفسير كنزالدّقائق: ج ١٢، ص ٨٢ و....
- ١٣- تفسير فرات الكوفى: ص ١٥٤.
- ١٤- شواهد التّنزيل: ج ٢، ص ٢٢٦ و....
- ١٥- النّورالمشعل: ص ٢٢٠ و....
- ١٦- اسباب النّزول: ص ١٧٧.
- ١٧- خصائص الوحي المبين: ص ١٧١.
- ١٨- علىّ فى الكتاب و السّنة: ج ١، ص ٢٤٨ و....
- ١٩- تهذيب الاحكام: ج ٣، ص ١٤٤ و....، ح ٣١٧.

٢٠- الرّوضه من الكافي: المجلّد الاوّل، ص ٨١ ح ١٨ و... .

٢١- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٢٥٩ و... .

ص: ٦٤١

- ٢٢- كتاب خصال: ص ٥٥٧ و... .
- ٢٣- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ١٨٥ و... .
- ٢٤- حديقۀ الشّيعه: ص ١٢١.
- ٢٥- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣٩٧ و... .
- ٢٦- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٢١.
- ٢٧- تاريخ الخلفاء: ص ١٧٣.

٤٤-سوره مبارکه ی دخان

آیه ١ - ٢ - ١٠ - ١١ - ٢٩ - ص ٢٨٠ - ٢٧٩

- ١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ١٢٩ و... .
- ٢- تفسير جامع: ج ٦، ص ٢٨٥
- ٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٦٥.
- ٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٦١.
- ٥- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٢٨١ و... .
- ٦- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٢٩١.
- ٧- تفسير القمي: ج ٢، ص ٢٩١.
- ٨- تفسير الميزان: ج ١٨، ص ١٤٢.
- ٩- تفسير نور الثقلين: ج ٤، ص ٦٢٧.
- ١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ١٠، ص ١٢٠.
- ١١- تفسير شبر: ص ٤٦٥.
- ١٢- كشف الاسرار و عُدّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاری: ج ٩، ص ١٠٠.

١٣- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ٣٠.

١٤- مناقب آل أبي طالب: ج ٤، ص ٥٣ و... .

١٥- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص.

٤٥-سوره مبارکه ی جانیه

آیه ١ - ٢ - ٢١ - ص ٢٨١

١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ١٥٦.

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٦٨.

٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٣٧.

٤- اسباب النزول: ص ١٧٩.

٥- علىّ في الكتاب و السنّه: ج ١، ص ٢٥١ و... .

٦- دلائل الصدق: ج ٢، ص ٢٢١.

٧- احقاق الحق: ج ٢، ص ٥٧٤ و... .

٨- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٠٥.

٩- المناقب الخوارزمي: ص ٢٧٥، ح ٢٥٧.

١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٣٩.

آیه ٢٩ - ص ٢٨١

١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ١٦١.

٢- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٠٦ و... .

٣- تفسير القمي: ج ٢، ص ٢٩٥.

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٦٩.

٥- بحار الانوار: ج ٢٣، ص ١٩٨.

٤٦- سورة مبارکه ی احقاف

آیه ١ - ٢ - ٣ - ١٥ - ص ٢٨٢

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٧٢.

٢- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٥٥٥.

٣- تفسير نورالتّقلين: ج ٥، ص ١١ و....

٤- تفسير كنزالدّقائِق: ج ١٢، ص ١٢٩ و....

٥- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣١٧ و....

٦- تفسير القمی: ج ٢، ص ٢٩٧.

٧- اسباب النّزول: ص ١٨١.

٨- الاصول من الکافی: ج ١، ص ٣٨١، ح ٣.

٤٧- سورة مبارکه ی محمّد

آیه ٢ - ٧ - ٩ - ١٠ - ص ٢٨٣

١- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٩٩.

٢- تفسير كنزالدّقائِق: ج ١٢، ص ٢٢١ و....

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٨٢.

٤- تفسير القمی: ج ٢، ص ٣٠٢.

ص: ٦٤٤

٥- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٢٦.

٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٣٤١.

٧- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٣٧ و... .

٨- تفسير شُبر: ص ٤٧٤.

٩- تفسير الميزان: ج ١٨، ص ٢٣٣.

١٠- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٥٦٣.

١١- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٤٨.

١٢- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٤٠ و... .

آيه ١١ - ١٢ - ص ٢٨٤

١- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ١٠٠.

٢- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٣٩ و... ..

٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٣٤٢.

٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٠٢.

٥- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٥٦٤.

٦- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٨٢.

٧- تفسير شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٤٤.

٨- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢٥٣.

٩- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٦٧٣.

١٠- دلائل الصّدق: ج ٢، ص .

آيه ٣٠ - ص ٢٨٤

١- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٥٧١.

ص: ٦٤٥

- ٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٨٨.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٢٤٨ و... .
- ٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٣٥٣.
- ٥- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٥٢.
- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ١٠٦.
- ٧- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٤٩ و... .
- ٨- اسباب النزول: ص ١٨٥.
- ٩- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٥٥ و... .
- ١٠- احقاق الحق: ج ١٤، ص ١٨٨ و... .
- ١١- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص.

٤٨- سورة مبارکه ی فتح

آیه ١ - ٢ - ٣ - ٤ - ٥ - ٦ - ٧ - ٨ - ٩ - ١٠ - ١١ - ١٢ - ١٣ - ١٤ - ١٥ - ١٦ - ١٧ - ١٨ - ١٩ - ٢٠ - ٢١ - ٢٢ - ٢٣ - ٢٤ - ٢٥ - ٢٦ - ٢٧ - ٢٨ - ٢٩ - ٣٠ - ٣١ - ٣٢ - ٣٣ - ٣٤ - ٣٥ - ٣٦ - ٣٧ - ٣٨ - ٣٩ - ٤٠ - ٤١ - ٤٢ - ٤٣ - ٤٤ - ٤٥ - ٤٦ - ٤٧ - ٤٨ - ٤٩ - ٥٠ - ٥١ - ٥٢ - ٥٣ - ٥٤ - ٥٥ - ٥٦ - ٥٧ - ٥٨ - ٥٩ - ٦٠ - ٦١ - ٦٢ - ٦٣ - ٦٤ - ٦٥ - ٦٦ - ٦٧ - ٦٨ - ٦٩ - ٧٠ - ٧١ - ٧٢ - ٧٣ - ٧٤ - ٧٥ - ٧٦ - ٧٧ - ٧٨ - ٧٩ - ٨٠ - ٨١ - ٨٢ - ٨٣ - ٨٤ - ٨٥ - ٨٦ - ٨٧ - ٨٨ - ٨٩ - ٩٠ - ٩١ - ٩٢ - ٩٣ - ٩٤ - ٩٥ - ٩٦ - ٩٧ - ٩٨ - ٩٩ - ١٠٠

- ١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٢٨٨.
- ٢- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١٠، ص ٢١٢ و... .
- ٣- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٧٣ و... .
- ٤- تفسير التبيان: ج ٩، ص ٣٢٦ و... .
- ٥- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٥٣ و... .
- ٦- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٠٥.
- ٧- المناقب الخوارزمی: ص ٢٧٦، ح ٢٥٨.

آیه ٢٦ - ٢٧ - ٢٨ - ٢٩ - ٣٠ - ٣١ - ٣٢ - ٣٣ - ٣٤ - ٣٥ - ٣٦ - ٣٧ - ٣٨ - ٣٩ - ٤٠ - ٤١ - ٤٢ - ٤٣ - ٤٤ - ٤٥ - ٤٦ - ٤٧ - ٤٨ - ٤٩ - ٥٠ - ٥١ - ٥٢ - ٥٣ - ٥٤ - ٥٥ - ٥٦ - ٥٧ - ٥٨ - ٥٩ - ٦٠ - ٦١ - ٦٢ - ٦٣ - ٦٤ - ٦٥ - ٦٦ - ٦٧ - ٦٨ - ٦٩ - ٧٠ - ٧١ - ٧٢ - ٧٣ - ٧٤ - ٧٥ - ٧٦ - ٧٧ - ٧٨ - ٧٩ - ٨٠ - ٨١ - ٨٢ - ٨٣ - ٨٤ - ٨٥ - ٨٦ - ٨٧ - ٨٨ - ٨٩ - ٩٠ - ٩١ - ٩٢ - ٩٣ - ٩٤ - ٩٥ - ٩٦ - ٩٧ - ٩٨ - ٩٩ - ١٠٠

١- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٥٨٥.

ص: ٦٤٦

- ٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ١٩٩.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣٠٣ و....
- ٤- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٨٥.
- ٥- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١٠، ص ٢٣٢.
- ٦- تفسير التبيان: ج ٩، ص ٣٣٢ و....
- ٧- اسباب النزول: ص ١٨٨.
- ٨- امالي شيخ صدوق: ص ٤٧٨، مجلس ٧٢، ح ٢٣.
- ٩- معاني الاخبار: ص ١٢٥ و....
- ١٠- كتاب التوحيد: ص ١٦٤ و....، ح ٢.
- ١١- كتاب الخصال: ص ٤٣٢، ح ١٤.
- ١٢- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٢٠٢، ح ٦.
- ١٣- علل الشرايع: ص ٢٥٠ و....، ح ٨.

آيه ٢٧ - ص ٢٨٦

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٠٠.
- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣٠٩.
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٣٩٣ و....
- ٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١٠، ص ٢٣٢ و....
- ٥- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٨٧.
- ٦- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣١٧.
- ٧- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص .

۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۲۰۲.

ص: ۶۴۷

- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣١٠ و....
- ٣- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٨٨ و....
- ٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١٠، ص ٢٣٤ و....
- ٥- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٧٦ و....
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٣٩٦ و....
- ٧- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٥٦.
- ٨- تفسير القمی: ج ٢، ص ٣١٧.
- ٩- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٥٨٥ و....
- ١٠- تفسير الکشاف: ج ٤، ص ٣٤٨ و....
- ١١- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٥٢ و....
- ١٢- النور المشتعل: ص ٢٣١.
- ١٣- خصائص الوحي المبین: ص ٢٤٥.
- ١٤- علیّ فی الكتاب و السنّه: ج ١، ص ٢٥٩.
- ١٥- کتاب الخصال: ص ٦٣٨، ح ١١.
- ١٦- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣٦٠.
- ١٧- حدیقه الشّيعه: ص ١١٦.
- ١٨- كشف الغمّه فی معرفه الائمه: ج ١، ص ٣٢٢ و ٣٢٥.
- ١٩- تاريخ بغداد: ج ١٣، ص ١٥٣، چاپ قاهره.

٤٩-سوره مبارکه ی حُجرات

آیه ١ - ٢ - ٣ - ص ٢٨٨

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٠٤.

ص: ٦٤٨

٢- تفسير سورة حجرات: ص ٤٦ و....

٣- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٩٥.

٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٤١٠.

٥- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣٢٣ و....

٦- تفسير بصائر: ج ٤٠، ص ١٠٨.

٧- تفسير بصائر: ج ٤٠، ص ٢٨٨.

٨- النور المشتعل: ص ٢٣٥.

٩- خصائص الوحي المبين: ص ٢٤٢.

آيه ١٠ - ص ٢٨٨

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٠٧.

٢- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٥٩٢.

٣- تفسير سورة حجرات: ص ١١٠ و....

٤- تفسير بصائر: ج ٤٠، ص ٣٠٩ و....

٥- تفسير منهج الصادقين: ج ٨، ص ٤١٦ و....

٦- تفسير جامع: ج ٦، ص ٣٩٩.

٧- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣٣٦ و....

٨- فرائد السمطين: ج ١، ص ٢٢٧، باب ٤٤، ح ١٧٧.

آيه ١٥ - ص ٢٨٩

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢١٥.

٢- تفسير جامع: ج ٦، ص ٤٠٩.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣٦١.

٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٢٢.

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ١٠٣.

٦- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٥٩.

٧- اسباب النزول: ص ١٩١.

٨- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٦٣.

٩- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٥٠١.

٥٠- سورة مباركه ي ق

آيه ١ - ٢١ - ص ٢٨٩

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٢٢.

٢- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ١١٢.

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ١٤٧.

٤- تفسير بصائر: ج ٤٠، ص ٩٤٠ و...

٥- تفسير جامع: ج ٦، ص ٤١٩.

٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٣.

٧- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣٨٢.

آيه ٢٤ - ص ٢٩٠

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٢٣.

٢- تفسير الميزان: ج ١٨، ص ٣٥٧ و...

- ٣- تفسير جامع: ج ٦، ص ٤١٩ و... .
- ٤- تفسير فرات الكوفى: ص ١٦٦.
- ٥- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١٠، ص ٢٧٩ و... .
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٦ و... .
- ٧- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٦١.
- ٨- تفسير شبر: ص ٤٨٥.
- ٩- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٣٨٣ و... .
- ١٠- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ١٤٦.
- ١١- تفسير الصافى: ج ٢، ص ٦٠٠.
- ١٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٢٤.
- ١٣- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ١١٢.
- ١٤- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٦٠ و ٢٦٥.
- ١٥- اسباب النزول: ص ١٩٣.
- ١٦- علىّ فى الكتاب و السنّه: ج ١، ص ٢٦٥ و... .
- ١٧- امالى الشيخ الطوسى: ج ١، ص ٢٩٦.
- ١٨- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٤٦٧ و... .
- ١٩- مناقب آل ابى طالب: ج ٢، ص ٢٠.
- ٢٠- ينابيع المودّه: ص ٨٥، باب ١٦.

٥١-سوره مبارکه ی الذریات

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٢، ص ٤٣٥.

ص: ٦٥١

٢- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ١٣٢.

٣- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٦١٠.

٤- علل الشّرايع: ص ٩، ح ١.

٥٢-سوره مبارکه ی طور

آیه ١- ٢- ٣- ٤- ٥- ٦- ٢١- ص ٢٩٤

١- تفسير برهان: ح ٤، ص ٢٤١ و....

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٤٥٢ و....

٣- تفسير فرات الكوفي: ص ١٦٩ و....

٤- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ١٠، ص ٣١٧ و....

٥- تفسير جامع: ج ٦، ص ٤٥٤ و....

٦- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ١٦.

٧- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ١٣٩ و....

٨- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٣٢.

٩- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٦١٤.

١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٧٠ و....

١١- اسباب النزول: ص ١٩٤.

١٢- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٢١٦، ح ١.

١٣- ينابيع المودّة: ص ١٠٩.

٥٣-سوره مبارکه ی نجم

آیات ١- ٢- ٣- ٤- ص ٢٩٦- ٢٩٥

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٤٥ و... .

ص: ٦٥٢

- ٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٦١٨.
- ٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٣٤.
- ٤- تفسير نورالتّقلين: ج ٥، ص ١٤٤ و... .
- ٥- تفسير جامع: ج ٦، ص ٤٦٤ و... .
- ٦- تفسير منهج الصّادقين: ج ٩، ص ٦٩ و... .
- ٧- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١٠، ص ٣٣١ و... .
- ٨- تفسير فرات الكوفى: ص ١٧٣ و... .
- ٩- تفسير كنزالدقائق: ج ١٢، ص ٤٦٨ و... .
- ١٠- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ١٧٢ و... .
- ١١- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ٣٢ و... .
- ١٢- شواهد التّنزيل: ج ٢، ص ٢٧٧ و... .
- ١٣- اسباب التّزول: ص ١٩٥.
- ١٤- علىّ فى الكتاب و السّنة: ج ١، ص ٢٦٩.
- ١٥- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٢٩٣ و... .
- ١٦- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ١٥٣ و... .
- ١٧- حديقّة الشّيعه: ص ٧٣.
- ١٨- تاريخ ابن عساكر: ج ٣، ص ١٠.
- ١٩- ينابيع المودّة: ص ٢٣٩.

آيه ٧ - ٨ - ٩ - ٣٩ - ٦٢ - ص ٢٩٧

- ١- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٦١٨.

٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٣٤.

ص: ٦٥٣

٣- تفسير كنزالدقائق: ج ١٢، ص ٤٧٥.

٤- تفسير جامع: ج ٦، ص ٤٦٥.

٥- تفسير التبيان: ج ٩، ص ٤٢٠.

٥٤-سوره مبارکه ی قمر

آیه ١ - ٥ - ١١ - ص ٢٩٨

١- تفسير جامع: ج ٦، ص ٦٩٣ و....

٢- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ٥٩ و....

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٤١ و....

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٥٩.

٥- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ١٨٦.

آیه ١٢ - ص ٢٩٩

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٢، ص ٥٣٤ و....

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٦٠.

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ١٨٩.

آیه ١٣ - ص ٢٩٩

١- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٤١.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٢، ص ٥٣٥ و....

٣- تفسير جامع: ج ٦، ص ٤٩٥ و....

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٦٠.

آيات ١٧ - ٢٢ - ٣٢ - ٤٠ - ص ٢٩٩

- ١- تفسير جامع: ج ٦، ص ٤٩٦.
- ٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٠٣ و....

آيات ٥٤ - ٥٥ - ص ٢٩٩

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٦٢.
- ٢- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ٩٠.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٥٥٢ و....
- ٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١٠، ص ٣٧٨ و....
- ٥- تفسير فرات الكوفي: ص ١٧٦ و....
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١١٢ و....
- ٧- تفسير جامع: ج ٦، ص ٥٠٢ و....
- ٨- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ١٩٤ و....
- ٩- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٧٣ و....
- ١٠- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٣٣٦.
- ١١- كشف الغمة في معرفة الائمة: ج ١، ص ٣٠٥ و ٣٢١.
- ١٢- المناقب الخوارزمي: ص ٢٧٦، ح ٢٥٩.

٥٥-سوره مبارکه ی الرحمن

آیه ١٩ - ص ٣٠١

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٦٥.

- ٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٦٤١.
- ٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٤٤.
- ٤- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ١٠٣.
- ٥- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٥٦٨ و....
- ٦- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٨ و....
- ٧- تفسير فرات الكوفى: ص ١٧٧.
- ٨- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٢٣ و....
- ٩- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ١٠، ص ٣٩٠، و....
- ١٠- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٢٠١.
- ١١- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ١٩١.
- ١٢- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ١٤١ و....
- ١٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٨٤ و....
- ١٤- اسباب النزول: ص ١٩٧.
- ١٥- النور المشتعل: ص ٢٣٧.
- ١٦- خصال الوحي المبين: ص ٢٠٨.
- ١٧- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٣٥٥ و....
- ١٨- قرب الاسناد: ص ٦٤.
- ١٩- ينابيع المودّة: ص ١١٨.
- ٢٠- تأويل الايات: ج ٢، ص ٦٣٥، ح ١١.

آیه ۲۰ - ص ۳۰۱

۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۲، ص ۵۷۰ و....

ص: ۶۵۶

٢- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ١٠، ص ٣٩٠ و....

٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٢٣.

٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٨.

٥- تفسير فرات الكوفي: ص ١٧٧.

٦- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٢٠١.

٧- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ١٩١.

٨- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٦٥.

٩- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٦٤١.

١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٨٦.

١١- النور المشتعل: ص ٢٣٧.

١٢- خصائص الوحي المبين: ص ٢٠٨.

١٣- ينابيع المودة: ص ١١٨.

آیه ٢٢ - ص ٣٠١

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٩.

٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٢٣ و....

٣- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ١٠، ص ٣٩٠ و....

٤- تفسير فرات الكوفي: ص ١٧٧.

٥- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٢٠١.

٦- تفسير كنزالدقائق: ج ١٢، ص ٥٧٠.

٧- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ١٩١.

٨- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ١٠٣.

ص: ٦٥٧

٩- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٦٥ و... .

١٠- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٤٤.

١١- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٦٤١.

١٢- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ١٤١ و... .

١٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٥٨ و... .

١٤- النور المشتعل: ص ٢٣٧.

١٥- خصائص الوحي المبين: ص ٢٠٧.

١٦- ينابيع المودّة: ص ١١٨.

آيات ٢٦ - ٢٧ - ص ٣٠١

١- تفسير كنز الدقائق: ج ١٢، ص ٥٧٢ و... .

٢- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٢٥.

٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٠ و... .

٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ١٠، ص ٣٩١ و... .

٥- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٦٤١.

٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٤٥.

٧- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ١٠٣.

٨- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ١٩٢.

٩- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٦٦.

١٠- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٢٧٢ و... .

١١- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ١٠٥، ح ٣.

آیه ۴۶ - ص ۳۰۱

۱- عیون اخبار الرضا: ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۲۲.

۲- بحار الانوار: ج ۵۷، ص ۱۹۸، ح ۱۴۵.

۳- بیان رسا: ج ۲، ص ۳۵۲.

۴- بحار الانوار: ج ۱۸، ص ۳۴۵، ح ۵۶.

۵۶-سوره مبارکه ی واقعه

آیات ۱۰ - ۱۱ - ص ۳۰۳

۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۲۷۴ و....

۲- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۶۴۹ و....

۳- تفسیر المیزان: ج ۱۹، ص ۱۱۸.

۴- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۲۰۹ و....

۵- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۲۱۵.

۶- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۳۴۶ و....

۷- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۱۹ و....

۸- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۰ و....

۹- تفسیر منهج الصادقین: ج ۹، ص ۱۴۶ و....

۱۰- تفسیر فرات الکوفی: ص ۱۷۷.

۱۱- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۱، ص ۹ و....

۱۲- شواهد التنزیل: ج ۲، ص ۲۹۲ و....

۱۳- النورالمشتعل: ص ۲۴۲.

١٤- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٢٠٥، ح

٢٠.

١٥- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٢١٣، ح ١.

١٦- امالي الشيخ الطوسي: ج ١، ص ٧٠.

١٧- عيوان اخبار الرضا: ج ٢، ص ٧٠، ح ٢٨٨.

١٨- كمال الدين و تمام النعمة: ص ٢٧٦ و...، ح ٢٥.

١٩- فرائد السمطين: ح ٢، ص ٢٥٣، باب ٤٨، ح ٥٢٣.

٢٠- المناقب الخوارزمي: ص ٢٧٦، ح ٢٦٠.

٢١- تاريخ بغداد: ج ٤، ص ١٥٥.

٢٢- استيعاب: ج ٢، ص ٤٥٧.

٢٣- اسد الغابة: ج ٤، ص ٧.

٢٤- كنز الاعمال: ج ٦، ص ٤٠٠.

٢٥- مجمع الزوائد: ج ٩، ص ١٠٢.

٢٦- سيرة الحلبيّة: ج ١، ص ٢٥٨.

٢٧- مستدرک حاکم: ج ٣، ص ١٣٦.

٢٨- جمع الجوامع: ج ٦، ص ٣٩٨.

٣٠- مسند احمد حنبل: ج ١، ص ١٤١.

٣٠- مسند امام ابى حنيفة: ص ٢٤٧.

٣١- طبقات بن سعد: ج ٣، ص ١٣، قسم اول.

٣٢- خصائص نسائي: ص ٢.

۳۳- مسند ابوداؤد: ج ۳، ص ۹۳.

۳۴- سنن بیهقی: ج ۶، ص ۲۰۶.

۳۵- تاریخ طبری: ج ۲، ص ۵۶ و... .

ص: ۶۶۰

٣٦- صحيح ترمذى: ج ٢، ص ٣٠٠.

٣٧- تذكرة از علامه سبط ابن جوزى: ص ٦٣.

٣٨- شرح نهج البلاغه لان ابى الحديد: ج ٣، ص ٢٥٨.

٣٩- شرح مواهب: ج ١، ص ٢٤١.

٤٠- شرح جامع صغير: ج ٣، ص ٤٢٤.

٤١- كشف الغمّة فى معرفة الائمّة: ج ١، ص

آيات ١٣ - ١٤ - ص ٢٠٤

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٩ و....

٢- تفسير فرات الكوفى: ص ١٧٨.

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٧٤ و ٢٧٦.

٤- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٢١٥.

٥- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٢١١.

٦- تفسير كترالدقائق: ج ١٣، ص ٢٥.

٧- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٤٧ و....

٨- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٦٥٠.

٩- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١١، ص ١٧.

١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٢٩٨، ح ٩٣٢.

١١- علىّ فى الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢٧٧

و....

١٢- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٥٣١ و....

١٣- الرّوضه من الكافي: المجلد الثّاني، ص ١٣ و...، ح ٢٥٩.

ص: ٦٦١

آیه ۲۷ - ص ۳۰۶

- ۱- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۳۴۸.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۳۳.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۶۵۱.
- ۴- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۲۷۷.
- ۵- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۲۱۹.
- ۶- تفسیر المیزان: ج ۱۹، ص ۱۲۹.
- ۷- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۱، ص ۱۷.
- ۸- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۲۱۷ و....
- ۹- شواهد التنزیل: ج ۲، ص ۳۰۰ و....
- ۱۰- علیّ فی الكتاب و السنّة: ج ۱، ص ۲۷۹ و....
- ۱۱- تاریخ ابن عساکر: ج ۱، ص ۵۵، ح ۹۳.

آیات ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ص ۳۰۸

- ۱- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۲۱۹ و....
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۳۵.

آیات ۹۰ - ۹۱ - ص ۳۰۹

- ۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۲۸۴.
- ۲- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۲۱۲ و....
- ۳- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۳۵۰.
- ۴- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۶۵۸.

٥- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٨٦ و... .

٦- تفسير جامع: ج ٧، ص ٥٠.

٧- الرّوضه من الكافي: المجلد الثّاني: ص ٧٤، ح ٣٧٣.

٥٧-سوره مبارکه ی حديد

آيه ١ - ٢ - ٣ - ٤ - ١٢ - ص ٣١١ - ٣١٠

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٨٩.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٨٦ و... .

٣- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١١، ص ٤١ و... .

٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٦٠ و... .

٥- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ١٥٩.

٦- تفسير فرات الكوفي: ص ١٨٠.

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٧٩.

٨- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٥١.

٩- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٥١.

آيه ١٩ - ص ٣١٢

١- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٦٦٢.

٢- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ١٦٩.

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٩٢.

٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٩٥ و... .

- ٥- تفسير جامع: ج ٧، ص ٦٦ و....
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٨٥.
- ٧- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٠٤ و....
- ٨- خصائص الوحي المبين: ص ١٩٢ و....
- ٩- النور المشتعل: ص ٢٤٧.
- ١٠- تهذيب الاحكام: ج ٦، ص ١٦٧، ح ٣١٨.
- ١١- احقاق الحق: ج ١٥، ص ٢٩٥ و....
- ١٢- احقاق الحق: ج ٥، ص ٥٩٥ و ٦٠٥.
- ١٣- احقاق الحق: ج ١٧، ص ٣٣٢.
- ١٤- احقاق الحق: ج ٢١، ص ٥٩١ و ٥٩٤.
- ١٥- علىّ في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٨٣ و....
- ١٦- كشف الغمّة في معرفة الائمة: ج ٢، ص ٣١٣.
- ١٧- ينابيع المودة: ص ١٢٤، باب ٤٢.
- ١٨- تاريخ ابن عساكر: ج ١، ص ٨٠ ح ١٢٦.

آيه ٢٨ - ص ٣١٤

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٠٠.
- ٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٥٢.
- ٣- تفسير نوار الثقلين: ج ٥، ص ٢٥٢.
- ٤- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٦٦٧.

٥- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ١١٣.

٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ١٧٦ و....

ص: ٦٦٤

- ٧- تفسير جامع: ج ٧، ص ٧٦ و....
- ٨- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١١، ص ٥٨.
- ٩- تفسير فرات الكوفی: ص ١٨٠.
- ١٠- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٨٣.
- ١١- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٠٨ و....
- ١٢- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٦، ح ٨٦.
- ١٣- مناقب آل ابی طالب: ج ٣، ص ٣٨٠ و....

٥٨-سوره مبارکه ی مجادله

آیه ١ - ٢ - ١٢ - ص ٣١٥

- ١- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٨٥.
- ٢- تفسير التبيان: ج ٩، ص ٥٤٩.
- ٣- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١١، ص ٧٩ و....
- ٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٩٢ و....
- ٥- تفسير فرات الكوفی: ص ١٨٠ و....
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٢١٣ و....
- ٧- تفسير القمی: ج ٢، ص ٣٥٧.
- ٨- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٢٦٤ و....
- ٩- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ١٤٠ و....
- ١٠- تفسیر المیزان: ج ١٩، ص ١٩١.
- ١١- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٦٧٦.

- ١٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٥٧.
- ١٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٢٥٣.
- ١٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٠٦.
- ١٥- كشف الاسرار و عُدة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى: ج ١٠، ص ٢١.
- ١٦- تفسير الكشاف: ج ٤، ص ٤٩٥ و... .
- ١٧- التفسير الكبير فخررازى: ج ٢٩، ص ٢٧١ و... .
- ١٨- الجواهر فى تفسير الكريم: طنطاوى، ج ٢٤، ص ١٣٨.
- ١٩- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٤، ص ٣٢٦ و... .
- ٢٠- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ١٨٥ و... .
- ٢١- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣١١ و... .
- ٢٢- اسباب النزول: ص ٢٠٣.
- ٢٣- التور المشتعل: ص ٢٥٠ و... .
- ٢٤- على فى الكتاب و السنة: ج ١، ص ٢٨٧ و... .
- ٢٥- كتاب خصال: ص ٥٧٤، ح ١.
- ٢٦- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٢٠٠ و... .
- ٢٧- حديقه الشيعة: ص ٦٥.
- ٢٨- ينابيع المودة: ص ١٠٠ و...، باب ٢٧.
- ٢٩- المناقب الخوارزمى: ص ٢٧٦، ح ٢٦١.
- ٣٠- كشف الغمة فى معرفة الائمة: ج ١، ص ١٦٨.

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ١٤١ و... .

ص: ٦٦٦

- ٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٠٩.
- ٣- تفسير فرات الكوفي: ص ١٨٠.
- ٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٢١٥.
- ٥- تفسير جامع: ج ٧، ص ٩٢.
- ٦- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١١، ص ٨٠.
- ٧- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٥٧.
- ٨- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٢٦٥.
- ٩- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٢٥٣.
- ١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣١٢ و....
- ١١- خصائص الوحي المبين: ص ٢٣٣.
- ١٢- النور المشتعل: ص ٢٥٢ و....
- ١٣- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢٨٩.
- ١٤- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ١٦٨.

آيه ٢٢ - ص ٣١٦

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣١٢.
- ٢- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٥٨.
- ٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٣، ص ١٥٣ و....
- ٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٩٦ و....
- ٥- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٢٩ و.... ح ٩٧٠.
- ٦- النور المشتعل: ص ٢٥٤.

٧- خصائص الوحي المبين: ص ٢١٣.

ص: ٦٦٧

۵۹-سوره مبارکه ی حشر

آیه ۱ - ۲ - ۷ - ص ۳۱۷

- ۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۳۱۵.
- ۲- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۶۸۲.
- ۳- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۲۶۱.
- ۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۱۶۴ و....
- ۵- تفسیر منهج الصادقین: ج ۹، ص ۲۲۶ و....
- ۶- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۱۰۵ و....
- ۷- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۱، ص ۹۸ و....

آیه ۹ - ص ۳۱۸

- ۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۳۱۸.
- ۲- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۲۸۵ و....
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۶۸۴.
- ۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۱۷۵ و....
- ۵- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۲۶۰ و....
- ۶- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۱۰۹ و....
- ۷- تفسیر منهج الصادقین: ج ۹، ص ۲۳۱ و....
- ۸- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۱، ص ۱۰۲ و....
- ۹- شواهد التنزیل: ج ۲، ص ۳۳۱ و....
- ۱۰- اسباب النزول: ص ۲۰۶.

١١- امالى الشيخ الطوسى: ج ١، ص ١٨٨.

آيه ٢٠ - ص ٣٢١

١- تفسير نوارالثقلين: ج ٥، ص ٢٨٥.

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣١٩.

٣- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٦٨٦.

٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ١٩١ و....

٥- تفسير جامع: ج ٧، ص ١١٤ و....

٦- تفسير فرات الكوفى: ص ١٨٣.

٧- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٢٣٧، ح ٢٢.

٨- امالى الشيخ الطوسى: ج ٢، ص ١٠٠.

٦٠- سورة مبارکه ی ممتحنه

آيه ١٢ - ص ٣٢٣

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٢١٣ و....

٢- تفسير جامع: ج ٧، ص ١٢٨ و....

٣- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٢٥٨ و....

٤- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١١، ص ١٢٩ و....

٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٢٧.

٦- اسباب النزول: ص ٢٠٩.

٧- كشف الغمّة فى معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣٠٦.

٨- شرح نهج البلاغه لابن ابى الحديد: ج ١، ص ١٤.

٩- المناقب الخوارزمي: ص ٢٧٧، ح ٢٦٤.

٦١-سوره مبارکه ی صف

آیه ٤ - ص ٣٢٤

١- تفسير فرات الكوفي: ص ١٨٤.

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٢٨.

٣- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٣١١.

٤- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٣٩٥.

٥- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٢٢١ و....

٦- تفسير جامع: ج ٧، ص ١٣١ و....

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٢٦٤.

٨- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٣٧ و....، ح ٩٧٧.

٩- اسباب النزول: ص ٢١٠.

١٠- مصباح المتعجب: ص ٧٠١.

١١- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣١١ و....

آیه ٦ - ص ٣٢٦

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٢٢٣ و....

٢- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١١، ص ١٣٧.

٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ١٣٢.

٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٢٥٦ و....

٥- تفسير فرات الكوفي: ص ١٨٤.

٦- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٦٥.

آيه ٨ - ص ٣٢٦

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ١٣٣ و....

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤، ص ٣٢٦.

٣- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ٢٥٧.

٤- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٣١٧.

٥- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٦٩٦.

٦- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٢٦٨.

٧- تفسير فرات الكوفي: ص ١٨٤.

٨- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٦٥.

٩- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٣١ و....، ح ٩٧٢.

١٠- الاصول من الكافي: ج ١، ص ١٥١، ح ٦.

٦٢-سوره مبارکه ی جمعه

آيه ١ - ٤ - ص ٣٢٧

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٣٣.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٢٤٧ و....

٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ١٤١ و....

٤- الاصول من الكافي: ج ٢، ص ١٤٩، ح ٤.

ص: ٦٧١

آیه ۹ - ص ۳۲۸

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۱۵۴ و....
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۲۵۱ و....
- ۳- تفسیر فرات الکوفی: ص ۱۸۵.
- ۴- تفسیر منهج الصادقین: ج ۹، ص ۲۸۳ و....
- ۵- تفسیر الصافی: ج ۲، ص ۶۹۹.
- ۶- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۳۳۴ و....
- ۷- الاختصاص: ۱۲۹.

۶۳-سوره مبارکه ی منافقون

آیه ۱ - ص ۳۲۹

- ۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۲۶۵ و....
- ۲- تفسیر الصافی: ج ۲، ص ۷۰۵.
- ۳- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۱۶۲ و....
- ۴- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۱، ص ۱۶۵ و....
- ۵- تفسیر نورالتقلین: ج ۵، ص ۳۳۱ و....
- ۶- تفسیر منهج الصادقین: ج ۹، ص ۲۹۷ و....
- ۷- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۹۱.

۶۴-سوره مبارکه ی تغابن

آیه ۱ - ۸ - ص ۳۳۰

- ۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۲۸۰.

٢- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٣٤١.

٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ١٦٩.

٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٧١.

٥- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٠٧.

٦- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٤٢.

٧- علىّ فى الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٢٢٥.

٨- الاصول من الكافى: ج ١، ص ١٥٠، ح ١.

٩- ينابيع المودّة: ص ١١٧ و...، باب ٣٩.

١٠- ينابيع المودّة: ص ١٠، باب اول و... .

٦٥-سوره مبارکه ی طلاق

آیه ١ - ١٠ - ص ٣٣٢ - ٣٣١

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٥٠.

٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧١٤.

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٧٥.

٤- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ٣٢٧.

٥- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٣١٧.

٦٦-سوره مبارکه ی تحریم

آیه ١ - ٣ - ٤ - ص ٣٣٣

١- فضائل الخمسه من الصّاح السنّه: ج ١، ص ٣١٨.

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٥٥.

- ٣- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٣٢٩ و....
- ٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٣٣٧ و....
- ٥- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ١١، ص ١٩٩ و....
- ٦- تفسير فرات الكوفی: ص ١٨٥.
- ٧- تفسير جامع: ج ٧، ص ١٩١ و....
- ٨- تفسير جوامع الجامع: ص ٤٩٩.
- ٩- تفسير شُبر: ص ٥٢٣.
- ١٠- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ٣٤٠ و....
- ١١- تفسير القمی: ج ٢، ص ٣٧٦.
- ١٢- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٧١٧.
- ١٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣١٦.
- ١٤- تفسير الدرّالمنثور: ج ٦، ص ٢٤٤.
- ١٥- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٤، ص ٣٨٦.
- ١٦- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٤١ و....
- ١٧- اسباب النزول: ص ٢١٤.
- ١٨- النور المشتعل: ص ٢٥٧.
- ١٩- خصائص الوحي المبين: ص ٢٦٠.
- ٢٠- علیّ فی الكتاب و السنّه: ج ١، ص ٢٩٥ و....
- ٢١- احقاق الحق: ج ٣، ص ٣١١ و....
- ٢٢- حديقه الشيعة: ص ١١٥.

٢٣- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣١٤.

٢٤- ينابيع المودّة: ص ٩٣.

ص: ٦٧٤

٢٥- تاريخ ابن عساكر: ج ٢، ص ٤٢٥، ح ٩٢٥.

٢٦- فرائد السَّمطين: ج ١، ص ٣٦٣.

آيه ٨ - ص ٣٣٤

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٣٤٠.

٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٧٨.

٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ١٩٤.

٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٣٤٤.

٥- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣١٨.

٦- خصائص الوحي المبين: ص ٢٢٣.

٧- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٣٠٠ و....

٨- كشف الغمّة في معرفة الائمّة: ج ١، ص ٣١٦.

٦٧-سوره مبارکه ی ملک

آيه ١ - ٢ - ٣ - ٤ - ٣٠ - ص ٣٣٥ - ٣٣٤

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٦٦.

٢- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٣٨٤.

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٧٩.

٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٢٧.

٥- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢١٠ و....

٦- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٣٦٦ و....

٧- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٢٧٤، ح ١٤.

٨- كمال الدين و تمام التعمه: ص ٣٦٠، ح ٣.

٦٨-سوره مبارکه ی قلم

آیه ١ - ص ٣٣٦

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٣، ص ٣٧٣ و....

٢- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢١٦ و....

٣- تفسير فرات الكوفي: ص ١٨٧.

٤- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٣٦٨ و....

٥- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣٣٢.

٦- تفسير القمي: ج ٢، ص ١٩٨.

٧- مفاتيح الغيب: ص ٤٥١.

٨- عيون اخبار الرضا: ج ١، ص ٢٣٧.

٩- بحار الانوار: ج ٥٧، ص ١٧٠.

١٠- بحار الانوار: ج ٥٧، ص ٣٧٤.

١١- بحار الانوار: ج ٥٧، ص ١٧٥.

١٢- بحار الانوار: ج ٦٠، ص ٩٣.

١٣- بحار الانوار: ج ١٥، ص ١١.

١٤- بحار الانوار: ج ١٥، ص ٢٤.

١٥- بحار الانوار: ج ٣٥، ص ٩٩.

١٦- بحار الانوار: ج ٢٥، ص ٢٤.

آیه ۴ - ص ۳۳۷

- ۱- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۳۹۱.
- ۲- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۳۳۳.
- ۳- تفسیر المیزان: ج ۱۹، ص ۳۷۷.
- ۴- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۳۸۰.
- ۵- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۳۶۹.
- ۶- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۳، ص ۳۷۴ و....
- ۷- تفسیر منهج الصادقین: ج ۹، ص ۳۶۹ و....
- ۸- تفسیر التبیان: ج ۱۰، ص ۷۵ و....
- ۹- تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی: ج ۱۱، ص ۲۲۹ و....
- ۱۰- تفسیر فرات الکوفی: ص ۱۸۸.
- ۱۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۲۱۶ و....
- ۱۲- تفسیر جوامع الجامع: ص ۵۰۴.
- ۱۳- شواهد التنزیل: ج ۲، ص ۳۵۶ و....
- ۱۴- اسباب النزول: ص ۲۱۶.
- ۱۵- الاصول من الکافی: ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱.

آیات ۵ - ۶ - ص ۳۳۷

- ۱- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۳۹۲.
- ۲- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۳۸۰.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۷۲۹ و....

٤- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣٣٤.

ص: ٦٧٧

- ٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ٢٦٩ و....
- ٦- تفسير كنز الدقائق: ج ١٣، ص ٣٧٨ و....
- ٧- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢١٨ و....
- ٨- تفسى منهج الصادقين: ج ٩، ص ٣٧٤ و....
- ٩- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٥٩.
- ١٠- اسباب النزول: ص ٢١٦.
- ١١- على فى الكتاب و السنة: ج ١، ص ٣٠٧ و....
- ١٢- الرّوضه من الكافى: المجلد الاوّل: ص ١٤٩، ح ٧٦.
- ١٣- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٥٠٨ و....

آيات ٥١ - ٥٢ - ٣٣٨

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٧٣ و....
- ٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ١٣٦.
- ٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٨٣.
- ٤- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٢٩٩.
- ٥- تفسير كنز الدقائق: ج ١٣، ص ٣٩٦ و....
- ٦- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١١، ص ٢٤٢ و....
- ٧- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٣٩٠ و....
- ٨- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٢٦ و....
- ٩- اسباب النزول: ص ٢١٧.

آیات ۱-۲-۳-۴-۱۲- ص ۳۳۹-۳۴۰

۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۳۷۶.

ص: ۶۷۸

- ٢- تفسير العياشى: ج ١، ص ١٤.
- ٣- تفسير شُبر: ص ٥٣٠.
- ٤- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١١، ص ٢٥٠.
- ٥- تفسير منهج الصادقين: ج ٩، ص ٣٩٥ و....
- ٦- تفسير فرات الكوفى: ص ١٨٩.
- ٧- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٣٠ و....
- ٨- تفسير كنز الدقائق: ج ١٣، ص ٤٠٦ و....
- ٩- تفسير التبيان: ج ١٠، ص ٩٨.
- ١٠- تفسير الصافى: ج ٢، ص ٧٣٨.
- ١١- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٤٠٢ و....
- ١٢- تفسير الميزان: ج ١٩، ص ٣٩٥ و....
- ١٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣٤٥.
- ١٤- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٠٦ و....
- ١٥- كشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى: ج ١٠، ص ٢٠٩.
- ١٦- تفسير الكشاف: ج ٤، ص ٦٠٠.
- ١٧- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: ج ٤، ص ٤١٣.
- ١٨- تفسير الدر المنثور: ج ٤، ص ٢٦٠.
- ١٩- تفسير الكبير فخر رازى: ج ٣٠، ص ١٠٧.
- ٢٠- الجواهر فى تفسير القرآن الكريم طنطاوى: ج ٢٤، ص ٣٢٥.
- ٢١- تفسير القرآن الكريم محى الدين: ج ٢، ص ٦٩١.

٢٢- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٦١ و....

ص: ٦٧٩

- ٢٣- اسباب التنزيل: ص ٢١٥ و... .
- ٢٤- الثور المشتعل: ص ٢٦٦ و... .
- ٢٥- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٣١١ و... .
- ٢٦- عيون اخبار الرضا: ج ٢، ص ٦٧، ح ٢٥٦.
- ٢٧- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١١٠ و... .
- ٢٨- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٢٢٠ و... .
- ٢٩- حديقّة الشيعة: ص ٨٣.
- ٣٠- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٠، باب سيرة الامام، ح ٥٧.
- ٣١- معاني الخبر: ص ٥٨ و...، ح ٩.
- ٣٢- شرح نهج البلاغه، لابن ابي الحديد: ج ٧، ص ٢٢٠.
- ٣٣- فرائد السمطين: ج ١، ص ٢٠٠ و...، باب ٤٠، ح ١٥٦ و... .
- ٣٤- المناقب الخوارزمي: ص ٣٨٢، ح ٢٧٦.
- ٣٥- ينابيع المودّة: ص ١٢٠، باب ٣٩.
- ٣٦- كنز العمال: ج ١٣، ص ١٧٧.
- ٣٧- انساب الاشراف: ج ٢، ص ١٢١.
- ٧٠- سورة مبارکه ی معارج**

آيات ١ - ٢ - ٣ - ص ٣٤٠ و ٣٤١

- ١- الغدير: ج ١، ص ٢٣٩.
- ٢- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣٥٢.
- ٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٨٢ و... .

- ٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٤٢.
- ٥- تفسير نورالتّقلين: ج ٥، ص ٤١١ و... .
- ٦- تفسير منهج الصّادقين: ج ١٠، ص ٣ و... .
- ٧- تفسير كنزالدّقائق: ج ١٣، ص ٤٢٨ و... .
- ٨- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٣٩ و... .
- ٩- تفسير فرات الكوفى: ص ١٨٩ و... .
- ١٠- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ١١.
- ١١- تنوير المقباس، تفسير ابن عباس: ص ٤٨٤.
- ١٢- تفسير شُبر: ص ٥٣١.
- ١٣- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١١، ص ٢١٦.
- ١٤- تفسير جلالين: ص ٧٥٨ و... .
- ١٥- شواهد التّنزيل: ج ٢، ص ٣٨١ و... .
- ١٦- اسباب التّزول: ص ٢١٩ و... .
- ١٧- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٤٩، ح ٤٧.

٧١-سوره مبارکه ی نوح

آیات ١ - ٢٨ - ص ٣٤١

- ١- تفسير نورالتّقلين: ج ٥، ص ٤٢٩، ح ٣٣.
- ٢- تفسير كنزالدّقائق: ج ١٣، ص ٤٦٥.
- ٣- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٤٩.
- ٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٥٥.

٥- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ١٩ و... .

٦- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣٦٥.

٧- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٩٠.

٨- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٨٨.

٩- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٥٠، ح ٥٤.

٧٢-سوره مبارکه ی جن

آیات ١ - ١٦ - ص ٣٤٤

١- الاصول من الكافى: ص ٣٤٧، ح ٣٩.

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٣٩٢ و... .

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣٧٢.

٤- تفسير جوامع الجامع: ص ٥١٤.

٥- تفسير كنز الدقائق: ج ١٣، ص ٤٨١ و... .

٦- تفسير فرات الكوفى: ص ١٩٤.

٧- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٦٢ و... .

٨- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٣٦.

٩- تفسير التبيان: ج ١٠، ص ١٥٤.

١٠- تفسير الصافى: ج ٢، ص ٧٥١.

١١- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٩١.

١٢- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٤٣٨.

١٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٨٦.

آیات ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ص ۳۴۵

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۷۵۳.
- ۲- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۳۹۱.
- ۳- تفسیر نور الثقلین: ج ۵، ص ۴۴۱.
- ۴- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۲۶۴.
- ۵- تفسیر فرات الکوفی: ص ۱۹۴.

۷۳-سوره مبارکه ی مزمل

آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ص ۳۴۶

- ۱- تفسیر نور الثقلین: ج ۵، ص ۴۴۶.
- ۲- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۷۵۴.
- ۳- تفسیر کنز الدقائق: ج ۱۳، ص ۴۹۷.

۷۴-سوره مبارکه ی مدثر

آیه ۳۱ - ص ۳۴۷

- ۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۰۲.
- ۲- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۷۶۱.

آیات ۳۸ - ۳۹ - ص ۳۴۷

- ۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۴.
- ۲- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۳۹۱.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٢٨.

٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٩٥.

٥- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٦٢.

٦- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٨٨ و....

٧- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٥٨، ح ٩١.

آيات ٤٠ - ٤١ - ٤٢ - ص ٣٤٧

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٠٤.

٢- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٤٥٨.

٣- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٦٢.

٤- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٣٩١.

آيات ٤٣ - ٤٤ - ص ٣٤٧

١- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٤٥٩.

٢- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٩٥.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٢٨.

٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٨٨.

٥- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٦٢.

٦- الاصول من الكافى: ج ١، ص ٣٥٩.

٧٥-سوره مبارکه ی قیامت

آيات ٣١ - ٣٢ - ص ٣٤٨

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٠٩.

- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٤٤.
- ٣- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٧٦٧.
- ٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٢٩٧.
- ٥- تفسير القمي: ج ٢، ص ٣٩٧.
- ٦- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٤٦٦.
- ٧- تفسير فرات الكوفي: ص ١٩٥.
- ٨- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١١، ص ٣٣٥.
- ٩- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٩٠.
- ١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٩٠ و....
- ١١- عليّ في الكتاب و السنّه: ج ١، ص ٣١٩ و....
- ١٢- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٣٨ و....

٧٦-سوره مبارکه ی انسان

آیات ١ تا ٢٢ - ص ٣٤٩ و...

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤١١ و....
- ٢- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٠٤ و....
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٩٧ و....
- ٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١١، ص ٣٤٩ و....

٥- تفسير فرات الكوفي: ص ١٩٨ و....

٦- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٤٧٠ و....

٧- تفسير القمى: ج ٢، ص ٣٩٨ و... .

ص: ٦٨٥

- ٨- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٠١٣٠٣ و... .
- ٩- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ١٣٢ و... .
- ١٠- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٧٧٠ و... .
- ١١- تفسير شُبر: ص ٥٤٢.
- ١٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٥٣ و... .
- ١٣- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٢٢.
- ١٤- تحفه الفتى فى تفسير سوره هل اتى: ص ٣٦ و ٣٧ و... .
- ١٥- كشف الاسرار و عُده الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى: ج ١٠، ص ٣١٩ و... .
- ١٦- تفسير القرآن الكريم: محى الدين عربى، ج ٢، ص ٧٤١.
- ١٧- التفسير الكبير، فخر رازى: ج ٣٠، ص ٢٤٣ و... .
- ١٨- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ٢٩٩.
- ١٩- تفسير الكشاف: ج ٤، ص ٦٧٠ و... .
- ٢٠- تفسير خازن: ج ٤، ص ٣٥٨.
- ٢١- تفسير بيضاوى: ج ٢، ص ٥٧١.
- ٢٢- تفسير روح البيان: ج ١، ص ٢٦٨ و... .
- ٢٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٣٩٤ و... .
- ٢٤- اسباب النزول: ص ٢٢٥ و... .
- ٢٥- خصائص الوحي المبين: ص ١٥٩ و... .
- ٢٦- احقاق الحق: ج ٣، ص ١٥٨ و... .
- ٢٧- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٣٧٣.

٢٨- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١١١ و....

ص: ٦٨٦

٢٩- بحار الانوار: ج ٣٥، ص ٢٣٧ و... .

٣٠- ينابيع المودّة: ص ٩٣.

٣١- المناقب الخوارزمي: ص ٧٢٦، ح ٢٥٠.

٣٢- اسد الغابّة: ج ٥، ص ٥٣٠.

٣٣- رياض النضرة: ج ٢، ص ٢٢٧.

٣٤- مناقب منازلّي: ص ٢٧٢، ح ٣٢٠.

٣٥- ذخائر العقبى: ص ١٠٢.

٣٦- فرائد السّمطين: ج ٢، ص ٥٣ و...، باب ١١، ح ٣٨٣.

٣٧- نور الاصول: ص ٦٤.

٣٨- نوادر الابصار: ص ١٢ و... .

٣٩- الاصابه: ج ٤، ص ٣٨٧.

٤٠- فتح القدير: ج ٥، ص ٣٣٨.

٤١- تأويل الايات: ج ٥، ص ٧٤١ - ٧٥٢.

٤٢- كفاية الطالب: ص ٣٤٥ و... .

٤٣- فرائد السّمطين: ج ١، ص ٥٣، باب ٥، ح ١٨.

و كتاب های ديگرى مانند: الغدير، شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد و... .

٧٧-سوره مبارکه ی مرسلات

آيات ٥ - ٦ - ص ٣٥٣

١- شواهد التّنزيل: ج ٢، ص ٤١٦.

آیات ١-٢-٣-٤- ص ٣٥٣ و ٣٥٤ و...

- ١- تفسیر برهان، ج ٤، ص ٤١٩ و...
- ٢- تفسیر نورالثقلین: ج ٥، ص ٤٩١ و...
- ٣- تفسیر الصّافی: ج ٢، ص ٧٧٩.
- ٤- تفسیر القمی: ج ٢، ص ٤٠١.
- ٥- تفسیر کنزالدقائق: ج ١٤، ص ٩٤ و...
- ٦- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ١١، ص ٣٦٩ و...
- ٧- تفسیر منهج الصادقین: ج ١٠، ص ١٢٥ و...
- ٨- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٣٢١ و...
- ٩- تفسیر المیزان: ج ٢٠، ص ١٦٣.
- ١٠- تفسیر القرآن الکریم: محی الدین عربی، ج ٢، ص ٧٥٥.
- ١١- شواهد التنزیل: ج ٢، ص ٤١٨.
- ١٢- اسباب النزول: ص ٢٢٧.
- ١٣- علی فی الکتاب والسنة: ج ١، ص ٣٢٣ و...
- ١٤- احقاق الحق: ج ١٤، ص ٣٧٦ و...
- ١٥- دلائل الصدق: ج ٢، ص ٢١١ و...
- ١٦- عیون اخبار الرضا: ج ٤، ص ٩، ح ١٣.
- ١٧- الاصول من الکافی: ج ١، ص ٣٤٦.
- ١٨- حدیقه الشیعه: ص ٩٩.

١٩- تهذيب الاحكام: ج ٣، ص ١٤٦، ح ٣١٧.

ص: ٦٨٨

٢٠- امالى الشيخ الطوسى: ج ١، ص ٣٦٦.

٢١- ينابيع المودة: ص ٤٩٥ و...، باب ٩٥.

آيات ٣١ - ٣٢ - ٣٣ - ٣٤ - ٣٥ - ٣٦ - ص ٣٥٦

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٢٧.

٢- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ١٣٢ و....

٣- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ١٧٦.

٤- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٤٩٥.

٥- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٧٨٢.

٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٠٢.

٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ١١، ص ٣٧٦.

٨- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ١٠٥ و....

٩- تفسير القرآن الكريم، محى الدين عربى: ج ٢، ص ٧٥٥.

١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤١٩.

١١- على فى الكتاب و السنه: ج ١، ص ٣٢٧.

آيات ٣٨ - ٣٩ - ٤٠ - ص ٣٥٧

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٢٧ و....

٢- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٢٧.

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٢٢ و....

٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ١٠٧.

٥- تفسير فرات الكوفى: ص ٢٠٢.

- ٦- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٤٩٦ و... .
- ٧- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٧٨٢ و... .
- ٨- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ١٣٤ و... .
- ٩- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٢٧.
- ١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازي: ج ١١، ص ٣٧٧ و... .
- ١١- تفسير فرات الكوفي: ص ٢٠٢.
- ١٢- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٢٠ و... .
- ١٣- كتاب التوحيد: ص ٢٦١، ح ٥.
- ١٤- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٦١، ح ٩١.
- ١٥- علل الشّرايع: ص ١٥٥، باب ١٣٥، ح ١.

٧٩-سوره مبارکه ی نازعات

آیات ١-٢-٣-٤-٥- ص ٣٦٠

- ١- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٧٨٤.
- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٤٩٨.
- ٣- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤٠٣.
- ٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٣١ و... .
- ٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٢٤.
- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٢٩ و... .
- ٧- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ١١٣ و... .

٨- تفسير شيخ ابوالفتوح رازي: ج ١١، ص ٣٨٢ و....

ص: ٦٩٠

٩- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ١٣٩ و... .

١٠- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ١٩٤ .

١١- تفسير التبيان: ج ١٠، ص ٢٥٢ و... .

١٢- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٢٨ .

١٣- تفسير شُبر: ص ٥٤٧ .

١٤- كشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري: ج ١٠، ص ٣٦٧ و... .

١٥- عيون اخبار الرضا: ج ٢، ص ٥، ح ٢ .

آيات ٦-٧-٨-٩-١٠-١١-١٢ - ص ٣٦١

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٣٣ و... .

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ١١٥ و... .

٣- تفسير فرات الكوفى: ص ٢٠٣ .

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٢٤ .

آيات ٤٠-٤١-٤٢ - ص ٣٦٣

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٣٦ .

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٢٦ .

٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٢٢ .

٨٠-سوره مبارکه ی عبس

آیه ١٦-١٧ - ص ٣٦٣

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٤٣ .

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ١٣٥.

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٠٥.

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٢٨.

آيه ٢٣ - ص ٣٦٤

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٤٤.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ١٣٧.

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٠٥.

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٢٨.

٨١-سوره مبارکه ی تکویر

آيه ١٥ - ص ٣٦٧

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٥٠ و....

٢- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥١٧.

٣- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ١٥٣.

٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٩١ و....

٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٣٢ و....

٦- تفسير فرات الكوفى: ص ٢٠٤.

٧- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٠٧.

٨- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ١٤٦ و...

٩- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٣١.

١٠- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥١٤ و....

۸۲-سوره مبارکه ی انفطار

آیه ۸ - ص ۳۶۸

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۳۵۷ و....
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۱۶۵ و....
- ۳- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۲۲.
- ۴- تفسیر مجمع البيان: ج ۵، ص ۴۴۹.
- ۵- مناقب آل ابيطالب: ج ۴، ص ۲.

آیات ۱۳ - ۱۴ - ص ۳۶۹

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۳۵۸.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۱۷۲.
- ۳- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۲۶.
- ۴- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۳۶.
- ۵- تفسیر مجمع البيان: ج ۵، ص ۴۵۰.
- ۶- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۱۸۸.
- ۷- مناقب آل ابي طالب: ج ۴، ص ۲ و....

۸۳-سوره مبارکه ی مطففين

آیه ۱ - ص ۳۶۹

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۳۶۲.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۳۷.

آیه ۷ - ص ۳۷۰

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۳۶۲ و....
- ۲- تفسیر فرات الکوفی: ص ۲۰۶.
- ۳- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۳۸.

آیه ۱۰ - ص ۳۷۱

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۷۹۷.
- ۲- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۳۱.
- ۳- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۱۸۲.
- ۴- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۳۷.
- ۵- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۲۶۲ و....

آیه ۱۷ - ص ۳۷۱

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۳۶۵.
- ۲- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۳۲.
- ۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۷۹۸.
- ۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۱۸۴.
- ۵- تفسیر فرات الکوفی: ص ۲۰۵.

آیه ۲۸ - ص ۳۷۱

- ۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۷۹۹.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۱۹۱.

٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٦٧ و....

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤٠.

٥- تفسير نورالتقلين: ج ٥، ص ٥٣٥.

٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤١١ و....

٧- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٥٤.

٨- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٢٥.

آيات ٣٠ - ٢٩ - ٣٧١

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٦٧.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ١٩٢ و....

٣- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٧٩٩.

٤- تفسير نورالتقلين: ج ٥، ص ٥٣٥.

٥- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤١٢.

٦- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ١٢، ص ٢٨.

٧- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٤٢٠.

٨- تفسير فرات الكوفى: ص ٢٠٤.

٩- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ١٧٨.

١٠- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤٠.

١١- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٥٦ و....

١٢- التفسير الكبير، فخر رازى: ج ٣١، ص ١٠١ و....

١٣- كشف الاسرار و عُدَّة الابرار، معروف به

تفسیر خواجه عبدالله انصاری: ج ۱۰، ص ۴۱۹ و....

ص: ۶۹۵

- ١٤- تفسير الكشاف: ج ٤، ص ٧٢٤.
- ١٥- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٢٧.
- ١٦- اسباب النزول: ص ٢٢٨ و... .
- ١٧- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٣٣٥ و... .
- ١٨- دلائل الصّدق: ج ٢، ص ٢٢١ و... .
- ١٩- تأويل الايات الباهرة: ج ٢، ص ٧٨٠، ح ١٣.

آيه ٣٤ - ص ٣٧٢

- ١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٦٨.
- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ١٩٣.
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ١٨٩.
- ٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١٢، ص ٢٩.
- ٥- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤١.
- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٥٧.
- ٧- اسباب النزول: ص ٢٢٩.

٨٤-سوره مبارکه ی انشقاق

آيات ٧ - ٨ - ٩ - ص ٣٧٣

- ١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٧٢ و... .
- ٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٢٠٠ و... .
- ٣- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٥٣٧ و... .

٤- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ١٩٢.

٥- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨٠١.

٦- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤٣ و... .

آيه ١٩ - ص ٣٧٤

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٧٤.

٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٢٠٣ و... .

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤٤.

٤- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨٠١ و... .

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٥٣٩ و... .

٦- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ١٩٥.

آيه ٢٠ - ص ٣٧٤

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٧٥.

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤٤.

٨٥-سوره مبارکه ی بروج

آيات ١ - ٢ - ٣ - ص ٣٧٥

١- الاختصاص: ص ٢٢٣ و... .

٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤٥ و... .

٣- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٥٤١ و... .

ص: ٦٩٧

٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٧٧ و... .

٥- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨٠٣ .

٦- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٠٩ و... .

٧- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٥٢، ح ٦٩ .

٨- معاني الاخبار: ص ٢٩٩، ح ٧ .

٨٦-سوره مبارکه ی طارق

آیات ٣ - ٤ - ص ٣٧٨

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤٨ .

٢- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨٠٧ .

٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٨٨ .

٤- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٥٠ .

٥- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤٥٠ .

٦- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٢٤ .

٧- كتاب الخصال: ص ٤٨٩ و... .

آیات ١٥ - ١٦ - ١٧ - ص ٣٨٠

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٨٩ .

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٣٠ .

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٤٩ .

٤- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٧٢ .

۵- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۵۴.

۶- تفسیر منهج الصادقین: ج ۱۰، ص ۲۱۴.

۷- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۱۶.

۸۷-سوره مبارکه ی اعلیٰ

آیه ۱۵ - ص ۳۸۰

۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۵۱.

۲- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۵۵ و... .

۳- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۲۳۷.

۴- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۳۹۳.

۵- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۱۰.

آیات ۱۶ - ۱۷ - ص ۳۸۱

۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۳۹۳ و... .

۲- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۵۶ و... .

۳- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۱۷.

۴- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۵۱.

۸۸-سوره مبارکه ی غاشیه

آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ص ۳۸۲

۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۲۴۹ و... .

۲- تفسیر جوامع الجامع: ص ۵۳۹.

- ٣- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٦٣ و... .
- ٤- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨١٢.
- ٥- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤١٨.
- ٦- تفسير جامع: ج ٧، ص ٣٩٧ و... .
- ٧- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٧٩.
- ٨- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٢٢٣ و... .
- ٩- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٥٣ و... .
- ١٠- الرّوضه من الكافي: المجلد الثاني، ص ١٣، ح ٢٥٩ و... .
- ١١- ثواب الاعمال: ص ٢٤٧، ح ٣.

آيات ٢٥ - ٢٦ - ٣٨٩

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٥٦.
- ٢- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨١٤.
- ٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٠٠.
- ٤- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٦٨ و... .
- ٥- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٥٨ و... .
- ٦- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٢٧٧.
- ٧- امالي الشيخ الطوسي: ج ٢، ص ٢٠ و... .

٨٩-سوره مبارکه ی فجر

آيات ١ - ٢ - ٣ - ٤ - ص ٣٩٢ و ٣٩٣

- ١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٥٧.

٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٦٦ و... .

٣- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٧١ و...

٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٠٣ و... .

٥- تفسير فرات الكوفي: ص ٢٠٩.

٦- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨١٥.

آيات ٢٧ - ٢٨ - ٢٩ - ٣٠ - ص ٣٩٦ و ٣٩٨

١- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٢٨٧.

٢- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨١٨.

٣- تفسير فرات الكوفي: ص ٢١٠.

٤- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤١١ و... .

٥- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٧٧.

٦- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤٢٢.

٧- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٧٨ و... .

٨- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٦٠ و... .

٩- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٢٩.

١٠- اسباب النزول: ص ٢٣٠.

١١- الفروع من الكافي: ج ٣، ص ١٢٧ و... .

٩٠-سوره مبارکه ی بلد

آیه ٣ - ص ٣٩٨

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤١٥ و... .

- ٢- تفسير التبيان: ج ١٠، ص ٣٥٠.
- ٣- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٢٤٩.
- ٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٢٢.
- ٥- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٧٨ و... .
- ٦- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٨١٩.
- ٧- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٤٩٣.
- ٨- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٦٢.
- ٩- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٨٣ و... .
- ١٠- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٣٠.
- ١١- الاصول من الكافي: ج ١، ص ٣٤٢، ح ١١.
- ١٢- تأويل الايات الباهرة: ج ٢، ص ٧٩٧ و... .

آيات ٨ - ٩ - ١٠ - ١١ - ١٢ - ١٣ - ١٤ - ١٥ - ١٦ - ص ٤٠١

- ١- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٢٣.
- ٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٨٦ و... .
- ٣- تفسير فرات الكوفى: ص ٢١١.
- ٤- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٨٠ و... .
- ٥- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٢٥٢.
- ٦- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤١٧ و... .
- ٧- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٦٢ و... .
- ٨- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٣٠.

آیات ١-٢-٣-٤- ص ٤٠٢ و ٤٠٤

- ١- تفسیر برهان: ج ٤، ص ٤٦٧ و... .
- ٢- تفسیر کنزالدقائق: ج ١٤، ص ٢٩٥ و... .
- ٣- تفسیر منهج الصادقین: ج ١٠، ص ٢٥٨.
- ٤- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٤٢١ و... .
- ٥- تفسیر نورالثقلین: ج ٥، ص ٥٨٥.
- ٦- تفسیر فرات الکوفی: ص ٢١١ و... .
- ٧- تفسیر القمی: ج ٢، ص ٤٢٤.
- ٨- تفسیر الصّافی: ج ٢، ص ٨٢٢.
- ٩- تفسیر مجمع البیان: ج ٥، ص ٤٩٨.
- ١٠- شواهد التنزیل: ج ٢، ص ٤٣٢ و... .
- ١١- دلایل الصدق: ج ٢، ص ٢٢٢.
- ١٢- الرّوضه من الکافی: المجلّد الاوّل، ص ٧٢، ح ١٢.

آیه ٥ - ص ٤٠٤

- ١- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٤٢٢.
- ٢- تفسیر فرات الکوفی: ص ٢١٢.
- ٣- تفسیر برهان: ج ٤، ص ٤٦٧.

آیه ٦ - ص ٤٠٤

- ١- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٤٢٢.

٢- تفسير فرات الكوفي: ص ٢١٢.

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٦٧.

آيه ٨ - ص ٤٠٤

١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٢٢.

٢- تفسير فرات الكوفي: ص ٢١٢.

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٦٧.

٤- دلائل الصدق: ج ٢، ص ٢٢٢.

آيه ١٠ - ص ٤٠٤

١- تفسير فرات الكوفي: ص ٢١٢.

٢- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٨٢٢.

٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٢٢.

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٦٧.

آيه ١١ - ص ٤٠٤

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٦٨.

٢- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٢٢.

آيات ١٢ - ١٣ - ص ٤٠٥

١- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٨٦ و... .

٢- تفسير شيخ ابو الفتوح رازی: ج ١٢، ص ١٠١.

ص: ٧٠٤

٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٢٩٩.

٤- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٨٢٣.

٥- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٣٠١.

٦- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٤٣.

٧- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٢٩٨ و....

٨- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٢٣ و....

٩- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٦٨.

١٠- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٢٦٢

و....

١١- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٣٤ و....

١٢- علىّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٣٤٠ و....

١٣- اقبال الاعمال: ص ٣.

١٤- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٣٠٩.

١٥- احقاق الحق: ج ٧، ص ٣٤١ و....

١٦- بيان رسا: ج ١، ص ٥٤.

١٧- بحار الانوار: ج ٤٢، ص ١٩٠ و....

١٨- فرائد السّمطين: ج ١، ص ٣٨٤ و.... ح ٣١٦.

١٩- تاريخ ابن عساكر: ج ٣، ص ٢٨٢، ح ١٣٧٠.

٩٢-سوره مبارکه ی لیل

آیات ١ - ٢ - ٣ - ص ٤٠٥

١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٣٠٥.

ص: ٧٠٥

- ٢- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٣٠٨.
- ٣- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٨٨ و... .
- ٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٢٤.
- ٥- تفسير فرات الكوفى: ص ٢١٤.
- ٦- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٨٢٤.
- ٧- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٢٧.
- ٨- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٧٠.
- ٩- مناقب آل ابى طالب: ج ٣، ص ٣٢٠.

آيه ٩ - ص ٤٠٧

- ١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٣٠.
- ٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٣١١.

آيه ١٢ - ص ٤٠٧

- ١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٣٠.

آيات ١٤ - ١٥ - ١٦ - ص ٤٠٨

- ١- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٣٠٩ و... .
- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٥٩٢ و... .
- ٣- تفسير جوامع جامع: ص ٥٤٤.
- ٤- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٢٦.
- ٥- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٨٢٦.
- ٦- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٣٠.

آیه ۱۷ - ص ۴۰۸

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۳۰.
- ۲- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۳۱۲ و...

آیات ۲۰ - ۲۱ - ص ۴۰۸

- ۱- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۹۳.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۷۰ و...

۹۳-سوره مبارکه ی ضحی

آیه ۵ - ص ۴۰۸

- ۱- تفسیر الدر المنثور: ج ۶، ص ۳۶۱.
- ۲- تفسیر المیزان: ج ۲۰، ص ۳۱۲.
- ۳- تفسیر فرات الکوفی: ص ۲۱۵.
- ۴- تفسیر الصافی: ج ۲، ص ۸۲۷.
- ۵- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۲، ص ۱۱۰.
- ۶- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۹۴ و...
- ۷- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۲۷۳.
- ۸- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۷۲.
- ۹- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۵۰۵.
- ۱۰- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۳۴.
- ۱۱- مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۳۴۲ و...

آیه ۶ - ص ۴۰۹

- ۱- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۵۹۵.
- ۲- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۳۴.
- ۳- تفسیر منهج الصادقین: ج ۱۰، ص ۲۷۴.

آیه ۱۱ - ص ۴۰۹

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۳۶.
- ۲- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۷۴.
- ۳- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۳۲۴.
- ۴- تفسیر جوامع الجامع: ص ۵۴۴ و....

۹۴-سوره مبارکه ی شرح

آیات ۱ - ۲ - ص ۴۰۱

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۳۸ و....
- ۲- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۲۸.
- ۳- تفسیر الصافی: ج ۲، ص ۸۲۹.
- ۴- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۶۰۳.
- ۵- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۷۴ و....
- ۶- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۳۳۳.

آیات ۷ - ۸ - ص ۴۱۱

- ۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۷۵ و....

- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٦٠٥.
- ٣- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٤.
- ٤- تفسير فرات الكوفى: ص ٢١٧.
- ٥- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٢٨ و... .
- ٦- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٨٣٠.
- ٧- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٣٣٦ و... .
- ٨- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٢٨٧ و... .
- ٩- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٥١ و... .
- ١٠- اسباب النزول: ص ٢٣٣.
- ١١- علىّ فى الكتاب و السنّه: ج ١، ص ٣٤٧ و... .

٩٥-سوره مبارکه ی تین

آیات ١ - ٢ - ٣ - ص ٤١٢

- ١- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٢٩.
- ٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٨٣١ و... .
- ٣- تفسير فرات الكوفى: ج ٢١٧ و... .
- ٤- تفسير شيخ ابو الفتوح رازى: ج ١٢، ص ١٢٤.
- ٥- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٣٢٢.
- ٦- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٦٠٦ و... .
- ٧- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٢٨٩.
- ٨- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٤٣.

٩- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٣٤٠ و... .

١٠- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٧٧ و... .

١١- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٥٥ و... .

١٢- كتاب الخصال: ص ٢٢٥، ح ٥٨.

آیه ٤ - ص ٤١٣

١- بحار الانوار: ج ٤، ص ١١، باب ٢، ح ١.

٢- بحار الانوار: ج ٤، ص ١٣، باب ٢، ح ١٥.

آیات ٥ - ٦ - ٧ - ٨ - ص ٤١٤

١- تفسير نور الثقلين: ج ١، ص ٦٠٨.

٢- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٨٣٢.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٣٤٢ و... .

٤- تفسير فرات الكوفي: ص ٢١٨.

٥- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤٣٠.

٦- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٤٤.

٧- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٧٨.

٨- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٥٦.

٩٦-سوره مبارکه ی علق

آیه ٥ - ص ٤١٥

١- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٨٣٣.

٢- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٦٠٩.

٣- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٧٨ و... .

٤- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٥١٤.

٥- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٣٤٧.

٦- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٣٠.

٩٧-سوره مبارکه ی قدر

آیات ١- ٢- ٣- ٤- ٥- ص ٤١٩- ٤١٨ و ٤٢٠

١- معانى الاخبار: ص ٣١٥ و...، باب معنى ليلة القدر، ح ١.

٢- تفسير الصّافى: ج ٢، ص ٨٣٥ و... .

٣- تفسير القمى: ج ٢، ص ٤٣١.

٤- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٣٥٩ و... .

٥- تفسير التّبيان: ج ١٠، ص ٣٨٥ و... .

٦- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٦٢٢ و... .

٧- تفسير الميزان: ج ١٠، ص ٣٣٤ و... .

٨- تفسير منهج الصّادقين: ج ١٠، ص ٣٠٢ و... .

٩- تفسير فرات الكوفى: ص ٢١٨.

١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازى: ج ١٢، ص ١٣٨ و... .

١١- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٥٣ و... .

١٢- تفسير برهان: ج ٤، ص ٤٨١ و... .

١٣- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٥١٨ و... .

١٤- تفسير شُيْر: ص ٥٦٢.

١٥- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٤٨.

١٦- تفسير القرآن الكريم، محي الدين: ج ٢، ص ٨٣١ و... .

١٧- كشف الاسرار و عُده الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري: ج ١٠، ص ٥٥٦ و... .

١٨- تفسير القرآن العظيم: ابن كثير، ج ٤، ص ٥٢٩ و... .

١٩- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ٣٧١ و... .

٢٠- التفسير الكبير: فخر رازی: ج ٣٢، ص ٢٨ و... .

٢١- الجواهر في تفسير القرآن الكريم، طنطاوى: ج ٢٦، ص ٢٥٠ و... .

٢٢- اسباب النزول: ص ٢٣٣ و... .

٩٨- سورة مبارکه ی بینہ

آیه ١ - ص ٤٢٤

١- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨٣٨.

٢- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤٣٢.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٣٧٥.

٤- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٥٢٣.

٥- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٦٤٣.

٦- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٣٤١.

٧- تفسير التبيان: ج ١٠، ص ٣٨٩.

ص: ٧١٢

آیه ۵ - ص ۴۲۵

۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۶۷.

آیه ۶ - ص ۴۲۵

۱- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۶۴۴.

۲- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۳۸.

۳- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۳۷۷.

۴- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۶۶.

۵- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۳۲.

آیه ۷ - ص ۴۲۵

۱- تفسیر الدرالمشور: ج ۶، ص ۳۷۹.

۲- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۵۲۴.

۳- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۸۹ و....

۴- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۳۷۷ و....

۵- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۳۲.

۶- تفسیر نورالثقلین: ج ۵، ص ۶۴۴ و....

۷- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۳۸ و....

۸- تفسیر المیزان: ج ۱۰، ص ۳۴۱.

۹- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۴۶۶ و....

۱۰- تفسیر منهج الصادقین: ج ۱۰، ص ۳۱۵ و....

۱۱- تفسیر فرات الکوفی: ص ۲۱۸.

- ١٢- تفسير التبيان: ج ١٠، ص ٣٩١.
- ١٣- تفسير جوامع الجامع: ص ٥٤٩.
- ١٤- تفسير خوارزمي: ص ١٧٨.
- ١٥- تفسير طبري: ج ٣٠، ص ١٤٦.
- ١٦- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٥٩ و....
- ١٧- اسباب النزول: ص ٢٣٤ و....
- ١٨- التورالمشعل: ص ٢٧٤ و....
- ١٩- خصائص الوحي مبين: ص ٢٢٥ و....
- ٢٠- عليّ في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٣٤٩ و....
- ٢١- مناقب آل ابي طالب: ج ٣، ص ٦٨ و....
- ٢٢- احقاق الحق: ج ٣، ص ٢٨٧ و....
- ٢٣- دلائل الصدق: ج ٢، ص ١٣٧ و....
- ٢٤- حديقته الشيعه: ص ٨٥.
- ٢٥- سعدالسعود سيدبن طاوس: ص ١٠٨.
- ٢٦- ينابيع الموده: ص ٦٢.
- ٢٧- كشف الغمه في معرفة الائمه: ج ١، ص ٣٠٢.
- ٢٨- المناقب الخوارزمي: ص ٢٦٥، ح ٢٤٧.
- ٢٩- تاريخ ابن عساكر: ج ٢، ص ٤٤٢ و....
- ٣٠- فرائد السمطين: ج ١، ص ١٥٦، باب ٣١، ح ١١٨.
- ٣١- تأويل الايات: ج ٢، ص ٨٣١.

٣٢- ما نزل من القرآن في عليّ: ص ٤٢٠.

٣٣- نزول القرآن في شأن امير المؤمنين: ص ٤٢٠.

ص: ٧١٤

- ٣٤- كتاب المناقب: ص ٤٢١.
- ٣٥- مناقب مرتضوى: ص ٤٧.
- ٣٦- التذكرة: ص ٢٢.
- ٣٧- كفايت الطالب: ص ١١٨.
- ٣٨- روح البيان: ج ٢٠، ص ٢٠٨.
- ٣٩- نورالابصار: ص ٢٠.
- ٤٠- الصواعق المحرقة: ص ١٥٩.
- ٤١- فتح الغدير: ج ٥، ص ٤٦٤.
- ٤٢- روح المعاني: ج ٣٠، ص ٢٠٧.
- ٤٣- نورالابصار: ص ١٠٥.
- ٤٤- غاية المرام: ص ٣٢٧.
- ٤٥- غاية التّهاية: ج ١، ص ١٨٧.
- ٤٦- كترالاعمال: ج ٦، ص ٤٠٣.
- ٤٧- تاريخ بغداد: ج ٣، ص ١٩٢.
- ٤٨- مستدرک حاکم: ج ٣، ص ١٣٧.
- ٤٩- اسدالغابة: ج ١، ص ٦٩.
- ٥٠- مجمع الزوائد: ج ٩، ص ١٢١.
- ٥١- حلية الاولياء: ج ١، ص ٦٦.
- ٥٢- ينابيع المودة: ص ٧٤.
- ٥٣- استيعاب: ج ٢، ص ٦٥٧.

٥٤- رياض النّضرة: ج ٢، ص ١٧٧.

٥٥- فصول المهمه: ص ١٢٢.

ص: ٧١٥

۵۶- مسند احمد حنبل: ج ۶، ص ۳۳.

۵۷- تاريخ سيوطي: ص ۷۳.

۵۸- خصائص نسائي: ص ۲۴.

۹۹-سوره مبارکه ی زلزله

آیه ۳ - ص ۴۲۸

۱- تفسير الصّافی: ج ۲، ص ۸۴۰.

۲- تفسير نورالتّقلين: ج ۵، ص ۶۴۸.

۳- تفسير القمی: ج ۲، ص ۴۳۳.

۴- تفسير كنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۳۸۹.

۵- تفسير جامع: ج ۷، ص ۴۷۱.

۶- تفسير برهان: ج ۴، ص ۴۹۵.

آیه ۴ - ص ۴۲۸

۱- تفسير نورالتّقلين: ج ۵، ص ۶۴۸.

۲- تفسير الصّافی: ج ۲، ص ۸۴۰.

۳- تفسير جامع: ج ۷، ص ۴۷۱.

۴- تفسير برهان: ج ۴، ص ۴۹۴.

۵- تفسير كنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۳۹۲ و....

۶- علل الشرايع: ص ۵۵۶، ح ۸.

ص: ۷۱۶

آیات ١-٢-٣-٤-٥-٦- ص ٤٣٥

- ١- تفسیر الصّافی: ج ٢، ص ٨٤٣ و...
- ٢- تفسیر القمی: ج ٢، ص ٤٣٤ و...
- ٣- تفسیر نورالتّقلین: ج ٥، ص ٦٥٢ و...
- ٤- تفسیر کنز الدّقائق: ج ١٤، ص ٤٠٤.
- ٥- تفسیر المیزان: ج ٢٠، ص ٣٤٧ و...
- ٦- تفسیر التّبیان: ج ١٠، ص ٣٩٦ و...
- ٧- تفسیر شیخ ابوالنفوح رازی: ج ١٢، ص ١٥٠ و...
- ٨- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٤٧٥ و...
- ٩- تفسیر فرات الکوفی: ص ٢٢١ و...
- ١٠- تفسیر منهج الصّادقین: ج ١٠، ص ٣٢١ و...
- ١١- تفسیر برهان: ج ٤، ص ٤٩٥ و...
- ١٢- تفسیر مجمع البیان: ج ٥، ص ٥٢٩ و...
- ١٣- اسباب التّزول: ص ٢٣٥ و...
- ١٤- مناقب آل ابی طالب: ج ٣، ص ١٤٠ و...
- ١٥- بحار الانوار: ج ٢١، ص ٦٦ و...

آیات ٩-١٠-١١- ص ٤٣٦

- ١- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٤٧٩.

آیات ١ - ٢ - ٣ - ص ٤٣٧

- ١- تفسیر الصّافی: ج ٢، ص ٨٤٧.
- ٢- تفسیر کنزالدقائق: ج ١٤، ص ٤١٠ و....
- ٣- تفسیر المیزان: ج ٢٠، ص ٣٥٠.
- ٤- تفسیر القمی: ج ٢، ص ٤٤٠.
- ٥- تفسیر برهان: ج ٤، ص ٤٩٩ و....
- ٦- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٤٨٠ و....

آیه ٦ - ٧ - ص ٤٣٧

- ١- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٤٨١ و....
- ٢- تفسیر نورالتقلین: ج ٥، ص ٦٥٩ و....
- ٣- تفسیر برهان: ج ٤، ص ٤٩٩ و....
- ٤- تفسیر کنزالدقائق: ج ١٤، ص ٤١٠ و....
- ٥- اسباب النزول: ص ٢٣٦.
- ٦- علیّ فی الکتاب و السنّه: ج ١، ص ٣٥٣.

آیات ٨ - ٩ - ص ٤٣٨

- ١- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٤٨٢ و....
- ٢- تفسیر کنزالدقائق: ج ١٤، ص ٤١٣.
- ٣- شواهد التنزیل: ج ٢، ص ٤٧٥.

٤- اسباب النزول: ص ٢٣٦.

٥- على في الكتاب و السنة: ج ١، ص ٣٥٤.

١٠٢- سورة مباركه ي تكاثر

آيه ٨ - ص ٤٤٠

١- تفسير برهان: ج ٤، ص ٥٠٢ و... .

٢- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٣٥٤ و... .

٣- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤٤٠.

٤- تفسير الصافي: ج ٢، ص ٨٤٩ و... .

٥- تفسير فرات الكوفي: ص ٢٣٠.

٦- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٦٦٢ و... .

٧- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٣٣٦ و... .

٨- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٨٦ و... .

٩- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١٢، ص ١٦٢.

١٠- تفسير التبيان: ج ١٠، ص ٤٠٣.

١١- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٥٣٥.

١٢- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٤٢١ و... .

١٣- تفسير شبر: ص ٥٦٥.

١٤- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٧٧.

١٥- النور المشتعل: ص ٢٨٥.

١٦- خصائص الوحي المبين: ص ١٤٧.

١٧- عليّ في الكتاب و السنّة: ج ١، ص ٣٥٥ و... .

١٨- احقاق الحق: ج ٣، ص ٥٨٤ و... .

١٩- ينابيع المودّة: باب ٣٧، ص ١١١ و... .

١٠٣- سورة مباركه ي عصر

آيات ١ - ٢ - ٣ - ص ٤٤٢

١- تفسير الصّافي: ج ٢، ص ٨٥١.

٢- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤٤١.

٣- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٤٢٨ و... .

٤- تفسير برهان: ج ٤، ص ٥٠٤ و... .

٥- تفسير فرات الكوفي: ص ٢٣٠.

٦- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٣٥٨.

٧- تفسير نور الثقلين: ج ٥، ص ٦٦٦ و... .

٨- تفسير جامع: ج ٧، ص ٤٨٨ و... .

٩- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٣٤٠.

١٠- تفسير شيخ ابوالفتوح رازي: ج ١٢، ص ١٦٤.

١١- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ٣٩٢.

١٢- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٨٠ و... .

١٣- خصائص الوحي المبين: ص ٢٣٠ و... .

١٤- النور المشتعل: ص ٢٨١.

١٥- عليّ في الكتاب و السنه: ج ١، ص ٣٥٧ و... .

۱۶- دلائل الصدق: ج ۲، ص ۱۷۸.

۱۷- احقاق الحق: ج ۱۴، ص ۳۳۲.

۱۸- الاحتجاج: ج ۱، ص ۷۷.

۱۹- حديقه الشيعة: ص ۸۵.

۱۰۴-سوره مبارکه ی همزه

آیات ۱- ۲- ۳- ص ۴۴۳

۱- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۴۳۳.

۲- تفسیر جامع: ج ۴، ص ۴۹۱ و....

۱۰۵-سوره مبارکه ی فیل

آیات ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ص ۴۴۴ و ۴۴۵

۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۵۳ و...

۲- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۴۲ و دیگر تفاسیر و کتاب ها.

۱۰۶-سوره مبارکه ی قريش

آیات ۱- ۲- ۳- ۴- ص ۴۴۵

۱- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۴۴.

۲- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۵۵.

۳- تفسیر منهج الصادقين: ج ۱۰، ص ۳۵۷ و دیگر تفاسیر.

ص: ۷۲۱

آیات ١ - ٢ - ص ٤٤٦

- ١- تفسیر برهان: ج ٤، ص ٥١٠.
- ٢- تفسیر کنزالدقائق: ج ١٤، ص ٤٥٤.
- ٣- تفسیر جامع: ج ٤، ص ٥٠٥.

آیات ٤ - ٥ - ص ٤٤٦

- ١- تفسیر المیزان: ج ٢٠، ص ٣٦٨ و ...
- ٢- تفسیر نورالثقلین: ج ٥، ص ٦٧٧.
- ٣- تفسیر برهان: ج ٤، ص ٥١١.
- ٤- تفسیر کنزالدقائق: ج ١٤، ص ٤٥٥.
- ٥- تفسیر الصّافی: ج ٢، ص ٨٥٦.
- ٦- تفسیر جامع: ج ٧، ص ٥٠٥.
- ٧- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ١٢، ص ١٨٣.
- ٨- تفسیر التّبیان: ج ١٠، ص ٤١٥.
- ٩- تفسیر منهج الصّادقین: ج ١٠، ص ٣٥٩ و ...
- ١٠- تفسیر مجمع البیان: ج ٥، ص ٥٤٧.
- ١١- تفسیر القرآن الکریم: محی الدّین، ج ٢، ص ٨٥٩ و ...
- ١٢- کشف الاسرار و عُده الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری: ج ١٠، ص ٦٣٢.
- ١٣- الدرالمثور: ج ٦، ص ٤٠٠.

آیه ۱- ۲- ۳- ص ۴۵۰ و ۴۵۲ و...

۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۵۷ و...

۲- تفسیر المیزان: ج ۲، ص ۳۷۱.

۳- تفسیر نورالتّقلین: ج ۵، ص ۶۸۲ و...

۴- تفسیر کنزالدّقائِق: ج ۱۴، ص ۴۶۱ و...

۵- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۴۵.

۶- تفسیر فرات الکوفی: ص ۲۳۰ و...

۷- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۵۰۸ و...

۸- تفسیر التّبیان: ج ۱۰، ص ۴۱۷ و...

۹- تفسیر منهج الصّادِقین: ج ۱۰، ص ۳۶۲ و...

۱۰- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۲، ص ۱۸۶ و...

۱۱- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۵۱۲ و...

۱۲- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۵۴۹ و...

۱۳- تفسیر جوامع الجامع: ص ۵۵۳ و...

۱۴- تفسیر شبر: ص ۵۶۷.

۱۵- تفسیر ابن عباس: ص ۵۲۰.

۱۶- تفسیر القرآن الکریم: محی الدّین عربی: ج ۲، ص ۸۶۱.

۱۷- کشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبداللّٰه انصاری: ج ۱۰، ص ۶۴۰.

۱۸- التّفسیر الکبیر، فخر رازی: ج ۳۲، ص ۱۱۷ و...

- ١٩- تفسير الكشاف: ج ٤، ص ٨٠٧.
- ٢٠- تفسير الدر المنثور: ج ٦، ص ٤٠٠ و....
- ٢١- تفسير القرآن العظيم، ابن كثير: ج ٤، ص ٥٥٦ و....
- ٢٢- الجواهر في تفسير القرآن الكريم، طنطاوى: ج ٢٦، ص ٢٧٥ و....
- ٢٣- شواهد التنزيل: ج ٢، ص ٤٨٦ و....
- ٢٤- اسباب النزول: ص ٢٣٨.
- ٢٥- الروضة من الكافي: المجلد الثاني، ص ٣٥، ص ٢٩٨.
- ٢٦- مناقب آل ابي طالب: ج ٤، ص ٣٦.
- ٢٧- معاني الاخبار: ص ١٨٢، ح ١.
- ٢٨- امالي الشيخ الطوسي: ج ١، ص ٦٧.
- ٢٩- عوالي اللبالي: ج ٢، ص ٤٦، ح ١٢٠.

١١٠- سورة مباركه ي نصر

آيات ١ - ٢ - ٣ - ص ٤٥٨

- ١- تفسير القمي: ج ٢، ص ٤٤٦ و....
- ٢- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٦٩٠ و....
- ٣- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٣٧٨ و....
- ٤- تفسير كنز الدقائق: ج ١٤، ص ٤٨٠ و....
- ٥- تفسير جامع: ج ٧، ص ٥١٨ و....
- ٦- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٣٧٢ و....
- ٧- تفسير شيخ ابو الفتوح رازي: ج ١٢، ص ١٩٥ و....

۸- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۵۱۷.

۹- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۵۵۴ و... .

و همچنین تفاسیر و کتب دیگر.

۱۱۱-سوره مبارکه ی مسد

آیات ۱- ۲- ۳- ۴- ص ۴۶۰

۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۵۲۸.

۲- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۵۱۸ و... .

۳- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۶۱ و... .

۱۱۲-سوره مبارکه ی اخلاص

آیات ۱- ۲- ۳- ۴- ص ۴۶۲ و ۴۶۹ و ۴۷۰

۱- تفسیر الصّافی: ج ۲، ص ۸۶۳.

۲- تفسیر نورالتقلین: ج ۵، ص ۷۰۰ و... .

۳- تفسیر المیزان: ج ۲۰، ص ۳۹۰ و... .

۴- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۵۳۰ و ۵۳۲ و... .

۵- تفسیر القمی: ج ۲، ص ۴۴۸ و... .

۶- تفسیر فرات الکوفی: ص ۲۳۲ و... .

۷- تفسیر منهج الصّادقین: ج ۱۰، ص ۳۹۲ و... .

۸- تفسیر کنزالدقائق: ج ۱۴، ص ۵۰۵ و... .

۹- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۵۲۰ و... .

- ۱۰- تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۵۶۵ و....
- ۱۱- تفسیر جوامع الجامع: ص ۵۵۶.
- ۱۲- تفسیر التبیان: ج ۱۰، ص ۴۳۰ و....
- ۱۳- تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: ج ۱۲، ص ۲۱۳.
- ۱۴- تفسیر القرآن الکریم: محی الدین عربی، ج ۲، ص ۸۶۹ و....
- ۱۵- تفسیر الکشاف: ج ۴، ص ۸۱۷ و....
- ۱۶- التفسیر الکبیر، فخر رازی: ج ۳۲، ص ۱۷۵ و....
- ۱۷- کشف الاسرار و عُدَّة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری: ج ۱۰، ص ۶۶۲ و....
- ۱۸- تفسیر الدر المنثور: ج ۶، ص ۴۱۰ و....
- ۱۹- تفسیر ابن عباس: ص ۵۲۲.
- ۲۰- الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم طنطاوی: ج ۲۵، ص ۲۸۶.
- ۲۱- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر: ج ۴، ص ۵۶۵ و....
- ۲۲- اسباب النزول: ص ۲۴۰.
- ۲۳- کتاب الخصال: ص ۵۸۰، ح ۱.
- ۲۴- کتاب التوحید: ص ۹۴، ص ۱۱.
- ۲۵- کمال الدین و تمام النعمه: ص ۵۴۲، ح ۶.
- ۲۶- معانی الاخبار: ص ۱۴۰، ح ۱.

۱۱۳-سوره مبارکه ی فلک

آیات ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ص ۴۷۲

- ۱- تفسیر جامع: ج ۷، ص ۵۳۹ و ۵۴۰ و....

- ٢- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٥٤٠ و....
- ٣- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤، ص ٥٤٢ و....
- ٤- تفسير كنزالدقائق: ج ١٤٥٤٥.
- ٥- تفسير برهان: ج ٥، ص ٥٢٨ و ٥٣٠.
- ٦- تفسير مجمع البيان: ج ٥، ص ٥٦٨ و....
- ٧- تفسير شيخ ابوالفتوح رازی: ج ١٢، ص ٢١٥ و....
- ٨- تفسير منهج الصادقين: ج ١٠، ص ٤٠٣ و....
- ٩- تفسير القمی: ج ٢، ص ٤٤٩.
- ١٠- تفسير فرات الكوفي: ص ٢٣٣.
- ١١- تفسير الميزان: ج ٢٠، ص ٣٩٤ و....
- ١٢- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٨٦٧.
- ١٣- تفسير الصّافی: ج ٢، ص ٨٦٨ و....
- ١٤- تفسير نورالثقلين: ج ٢ ص ٥٨١٨ و....
- ١٥- تفسير نورالثقلين: ج ٥، ص ٧٢٠ و....
- ١٦- تفسير التّبيان: ج ١٠، ص ٥٣٤.
- ١٧- معانی الاخبار: ص ٢٢٧، ح ١.

والحمد لله ربّ العالمين

والله الهادي

ص: ٧٢٧

کتاب هایی که مورد استفاده قرار گرفته اند فراوانند در این جا به بعضی که بیشتر مورد استفاده قرار گرفته اند اشاره می شود:

کتابنامه

۱- القرآن الکریم.

۲- الاصول من الکافی: از ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی الرازی. از مکتبه الاسلامیه. طهران: شارع بوذرجمهری.

۳- احقاق الحق و ازهاق الباطل: از علامه قاضی نورالله التستری.

۴- اثبات الهداة: از شیخ حرعاملی، با شرح و ترجمه فارسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: بازار سلطانی.

۵- الاحتجاج: از طبرسی، چاپ نجف اشرف از مکتبه المصطفون قم.

۶- الاستبصار: از شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران بازار سلطانی.

۷- الاختصاص: از شیخ مفید، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه فی القم المقدسه.

۸- امالی شیخ صدوق: با ترجمه و شرح فارسی. کتابفروشی اسلامیه، تهران، خیابان بوذرجمهری.

۹- امالی الشیخ الطوسی: از شیخ طوسی، از منشورات مکتبه الداوری. قم. ایران.

۱۰- اسباب النزول: فی ضوء اهل بیت: از سید مجیب جواد رفیعی، چاپ اول، چاپ شریعت. قم.

۱۱- بحار الانوار: از علامه مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، طهران: بازار سلطانی.

۱۲- بیان رسا: شرح و تفسیر دعاهای ایام ماه مبارک رمضان: از محمد روزبهانی چاپ اول، از انتشارات دارالتور، چاپ شریعت قم.

۱۳- البلد الامین: للشیخ ابراهیم کفعمی.

۱۴- تفسیر المیزان: از علامه سید محمد حسین طباطبایی. مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان.

۱۵- تفسیر نُورِ الثَّقَلَيْنِ: از محدث جلیل شیخ عبدعلی. از دارالکتب العلمیه، قم، ایران.

۱۶- تفسیر الصّافی: از فیض کاشانی، از مکتبه الاسلامیه، طهران: شارع بوذرجمهری.

۱۷- تفسیر القرآن الکریم: از صدر المتألهین، از انتشارات بیدار، ایران، قم.

۱۸- تفسیر مجمع البیان: از طبرسی، از مکتبه العلمیه الاسلامیه، طهران، سوق الشیرازی.

۱۹- تفسیر العیاشی: از ابی نصر بن محمد بن مسعودی عیاشی، از مکتبه العلمیه الاسلامیه. تهران: سوق الشیرازی.

۲۰- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب: از علامه شیخ محمد رضا القمی المشهدی. چاپ وزارت ارشاد اسلامی.

۲۱- تفسیر التّیان: شیخ الطائفه الطوسی. مکتبه الامین، التجف الاشرف.

۲۲- تفسیر القرآن الکریم: للعلامه السید عبدالله شبر. چاپ دوم، چاپ قاهره؛ بیروت، لبنان.

۲۳- البرهان فی تفسیر القرآن: از علامه بحرانی، چاپ سوم، دارالکتب العلمیه، قم، ایران.

۲۴- تفسیر فرات الکوفی: از فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی: از منشورات مکتبه الداوری. قم. ایران.

۲۵- تفسیر آلاء الرّحمن: از امام المعاهد شیخ محمد جواد بلاغی. قم کتابفروشی وجدانی.

۲۶- تفسیر البلابل القلاقل: از ابوالمکارم حسنی تهرانی: خیابان سید جمال الدین اسدآبادی، خیابان ۱۸، شماره ۱۰، طبقه همکف.

۲۷- تفسیر القمی: لابی الحسن علی بن ابراهیم القمی. مطبعه النجف، از کتابفروشی علامه.

۲۸- تفسیر رُوحِ الْجَنَانِ وَ رُوحِ الْجَنَانِ: از شیخ ابوالفتوح رازی از: کتابفروشی اسلامیة، تهران: خیابان بوذرجمهری.

۲۹- تفسیر منهج الصادقین: از ملا فتح الله کاشانی، از کتابفروشی علمیه اسلامیة طهران: خیابان ناصر خسرو، چاپخانه حیدری.

۳۰- تفسیر جوامع الجامع: از طبرسی، چاپ سوم، چاپ بهرام، تهران: ناصر خسرو.

۳۱- تفسیر جامع: از سید ابراهیم بروجردی: از انتشارات کتابخانه صدر. تهران: خیابان ناصر خسرو پاساژ مجیدی.

۳۲- تفسیر سوره حمد: از امام خمینی ره: از انتشارات آزادی. قم خیابان ارم.

۳۳- تفسیر فاتحه الكتاب: از شیخ عبدالحسین امینی، چاپ اول مطبعه الحیدری، طهران، ایران.

۳۴- اعراب سوره الفاتحه: از علامه شیخ محمد علی المدرس چاپ اول، قم.

۳۵- تفسیر سوره حجرات: از حضرت آیت الله حاج سیدرضا صدر. چاپ دوم، از انتشارات کتابخانه صدر. تهران: ناصر خسرو، پاساژ مجیدی.

۳۶- تفسیر البصائر: از علامه ابی محمد، یعسوب الدین، رستگار. ایران، قم.

۳۷- تفسیر آیه الموده: از احمد بن محمد. تحقیق حاج شیخ محمد باقر محمودی. از مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه. ایران، قم.

۳۸- تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس: المكتبة الشعیبه.

۳۹- تحفه الفتی فی تفسیر سوره هل اتی: از دشتکی شیرازی. سازمان اوقاف و امور خیریه.

۴۰- تفسیر القرآن الکریم: از محی الدین بن عربی. از انتشارات ناصر خسرو. طهران، ایران.

۴۱- التفسیر الکبیر: للامام الفخر الرازی. الطبعة الثالثة.

۴۲- کشف الاسرار و عده الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری: از میدی. مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

۴۳- تفسیر الکشاف: از زمخشری، نشر ادب الحوزه.

۴۴- الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم: از طنطاوی، چاپ دوم، چاپ محمد امین عمران در مصر.

۴۵- تفسیر جلالین: چاپ دمشق؛ نشر بیروت، لبنان.

۴۶- تفسیر القرآن العظیم: از ابن کثیر. دارالمعرفه للطباعة و النشر.

۴۷- تفسیر الدر المنثور: از سیوطی. از منشورات آیه الله العظمی المرعشی النجفی. قم. ایران.

۴۸- تفسیر الشہرستانی: المسمى مفاتيح الاسرار و مصابيح الابرار: از محمد بن عبدالکریم الشہرستانی. چاپ اول، چاپ طهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب.

۴۹- تحف العقول: عن ال الرسول صلی الله علیهم: از ابو محمد حرانی مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين بقم المشرفة ایران.

۵۰- کتاب التوحید: للشيخ الجليل الاقدم الصدوق: از منشورات جامعه المدرسين فی الحوزة العلمية فی القم المقدسة.

۵۱- تهذيب الاحكام: از شيخ طوسی دارالکتب الاسلامیه. تهران: بازار سلطانی.

۵۲- تاریخ ابن عساکر: ترجمه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام: از تاریخ دمشق با تحقیق محمودی، چاپ اول. دارالتعارف للمطبوعات بیرو، شارع سوریه.

۵۳- تاریخ ابن عساکر: ترجمه الامام الحسن علیه السلام

من تاریخ مدینه دمشق. با تحقیق شیخ محمد باقر محمودی، مؤسسه المحمودی للطباعة و النشر. بیروت، لبنان.

۵۴- تاریخ الخلفاء: از جلال الدین سیوطی، چاپ مصر.

۵۵- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال: از شیخ صدوق. ناشر قم، کتبی نجفی و مکتبه الصدوق. تهران: بازار جنب مسجد سلطانی.

۵۶- حق یقین فی معرفه اصول الدین: از سید عبدالله شبر. مطبعه العرفان. انتشارات الاعلمی. طهران.

۵۷- حدیقه الشیعه: از مقدس اردبیلی. از انتشارات کتابخانه شمس. تهران: ناصر خسرو. قم چاپخانه حکمت.

۵۸- کتاب الخصال: از شیخ صدوق: از منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه قم المقدسه.

۵۹- خصائص الوحی المبین: از ابن البطریق. از منشورات وزارت ارشاد اسلامی.

۶۰- دلائل الصدق: از شیخ محمد حسن المظفری. از بصیرتی. قم: شارع ارم.

۶۱- دقائق التّأویل و حقائق التّنزیل: از ابوالمکارم محمود بن ابی المکارم حسنی واعظ.

چاپ بنیاد اندیشه اسلامی. تهران.

۶۲- الرّوضه من الکافی: از ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی الرازی با شرح و ترجمه و تصحیح فارسی حاج سید هاشم رسولی محلاتی. از انتشارات علمیه اسلامیة. بازار شیرازی جنب نوروز خان.

۶۳- شواهد التّنزیل: لقواعد التّفصیل از حاکم الحسکانی: مؤسسه الطبع و النشر، وزارت ارشاد، طهران، ایران.

۶۴- شرح نهج البلاغه: لابن ابی الحدید دار احیاء الکتب العربیه و دارالکتب العلمیه ایران: قم.

۶۵- صحیح مسلم: از ابی الحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری. چاپ اول. داراحیاء الکتب العربیه. بیروت: لبنان.

۶۶- صحیح البخاری: از محمد بن اسمعیل بخاری. دارالکتب العربیه الداوری. قم، ایران.

۶۷- علل الشرايع: للشيخ الصدوق. چاپ نجف. از منشورات مکتبه الداوری. قم، ایران.

۶۸- عوالی الیالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة: از ابن ابی جمهور. چاپ اول، مطبعه سید الشهداء، قم، ایران.

۶۹- عیون اخبار الرضا: از شیخ صدوق. از انتشارات شریف رضی.

۷۰- علی فی کتاب و السنه: از حسین شا کری: مؤسسه انصاری قم.

۷۱- کتاب الغیبه: از شیخ طوسی: از مؤسسه المعارف الاسلامیه قم المقدسه.

۷۲- الغدیر فی کتاب و السنه و الادب: از شیخ عبدالحسین امینی مطبعه الحیدری، طهران؛ ایران.

۷۳- الفوائد الطوسیة: از شیخ محمد حسن الحر العاملی. المطبعه العلمیه. قم. ایران.

۷۴- فرائد السیمطین: فی فضائل المرتضی و البتول و السبین والائمه من ذریتهم علیه السلام: از ابراهیم بن محمد الجوینی الخراسانی. با تحقیق شیخ محمد باقر محمودی: چاپ اول. مؤسسه المحمودی للطباعه و النشر بیروت، لبنان.

۷۵- الفروع من الکافی: ثقه الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب الكلینی الرازی: دارالکتب الاسلامیه، تهران: بازار سلطانی.

۷۶- فضائل الخمسه من الصحاح الستة: از حسین فیروزآبادی. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. بیروت، لبنان.

۷۷- کمال الدین و تمام النعمه: تألیف شیخ صدوق، ابن بابویه، مؤسسه النشر الاسلامی: از جامعه مدرسین، قم.

۷۸- کشف الغمه فی معرفه الائمه: از ابی الحسن اربلی، مکتبه بن هاشم تبریز، سوق المسجد الجامعه.

۷۹- مکارم الاخلاق: از شیخ رضی الدین الطبرسی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. بیروت، لبنان.

- ۸۰- مفاتیخ الغیب: از صدرالمآلهین. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۸۱- معانی الاخبار: از شیخ صدوق، از انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۸۲- مناقب آل ابی طالب: از ابن شهر آشوب. قم: مؤسسه علامه کتابفروشی مصطفوی.
- ۸۳- المناقب: از خوارزمی. مؤسسه النشر الاسلامی. از جامعه مدرسین، قم.
- ۸۴- من لایحضره الفقیه: از شیخ صدوق، مکتبه الصدوق طهران: بازار جنب مسجد سلطانی.
- ۸۵- مصباح المتهد و سلاح المتهد: لشیخ الطائفه محمد الحسن الطوسی.
- ۸۶- مفاتیح الجنان: شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان قم.
- ۸۷- نهج البلاغه: ترجمه و شرح فیض الاسلام، چاپ آفتاب تهران.
- ۸۸- النور المشتعل: از ابونعیم اصفهانی، از منشورات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۸۹- وسائل الشیعه: از شیخ حرعاملی، مکتبه الاسلامیه بطهران شارع البوذر جمهری.
- ۹۰- ینابیع الموده: از حافظ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی دارالکتب العراقیه. از منشورات بصیرتی. ایران، قم.
- و همچنین نقل از کتاب های دیگری مانند:
- ۹۱- ایقاظ: از علامه شیخ محمد بن حسین حرعاملی.
- ۹۲- اقبال الاعمال: از سید بن طاوس.
- ۹۳- اسباب النزول: از علامه واحدی نیشابوری.
- ۹۴- الاکلیل: از جلال الدین سیوطی.
- ۹۵- انباء الغمر: از ابن حجر عسقلانی.
- ۹۶- انساب الاشراف: از احمد بن یحییح بلاذری.

- ۹۷- انساب: از علامه سمعانی.
- ۹۸- احکام القرآن: از علامه حافظ ابن عربی
- ۹۹- احکام القرآن: از ابوبکر الجصاص رازی.
- ۱۰۰- اسدالغابه: از عزالدین ابن اثیر جزری.
- ۱۰۱- الاربعین حدیثاً: از ملامحمد پیر علی افندی.
- ۱۰۲- الاربعین: از فخر رازی.
- ۱۰۳- ارجح المطالب: از ابی عبدالله رازی.
- ۱۰۴- ارجح المطالب: از شیخ عبیدالله الامر تسری حنفی.
- ۱۰۵- ارجح المطالب از علامه ترمزی.
- ۱۰۶- الاتحاف بحب الاشرف: از عبدالله بن محمد بن عامر.
- ۱۰۷- اسعاف الراغبین: از علامه ملامعین کاشفی.
- ۱۰۸- التقاد المغنی: از حسام الدین قدسی.
- ۱۰۹- الاربعین: از خطیب مکی.
- ۱۱۰- الاربعین: از ابی الفواری.
- ۱۱۱- الاربعین: از علامه مولی حسن کاشی مقری.
- ۱۱۲- الانس الجلیل: از مجیر الدین حنبلی.
- ۱۱۳- الاتقان: از جلال الدین سیوطی.
- ۱۱۴- ارشاد الساری: از علامه ابی العباس شهاب الدین قسطنی.
- ۱۱۵- ارشاد: از امام الحرمین جوینی.
- ۱۱۶- اتحاف فضلاء البشر فی القراءت الابع عشر: از علامه دمیاطی مصر.

۱۱۷- الاغانی: از ابی الفرج اصفهانی.

۱۱۸- اعتقادات السنه: از علامه البشهی.

۱۱۹- اسنی المطالب: از حافظ محمد جزری شافعی.

ص: ۷۳۶

- ۱۲۰- اسنى المطالب: از ابوالخير شمس الدين.
- ۱۲۱- اعراب ثلاثين سوره: از ابن خالويه.
- ۱۲۲- الاعلام بفصل الصلاة على النبي: از ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمن.
- ۱۲۳- الاكليل: از ابو محمد حسن.
- ۱۲۴- الامام المهاجر: از عبدالله بن نوح.
- ۱۲۵- الاحسان: از يوحاتم محمد بن حبان تميمي.
- ۱۲۶- الاصول: از علامه نسفي.
- ۱۲۷- استيعاب: از حافظ بن عبدالبر.
- ۱۲۸- احياء العلوم الدين: از غزالي.
- ۱۲۹- احياء الميت: از جلال الدين سيوطي.
- ۱۳۰- ازاله الخفاء: از الحنفي.
- ۱۳۱- الاصابة: از حافظ ابن حجر عسقلاني.
- ۱۳۲- امالي: از علامه يحيى بن الموفق بالله شجری.
- ۱۳۳- اتحاف ذوى النجابه: از حافظ محمدالتباني سطيقي.
- ۱۳۴- الامامه و السياسيه: از ابن قتيبه الدينوري.
- ۱۳۵- الاشراف على فضل الاشراف: از سيدابراهيم حسنى مدنى.
- ۱۳۶- اخبار: اصفهان از ابى نعيم اصفهاني.
- ۱۳۷- بحرالمحيط: از ابى حيان الندلسي.
- ۱۳۸- بصائر الدرجات: از محمد بن حسن صفا.
- ۱۳۹- البدايه و النهايه: از ابن كثير دمشقي.

۱۴۰- البيان و التعريف: از محدث سيد ابراهيم نقيب دمشقى.

۱۴۱- بغية الوعاة: از علامه سيوطى.

۱۴۲- البسيط: از علامه واحدى نيشابورى.

ص: ۷۳۷

- ۱۴۳- بلوغ الارب: از سید محمود آلوسی.
- ۱۴۴- بحر المناقب: از جمال الدین بن حسنویه.
- ۱۴۵- بحر المناقب: از درویش برهان حنفی.
- ۱۴۶- بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز: از مجدالدین محمد بن یعقوب.
- ۱۴۷- البلغۃ: از محمد بن علی.
- ۱۴۸- تفسیر الکشف و البیان: از علامه ثعلبی.
- ۱۴۹- تفسیر المنار: از سید محمد رضا مصری.
- ۱۵۰- تفسیر ابو حیان: از ابو حیان اندلسی.
- ۱۵۱- تفسیر الطبری: از علامه طبری.
- ۱۵۲- تفسیر روح المعانی: از علامه آلوسی.
- ۱۵۳- تفسیر غرائب القرآن: از نیشابوری.
- ۱۵۴- تفسیر الوسیط: از ابوالحسن نیشابوری.
- ۱۵۵- تفسیر معالم التنزیل: از علامه البغوی.
- ۱۵۶- تفسیر جامع الاحکام القرآن: از علامه آندلسی قرطبی.
- ۱۵۷- تفسیر غریب القرآن: از ابو عبید هروی.
- ۱۵۸- تفسیر الخازن: از شیخ علاءالدین محمد بغدادی.
- ۱۵۹- تفسیر غرائب القرآن: از بیضاوی.
- ۱۶۰- تأویل الایات الباهره: از سید شرف الدین نجفی.
- ۱۶۱- تذکره الخواص: از سبط بن جوزی.
- ۱۶۲- تاریخ الخمس: از قاضی حسین الدیار بکری مالکی.

١٦٣- التفسير اللوامع: از ابوالقاسم رضوی لاهوری.

١٦٤- تاریخ الامم و الملوك: از محمد بن جریر طبری.

١٦٥- التذكرة الحمدونية: از شیخ ابوالمعالی محمد بن حسن.

ص: ٧٣٨

- ۱۶۶- التفسیر الواضح: از محمد محمود حجازی.
- ۱۶۷- تاریخ الکبری: از بخاری.
- ۱۶۸- تاریخ بغداد: از ابوبکر شافعی، خطیب بغدادی.
- ۱۶۹- تاریخ اصبهان: از حافظ ابونعیم اصبهانی.
- ۱۷۰- تاریخ جرجانی: از ابوالقاسم حمزه بن یوسف.
- ۱۷۱- تاریخ دول الاسلامی: از حافظ ذهبی.
- ۱۷۲- التبصرة: از ابوالفرج ابن جوزی.
- ۱۷۳- التقریب: از ابن حجر عسقلانی.
- ۱۷۴- تنزیل الایات: از حافظ حبری.
- ۱۷۵- تلخیص العواصم: از علامه محمد بن مرتضی حسینی یمانی.
- ۱۷۶- التکلمة: از عبدالرحمن بن عبدالله.
- ۱۷۷- التهذیب: از بیهقی.
- ۱۷۸- تهذیب الاسماء و اللغات: از حافظ النووی.
- ۱۷۹- تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله: از علامه قاضی محمد بهلول بهجت أفندی.
- ۱۸۰- تاریخ طبری: از محمد جریر طبری.
- ۱۸۱- التعلق الصبیح فی شرح المصاییح: از محمد ادیس هندی کاندهلوی.
- ۱۸۲- تذکره الموضوعات: از علامه شیخ محمد طاهر فتنی.
- ۱۸۳- تذکره العرفاء: از خواجه محمد هندی.
- ۱۸۴- التاج المکمل: از سید صدیق حسن خان ملک.
- ۱۸۵- التاج الجامع للاصول: از شیخ منصور علی ناصف.

۱۸۶- تعويد اللسان: از سيد آقا شوشتری الجزایری.

۱۸۷- ترجمان القرآن تلخیص المستدرک: از علامه حافظ اذهبی.

ص: ۷۳۹

- ۱۸۸- تعلیقه المعالم: از وحید بهبهانی.
- ۱۸۹- التعلیقه: از علامه شیخ سعید شهید ثانی.
- ۱۹۰- تعلیقه بر شرح مختصر: از علامه شریف جرجانی.
- ۱۹۱- تعلیقه بر شرح مختصر: از جلال الدین دوانی.
- ۱۹۲- توضیح الدلائل: از سید شهاب الدین احمد الحسینی الشافعی شیرازی.
- ۱۹۳- التّهمید: از قاضی ابی بکر باقلانی.
- ۱۹۴- التّجری: از علامه محقق طوسی.
- ۱۹۵- تجرید اسماء صحابه: از علامه حافظ ذهنی.
- ۱۹۶- تجرید التّهمید: از شیخ یوسف بن عبدالعزیز نمری اندلسی.
- ۱۹۷- تبصیر الرّحمان: از علامه مهامی هندی.
- ۱۹۸- ثمار القلوب: از ابومنصور نیشابوری.
- ۱۹۹- جامع الاحکام القرآن: از علامه قرطبی.
- ۲۰۰- جامع الاصول: از ابن اثیر.
- ۲۰۱- جامع البیان: از ابوجعفر طبری.
- ۲۰۲- الجامع الصحیح: از ابو عیسی محمد بن عیسی الترمزی.
- ۲۰۳- جامع مسانید ابوحنیفه: از علامه خوارزمی.
- ۲۰۴- جواهر الکلام: از علامه آمدی تمیمی.
- ۲۰۵- جزالفیل: از حمامی.
- ۲۰۶- جامع الصّغیر: از جلال الدین سیوطی.
- ۲۰۷- الجمع بین الصّحیحین: از علامه حمیدی اندلسی.

۲۰۸- الجمع بين الصحاح الست: از ابی الحسن رزین العیدری.

۲۰۹- جامع البیان: از علامه قرطبی.

۲۱۰- جامع البیان: از حافظ بن عبدالبراندلسی.

ص: ۷۴۰

- ۲۱۱- الحديث: از حافظ ابوداود طیالسی.
- ۲۱۲- الحدائق الوريد: از حمید بن احمد حلبی.
- ۲۱۳- الحاوی للفتاوی: از سیوطی.
- ۲۱۴- حبيب السیر: از غیاث الدین بن همام.
- ۲۱۵- حسن المحاضرة: از علامه سیوطی.
- ۲۱۶- حياة الصحابة: از محمد یوسف حنفی.
- ۲۱۷- حلیة الاولیاء: از ابونعیم اصفهانی.
- ۲۱۸- حسن الاسوة: از سید صدیق حسن خان ملک.
- ۲۱۹- خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام: از شعیب نسائی.
- ۲۲۰- خصائص الكبرى: از حافظ سیوطی.
- ۲۲۱- خصائص العديّة: از علامه نظری.
- ۲۲۲- الخلاصه: از علامه خزرجی.
- ۲۲۳- الخلاصه: از علامه صاحب قاموس.
- ۲۲۴- الخرائج: از علامه خزاز کوفی.
- ۲۲۵- دلائل النبوة: از علامه بیهقی.
- ۲۲۶- دلائل النبوة: از حافظ ابی نعیم اصفهانی.
- ۲۲۷- دلائل النبوة: از ابونعیم احمدی بن عبدالله.
- ۲۲۸- الدرّایة فی حدیث الولاية: از مسعود سجستانی.
- ۲۲۹- الدرر الكامنة: از ابن حجر عسقلانی.
- ۲۳۰- ذخائر العقبی: از محب الدین طبری.

۲۳۱- الذریعة الطاهرة: از ابوبشر محمد بن احمد دولابی.

۲۳۲- ذیل التذكرة: الحفاظ از علامه سیوطی.

۲۳۳- ذیل اللئالی: از جلال الدین سیوطی.

ص: ۷۴۱

- ۲۳۴- روضة الواعظین: از محمد بن قتال نیشابوری.
- ۲۳۵- رساله الاعتقادات: از حاکم ابوبکر بن محمد.
- ۲۳۶- رساله الاعتقاد: از ابی بکر بن مؤمن شیرازی.
- ۲۳۷- ریاض النصره: از محب الدین طبری.
- ۲۳۸- ربیع الابرار: از جارالله زمخشری.
- ۲۳۹- رشفه الصادی: از ابوبکر حضرمی.
- ۲۴۰- روضة الاحباب: از سید جمال الدین عطاء الله شیرازی هروی.
- ۲۴۱- روضة الشهداء: از علامه مولی حسین کاشفی.
- ۲۴۲- رساله الرّس الحسین: از ابن تمیمیه حرانی.
- ۲۴۳- الرّجال الوسیط: از علامه میرزا محمد استرآبادی.
- ۲۴۴- الرّجال: از علامه ابن عمرو کشی.
- ۲۴۵- ریاض الصّالحین: از علامه محی الدین یحیی بن شرف شافعی.
- ۲۴۶- الرّشحات: از علامه مولی حسین کاشفی.
- ۲۴۷- الرّیحانه: از میرزا محمد علی مدرس خیابانی تبریزی.
- ۲۴۸- الرّواجر فی اقتراف الكبائر: از علامه ابن حجر مکی.
- ۲۴۹- سعد السّعود: از ابن طاووس.
- ۲۵۰- سنن الکبری: از حافظ بیهقی.
- ۲۵۱- سیر اعلام النبلاء: از حافظ شمس الدین ذهبی.
- ۲۵۲- السّیره النبویه: از علامه ابن هشام.
- ۲۵۳- السّیره النبویه: از احمد زینی دحلان.

۲۵۴- السيرة الحلبية: از علی بن برهان الدین حلبی.

۲۵۵- السفینه: از نیشابوری.

۲۵۶- السيرة المحمدية: از شیخ محمد کازرونی شافعی.

ص: ۷۴۲

- ۲۵۷- سيرة الاولياء: از سيد محمد مبارك شاه.
- ۲۵۸- السيرة المحمّدية: از ابن حيان مغربي اندلسی.
- ۲۵۹- السيرة المحمّديه: از علامه حلبی.
- ۲۶۰- سنن المصطفى: از حافظ بيقهي شافعی.
- ۲۶۱- سنن: از ابن ماجه.
- ۲۶۲- سفینه البحار: از حاج شيخ عباس قمی.
- ۲۶۳- سفر السعادة: از نجم الدين محمد بن يعقوب فيروزآبادی.
- ۲۶۴- السيف المسلول: از علامه عبدالکافي حسنی تونسى.
- ۲۶۵- السراج المنير: از خطيب سربینى.
- ۲۶۶- سرّ السلسله: از نسابه ابى نصر بخارى.
- ۲۶۷- شرف المصطفى: از ابوسعید بن عبدالملک.
- ۲۶۸- شرف المصطفى: از ابوسعید خرگوشى.
- ۲۶۹- شرح المقاصد: از تفتازانى.
- ۲۷۰- شرح وصايا ابوحنيفه: از ابوسعید محمد خادمى.
- ۲۷۱- الشفاء بتعريف حقوق المصطفى: از قاضى عياض.
- ۲۷۲- شفاء الصدور: از ابوبکر نقاش موصلی.
- ۲۷۳- شرح المختصر: از علامه ابن حاجب.
- ۲۷۴- شرح المختصر: از علامه تفتازانى.
- ۲۷۵- شرح مختصر: از ابن همام حنفى.
- ۲۷۶- الشافى: از علامه شريف علم الهدى.

۲۷۷- شرح تجرید: از علامه علی قوشجی.

۲۷۸- شرح قصاعد: از علامه سید محمد صاحب مدارک.

۲۷۹- الشذرات: از علامه ابن وهب حنبلی.

ص: ۷۴۳

- ۲۸۰- شرف النبی: از شیخ حسن مقری کاشی.
- ۲۸۱- شرح المواقف: از سید شریف جرجانی.
- ۲۸۲- شرح الطّوابع: از شیخ شمس الدّین محمد اصفهانی.
- ۲۸۳- شرح الفصوص: از مولی عبدالرحمن جامی.
- ۲۸۴- شرح الفصوص: از علامه قیصری.
- ۲۸۵- شرح الاربعین: از محمد بن پیرعلی برکوی.
- ۲۸۶- صحیح ترمزی: از حافظ ترمزی.
- ۲۸۷- الصّحیح: از حافظ محمد بن اسمعیل البخاری.
- ۲۸۸- الصّحیح: از حافظ مسلم بن حجاج نیشابوری.
- ۲۸۹- الصّراط المستقیم: از علامه بیاضی.
- ۲۹۰- صواعق المحرقة: از ابن حجر هیثمی.
- ۲۹۱- صفوه الزّلال المعین: از ابی الحسن کازونی.
- ۲۹۲- الصّوء اللّامع: از شیخ شمس الدین سخاوی.
- ۲۹۳- طبقات الکبری: از حافظ بن سعد.
- ۲۹۴- طبقات الفقهاء: از شیخ ابی اسحاق شیرازی.
- ۲۹۵- طبقات الشّافی: از عبدالوهاب سبکی.
- ۲۹۶- طرائف: از ابن طاوس.
- ۲۹۷- العمدة: از علامه نسابه حسینی داودی.
- ۲۹۸- العمدة: از علامه ابن البطرین حلّی.
- ۲۹۹- عقدة الفرید: از علامه فائظ ابن عبدربه اندلسی.

۳۰۰- عیون الاثر: از علامه بن سید الناس.

۳۰۱- عیون المسائل فی اعیان الرسائل: از عبدالقادر حسینی طبری شافعی.

۳۰۲- العثمانیة: از ابوعثمان عمرو بن بحر.

ص: ۷۴۴

- ۳۰۳- عمده عیون صحاح الاخبار: از یحیی ابن الحسن.
- ۳۰۴- العمده: از ابن رشیق ابی علی حسن قیروانی.
- ۳۰۵- عیون الاخبار فی مناقب الاخیار: از ابوالمعالی بغدادی.
- ۳۰۶- عوارف المعارف: از ابواحفص بغدادی.
- ۳۰۷- عمل الیوم واللیله: از ابن سنی.
- ۳۰۸- العیر: از علامه ابن خلدون مغربی.
- ۳۰۹- عمده القاری فی شرح صحیح بخاری: از بدرالدین ابی محمد محمود ابن احد عینی.
- ۳۱۰- غایه المرام: از سید هاشم موسوی بحرانی.
- ۳۱۱- غایه المواعظ: از نعمان افندی الالوسی.
- ۳۱۲- غایه النهایه: از شمس الدین محمد جزری قاری مقربی.
- ۳۱۳- الغیبه: از نعمانی.
- ۳۱۴- فضائل العتره: از ابی سعادت.
- ۳۱۵- فصول المهمه: از ابن صباغی مالکی.
- ۳۱۶- فتح القدیر: از علامه شولانی.
- ۳۱۷- فردوس الاخبار: از حافظ الکبیر.
- ۳۱۸- الفضائل: از احمد بن حنبل.
- ۳۱۹- فتح المبین: از احمد زینی دحلان.
- ۳۲۰- فتح الباری: از علامه عسقلانی.
- ۳۲۱- فتح البیان: از محمد صدیق حسن خان.

۳۲۲- فتح الرّحمن فی تفسیر القرآن: از ناصرالدّین محمد بن عبدالله.

۳۲۳- فخم السّماء: از ابو محمد احمد بن علی عاصمی.

۳۲۴- فصل الخطاب: از محمد خواجه پارسائی بخاری.

ص: ۷۴۵

۳۲۵- فیض القدير لترتيب و شرح الجامع الصغیر: از محمد حسن ضیف الله.

۳۲۶- فضل المشرقین: از سمهودی شافعی.

۳۲۷- الفائق فی اللفظ الرائق: از ابوالبركات حنفی.

۳۲۸- فلك النجاة: از علامه سید.

۳۲۹- الفوائد: از شیخ فضل بن شاذان.

۳۳۰- الفوائد فی العلوم المختلفة: از مولی احمد هروی.

۳۳۱- الفصول فی الاصول: از علامه شیخ محمد حسینی.

۳۳۲- فتوحات مکیه: از محی الدین بن عربی.

۳۳۳- فی ما نزل فی علیّ علیه السلام من القرآن: از ابراهیم اصفهانی.

۳۳۴- قاموس: از علامه فیروزآبادی زبیدی.

۳۳۵- القول الفصل: از سید علوی بن طاهرین عبدالله حصرمی.

۳۳۶- قوانین: از محقق میرزای قمی.

۳۳۷- قصائد العلویات السبع: از عبدالحمید بن ابی الحدید معتزلی.

۳۳۸- کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب: از حافظ محمد یوسف گنجی شافعی.

۳۳۹- الکامل: از ابن اثیر جزری.

۳۴۰- الکاف الشاف: از ابن حجر عسقلانی.

۳۴۱- الکامل فی الرجال: از ابن عدی الجرجانی شافعی.

۳۴۲- الکنی و الاسما: از حافظ دولابی.

۳۴۳- کتاب الفتوح و المغازی: از محمد بن واقعد واقدی.

۳۴۴- کفایة الخصام: از محمد تقی بن علی دزفولی خمولی.

۳۴۵- الكواكب الدرية: از شيخ عبدالرؤف منادی.

۳۴۶- الكنى واللقاب: از حاج شيخ عباس قمى.

۳۴۷- كشف الظنون: از كاتب چلبى.

ص: ۷۴۶

۳۴۸- الکافی الشافی: از احمد بن علی بن حجر عسقلانی.

۳۴۹- کنز العمال: از حسام الدین علی المتقی هندی.

۳۵۰- کامل الزیارات: از ابن قولوی قمی رازی.

۳۵۱- کاشف الاسرار: از علامه نطنزی.

۳۵۲- لسان المیزان: از ابن حجر عسقلانی.

۳۵۳- اللّٰثالی الثّمینة: از محدث شیخ محمد بن سند.

۳۵۴- لباب النقول: از علامه سیوطی.

۳۵۵- اللّٰثالی المرفوعه: از علامه سیوطی.

۳۵۶- مناقب مرتضوی: از میر محمد صالحی ترمزی.

۳۵۷- مناقب العشرة: از علامه نقشبندی.

۳۵۸- ما نزل من القرآن فی علیّ علیه السلام: از حسین بن حکم حبری.

۳۵۹- ما نزل من القرآن فی علیّ علیه السلام: از حافظ بن ابونعیم اصفهانی.

۳۶۰- مناقب: از ابوبکر بن مردویه.

۳۶۱- المناقب: از مولی حسن کاشی مقری.

۳۶۲- مناقب علی: از علامه عینی حیدرآبادی.

۳۶۳- مناقب: از ابن مغازلی شافعی.

۳۶۴- مناقب: از ثعلبی.

۳۶۵- المناقب: از سید رضی.

۳۶۶- المناقب: از علامه حاکم نیشابوری.

۳۶۷- المناقب: از شافعی محمد بن اردیس قرشی.

۳۶۸- مائه منقبه: از محمد بن احمد شاذان قمی.

۳۶۹- مستدرک: از علامه حافظ حاکم.

۳۷۰- مستدرک: از علامه حاکم حاکم.

ص: ۷۴۷

- ۳۷۱- المستدرک علی الصّحیحین: از حاکم نیشابوری.
- ۳۷۲- مستدرک: از ابو عبدالله نیشابوری.
- ۳۷۳- المناقب: از مولی حسن کاشی مقری.
- ۳۷۴- موضع اوهام الجمع و التفریق: از خطیب بغدادی.
- ۳۷۵- محاسن: از محدث برقی.
- ۳۷۶- محاسن و مساوی: از ابراهیم بن محمد بیهقی.
- ۳۷۷- مسند حنبل: از احمد بن حنبل.
- ۳۷۸- مسند: از ابی د اود طیالسی.
- ۳۷۹- مجمع الزوائد: از حافظ نورالدین هیشمی.
- ۳۸۰- مشکل الآثار: از علامه طحاوی.
- ۳۸۱- مسند: از ابن عساکر دمشقی.
- ۳۸۲- المقاصد الحسنه: از شمس الدین سخائی.
- ۳۸۳- مفتاح النّجا: از علامه بدخشی.
- ۳۸۴- منار الهدی فی الوقت و الابتداء: از احمد بن عبدالکریم مالکی.
- ۳۸۵- المعجم الکبیر: از حافظ طبرانی.
- ۳۸۶- معجم الاوسط: از علامه طبرانی.
- ۳۸۷- المعجم الصّغیر: از علامه طبرانی.
- ۳۸۸- مطالب العالیه: از ابن حجر عسقلانی.
- ۳۸۹- مطالب السّوّن: از کمال الدّین محمد بن طلحه شامی.
- ۳۹۰- متفق المفترق: از خطیب بغدادی شافعی.

۳۹۱- مفحّات الاقران فی المبهّات القرآن: از جلال الدّین سیوطی.

۳۹۲- مقاتل الطّالین: از ابوالفرج اصفهانی.

۳۹۳- مقتل الحسین: از موفق بن احمد خوارزمی.

ص: ۷۴۸

- ۳۹۴- المواهب اللدنیه: از علامه قسطنطینی.
- ۳۹۵- مؤدّة القربی: از سیدعلی بن شهاب الدّین همدانی.
- ۳۹۶- محاضرة الابرار وسامرة الاخيار: از محی الدّین بن عربی.
- ۳۹۷- معارج التّبوة: از علامه ملامعین کاشفی.
- ۳۹۸- معارج التّبوة: از شیخ عبدالحق بن یوسف الدّین دهلوی.
- ۳۹۹- مصابیح السنه: از حسین بن مسعود بغوی.
- ۴۰۰- مطالب السّؤل: از محمد بن طلحه شافی.
- ۴۰۱- معرفة علوم الحدیث: از علامه حافظ ابی عبدالله نیشابوری.
- ۴۰۲- منهاج الکرامه: از ابن مغزلی.
- ۴۰۳- المختار فی المناقب الاخيار: از علامه شبیبانی.
- ۴۰۴- مختصر تاریخ دمشق: از علامه جمال الدّین.
- ۴۰۵- مختصر سیره الرّسول صلی الله علیه و آله: از شیخ عبدالله حنبلی وهابی.
- ۴۰۶- مشارق الانوار: از برسی.
- ۴۰۷- مختلف الحدیث: از علامه ابن قتیبه.
- ۴۰۸- المعارف: از علامه ابن قتیبه.
- ۴۰۹- الملحمه: از علامه ابن عقب.
- ۴۱۰- معالم التّنزیل: از علامه بغوی شافعی.
- ۴۱۱- مشکاه المصابیح: از شیخ ولی الدّین خطیب تبریزی.
- ۴۱۲- مبارق الازهار: از عزالدّین ابن ملک حنفی.
- ۴۱۳- المواقف: از قاضی عضدالدّین ایجی.

۴۱۴- مجمع الامثال: از علامه میدانی.

۴۱۵- المفردات: از راغب اصفهانی.

۴۱۶- منتخب کنزالاعمال: از شیخ علی متقی هندی.

ص: ۷۴۹

- ۴۱۷- مسند: از محمد بن ادریس قرشی.
- ۴۱۸- مناقب الصّحابه: از علامه سمعانی.
- ۴۱۹- مختصر جامع بیان العلم وفضله: از یوسف بن عبدالبر اندلسی.
- ۴۲۰- المحلی: از ابن حزم اندلسی ظاهری.
- ۴۲۱- المواهب: از علامه مولی حسین کاشفی.
- ۴۲۲- الموضوعات: از محمدطاهر فتنی هندی.
- ۴۲۳- المختصر: از صاحب قاموس.
- ۴۲۴- منتهی المقال: از شیخ عبدالله ممقانی نجفی.
- ۴۲۵- مستصفی: از علامه غزالی.
- ۴۲۶- منهاج العابدین: از علامه غزالی.
- ۴۲۷- مشجرات: از ابن زهره، نسابه صادقی حلبی.
- ۴۲۸- المستخرج من التّفسیر الاثنی عشر: از حافظ محمد بن مؤمن شیرازی.
- ۴۲۹- معارج: از محقق صاحب شرایع.
- ۴۳۰- معالم: از شیخ حسن صاحب معالم.
- ۴۳۱- محلی: از ابن حزم اندلسی ظاهری.
- ۴۳۲- المغنی: از قاضی عبدالجبار معتزلی.
- ۴۳۳- مقاصد الحسنه: از حافظ شمس الدّین محمد سخاوی.
- ۴۳۴- مدارک التّنزیل: از علامه نسفی.
- ۴۳۵- الموطأ: از مالک بن انس.
- ۴۳۶- نظم درر السّمطین: از جمال الدّین زرنندی حنفی.

۴۳۷- نه‌ایة الارب: از احمد بن عبدالوهاب نویری.

۴۳۸- نزهة المجالس: از عبدالرحمان صفوری.

۴۳۹- نزل الابرار بماصح من مناقب اهل البيت الاطهار: از حافظ محمد بن

ص: ۷۵۰

معتمد خان بدخشانی حارث.

۴۴۰- نزول القرآن: از ابونعیم اصفهانی.

۴۴۱- نهج الحق و كشف الصدق: از علامه حلی.

۴۴۲- نوارد الاثر: از ابومحمد جعفر بن احمد بن علی قمی.

۴۴۳- نیل الابتهاج: از احمد بن احمد.

۴۴۴- النقود والردود: از شمس الدین هروی الاصل.

۴۴۵- نزول القرآن فی شأن امیر المؤمنین علیّ علیه السلام: علامه ابی بکر شیرازی.

۴۴۶- نور الابصار: از سید محمد مؤمن شبلنجی.

۴۴۷- النسخ و المنسوخ: از علامه شیخ هبه الله.

۴۴۸- نهج البلاغه: از محقق شریف رضی.

۴۴۹- نظم العقیان: از علامه سیوطی.

۴۵۰- نفعات الانس: از عبدالرحمان جامی.

۴۵۱- نخب المناقب: از علامه حسین بن جبیر.

۴۵۲- وسیله النجاة: از حنفی.

۴۵۳- الوسيط: از علامه واحدی نیشابوری.

۴۵۴- وسیله المآل: از علامه حضرمی.

۴۵۵- وفيات الاعیان: از قاضی شمس الدین ابن خلکان.

۴۵۶- هداية السائل: از سید صدیق حسن خان ملک.

۴۵۷- یقین: از سید بن طاووس.

۴۵۸- الیوفیت و الجواهر: از شیخ عارف شعرانی.

٤٥٩- و همين طور مانند: تفسير اللوامع، طيب الفطره في حب العترة، مناقب الكاشي، كفاية الخصوم، انوار تنزيل، قرب الاسناد، الكلمة الغراء في تفضيل فاطمة الزهراء صلوات الله عليها، ترجمان القرآن و... .

ص: ٧٥١

فهرست آیات شریفه و اسناد آنها

شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند

۱ فاتحه الكتاب ۲۲ ۴۸۵

۲ بقره ۲۴ ۴۸۷

۳ آل عمران ۴۱ ۴۹۹

۴ نساء ۶۷ ۵۱۰

۵ مائده ۷۳ ۵۱۷

۶ انعام ۸۳ ۵۲۴

۷ اعراف ۸۹ ۵۲۷

۸ انفال ۹۳ ۵۳۱

۹ توبه ۹۹ ۵۳۷

۱۰ یونس ۱۰۴ ۵۴۳

۱۱ هود ۱۰۷ ۵۴۷

۱۲ یوسف ۱۰۹ ۵۵۰

۱۳ رعد ۱۱۲ ۵۵۱

۱۴ ابراهیم ۱۱۵ ۵۵۷

۱۵ حجر ۱۱۷ ۵۶۰

۱۶ نحل ۱۴۷ ۵۶۲

۱۷ آسراء ۱۴۹ ۵۶۷

ص: ۷۵۳

شماره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند

۱۸ کَہف ۱۵۶ ۵۷۳

۱۹ مریم ۱۶۱ ۵۷۵

۲۰ طہا ۱۶۷ ۵۷۹

۲۱ انبیاء ۱۶۹ ۵۸۱

۲۲ حج ۱۷۲ ۵۸۳

۲۳ مؤمنون ۱۷۷ ۵۸۶

۲۴ نور ۱۷۹ ۵۸۷

۲۵ فرقان ۱۸۴ ۵۹۰

۲۶ شعراء ۱۸۶ ۵۹۲

۲۷ نمل ۱۹۰ ۵۹۵

۲۸ قصص ۱۹۲ ۵۹۷

۲۹ عنکبوت ۱۹۴ ۵۹۹

۳۰ روم ۱۹۸ ۶۰۱

۳۱ لقمان ۲۱۷ ۶۰۳

۳۲ سجده ۲۲۰ ۶۰۴

۳۳ احزاب ۲۲۲ ۶۰۶

۳۴ سبا ۲۴۳ ۶۱۹

۳۵ فاطر ۲۴۶ ۶۲۰

۳۶ یاسین ۲۵۵ ۶۲۳

٣٧ صفات ٢٥٨ ٦٢٥

٣٨ ص ٢٦٠ ٦٢٨

ص: ٧٥٤

شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند

۳۹ زُمَر ۲۶۱ ۶۲۸

۴۰ مُؤْمِن ۲۶۷ ۶۳۳

۴۱ فُصِّلَت ۲۷۰ ۶۳۴

۴۲ شُورَى ۲۷۰ ۶۳۴

۴۳ زُخْرُفٌ ۲۷۲ ۶۳۶

۴۴ دُخَانَ ۲۷۹ ۶۴۲

۴۵ جَاثِيَةَ ۲۸۱ ۶۴۳

۴۶ أَخْقَافَ ۲۸۲ ۶۴۴

۴۷ مُحَمَّدَ ۲۸۳ ۶۴۴

۴۸ فَتْحَ ۲۸۵ ۶۴۶

۴۹ حُجْرَاتَ ۲۸۷ ۶۴۸

۵۰ ق ۲۸۹ ۶۵۰

۵۱ الذَّارِيَاتَ ۲۹۲ ۶۵۱

۵۲ طُورَ ۲۹۴ ۶۵۲

۵۳ نَجْمَ ۲۹۵ ۶۵۲

۵۴ قَمَرَ ۲۹۸ ۶۵۴

۵۵ الرَّحْمَنَ ۳۰۰ ۶۵۵

۵۶ وَاقِعَهُ ۳۰۲ ۶۵۹

۵۷ حَدِيدَ ۳۱۰ ۶۶۳

٥٨ مُجَادِلَه ٣١٥ ٦٦٥

٥٩ حَشْر ٣١٧ ٦٦٨

ص: ٧٥٥

شماره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند

۶۰ مُنْتَحَنَه ۳۲۳ ۶۶۹

۶۱ صف ۳۲۴ ۶۷۰

۶۲ جمعه ۳۲۷ ۶۷۱

۶۳ مُنَافِقُونَ ۳۲۹ ۶۷۲

۶۴ تَعَابُن ۳۳۰ ۶۷۲

۶۵ طلاق ۳۳۱ ۶۷۳

۶۶ تحریم ۳۳۳ ۶۷۳

۶۷ مُلْك ۳۳۴ ۶۷۵

۶۸ قلم ۳۳۵ ۶۷۶

۶۹ حَاقَّة ۳۳۹ ۶۷۸

۷۰ مَعَارِج ۳۴۰ ۶۸۰

۷۱ نوح ۳۴۱ ۶۸۱

۷۲ جِنّ ۳۴۴ ۶۸۲

۷۳ مَرْثَل ۳۴۶ ۶۸۳

۷۴ مَدَّثِر ۳۴۶ ۶۸۳

۷۵ قِيَامَت ۳۴۸ ۶۸۴

۷۶ انسان ۳۴۹ ۶۸۵

۷۷ مَرْسَلَات ۳۵۲ ۶۸۷

۷۸ نَبَا ۳۵۳ ۶۸۸

٧٩ نازعات ٣٦٠ ٦٩٠

٨٠ عَبَسَ ٣٦٣ ٦٩١

ص: ٧٥٦

شماره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند

۸۱ تَكْوِير ۳۶۴ ۶۹۲

۸۲ اِنْطَار ۳۶۸ ۶۹۳

۸۳ مُطَفِّين ۳۶۹ ۶۹۳

۸۴ اِنْشِقَاق ۳۷۳ ۶۹۶

۸۵ بُرُوج ۳۷۵ ۶۹۷

۸۶ طَارِق ۳۷۸ ۶۹۸

۸۷ اَعْلَى ۳۸۰ ۶۹۹

۸۸ غَاشِيَه ۳۸۲ ۶۹۹

۸۹ فَجْر ۳۹۱ ۷۰۰

۹۰ بَلَد ۳۹۸ ۷۰۱

۹۱ شَمْس ۴۰۲ ۷۰۳

۹۲ لَيْل ۴۰۵ ۷۰۵

۹۳ ضُحَى ۴۰۸ ۷۰۷

۹۴ اِنْشِرَاح ۴۱۰ ۷۰۸

۹۵ تَيْن ۴۱۲ ۷۰۹

۹۶ عَلَق ۴۱۴ ۷۱۰

۹۷ قَدْر ۴۱۸ ۷۱۱

۹۸ بَيِّنَه ۴۲۴ ۷۱۲

۹۹ زُلْزَلَه ۴۲۸ ۷۱۶

٧١٧ ٤٣٠ عاڊيات ١٠٠

٧١٨ ٤٣٧ قارعه ١٠١

ص: ٧٥٧

شماره سوره سوره مبارکه شماره صفحه شعر شماره صفحه سند

۱۰۲ تَكَاثُر ۷۱۹ ۴۳۹

۱۰۳ عصر

۷۲۰ ۴۴۱

۱۰۴ هُمَزَه ۷۲۱ ۴۴۳

۱۰۵ فیل

۷۲۱ ۴۴۴

۱۰۶ قُرَيْش ۷۲۱ ۴۴۵

۱۰۷ مَاعُون ۷۲۲ ۴۴۶

۱۰۸ كُوثر ۷۲۳ ۴۴۸

۱۰۹ كَافِرُون ۴۵۶

۱۱۰ نَصْر ۷۲۴ ۴۵۷

۱۱۱ مَسَد ۷۲۵ ۴۶۰

۱۱۲ اِخْلَاص ۷۲۵ ۴۶۱

۱۱۳ فَلَق ۷۲۶ ۴۷۱

۱۱۴ نَاس ۴۷۴

ص: ۷۵۸

دیگر آثار به چاپ رسیده از نگارنده

بیان رسا: شرح و تفسیر دعاهای ایام ماه مبارک رمضان (۲جلد).

سیر سالک: عرفان عملی و رسیدن به خدای تبارک و تعالی (۳جلد).

غنچه های نشکفته: روش زندگی و کمالات آن.

زیارت انوار اعلی: زیارت حضرات معصومین علیه السلام؛ در معنا و خصوصیات زیارت.

دیوان عشق: شامل غزلیات، مسّمطات، ترکیب بند، ترجیع بند، ساقی نامه، مثنویات، قصائد، قطعه ها، مستزاد، دو بیتی ها و رباعیات.

دیوان حبّ: شامل مدح، نوحه و مصیبت حضرات چهارده معصوم علیه السلام و بعضی از معصوم زادگان محترم (۳جلد)

زیارت انوار الهی: زیارت معصومان پاک علیه السلام در دو زیارت جامع و کوتاه.

صحیفه ی حبّ: شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق.

سلام و صلوات خدای سلام: دو واژه مقدّس در رابطه با خدای تعالی.

صحیفه ی ولایت: شرح و تفسیر مناجات شریف شعبانیه.

و آثار در حال چاپ... .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

